



عالممان شش جلد

جلد اول

رحیم ابوالحسینی

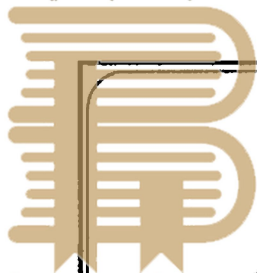
با راهنمایی

محمود تقی زاده داوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



عالمان شیعه

(سده سوم از سال ۲۵۵ - ۲۹۹ ق)

جلد اول

نویسنده:

رحیم ابوالحسنینی

با راهنمایی:

محمود تقی زاده داوری

ابوالحسنی، رحیم، ۱۳۴۴.

عالمان شیعه (سده سوم از سال ۲۵۵-۲۹۹ ق) / نویسنده رحیم ابوالحسنی، با راهنمایی محمود تقی‌زاده داور، قم، انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.

ج ۱.

ISBN: 964-95558-6-2

(ج ۱)

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. مجتهدان و علماء، سرگذشتنامه.

۲. شیعه، سرگذشتنامه.

۲۹۷/۹۹۶

ع ۲ الف ۵۵/۲ BP

م ۸۲-۳۲۲۵۲

کتابخانه ملی ایران

عالمان شیعه (سده سوم از سال ۲۵۵ - ۲۹۹ ق)

ناشر:

نوبت چاپ:

چاپ و صحافی:

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

ISBN: 964-95558-6-2

شابک: ۹۶۴-۹۵۵۵۸۶-۲

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

info@shistu.org

پست الکترونیک:

www.shistu.org

پایگاه اطلاع‌رسانی:

این پژوهش با مساعدت مالی سازمان تبلیغات اسلامی به انجام رسیده است.

فهرست مطالب

۵	فهرست مطالب
۱۳	مقدمه رئیس مؤسسه شیخه‌شناسی
۲۱	مقدمه نگارنده
۲۵	اختصارات و نشانها
۲۷	۱. ابراهیم بن اسحاق بن ابی‌بشر احمدی نهاوندی (؟ - پ ۲۹۳ ق)
۲۹	۲. ابراهیم بن داود هاشمی یعقوبی (ع ۱۹۰ - ح ۲۵۵ ق)
۳۱	۳. ابراهیم بن صالح نخعی (ع ۱۸۸ - ح ۲۷۳ ق)
۳۱	۴. ابراهیم بن عبده نیشابوری (؟ - ح ۲۶۱ ق)
۳۳	۵. ابراهیم بن محمد بن سعید ... بن سعید بن مسعود (؟ - ۲۸۳ ق)
۳۳	۶. ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری (ع ۲۰۱ - ح ۲۸۰ ق)
۳۶	۷. ابراهیم بن محمد همدانی (؟ - ح ۲۶۵ ق)
۳۸	۸. ابراهیم بن مهزیار (؟ - ۱۹۵ - ۲۶۵ ق)
۴۰	۹. ابراهیم بن هاشم قمی (ع ۱۹۰ - ح ۲۷۵ ق)
۴۲	۱۰. ابوغانم قزوینی (؟ - ۲۶۰ ق)
۴۳	۱۱. احمد بن ابراهیم بن اسماعیل ... همدون بغدادی (ع ۱۸۵ - ح ۲۵۵ ق)
۴۶	۱۲. احمد بن ابراهیم مراغی (؟ - ح ۲۹۰ ق)
۴۹	۱۳. احمد (محدث) بن ابونعمان دقیقی کولبی (؟ - ۲۶۰ ق)
۵۰	۱۴. احمد بن ابی‌طاهر طیفور مروزی خراسانی بغدادی (۲۰۴ - ۲۸۰ ق)
۵۳	۱۵. احمد بن ابی‌یعقوب اسحاق بن جطر ... (؟ - ۲۷۸ یا ۲۸۲ ق)
۵۴	۱۶. احمد بن اسحاق قمی (؟ - ح ۲۶۱ ق)
۵۶	۱۷. احمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن فضال (؟ - ۲۶۰ ق)
۵۷	۱۸. احمد بن حسن مادرانی (؟ - پ ۲۷۶ ق)
۶۱	۱۹. احمد بن حسین بن عبدالملک (ع ۱۹۷ - ح ۲۹۵ ق)

۲۰. احمد بن حسین بن قزاق... بن ابی نصر سکونی (؟ - ۲۶۱ ق.)
۲۱. احمد بن داود بن سعید فزازی جرجانی (ح ۱۹۵ - ح ۲۷۵ ق.)
۲۲. احمد بن داود بن وندنجوی لغوی مهندس (۶۲۱۰ - ۲۸۲ یا ۲۹۰ ق.)
۲۳. احمد بن عامر بن سلیمان بن صالح بن وهب طائی (۱۵۷ - ب ۲۶۰ ق.)
۲۴. احمد بن عبدالعزیز بن ابی دلف عجلی کرچی (؟ - ۲۸۰ ق.)
۲۵. احمد بن عبیدالله بن ناصح بن یکنجر نحوی کوفی (؟ - ۲۷۳ ق.)
۲۶. احمد بن علی انصاری (ب ۲۰۳ - ۲۹۵ ق.)
۲۷. احمد بن علی بن محمد بن جعفر علوی عقیلی (؟ - ۲۸۰ ق.)
۲۸. احمد بن علی بن نعمان (؟ - ح ۲۹۵ ق.)
۲۹. احمد بن عیسی وشاء بغدادی (؟ - ح ۲۹۸ ق.)
۳۰. احمد بن فرات بن خالد بن مسعود اسفهان‌ری رازی (؟ - ۲۵۸ ق.)
۳۱. احمد بن محمد... بن محمد بن علی کوفی (ح ۱۹۶ - ۲۷۴ ق.)
۳۲. احمد بن محمد بن زید خزاعی (؟ - ۲۶۲ ق.)
۳۳. احمد بن محمد بن سبازی (۲۲۰۰ - ب ۲۸۰ ق.)
۳۴. احمد بن محمد بن عیسی الثعربی قمی (ق ۲۱۷ - ح ۲۸۰ ق.)
۳۵. احمد بن محمد بن مروان بن طیب سرخسی (ق ۲۲۵ - ۲۸۶ ق.)
۳۶. احمد بن محمد طبری املی (؟ - ۲۷۵ ق.)
۳۷. احمد بن میثم بن ابی نعیم لعل بن ذکین (ح ۲۰۰ - ح ۲۹۰ ق.)
۳۸. احمد بن هشام طبری (؟ - ح ۲۵۵ ق.)
۳۹. احمد بن هلال کرخی عبرتائی (۱۸۰ - ۲۶۷ ق.)
۴۰. احمد بن یحیی بن اسحاق راوندی بغدادی (۲۰۵ - ۲۹۸ ق.)
۴۱. احمد بن یحیی بن میثار کوفی شیسانی (۲۰۰ - ۲۹۱ ق.)
۴۲. احمد بن یوسف بن حمزه بن زیاد جعلی (؟ - ح ۲۷۵ ق.)
۴۳. احمد بن یوسف بن یعقوب جعلی (؟ - ح ۲۶۵ ق.)
۴۴. اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (؟ - ح ۲۶۰ ق.)
۴۵. اسحاق بن محمد نخعی بصری (؟ - ح ۲۶۰ ق.)
۴۶. اسحاق بن یعقوب کلینی (؟ - ح ۲۹۵ ق.)
۴۷. اسماعیل بن عبدالله قمی (؟ - ح ۲۹۹ ق.)
۴۸. ایوب بن نوح بن مزاج (ب ۱۸۳ - ح ۲۵۵ ق.)
۴۹. بکر بن صالح ضبی رازی (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق.)
۵۰. جبرئیل بن احمد فارابی کشی (؟ - ح ۲۹۵ ق.)

۵۱. جعفر بن ابراهیم حصرمی (ع ۱۸۰ - ح ۲۵۶ ق)..... ۱۱۱
۵۲. جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی (؟ - ح ۲۹۹ ق)..... ۱۱۳
۵۳. جعفر بن احمد بن وندک رازی (؟ - ح ۲۵۵ ق)..... ۱۱۴
۵۴. جعفر بن احمد بن یوسف اودی کوفی (؟ - ح ۲۹۸ ق)..... ۱۱۵
۵۵. جعفر بن سهیل صیقل (؟ - ح ۲۷۵ ق)..... ۱۱۶
۵۶. جعفر بن شریف جرجانی (؟ - ح ۲۶۰ ق)..... ۱۱۷
۵۷. جعفر بن عبدالله راس منبری علوی محمندی (ع ۱۹۵ - ح ۲۸۰ ق)..... ۱۱۹
۵۸. جعفر بن مازن کاهلی طحان (؟ - ۲۶۶ ق)..... ۱۲۱
۵۹. جعفر بن منثی خطیب (؟ - ح ۲۵۵ ق)..... ۱۲۲
۶۰. جعفر بن محمد... بن حسین بن عمر اشرف (؟ - پ ۲۵۵ ق)..... ۱۲۳
۶۱. جعفر بن محمد بن علی بن موسی (۲۲۶ - ۲۷۱ ق)..... ۱۲۴
۶۲. جعفر بن محمد بن عمر (ق ۱۷۲-۲۷۲ ق)..... ۱۲۶
۶۳. حسن بن احمد مالکی (؟ - ح ۲۹۰ ق)..... ۱۳۰
۶۴. حسن بن جعفر قافانی بغدادی (؟ - ح ۲۵۶ ق)..... ۱۳۱
۶۵. حسن بن خالد برقی (؟ - ح ۲۵۵ ق)..... ۱۳۲
۶۶. حسن بن زید بن محمد... حسن بن علی بن ابی طالب (؟ - ۲۷۰ ق)..... ۱۳۳
۶۷. حسن بن عبید کندی (ق ۲۴۰ - ح ۲۹۰ ق)..... ۱۳۵
۶۸. حسن بن علی بن عبدالله بن مفیره بجلی کوفی (ع ۲۰۵ - ح ۲۹۰ ق)..... ۱۳۷
۶۹. حسن بن علی بن نعمان کوفی (؟ - ح ۲۶۰ ق)..... ۱۳۹
۷۰. حسن بن علی خزرجی انصاری سعدی (؟ - ح ۲۹۵ ق)..... ۱۴۰
۷۱. حسن بن علی زیتونی اشعری (؟ - ۲۹۵ ق)..... ۱۴۲
۷۲. حسن بن قاسم بن حسین بجلی (؟ - پ ۲۹۳ ق)..... ۱۴۳
۷۳. حسن بن محمد بن بابا قمی (؟ - ح ۲۵۶ ق)..... ۱۴۴
۷۴. حسن بن محمد بن سماعه (؟ - ۲۶۳ ق)..... ۱۴۷
۷۵. حسن بن موسی غشاب کوفی (ع ۱۸۵ - ح ۲۶۰ ق)..... ۱۴۹
۷۶. حسن بن نصر ابرش (؟ - ح ۲۶۰ ق)..... ۱۵۱
۷۷. حسین بن احمد بن محمد بن زکریا (؟ - ۲۹۸ ق)..... ۱۵۳
۷۸. حسین بن اشکیب مروزی (ع ۲۱۰ - ح ۲۸۵ ق)..... ۱۵۴
۷۹. حسین بن حسن بن ابان قمی (؟ - ح ۲۸۵ ق)..... ۱۵۶
۸۰. حسین بن سعید بن حماد... اهوازی کوفی (؟ ۱۸۰ - ۲۴۵ ق)..... ۱۵۷
۸۱. حسین (حسن) بن سکن امصدی کوفی قرشی (؟ - ۳۵۸ ق)..... ۱۵۹

۸۲. حسین بن یزید بن محمد... نخعی نوفلی (ح ۱۸۳ - ح ۲۵۵ ق) ۱۶۰
۸۳. حکیمه دختر امام جواد علیه السلام (ب ۲۰۳ - ح ۲۷۲ ق) ۱۶۲
۸۴. حمدان بن سلیمان نیشابوری (ح ۱۸۰ - ح ۲۶۰ ق) ۱۶۴
۸۵. حمدان (احمد) بن معالی حبیبی کوفی (؟ - ح ۲۶۵ ق) ۱۶۶
۸۶. داود بن ابی‌یزید نیشابوری (؟ - ح ۲۵۵ ق) ۱۶۸
۸۷. داود بن سلیمان غازی قزوینی (ح ۱۷۰ - ح ۲۶۰ ق) ۱۶۹
۸۸. داود بن قاسم بن اسحاق... بن جعفر بن ابی‌طالب (ق ۲۰۰ - ح ۲۶۱ ق) ۱۷۲
۸۹. ریان بن صلت بغدادی خراسانی اشعری (؟ - ح ۲۶۵ ق) ۱۷۴
۹۰. زبیر بن بکار بن عبدالله بن مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبیر بن عوام (۱۷۲ - ح ۲۵۶ ق) ۱۷۶
۹۱. زکریا مؤمن قمی اشعری (ح ۱۶۷ - ح ۲۵۵ ق) ۱۷۸
۹۲. زینب بنت امام جواد علیه السلام (؟ - ح ۲۶۰ ق) ۱۸۰
۹۳. زینب بنت موسی میرقع (؟ - ب ۲۵۶ ق) ۱۸۰
۹۴. سعد بن عبدالله بن ابی‌خلف اشعری (؟ - ح ۲۹۹ ق) ۱۸۱
۹۵. سندی بن ربیع کوفی (ح ۱۸۰ - ح ۲۶۰ ق) ۱۸۲
۹۶. سهل بن زیاد اُسی رازی (؟ - ب ۲۵۵ ق) ۱۸۴
۹۷. شاهویه بن عبدالله جلاب (؟ - ح ۲۶۰ ق) ۱۸۵
۹۸. صالح بن سلمه بن ابی‌حماد رازی (ق ۲۰۰ - ح ۲۶۵ ق) ۱۸۶
۹۹. طاهر بن حاتم بن ماهویه قزوینی (ح ۱۶۰ - ح ۲۵۶ ق) ۱۸۸
۱۰۰. عباده بن یعقوب رواجی عسفری اسدی کوفی (؟ - ح ۲۵۰ یا ۲۷۱ ق) ۱۹۰
۱۰۱. عباس بن موسی وراق بغدادی (ح ۱۷۵ - ح ۲۶۰ ق) ۱۹۲
۱۰۲. عباس نجاشی اسدی کوفی (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق) ۱۹۴
۱۰۳. عبدالرحمان بن ابی‌نجران تمیمی کوفی (؟ - ح ۲۵۵ ق) ۱۹۵
۱۰۴. عبدالرحمان بن احمد بن جبرویه / خبرویه (؟ - ح ۲۸۵ ق) ۱۹۷
۱۰۵. عبدالرحمان بن یوسف بن خراش مروزی بغدادی (؟ - ح ۲۸۳ ق) ۱۹۹
۱۰۶. عبدالعزیز بن مهدی اشعری قمی (ح ۱۸۰ - ح ۲۶۰ ق) ۲۰۰
۱۰۷. عبدالله بن احمد بن حرب مهزومی عبیدی (ح ۱۷۵ - ح ۲۵۷ ق) ۲۰۲
۱۰۸. عبدالله بن جعفر... جامع بن مالک حمیری (؟ - ب ۲۹۷ ق) ۲۰۸
۱۰۹. عبدالله بن حمدویه بیهقی (ح ۱۸۳ - ح ۲۷۵ ق) ۲۱۰
۱۱۰. عبدالله بن صلت قمی (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق) ۲۱۲
۱۱۱. عبدالله بن طاووس (ح ۱۶۰ - ح ۲۶۰ ق) ۲۱۴
۱۱۲. عبدالله بن محمد حجاج اسدی (ح ۱۸۵ - ح ۲۶۰ ق) ۲۱۵

۱۱۳. عبدالله بن محمد خُصینی (خصینی) اهوازی (؟ - ح ۲۵۵ ق)..... ۲۱۸
۱۱۴. عبدالله بن محمد حنّان جنبالی (؟ - ۲۳۵ - ۲۸۷ ق)..... ۲۲۰
۱۱۵. عبدالله بن محمد بن خالد طرابلسی تمیمی کوفی (؟ - ۳۹۰ ق)..... ۲۲۱
۱۱۶. عبدالله بن محمد دمشقی شامی (؟ - ۲۱۰ ح - ۲۹۶ ق)..... ۲۲۲
۱۱۷. عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (۲۱۴ - ۲۷۶ ق)..... ۲۲۴
۱۱۸. عبید بن کثیر بن محمد (بن کثیر) ... عبدالله بن شریک عامری کلابی وهیدی (؟ - ۲۹۴)..... ۲۲۶
۱۱۹. عبیدالله بن اسحاق بن سلام مکاری (؟ - ۲۷۱ ق)..... ۲۲۷
۱۲۰. عثمان بن سعید عمری (؟ - ح ۲۶۷ ق)..... ۲۲۹
۱۲۱. علی بن جعفر هفانی برمکی (؟ - ۳۶۵ ق)..... ۲۳۱
۱۲۲. علی بن جندب بن عبدالله بن جندب کوفی (؟ - ۲۶۸ ق)..... ۲۳۳
۱۲۳. علی بن حسن بن علی بن فضال (؟ - ۲۹۰ ق)..... ۲۳۴
۱۲۴. علی بن حسن بن محمد طائی جرمی (؟ - ۲۶۰ ق)..... ۲۳۵
۱۲۵. علی بن ریان بن صلت اشعری قمی (ح ۲۰۰ - ح ۲۷۰ ق)..... ۲۳۷
۱۲۶. علی بن سلیمان بن داود رازی (؟ - ب ۲۵۹ ق)..... ۲۳۹
۱۲۷. علی بن عباس بن جریر / جورجیوس (۲۲۱-۲۸۳ ق)..... ۲۴۰
۱۲۸. علی بن عبدالله بن مروان بغدادی (؟ - ۲۸۰ ق)..... ۲۴۳
۱۲۹. علی بن علی بن زین بن عثمان ... بن بدیل بن ورفاء خزاعی کوفی (۱۷۲ - ۲۸۳ ق)..... ۲۴۴
۱۳۰. علی بن محمد بن زیاد صیمری (؟ - ۲۸۸ ق)..... ۲۴۵
۱۳۱. علی بن محمد علوی برقی عبیدی (؟ - ۳۷۰ ق)..... ۲۴۶
۱۳۲. علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری (؟ - ح ۲۹۵ ق)..... ۲۴۹
۱۳۳. علی بن مهدی بن صدقه قمی زُنی انصاری (ح ۱۸۰ - ح ۲۷۰ ق)..... ۲۵۰
۱۳۴. علی بن مهزیار اهوازی (؟ - ۲۵۵ ق)..... ۲۵۳
۱۳۵. عمران بن محمد بن عمران ... بن سعد اشعری (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)..... ۲۵۵
۱۳۶. عمر بن ابی‌مسلم (؟ - ح ۲۸۰ ق)..... ۲۵۶
۱۳۷. عمر بن فرات بغدادی (؟ - ح ۲۵۷ ق)..... ۲۵۷
۱۳۸. عمرکی بن علی بن محمد خراسانی بوفکی (ح ۱۸۰ - ح ۳۶۵ ق)..... ۲۵۹
۱۳۹. عمرو بن حرث (؟ - ۲۶۷ ق)..... ۲۶۱
۱۴۰. عوانه بن حسین (؟ - ۳۶۴ ق)..... ۲۶۲
۱۴۱. فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی (ح ۱۸۳ - ح ۲۵۸ ق)..... ۲۶۳
۱۴۲. فضل بن جعفر بن فضل بن یونس انباری کوفی (؟ - ۲۵۸ ق)..... ۲۶۵
۱۴۳. فضل بن شاذان بن خلیل (ب ۱۷۰ - ۲۶۰ ق)..... ۲۶۹

۱۳۴. قاسم بن هشام لؤلؤی کوفی (ع ۲۰۴ - ح ۲۹۰ ق) ۲۷۱
۱۳۵. قاسم بن یحیی بن حسن بن راشد کوفی (ع ۱۸۰ - ح ۲۵۵) ۲۷۲
۱۳۶. محمّد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی (؟ - ح ۲۸۰ ق) ۲۷۵
۱۳۷. محمّد بن احمد بن جعفر قمی عطار (؟ - ح ۲۷۰ ق) ۲۷۷
۱۳۸. محمّد بن احمد بن حماد مروزی محمودی (ع ۱۹۵ - ح ۲۶۵ ق) ۲۷۸
۱۳۹. محمّد بن احمد بن محمّد بن حارث (؟ - ح ۲۷۵ ق) ۲۸۰
۱۴۰. محمّد بن احمد بن محمّد بن رجاء (؟ - ۲۶۶ ق) ۲۸۲
۱۴۱. محمّد بن احمد بن نعیم بن شاذان نیشابوری (؟ - ح ۲۹۰ ق) ۲۸۳
۱۴۲. محمّد بن احمد بن یحیی اشعری (؟ - ق ۲۹۹ ق) ۲۸۵
۱۴۳. محمّد بن اسحاق... بن ماهان قاضی کوفی (۲۱۲ - ۲۷۵ ق) ۲۸۶
۱۴۴. محمّد بن اسماعیل بن صالح صیمری (؟ - ح ۲۵۵ ق) ۲۸۷
۱۴۵. محمّد بن یکر بن جناح کوفی ازهی (ع ۱۶۳ - ۲۶۳ ق) ۲۸۹
۱۴۶. محمّد بن حسان رازی زنبی (؟ - ح ۲۵۵ ق) ۲۹۰
۱۴۷. محمّد بن حسن بن شمون بصری بغدادی (۱۲۲ - ۲۵۸ ق) ۲۹۱
۱۴۸. محمّد بن حسن بن فروغ صفّار قمی (؟ - ۲۹۰ ق) ۲۹۳
۱۴۹. محمّد بن حسین... زیات همدانی کوفی (۱۷۲ - ۲۶۲ ق) ۲۹۴
۱۵۰. محمّد بن حسین بن سعید (؟ - ۲۶۹ ق) ۲۹۶
۱۵۱. محمّد بن خالد بن عمر طرابلسی تمیمی (۱۶۲ - ۲۵۹ ق) ۲۹۷
۱۵۲. محمّد بن ربیع بن سوید سائی (؟ - ح ۲۶۰ ق) ۲۹۸
۱۵۳. محمّد بن زکریّا بن دینار غلابی جوهری بصری (؟ - ۲۹۸ ق) ۳۰۰
۱۵۴. محمّد بن زید بن محمّد... بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام (؟ - ۳۸۷ ق) ۳۰۱
۱۵۵. محمّد بن صالح ازهی (؟ - ح ۲۶۰ ق) ۳۰۲
۱۵۶. محمّد بن صالح بن محمّد همدانی دهقان (؟ - ب ۲۷۰ ق) ۳۰۳
۱۵۷. محمّد بن عبّاس بن عیسی غاضری (؟ - ۲۹۹ ق) ۳۰۵
۱۵۸. محمّد بن عبدالجبار ابی صهبان قمی شیبانی (ع ۱۹۰ - ح ۲۸۰ ق) ۳۰۶
۱۵۹. محمّد بن عبدالحمید بن سالم عطار کوفی (ع ۱۸۳ - ب ۲۶۵ ق) ۳۰۸
۱۶۰. محمّد بن عبدالله مسلمی (؟ - ۲۶۶ ق) ۳۱۱
۱۶۱. محمّد بن علی بن بلال (ع ۱۹۰ - ح ۲۸۰ ق) ۳۱۲
۱۶۲. محمّد بن عمرو سوسی کوفی (۱۵۹ - ۲۵۹ ق) ۳۱۵
۱۶۳. محمّد بن عیسی بن عبید بن یقطین بن موسی (ع ۲۲۰ - ۲۶۰ ق) ۳۱۶
۱۶۴. محمّد بن فرج رنجبی (؟ - ح ۲۵۵ ق) ۳۱۸

۱۷۵ محمّد بن قاسم بن خالد بن یاسر بن سلیمان (۱۹۱ - ۲۸۳ ق)
۱۷۶ محمّد بن محمّد بن عصام (؟ - ۲۶۱ ق)
۱۷۷ محمّد بن موسی بن حسن فرات (؟ - ۲۶۵ ق)
۱۷۸ محمّد بن یحیی معافی نیشابوری (؟ - ح ۲۸۰ ق)
۱۷۹ محمّد بن یزداد وازی بخاری (؟ - ح ۲۸۵ ق)
۱۸۰ محمّد بن یزید ... بن عبید ثمالی ازدی بصری (۲۱۰ - ۲۸۵ ق)
۱۸۱ محمّد بن یوسف بن ابراهیم وردانی (ح ۲۰۰ - ح ۲۹۵ ق)
۱۸۲ معنی بن محمّد بصری (؟ - ح ۲۵۵ ق)
۱۸۳ موسی بن الامام ابو جعفر محمّد الجواد التّیّیّ (؟ - ۲۹۶ ق)
۱۸۴ ولید بن عبید بن یحیی (۲۰۶ - ۲۸۴ ق)
۱۸۵ هارون بن مسلم بن سعدان کوفی (؟ - ح ۲۷۵ ق)
۱۸۶ یحیی بن حسن بن جعفر الحجّیّ بن ... الاصفهانی الامام السّیّد المکرم (۲۱۴ - ۲۷۷ ق)
۱۸۷ یحیی بن حسین بن قاسم الرّضیّیّ ... «الهادی الی الحق» (۲۲۰ - ۲۹۸ ق)
۱۸۸ یعقوب بن اسحاق بن صباح بن عمران ... بن اشعث بن قیس کنفیّ لق ۱۸۵ - ۲۶۰ ق)
۱۸۹ یعقوب بن منقوش (ح ۱۹۵ - ح ۲۶۵ ق)
۱۹۰ یوسف بن ابراهیم بن ذابّه بندهای مصری (۱۸۰ - ۲۶۵ ق)
۱۹۱ یوسف بن سحکت بصری (؟ - ح ۲۷۵ ق)
۲۵۱ فهرست اسامی شخصیت‌ها (به ترتیب سال ولادت ۲۵۵ / ۳۰۰ ق)
۲۵۹ نمایه‌ها
۲۵۹ نمایه اشخاص و اعلام
۴۰۱ نمایه اماکن
۴۰۵ نمایه کتب
۴۱۷ فهرست منابع



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مقدمه رئیس مؤسسه شیعه‌شناسی

مطالعات تاریخی به روشنی به ما نشان می‌دهند که جوامع بشری همواره تحت نفوذ عالمان و دانشمندان خویش قرار داشته‌اند. عالمان پا به پای قدرتمندان و ثروتمندان جوامع، در تحولات اجتماعی عصر خود نقش داشته و از این‌رو، در اعتلا و انحطاط تمدن‌های تاریخی کاملاً سهیم بوده‌اند.

این موضوع در اواخر کتاب شریف جامعه و تاریخ معلم شهید، آیه‌الله مرتضی مطهری - قدس الله نفسه الزکیه - به طور مستوفی مورد بحث قرار گرفته و ابعاد گوناگون آن شرح داده شده است. طبق این دیدگاه، نخبگان علمی و ارباب دانش و معرفت همواره به مثابه عامل محرک تاریخ عمل کرده و زمینه تکامل اجتماعی انسان‌ها در حیات تاریخی‌شان را فراهم آورده‌اند.^۱ متون دینی ما نیز - فی الجمله - چنین ایده‌ای را تأیید می‌کنند، آنجا که صلاح و فساد عموم مردم را در گرو صلاح و فساد سه طایفه، از جمله علما و فقها دانسته‌اند. بر طبق این متون، عامه مردم همواره تابع و پیرو سه گروه بوده، از آنها الگو و سرمشق گرفته‌اند و در نتیجه، با صلاح و سداد آنها، درست‌کار شده و با فساد و عناد آنها، زشت‌کار گردیده‌اند: ۱. امرا، حکام، صاحبان زور و قدرت؛ ۲. اغتیا، تجار، صاحبان ثروت و دارایی؛ ۳. علما، فقها، صاحبان منزلت و حیثیت.^۲

دسته‌بندی مزبور، که قشرهای بانفوذ اجتماعی را در سه دسته مذکور

۱. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بن‌نا، ص ۲۱۳-۲۱۴.

۲. محمد بن علی بن بابویه، الخصال، ج ۱، باب الاثین، ص ۳۶، ح ۹۱۲، ج ۱، باب الثلاثه، ص ۱۱۶، ح

خلاصه کرده و روابط اجتماعی تعیین‌کنندهٔ حیات انسان‌ها را سرآخر، در سه عرصهٔ اقتصاد، سیاست و علم / معرفت محدود می‌سازد، بدین معناست که صلاح و فساد عالمان و بخش آموزشی - پژوهشی جامعه هم‌عرض با صلاح و فساد نروتمندان، و بخش اقتصادی جامعه هم‌پای صلاح و فساد قدرتمندان، و عرصهٔ سیاسی جامعه در پیشرفت و یا پسرفت حرکت جوامع بشری سهیم و مؤثر بوده‌اند.

از این رو، علم‌دوستی و بهادادن به عالمان همواره در طول تاریخ و در همهٔ جوامع، ارزشی اجتماعی به حساب آمده و در نتیجه، دانشمندان همیشه از موقعیت و پایگاه اجتماعی ممتازی برخوردار بوده‌اند. هر قوم، طایفه، نژاد، ملت و کشوری نسل به نسل از عالمان، متفکران و نویسندگان خود تجلیل کرده، یاد و آثار و آراء آنان را زنده نگاه داشته و به نسل بعد منتقل نموده است. معرفی متفکران و دانشمندان و صاحبان قلم به عموم مردم، علاوه بر اینکه - فی نفسه - امری ممدوح و باارزش است، موجب ترغیب و تشویق مردم به فراگیری علم و معرفت شده، طبعاً زمینهٔ توسعهٔ علمی و تکامل حیات جمعی آن مردم را نیز فراهم می‌آورد، در عین حال، آن‌ها را در دید سایر اقوام، عزیز و کریم جلوه می‌دهد.

مجموعه کتب *او چه کسی است (Who is Who)*، که امروزه توسط کشورهای انگلیسی زبان، در معرفی شخصیت‌های برجستهٔ علمی مغرب زمین، چه گذشته و چه معاصر، چاپ و منتشر می‌شود، از شهرت و اعتبار جهانی برخوردار بوده و شیوه‌ای امروزی در شناساندن زیدگان و نخبگان جوامع انگلیسی زبان تلقی می‌گردد. این مجموعه هر چند سال در میان، با افزودن سرگذشت‌نامه‌های دانشمندان جدید، تکمیل و به روز می‌شود و همچون مرجعی معتبر، مورد استناد قرار می‌گیرد.

جمعیت شیعه نیز از قدیم بر همین روال عقلایی مشی کرده است. از زمان

شکل‌گیری پیروان حضرت علی علیه السلام در قالب یک گروه اجتماعی متمایز با عنوان «شیعه علی علیه السلام»، نوشتن و شناساندن اصحاب، راویان، محدثان و گزارشگران از امام علی علیه السلام و اولاد ایشان علیهم السلام در میان پیروان ایشان رواج داشته است. مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی رحمته الله در کتاب نفیس الدریمه، عبیدالله بن ابی رافع (م ح ۹۰ ق) کاتب امام علی علیه السلام را نخستین تدوین‌کننده علم رجال (علم روایتگران حدیث) بر شمرده است. او با تدوین کتاب تسمیه من شهید مع امیرالمؤمنین علیه السلام فی الجمل والصفین والنهران من الصحابه (نامنامه صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله که در جنگ‌های جمل و صفین و نهران در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام بودند)، در واقع، اولین گام را در مسیر شکل‌گیری دانش رجال برداشته است.^۱ این دانش در قرن دوم و سوم هجری، با تدوین کتاب الرجال توسط عبدالله بن جبلة کنانی (م ۲۱۹ ق) و کتاب رجال توسط حسن بن علی، معروف به «ابن فضال» (م ۲۲۴ ق)؛ و کتاب‌های المشیخه و معرفة راوة الاخبار توسط ابوعلی حسن بن محبوب زراد (م ۲۲۴ ق)، تاریخ الرجال توسط احمد بن علی بن محمد حقیقی (م ۲۸۰ ق) و رجال و یا طبقات الرجال ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، تطوّر چشم‌گیری پیدا نمود. نیمه اول قرن پنجم هجری را باید اوج تحوّل این رشته علمی به حساب آورد. در این دوره بود که چهار منبع مهم علم «رجال» شیعه، یعنی فهرست، اختیار معرفة الرجال و رجال توسط ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به «شیخ الطائفة» (م ۴۶۰ ق) و رجال (یا فهرست مصنفات شیعه) توسط ابوالعباس احمد بن حسین نجاشی (م ۴۵۰ ق) نگاشته شدند و دانش شناخت راویان حدیث و گزارشگران گفته‌های امامان شیعه علیهم السلام را بنیانی تاریخی بخشیدند.^۲

۱. شیخ آقا بزرگ طهرانی، الدریمه، بیروت، دارالاضواء، ج ۱۰، ص ۸۰.

۲. دائرة المعارف نشیخ، ج ۴، ص ۳۰۹-۳۰۶، ذیل واژه «نشیخ».

با شروع دوره غیبت امام موعود (عج) و از بین رفتن زمینه استماع حدیث از امامان معصوم علیهم السلام، دانش «تراجم» و یا علم شناخت حالات، اوصاف و ویژگی‌های عالمان شیعی پس از عصر حضور امامان علیهم السلام نیز به دانش «رجال» ضمیمه گردید و زمینه توسعه و گسترش آن را فراهم آورد. علم «رجال و تراجم و تذکره‌نویسی» به صورت یک رشته تخصصی، قرن به قرن در حوزه‌های علمی شیعه تداوم یافت و هر دوره با معرفی عالمانی جدید، بالنده‌تر و استوارتر گردید. موسوعه‌های اعیان الشیعه، نوشته علامه سید محسن امین رحمته الله علیه (م ۱۳۷۱ ق) و طبقات اعلام الشیعه، نوشته علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی رحمته الله علیه (م ۱۳۹۸ ق) و معجم رجال الحدیث، نوشته آیه‌الله سید ابوالقاسم خوئی رحمته الله علیه (م ۱۴۱۳ ق) از مهم‌ترین آثار متأخر شیعیان در این رشته علمی تلقی می‌شوند. کتب مذکور دانش رجال و تراجم شیعی را به طور چشمگیری ارتقا بخشیدند و بنیانی نو، روشمند و امروزی برای آن فراهم آوردند.

اما در عین حال، باید یادآور شد که همه منابع مذکور به زبان عربی و به گونه‌ای تخصصی نوشته شده و تنها برای محققان و محصلان علوم اسلامی قابل استفاده می‌باشند، و این بدان معناست که بدنه اصلی جامعه ما، که عامه مردم و قشرهای تحصیل‌کرده فارسی‌زبان می‌باشند، به دلیل عدم آشنایی با زبان عربی و زبان تخصصی علم رجال و تراجم، همواره از مطالعه این منابع بی‌بهره بوده و طبعاً از آشنایی با گنجینه مفاخر تاریخی خود محروم بوده‌اند.

در ادبیات فارسی، کتاب‌هایی همچون مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ ق) و قصص العلماء میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی (م ۱۳۰۲ ق) وجود دارند که حالات و اوصاف و زندگی بخش قابل توجهی از عالمان شیعه را شرح کرده‌اند، ولی این قبیل نوشته‌ها نوعاً با نقل قول‌های خارق‌العاده، قصه‌گویی‌ها و داستان‌سرایی‌های عامه‌پسند همراهند که به لحاظ

علمی، اعتبار و اتقان آنها را مخدوش می‌سازند. بدین دلیل، دیگر نمی‌توان این قبیل نوشته‌ها را در زمره کتب روشمند و آکادمیک دسته‌بندی نمود. اخیراً کتابی نیز با عنوان گلشن ابرار در سه مجلد توسط جمعی از پژوهشگران حوزه علمی قم انتشار یافته که حیات علمی بیش از ۱۵۰ عالم شیعی را شرح کرده است. زبان غالب این کتب زبان ژورنالیستی بوده، با استانداردهای ادبیات علمی فاصله دارد. در این زمینه کتب گروهی از دانشمندان شیعه، نوشته رضا اسنادی و مفاخر اسلام ۱۲ جلد، نوشته علی دوانی قابل معرفی می‌باشند. دسته دیگری از شرح حال نویسی‌های فارسی یافت می‌شود که به سرگذشت زندگی و معرفی یک عالم شیعی و یا حداکثر تعداد معدودی از عالمان شیعی پرداخته است. کتاب فارابی؛ مؤسس فلسفه اسلامی، نوشته رضا داوری اردکانی، و سه حکیم مسلمان، نوشته سیدحسین نصر را در این مقوله می‌توان جای داد. این‌ها اگرچه ضابطه‌مند و روشمند نوشته شده‌اند، ولی به افرادی محدود پرداخته و مجموع و سلسله عالمان شیعه را مورد پژوهش قرار نداده‌اند.

بدین‌روی، کمبودهای موجود اقتضا می‌کردند که شرح زندگی مجموع دانشمندان شیعی، از بدو شکل‌گیری مذهب شیعه تاکنون، با ضوابط پژوهشی امروزی و به زبان فارسی نوشته شود و خدمات و زحمات آن‌ها برجسته‌گردد، تا برای جامعه شیعی فارسی‌زبان امروز، آموزنده و انگیزه‌آفرین باشد. چنین بود که طرح تدوین کتاب عالمان شیعه توسط این‌جانب در بهار ۱۳۸۲ مطرح گردید و محقق ارجمند، جناب حجة الاسلام آقا شیخ رحیم ابوالحسنی - دامت توفیقاته - که از همکاران قدیمی مؤسسه «شیعه‌شناسی» می‌باشند، پیشنهاد مزبور را از سر لطف اجابت نمودند و با راهنمایی این‌جانب، پژوهش وسیعی را آغاز کردند که جلد نخست آن، اکنون نشر یافته است. ایده این‌جانب آن بود کتابی به سبک کتاب‌های اوچه‌کسی است (Who is Who) برای اقبال تحصیل‌کرده دانشگاهی،

دانشجویان، فرهنگیان، معلمان، کارمندان و بازنشستگان نوشته شود تا سلسله ذخایر علمی شیعه را به طور اجمال و اختصار، و در عین حال، مستند و منطبق با موازین، به شیعیان فرهیخته ایران امروز معرفی نماید؛ هم از اطناب و تطویل به دور باشد، و هم از استعمال واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی پرهیز کند، و هم از قصه‌گویی و داستان‌سرایی جداً فاصله داشته باشد. تحقیق مورد نظر می‌باید ضمن حفظ اختصار، به اهمّ مسائل زندگی خصوصی و اجتماعی، علمی و مذهبی عالمان شیعه در ادوار گوناگون تاریخ هجری پردازد. ابعادی از زندگی هر یک از دانشمندان که طبق طرح، می‌بایست مورد کاوش قرار گیرند عبارت بودند از: سال و محل تولد، سال و محل وفات، خانواده، تحصیلات، استادان، شاگردان، رشته و یا رشته‌های علمی - تخصصی، آثار، نقش‌ها (ی اخلاقی، علمی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و ...)، و اهمّ منابعی که درباره آن‌ها نوشته شده‌اند.

پژوهش حاضر در واقع، تلاشی است که نویسنده محترم بذل نموده تا همه اطلاعات موجود درباره یک عالم شیعی معین، در زمینه‌های مزبور را جمع‌آوری کند و خلاصه آن را برای خوانندگان ارجمند، عرضه نماید. تلقی جناب ایشان این است که گزارش‌های ثبت شده درباره عالمان شیعه در منابع موجود، بسیار اندک و محدود بوده و از این‌رو، همه عرصه‌های مذکور در مورد بسیاری از عالمان را نمی‌توان با اتکا به آن گزارش‌های محدود روشن نموده و از این‌رو، تنها بخش‌هایی از ابعاد حیات خصوصی و اجتماعی آنان را می‌توان شرح و توضیح داد، که در این کتاب، چنین شده است.

در این زمینه، نکاتی شایسته یادآوری‌اند:

الف. مقصود از «عالمان» آن دسته از اشخاصی است که با یک رشته علمی، حشر و نشر داشته، شاگردی کرده، گزارشگری و وقایع‌نگاری نموده، کتاب و رساله نوشته، به تدریس پرداخته و در نهایت، به عنوان «عالم» در منابع معتبر و

تخصّصی، ثبت شده‌اند.

مقصود از «شیعه» نیز هر فردی است که معتقد به امامت علی بن ابی‌طالب علیه السلام به عنوان وصی و خلیفه پیامبر بوده و بدان اعتراف داشته است؛ چه در ادامه، معتقد به امامت زید بن علی گردیده و یا معتقد به امامت اسماعیل بن جعفر و یا معتقد به امامت اسامان اثنا عشر علیهم السلام شده باشد. از این‌رو، عنوان پژوهش حاضر، هم عالمان «زیدیه» را دربرمی‌گیرد و هم عالمان «اسماعیلیه» را شامل می‌شود و هم عالمان «امامیه و اثنا عشری» را، اگرچه این تحقیق اساساً بر عالمان امامیه متمرکز بوده و به سایر فرقه‌های شیعی در حدّ اقتضای مورد، توجه کرده است.

ولی آنچه لازم به تذکر ویژه می‌باشد این است که پژوهش حاضر الزاماً زندگی عالمان حقیقتاً شیعی و حقیقتاً معتقد به آموزه‌های بر حق شیعه و عامل به احکام شریعت را شرح نمی‌دهد، بلکه همه افرادی را که به عنوان عالم شیعی در کتاب‌های رجال و تراجم مطرح شده‌اند نیز دربرمی‌گیرد، حال چه این افراد نیک‌سیرت بوده باشند و یا بدسیرت، صالح بوده باشند یا فاسق، راست‌گیش بوده باشند و یا بدگیش، صادق بوده باشند و یا کاذب، اهل معرفت بوده باشند و یا اهل بدعت و شناعت، در صراط مستقیم حرکت کرده باشند و یا در انحراف و ضلالت. از این‌رو، خواننده کتاب نباید تعجب کند اگر در زندگی نامه یک عالم شیعی - مثلاً - گزارشی از فسق و فساد و یا منکر می‌خواند؛ زیرا او نیز اگرچه یک عالم است، ولی به هر حال، یک بشر است و همانند سایر انسان‌ها ممکن است مرتکب خطا و زشتی شده باشد. شرح حال عالمان شیعه حکایت واقعیت زندگی آن‌هاست؛ هم گزارش ویژگی‌های مثبت آن‌ها و هم نقل خصوصیات منفی آن‌ها.

ب. در ذیل شرح حال هر عالم شیعی، به پیشنهاد این جانب، اسامی چند منبع مطالعاتی نیز آورده شده تا هرگاه خواننده‌ای مطالعه گسترده‌تری درباره آن

شخص لازم ببیند، از آن منابع بهره جوید.

پژوهش حاضر از مشاوره، پیشنهاد و اظهار نظرهای اصلاحی جمعی از استادان برجسته این رشته برخوردار بوده است و بدین‌روی از همه آن بزرگواران، بخصوص از اسلام‌شناس بزرگ، حضرت آیه‌الله محمد فاضل استرآبادی - دامت برکاته - رئیس محترم حوزه علمیه فیضیه مازندران، و محقق ارجمند، سرکار خانم دکتر زهرا اخوان صراف، که پیشنهادات سازنده و نکات ارزنده‌ای را یادآوری کرده‌اند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌شود.

از همکاران خود در مؤسسه «شیمه‌شناسی»، آقایان احمد بهشتی مهر، محمد هاملی، علی تقی‌زاده داوری، محمدکاظم آزرم و سیدمحمدتقی مرتضوی که با حوصله تمام، مراحل انجام و چاپ این پژوهش را پی‌گیری کرده‌اند نیز تشکر و قدردانی می‌کنم. امید آنکه این اثر بتواند در میان فرزندان علم دوست این سرزمین، جایگاهی شایسته پیدا کند و بخشی از کمبودهای موجود را پر نماید. در انتها، به سوی قبله مسلمانان رو می‌کنیم و آن علم و آگاهی مطلق را سجده شکر به جای می‌آوریم و بر روح بلند پیامبر امی صلی الله علیه و آله درود می‌فرستیم و به وصی او علی مرتضی علیه السلام و اولاد اسوه او تأسی می‌جوئیم و دولت قسط و عدل امام موعود (عج) را انتظار می‌کشیم.

محمود تقی‌زاده داوری

۸۴/۳/۲۷

مقدمه نگارنده

روشن است که امروزه به دلیل تنوع خواسته‌ها و حجم وسیع اطلاعات، ما فرصت خواندن همه مطالب را نداریم. از این‌رو، در این مجموعه فهرستی از عالمان شیعه در سده‌های گوناگون، به همراه معرفی اجمالی آن‌ها و ذکر منابع مربوطه به دست داده شده است تا بدین وسیله، راه را برای خواننده محترم هموار نموده باشیم؛ زیرا معتقدیم در بسیاری از مواقع، شناخت اجمالی موضوع، نظر خواننده را تأمین می‌کند و او را به مقصودش می‌رساند. به همین دلیل، سعی نویسندگان و مؤلفان امروزی بر آن است که نوشته‌هایشان بیشتر به شیوه فرهنگ‌نامه و دائرةالمعارف‌گونه باشد. از این‌رو، تلاش کرده‌ایم با همین سبک به صورت اجمالی به معرفی عالمان شیعه بپردازیم و کلید گشایش تحقیقات گسترده‌تر را در دست او قرار دهیم. بنابراین، روش این کتاب در معرفی شخصیت‌ها، بررسی همه جوانب و جزئیات زندگی آن‌ها نیست، بلکه در اینجا سرفصل‌های اساسی زندگی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

برای معرفی بهتر این اثر تذکر چند نکته ضروری است:

الف. هدف این کتاب معرفی عالمان شیعه در تمام دوره‌های تاریخ است، اما در گام نخست، عالمان و دانشمندانی را که در عصر غیبت صغرا زندگی می‌کرده‌اند، معرفی نموده‌ایم؛ زیرا عصر غیبت یکی از حساس‌ترین و برجسته‌ترین دوره‌های تاریخ تشیع است و شناسایی عالمان آن تا حد زیادی

می‌تواند ما را در شناخت این بخش از تاریخ یاری نماید.

ب. مخاطبان این کتاب اقتدار فرهنگی و تحصیل‌کرده جامعه هستند. بنابراین، انتظاری که از نوشته حاضر باید داشت تنها یک دوره آشنایی اجمالی با شخصیت‌های شیعه است که در آن، از هرگونه اصطلاحات پیچیده و تخصصی پرهیز شده است.

ج. در معرفی شخصیت‌ها، سعی شده است از منابع اصیل و قابل قبول استفاده شود، ولی در برخی موارد، از ذکر منابعی که محتوای آن با منبع دیگر مشابه است، خودداری شده.

د. منابع ذی‌ربط در پایان شرح حال هر شخصیت، ذکر شده‌اند.

ه. در انتهای کتاب، برای کسانی که قصد مطالعه در زمان خاصی از سده‌های گذشته را دارند، فهرستی بر اساس سال وفات شخصیت‌ها نیز تنظیم شده است. (فهرست اسامی شخصیت‌ها به ترتیب سال وفات)

و. علاوه بر اینکه در آغاز کتاب، فهرست نام اشخاص ذکر شده، در انتهای کتاب نیز فهرست اسامی شخصیت‌هایی که به نحوی در این کتاب از آن‌ها ذکری به میان آمده درج شده است تا دسترسی به شخصیت مورد نظر آسان‌تر شود. (نمایه اشخاص و اعلام)

ز. در پایان کتاب، فهرستی از اماکن و جاهایی که در کتاب نام برده شده آمده است تا محقق با مراجعه به آن‌ها بتواند نمایی از پیشرفت و نشر دانش را در بلاد گوناگون در نظر آورد. (نمایه اماکن)

ح. کتاب‌هایی که شخصیت‌های مورد بحث نگاشته‌اند در فهرستی جداگانه درج گردیده‌اند تا آثار علمی رجال مزبور به خوبی در یک مجموعه عیان باشند و کار بررسی علمی ساده‌تر. (نمایه کتب)

ط. فهرست منابع پایان کتاب (کتابنامه) معرفی کتاب شناختی تمام مراجعی است که در معرفی هر شخصیت از آن‌ها بهره گرفته شده است. (فهرست منابع) بدیهی است هیچ کاری بی عیب و نقص نیست و سعی ما بر آن بوده که در حد توان، نوشته قابل قبولی عرضه کنیم. بنابراین، از مخاطبان گرامی انتظار داریم اگر در حین مطالعه به اشتباهات و نقایص برخوردند، بر نویسنده منت نهاده، او را باخبر سازند تا ان شاء الله در چاپ‌های بعدی این نقایص برطرف شوند.

با تشکر

رحیم ابوالحسینی

۱۳۸۴/۵/۱۱



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

اختصارات و نشانه‌ها

ب	بعد (در متن) / باب (در منابع)
ج	جلد
چ	چاپ
ح	حدود (در متن) / حدیث (در منابع)
حک	حکومت
ز	زنده در
س	سال
ش	شماره (قبل از عدد) / شمسی (بعد از تاریخ)
ص	صفحه
ط	چاپ شده
ق	قمری
ق هـ	قبل از هجرت
ق م	قبل از میلاد
گ	گزارش
هـ	هجری
م	متوقفاً (قبل از تاریخ) / میلادی (بعد از تاریخ)
؟	نامعلوم
-	تا (بین اعداد)
/	جدداً کننده سنوات، واژه‌ها، نشانه کسرهای اهراری



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ابراهیم بن اسحاق بن ابی‌بشر اصری نهاوندی (؟ - ب ۲۹۳ ق)

ابواسحاق، که نام دیگرش ابراهیم صمیمی است، از اصحاب امام هادی علیه السلام بود. از تاریخ ولادت و وفات او اطلاع دقیقی در دست نیست. به گفته نجاشی، قاسم بن محمد همدانی در سال ۲۶۹ هـ از او روایت شنیده است. همچنین ابن ابی هراسه از شاگردان او بوده که در ۲۹۳ هـ در نهاوند از او حدیث شنیده است. بنابراین، وفات او پس از این تاریخ بوده است.

وی تحصیلات ابتدایی خود را در کوفه گذراند و با هم‌بحث صمیمی خورد، احمد بن عبدالله کوفی (استاد ثعلبیری)، به استماع حدیث پرداخت. پس از آن، به بغداد آمد و اندوخته‌های خویش را نزد استادان آنجا تکمیل کرد و احتمالاً در اواخر عمرش بود که به نهاوند مراجعت نمود و برخی از احادیث او از طریق ابن ابی هراسه باهلی در نهاوند منتشر شد. وی با اینکه از اصحاب امام هادی علیه السلام است، ولی به طور مستقیم از آن امام روایت نکرده.

در منابع رجالی، وی از یک‌سو، فردی ضعیف و متهم در دین معرفی شده، و از سوی دیگر، دارای کتاب‌های زیادی است که به تصریح نجاشی و شیخ طوسی، از استحکام و اتقان برخوردارند. از این‌رو، بعضی تلاش کرده‌اند تضعیف نهاوندی را دور از واقعیت معرفی کنند و دلیل ضعف او را کثرت روایات صادر شده از او، که نزد دیگران استفاده غلوآمیز از آن‌ها می‌شود، قلمداد نمایند. اما به گفته عده‌ای دیگر، حقیقت این است که روایات مذکور قابل تأمل بوده و معنای

درستی دارند و شواهد بسیاری نیز بر استواری شخصیت نهاوندی و صحت روایات او ارائه می‌دهند. در این باره، مرحوم مامقانی بحث‌های مفیدی ارائه داده است.

قابل توجه آنکه نام «حمری نهاوندی» مشترک بین دو نفر است. شیخ طوسی پس از تضعیف نهاوندی، با کمی فاصله، فرد دیگری با همین نام را در رجال خود توثیق کرده و او را از اصحاب امام هادی علیه السلام برشمرده است. از قراین موجود نیز استفاده می‌شود که نام مذکور، مشترک بین دو نفر است و بیشتر علمای رجال نیز قایل به تعدد هستند؛ زیرا از «نهاوندی ثقه»، محمد بن خالد برقی روایت می‌کند، در حالی که از نهاوندی مورد بحث، ابوسلیمان احمد بن نصر بن سعید باهلی، معروف به «ابن ابی هراسه» نقل حدیث می‌کند. بنابراین، استظهار برخی از دانشمندان (علامه حلی) درباره اتحاد آن دو و پافشاری بر عدم قبول روایت نهاوندی، حتی در صورت اتحاد، خالی از اشکال نیست. به نظر می‌رسد کتاب‌های زیادی که وی نوشته و روایت‌های او در برخی از آثارش همچون کتاب المتعه و نفی ابی‌فرحاک از تشیع و نشان از سلامت اعتقاد اویند. نجاشی با اینکه وی را تضعیف کرده، اما افراد جلیل‌القدری همچون محمد بن حسن صفار، حلی بن شبل بن اسد (م. ب. ۴۱۰ ق - استاد نجاشی) و به ویژه ابوالاحمد قاسم بن محمد همدانی وکیل را نام می‌برد که از او روایت کرده یا نزد وی شاگردی نموده‌اند. برخی از این‌ها نه تنها خود، بلکه دیگران را نیز تشویق می‌کردند که به احادیث نهاوندی اعتماد کنند؛ مانند قاسم بن محمد همدانی که در سال ۲۶۹ هـ شاگرد نهاوندی بود و حلی بن حاتم را به اخذ حدیث از نهاوندی تشویق نمود.

از جمله شاگردان دیگر او، حلی بن محمد بندار، محمد بن احمد بن یحیی و محمد بن حلی بن محبوب هستند. برخی از استادان او عبدالله بن حماد انصاری، محمد بن عیسی بن عبید یقطینی، و ابوعبدالله برقی هستند. از آثار او، می‌توان کتاب الصیام، کتاب الدواجن، جواهر الاسرار و مقتل الحسین علیه السلام را نام برد. از

تألیفات فراوان او به دست می‌آید که تخصص وی در علم فقه، حدیث و تاریخ بوده و با علوم تفسیر و ادبیات عرب نیز آشنایی داشته است.

منابع

تنقیح المقال (حجری)، ج ۱، ص ۱۳ از ابواب الهمزه / جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۸ / خلاصة الاقوال، ص ۳۱۴ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۸ و ۲۶۱؛ ج ۸، ص ۱۲۶۱؛ ج ۱۵، ص ۱۰۲ و ۲۳۱؛ ج ۱۹، ص ۱۱ و ۶۳؛ ج ۲۲، ص ۱۲۳؛ ج ۲۴، ص ۲۶۷ و ۳۱۸ / رجال الطوسی، ص ۴۱۲ و ۴۱۴، ص ۵۹۶۷ و ۵۹۹۴ / رجال النجاشی، ص ۱۹، ش ۲۱ / معالم العلماء، ص ۴۳، ش ۲۷ / معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۸۵، ش ۱۰۲؛ ج ۲۲، ص ۲۲ / نقد الرجال، ج ۱، ص ۵۴ به بعد و ص ۷۴ / وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۲۹۵.

ابراهیم بن داود هاشمی یعقوبی (ح ۱۹۰ - ح ۲۵۵ ق)

ابوعلی، محدث شیعی و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام بود که در اواخر سده دوم هجری متولد شد. وی در عصر امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) نوجوان بود. به همین دلیل، صاحب نظران نام او را در شمار اصحاب امام رضا علیه السلام ذکر نکرده‌اند. تاریخ وفات او به درستی روشن نیست، اما از برخی مکاتبات او با امام هادی علیه السلام، که پس از رحلت فرزند آن امام صورت گرفته، برمی‌آید که وی تا اواخر عصر امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) حیات داشته و اندکی پس از نیمه نخست سده سوم درگذشته است.

درباره نسبت او به «هاشمی»، با توجه به اینکه شرح حال او در هیچ یک از منابع نیامده است، نمی‌توان سخن قاطعی گفت، اما همین قدر می‌توان احتمال داد که وی با طایفه «بنی هاشم»، که گروهی از آن‌ها در کوفه سکونت داشتند، بی‌ارتباط نبوده است. وی در محیطی علمی و مذهبی پرورش یافت و بیشتر دوران تحصیلی‌اش در شهرهای کوفه و سامراء سپری شد.

فرزندش، محمّد بن ابراهیم یعقوبی، از روایان حدیث است و احادیث متعددی از وی (بدرش) نقل کرده. برادر بزرگ‌ترش، سلیمان بن داود یعقوبی، نیز از عالمان زمان خود بود که وی روایات متعددی از او فراگرفت. از استادان او، کسی در منابع معرفی نشده است، اما احادیث بر جای مانده از او، که همه از همین برادرش نقل شده‌اند، نشان می‌دهند که وی بیشترین معارف حدیثی را نزد برادرش فراگرفته است. همچنین وی مکاتباتی با امام هادی علیه السلام داشت و برخی از مسائلش را به طور مستقیم از آن حضرت می‌پرسید. در یکی از این مکاتبه‌ها، وی از امام هادی علیه السلام درباره وضعیت فارس بن حاتم قزوینی (م. ح ۲۵۸ ق)، که پس از وفات فرزند امام هادی علیه السلام ادعای امامت کرده بود، سؤال کرد و امام علیه السلام در این باره نوشت: «لا تحفلنّ به و إن أتاک فاستغفّ به» (با او محفل نگیر و اگر نزد تو آمد، او را حقیر شمار).

در جوامع روایی شیعه، احادیث اندکی از او باقی مانده که صاحب‌نظران درباره صحّت و درستی اخبار او سکوت کرده‌اند، اما از ارتباط او با امام هادی علیه السلام و حساسیت او در برابر شخصیت‌های مطرود جامعه مانند فارس بن حاتم، استفاده می‌شود که وی فردی حقیقت‌جو بوده است.

از شاگردان او دو نفر را می‌شناسیم: یکی ابوسعید سهل بن زیاد آدمی (م. ب ۲۵۵ ق) که احادیث او ارزش سندی ندارند؛ و دیگری سندی بن ربیع کوفی (م. ح ۲۶۰ ق) که ظاهراً فردی مورد اعتماد و راستگو بوده است. از آثار او، جز روایات باقی مانده از وی چیزی معرفی نشده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۶، ش ۱۰۰۳ / تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۱۱۰۲ / ثواب الاعمال، ص ۱۸۲ / الخصال، ص ۶۱، ح ۸۴ / رجال الطوسی، ص ۳۷۳، ش ۵۵۱۶، ص ۳۸۳، ش ۵۶۴۱ / معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۰۰، ش ۱۵۱.

ابراهیم بن صالح نخعی (ح ۱۸۸ - ح ۲۷۳ ق)

ابراهیم، محدث شیعی و از اصحاب امام رضا علیه السلام بود، ولی تاریخ تولد و وفاتش در دست نیست. از جمله شاگردان او، ابوعلی محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ ق) است که در ۲۵۸ هـ متولد شد. بنابراین، وی دست کم تا دهه های نخست نیمه دوم سده سوم (ح ۲۷۳ هـ) زنده بوده و بدین وسیله، برای شاگردش فرصت اخذ حدیث از او وجود داشته است. درباره زمان ولادت او، تنها می توان گفت: وی چون از اصحاب امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) بود، تولدش اواخر سده دوم (ح ۱۸۸ هـ) تخمین زده شده است؛ یعنی هنگام وفات آن امام، وی پانزده ساله بوده. از زندگی و دوران تحصیل او اطلاعی در دست نیست. از لقب «نخعی» برمی آید که نیاکان او قبیله ای عربی بودند و بر اساس معنایی که از «نخعی» (جدا شده از قوم) استفاده می شود، می توان حدس زد بخشی از قبیله مذکور، از قوم خویش جدا شدند و در کوفه اقامت گزیدند. بدین روی، وی نیز از نسل همین قبیله است و موطن او می بایست در کوفه بوده باشد.

از استادان او، تنها محمد بن عمران را می شناسیم که شاگرد مفضل بن عمر بود. از آثار تالیفی او چیزی در منابع گزارش نشده است.

نام او با ابراهیم بن صالح انماطی، که او نیز از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده مشترک است.

منابع

الانساب، ج ۵، ص ۴۷۳، ذیل «نخعی» / دلائل الامامه، ص ۴۸۴، ح ۴۸۰.

ابراهیم بن عبده نیشابوری (? - ح ۲۶۱ ق)

ابراهیم، محدث مورد اعتماد شیعی و از اصحاب امام هادی علیه السلام و وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در نیشابور بود. زمان تولد و وفات او در منابع ذکر نشده، ولی چون عصر امام حسن عسکری (شهادت: ۲۶۰ ق) را درک کرده و نیز بر پایه

گزارشی که از خادم او نقل شده که وی در عصر غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ ق) در کوه «صفا» خدمت امام زمان (هج) مشرف شده است، می‌توان مطمئن شد که وی دست‌کم تا سال ۲۶۱ هـ زنده بوده است.

وی اصالتاً ایرانی و اهل نیشابور بود و ظاهراً زادگاه و آرامگاه او نیز همین شهر است. از دوران کودکی و چگونگی تحصیلات او خبری در منابع گزارش نشده است. وی احتمالاً در نیشابور پرورش یافت و پس از دوران نوجوانی مسافرت‌هایی به عراق داشت و بخشی از حیات علمی خود را در بغداد و سامرا به انجام رساند و سپس به نیشابور بازگشت.

در سارۀ شرح حال او، این اندازه روشن است که وی نزد امام حسن عسکری علیه السلام از جایگاه بلندی برخوردار بود و در نیشابور، وکیل آن حضرت به شمار می‌آمد. امام علیه السلام نه تنها در توقیعات و نامه‌های صادر شده، وی را ستایش می‌کرد، بلکه در نامه‌هایی که آن حضرت برای معاصران و همکارانش می‌نوشت، نسبت به موقعیت و جایگاه او سفارش‌هایی به دیگران داشت. در توقیعی که امام علیه السلام برای عبداللّه بن حمدویه بیهقی (م.ج ۲۷۵ ق) نوشته، آمده است: من ابراهیم را برای اخذ حقوق واجب از اهالی آن دیار، منصوب نموده و او را مورد اعتماد و امین خودم برای اهالی آنجا قرار داده‌ام. کتبی در رجال خود، می‌نویسد: امام حسن عسکری علیه السلام وی را نماینده خود در نیشابور قرار داد و دیگران را به اطاعت از او دستور فرمود. وی با اینکه در زمان خود، از شهرت بسزایی برخوردار بود، اما از استادان و شاگردان او اطلاعی در دست نیست. همچنین از او اثر تألیفی معرفی نشده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۴۷، ش ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹ / التحریر الطاووسی، ص ۱۹ / رجال الطوسی، ص ۳۸۴، ش ۵۶۴۶؛ ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۳ / طوسی، الغیبه، ص ۲۶۸، ش ۲۳۱.

ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعید بن مسعود (؟ - ۲۸۳ ق) ابواسحاق، معروف به «ابن هلال ثقفی کوفی»، محدث و تاریخ‌نگار شیعی عرب، تاریخ ولادتش در دست نیست، اما به قرینه اینکه از اصحاب صادق علیه السلام است، دارای عمری طولانی بوده؛ زیرا وفات او به سال ۲۸۳ هـ در اصفهان اتفاق افتاد. وی اصالتاً اهل کوفه بود، ولی در اصفهان اقامت داشت. نسب او به سعد بن مسعود ثقفی، عموی مختار بن ابی‌عبیده ثقفی برمی‌گردد که از سوی حضرت علی علیه السلام والی مدائن بود و امام حسن علیه السلام در روز «ساباط» (جنگ معاویه با امام حسن علیه السلام) به منزل وی پناه برد. برادر او، علی بن محمد بن سعید ثقفی، از راویان حدیث بود و در سال ۲۸۲ هـ در اصفهان درگذشت. وی از برادرش بزرگ بود.

ابن هلال در آغاز، مذهب زیدی داشت، اما پس از چندی به مذهب امامیه گرایش پیدا کرد و به این عقیده سخت پای‌بند بود. سبب انتقال وی از کوفه به اصفهان، تألیف کتابی به نام *المعرقه* در مناقب اهل‌بیت علیهم السلام و مطالب سلف بود؛ بزرگان کوفه وی را از نشر این کتاب منع کردند، اما او بر خلاف سنت ثقیه، سوگند یاد کرد که این کتاب را در شهری که بیشترین دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام در آنجا هستند، انتشار دهد. از این‌رو، شهر اصفهان، که بیشترین مخالفان را در آن زمان داشت، انتخاب کرد و تا آخر عمر در آنجا اقامت گزید و به نشر این کتاب پرداخت. در مدت اقامتش در اصفهان، گروهی از بزرگان قم از جمله احمد بن خالد برمکی، صاحب کتاب *المحاسن*، از قم به خدمت وی رسیدند و از وی برای اقامت در قم، دعوت به عمل آوردند، ولی او نپذیرفت.

نجاشی و شیخ طوسی بیش از پنجاه کتاب از تألیفات او را ذکر کرده‌اند، اما اکنون تنها کتاب نفیس *الغارات* از او بر جای مانده است. از نوشته‌های او به خوبی پیداست که وی نه تنها مورّخی چیره‌دست بود، بلکه در علم کلام، فقه، تفسیر، ادبیات عرب و علوم غربیه نیز تخصص داشت. وی به دلیل اقامتش در اصفهان،

از هیچ‌یک از امامان پیشین به طور مستقیم روایتی نقل نکرده، اما روایات او به واسطه علی بن معلی، عبّاد بن یعقوب رواجنی و عباس بن بکّار در ابواب ققه و تفسیر مذکورند.

استادان او در تاریخ، بزرگانی همچون کلیبی نسابه (م ۲۰۶ ق)، ابومخنف و نصرین مزاحم منقری هستند. از جمله شاگردان روایی او، ابوجعفر احمد بن علویه اصفهانی، حسن بن علی زعفرانی اصفهانی و محمد بن زید رطال می‌باشند برخی از آثار او عبارتند از: المغازی، السقیفه، الرّدة، مقتل عثمان، بیعة امیرالمؤمنین، کتاب الجمل، کتاب صفین، الفارات، المودّة فی ذوی القربی، کتاب الرّویا و کتاب التفسیر.

منابع

الاعلام، ج ۱، ص ۶۰ / اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۹ و ۲۱۰ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۱ / خلاصة الاقوال، ص ۲۹ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۴ و ۳۳۱؛ ج ۱۱، ص ۳۰۷؛ ج ۱۲، ص ۲۴۳ / ذکر اخبار اصهبان، ج ۲، ص ۷ / رجال ابن داود، ص ۳۳ / رجال النجاشی، ص ۱۶، ش ۱۹ / روضات الجنات، ج ۱، ص ۴ / الفارات، ص ۱، مقدّمه / طوسی، الفهرست، ص ۳۶، ش ۷ / معجم المؤلّفین، ج ۱، ص ۹۵ / معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۲۵۴ به بعد / موسوعة مؤلّفی الامامیه، ج ۱، ص ۳۸۴.

ابراهیم بن محمّد بن فارس نیشابوری (ح ۲۰۱ - ح ۲۸۰ ق)

ابراهیم، محدّث شیعی که کنیه‌اش در منابع ذکر نشده، از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام بود. درباره تاریخ ولادت و وفات او، گزارش دقیقی دیده نشده است. در برخی از منابع آمده که وی امام عصر علیه السلام (ت: ۲۵۵ ق) را در زمان کودکی آن حضرت دیده است. بنابراین، معلوم می‌شود وی تا چند سال پس از ولادت امام عصر (عج) حیات داشته است. اما ظاهراً سال‌های زیادی از زندگی او

در عصر غیبت (۲۶۰-۳۲۹ ق) سپری شده و با توجه به هم‌عصران، شاگردان و استادانش، وفات او می‌بایست در اواخر نیمه دوم سده سوم (ح ۲۸۰ ه) اتفاق افتاده باشد؛ زیرا بعضی از شاگردان بی‌واسطه او تا سال ۳۲۸ ه حیات داشتند؛ چنانکه ابن داود نیز در رجال خود، وی را از شخصیت‌های پس از عصر ائمه اطهار علیهم‌السلام به شمار آورده است.

وی چنانکه از نسبت «نیشابوری» برمی‌آید، اهل نیشابور بود و ظاهراً در همان‌جا چشم به جهان گشود. پس از دوران کودکی و نوجوانی به عراق رفت و در کوفه با عالمان و دانشمندان زمان خود آشنا گشت. قراین نشان می‌دهند که وی تحصیلات دوران جوانی را در زادگاهش سپری کرد و مسافرت او به عراق مربوط به زمان میان‌سالگی او می‌شود؛ زیرا اولاً، وی از اصحاب امام جواد علیه‌السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) به شمار نیامده است و ثانیاً، هنگامی که وی به کوفه رفت، استادان متقدم را درک نکرد. به همین دلیل، احادیث او با یک واسطه، از محمد بن ابی‌عمیر (م ۲۱۷ ق) نقل می‌شوند. وی مدت زیادی در عراق اقامت داشت و حتی احتمال اینکه پس از کوفه و بغداد، در سامراء اقامت دایم گزیده باشد، بعید به نظر نمی‌رسد.

پسرش ابو عبد الله محمد بن ابراهیم، از عالمان حدیث بود که در بغداد به کار وراقی و صحافی کتاب اشتغال داشت و به دمشق و مصر نیز مسافرت نمود. از معاصران او، آیوب بن نوح بن درّاج (م ۲۵۵ ق) بود که یک بار در راه مکه با او هم‌سفر شده و دربارهٔ جانشین امام هادی علیه‌السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) با هم به گفت‌وگو پرداختند.

وی از دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام بود و بارها در سامراء خدمت امام حسن عسکری علیه‌السلام رسید و به همین دلیل، مورد خشم فرماندار وقت، محمد بن حوف (از دشمنان سرسخت شیعه)، قرار گرفت و دستور قتل او را صادر نمود،

اما او پس از وداع با خانواده‌اش، به خانه امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا پناه برد و در همانجا به زیارت امام عصر (عج) نایل گردید و با دعای آن امام علیه السلام نجات پیدا کرد.

وی در عراق، علاوه بر معارفی که در محضر امام هادی و عسکری علیه السلام کسب نمود، نزد استادانی همچون احمد بن حسن، حسین بن ابی الخطاب و یعقوب بن یزید حدیث شنید و به حد کمال رسید. پس از آن، آموخته‌هایش را به شاگردانش همچون محمد بن عبدالله بن ابی‌خانم قزوینی، محمد بن مسعود عبّاشی (م. ۳۲۸ق) و محمد بن حسن براهی انتقال داد. درباره درستی احادیث او گفته می‌شود که وی، خود فرد راستگویی بود، اما اهمیت نمی‌داد که از چه کسی نقل حدیث می‌کند. از آثار تألیفی او، خبری در منابع گزارش نشده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۲، ش ۱۰۱۴ / الامامة والتبصرة، ص ۱۳۱، ح ۱۳۷ / رجال الطوسی، ص ۳۸۳، ش ۵۶۴۰؛ ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۶ / کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۳۸۱ ب ۳۷، ح ۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۱، ح ۱۴۰۹۶.

ابراهیم بن محمد همدانی (؟ - ح ۲۶۵ ق)

ابوالحسن، فقیه و محدث مورد اعتماد شیعی، از اصحاب امامان هادی و عسکری علیه السلام بود. وی همزمان با وکالت احمد بن اسحاق قمی و احمد بن حمزة بن یسع، از سوی امام عصر (عج) عهده‌دار مقام وکالت بود و به‌طور مستقیم با آن حضرت ارتباط داشت. پس از او، مقام وکالت در همدان به فرزندش و سپس به نوه او سپرده شد. همچنین وی در برخی از روایات، از امام رضا علیه السلام نیز نقل حدیث کرده است. به همین دلیل، شیخ طوسی نام او را در شمار اصحاب امام

رضاع علیه السلام نیز ذکر نموده است. تاریخ ولادت و وفات او به درستی روشن نیست. بر پایه گزارش ابوعمرو کتبی، وی به اتفاق فرزندش جعفر در ۲۴۸ هـ با امام حسن عسکری علیه السلام مکاتبه داشت، اما نمایندگی او از سوی امام عصر (عج) نشان می‌دهد که وی در عصر غیبت می‌زیسته و مدت‌ها پس از این تاریخ، حیات داشته است و چون استاد احمد بن محمد بن عیسی (م. ح ۲۸۰ ق) بود، گمان می‌رود در اوایل عصر غیبت (۲۶۰ - ۳۲۹ ق)، زندگی را به سرآورده باشد.

وی چنان‌که از لقب «همدانی» برمی‌آید، اصالتاً اهل ایران بود و در همدان اقامت داشت و مکاتبات زیادی با امامان عصر خود در مسائل فقهی انجام داد. پسرش، جعفر بن ابراهیم، نیز از فقها و محدثان عصر خود بود و به واسطه پدرش با «ابوالحسن» (امام جواد یا امام رضا علیه السلام) مکاتباتی داشت. وی از فرزند دیگرش، نوه‌ای داشت به نام محمد بن علی بن ابراهیم که دانشمندی والامقام، صاحب تألیفات و نایب امام عصر علیه السلام در همدان بود و چهل مرتبه به زیارت خانه خدا مشرف شد. وی خود نزد امامان معصوم دارای مقامی ارجمند بود و بنا به گزارش ابن حمزه طوسی (م ۵۶۰ ق)، در زمان امام جواد علیه السلام نایب یحیی بن عمران بود و آن حضرت دو سال پیش از مرگ یحیی، طی نامه‌ای او را جانشین خود قرار داده بود. از معاصران او، علی بن مهزیار اهوازی (م. ح ۲۵۵ ق) و احمد بن هلال کرخی (م ۲۶۷ ق) هستند که در برخی موارد، مکاتبات همدیگر با امامان عصر خود را نقل نموده‌اند. از او روایات و توقیعات فراوانی بر جای مانده که در تمام این موارد، به طور مستقیم با امامان معصوم مکاتبه می‌کرده است. بنابراین، وی بیشتر معلومات و مسائل فقهی خود را از امامان اخذ کرده، هرچند در یک مورد، دیده شده که وی از محمد بن عبیده نقل حدیث کرده است.

وی شاگردان زیادی داشت که برخی از آن‌ها ایند: ابراهیم بن هاشم (پدر علی بن ابراهیم، صاحب تفسیر)، عمر بن علی بن عمر، حمدان بن سلیمان نیشابوری،

احمد بن علی تغلیسی، سهل بن زیاد آدمی (م. ب. ۲۵۵ ق)، یعقوب بن یزید و احمد بن محمد بن عیسی (م. ح. ۲۸۰ ق).
 درباره ارزش روایات او، ابوصروکشی (م. ح. ۳۶۳ ق) در گزارش خود، وی را «عظیم‌القدر» و فردی «مطمئن» در نقل حدیث معرفی کرده است. شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق) نیز در کتاب الغیبه، او را مورد وثوق دانسته و مدح بلیغی از او به عمل آورده است. از این رو، احادیث و توقیعات او کاملاً مورد قبول صاحب‌نظران هستند. وی ظاهراً دارای اثر تألیفی نبوده است. به همین دلیل، نام او به‌طور مستقل در فهرست نجاشی نیامده، بلکه در ذیل شرح حال نوه‌اش، محمد بن علی بن ابراهیم، ذکر شده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۹ گ ۱۱۰۰۹ ص ۸۳۱ گ ۱۰۵۳؛ ص ۸۶۶ گ ۱۱۳۱ ص ۸۶۹ گ ۱۱۳۵ / الاستبصار، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۱۴۵۵ ج ۲، ص ۴۴ ح ۱۴۰؛ ج ۳، ص ۲۸ ح ۹۰؛ ص ۲۹۱ ح ۱۰۲۷ / صدوق، الامالی، ص ۳۷۹، ح ۲۸۱ / الثاقب فی المناقب، ص ۵۱۵، گ ۴۴۲ / خلاصة الاقوال، ص ۵۲، ش ۲۳ / رجال النجاشی، ص ۳۴۴، ش ۹۲۸ / علل الشرائع، ج ۱، ص ۵۹، ح ۲ / عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۳، ح ۷؛ ص ۲۶۰، ح ۷؛ ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۷۳ / طوسی، الغیبه، ص ۴۱۷، گ ۳۹۵ / کمال‌الدین و تمام‌النعمة (یک جلدی)، ص ۷۵.

ابراهیم بن مهزیار (۱۹۵-؟ ۲۶۵ ق)

ابواسحاق اهوازی، محدث شیعی در سده سوم هجری، از اصحاب سه امام شیعیه - یعنی امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق)، امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) و امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) - و حتی به روایتی، از اصحاب امام مهدی علیه السلام نیز بود. بنابراین، دوران زندگی او را می‌توان بین سال‌های ۱۹۵ -

۲۶۵ هـ دانست. تبارش در «دورق» خوزستان می‌زیستند و پدرش ابتدا مسیحی بود و سپس به اسلام گروید. فرزند او، محمد بن ابراهیم بن مهزیار، از عالمان حدیث و جانشین پدرش در امر سفارت امام مهدی علیه السلام بود. برادرش، علی بن مهزیار (م.ح ۲۵۵ ق)، نیز وکیل امام هادی و عسکری علیه السلام در اهواز بود.

وی در خانواده‌ای علمی و مذهبی پرورش یافت و همچون برادرش، در اهواز نشو و نما کرد و نزد استادان عصر خود، دانش حدیث و چگونگی ضبط آن را فراگرفت. از گزارش‌ها و احادیث او پیداست که وی بیشتر نزد برادرش علی تعلیم دیده است. برخی از گزارش‌هایی که درباره او گفته شده، گویای آن است که وی از نمایندگان عثمان بن سعید عمری (م.ح ۲۶۷ ق)، نایب اول امام دوازدهم شیعیان، بود و این موضوع حاکی از مقام علمی و منزلت اجتماعی او می‌باشد؛ چنان‌که واقع شدن او در سلسله اسناد کامل الزیارات می‌تواند دلیل بر راست‌گویی و اعتبار او باشد؛ زیرا این قولیه در آغاز این کتاب، تصریح کرده است که تنها از رویان راستگو و معتبر نقل حدیث می‌کند.

در منابع معتبر، این موضوع روشن نیست که وی به کدام شهرها مسافرت کرده است، اما روایات مستقیم او از امامان عصرش و همچنین از محل سکونت برخی شاگردان او، می‌توان دریافت که وی به شهرهای سامراء، بغداد و قم سفر کرده و بخشی از علوم و تحصیلات خود را در این شهرها، به ویژه قم، به دست آورده است.

از استادان او، غیر از برادرش، می‌توان صالح بن سندی، ابن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) و حسین بن علی بن بلال را نام برد. از شاگردان او، می‌توان به افرادی همچون عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق)، محمد بن علی بن محبوب، سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق) و محمد بن احمد بن یحیی (م.ق ۲۹۹ ق) اشاره کرد. تنها اثر تألیفی او کتاب البشارات است که به او نسبت داده می‌شود، اگرچه ممکن است این کتاب از تألیفات برادرش باشد.

منابع

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۴۵۸ / رجال ابن داود، ص ۳۴، ش ۳۹ / رجال الطوسی، ص ۳۷۴، ش ۵۵۳۲؛ ص ۳۸۳، ش ۵۶۳۹ / رجال النجاشی، ص ۱۶، ش ۱۷ / معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۷۷، ش ۳۱۸ / تقد الرجال، ج ۱، ص ۹۰، ش ۱۴۹.

ابراهیم بن هاشم قمی (ح ۱۹۰ - ح ۲۷۵ ق)

ابواسحاق، فقیه و محدث و الامقام شیعی، از اصحاب امام جواد علیه السلام و از شاگردان یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) بود. از تاریخ ولادت و وفات او آگاهی درستی نداریم، اما این اندازه روشن است که وی پس از امام هادی علیه السلام زنده بود و تاریخ وفات آن امام راه، که در ۲۵۴ هـ بود، گزارش کرده است. در بعضی از منابع، گزارشی هم از معاصرش، ابراهیم بن هلال ثقفی (م ۲۸۳ ق) نیز نقل شده است. بدین سان، محتمل است که وی عصر غیبت (۲۶۰-۳۲۹ ق) را هم درک کرده و احتمالاً تا اواسط نیمه دوم سده سوم (ح ۲۷۵ ق) زنده بوده است. درباره زمان تولد او، تنها می دانیم که وی در زمان امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) می زیست و چون از سن کافی برخوردار نبود، حدیثی از آن امام نقل نکرده است. بنابراین، تولد او می بایست پیش از ۲۰۳ هـ و احتمالاً در اواخر سده دوم (ح ۱۹۰ هـ) اتفاق افتاده باشد. برخی از محققان معاصر بدون ذکر هیچ مدرکی، زمان تولد او را در عصر امام کاظم علیه السلام (شهادت: ۱۸۳ ق) نوشته اند.

وی اصالتاً اهل کوفه بود و در همان جا چشم به جهان گشود. دوران کودکی و همچنین بخش زیادی از حیات علمی خود را در آنجا سپری کرد و در مجلس درس استادان فراوانی شرکت جست. گفته می شود: وی در مدت اقامتش در کوفه، یک بار بی آنکه بفهمد، با حضرت خضر علیه السلام ملاقات کرد و اعمال مسجد «سهله» و مسجد «زید بن صوهان» را از آن حضرت فراگرفت. همچنین گفته می شود: وی در مسجد «صمصه»، امام عصر (عج) را در ماه رجب، در حال دعا

و نماز مشاهده کرد. وی سرانجام، از کوفه به قم آمد و نخستین کسی بود که احادیث کوفه را در قم منتشر نمود. این کار موفقیت آمیز او در قم، و جاهت علمی و نفوذ او را در بین فقها و محدثان قم کاملاً آشکار می‌سازد؛ زیرا در میان بزرگان قم، شخصی مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م.ح ۲۸۰ ق) به چشم می‌خورد که شدت عمل بسیار داشت و به هیچ وجه، نقل روایات ضعیف را بر نمی‌تافت و حتی راویان بلندپایه و سرشناس به دلیل مخالفت او، نمی‌توانستند آزادانه به نقل حدیث بپردازند. به همین دلیل، احمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، سهل بن زیاد آدمی (م.ب ۲۵۵ ق) و عده‌ای دیگر به دست او از شهر قم تبعید شدند. وی در چنین شرایطی وارد قم شد و با اینکه هزاران حدیث (۶۴۱۴ حدیث) در آنجا نقل کرد، اما هیچ‌گاه بزرگان قم این اجازه را به خود نمی‌دادند تا در برابر احادیث او مخالفت نمایند.

وی همچنین فرزندانسی داشت که در فقه و حدیث، مقام بلندی یافتند. فرزندش علی بن ابراهیم بن هاشم (م.ب ۳۰۷ ق)، از چهره‌های برجسته و صاحب تفسیر بود که کلینی در کافی، بیش از ۷۰۶۰ روایت از او نقل می‌کند. همچنین فرزند بزرگ‌ترش، اسحاق بن ابراهیم، یکی دیگر از محدثان شیعه بوده که از او نیز احادیث فراوانی در جوامع روایی شیعه بر جای مانده‌اند.

وی در کوفه استادان زیادی دید که بنا به قولی، تعداد آنها به قریب دویست نفر می‌رسید و در میان آنها، چهره‌های سرشناسی همچون یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق)، حنان بن سدر کوفی، ابراهیم بن ابی محمود خراسانی، ابراهیم بن محمد وکیل همدانی، عبدالله بن میمون قَدَاح، حماد بن عیسی کوفی (م ۲۰۹ ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق)، محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق)، حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق)، حسن بن فضال (م ۲۲۴ ق) و ابوهاشم داود بن قاسم جعفری (م ۲۶۱ ق) دیده می‌شوند. وی همچنین با شاعر معروف، ابوتمام حبیب بن اوس

طائی (م ۲۳۱ ق) ارتباط داشت و نزد او شاگردی می‌کرد. نجاشی این شاعر را «شیعی امامی» و به نقل از جاحظ، «رافضی» معرفی کرده است.

از شاگردان او، غیر از فرزندش علی، که بیشترین حدیث را از او نقل کرده، کسانی همچون محمد بن علی بن محبوب، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ یا ۲۷۴ ق)، محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق)، سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ ق)، علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق)، ابوعلی محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ ق) و بسیاری دیگر از او نقل حدیث کرده‌اند. از تألیفات او، دو کتاب نوادر (تازه‌ها) و قضا یا امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی شده‌اند.

منابع

تهذیب المقال، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۸۳، ش ۱۸ / دلائل الامامه، ص ۵۳۰، ح ۵۰۷ / رجال النجاشی، ص ۱۶، ش ۱۸ / الغارات، ج ۱، ص ۲۵، ۳۰ و ۵۷، ج ۲، ص ۸۹۴ / نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۶ و ۱۹۱، ح ۱۷ و ۴۵ / طوسی، الغیبه، ص ۱۴۰، ح ۱۱۰۴ / ص ۳۵۱، ح ۳۱۱ / فهرست ابن ندیم، ص ۲۷۷ / لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۱۸، ش ۳۶۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵ / مصباح المتعجب، ص ۸۱۹، ح ۸۸۴.

ابوغانم قزوینی (؟ - ۲۶۰ ق)

ابوغانم از راویان شیعه و خادم مخصوص امام حسن عسکری علیه السلام بود. پسرش عبدالله بن ابی‌غانم در امر غیبت امام دوازدهم شیعیان علیه السلام تردید کرد که در این خصوص، نامه‌ای به ناحیه مقدسه نگاشته شد و مناقشه او با خواص یاران حضرت شرح داده شد که به خط شریف آن حضرت، جواب رسید. نواده‌اش محمد بن عبدالله بن ابی‌غانم بود که روایاتی درباره غیبت حضرت حجت (عج) دارد.

از تاریخ تولد او اطلاعی در دست نیست، ولی وفات او در سال ۲۶۰ هـ همزمان با رحلت امام حسن عسکری علیه السلام یا اندکی پس از آن واقع شده است. از

نام او پیدا است که وی اهل قزوين بود و برای کسب حدیث به عراق سفر کرد و در
سامراء نزد ابو محمد حسن عسکری علیه السلام به خدمت‌گزاری مشغول شد.

از او روایات اندکی در منابع شیعه به چشم می‌خورند و احادیث او بیشتر به
طور مستقیم از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده‌اند. او گاهی نیز از منهال بن
خلیل روایت می‌کند. وی از شهادت‌دهندگان به ولادت امام دوازدهم شیعیان علیه السلام
است. در گزارشی از او آمده است: «امام حسن عسکری علیه السلام دارای فرزندی شد
که نام او را (م.ح.م.د) نهاد و در روز سوم، او را به اصحابش معرفی نمود و سپس
فرمود: پس از من، این مولد صاحب شما و جانشین من است.»

از شاگردان او، عیسی بن مهران، محمد بن احمد مدائنی و محمد بن احمد
علوی را می‌توان نام برد. از او هیچ اثر تألیفی به ثبت نرسیده است.

منابع

الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷۷ و ۲۷۸ / دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۴۰ و ۴۲۸ /
طوسی، الغیبه، ص ۲۸۵، ح ۲۴۵ / کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۳۳۱، ح ۸.

احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن داود بن حمدون بغدادی (ح ۱۸۵ - ح ۲۵۵ ق)
ابو عبد الله، ادیب، لغت‌شناس، نسب‌شناس و محدث شیعی، به «کاتب» شهرت
دارد. وی با اینکه مدت زیادی با متوکل عباسی (حک ۲۳۲-۲۴۷ ق) پیوستگی
داشت و به همین دلیل، لقب «ندیم» گرفت، اما گزارش نجاشی حاکی از آن است
که وی از اصحاب ویژه امام حسن عسکری علیه السلام بود و پیش از آن نیز با امام
هادی علیه السلام رابطه نزدیکی داشت.

درباره تاریخ تولد و وفات او، گزارش صحیحی به چشم نمی‌خورد. به گفته
یاقوت حموی، وی در سال ۲۳۷ هـ تولد یافت و مرگ او در سال ۳۰۹ هـ اتفاق

افتاد، ولی گزارش مذکور با سوابق علمی او سازگار نیست. آنچه می‌توان گفت این است که وی قطعاً از شخصیت‌های سده سوم هجری بوده و از اینکه در منابع معتبر، سخنی از دوران زندگی او پس از عصر امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ق) به میان نیامده، می‌توان دریافت که وی در عصر آن امام و یا اندکی پس از آن، زندگی را به سر آورده بوده است. در برخی از منابع متأخر، مرگ او حدود سال ۲۵۵ هـ نوشته شده، که این تاریخ با سوابق علمی او سازگارتر است؛ زیرا از جمله معاصران او علی بن یحیی منجم (م ۲۷۵ ق) بود که وی را پس از مرگ، در خواب دید، و این موضوع گواه آن است که وی پیش از مرگ معاصرش (ق ۲۷۵ هـ) از دنیا رفته است. ولادت او را تنها می‌توان در دهه‌های اخیر سده دوم (ح ۱۸۵ هـ) تخمین زد، اما هیچ منبعی به آن اشاره نکرده است.

وی در خانواده‌ای علمی، ادبی و اهل قلم به دنیا آمد و در میان طایفه «بنی حمدون»، که در بغداد سکونت داشتند، پرورش یافت. پدرش ابراهیم بن اسماعیل بن داود (م.ح ۲۵۴ ق)، که به گفته یاقوت حموی ملقب به «حمدون» بود، از عالمان عصر خود و نویسنده کتاب *الندماء والجلساء* بود که در سال ۲۴۳ هـ با متوکل عباسی ارتباط یافت و از ندیمان وی گشت. به گفته ابن ندیم (م.ح ۳۸۵ ق)، پدرش نخستین ندیمی بود که به دربار عباسیان راه یافت و پس از او بسیاری از بستگان و نوادگان او جزو ندیمان خلافت عباسی درآمدند. وی خود از ندیمان مستعین عباسی (حک ۲۴۸-۲۵۲ ق) بود و پیش از آن نیز چهارده سال در خدمت متوکل بود و پیوستگی محکمی با خلیفه داشت، هر چند بین او و خلیفه، اختلاف اندکی حاصل شد و این امر باعث تبعید او به «تکریت» (از شهرهای شمالی عراق) گردید و در تبعیدگاه، به دستور متوکل، نرمه گوش او را بردند، اما این ماجرا چندان به طول نینجامید و بار دیگر به بغداد فراخوانده شد و از سوی خلیفه، جاریه‌ای به نام صاحب به او اهدا شد. گفته می‌شود: وی در مدت

همنشینی اش با متوکل، قریب ۳۶۰ هزار دینار مال اندوخت و در مدت اندکی که با مستعین نیز همنشینی داشت، چندین برابر همین مبلغ جمع‌آوری نمود. وی به تصریح مورخان سنی و صاحب‌نظران شیعی، از عالمان برجسته امامیه بود و در این باره تردیدی وجود ندارد، اما سؤال این است که چگونه طوسی و نجاشی او را از یاران ویژه امام هادی و عسکری علیه السلام به شمار آورده‌اند، در حالی که وی سال‌ها ندیم خلیفه‌ای بود که دشمنی اش با شیعه و اهل بیت علیهم السلام انکارناپذیر است؟ آیا وی اخبار و اطلاعات محرمانه‌ای را که در اطراف امام هادی و عسکری علیه السلام می‌گذشتند، برای متوکل گزارش می‌کرد، یا آن‌گونه که علامه مامقانی احتمال داده، وی این کار را برای امام هادی و عسکری علیه السلام انجام می‌داد؟ در این باره، سخن قاطعی نمی‌توان گفت و صفحات تاریخ نیز در این زمینه، تاریکند. قدر مسلم این است که وی با امامان عصر خود، رابطه تنگاتنگی داشت و بنا به گفته طوسی، مسائل و اخبارش را با امام هادی و عسکری علیه السلام در میان می‌گذاشت.

وی با اینکه در زمان خود، از شهرت علمی بسزایی برخوردار بود، اما از استادان و شاگردان او، آنچنان که شایسته مقام علی اوست، کسی در منابع معرفی نشده. ممکن است وی به دلیل اقامتش در بغداد، با ادیبان بلندآوازه بغداد همچون ابن سکت شیعی (م ۲۴۴ ق) و ابوتمام طائی (م ۲۳۱ ق) ارتباط داشته و نزد آنان شاگردی نموده باشد؛ چنان‌که شاگردی او نزد ابن اعرابی (م ۲۳۱ ق) نیز بعید به نظر نمی‌رسد. از شاگردان او نیز تنها ابوالعبّاس ثعلب نحوی (م ۲۹۱ ق) را می‌شناسیم که برخی احتمال داده‌اند ممکن است منظور نجاشی در معرفی شاگردش، که تنها به کنیه «ابوالعبّاس» اکتفا کرده، میزّد نحوی (م ۲۸۵ ق) باشد، نه ابوالعبّاس ثعلب؛ زیرا کنیه میزّد نیز «ابوالعبّاس» بوده است. همچنین محمد بن جریر طبری سنی (م ۳۱۰ ق) نیز برخی از اخبار و گزارش‌های تاریخی خود را از او نقل کرده است. وی در مدت حیات علمی خود، آثار ارزنده‌ای بر جای گذاشت که اکنون اثری

از آن‌ها نیست. از جمله تألیفات او، *أسماء الجبال والمياه والأودية* (اسامی کوه‌ها، آب‌ها و درّه‌ها)، کتاب *بنی مرّة بن عوف*، کتاب *بنی نمر بن قاسط*، کتاب *بنی عقیل*، کتاب *بنی عبداللّه بن عطفان*، کتاب *طنی*، کتاب *بنی کلیب بن یربوع*، شعر *عجیر سلولی*، شعر *ثابت بن قطنه*، اشعار *بنی مرّة بن همام* و *نوادیر الاصراب* هستند. از آثار او برمی‌آید که وی علاوه بر صرف و نحو عربی، در زمینهٔ نسب‌شناسی قبایل عرب و سروده‌های آن‌ها، تخصص ویژه داشته است.

منابع

الاعلام، ج ۱، ص ۸۵ / *اعیان الشیعه* (قطع بزرگ)، ج ۲، ص ۴۶۷، ش ۳۵۳۷ / تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۸، ص ۹۰ / *تنقیح المقال* (حجری)، ج ۱، ص ۴۷، ش ۲۷۵ / *رجال الطوسی*، ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۰ / *رجال النجاشی*، ص ۹۳، ش ۲۳۰ / *روضات الجنات*، ج ۱، ص ۱۹۵، ش ۵۱ / *فهرست ابن ندیم*، ص ۱۶۱، مقالهٔ سوم، فن ثالث، ذیل «آل حمدونه / طوسی، الفهرست»، ص ۷۲، ش ۸۳ / *الکنی والالقباب*، ج ۱، ص ۱۱۶ / *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۱۳۴، ش ۴۱۷ / *معالم العلماء*، ص ۵۱، ش ۷۴ / *معجم الادباء*، ج ۲، ص ۲۰۴ - ۲۱۸ / *هدیه العارفین*، ج ۱، ص ۴۸.

احمد بن ابراهیم مراهمی (ق-ح ۲۹۰ ق)

ابرحامد، محدث شیعی در عصر امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بود. وی همچنین بخش زیادی از عصر غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ ق) را درک کرد و حتی برخی از شاگردان او تا ۳۲۹ هـ حایت داشتند. بنابراین، وفات او می‌بایست دست کم در اواخر سدهٔ سوم (ح ۲۹۰ هـ) اتفاق افتاده باشد. همچنین در برخی از منابع حدیثی دیده شده که حسین بن حمدان خصیمی (م ۳۴۶ ق) بدون واسطه از او نقل حدیث کرده است که در این صورت، یا باید ملتزم شد که وی دارای عمری طولانی بوده و یا اینکه واسطه‌ای در حدیث یادشده بوده که حذف گردیده است.

درباره تاریخ تولد او، هیچ گزارشی در منابع نیافتیم، ولی از روی حدس و گمان، می‌توان گفت که وی در اوایل سده سوم متولد شده است.

ظاهراً آن‌گونه که از نسبت «مراخی» استفاده می‌شود وی اصالتاً ایرانی و اهل «مراغه» از استان آذربایجان شرقی بوده است؛ زیرا چنان‌که از سوابق علمی او برمی‌آید، بیشتر دوران تحصیلی و حیات علمی او در شهرهای ایران مانند قم، ری و بخشی از آن در کوفه و سامراء سپری شد. بنابراین، نمی‌توان او را اصالتاً عربی و منسوب از هشایر «طفلیه»، که اکنون در اردن سکونت دارند، دانست. ولی احتمالاً در اواخر عمرش در قم اقامت گزید و به تربیت شاگرد مشغول شد؛ زیرا بیشتر شاگردان او اهل قم هستند.

وی در فقه و حدیث، به مقام شایسته‌ای رسید و استماعات او در نگاه صاحب‌نظران، مورد قبول می‌باشند. این مطلب در حالی است که در هیچ‌یک از منابع کهن رجالی، به اعتبار احادیث او تصریح نشده است؛ اما مقام علمی او و همچنین روابط نزدیک او با امامان عصرش، سبب شده تا علامه حلی و ابن داود، که در اعتماد به او یابان سخت‌گیرند، او را با واژه‌هایی همچون «عظیم الشأن»، «ممدوح» و مانند این‌ها بستانند. با این حال، از برخی گزارش‌ها استفاده می‌شود که وی پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) در مسئله امامت، اندکی دچار تردید شد و به دنبال حقیقت می‌گشت، تا اینکه در سال ۲۶۲ هـ، که اوایل عصر غیبت بود و مردم شیعه در شناخت امام خویش دچار حیرت و سرگردانی شده بودند، خدمت حکیمه دختر امام جواد علیه السلام (م ۲۷۴ ق) رسید و از پشت پرده، از آن بانو پرسید که در امر امامت از چه کسی پی‌روی کند؟ حکیمه در پاسخ، نام امام عصر (عج) را بر زبان جاری ساخت. وی از حکیمه پرسید: آیا در این‌باره حدیثی شنیده‌ای؟ حکیمه خانم پاسخ داد: بلی، از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که فرزند او، امام دوازدهم شیعیان است. وی پرسید: پس فرزند کجاست؟ حکیمه پاسخ داد: پنهان است. وی گفت: چگونه می‌توانم در امر

امامت، به وصیتی که به یک زن شده است، اعتماد کنیم؟ حکیمه فرمود: پس چگونگی است که وقتی امام حسین علیه السلام، جانشینی امام سجاد علیه السلام را به زینب علیها السلام وصیت نمود، هیچ تردیدی به خود راه ندادید؟ سپس حکیمه فرمود: شما، که اهل اخبار و حدیث هستید، آیا این روایت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیده‌اید که فرمود: «نهمین فرزند حسین در حالی که زنده است، میراثش را تقسیم می‌کنند؟» در پی این ماجرا، وی از طریق وکلای امام عصر (عج)، مکاتباتی با آن امام انجام داد و درباره وجود امام علیه السلام برای اطمینان کامل حاصل شد. در مکاتباتی که وکیل امام دوازدهم، محمد بن احمد بن جعفر قمی (م. ح ۲۷۰ ق)، انجام داد و منزلت او را برای امام علیه السلام توصیف نمود، امام علیه السلام در جواب فرمود: «وَقَفْتُ عَلَى مَا وَصَفْتَ بِهِ أَبَا حَامِدٍ - أَعَزَّهُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ - وَ فَهِمْتُ مَا هُوَ عَلَيْهِ، ثُمَّ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ بِإِحْسَانِهِ وَ لِأَخْلَافِهِ مِنْ تَفَضُّلِهِ عَلَيْهِ وَ كَانَ اللَّهُ وَلِيَّهُ وَ عَلَيْهِ أَكْثَرُ السَّلَامِ وَ أَخْطَهُ.» (بدانچه درباره ابوحامد گفته‌ای، آگاه گشتم. خداوند او را در اثر اطاعتش عزیز بدارد و نیکی‌اش را درباره او کامل کند و رحمت خویش را از وی نگیرد. از سوی من به او سلام ویژه برسان). ظاهراً مکاتبه مذکور مربوط به زمانی می‌شود که وی در قم اقامت گزیده بود و با وکیل امام دوازدهم علیه السلام در این شهر، رابطه نزدیکی داشت. وی همچنین در زمان اقامتش در کوفه، بیشترین استماع‌اتش را از محمد بن شاذان بن نعیم فراگرفت. وی شاگردان متعددی تربیت کرد که بیشتر آن‌ها اهل قم هستند. از جمله شاگردان او، علی بن محمد بن قتیبه (م. ح ۲۹۵ ق)، سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق)، محمد بن جعفر اسدی رازی (م ۳۱۲ ق) و محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) هستند. از او اثر تألیفی گزارش نشده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۵، ش ۱۰۱۹ / الامامة والتبصرة، ص ۱۴۱، ح ۱۶۵ / خلاصة الاقوال، ص ۶۸، ش ۲۹ / دلائل الامامة، ص ۵۲۷، ح ۵۰۱ و ۵۰۳ / رجال ابن

داود، ص ۳۶، ش ۵۵ / رجال الطوسي، ص ۳۹۷، ش ۵۸۳۰ / طوسی، الغيبة، ص ۲۳۰، ج ۱۹۶ / کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۴۸۸، ب ۴۵، ح ۱۱ / معجم قبائل العرب، ج ۳، ص ۱۰۶۸، ذیل کلمه «مراضی» / الهدایة الكبرى، ص ۳۶۹.

احمد (محفّد) بن ابونعامة دقيقي كوفي (؟ - ۲۶۰ ق)

ابوجعفر از شاعران هجوگو و خبیث‌اللسان شیعی بود و اطلاعات ما درباره او بسیار اندکند. تاریخ ولادت و محل شروع تحصیلات او نامعلوم است، اما از آن‌رو که پدرش از شاعران بود، قویاً محتمل است که وی فراگیری ادبیات و شعر را نزد پدرش آغاز کرده و سپس بخش عمده تحصیلاتش را در بغداد گذرانده باشد. وی در اثر دشنام‌های زیادش به امرای عباسی، در سال ۲۶۰ هـ در بغداد به قتل رسید. او در قصاید و مثنوی‌هایش، دولت‌مردان «سَرّ من رأی» و بغداد را در زمان متوکل، به سختی هجو کرد و آن‌ها را به اعمال قبیح متهم نمود. دشنام‌های رکیک و بی‌پروای او به وزرای عباسی در آن حد بودند که علامه محسن امین از ذکر اشعار او خودداری می‌کند. وی چون شیعی مذهب بود، دشمنانش برای خلاصی از زبان او، نزد مفلح، غلام موسی بن یغلا، رفتند و شهادت دادند که وی فاسد‌العقیده و رافضی است. آن غلام ترک نیز شاعر بی‌نوا را به شکنجه کشید و آن‌قدر به او تازیانه زد که جان داد. او گوینده این شعر معروف است:

إِذَا وَصَّحَ الرَّاهِمِيَّ إِلَى الْأَرْضِ صَدْرَهُ يَسْحَقُ عَلَى الْمَعْرِيَّ بِأَنْ تَشَبَّهَا
(وقتی چویان سینه خود را بر زمین بگذارد، بزها حق دارند پراکنده شوند.) از او اطلاعات بیشتری در منابع به چشم نمی‌خورند. به همین دلیل، شاگردان و استادان او نامعلومند؛ چنان‌که از دیوان شعر او نیز هیچ اثری نیست، تنها مرزبانی در معجم‌العشراء، بخشی از قصاید او را آورده است.

منابع

اعیان الشیعة (قطع بزرگ)، ج ۲، ص ۵۸۸ / دائرة‌المعارف تشیع، ج ۱، ص ۴۲۷.

احمد بن ابی طاهر طیفور مروزی خراسانی بغدادی (۲۰۴ - ۲۸۰ ق)

ابوالفضل، معروف به کاتب ورّاق و مشهور به ابن طیفور، مورّخ، نویسنده و شاعری معروف، کنیه پدرش ابوطاهر بود. به همین دلیل، گاهی او را «ابن ابی طاهر» نیز می‌خوانند. وی اصالتاً اهل «مرو رود» از بلاد خراسان بود، اما نیاکانش از آنجا به بغداد آمده و از جمله کسانی بودند که به سبب اخلاص به دولت عباسی، «أبناء الدوله» یا «اولاد الدوله» خوانده می‌شدند.

تولد و وفات او در بغداد بود. به گفته ابن ندیم، خطیب بغدادی و دیگران، وی همزمان با ورود مأمون از خراسان به بغداد در سال ۲۰۴ هـ، در همین شهر به دنیا آمد و در شب چهارشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی سال ۲۸۰ هـ در بغداد وفات کرد و در مقابر «باب الشام» نزدیک منزلش به خاک سپرده شد.

«ابن طیفور» مشترک بین چند نفر است: ۱. عبیدالله بن احمد بن طیفور (م ۳۱۵ ق) فرزند صاحب شرح حال؛ ۲. محمّد بن طیفور غزنوی سجاوندی (م ۵۶۰ ق)؛ وی مفسّری زبردست و عالم به قرائات قرآن بوده. ۳. سراج‌الدین عبدالرشید بن طیفور سجاوندی حنفی (م ۶۰۰ ق) ریاضی‌دان مشهور؛ ۴. احمد بن طیفور (م ۲۸۰ ق) که صاحب شرح حال است.

کار او در جوانی تربیت اطفال بود. از این‌رو، وی را «مؤدّب الاطفال» لقب داده‌اند. وی پس از چندی در بازار ورّاقان (کتاب‌فروشان) در شرق بغداد، دکانی گرفت و به کار کتاب و تألیف پرداخت. وی در بازار ورّاقان با بسیاری از مشاهیر ادب آشنا شد و چون اهل فهم و ذوق بود و دانش وسیعی کسب کرده بود و زیبا شعر می‌سرود، شهرت بسیار یافت، آنچنان‌که ابن معترّ در حق او می‌گوید: شعرش مشهورتر از آن است که من چیزی از آن نقل کنم و او را کتاب‌هایی است که شهرت آن‌ها به شرق و غرب عالم رسیده‌اند.

وی شاعری هجوگو و گستاخ بود و بی‌پروا اشعار و سروده‌های شاعران بزرگی

و هم عصرانش همچون ابوتمام حبیب بن اوس (م ۲۳۱ ق)، ابن رومی بغدادی (م ۲۸۳ ق)، بحتری طائی (م ۲۸۴ ق) و ابوعلی بصیر (م ۲۵۸ ق) - شاعر شیعی مذهب و ایرانی الاصل) را به باد انتقاد می‌گرفت. ابن رومی، که بیش از همه از وی آزرده خاطر بود، درباره‌اش می‌گفت: او همچون سگان بر من پارس می‌کند. وی حتی از زبان زهرآگین شاعر هجاء و هرزه‌گویی همچون ابوالعیناء (م ۲۸۳ ق) نیز بی‌می به خود راه نداد و او را در قطعه‌ای از شعر خود، هجو گفت. مهاجرات او با بزرگ‌ترین شاعران عرب، نشان می‌دهد که وی در خود، آن قدر توان علمی و ذوق شاعری سراغ داشت که در نبرد با آنان گستاخ باشد.

وی همچنین مناظرات و مجالساتی با ابوالعبّاس مبرّد (م ۲۸۵ ق)، نحوی بزرگ زمان، داشت. گفته می‌شود: وی روزی از منزل ابوالصقر (م ۲۷۸ ق) به خانه خود در «باب الشام» برمی‌گشت. مبرّد او را خسته و گرم‌زده دید و وی را به خانه خویش خواند و غذای لذیذی به او داد و حدیث نیکو گفت، ولی وی بنا به عادت هجوگویانه‌اش، دو بیت شعر در هجو او سرود.

با این حال، برخی گزارش‌ها از اخلاق نیکو و طبع ظریف او حکایت دارند. به گفته جعفر بن حمدان (صاحب کتاب الباهر)، وی در نگاه بحتری، فردی حمیدالاخلاق، ظریف‌المعاشره و شیرین‌سخن بود. وی با همه اعتبار و شهرتی که داشت، هرگز توانست به دربار خلفا یا حتی امیران راه یابد. تنها یک بار حسن بن مخلّد (م ۲۶۹ ق)، وزیر معتمد را مدح کرد، اما از این مدح یا چگونگی پیوند او با این وزیر هیچ خبری در دست نیست. شاید زندگی آزادمنشانه و عشق او به کتاب و نگارش، مانع نفوذ او به دربار بوده است.

از استادان مشهور او، می‌توان ابوتمام حبیب بن اوس طائی (م ۲۳۱ ق)، ابن رومی بغدادی (م ۲۸۳ ق) و بحتری طائی (م ۲۸۴ ق) را نام برد. علاوه بر این‌ها، از ابوالعبّاس ثعلب نحوی (م ۲۹۱ ق)، حمّاد بن اسحاق موصلی، عمر بن شیبه، احمد بن هبشم سامی و عبدالله بن ابی‌سعید و ذاق نیز روایات ادبی دارد. از

شاگردان ادبی او، ابن جرّاح، محمّد بن خلف بن مرزبان و فرزندش عبیدالله بن احمد بن طغفور (م.ح ۳۲۰ ق) هستند.

از تألیفات او برمی آید که تخصص او در شعر و ادب، کم نظیر بوده است. آثار او را پنجاه کتاب نوشته اند که از جمله آن ها اخبار بغداد است. این کتاب نخستین تألیف درباره رویدادهای شهر بغداد می باشد که بخش هایی از آن به زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه شده اند. در این کتاب، تا زمان مهندی بالله (حک ۲۵۵-۲۵۶ ق) گزارش شده، اما پسرش عبیدالله در ادامه آن، اخبار زمان معتمد، معتضد، مکتفی و مقتدر را نیز نگاشته است. اثر دیگری که از او بر جای مانده، *المشور والمنظوم* است که عمدتاً برگزیده ای از نظم و نثر بزرگان و به قول ابن ندیم، در اصل شامل چهارده جزء بوده، اما در زمان وی بیش از سیزده جزء در دست مردم نمانده بود. اینک بخش های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ به صورت نسخه های خطی موجودند که بخش ۱۱ آن با عنوان *بلاغات النساء* به چاپ رسیده است. از کتاب های دیگر او، که اکنون در دست نیستند، می توان *سقات الشعراء*، *سقات البحتری من ابي تمام*، *الجواهر*، *اسماء الشعراء الاوائل*، *القاب الشعراء*، *مقاتل الشعراء*، *المعروفین من الانبياء*، *تربیه هرمز بن کسری انوشروان*، *التهی عن الشهوات* و *جمهرة نسب بنی هاشم* را نام برد.

آقا بزرگ طهرانی معتقد است: وی فردی شیعی بود و این مطلب را از مقدمه طبع اول کتاب *بلاغات النساء* او استفاده کرده است. مطالبی که وی درباره ماجرای فدک و خطبه حضرت زهراء علیها السلام در این کتاب آورده، نشان دهنده تمایل او به مذهب شیعه اند.

منابع

الاعلام، ج ۱، ص ۱۴۱؛ ج ۴، ص ۱۹۰؛ ج ۶، ص ۱۷۹؛ ج ۷، ص ۲۷ / *بلاغات النساء*، ص ۱۲ به بعد / *تاریخ بغداد*، ج ۴، ص ۴۳۳، ش ۲۲۱۶ / *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*،

ج ۲، ص ۶۷۲ / الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۶، ص ۱۲۶ و ذیل عناوین کتاب‌ها / فهرست ابن ندیم، ص ۱۶۳ / کتاب الصناعین، صفحات متعدد / معجم الادباء، ج ۳، ص ۹۸-۸۷ / معجم المطبوعات العربیة والمعریة، ج ۱، ص ۳۷۰ / الموشح، ص ۳۱۵ / هدیة العارفین، ج ۱، ص ۵۱.

احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح (؟- ۲۷۸؟ یا ۲۸۴ ق) احمد، معروف به «یعقوبی»، تاریخ‌نگار شیعی و سیاحتگر مشهور، جدش از موالیان و خدمت‌گزاران منصور عباسی بود. وی فردی سیاح و دوستدار مسافرت بود. به همین دلیل، به شرق و غرب بلاد اسلام سفر کرد و در سال ۲۶۰ هـ وارد خاک «ارمینیه» از بلاد روم شد، سپس به هند سفر کرد و پس از آن به سرزمین مصر و بلاد مغرب بازگشت. در دوران سیاحتش، کتاب البلدان را به رشته تحریر درآورد و در سال ۲۸۰ هـ، کتاب معروف التاریخ الکبیر، معروف به تاریخ یعقوبی را نگاشت و در سال ۲۸۴ ق دار فانی را وداع گفت.

جرجی زیدان می‌نویسد: به دلیل آنکه وی فردی شیعی بود، مطالبی از عباسیان را نیز در تاریخ خود ذکر کرده است. وی در تاریخ و جغرافیا تخصص عمده داشت و گاهی نیز شعر می‌سرود. از او آثار زیادی بر جای مانده‌اند که از جمله آن‌ها التاریخ الکبیر، اخبار الامم السالفة و رسالة مشاکلة الناس لزمانهم می‌باشد.

منابع

الاعلام، ج ۱، ص ۹۵ / تاریخ الأدب اللغة المریة، ج ۲، ص ۱۹۶ / الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۳، ص ۱۴۴ و ۲۹۶ / ذیل کشف الظنون، ص ۲۵ / الکنی واللقاب، ج ۳، ص ۲۹۶ / معجم المؤلفین، ج ۱، ص ۱۶۱ / معجم المطبوعات العربیة والمعریة، ج ۲، ص ۱۹۴۸.

احمد بن اسحاق قمی (ق- ۲۶۱ ح)

ابوعلی، فقیه، محدث، از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام و وکیل بلند پایه امام حسن عسکری علیه السلام بود که در قم چشم به جهان گشود و احتمالاً در اواخر سده دوم (ح ۱۹۰ هـ) تولد یافت؛ زیرا وی از اصحاب امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) به شمار نیامده و گویا در عصر آن امام، نوجوانی بیش نبوده است. درباره وفات او، همین اندازه روشن است که وی مدتی پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) زنده بوده و دوران کهولت و پیرش اش را می گذراند.

در گزارشی از حسین بن روح قمی در رجال کشی آمده است: وی پس از وفات حضرت عسکری علیه السلام، نامه‌ای به امام عصر (عج) نوشت و اجازه خواست تا به حج سفر کند. حضرت نیز ضمن اجازه، پارچه‌ای برای او فرستاد. وی با دیدن پارچه، گفت امام علیه السلام خبر وفات مرا داده است و هنگام بازگشت از حج، در «حلوان» (واقع در سرپل ذهاب از توابع استان کرمانشاه) درگذشت. اکنون قبر او در «سرپل ذهاب» پابرجا و مورد احترام اهالی منطقه است.

وی در یک خانواده مذهبی و علمی در قم پرورش یافت و چون پدرش اسحاق بن عبدالله قمی اهل دانش و از اصحاب امام کاظم علیه السلام بود، احتمالاً در پرورش علمی او نقش بسزایی داشت. در ایام جوانی، آثار فضل و دانش و صفای باطن در او نمایان گشت و در میان مردم قم، چهره‌ای مورد قبول یافت.

وی در قم علاوه بر پدرش، نزد استادانی همچون زکریا بن آدم قمی و زکریا بن محمد مؤمن قمی (م.ح ۲۵۵ ق) استماعاتی داشت و تلاش او در فراگیری فقه و حدیث، چندان بود که در عصر امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق)، که هنوز دوران جوانی اش را می گذراند، به مقام شایسته‌ای رسید، به گونه‌ای که او را از محدثان

این دوره و از اصحاب آن امام به شمار آورده‌اند. در عصر امام هادی علیه السلام (۲۲۰-۲۵۴ ق)، که وی دوران میان‌سالی خود را سپری می‌کرد، مسافرت‌هایی به بغداد، کوفه و سامرا داشت و چندین نوبت خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شد و پرسش‌هایی را که از آن امام می‌نمود، در کتابی گردآوری کرد. وی طی مسافرت‌هایش به عراق با استادان متعددی همانند بکر بن محمد بن عبدالرحمان ازدی، عبدالله بن میمون، سعدان بن مسلم عامری، ابوهاشم جعفری بغدادی (م ۲۶۱ ق) و یاسر خادم (م.ح ۲۶۰ ق) ملاقات داشت و از آن‌ها حدیث شنید. در این زمان، وی در فقه و حدیث به حد کمال رسید و بنا بر گزارش نجاشی و طوسی، از چهره‌های درخشان و «شیخ اهل قم» به شمار می‌آمد.

وی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) به عنوان وکیل آن امام در قم، مشغول خدمت شد و خانه‌اش در قم محل رجوع علما، فقها و مردم عادی بود. به همین دلیل، نجاشی او را «وافد القمیین» معرفی کرده است. گفته می‌شود: وی به دستور امام حسن عسکری علیه السلام مسجد بزرگی در قم بنا کرد که امروزه پایرجاست و به نام «مسجد امام» شهرت یافته است. برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که وی در مسافرت اخیرش به سامرا، که وجوهات اهالی قم را نزد امام حسن عسکری علیه السلام برده بود، امام عصر (عج) را دید و با آن امام صحبت کرد. در این مسافرت، شاگردش سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق) نیز با او بود که گزارش مذکور را او نقل کرده است. حتی در گزارش طوسی آمده است که وی پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، با امام عصر (عج) درباره ادعای جعفر کذاب (برادر امام حسن عسکری علیه السلام) مکاتبه داشت و در پی آن، امام علیه السلام با صدور توقیعی مفصل، نسبت به ادعای عمویش هشدار داد و جعفر را فردی «مفسد» معرفی نمود.

وی در قم، شاگردان متعددی تربیت کرد که مشهورترین آن‌ها سعد بن عبدالله

اشعری (م ۲۹۹ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م ب ۲۹۷ ق)، محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق) و علی بن ابراهیم قمی (م ح ۲۷۵ ق) بودند. از تألیفات او، کتاب‌های *علل الصوم*، *علل الصلاة* و *مسائل الرجال* (پرسش‌هایی از امام هادی علیه السلام) دربارهٔ حال راویان معرفی شده‌اند.

منابع

رجال الطوسی، ص ۳۷۳، ش ۵۵۲۶؛ ص ۳۸۳، ش ۵۶۴۳؛ ص ۳۹۷، ش ۵۸۱۷ / رجال النجاشی، ص ۷۳، ش ۱۷۴؛ ص ۹۱، ش ۲۲۵ / معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۵۲، ش ۴۳۵.

احمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن فضال (؟ - ۲۶۰ ق)

ابوالحسین یا ابوعبدالله، از راویان قابل اعتماد و از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام بود. از زمان ولادت او اطلاعی در دست نیست، ولی در سال ۲۶۰ هـ در کوفه وفات کرد. برادرش، ابوالحسن علی بن حسن بن علی بن فضال (م ۲۹۰ ق)، از استادان و فقهای بزرگ کوفه به شمار می‌آمد. پدرش مردی دانشمند و عابدترین فرد زمان خود بود که در سجده‌های طولانی‌اش، پرنندگان بر پشت او فرود می‌آمدند.

وی بیشتر حیات علمی‌اش را در کوفه گذراند و تحصیلات ابتدایی خود را در آن شهر نزد پدرش آغاز نمود. سپس در محضر بزرگان عصر خود، زانوی شاگردی بر زمین زد و احادیث فراوانی از آنان شنید، اما چون دارای عقیده‌ای ناسالم بود، افراد اندکی نزد او گرد آمدند و از معلومات وی بهره بردند. وی همچون پدر و دیگر اعضای خانواده‌اش، به مذهب «فطحیه» اعتقاد داشت؛ کسانی که عبدالله بن افضح، فرزند امام ششم شیعیان، را آخرین امام و مهدی

موجود می‌پنداشتند. با این وصف، نباید این واقعت را از نظر دور داشت که احمد بن فضال و به طور کلی، خاندان ابن فضال، اگرچه دارای عقیده‌ای ناسالم بودند، اما روایات و گزارش‌هایشان قابل قبول انگاشته می‌شوند. امام حسن عسکری علیه السلام دربارهٔ خاندان «بنی فضال» فرمود: بدانچه آن‌ها از ما روایت می‌کنند، تمسک کنید، ولی به عقیده آن‌ها اعتنایی نداشته باشید.

استادان او غیر از پدرش، ابن ابی عمیر، اسماعیل بن همام، علی بن یعقوب هاشمی و عمرو بن سعید سباطی بودند. از جمله شاگردان او، محمد بن جعفر رزازی می‌باشد. از او تنها دو اثر به نام کتاب الصلاة و کتاب الوضوء در منابع معتبر معرفی شده است.

منابع

الاعلام، ج ۴، ص ۲۷۲ / ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۳۰۹ / التحریر الطاووسی، ص ۶۳ / خلاصة الرجال، ص ۲۰۳ / اللریمة الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۴۵؛ ج ۱۵، ص ۵۴؛ ج ۲۵، ص ۱۱۱ / رجال ابن داود، قسم ثانی، ص ۲۲۸، ش ۲۳ / رجال الخاقانی، ص ۲۱۵ / رجال الطوسی، ص ۴۱۰، ش ۱۷ / رجال النجاشی، ص ۳۴، ش ۱۷۲ ص ۸۰، ش ۱۹۴ / الفوائد الرجالیه، ج ۲، ص ۳۰۹ / الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۹۶ / معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۸۷ / نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ج ۴، ص ۱۸۱ / هدیة المارقی، ج ۱، ص ۴۹ و ۲۶۷.

احمد بن حسن مازنی (؟ - ب ۲۷۶ ق)

ابوالحسن، عالم شیعی در عصر غیبت صغرا و کاتب اذکوتکین (فرمانروای ترک تباری) بود. از سال تولد و مرگ او اطلاع دقیقی نداریم، اما می‌دانیم که وی در سال ۲۷۵ هـ شهر ری را فتح نمود و تشیع را در آنجا آشکار ساخت؛ چنان‌که طبری نیز در گزارشی آورده است که وی در ۲۷۶ هـ بالموقف عباسی (م ۲۷۸ ق)

مکاتبه نمود و از او خواست تا به منطقه «جبال» بیاید و اموال هنگفتی از مردم آنجا بگیرد. بنابراین، وی تا این تاریخ زنده بوده است. معاصرت و دوستی صمیمانه او با احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ ق) نیز گواه آن است که وی در ایام احمد برقی زنده بوده است. برقی هر ساله از قم نزد او به ری می‌رفت و مالیات مزارعش در کاشان را، که بالغ بر ده هزار درهم می‌شد، به او پرداخت می‌نمود. هیچ منبعی به تاریخ تولد او اشاره نکرده است.

همچنین در اینکه نسبت او «ماذرای» است یا «مادرانی» (با نون) بین مورخان گفت‌وگوهای وجود دارند. «ماذرای» منسوب به «ماذرایا»، نام روستایی از توابع بصره است. برخی نیز آن را روستایی از نواحی بالادست «واسط» در اطراف دهانه «صلح» (به کسر صاد) دانسته‌اند. اما «مادرانی» (به فتح دال) - چنانکه در برخی از دائرةالمعارف‌های معتبر آمده - منسوب به ناحیه‌ای است معروف به «مادران» که ظاهراً قلعه‌ای بوده در حدود کرمانشاه بر سر راه نهارند، و به همدان و صحنه و دینور نزدیک بوده است. به دلیل آنکه در منابع از سوابق و فعالیت‌های او در بصره و اطراف آن ذکری به میان نیامده، اما از اقامت او در کرمانشاه، دست‌کم برای مدتی، یاد شده است، می‌توان اتساع او را به «مادران» کرمانشاه، درست‌تر دانست. بنابراین، احتمال اینکه وی اصالتاً ایرانی و تولد یافته «مادران» کرمانشاه بوده باشد، بعید به نظر نمی‌رسد.

از دوران کودکی و محیط خانواده او اطلاعی در دست نیست. تنها در روایتی که شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) آورده، از نوه او به نام علی بن محمد بن احمد مادرانی یاد شده است. آگاهی‌های ما عمدتاً مربوط به دهه‌های اخیر عمر او و چگونگی ظهور او در صحنه سیاست‌اند، اما احتمالاً وی پیش از ورود به امور سیاسی، برخی از علوم اسلامی را فراگرفته و در امر نویسندگی نیز مهارت لازم پیدا کرده بود. روابط صمیمانه او با محدثان زمان خود، مانند احمد برقی (م ۲۸۰ ق)، احمد دینوری سراج (م. ح ۲۷۵ ق) و ابوالحسن اسدی رازی (م ۳۱۲ ق) - وکیل امام

عصر ع در ری) گواه این هستند که وی ضمن آنکه با عالمان زمان خود حشر و نشر داشت، خود نیز از دانش کافی برخوردار بود.

وی زمانی وارد صحنه سیاست شد که از یکسو، خلیفه عباسی المعتمد (۲۷۹ ق) و الموفق (م ۲۷۸ ق) در بغداد، و از سوی دیگر، علویان زیدی همچون حسن بن زید (م ۲۷۰ ق) و محمد بن زید (م ۲۸۷ ق) در طبرستان بر کرسی حکومت تکیه زده بودند. در اواسط جمادی الاول ۲۷۲ هـ، محمد بن زید (م ۲۸۷ ق)، جانشین و برادر حسن بن زید، اقدام به تصرف ری کرد، اما از اذکونکین (فرمانروای ری) که به دستور خلیفه بغداد، رو به ری نهاده بود، شکست خورد. اذکونکین فاتحانه وارد ری شد و از اهالی آنجا مال هنگفتی ستاند و کارگزاران خود را به اطراف ری فرستاد. در غالب منابع، صاحب شرح حال را «کاتب» و «حسابدار» اذکونکین شمرده‌اند و چندان بعید نیست که وی از سوی اذکونکین، بر ری یا قم نیز حکومت یافته باشد، هرچند از نظر اعتقادی با اذکونکین هم‌سویی نداشت و همواره در صدد فرصتی بود تا مذهب تشیع را در قلمرو حکومتش گسترش دهد.

وی گرچه خود در آغاز، اعتقاد راسخی به امامت اهل بیت علیهم السلام نداشت، اما در ماجرای که خود او نقل کرده و در منابع معتبر نیز ذکر شده، چنین آمده است که وی به امامت اهل بیت علیهم السلام باور نداشت تا اینکه یزید بن عبدالله شهرزوری، که از دوست‌داران اهل بیت علیهم السلام و حاکم «شهرزور» (اطهراف همدان) بود، در مرض موتش به او وصیت کرد که زکات شترانش و همچنین شمشیر و کمر بندش را به کسی که با عنوان «صاحب الزمان علیه السلام» از او نام برد، تحویل دهد. وی با خود اندیشید که اگر به وصیت یزید بن عبدالله عمل کند و اموال را، که بالغ بر هفتصد دینار می‌شد، به اذکونکین نرساند، ممکن است مورد خشم فرمانروای ری واقع گردد. در همین فکر بود که نامه‌ای از عراق به او رسید و در آن نوشته شده بود: هفتصد دیناری را که نزد توست به ما برسان. وی می‌گوید: پس از خواندن این نامه، به وجود امام عصر (عج) ایمان آوردم و اموال را به آن حضرت رساندم.

در برخی از منابع تاریخی آمده است که اهالی ری اهل سنت و جماعت بودند، تا آنکه در سال ۲۷۵ هـ در ایام خلافت المعتمد، وی با روی‌گردانیدن از اذکوتکین، بر آنجا غلبه یافت و تشیع را آشکار ساخت و بدین‌وسیله، مذهب شیعه در ری رواج پیدا کرد و حتی برخی دانشمندان آن دیار، همچون عبدالرحمان بن ابی‌حاتم رازی (م ۲۷۷ ق)، که کتابی در فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) برای وی تألیف کرد، به تصنیف کتاب‌هایی برای او اقدام کردند. وی به تبلیغ مذهب امامیه پرداخت که این امر علاوه بر فشارها و تهدیدهایی که از سوی حاکمان بغداد بر وی به دنبال داشت، می‌توانست به عنوان واکنشی در برابر صلویان زیدی‌مذهب تلقی شود که در صدد توسعه قلمرو خود بودند. اما او قاطعانه اهداف خود را دنبال نمود و چنان در گسترش تشیع گام نهاد که او را «پایه‌گذار مذهب شیعه در ری» معرفی نموده‌اند.

وی با اینکه گام بلندی در آزادی شیعیان و رفع تقیه از آن‌ها برداشت، اما در غالب منابع شیعی، کمتر به معرفی او پرداخته شده است. بدین‌روی، از استادان، شاگردان و به‌طور کلی، از زندگی علمی او گزارشی دیده نمی‌شود. همچنین از نامه‌ها و مکاتباتی که وی با شهرهای اسلامی انجام می‌داد و نیز نوشته‌هایی که وی در زمینه محاسبات مالی کشور داشت، هیچ اثری به چشم نمی‌خورد، با اینکه وی سال‌ها کتاب اذکوتکین بود و به مقتضای شغلی که داشت، می‌بایست آثار ارزنده‌ای در این زمینه از او باقی مانده باشند.

منابع

- الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۳ / الانساب، ج ۵، ص ۱۶۰، ذیل «مادرائی» / تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۵۲ / تاریخ طبری، ج ۸، ص ۱۵۴ / تاریخ قم، ص ۳۵ / الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۶۰، ش ۵ / دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۷۱۱ / دلائل الامامه، ص ۱۱۹، ذیل ح ۴۹۳ / عیون المعجزات، ص ۱۳۳ / الکافی، ج ۱، ص ۵۲۲، ب مولد

الحججه، ح ۱۶ و ۲۲ / الکامل، ج ۷، حوادث سال‌های مورد بحث / کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۰۳ / کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۴۷۳، ب ۴۳، ح ۲۴ / المحاسن، مقدمه، ج ۱، ص ۳۰ و اطراف آن / معجم‌الادباء، ج ۲، ص ۹۰۱، ذیل ماده «ری».

احمد بن حسین بن عبدالملک (ح ۱۹۷ - ح ۲۹۵ ق)

ابرجعفر کوفی اودی فقیه و محدّث شیعی و اوخر سده سوم هجری بود. از ولادت و وفات او آگاهی درستی نداریم. کهن‌ترین استاد او در ۲۱۵ هـ وفات یافت. بنابراین، اگر در زمان وفات استادش، سن او را دست‌کم ۱۸ سال در نظر بگیریم تولّد او در سال ۱۹۷ هـ بوده است. همچنین بعضی از شاگردان او در ۳۳۳ هـ از دنیا رفته‌اند. بنابراین، وفات او احتمالاً پیش از این تاریخ بوده است و بدین‌روی، وی باید از «سال‌خوردگان» (بیش از صد سال) بوده باشد، اما چون گزارشی مبنی بر عمر طولانی او در دست نیست، وفات او می‌بایست در اوخر سده سوم (ح ۲۹۵ هـ) روی داده باشد.

ریشه و تبار او اهل کوفه و از طایفه «بنی اود» از قبیله «مذحج» هستند. «بنی اود» از نسل اود بن صعّب بن سعد بن مذحج بودند که در کوفه سکونت داشتند و نخستین کسی که مذهب تشیع را در میان آنان رواج داد حارث بن ابی‌رسن اودی بود. وی خود در کوفه پرورش یافت و به علوم حدیث روی آورد و نزد استادان کوفه، به ویژه حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق)، بیشترین بهره‌ها را برد. در منابع، گزارشی مبنی بر اینکه وی از کوفه خارج شده باشد، وجود ندارد، جز اینکه شاگردی ابوالعبّاس بن عمده (م ۳۳۳ ق) نزد او ممکن است دلیل حضور وی در بغداد بوده باشد. در بعضی از منابع (فرحة القری، ص ۱۰۷، حدیث ۵۹) لقب «بزاز» به او داده شده که این حاکی از آن است که وی به تجارت پارچه نیز اشتغال داشته است.

وی در منابع رجالی، فردی مطمئن و راستگو معرفی شده و احادیث او از ارزش و اعتبار برخوردارند. از معاصران او، محمد بن مفضل بن ابراهیم اشعری، سعدان بن اسحاق بن سعید و محمد بن احمد بن حسن قطوانانی هستند که با هم نزد حسن بن محبوب شاگردی کرده‌اند. استادان دیگر او ذبیان بن حکیم، اسماعیل بن عامر و ابوعلی احمد بن مفضل کوفی (م ۲۱۵ ق) بودند. وی همچنین در سلسله اسناد روایات اهل سنت نیز قرار دارد و از معاذ بن موسی، اسحاق بن یزید و منصور بن ابی‌نور حدیث نقل کرده است.

شاگردان او علی بن محمد بن زبیر قرشی (م ۳۴۸ ق)، ابن عقیله کوفی (م ۳۳۳ ق)، علی بن ابراهیم فدکی و ابوالقاسم علی بن احمد خدیجی کوفی بودند. وی دارای اثر تالیفی نیست، جز اینکه کتاب المشیخه را، که دست‌نوشته‌های پراکنده استادش بود، با عنوان میبوب کتاب المشیخه منظم و مرتب کرد.

منابع

الانساب، ج ۱، ص ۲۲۶، ذیل کلمه «أودی» / تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۵ و ۴۲۲ / تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۵، ح ۵۳ / الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۹، ص ۵۷ / رجال ابن داود، ص ۳۷، ش ۶۹؛ ص ۶۷، ش ۳۵۵ / رجال الشیعه فی اسانید السنه، ص ۴۲ / رجال الطوسی، ص ۴۱۵، ش ۶۰۰۸ / رجال النجاشی، ص ۸۰، ش ۱۹۳ / سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۳۰ / طوسی، الغیبه، ص ۲۵۳، ح ۲۲۳ / همو، الفهرست، ص ۶۷، ش ۷۱ / نعمانی، الغیبه، ص ۱۲۷، ح ۲.

احمد بن حسین بن قزّاز بصری بن ربّاح بن ابی‌نصر سکونی (؟ - ۲۶۱ ق) احمد بن حسین از راویان شیعه و معتقد به مذهب «واقفیه» بود که امام هفتم شیعیان را مهدی موعود می‌پندارند. تاریخ ولادت او در دست نیست، اما وفات او در سال ۲۶۱ هـ روی داد. علامه حلی نام پدر او را حسین و جدّ او را ربّاح و جدّ اهلای او را ابی‌نصر سکونی معرفی کرده است. ظاهراً پدرش حامی و بی‌سواد

بود، اما جدّ او، ربّاع بن ابی نصر، از راویان شیعه بود و احادیثی از امام صادق علیه السلام در باب حج دارد. عموهای پدرش، صمر بن ابی نصر و مهران بن ابی نصر (برادران ربّاع و فرزندان سکونی) از راویان حدیث و دارای مذهب واقفی بودند. جدّ اصلاّی او ابونصر سکونی نیز مذهب واقفی داشت، اما در منابع شیعه به راست‌گویی او تصریح شده و از طریق او احادیثی در این منابع نقل گردیده‌اند. صاحب *ایضاح المکتون* بدون ذکر هیچ شاهدهی، احمد قزّاز را شیعهٔ دوازده امامی معرفی کرده است، اما این مطلب با آنچه کارشناسان علم رجال اظهار می‌دارند و او را هفت امامی معرفی می‌کنند، منافات دارد.

احمد قزّاز بیشتر تحصیلات خود را در میان اعضای خانواده و بستگان خود، که عمدتاً بر مذهب «واقفیه» بودند، گذراند. نجاشی وی را «مولا» یعنی «عجمی» معرفی می‌کند. بنابراین، وی در اصل، غیر عرب بوده که به عراق آمده و احتمالاً در کنار شغل «قزّازی» (ریسندگی)، به استماع حدیث نیز پرداخته است و با علی بن حسن طاطری (م ۲۶۰ ق) و حسن بن محمد بن سماعه (م ۲۶۳ ق)، که معاصر و هم‌کیش وی در مذهب بودند، هم‌بحث شده است، اگر چه این دوازده‌زیردستان و شاگردان او نیز به شمار می‌آیند. وی به دلیل اینکه هفت امامی بود و در عصر پس از امام هفتم شیعیان زندگی می‌کرد، به طور مستقیم حدیثی از امامان بعدی ندارد. در منابع شیعه، از او احادیث اندکی به چشم می‌خورند و در فهرست شیخ طوسی، احادیث او ضعیف معرفی شده‌اند.

نجاشی نام استادان او را ذکر نمی‌کند، بلکه تنها به جملهٔ «روی عن الرجال» (از مردان روایت دارد) اکتفا می‌کند. ولی با تتبع در احادیث او، می‌توان ابوشعیب صالح بن خالد محاملی را از استادان او ذکر کرد. از شاگردان او، محمد بن احمد بن ثابت و حمید بن زیاد نینوایی هستند که حمید کتاب *عاصم بن حمید* را از او روایت کرده است. از تألیفات او، دو کتاب *الصفة فی مذهب الواقفه* و *التسویه* به ثبت

رسیده‌اند. وی در کتاب التوسیه، رابطه تساوی بین عرب و عجم را تبیین نمود و جرم بودن ازدواج عرب با موالی را رد کرد.

منابع

ایضاح الاشتباه، ص ۹۷، ش ۵۰؛ ص ۱۱۱، ش ۸۷ / ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۳۰۹ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۰ و ۳۱۵ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۵ / رجال ابن داود، ص ۲۲۸ / رجال الطوسی، ص ۲۰۸، ش ۵۹۴۴ / رجال النجاشی، ص ۷۸، ش ۱۸۶؛ ص ۹۹، ش ۲۴۹ / طوسی، الفهرست، ص ۹۱، ش ۱۴۰؛ ص ۳۰۷ / کشف الحجب و الاستار، ص ۱۲۲ / معجم المؤلفین، ج ۱، ص ۱۹۶ / معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۱۲۲، ش ۵۶۵ / نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۱۵ و ۱۲۴؛ ج ۲، ص ۲۳۱؛ ج ۳، ص ۳۵۰.

احمد بن داود بن سعید فزاری جرجانی (ح ۱۹۵ - ح ۲۷۵ ق)

ابو عبدالله، مشهور به ابویحیی جرجانی، فقیه، محدث و متکلم شیعی، در آغاز، گرایش سنی داشت، ولی در زمان امام هادی علیه السلام (م ۲۵۲ ق) به مکتب اهل بیت علیهم السلام روی آورد و در دفاع از مذهب شیعه، کتاب‌های زیادی تألیف نمود. تولد او در عصر امام جواد علیه السلام (م ۲۲۰ ق) بود و تقریباً در اواخر سده دوم اتفاق افتاد؛ زیرا این شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) او را در شمار اصحاب آن امام یاد کرده است. درباره وفات او، با توجه به اینکه شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) وی را از محدثان عصر غیبت به شمار آورده، می‌بایست در نیمه دوم سده سوم هجری روی داده باشد؛ چنان‌که سوابق علمی و سیاسی او نیز گواه آن هستند که مرگ او تقریباً در اواسط نیمه دوم سده سوم (ح ۲۷۵ ه) اتفاق افتاده است.

از نسبت «جرجانی» برمی‌آید که وی اصالتاً اهل ایران و پرورش یافته گرجان بود، اما نسبت او به «فزاری» از آن‌روست که وی احتمالاً در سفرش به عراق، با

قبیله «فزاره» در کوفه ارتباط داشته. از محیط خانواده، دوران کودکی و نوجوانی او اطلاعی نداریم، اما او مدت زیادی در گرگان اقامت نداشت و از آنجا به نیشابور عزیمت کرد و بیشتر حیات علمی خود را در این شهر به سر آورد و با محمد بن یحیی نیشابوری رازی و مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ ق) - از دانشمندان اهل سنت و صاحب کتاب صحیح مسلم، هم عصر و هم عقیده بود.

از اینکه وی چه زمانی به مذهب تشیع گرایش پیدا کرد، اطلاع دقیقی نداریم، اما آثار متعددی که در برابر مخالفان شیعه نوشته است، نشان می‌دهند که او پس از شیعه شدن، مدت زیادی حیات داشت و فرصت کافی برای نوشتن این کتاب‌ها پیدا کرد. نکته بااهمیت درباره زمان تشیع او، آن است که طوسی در رجال خود، یکبار او را در ردیف اصحاب امام هادی علیه السلام و بار دیگر در شمار کسانی که پس از عصر ائمه اطهار علیهم السلام می‌زیسته‌اند، یاد کرده، اما نام او را در شمار اصحاب امام عسکری علیه السلام ذکر نکرده است. بنابراین، گمان می‌رود هنگامی که وی در عصر امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) به عراق سفر کرد و به محضر آن امام شرفیاب شد، از همان لحظه به حقانیت شیعه پی برد و پس از آن، بار دیگر به نیشابور بازگشت و در صدد تبلیغ مذهب تشیع برآمد. به همین دلیل، می‌توان اذعان کرد که وی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) در عراق حضور نداشته است. گواه مطلب آن است که وی در زمان محمد بن طاهر (م ۲۹۸ ق)، که در فاصله سال‌های ۲۴۸-۲۵۹ هـ، بر نیشابور و خراسان حکمرانی می‌کرد، تحت تعقیب قرار گرفت و علت تعقیب وی آن بود که حدیثی در مذمت صبر بن خطاب (م ۲۳ ق) نقل کرده بود. روشن است که حدیث مذکور در زمان شیعه‌گری او نقل شده است.

در گزارش معاصرش، محمد بن اسماعیل نیشابوری (م ۲۹۵ ق)، که با وی میانه خوبی داشت، آمده است: برخی از محدثان سنی مانند محمد بن یحیی رازی، احمد بن محمد بن بغوی (م.ج ۲۸۵ ق) و ابراهیم بن صالح (م ۲۸۶ ق) پس

از شنیدن این حدیث، خبر آن را نزد امیر طاهری بردند و او مورد هجوم امیر طاهری قرار گرفت و دستور داد زبان و دست‌ها و پاهایش را قطع کنند و او را بر بالای دار بیاویزند، اما او می‌گفت: منظورم عمر بن خطاب نبوده، بلکه عمر بن شاکر (محدث سنی) بوده است. به هر حال، وی در این ماجرا با شهادت و گواهی مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ ق) و فردی دیگر، نجات پیدا کرد، اما هیچ‌گاه در تبلیغ احکام شیعه کوتاه نیامد، تا اینکه در سال ۲۵۹ هـ امیر طاهری به دست عمرو بن لیث صفاری اسیر شد و شهر نیشابور از سلطه طاهریان آزاد گشت. در همین ایام، وی فرصت یافت با نوشتن کتاب‌های متعددی در زمینه فقه، اعتقادات و به ویژه در برابر فرقه‌های انحرافی «حشویه»، «مرجئه» و «قدریه» (کسانی که ایمان قلبی را شرط نمی‌دانند)، به اهداف خود دست یابد.

وی با اینکه در اثر نوشته‌ها و آثار بسیارش، شهرت فراوانی یافته، اما از استادان و شاگردان او در هیچ‌یک از منابع شیعی و سنی ذکری به میان نیامده است؛ تنها می‌توان احتمال داد که وی مانند معاصرش، محمد بن اسماعیل نیشابوری (م ۲۹۵ ق)، نزد فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) شاگردی کرده باشد.

از جمله آثار متعدد او، کتاب المتعه، طلاق المتعه، طلاق المجنون، کتاب التفویض، کتاب الاوائل، الرد علی العنبلی، نکاح السكران، الرد علی الشجری، کتاب التسویه (در بیان اشتباه کسانی که ازدواج عرب با عجم را تحریم نموده‌اند)، کتاب الصهاکی فی فضائح الحشویه («صهاکی» نام یکی از رؤسای فرقه «حشویه» است)، مناظره الشیعی والمرجئی (در بطلان مسح بر کفش و حرمت خوردن مارماهی و غیر آن)، خلاف عمر بروایة الحشویه، محنة النائبه (در توصیف فرقه «حشویه» و انحرافات آن‌ها)، مفاخره البکریة و العمریه، الرد علی الاخبار الکاذبه (در تکذیب روایاتی که درباره فضایل خلفای سلف نقل شده)، الفوفاه من اصناف الامة (در رد فرقه‌های «مرجئه»، «قدریه» و «خوارج») هستند.

از نوشته‌های او به خوبی می‌توان دریافت که وی پیش از شیعه شدنش، بر مذهب «حشویه» و «ظاهریه» بوده که جمود بر ظاهر حدیث داشتند و استنباط و تأویل را یکسره باطل می‌انگاشتند، و هم‌اینان هستند که به گروه «مجسمه» نیز شهرت یافتند؛ زیرا آنان با تمسک به ظاهر آیات و احادیثی که بر حسب ظاهر، دلالت بر جسمانیت خداوند دارند، قایل به «تشبیه» و «تجسیم» بودند.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۴، ش ۱۰۱۶ / الانساب، ج ۴، ص ۳۸۰، ذیل «فزاری» / رجال الطوسی، ص ۳۹۲، ش ۵۸۱۱؛ ص ۴۱۷، ش ۶۰۲۶ / رجال النجاشی، ص ۴۵۴، ش ۱۲۳۱ / الرواشرح السماویه، ص ۷۲-۸۰ / طوسی، الفهرست، ص ۸۰، ش ۱۰۰ / مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۴۸۸.

احمد بن داود بن وند نحوی لغوی مهندس (۹۲۱۰-۲۸۲ یا ۲۹۰ ق)

ابوحنیفه دینوری، از رجال برجسته و کم‌نظیر امامیه و عالم به ادبیات عرب، لغت، حساب، هندسه، ستاره‌شناسی و گیاه‌شناسی بود که در تمام این علوم، تألیفات داشت. وی اصالتاً ایرانی و اهل «دینور» (یکی از آبادی‌های بلاد «جبال» نزدیک «قرمیسین») بود که با همدان قریب بیست فرسخ فاصله دارد. تولد او در دهه اول قرن سوم هجری و وفات او در سال ۲۸۲ یا ۲۹۰ هجری در بغداد اتفاق افتاد. از او احادیث زیادی نقل شده است. او در علم رجال، فردی مورد اعتماد بود و به راست‌گویی شناخته می‌شود. وی در دو مکتب بصره و مکتب کوفه به ویژه نزد ابن سکت (م ۲۴۳ ق) - که به دلیل شیعه بودنش شهید شد - درس خواند و تفکر شیعی داشت. وی با عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری کوفی (م ۲۷۶ ق)، صاحب کتاب‌های المعارف، ادب الکاتب و الامامة و السیاسة، از علمای اهل سنت و قاضی دینور، معاصر بود.

ابوحیان توحیدی (م ۳۸۰ ق در شیراز) دربارهٔ دانش او می‌نویسد: در میان متقدمان و متأخران، سه نفر هستند که اگر دانشمندان چیره‌دست از آغاز دنیا تا پایان آن، اجتماع کنند و در وصف آن‌ها مطلب بنویسند، نمی‌توانند حق مطلب را ادا کنند؛ یکی از آن سه نفر، دینوری صاحب شرح حال است. وی تألیفات زیادی از خود بر جای گذاشت که برخی از آن‌ها اکنون موجودند. مشهورترین اثر او کتاب اخبار الطوال در موضوع تاریخ است. دیگر آثار او الشعر و الشعراء، کتاب البلدان، کتاب النبات، البحث فی حساب الهند، الجبر و المقابله، تفسیر القرآن، کتاب الانواء و اصلاح المنطق می‌باشد.

منابع

الاعلام، ج ۱، ص ۱۲۳ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ذیل عناوین کتاب‌ها / فرج المهموم فی معرفة علماء النجوم، ص ۲۰۵ / معجم الادباء، ج ۳، ص ۲۶ / معجم المؤلفین، ج ۱، ص ۲۱۸ / معجم المطبوعات العربیة و المعریة، ج ۱، ص ۲۱۱.

احمد بن عامر بن سلیمان بن صالح بن وهب طائی (۱۵۷ - ب ۲۶۰ ق)

ابرجعد، محدث شیعی و از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. نجاشی تاریخ تولد او را در سال ۱۵۷ هـ گزارش کرده است. از سوی دیگر، خطیب بغدادی از او روایتی گزارش نموده که در ۲۶۰ هـ شنیده است. بنابراین، وی می‌بایست از سال‌خوردگانی بوده باشد که بیش از صد سال زندگی کرده‌اند. وی در سامراء مسکن داشت و در همان‌جا وفات یافت. از محیط خانواده و دوران تحصیل او اطلاع چندانی در دست نیست. از لقب «طائی» پیدایست که وی اصالتاً عرب بود و از قبیلهٔ معروف «طی» برخاست که شاخه‌هایی از آن در کوفه سکونت داشتند. وی از نوادگان وهب بن عامر بود که در کربلا به یاری حسین بن علی علیه السلام (شهادت: ۶۱ ق) شتافت و در روز «عاشورا» با آن حضرت به شهادت رسید.

پسرش، ابوالقاسم عبداللّه بن احمد بن عامر (م ۳۲۴ ق)، از علما و راویان حدیث بود که نزد پدرش شاگردی نمود و خود از استادان ابن عقده کوفی (م ۳۳۲ ق) و ابوبکر جمالی بغدادی (م ۳۵۵ ق) بود. به گفته فرزند او، پدرش (صاحب ترجمه) در سال ۱۹۴ هـ به خدمت امام رضا علیه السلام شرفیاب شد و از محضر آن امام بهره برد. سپس در سامراء ساکن گشت و آموخته‌های خویش از آن امام را در نسخه‌ای گردآوری نمود و این نسخه توسط فرزندش به آیندگان انتقال یافت. نسخه مذکور یکی از «اصول چهارصدگانه شیعه» به شمار می‌آید که اکنون اصل آن از بین رفته و تنها بخش اندکی از آن در جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت باقی مانده است.

وی در عصر امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) و امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) مؤذن آن دو امام در سامراء بود و چنین می‌نماید که بیشتر عمر خود را در سامراء سپری کرده و در آنجا اقامت دائم داشته است. وی در زمان وفات حضرت عسکری علیه السلام نیز در «سرّ من رأی» بر سر جنازه آن امام حضور یافت و سرانجام، خود نیز در همین شهر درگذشت.

همچنین از اینکه خطیب بغدادی شرح حال او را در تاریخ بغداد، تنها در یک سطر آورده و وی را ساکن «سرّ من رأی» معرفی کرده است، به دست می‌آید که وی در بغداد یا شهرهای دیگر عراق، حضور چشم‌گیری نداشته است. درباره ارزش روایات او، بین صاحب‌نظران اختلاف است. برخی از اصحاب تراجم برآنند که مصاحبت او با چندین امام و همچنین مؤذن بودن او برای امام هادی و عسکری علیه السلام دلالت بر مدح او دارد. از استادان او کسی را نمی‌شناسیم و روایاتی که اکنون از او باقی مانده، همه از امام رضا علیه السلام نقل شده‌اند. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که وی بیشترین تعلیمات خود را از آن امام فرا گرفته است.

از شاگردان او، غیر از پسرش کسی دیگر را نیافتیم، اما در موارد اندکی دیده شده که ابراهیم بن هاشم قمی (م.ج ۲۷۵ ق) از او نقل حدیث کرده است.

همچنین به گفته خطیب بغدادی، ابراهیم بن رجاء مقرئ نیز از شاگردان او بود. از آثار تألیفی او، جز احادیث باقی مانده، که در زمان او به صحیفه الرضا علیه السلام یا نسخه الرضا علیه السلام شهرت داشت، اثر دیگری معرفی نشده است. ظاهر کتابی که با عنوان کتاب ابی‌الجمعد الطائی در سال ۱۳۷۷ ق در تهران به همراه کتاب نشر اللثالی چاپ شده، همین صحیفه بوده است.

منابع

ایضاح الاستباه، ص ۱۱۱، ش ۱۸۸ ص ۲۴۳، ش ۴۸۸ / تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۹۶، ش ۲۴۷۵؛ ج ۹، ص ۳۹۳، ش ۴۹۷۱ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۶۲، ش ۱۸۲؛ ج ۲۴، ص ۱۴۹، ش ۷۴۹ / رجال الطوسی، ص ۳۵۱، ش ۵۱۹۹ / رجال النجاشی، ص ۱۰۰، ش ۲۵۰؛ ش ۲۲۹، ش ۶۰۶ / عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸، ح ۴؛ ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۱؛ ص ۲۲۴، ح ۲.

احمد بن عبدالعزیز بن ابی‌دلف عجلی کرجی (۹ - ۲۸۰ ق)

ابوالعباس، فرمانروای اسماعیلی مذهب و به شعر و فلسفه نیز آشنا بود. ولادت او معلوم نیست، ولی وفات او در آخر جمادی‌الاولی سال ۲۸۰ ه اتفاق افتاد. جد او ابودلف عجلی (م ۲۲۶ ق) شاعر زبردست شیعی، صاحب تصنیفات ادبی و نخستین فرمانروا از خاندان امارت‌پیشه «عجلیان کرجی» در ناحیه «جبال» (بین همدان و اصفهان) بود. از زندگی و حیات علمی صاحب شرح حال اطلاعی در دست نیست، و این شاید بدان دلیل باشد که جنبه‌های سیاسی و فرمان‌روایی او بر شخصیت علمی اش برتری داشته است. وی در آغاز، فرمانروای کاشان بود و در زمان او بود که موسی مبرقع، پسر امام جواد علیه السلام، به قم آمد و از مواجب او بهره‌مند گردید. وی سپس به امارت اصفهان رسید و مانند جد خویش، ابودلف، از اشتها و اقتدارنمایان برخوردار شد.

دربارهٔ مذهب او اطلاع کاملی نداریم، اما شواهد موجود نشان می‌دهند که وی شیعی اسماعیلی بوده است؛ زیرا احتمالاً به خاطر گرایش‌های اسماعیلی و مشرب فلسفی‌اش بود که محمد بن حسین دندان جهان بختان، فیلسوف شعوبی و بزرگ‌ترین بنیادگذار کیش اسماعیلی در ایران، را دبیر خود قرار داد و حرمتی تمام برای او قایل می‌شد. همچنین از اشعار ستایش‌آمیز برخی از شاعران شیعی همچون ابن هلوئه اصفهانی (م ۳۲۰ ق) نیز می‌توان تشییع او را استنباط کرد. از استادان، شاگردان و تألیقات او چیزی در منابع ذکر نشده است.

منابع

دائرةالمعارف تشییع، ج ۱، ص ۵۲۰.

احمد بن عبیدالله بن ناصح بن بلنجر نحوی کوفی (؟ - ۲۷۳ ق)

ابوعصیده نحوی دیلمی الاصل، از بزرگان شیعه و از ائمهٔ علوم عرب بود. جد او بلنجر (به فتح باء و لام، و ضم جیم) از بردگان بنی هاشم بود. کنیهٔ او ابوجعفر می‌باشد، ولی بیشتر با کنیهٔ ابوعصیده معروف است. تاریخ ولادت او معلوم نیست، اما وفات او طبق نظر مشهور، در سال ۲۷۳ هـ و به قولی، در سال ۲۷۸ هـ رخ داد. وی به عنوان یک معلم شیعی، عهده‌دار تربیت فرزندان متوکل عباسی، یعنی منتصر بالله (حک ۲۴۷-۲۴۸ ق) و معتز عباسی (حک ۲۵۲-۲۴۷ ق) شد. هنگامی که منتصر بالله بزرگ شد، ابوعصیده به وی تفهیم کرد که پدرش متوکل (حک ۲۳۲-۲۹۷ ق) را به قتل برساند؛ زیرا متوکل دربارهٔ فاطمه زهرا (ع) حدیث سوه می‌گفت. داستان قتل شبانهٔ متوکل به دست منتصر، مشهور است. از جمله آثار او، عیون الاخبار و الاشعار، المذکر و المؤنث و المقصور و الممدود است. وی همچنین کتاب معانی الشعر ابن سکت را با نام الزیادات فی معانی الشعر

شرح و اصلاح کرد. از این رو، می‌توان حدس زد که وی شاگرد یعقوب بن سگیت (م ۲۴۴ ق) نیز بوده است. استادان دیگر او اصمعی، واقدی و ابوداود طیالسی بوده‌اند. از جمله شاگردان او، می‌توان قاسم بن محمد انباری و علی بن محمد مصری را نام برد.

منابع

الاعلام، ج ۱، ص ۱۶۶ / الانساب، ج ۱، ص ۳۹۳ و ۳۹۴ / تفریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۱ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۷۶ / روضات الجنات، ج ۱، ص ۲۰۰ / ابن ندیم، فهرست، ص ۷۹ / الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۱۲۳ / مرآة الکتب، ص ۲۸۰ / معجم الادباء، ج ۳، ص ۲۲۸-۲۳۲ / معجم المؤلفین، ج ۱، ص ۳۰۸ / الوافی بالوفیات، ج ۷، ص ۱۶۶ / هدیة العارفين، ج ۲، ص ۳۰۱.

احمد بن علی انصاری (ب ۲۰۳ - ۲۹۵ ق)

ابوعلی محدث امامی بود. از گزارش‌ها و احادیثی که توسط او نقل شده‌اند و نیز به گواهی اینکه شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) با دو واسطه از او حدیث نقل می‌کند، استفاده می‌شود که وی در اواخر سده سوم هجری (ح ۲۹۵ ه) وفات یافته است. همچنین از آن‌رو که وی عصر امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) را درک نکرد، می‌بایست تولد او پس از ۲۰۳ ه روی داده باشد. در اینکه وی اهل کجاست و از کدام خانواده برخاست، اطلاعی نداریم.

از او روایات متعددی در منابع حدیثی به چشم می‌خورند که بیشتر آن‌ها درباره رفتار و چگونگی عبادت امام رضا علیه السلام می‌باشند. وی همچنین پرسش‌هایی را که مأمون (حک ۱۹۸-۲۱۸ ق) از امام رضا علیه السلام در مرو داشت، از طریق ابوالصلت عبدالسلام بن صالح هروی گزارش نموده است. از دیگر کسانی که وی از آن‌ها نقل حدیث نموده، حسن بن جهم، سلیمان بن جعفر بصری و احمد

بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق) هستند که ظاهراً این‌ها از استادان وی بوده‌اند. وی همچنین گزارش‌هایی مربوط به رفتار فردی و عبادی امام رضا علیه السلام از رجاء بن ابی ضحاک (مأمور خلیفه و همراه امام از مدینه تا مرو) دارد.

از شاگردان او، می‌توان عبدالله بن تمیم قرشی، محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی (استاد شیخ صدوق)، محمد بن قاسم علوی و اسحاق بن حماد را نام برد. وی در منابع معتبر، فردی «ناشناخته» معرفی شده و احادیث او از اعتبار کافی برخوردار نیستند. وی از جمله کسانی است که روایت «سهو النبی» را از طریق ابوصلت هروی از امام رضا علیه السلام نقل نموده است. از او هیچ اثر تالیفی شناسایی نشده است.

منابع

التوحید، ص ۳۲۰، ب ۴۹، ح ۲ / جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۲۹ / الخصال، ص ۲۶۷ و ۲۶۸، ح ۲ و ۳ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۳۲ / میون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۹، ب ۴۵، ح ۱۱ / ص ۲۱۶، ب ۴۶، ح ۱۱ / ص ۲۹۱، ح ۲۱ / کمال‌الدین و تمام‌المنعمه، ب ۵۷، ح ۱۲.

احمد بن علی بن محمد بن جعفر علوی عقیقی (۴ - ۲۸۰ ق)

ابوطالب از نوادگان امام سجاد علیه السلام و از راریان حدیث شیعه و متخصص در علم انساب بود. ولادت او معلوم نیست، ولی وفات او سه سال پس از وفات معاصرش عقیقی عبیدلی (م ۲۷۷ ق) واقع شد. بنابراین، وی در سال ۲۸۰ هـ وفات نموده است. فرزند او، علی بن احمد عقیقی، صاحب کتاب الانساب و رجال العقیقی است که به «عقیقی مطلق» معروف می‌باشد؛ زیرا هر گاه در کتب رجالی، «عقیقی» به صورت مطلق با رمز «حق» ذکر شود، منظور پسر اوست. به گفته نجاشی، وی مقیم مکه بود و از محدثان کوفه حدیث بسیار شنید. وی بخشی

از تحصیلات خود را در کوفه گذراند و در آنجا به مقام استادی رسید و شاگردان متعددی تربیت کرد. از جمله شاگردان او، احمد بن عبدون، محمد بن ابراهیم جعفری و پسرش علی بن احمد عقیقی هستند. در مشترکات کاظمی آمده است که روایات او بیشتر از طریق فرزندش شناخته می‌شوند. نام استادان او در منابع نیامده است. در بعضی از منابع، احادیث او به طور مستقیم از امام صادق علیه السلام نقل شده‌اند، اما قطعاً سلسله استادان او در این احادیث ذکر نگشته‌اند؛ زیرا دوران او با عصر امام صادق علیه السلام (شهادت: ۱۴۸ ق) نزدیک به یک سده فاصله زمانی دارد. تصنیفات او به شرح ذیل می‌باشند: کتاب المعرفة، فضل المؤمن، تاریخ الرجال و مثالب الرجلین و المرأتین.

منابع

ایمان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۳، ص ۴۸ / دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۲۲؛ ج ۲، ص ۵۱۲ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۹؛ ج ۲، ص ۳۷۸ / رجال النجاشی، ص ۸۱، ش ۱۹۶ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۳۵ / معالم العلماء، ص ۱۳، ش ۶۳.

احمد بن علی بن نعمان (۹- ح ۲۹۵ ق)

احمد بن علی، محدث شیعی، کتبه‌اش در منابع ذکر نشده است و از تاریخ ولادت و وفات او نیز گزارشی نیافتیم. یکی از شاگردان او تا ۳۴۱ هـ حیات داشت. بنابراین، به نظر می‌رسد وی پیش از این تاریخ وفات نموده است، بلکه چون وی شاگرد ابوجعفر محمد بن اورمه قمی، از اصحاب امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) بود، می‌بایست وفات او در اواخر سده سوم یا اوایل سده چهارم روی داده باشد؛ چنانکه شاگردی او نزد ابویسر سنندی بن محمد بزاز کوفی نشان می‌دهد که وی از طبقه سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ ق)، محمد بن حسن صفار قمی

(م ۲۹۰ ق) و علی بن حسن بن فضال (م ۲۹۰ ق) است که با یکدیگر هم‌بحث بودند و نزد این استاد (ابوشر سندی)، به استماع حدیث اشتغال داشتند. قزاین حاکی از آنند که وی دست‌کم در دو شهر قم و کوفه تحصیل کرد و پس از تکمیل مراحل تحصیلی، شاگردان چندی تربیت نمود. از استادان او، غیر از آنچه در متن آمده است، کسی دیگر را نمی‌شناسیم. از جمله شاگردان او، ابو عیسی عبدالله بن فضل بن هلال طائی (م. ب ۳۴۱ ق) است. از او اثر تألیفی بر جای نمانده است.

منابع

رجال النجاشی، ص ۳۳۰، ش ۸۹۱، ذیل ترجمه «محمد بن اورمه» / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۳۶ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۲۴، ش ۱۰۳۱۴.

احمد بن عیسی و شَاء بغدادی (۹-ح ۲۹۸ ق)

ابوالعباس محدث شیعی بود که از تاریخ ولادت و وفات او اطلاعی در دست نیست. از شاگردان و استادان او، می‌توان حدس زد که وفاتش در اواخر سده سوم (ح ۲۹۸ ه) اتفاق افتاده است. وی اصالتاً ایرانی و ظاهرأ اهل سیستان بود و برای کسب علوم حدیث به بغداد آمد و نزد استادان عصر خود به استماع حدیث اشتغال یافت. از اینکه وی را «بغدادی» لقب داده‌اند، معلوم می‌شود که اقامت او در بغدا طولانی بوده و شاید تا آخر عمر در آنجا می‌زیسته است.

گفتنی است در منابع رجالی، گزارشی از شرح حال او ذکر نشده است. در منابع حدیثی نیز تنها دو حدیث از او در دست می‌باشند که درباره غیبت امام مهدی علیه السلام هستند. وی این دو حدیث را احمد بن طاهر قمی نقل نموده و محمد بن علی بن حاتم نوفلی کرمانی (استاد شیخ صدوق) از او نقل حدیث کرده است. از او، هیچ اثر تألیفی گزارش نشده است.

منابع

طبقات اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۳۷ / کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۳۵۲، ب ۳۳، ح ۵۰؛
ص ۴۱۷، ب ۴۱، ح ۱؛ ص ۴۵۴، ب ۴۳، ح ۲۱ / معجم احادیث المهدی، ج ۴، ص
۲۰۰ و ۲۶۳، ش ۱۲۵۰ و ۱۲۸۹.

احمد بن فرات بن خالد بن مسعود اصفهانی رازی (؟ - ۲۵۸ ق)

ابومسعود، حافظ، مفسر و محدث بزرگ شیعه بود که تاریخ ولادتش در دست نیست، ولی وفات او در شعبان سال ۲۵۸ هـ در اصفهان روی داد و محمد بن عاصم او را غسل داد. پدرش، فرات بن خالد رازی، از راویان راستگو و مورد اعتماد بود. ابن فرات برای کسب دانش، شهرهای بصره، کوفه، حجاز، یمن، شام، مصر و جزیره (موصل) را زیر پا گذاشت و از حسین بن علی جعفی، ابوداود طیالسی و دیگران حدیث شنید. سپس در زمان حیات احمد بن حنبل (پیشوای حنابله) وارد بغداد شد و مورد تکریم او قرار گرفت.

او در اواخر عمرش، قصد زیارت خانه خدا کرد و در مسیرش، وارد شهر اصفهان شد. وی در شرایطی وارد اصفهان شد که اهل آنجا بر روی منابر، حضرت علی علیه السلام را دشنام می‌دادند. از این‌رو، وی هدایت آن‌ها را بر سفر حج ترجیح داد و تا چهار سال در آنجا، بدون اینکه در آغاز، نام «علی بن ابی طالب علیه السلام» را بر زبان بیاورد، به بیان مناقب و فضایل آن حضرت پرداخت. وی به دلیل اقامتش در اصفهان به ابومسعود اصفهانی نیز معروف است. گفتنی است آقا بزرگ طهرانی در الذریعة، لقب «شهید» به او داده است. از این‌رو، ممکن است وی در جریان ذکر مناقب حضرت علی علیه السلام در اصفهان، به دست مخالفان متعصب، به شهادت رسیده باشد.

وی درباره خودش می‌گوید: دوازده ساله بودم که حدیث می‌نوشتم و در سن هجده سالگی احادیث زیادی در خاطر داشتم. از استادان او، ابوالحسن علی بن

قادم خزاعی کوفی (م ۲۱۳ ق) بود که ابن سعد در طبقات خود، این استادش را از شیعیان سرسخت، معرفی کرده است. برخی از شاگردان او، ولید بن ابان اصفهانی (م ۳۱۰ ق) و ابوبکر احمد بن بطنه (م ۳۱۳ ق) بودند. همچنین ابوداود و ترمذی در سنن خود، از او روایت کرده‌اند. وی آثار بسیاری از خود بر جای گذاشته است. از این رو، ذهبی وی را «صاحب التصانیف» معرفی کرده است. از جمله آثار او، مقاله فی مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، اجزاء فی الحدیث، تفسیر القرآن و المسند المعلق فی الحدیث می‌باشند.

منابع

الانساب، ج ۱، ص ۳۹۶ / تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۰۴ / تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۴۴، ش ۵۶۲۹ / الجرح والتعديل، ج ۷، ص ۸۰، ش ۲۵۶ / الدررمة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۰۵ / طبقات المحلّذین باصبهان، ص ۱۲۲-۱۲۴ / المراجعات، ص ۱۵۸ / مرآة الجنان، ج ۲، ص ۱۶۹ / معجم المؤلّفین، ج ۲، ص ۴۵؛ ج ۱۳، ص ۱۶۹ / هدیة العارفین، ج ۱، ص ۴۹.

احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی کوفی (ح ۱۹۶ - ۲۷۲ ق) ابوجعفر، معروف به «خالد برقی»، از اصحاب امام جواد و هادی علیهما السلام بود. وفاتش در سال ۲۷۲ و به قولی، قبل از ۲۸۰ هـ حدود هشتاد سالگی اتفاق افتاد. از این رو، ولادت او تقریباً در سال ۱۹۶ هـ و در یک خانواده مذهبی و فرهنگی بوده است. پدرش محمد بن خالد و عموی او حسن بن خالد از راویان مورد وثوق شیعه هستند. به گفته ابن شهر آشوب، عموی او صاحب کتاب تفسیر العسکری علیه السلام می‌باشد که بالغ بر ۱۲۰ مجلد است. داماد او (شوهر دخترش) نیز ابو عبدالله محمد بن ابی القاسم عبیدالله، ملقب به «بندار» از مشایخ حدیث بود. به گفته نجاشی و دیگران، احمد بن خالد - فی نفسه - فرد معتبر و مورد وثوقی

است، اما احادیث او عمدتاً از اشخاص ضعیف نقل شده‌اند. به همین دلیل، بعضی از علمای رجال شبهاتی دربارهٔ وثاقت او مطرح کرده‌اند که علامه مامقانی در تنقیح المقال، به همهٔ آن‌ها پاسخ داده است. همچنین برخی از محققان معاصر در ردّ این مطلب که احمد بن خالد از اشخاص ضعیف روایت می‌کند، تحقیقات جامعی به عمل آورده و این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که از تعداد ۲۹۰ تن از استادان او، تنها نه نفر آن‌ها ضعیف بودند.

وی اصالتاً اهل کوفه بود. پدر بزرگ جدّش (محمد بن علی) توسط یوسف بن عمر (والی عراق) پس از شهادت زید بن علی بن الحسین علیه السلام زندانی شد و سپس به قتل رسید. در آن زمان، وی که کودکی بیش نبود، به همراه اجداد خویش (خالد و عبدالرحمان) به ایران گریختند و در یکی از آبادی‌های قم به نام «برق رود» یا «برقه» اقامت گزیدند. به همین دلیل، خاندان او را برقی کبیر لقب داده‌اند.

وی پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هـ، دربارهٔ وجود امام زمان (عج) دچار حیرت شد، اما پس از مدتی به حقیقت پی برد. احمد بن محمد بن عیسی، که از بزرگان و فقیهان قم بود، وی را از این شهر اخراج کرد، اما پس از مدتی پشیمان شد و برای جبران رفتار خود، از وی عذرخواهی نمود و پس از درگذشت وی، در تشییع جنازه‌اش با پای برهنه حاضر گردید.

وی دارای نبوغی سرشار و دانشی وسیع بود. این مطلب با توجه به کثرت آثار او به خوبی روشن است. شیخ طوسی در فهرست خود، قریب صد کتاب از تألیفات او ذکر کرده، اما کتاب‌هایی که اکنون موجودند، تنها المحاسن و کتاب رجال البرقی می‌باشند. وی علاوه بر حدیث، فقه، تفسیر، تاریخ و کلام، در زمینهٔ ادبیات، شعر، لغت، طب، جداول حکمت و نجوم، ریاضیات، جغرافیا و انساب نیز تخصص داشت.

او دارای شاگردان و استادان بسیاری بود که کثرت احادیث و روایات او حاکی

از این موضوعند. ذکر نام همه استادان و شاگردان او از حوصله این بحث خارج است، ولی از جمله شاگردان روایی او، علی بن حسین سعدآبادی، علی بن محمد بن یزید، علی بن ابراهیم و سهل بن زیاد هستند، و از جمله استادان او، اسماعیل بن مهران و پدرش محمد بن خالد (معروف به «برقی کبیر») هستند. بیشترین روایات او از پدرش می‌باشد.

منابع

تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۱ / تنقیح المقال (چاپ سنگی)، ج ۱، ص ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ / خاتمة المستدرک، ج ۴، ص ۱۵۱؛ ج ۵، ص ۱۸۸ و ۱۹۳ / خلاصة الاقوال، ص ۶۳ / رجال الطوسی، ص ۳۶۳ و ۳۷۷ و ۴۲۰، ش ۵۳۹۱ و ۵۵۸۵ و ۶۰۶۶ / رجال النجاشی، ص ۷۶، ش ۱۸۲ / الفوائد الرجالية، ج ۱، ص ۳۳۴ / طوسی، الفهرست، ص ۶۲، ش ۶۵ / کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ص ۴۷ / لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۲، ش ۸۱۳ / مشایخ الثقات، ص ۹۶ / معالم العلماء، ص ۷۰ / معجم البلدان، ذیل ماده «برقه» / معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۴۹ به بعد، ش ۸۶۱ / وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۲۰۹ و ۳۱۰ و ۳۴۱.

احمد بن محمد بن زید خزاعی (۹- ۲۶۲ ق)

ابوجعفر از معاصران امام جواد علیه السلام بود که از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست، اما وفات او در سال ۲۶۲ هـ و احتمالاً در کوفه اتفاق افتاد و پس از اینکه حسن بن محمد بن سماعه صیرفی بر او نماز گزارد، به خاک سپرده شد. از تاریخ وفات او و همچنین از اینکه حسن بن سماعه (م ۲۶۳ ق) بر او نماز گزارده و نیز از روایات حمید بن زیاد از او، به دست می‌آید که وی از اصحاب امام رضا علیه السلام و یا به طور یقین، از اصحاب امام جواد علیه السلام بوده، گرچه شیخ طوسی در فهرست، وی را از جمله کسانی قرار داده که از ائمه اطهار علیهم السلام به طور مستقیم روایت نکرده‌اند.

از اینکه وی کجا پرورش یافت و دوران تحصیل او چگونه بود، اطلاعی نداریم، اما از شاگردان و استادان او، می‌توان پی برد که وی در شهرهای کوفه و بصره به استماع حدیث مشغول بود و کتابی نیز در این باره نوشت. در منابع رجالی، تنها با اشاره به اینکه وی «دارای کتاب است»، از او تجلیل شده، اما چون گزارش روشنی از او در دست نیست، برخی از علما شخصیت او را مجهول و ناشناخته معرفی کرده‌اند و حتی شیخ طوسی و ابن داود وی را فردی ضعیف و غیرقابل اعتبار معرفی نموده‌اند.

استادان او آدم بن متوکل، علی بن سويد سائی، هبده الله بن ولید منقری، عمرو بن یسع و اسحاق قمی هستند. از شاگردان او، می‌توان حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) را نام برد. حمید با اینکه خود فردی واقفی (هفت امامی) بود، اما روایات زیادی را از او نقل کرده است. از تألیفات او، تنها یک کتاب حدیثی به او نسبت داده شده است.

منابع

رجال الطوسی، ص ۴۰۸، ش ۵۹۴۲ / طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۲۴ و ۲۲۵ / طوسی، الفهرست، ص ۵۵ و ۵۶ و ۱۵۹ و ۲۹۱ و ۳۱۳ و ۳۱۷ و ۳۴۲ / معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۱۲ ج ۶، ص ۱۲۸ / نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۵۰ و ۳۴۶.

احمد بن محمّد بن سیّاری (۹۲۰۰- ب ۲۸۰ ق)

ابو عبدالله بصری اصفهانی کاتب، معروف به «سیّاری» فقیه، محدّث، محقق و مفسّر شیعی و از اصحاب امام هادی و عسکری علیه السلام بود. جدّ او سیّار از بزرگان سلسله «طاهریه» در زمان امام حسن عسکری علیه السلام بود. وی خود نیز از کاتبان معروف «آل طاهر» بود که در سال ۲۰۵ هـ طاهر ذوالیمینین این سلسله را در

خراسان پنهان نهاد. از تاریخ ولادت و وفات او آگاهی درستی نداریم، اما چون وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) به شمار نیاورده‌اند، معلوم می‌شود که او در آن زمان از سن کافی برخوردار نبوده است، اما به گفته کثی، امام جواد علیه السلام (۱۹۵-۲۲۰ ق) در نامه‌ای که از حال سیاری سؤال شده بود، فرمود: «او در مقامی نیست که ادعای آن را دارد و چیزی به او واگذار نکنید». این گزارش اگرچه استواری شخصیت او را زیر سؤال می‌برد، اما نشان می‌دهد که وی در زمان امام جواد علیه السلام به پایه‌ای از علم رسیده بود که مردم وجوهات خود را به وی پرداخت می‌کردند. بنابراین، سن او کمتر از بیست سال نبوده است. از این رو، محتمل است ولادت او قریب ۲۰۰ هـ یا قبل از آن روی داده باشد. اما وفات او پس از عصر حضرت عسکری علیه السلام اتفاق افتاده و ابن حجر در *لسان المیزان*، آن را در اواخر سده سوم (۲۸۰ هـ به بعد) پیش‌بینی کرده است؛ چنان‌که روایت شیخ نعمانی (م ۳۶۰ ق) با یک واسطه از او نیز کاشف از آن است که وی در اواخر سده سوم زندگی را وداع گفته است.

وی اصالتاً اهل بصره و از سلسله «آل سیار» بود. دوران کودکی و جوانی او در بصره سپری شدند و ظاهراً پس از آن به بغداد آمد و در مجلس درس استادان آنجا حضور یافت. شاید در همین ایام بود که وی سفری به نیشابور داشت و به عنوان «کاتب» در دستگاه آل طاهر مشغول به کار شد. وی همچنین مدت زیادی در قم ساکن بود و در آنجا به استماع حدیث پرداخت و پس از چندی به مقام استادی رسید. به گفته غضائری، بزرگان قم (مانند ابن ولید قمی و دیگران) احادیث او را از کتاب *نوادر الحکمه*، استثنا کرده و بی‌ارزش معرفی نموده‌اند. طبق گزارش محمد بن علی بن محبوب، وی قاتل به «تناسخ» (حلول ارواح در ابدان) بود. صاحب‌نظران بالاجماع، وی را فردی «فاسد المذهب» و روایات او را «متروک» و بی‌اعتبار می‌دانند. ابن غضائری (م ۴۱۱ ق) از جمله کسانی است که

حقایق انحرافی و احادیث دروغین او را به دیگران هشدار داده است و سپس نجاشی، و طوسی نیز او را «ضعیف الحدیث»، «فاسد المذهب» و به غلو متهم نموده‌اند. ظاهراً از این پس بود که وی جایگاه خود را در قم از دست داد و به اصفهان سفر کرد و از آنجا نیز به بصره عزیمت نمود.

استادان روایی او محمد بن یحیی معاذی، قاسم بن عبدالرحمان هاشمی، احمد بن فضل کتاسی، ابراهیم بن بسطام، احمد بن حماد مروزی، احمد بن زکریا صیدلانی و دیگران هستند. همچنین برخی از روایات او بدون ذکر سند از حضرت علی علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام، که در عصر او نبودند، نقل شده است. از شاگردان او می‌توان سلامه بن محمد بن حسین (استاد نعمانی)، علی بن محمد جایی، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی (م.ب ۲۹۳ ق)، سهل بن زیاد آدمی (م.ب ۲۵۵ ق) و محمد بن یحیی قمی را نام برد.

از کتاب‌های او ثواب القرآن، القراءات، الطب، النوادر و الفوائد به ثبت رسیده‌اند. از آثاری که او بر جای گذاشته است، به دست می‌آید که نام‌برده در زمینه تفسیر و علوم قرآنی تخصص داشته است. میرزای نوری (م ۱۳۲۰ ق) نسخه‌ای از تفسیر او را در اختیار داشته و در کتاب مستدرک الوسائل از این تفسیر نقل کرده است. همچنین به گفته آقا بزرگ طهرانی، نسخه‌ای از کتاب قراءات او موجود است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۵، ش ۱۱۲۸ / اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۳، ص ۱۱۶ / التحریر الطاووسی، ص ۶۱، ش ۳۴ / تهذیب المقال، ج ۳، ص ۲۶۹ / خلاصة الاقوال، ص ۴۲۴، ش ۲۸ / رجال النجاشی، ص ۸۰، ش ۱۹۲ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۴۸ / طوسی، الفهرست، ص ۶۶، ش ۷۰ / لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۵۲ / معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۷۱، ش ۸۷۴.

احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (ق ۲۱۷ - ح ۲۸۰ ق)

ابوجعفر، از رهبران و رؤسای شیعه در قم بود که تاریخ ولادت و وفاتش معلوم نیست، ولی شواهد موجود نشان می‌دهند که وی از «معمران» (سال‌خوردگان) بوده است. او از ابن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) به طور مستقیم روایت دارد. از این معلوم می‌شود که وی سال‌ها پیش از وفات ابن ابی عمیر زنده بوده است. وی با امامان رضا، جواد و هادی علیهم‌السلام معاصر بوده و با هر سه ایشان دیدار داشته است. همچنین وی از کسانی است که در تشیع جنازه احمد بن محمد بن خالد برقی در سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ هـ حاضر شد. بنابراین، باید تا آن تاریخ زنده بوده باشد. وی با امام حسن عسکری و امام عصر علیه‌السلام نیز هم‌عصر بوده و بخش زیادی از غیبت صغرا را نیز درک کرده است، از این رو، علامه تهرانی وفات او را حدود ۳۰۰ هـ تعیین کرده است. اما به قرینه اینکه وی از محمد بن خالد برقی (پدر احمد برقی)، روایت دارد و از خود برقی روایت ندارد، به دست می‌آید که وی مدت زیادی پس از وفات «احمد پسر» (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) حیات نداشته است.

از شرح حال و زندگی او اطلاع دقیقی در دست نیست. نخستین کس از نیاکان وی که به قم کوچ کرد مالک بن احوص بود. وی دهی در اطراف قم بنا کرد که آن را به نام او «مالک آباد» می‌خواندند. برادران او عبدالله بن محمد بن عیسی، ملقب به «بنان» و معروف به «بنان بن محمد»، و جعفر بن محمد بن عیسی نیز از راویان حدیث بودند و جعفر از علی بن یقطین روایت دارد.

ابوجعفر رئیس شهر و شیخ اهل قم بود و حاکم شهر در اداره امور با او مشورت می‌کرد. وی به دلیل سابقه علمی و سن زیادش، از احترام خاصی در بین اهل این شهر برخوردار و به «شیخ اهل قم» ملقب شده بود. وی گروهی از اشعریان قم (مانند محمد بن علی صیرفی و سهل بن زیاد آدمی) را به غلو متهم

کرد و به سبب نفوذی که داشت، آنان را از این شهر به ری تبعید نمود. او همچنین در برتری عرب بر اقوام دیگر، تعصب داشت و در اثبات عقیده خویش، رساله‌ای به نام فضائل العرب نوشته است.

استادان او محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق)، حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق)، علی بن حکم کوفی، یحیی بن حبیب، ابواسحاق ابراهیم بن مهزیار اهوازی (م.ح ۲۶۵ ق) و بسیاری دیگر بودند. شاگردان روایی او سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری (م ۳۰۱ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق)، علی بن محمد بن یزید قمی، احمد بن ادریس قمی، داود بن کوره قمی و برخی دیگر بودند.

از دیگر آثار او، الاظله (سایه‌ها)، التوحید، فضل النبی ﷺ، کتاب المئمه، الناسخ و المنسوخ و النوادر به ثبت رسیده‌اند. کتاب نوادر را شاگردش داود بن کوره قمی تبویب و تنظیم کرده است. این کتاب اکنون در دسترس قرار دارد و توسط مؤسسه امام مهدی علیه السلام در قم به سال ۱۴۰۸ ق طبع شده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۹۹، ش ۹۸۹ / ایضاح الاشتباه، ص ۹۹، ش ۵۷ / دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۹۷ / رجال ابن داود، ص ۴۴، ش ۱۳۱ / رجال الطوسی، ص ۳۵۱ و ۲۲۶، ش ۵۱۹۷ و ۶۱۲۸ / طبقات اعلام الشیمه، ج ۱، ص ۵۲ / النوادر، صفات متعدد.

احمد بن محمد بن مروان بن طیب سرخسی (ق ۲۲۵ - ۲۸۶ ق)

ابوالعباس از حکما و فلاسفه بزرگ شیمه و آشنا به علوم و فنون متعدد بود. از ولادت او اطلاع دقیقی نداریم، اما هنگام تألیف یکی از کتاب‌هایش به نام کتاب لهو الملامی و نزهة الکفر السامی، ۶۱ ساله بود. بنابراین، تولد او پیش از سال

۲۲۵ هـ. بوده است. وی در محرم سال ۲۸۶ هـ به قتل رسید. چنانکه نطفی در تاریخ الحکماء نوشته، قتل سرخسی تصادفی و به طور ناخواسته به دستور معتضد و توسط وزیرش عبداللّه بن قاسم صورت گرفت. علت این امر افشای سری بود که به وزیر و غلام او به نام بدر ارتباط داشت و وزیر با حيله و تزویر به راز مزبور دست یافت و در نتیجه، معتضد، سرخسی را به آن دو نفر سپرد و آنها، هم اموال او را مصادره کردند و او را به زندان و سیاه‌چاک انداختند. پس از چندی، وزیر نام وی را در سیاهه زندانیان اعدامی قرار داد و معتضد بی آنکه در اسامی مذکور دقت کند، آن را امضا کرد.

وی از دوران جوانی تربیت معتضد را بر عهده داشت و سپس از نزدیکان وی شد و معتضد اسرار خود را به او می‌گفت و با او در امور مملکت مشورت می‌نمود. رابطه او و معتضد مانند دو دوست صمیمی بود. از این‌رو، معتضد به نظرات و استشاره‌های او عمل می‌نمود. احمد بن طیب همان کسی است که معتضد را واداشت تا فرمان دهد معاویه را در منبرها لعن کنند و اجرای آن را به تمام شهرها بخشنامه کنند.

وی در دوران معتضد به سال ۲۸۲ هـ در بغداد به تصدی امور حسبی، موارث و نظارت بر بازار برده‌فروشان برگزیده شد. همچنین وی از برجسته‌ترین شاگردان فیلسوف عرب‌کندی (م ۲۶۰ ق) و از باوقاترین آنها به شمار می‌رفت. از این‌رو، یکی از نشانه‌های تشیع او، شاگردی وی نزد کندی و وفاداری او به این استادش می‌باشد. بسیاری از موضوعات علمی، که کندی در آن کتاب تألیف کرده، مورد توجه سرخسی نیز قرار گرفته است، تا جایی که کتاب‌های هر دو به یک نام و عنوان نوشته می‌شدند. به گفته ابن حجر، وی روایاتی نیز داشته که آنها را از شمر بن محمد ناقد و احمد بن حارث نقل کرده است. همچنین به گفته ابن ابی‌اصیبه، روایات او از طریق ابوبکر محمد بن ابی‌آزهر بوشنجی (م ۳۲۵ ق) و

حسن بن محمد اموی (عموی ابوالفرج اصفهانی، صاحب الاغانی) نقل شده‌اند. تألیفات سرخسی بالغ بر ۵۵ کتاب در موضوعات گوناگون می‌باشند که نشان از تنوع معلومات و وسعت معرفت او دارند. وی نسبت به فلسفه، نجوم، طب، موسیقی، منطق احاطه و همچنین در علم شیمی، جغرافیا، تاریخ، حدیث، ادب و علم شریعت دست توانایی داشت. از جمله تألیفات او، اختصار کتاب قاطیغوریاس، السیاسة الصغیر، المسالک و الممالک، فضائل بغداد و اخبارها، المدخل الی علم الموسیقی، کتاب فی العشق، المدخل الی صناعة الطب و بسیاری دیگر هستند که در اینجا مجال ذکر همه نیست. وی با ثابت بن قزّه حرّانی (م ۲۸۸ ق) هم‌عصر و هم‌بحث بود و در جواب پرسش‌های او رساله‌ای نگاشت.

منابع

اخبار الحکماء، ص ۵۵ به بعد / اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۵۲، ش ۴۶۲ / شیعیان بغداد، ص ۱۸۳ / عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۲۶۸ / فلاسفة شیعه، ص ۱۸۶-۱۹۲ / فهرست ابن ندیم، ص ۱۶۶ و ۳۲۰ / لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۸۹، ش ۶۰۲ / مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۵۳ / معجم الادباء، ج ۳، ص ۹۸-۱۰۲.

احمد بن محمد طبری آملی (؟- ۲۷۵ ق)

ابوعبدالله، معروف به «خلیلی»، ادیب و محدث شیعی بود. نسبت «خلیلی» از آن‌رو به وی داده شد که غلام فردی به نام خلیل بود. وی اهل آمل از بلاد طبرستان بود و ظاهراً در همان‌جا دیده به جهان گشود. ولادت او ظاهراً در دهه نخست سده سوم روی داد؛ زیرا زمانی که وی در بغداد مسکن داشت و در آنجا از وکیل امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) حدیث نقل می‌کرد، فردی میان‌سال بود. همچنین وفات او باید در اواخر سده سوم یا اوایل سده چهارم

اتفاق افتاده باشد؛ زیرا شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) با یک واسطه از او حدیث نقل می‌کند، اما گزارش خطیب بغدادی حاکی از آن است که وفات او در ۲۷۵ هـ در بغداد اتفاق افتاد و در بصره به خاک سپرده شد. در تشییع جنازه او، همه بازار بغداد بسته شد و افراد زیادی نیز تا بصره جنازه‌اش را مشایعت نمودند. وی تحصیلات مقدماتی را در شهرهای امل و ری به انجام رساند و سپس وارد عراق شد و در شهرهای بصره، کوفه و بغداد به استماع حدیث پرداخت.

بیشترین دوران تحصیلی او در بغداد سپری شد و در آنجا نزد استادانی همچون جعفر بن مالک فزاری (م.ح ۳۰۰ ق) و ابو عبدالله جعفر بن محمد کوفی دلال، محمد بن حسین بن حفص خثعمی و علی بن احمد بن حاتم تیمی بهره برد. از برخی روایت‌های او استفاده می‌شود که پدرش نیز از راویان حدیث بود و ظاهراً در پرورش علمی او سهم داشت. وی همچنین در بغداد از محمد بن صالح همدانی (وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در بغداد) احادیثی شنیده است. از دیگر استادان او، محمد بن علی بن ابی بکر قفیه و احمد بن هشام طبری هستند.

وی در مدت حیات علمی خود، روایات فراوانی شنید و با جمع‌آوری آنها، کتاب جداگانه‌ای درباره مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام به رشته تحریر درآورد. اکنون تعداد قابل ملاحظه‌ای از احادیث او درباره فضیلت اهل بیت علیهم السلام در جوامع روایی شیعه باقی مانده‌اند، اگرچه روایات او از اعتبار لازم برخوردار نیستند؛ زیرا صاحب‌نظران برآنند که وی در نقل حدیث، غیرقابل اعتماد بود و در این میان، ابن غضائری (م ۴۱۱ ق) علاوه بر بی‌اعتبار دانستن احادیث او، وی را «فاسد المذهب» نیز معرفی کرده است. برخی از گزارش‌ها نیز حاکی از آن هستند که خود او به کذب بودن روایاتش معترف بود و اعتقاد داشت برای ترقیق قلوب مردم، باید مطالبی اختراع نمود.

وی مردی با هیبت و حشمت تمام بود و در اواخر عمر، به مسلک صوفیان بغداد

درآمد. گفته می‌شود هنگامی که معاصرش، ابوجعفر شعیری، دروغ بودن برخی از روایات او را به وی یادآور گردید، از هیبت او هراسان و از گفته خورش بیمناک شد و سپس به توجیه سخن خورش پرداخت. روایات او بیشتر توسط شاگردانی همچون حسین بن علی بن احمد صائغ و محمد بن هارون طحّان نقل شده‌اند.

به گفته نجاشی، کتاب‌های الوصول الی معرفة الاصول، کتاب الکشف و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام از تألیفات اویند. سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) در کتاب الیقین خود، ضمن اینکه احادیث متعددی از کتاب اخیر او آورده است، می‌گوید: نسخه نایابی از این کتاب را یافتیم که کتابت آن به سال ۴۱۱ هـ در قاهره انجام شده بود.

منابع

صدوق، الامالی، م ۸۷، ص ۶۹۰، ح ۹۴۷ / تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۸۳، ش ۲۷۸۱ / خلاصة الاقوال، ص ۳۲۳، ش ۲۰ / سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۸۲، ش ۱۳۶ / شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۶، ح ۲۳ / طبقات اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۲۸ / طوسی، الغیبه، ص ۱۴۷، ح ۱۰۹ / معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۱۰، ش ۷۸۵ / سید بن طاووس، الیقین، ص ۳۱۶ به بعد.

احمد بن میثم بن ابی‌نعمیم فضل بن دُکّین (ح ۲۰۰ - ح ۲۹۰ ق)

ابوالحسن یا ابوالحسن، فقیه و محدّث شیعی بود که نیاکانش از هم‌پیمانان «آل طلحه» بودند و به همین دلیل، گاهی او را «طلحی» نیز می‌خوانند. همچنین طایفه او از تبار صالح بن میثم کوفی بودند که بیشترشان در کوفه مسکن داشتند و از این‌رو، گاهی از او با لقب «میثمی» نیز یاد می‌شود. لقب «دُکّین» (به ضم دال و فتح کاف) مربوط به پدر بزرگ اوست. بنا به گفته خطیب بغدادی، ابونعمیم شریک تجاری عبدالسلام بن حرب بود و با هم در یک دکان کار می‌کردند. از این‌رو، ابونعمیم را «دُکّین» لقب داده‌اند.

از تاریخ ولادت و وفات او آگاهی درستی نداریم، اما وی سال‌ها در زمان حیات جدّش، ابونعمین فضل بن دُکَین (م ۲۱۹ ق)، زنده بود و با او مسافرت‌هایی به بغداد و شام داشت. بنابراین، وی در حیات پدربزرگش، دست‌کم دوران جوانی یا نوجوانی خود را سپری می‌کرد و توانایی همراهی پدربزرگش را در مسافرت‌ها داشت. از این‌رو، تولد او حدود سال ۲۰۰ هـ تخمین زده می‌شود. وفات او نیز اگرچه به‌طور دقیق روشن نیست، اما به‌گواه اینکه حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) از شاگردان او بوده، می‌بایست پیش از ۳۱۰ هـ وفات یافته باشد، اما چون در هیچ‌یک از منابع او را از «سال‌خوردگان» به‌شمار نیاورده‌اند، بنابراین، وفات او در اواخر سده سوم (ح ۲۹۰ هـ) در نظر گرفته شده است. این مطلب با توجه به اینکه عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق) و جعفر بن محمد بن مالک فزاری (م.ج ۳۰۰ ق) نیز از او نقل روایت کرده‌اند، به واقع نزدیک‌تر می‌نماید.

جدّش ابونعمین فضل بن دُکَین (م ۲۱۹ ق) از عالمان بزرگ کوفه و بنا به گفته ذهبی، از شیعیان معتدل بود، اما ابن‌قتیبه به صراحت، پدربزرگش را از رجال شیعه به‌شمار آورده است. همچنین وی در مسافرتی که با جدّش به بغداد و از آنجا به «رملیه» داشت، می‌گوید: در رملیه، منبر بزرگی برای پدربزرگم قرار دادند تا برای مردم حدیث بخوانند. در این هنگام، مردی که اهل خراسان بود، از او پرسید: ای ابانعمین! آیا تو گرایش شیعی داری؟ در آن مجلس، این گفتار بر پدربزرگم ناخوشایند آمد و سرش را برگرداند، اما مرد خراسانی سؤالش را تکرار کرد. در این لحظه، پدربزرگم به او گفت: ای مرد خراسانی! تو را چه شده است که این‌گونه پرسش می‌کنی؟ شنیده‌ام که «حُبُّ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ مَا كُنَّيْمٌ». (دوستی با علی عبادت است و بهترین عبادت آن است که مخفی بماند).

درباره تشیع خود او نیز هیچ تردیدی وجود ندارد و اکنون بسیاری از احادیث او در فضیلت امیرالمؤمنین و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در جوامع روایی شیعه به چشم می‌خورند. اما طبق شواهدی که در دست می‌باشند، وی از شیعیان دوازده امامی

نبوده و از مذهب «واقفیه» (هفت امامی) پی‌روی می‌کرده است؛ زیرا با اینکه وی عصر ائمهٔ پس از امام کاظم علیه السلام را درک کرده و مدتی نیز در عصر غیبت می‌زیسته، اما بیشتر استادان او مانند احمد بن ابی‌نصر بزنطی (م ۲۲۱ ق) و عبدالله بن جلیله کثانی (م ۲۲۹ ق) از اصحاب امام کاظم علیه السلام هستند و روایاتی که او نقل کرده بیشتر از امامان هفتم شیعیان یا امامان پیشین صادر شده‌اند. علاوه بر این، مهم‌ترین شاگرد او حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) بود که پای‌بندی سختی نسبت به مذهب «واقفیه» داشت. حتی برخی از معاصران و هم‌بختان او مانند محمد بن ابی‌صهبان (م.ح ۲۸۰ ق) از اصحاب ویژهٔ امام حسن عسکری علیه السلام بودند و نزد استادانی همچون صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) و محمد بن ابی‌عمیر (م ۲۱۷ ق) شاگردی کردند و از عالمان امامیه بودند.

اما دربارهٔ ارتباط او با امامان عصرش و همچنین رابطه‌اش با استادانی که معاصر او بودند، هیچ گزارشی نرسیده است. با این‌همه، آنچه باعث تردید دربارهٔ واقفی بودن او گشته تنها نقل یک روایت از اوست که سلسله سند آن به امام جواد علیه السلام ختم می‌شود که در این روایت، حصین ثعلبی در حین انجام مناسک حج، از امام جواد علیه السلام دربارهٔ ظهور امام عصر (عج) سؤال کرد و امام پاسخ او را داد.

به هر حال، وی بیشترین تحصیلات خود را در کوفه سپری کرد که خواستگاه فرقه‌های گوناگون شیعی بود و پدر بزرگش در تربیت او و تفهیم آموزه‌های شیعی به وی، نقش اساسی داشت. وی از پدر بزرگ خود احادیث متعددی نقل کرده که از جملهٔ آن‌ها حدیثی است که سلسله سند آن از ام سلمه به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد که آن حضرت فرمود: «الحقُّ بعدی معَ علیٍّ، بدورُ مَعَهُ حیثُ دارُ» (پس از من، حق با علی است و چرخش حق با محوریت علی است).

از معاصران کوفی او، غیر از محمد بن ابی‌صهبان، می‌توان محمد بن عمار را نام برد که با هم کتاب نواذر قاسم بن هشام را روایت کرده‌اند. وی در کوفه نزد استادان بسیاری حدیث شنیده که از جملهٔ آن‌ها احمد بن ابی‌نصر بزنطی (م

(۲۲۱ق)، عبدالله بن جبلة کنانی (م ۲۲۹ق)، حسن بن علی بن ابی حمزه، محمد بن هشام، محمد بن عاصم، ابراهیم بن یوسف کندی (از اصحاب امام کاظم علیه السلام) و حسن بن عمرو بن منهل کوفی هستند. مهم ترین شاگردان او حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ق) و ابن عقده کوفی زیدی (م ۳۳۲ق) بودند که برخی از استماعات ابن دو شاگرد از او باقی مانده‌اند.

دربارۀ وثاقت و اطمینان به درستی احادیث او، نجاشی ضمن اینکه با صراحت، او را توثیق نموده، وی را از بزرگان و فقهای کوفه معرفی کرده و گفته است: او دارای کتاب‌های متعددی بوده، اما من هیچ‌یک از آن‌ها را ندیده‌ام. با این حال، طوسی در فهرست خود، کتاب‌های المتمه، النوادر، الشراء و البیع، الملاحم و الدلاله را از تألیفات او دانسته است.

مفایع

ایمان الشیبه (قطع بزرگ)، ج ۵، ص ۱۷، ش ۲۳ / الانساب، ج ۵، ص ۴۲۸ ذیل «میشمی» / تفسیر قرأت الکوفی، ص ۶۷، ح ۳۷ / خصائص الوحی المبین، ص ۱۱۱ / شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۱۶۶ / رجال ابن داود، ص ۴۶، ش ۱۴۱ / رجال الطوسی، ص ۴۰۸، ش ۵۹۴ / رجال النجاشی، ص ۸۸، ش ۲۱۶ / طوسی، الفهرست، ص ۷۰، ش ۷۷ / همو، الامالی، ص ۴۷۹، ح ۱۰۴۶ / میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۶۰، ش ۶۳۹؛ ج ۳، ص ۳۵۰، ش ۶۷۲ / نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۷۵، ش ۳۵۶ / المعارف، ص ۶۲۴ / تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۶۴.

احمد بن هشام طبری (؟ - ح ۲۵۵ق)

ابوبکر محدث شیعی او اواسط سده سوم هجری بود شرح حال او در هیچ‌یک از منابع رجالی و تاریخی نیامده است. از تاریخ مرگ شاگرد او، که در ۲۷۵ هـ وفات یافته است، می‌توان وفات او را حدود ۲۵۵ هـ در نظر گرفت. قراین نشان می‌دهند

که وی اهل طبرستان بود و پرورش یافته آنجا، و مدتی را نیز در عراق به سر برد. تنها اثری که از او باقی مانده، حدیثی درباره فضیلت علی بن ابی طالب علیه السلام است که سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) آن را در کتاب *الیقین* ذکر نموده است. این روایت را شاگردش احمد بن محمد طبری آملی (م ۲۷۵ ق) در طبرستان از او شنیده و در کتاب خود، مناقب *امیرالمؤمنین علیه السلام* آورده است. از جمله استادان او، ابوطاهر محمد بن نسیم قرشی است که از او چند حدیث در جوامع روایی در دست است و اطلاع بیشتری از او نداریم.

منابع

بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۴۸، ح ۳۳۱ / شرح الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۳، ح ۱۷۰؛ ص ۴۵۷، ش ۱۷۰ / طبقات اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۵۹ / الیقین، ص ۳۳۱.

احمد بن هلال کرخی عیرقانی (۱۸۰ - ۲۶۷ ق)

ابوجعفر، از اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام بود که از دوران امام رضا علیه السلام تا سال هفتم غیبت صفرا را درک کرد. در سال ۱۸۰ هـ در «عبرتا»، یکی از روستاهای بزرگ نواحی نهروان در منطقه «اسکاف» بین بغداد و واسط متولد شد و در ۲۶۷ هـ در سن ۸۷ سالگی در بغداد درگذشت. وی از طایفه «بنی جنید» بود که دانشمندان شیعی و سنی بسیاری از آن ظهور کرده‌اند، و چون وی در محله شیعه‌نشین «کرخ» در بغداد سکونت داشت، او را «کرخی» می‌نامیدند.

درباره اجداد و اوضاع خانوادگی او، در منابع تاریخی گزارشی دیده نمی‌شود، چنان‌که از دوران کودکی او نیز اطلاعی در دست نیست، ولی بیشتر دوران تحصیل او در بغداد سپری شد و در آنجا با افرادی همچون ابومحمد شریعی و ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی و محمد بن عثمان بن سعید (سفیر دوم

امام زمان (علیه السلام) هم بحث شد و در محضر امام هادی و عسکری (علیهما السلام)، دانش فراوان اندوخت. وی به محضر حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، امام هشتم شیعیان امامیه تشرف یافت، ولی به خاطر ملازمت ممتد نزد امامان بعدی و استماع روایات آن دو امام و نقل و تدریس آنها، در زمره عالم‌ان بزرگ شیعه در آن عصر محسوب می‌گردد.

دانشمندان علم رجال حیات علمی و معنوی او را به دو دوره تقسیم کرده‌اند: دوره اول، که بخش عمده حیات او را تشکیل می‌دهد، یعنی همان مدت طولانی او، که در ملازمت با دو امام بزرگ شیعی سپری شد، با صلاح و سداد و تقوا و درست‌کاری همراه بود. ولی دوره دوم، که اواخر عمر او را تشکیل می‌دهد و در واقع، هم‌زمان با حیات دو امام یازدهم و دوازدهم شیعیان بود، همراه با تردید و مذمت و انکار و طرد و لمن‌گزارش شده است. او احتمالاً به لحاظ کبر سن و پشتوانه علمی، که در اثر تلمذ نزد امامان یاد شده حاصل کرده بود، در زمان امامت امام یازدهم، ادعای نبیبت کرد و از این‌رو، به طور مکرر، مورد مذمت آن امام قرار گرفت.

او پس از وفات امام یازدهم (علیه السلام)، اگرچه امامت امام حجة بن الحسن (عج) و نبیبت نایب اول او، یعنی عثمان بن سعید عمری، را پذیرفت، ولی در ادامه، از پذیرفتن نبیبت نایب دوم ایشان، یعنی محمد بن عثمان خودداری نمود و به همین دلیل، توقیعی در لمن و طرد او از ناحیه مقدسه صادر گردید. وی پس از آنکه نبیبت نایب دوم را انکار کرد و خود ادعای نبیبت نمود، در اواخر عمرش، مسلک صوفیه در پیش گرفت و ۵۴ مرتبه حج گزارد که بیست بار آن با پای پیاده بود. وی درباره نبیبت محمد بن عثمان می‌گفت: «من چیزی درباره وی شنیده‌ام، اما درباره پدرش عثمان شنیده‌ام. اگر درباره پسر هم یقین داشتم، اطاعت می‌کردم. گفتند: غیر از تو کسان دیگری شنیده‌اند. گفت: «أنتم و ما سمعتم.» (شما را با شنیده‌هایتان.)

نجاشی پس از اینکه او را «صالح الروایه» معرفی کرده، گفته است: در بین

احادیث او، هم روایات خوب و هم روایات نادرست وجود دارند. همچنین به گفته نجاشی، وی به دلیل ادعای باییت، از سوی امام حسن عسکری علیه السلام مورد مذمت‌های فراوان قرار گرفته و توقیعاتی نیز بین او و امام حسن عسکری علیه السلام مراسله شده‌اند. شیخ طوسی در فهرست خود، وی را «غالی» و متهم در دین معرفی کرده، اما با این حال، اذعان کرده است که بیشتر اصول اصحاب امامیه از وی روایت شده‌اند. ابن غضائری و ابن داود و علامه حلی در روایات او توقف کرده‌اند، مگر روایاتی که وی از حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق) و محمد بن ابی حمیر (م ۲۱۷ ق) نقل کرده است. همچنین گاهی وی را ناصبی و زمانی او را از کسانی قرار می‌دهند که بر امام باقر علیه السلام «وقف» کرده است. با این حال، علمای عظام و استادان بزرگی را می‌بینیم که احادیث او را در مدارک روایی خود نقل کرده و بر آن‌ها اعتماد می‌کنند. از این‌رو، مرحوم میرزای نوری با توجه به تناقض گزارش‌ها درباره شخصیت احمد بن هلال، خود را ناچار به جمع‌بندی و ذکر توجیهاتی در این زمینه دیده است.

از جمله استادان او، حسن بن محبوب و ابن ابی حمیر و از جمله شاگردان او، عبدالله بن جعفر حمیری، عبدالله بن العلاء المذاری، حسین بن احمد مالکی می‌باشند.

از آثار او، دو کتاب یوم و لیل و کتاب التوادر (تازه‌ها) می‌باشند که بیشتر اصحاب حدیث این دو کتاب را شنیده‌اند و بر محتوای آن‌ها اعتماد پیدا کرده‌اند.

منابع

خاتمة المستدرک، ج ۴، ص ۵۷ و ۶۰ / خلاصة الاقوال، ص ۳۲۰ / الدررمة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۲۳؛ ج ۲۵، ص ۳۰۴ / رجال ابن داود، ص ۲۳۰، ش ۴۵ / رجال النجاشی، ص ۸۳، ش ۱۹۹ / شیعان بغداد، ص ۱۲۳ / طوسی، الفهرست، ص ۸۳، ش ۱۰۷ / معجم البلدان، ج ۴، ص ۷۷ / معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۱۹۸ / معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۱۵۵-۱۴۹.

احمد بن یحیی بن اسحاق راوندی بغدادی (۲۰۵-۲۹۸ ق)

ابوالحسن از متکلمان سرشناس ایرانی بود که هم گرایش معتزلی داشت و هم اندکی به مذهب تشیع گروید. وی از معاصران ابوعلی جبائی (م ۳۰۳ ق)، رئیس معتزله بغداد، بود که با وی مناظراتی نیز داشت. ولادت او حدود ۲۰۵ هـ در «راوند» (بین کاشان و اصفهان) روی داد. ابن ندیم به نقل از ابوالقاسم بلخی، وی را اهل «مرو رود قم» معرفی می‌کند. وفات او در سال ۲۹۸ هـ در بغداد در منزل ابوعلی یهودی اهرازی واقع شد. بعضی احتمال می‌دهند که وفات او در سال ۲۴۵ هـ رخ داده باشد. در این صورت، باید ملتزم شد که وی در سن چهل سالگی از دنیا رفته است. اما این مطلب با توجه به سوابق علمی و همچنین با توجه به کشف‌های اعتقادی او، که باعث گرایش‌های متعدد عقیدتی و حتی گاهی منجر به الحاد او شدند، سازگار نیست؛ زیرا چنین رفتارهایی تا زمانی که به باور مردم بنشینند و در تاریخ ثبت گردند، زمان زیادی می‌طلبند. علاوه بر این، برخی از استادان او پس از سال ۲۴۵ هـ وفات کرده‌اند؛ مانند ابوعلی وراق، که در محله «زمله» بغداد در سال ۲۴۷ هـ وفات نمود.

در منابع، اگرچه اطلاعات ناقصی از او به چشم می‌خورند، ولی از قراین موجود پیداست که وی تحصیلات تکمیلی خود را در بغداد گذراند و با هم‌عصران خود، همچون ابواسحاق بن عباس، ابوعلی وراق، ابن مملک اصفهانی (م. ب ۳۰۳ ق)، ابوالقاسم عبدالله بن احمد کعبی (م ۳۱۷ ق)، ابوعلی جبائی (م ۳۰۳ ق) و فرزند او ابوهاشم جبائی (م ۳۲۲ ق)، مکتب «اعتزال» را فراگرفت. پدرش یهودی بود، اما وی مسلمان شد و در آغاز، باطنی پاک و دارای شرم و حیای بسیار بود، اما به دلایل نامعلوم، از این حالت منسلخ شد. بسیاری از مورخان تصریح می‌کنند که وی در اواخر عمر خویش، توبه نمود و افکار انحرافی خود را ناشی از طرد دوستان و هم‌فکرانش نسبت به خود معرفی کرد. درباره علت الحاد او، اختلاف بسیار است.

ذهبی می‌گوید: سبب الحاد او فقر و تنگ‌دستی بود. برخی دیگر معتقدند: ناکامی او در رسیدن به جاه و مقامی که آرزویش را داشت، سبب زندقه او گردید. آنچه اغلب بر آنند این است که وی در آغاز، بر عقیده معتزلیان بود، سپس سرگشته شد و از دین برید و با تألیف کتاب *فضیحة المعتزله*، سخت بر معتزلیان تاخت و از مبانی اعتقادی آنان تبایح کفرآمیزی بیرون آورد. بخشی از این کتاب به دفاع از مذهب تشیع اختصاص دارد. وابستگی او به مذهب تشیع اگرچه دوام چندانی نداشت، ولی قابل انکار نیست، به گونه‌ای که برخی وی را از رجال و مؤلفان شیعه اثنا عشری به شمار آورده‌اند. علامه امینی در *اهیان الشیعه*، به پی‌روی از سید مرتضی در کتاب *الشافی فی الامامه*، به تشیع او تصریح کرده است. برخی نیز علت انتساب او به الحاد را پی‌روی او از مذهب تشیع دانسته‌اند. آنچه سبب شده است آیندگان هرگز بر وی لبخند، اعتراضات بی‌جای او بر ضد نبوت عامه و نبوت خاصه و همچنین عقاید وی در مورد تعبدات دینی و ناسازگار دانستن آنها با عقل است.

از استادان او، ابوموسی عیسی بن هیثم (م ۲۴۵ ق) و ابوعیسی محمد بن هارون بن محمد وراق (م ۲۴۷ ق) هستند. از شاگردان او، ابواسحاق ابن عباس است که برخی معارف را از او اخذ کرده.

وی بیشتر کتاب‌های خود را، که بالغ بر ۱۱۴ مجلدند، برای ابوعیسی یهودی اهوازی نوشته و بیشتر آنها مملو از کفریات‌اند. کتاب‌های ذیل برخی از تألیفات اویند: *فضیحة المعتزله*، *التاج در ردّ موحّدان*، *بعث الحکمه در تأیید نبوت*، *اجتهاد الرأی*، *الردّ علی من یحتج بصحة النبوة بالمعجزات*، *الدامغ*، *ردی بر نظم قرآن مجید*، *الفرید در رد انبیاء الطبايع و الزمرد*. از جمله کتاب‌های او، که بر وفق مذهب امامیه‌اند، کتاب *الامامة*، کتاب *السقیفه و العروس* می‌باشند. همچنین کتابی به نام *معجزات الائمه* نیز به او منسوب است.

منابع

بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۵۸ / دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۲۰ / الرواشح السماویة، ص ۵۵ / روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۹۳ / ریحانة الادب، ج ۷، ص ۵۲۸-۵۳۰ / سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵۵۲؛ ج ۱۴، ص ۶۰ / فهرست ابن ندیم، ص ۲۱۵ / لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۳۲۴ / وفيات الاعیان، ج ۱، ص ۹۴.

احمد بن یحیی بن سنیار کوفی شیبانی (۲۰۰-۲۹۱ ق)

ابوالعباس، معروف به «غلب نحوی»، ادیب و لغت‌شناس بزرگ کوفه بود که در سال ۲۰۰ هـ در کوفه متولد شد و یازده خلیفه عباسی را درک کرد و سرانجام، در زمان خلافت مکتفی عباسی (حکما ۲۸۹-۲۹۵ ق) در روز شنبه ۱۷ جمادی‌الاولی به سال ۲۹۱ هـ در بغداد وفات کرد. از خانواده او اطلاع وثیقی در دست نیست. در سال ۲۰۴ هـ، که مأمون از خراسان وارد بغداد شده بود، وی کودکی چهارساله بود که پدرش او را بالای دوش خود قرار داد و مأمون را به او معرفی نمود. گفته می‌شود: وی تمام اموالش را به دخترش، که ظاهراً تنها فرزندش بود، بخشید. وی فردی خوش‌لهجه، راستگو و دارای حافظه‌ای قوی بود. در سن شانزده سالگی (۲۱۶ هـ) شروع به آموختن علوم هریت کرد و در سن هجده سالگی، تمام مسائل فراء (م ۲۰۷ ق) را فرا گرفت و در سن ۲۵، به حد کمال رسید. ابن اصرابی، که استاد وی بود، هرگاه در مسئله‌ای شک می‌کرد، از او می‌پرسید. از هم‌بحثان معروف او، ابوالعباس میرد نحوی (م ۲۸۵ ق) بود که با یکدیگر روابط خوبی نداشتند. بین او و میرد نحوی مناظرات زیادی انجام شدند. وی به دلیل اینکه در علم لغت و نحو بی‌رقیب بود، احساس تنهایی می‌کرد و شاید به همین دلیل، می‌گفت: اصحاب قرآن به قرآن مشغول شدند و رستگار گشتند، اصحاب حدیث به حدیث و اصحاب فقه به فقه، اما من خود را به «زید» و «عمرو» مشغول کردم و نمی‌دانم عاقبت کارم چه خواهد شد!

مرحوم مامقانی درباره تشیح او تردید دارد، اما در هر صورت، وی را فردی راستگو معرفی می‌کند. از استادان معروف او، ابن اعرابی و زبیر بن بکّار (م ۲۵۶ ق) هستند. وی شاگردان زیادی تربیت کرد که مهم‌ترین آن‌ها علی بن سلیمان معروف به «خفش صنیر» (م ۳۱۵ ق)، ابوعمر و زاهد مطرّز، معروف به «غلام ثعلب» (م ۳۴۵ ق)، ابوالحسن علی بن محمّد بن عبید، معروف به «ابن زبیر» (م ۳۴۸ ق) و ابن انباری هستند.

از تألیفات او، کتاب‌های المصون، ما یجری و ما لایجری، الهجاء، معانی الشعر، معانی القرآن و الفصیح را می‌توان نام برد. مهم‌ترین کتاب او الفصیح است که در تکمیل آن، کتاب‌های دیگری همچون تمام الفصیح تألیف ابن فارس قزوینی (م ۳۷۵ ق) و فائت الفصیح تألیف ابوعمر و زاهد مطرّز معروف به «غلام ثعلب» (م ۳۲۵ ق) نوشته شدند. وی علاوه بر علم نحو و لغت، در شعر و شاعری نیز دست داشت.

منابع

تقیع المقال (حجری)، ج ۱، ص ۱۰۱، ش ۵۷۸ / الدریمة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۶۶ و ۱۱۰۷؛ ج ۲۱، ص ۲۸؛ ج ۲۶، ص ۲۳۴ / روضات الجنات، ج ۱، ص ۲۰۱ / کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۴۵۵.

احمد بن یوسف بن حمزه بن زیاد جعفی (؟ - ح ۲۷۵ ق)

احمد بن یوسف، محدّث شیعی در اواسط سده سوم هجری، کنیه‌اش در منابع ذکر نشده است. وی در کوفه زاده شد، اما زمان آن روشن نیست. از جمله معاصران و هم‌بحثان او، محمّد بن آیوب دهقان، علی بن حسن بن فضال (م ۲۹۰ ق) و احمد بن هلال کرخی (م ۲۶۷ ق) هستند. بنابراین، وفات او تقریباً در نیمه دوم سده سوم روی داده و به دلیل روایت ابن عقده کوفی (ت ۲۴۹ ق) از او، ترجیحاً وفات او ۲۷۵ هـ در نظر گرفته شده است.

وی در کوفه پرورش یافت و نزد ابوالحسن علی بن اسباط کوفی (م. ب. ۲۲۰ ق) بیشترین بهره‌ها را برد. از استادان دیگر او، هارون بن مسلم، علی بن حسین بن حسین و اسماعیل بن مهران هستند. از شاگردان او، تنها احمد بن محمد بن سعید بن عقده کوفی (م ۳۳۲ ق) را می‌شناسیم که اخبار و گزارش‌هایی از او نقل کرده است. در اینکه وی به مذهب شیعه معتقد بوده، تردیدی نیست، اما به دلیل شاگردی او نزد علی بن اسباط، نمی‌توان او را شیعه هفت امامی دانست؛ زیرا این استاد او اگرچه در آغاز فطحي المذهب (هفت امامی) بود، اما در اثر نامه‌هایی که بین او و علی بن مهزیار اهوازی (م. ح ۲۵۵ ق) مراسله شدند، از این عقیده رجوع کرد و به امامت امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) و امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) اعتراف نمود. با این حال، مدرک قابل استنادی که با آن بتوان امامی بودن او را ثابت کرد، در دست نیست. از آثار تألیفی او، گزارشی نرسیده است.

منابع

رجال النجاشی، ص ۲۵۲، ش ۶۶۳ / طبقات اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۶۰ / تقد الرجال، ج ۳، ص ۲۳، ش ۳۵۰۵ / وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۳۹۱.

احمد بن یوسف بن یعقوب جعفی (؟- ح ۲۶۵ ق)

ابوالحسن، محدث شیعی و از رجال عصر غیبت صغریا، از تاریخ تولد و وفاتش اطلاعی در دست نیست، اما از محتوای روایات او استفاده می‌شود که عصر غیبت صغریا (۲۶۰-۳۲۹ ق) را درک کرده و احتمالاً در اوایل این دوره، زندگی را به سر آورده است. همچنین شاگردی ابن عقده نزد او نشان می‌دهد که وی در عصر غیبت می‌زیسته است؛ زیرا ابن عقده در سال ۲۴۹ هـ زاده شد و در زمان اخذ حدیث از او، می‌بایست از سن کافی برخوردار بوده باشد. از دوران کودکی و زندگی تحصیلی او اطلاع چندانی نداریم. از لقب «جعفی» برمی‌آید که وی اهل

کوفه بوده است و از شاگردان و استادان کوفی او نیز می‌توان پس برد که وی پرورش‌یافته آنجاست و در این شهر اقامت داریم داشته.

وی روایات و گزارش‌های فراوانی دربارهٔ غیبت امام عصر (عج)، فضیلت انتظار، علایم ظهور آن حضرت و آیات مربوط به امام دوازدهم علیه السلام نقل کرده که در منابع معتبر ذکر شده و بیشتر آن‌ها در کتاب الغیبه نعمانی گرد آمده‌اند. وی در تمام این موارد، از استاد خود، اسماعیل بن مهران کوفی، روایت نموده و از او ابن عقیله کوفی (م ۳۳۲ ق) نقل حدیث کرده است. گمان می‌رود جعفر بن احمد بن یوسف اودی (م.ح ۲۹۸ ق) از فرزندان اوست که او نیز از استادان ابن عقیله و هم عصر علی بن حسن بن فضال (م ۲۹۰ ق) بوده است.

دربارهٔ استادان و شاگردان دیگر او گزارشی نیافتیم، اما احتمالاً محمد بن یزید جمعی، حسین بن محمد و محمد بن حسان از دیگر استادان او در کوفه بوده‌اند که روایت آن‌ها در کتاب‌های امالی شیخ مفید و شیخ طوسی آمده است. از آثار او، نامی در منابع ذکر نشده، اما ظاهراً وی کتابی در موضوع «غیبت» داشته که احادیث آن را بر ابن عقیله املا کرده است.

منابع

مفید، الامالی، ص ۳۴ و ۴۲ / طوسی، الامالی، ص ۱۴۶، ح ۲۳۳۹، ص ۱۵۳، ح ۲۵۱ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۸، ح ۵۰ / نعمانی، الغیبه، ص ۳۴ و ۵۱ و ۵۴ و ۱۹۸ و ۲۰۰ و ۲۰۴ و ۲۳۴.

اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (؟- ح ۲۶۰ ق)

اسحاق، محدث مورد اعتماد شیعی، از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود که ظاهراً کنیه‌اش «ابو احمد» است؛ زیرا وی به سبب دهای امام حسن عسکری علیه السلام دارای فرزندی شد که نامش را «حمد» نهاد و پس از مدتی این فرزند را از دست

داد. از تاریخ نوآند او، اطلاعی در دست نیست و درباره تاریخ مرگ او، تنها می‌توان احتمال داد که وی حدود ۲۶۰ هـ در نیشابور زندگی را به سر آورده است. از لقب «نیشابوری» برمی‌آید که وی اهل نیشابور و پرورش‌یافته آن دیار است.

او پس از تحصیلات مقدماتی به عراق رفت و در مجلس درس محدثان شیعی جلوس نمود و به فراگیری فقه و حدیث اشتغال یافت. وی نزد امام حسن عسکری علیه السلام از اعتبار خاصی برخوردار بود و از منابع معتبر چنین استفاده می‌شود که از سوی آن امام علیه السلام، مقام وکالت داشت، اما از چگونگی آشنایی و پیوستگی او با امام حسن علیه السلام چیزی در دست نیست. وی گرچه در سال‌های آخر عمر خویش، مورد احترام آن امام علیه السلام بود، اما به گفته کتبی در رجال خود، توقیعی از سوی امام حسن عسکری علیه السلام برای وی صادر گشت که نسبت به رفتار گذشته‌اش مورد سرزنش قرار گرفت. امام علیه السلام در این توقیع، که نسبتاً طولانی است، وی را نسبت به انحراف عقیده‌اش هشدار داد و مانند حکیمی دلسوز، او را موعظه نمود و در پایان نیز در حق او دعا فرمود. وی هنگام صدور این توقیع در سامراء، به سر می‌برد و چنان‌که از محتوای نامه امام علیه السلام برمی‌آید، وی پس از دریافت نامه، ظاهراً از مقام وکالت عزل گردید و موظف شد ابتدا با عثمان بن سعید عمری (نایب اول) ملاقات نماید و بعد نامه را به محمد بن علی بن بلال (م.ح ۲۸۰ ق) و محمد بن احمد بن حماد مروزی محمودی (م.ح ۲۶۵ ق) و سپس در بغداد بر محمد بن صالح همدانی دهقان (م.ب ۲۷۰ ق)، که هر سه از وکلای امام حسن عسکری علیه السلام بودند، قرائت نماید. وی مأموریت داشت زمانی که به نیشابور رسید، نامه مذکور را در اختیار وکیل بلندپایه آن امام، یعنی ابراهیم بن عبده نیشابوری (م.ح ۲۶۱ ق) قرار دهد.

اکنون در منابع حدیثی، آنچه درباره او به ما رسیده تنها همین نامه است که امام علیه السلام برای او نوشته، هرچند احادیث متعددی در منابع به چشم می‌خورند که روایتگر آن‌ها فردی همنام با صاحب شرح حال است، اما هیچ‌گاه به طور یقین،

نمی‌توان اذعان کرد که این احادیث از طریق او به دست ما رسیده‌اند. بنابراین، با توجه به اینکه تنها اثری که دربارهٔ او بر جای مانده، همین نامه است، بسیاری از گوشه‌های زندگی او برای ما مبهم می‌باشند و حتی با اینکه وی در نیشابور وطن داشت و با فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) هم‌عصر و هم‌وطن بود، اما هیچ گزارشی موقفی از ارتباط این دو با یکدیگر نقل نشده؛ چنانکه از استادان او نیز کسی در منابع معرفی نگردیده است. اما در برخی از روایات، دیده شده که وی یا شخصی همنام با وی از عباس بن ابی‌العباس حدیث نقل کرده است. همچنین از شاگردان او، علی بن محمد (استاد کلینی) را می‌شناسیم که تویح یادشده را گزارش کرده است. از آثار تألیفی او، چیزی در منابع معرفی نشده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۴۴، ش ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹ / تحف العقول، ص ۴۸۴ / تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۱۶۱ / رجال ابن داود، ص ۴۸، ش ۱۶۰ / رجال الطوسی، ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۲ / علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۹، ح ۶ / معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۲۲۸، ش ۲۰۵؛ ج ۳، ص ۱۹۷، ش ۱۱۲۶ / نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۹۰، ش ۴۰۸.

اسحاق بن محمد نخعی بصری (؟- ح ۲۶۰ ق)

ابویعقوب، محدث شیعی و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، از تاریخ تولد و وفاتش اطلاع روشنی در دست نیست، ولی به دلیل آنکه روایات او با دو واسطه از امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) نقل می‌شوند و همچنین معاصر بودن او با امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق)، وی تا اوایل نیمهٔ دوم سدهٔ سوم حیات داشته است. از این رو، می‌توان وفات او را تقریباً در ۲۶۰ هـ در نظر گرفت که احتمالاً در بصره اتفاق افتاده است. از لقب «نخعی» برمی‌آید که نیاکان او قبیله‌ای

عربی و اهل بصره بودند که بخشی از قبیله مذکور از قوم خویش جدا شدند و در کوفه اقامت گزیدند.

وی در بصره یا کوفه پرورش یافت و پس از دوران کودکی و جوانی مسافرت‌هایی به بغداد داشت و نزد استادان آنجا همچون محمد بن حسن بن شمون بصری بغدادی (م ۲۵۸ ق)، احمد بن صدقه کاتب انباری، ابوهاشم داود بن قاسم جعفری (م ۲۶۱ ق) و محمد بن جمهور عمی به استماع حدیث پرداخت. از دیگر استادان او، می‌توان به کسانی همچون ابوعبدالله حسن بن موسی بن جعفر رضی الله عنه، فضل بن حارث، علی بن اسماعیل، محمد بن عبدالله بن مهران، محمد بن ابراهیم بن مهزیار و حسن بن علی بن یقطین اشاره نمود.

سوابق علمی او نشان می‌دهند که وی پس از اینکه در فقه و حدیث به حد کمال رسید، شاگردانی تربیت نمود که بیشتر آنها اهل خراسان قدیم بودند. از جمله شاگردان او، نصر بن صباح بلخی، محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۸ ق) و احمد بن علی بن کلثوم سرخسی هستند.

صاحب‌نظران دربارهٔ ارزش روایات او گفت‌وگوهای دارند، ولی بیشتر آنان شخصیت مورد بحث را متهم به غلو دانسته و احادیث او را فاقد اعتبار لازم می‌دانند. نجاشی نیز ضمن اینکه او را «معدن تخلیط» (سرچشمهٔ احادیث بی اعتبار) معرفی کرده، کتاب‌های اخبار السید و مجالس هشام را به او نسبت داده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۷۰ و ۷۲ و ۲۸۶ / رجال الطوسی، ص ۳۸۴، ش ۵۶۵۱؛ ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۷ / رجال النجاشی، ص ۷۳، ش ۱۷۷؛ ص ۳۳۶، ش ۸۹۹ / مدینه المعاجز، ج ۷، ص ۶۰۴، ش ۲۵۹۴ / موسوعة الامام الجواد رضی الله عنه، ج ۱، ص ۶۵، ح ۱۵۲ / نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۹۸، ش ۴۴۳۲، ج ۴، ص ۱۸، ش ۴۱۰۶؛ ص ۹۷، ش ۴۳۷۶.

اسحاق بن یعقوب کلینی (؟ - ح ۲۹۵ ق)

کلینی، محدث شیعی و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، کنیه اش در منابع ذکر نشده است. وی از شخصیت‌های حدیثی در اواخر سده سوم هجری بود؛ زیرا از شاگردان او، سعد بن عبدالله اشعری است که در ۲۹۹ یا ۳۰۱ هـ درگذشته. تاریخ ولادت او به نیمه نخست سده سوم بازمی‌گردد؛ زیرا وی در زمان امام حسن عسکری علیه السلام حیات داشت و از رشد کافی برخوردار بود. به دلیل نام زادگاه او، برخی از صاحب‌نظران احتمال اخوت و برادری وی با محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) را بعید ندانسته‌اند. در این صورت، وی اهل «کلین» از روستاهای ری بوده است.

درباره حیات علمی و زوایای زندگی او، اطلاع چندانی نداریم. قراین نشان می‌دهند که وی در ری پرورش یافت و مدت زیادی نیز در قم اقامت داشت و بزرگانی همچون سعد بن عبدالله اشعری از او روایت شنیدند. پس از آن، وارد بغداد شد و با نایب دوم امام عصر (عج)، محمد بن عثمان بن سعید (م ۳۰۵ ق)، رابطه صمیمانه‌ای پیدا کرد و از طریق او مکاتباتی با آن امام داشت. در برخی از این مکاتبات، امام علیه السلام ضمن اینکه وی را با ذکر نامش به طور مستقیم مورد خطاب قرار داده و بر او سلام فرستاده، جمله مشهور و بحث‌انگیز «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا» (در حوادث مستحدثه، به راویان حدیث رجوع کنید) را برای او فرموده است. حدیث مذکور یکی از مدارک مهم و قابل استناد در اثبات «ولایت فقیه» است. وی همچنین برخی از روایات و گزارش‌ها را از کنیز امام حسن عسکری علیه السلام شنیده است.

از جمله شاگردان هم‌وطن او، محمد بن یعقوب کلینی است که احتمالاً برادر کوچک‌تر او بوده است. استادان و شاگردان دیگر او ناشناخته‌اند؛ چنان‌که از آثار تألیفی او نیز چیزی مورد شناسایی قرار نگرفته است.

منابع

اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۷۰ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۱، ص ۱۲۱، ش ۷۲۷ / الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۴۳، ح ۱۲۵ ج ۳، ص ۱۱۱۳، ح ۳۰ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۶۱ / طوسی، الغیبه، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷ و ۳۲۶ / کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۷۳ / کمال الدین و تمام النعمه، ب ۴۵، ح ۴ و ۶ / مجموعه الرسائل، ج ۱، ص ۳۴۷.

اسماعیل بن عبدالله قمی (ق ۹ - ح ۲۹۹ ق)

اسماعیل محدث شیعی بود که کنیه اش در منابع ذکر نشده است. ظاهراً محل تولد او قم بود و تا آخر عمر در همین شهر اقامت داشت. وی از دست پروردگان محدث پرآوازه شیعی احمد بن ابی عبدالله برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) است و ظاهراً وفات او پس از مرگ استادش اتفاق افتاده و احتمالاً در اواخر سده سوم هجری بوده است. پسرش احمد بن اسماعیل بن عبدالله (م. ق ۳۵۹ ق) معروف به «سمکه» از راویان و ادیبان خوش نام در قم و استاد وزیر شیعی، ابوالفضل بن حمید (م. ح ۳۶۰ ق)، بود. نیاکانش اصالتاً از مردم عرب کوفه بودند که برخی از آنها در قم سکونت داشتند.

وی تحصیلات خود را در قم آغاز کرد و ملازم ابی عبدالله برقی شد و نزد او دانش حدیث آموخت. قراین نشان می دهند که وی در علم حدیث، هیچ گاه به اندازه پسرش آوازه بلندی نیافت و هم اکنون نیز در جوامع روایی شیعه، نه تنها فرزندش روایتی از او نقل نکرده، بلکه اثری از احادیث او به چشم نمی خورد، هر چند ممکن است روایتی که شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) در الامالی آورده و شخصی که در سلسله سند از او با عنوان اسماعیل بن عبدالله کوفی یاد شده، خود او بوده باشد. اما این احتمال بعید به نظر می رسد؛ زیرا شیخ صدوق در این حدیث با چهار واسطه از شخص یاد شده نقل روایت کرده است، در حالی که از معاصر او، سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ یا ۲۹۹ ق)، با یک واسطه نقل حدیث می کند.

در بعضی از روایات نیز بین نام او و معاصرش «سعد بن عبدالله» خلط شده است. (معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۶۶، ش ۱۳۸۱) به هر حال، با توجه به اینکه در منابع روایی، حدیثی از او در دست نیست و نیز با توجه به اینکه شرح حال او در منابع رجالی نیامده است، از استادان، شاگردان و چگونگی حیات علمی و او اطلاعی نداریم. در رجال نجاشی و فهرست طوسی نیز به دلیل اینکه وی دارای اثر تألیفی نبوده، نامش به طور مستقل ذکر نشده؛ تنها در ذیل شرح حال پسرش، اشاره‌ای گذرا به شخصیت او شده است.

منابع

صدوق، الامالی، م ۲۱، ص ۱۶۰، ح ۱۰ / رجال النجاشی، ص ۹۷، ش ۲۴۲ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۶۳ / طوسی، الفهرست، ص ۷۷، ش ۹۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۲۶ / معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۵۴، ش ۱۳۵۵.

ایوب بن نوح بن دراج (ب ۱۸۳ - ح ۲۵۵ ق)

ابوالحسین نخعی کوفی، فقیه و محدث سرشناس شیعی بود. از تاریخ ولادت او آگاهی نداریم، اما از اصحاب امام رضا علیه السلام به شمار می‌آید. وفات او حدود ۲۵۵ هـ روی داد؛ زیرا وی از نمایندگان امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۲ ق) و عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) بود. وی فردی پرهیزگار، بی‌ریا و زاهد بود و نزد امامان عصر خود، منزلت بلندی داشت. امام حسن عسکری علیه السلام درباره او، به عمرو بن سعید مدائنی فرمود: «هرگاه دوست داشتی به یکی از اهل بهشت نگاه کنی، به ایوب بن نوح نظر کن.» هنگامی که او از دنیا رفت، تنها ۱۵۰ دینار داشت، اما مردم به خاطر اینکه وی نماینده آنها بود بر این باور بودند که باید اموال فراوانی نزدش جمع شده باشند. وی اصالتاً اهل یمن و از قبیله «نخعی» منسوب به پیروان ابراهیم بن نخعی

(بزرگ قبیله «مذحج» بود که بسیاری از آنها به کوفه مهاجرت کردند و در آنجا ماندگار شدند. پدرش نوح بن دراج قاضی کوفه و دارای اعتقادی صحیح بود. عمویش جمیل بن دراج از فقهای صاحب نام شیعه است که در عصر امام رضا علیه السلام وفات یافت. فرزند او محمد بن ایوب بن نوح جزو چهل نفری بود که امام حسن عسکری علیه السلام در منزل خویش سامزاه، امام مهدی علیه السلام را به آنان معرفی نمود.

وی در کوفه اقامت داشت و احتمالاً زادگاه و محل وفات او نیز در همانجا بوده است. بیشتر دوران حیات علمی او در کوفه سپری گردید و پس از اینکه در فقه و حدیث تبخّر یافت، حلقهٔ درسی تشکیل داد و به تربیت شاگرد مشغول شد. وی همچنین مسافرت‌هایی به بغداد و سامزاه داشت و در امور اجتماعی و سیاسی جامعه، با وکلای دیگر مذاکره می‌کرد. از معاصران و هم‌بعضان او، قاسم بن حسن بزنطی، حسن بن موسی خنّاب و حسن بن عبدالله بن مغیره بودند که مشترکاً نزد عبّاس بن عامر به استماع حدیث اشتغال داشتند.

وی در کوفه، استادان بسیاری دید که ذکر همهٔ آنها ممکن نیست. اما برخی از آنها عبارتند از: براء بن محمد کوفی، ابن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق)، عبّاس بن عامر، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق)، عبدالله بن مغیره کوفی و حنّان بن سدید. برخی از جمله شاگردان فراوان او نیز عبارتند از: محمد بن علی بن محبوب، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ ق)، علی بن حسن بن فضال (م ۲۹۰ ق)، سعد بن عبدالله بن اشعری (م ۳۰۰ ق)، حمدان بن احمد فلانسی، عبدالله بن جعفر حمیری (م. ب ۲۹۷ ق)، ابراهیم بن نصیر کتّسی (م. ح ۳۳۵ ق) و حمدویه بن نصیر کتّسی (م. ح ۳۳۵ ق).

از تألیفات اویند: مسائل عن ابی الحسن و کتاب النوادر دربارهٔ تازه‌های حدیث.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۴۱، ش ۱۰۸۳؛ ج ۱، ص ۷۰ و ۱۰۸، ش ۴۱ و ۵۰ / الامامة والتبصرة، ص ۱۳۱، ح ۱۳۷ / ایضاح الاشباه، ص ۸۲، ش ۴ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۱، ص ۱۵۹، ش ۱۱۹۵ / رجال ابن داود، ص ۵۴، ش ۲۲۴ / رجال

الطوسی، ص ۳۵۲، ش ۱۵۲۱۴ ص ۳۷۳، ش ۵۵۲۴ / رجال النجاشی، ص ۱۰۲، ش ۲۵۴ / العدد القویة، ص ۷۳، ش ۱۲۱ / لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۹۰.

بکر بن صالح ضبّی رازی (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)

بکر محدث شیعی بود که شیخ طوسی وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام به شمار آورده است. بنابراین، وی در عصر آن امام (امامت: ۱۸۳-۲۰۳ ق)، صلاحیت نقل حدیث داشته و احتمالاً در عصر امام کاظم علیه السلام (ح ۱۸۰ هـ) تولّد یافته است. وفات او نیز به درستی روشن نیست. اما متأخرترین شاگرد او تادیه‌های آخر سده سوم حیات داشته است. بنابراین، می‌توان وفات او را در اواسط این سده (ح ۲۵۵ هـ) تخمین زد. وی اصالتاً ایرانی بود، ولی با طایفه «بنی ضبّه» در کوفه هم‌پیمان شد و خود را به آنان متّسب دانست. از همین رو، او را «ضبّی» (به تشدید باء) گفته‌اند. از لقب «رازی» و همچنین از شاگردان قسی او برمی‌آید که وی مانند شخصیت‌های دیگر طایفه «بنی ضبّه»، در ری و قم اقامت بلندی داشته و احتمالاً زندگی را در یکی از این دو شهر به سر آورده است.

وی با اینکه احادیث فراوانی نقل کرده است و چنان‌که از شاگردان و استادان زیاد او برمی‌آید، فردی پرکار و کثیر الحدیث بود، اما احادیث او از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار نیستند؛ زیرا صاحب‌نظران و کارشناسان علم رجال وی را به شدت تضعیف نموده و اخبار او را بی‌اعتبار دانسته‌اند. بیشترین روایات او اکنون در کتاب‌های شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) و شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) دیده می‌شوند که بیشتر آن‌ها از طریق محدثان قسی نقل شده‌اند. برخی از مکاتبات او نیز، که به‌طور مستقیم با امام رضا علیه السلام انجام گرفته‌اند، در کتاب کافی آمده‌اند. همچنین در یک حدیث طولانی، که وی در سند آن قرار دارد، امامان دوازده‌گانه، به ویژه امام عصر (عج)، حجت‌های روی زمین معرفی شده‌اند.

از میان استادان فراوان او، معروف‌ترین آن‌ها محمد بن ابی حمیر (م ۲۱۷ ق)،

حسن بن فضال (م ۲۲۴ ق)، علی بن اسباط (م. ب ۲۲۰ ق)، محمد بن سنان، ربان بن شیبب (شاگرد یونس بن عبدالرحمان) (م ۲۰۸ ق)، سلیمان بن جعفر جعفری (از نوادگان امام صادق علیه السلام)، ابوصلت هروی سنی، محمد بن ابی حمزه، محمد بن سلیمان مصری، اسماعیل بن عبّاد نصری، عبدالرحمان بن سالم (شاگرد ابویسیر) و حسن بن سعید (از اصحاب امام جواد علیه السلام) هستند. همچنین در میان شاگردان او، راویان مشهوری همچون احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م. ح ۲۸۰ ق)، ابراهیم بن هاشم قمی (م. ح ۲۷۵ ق)، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ یا ۲۷۴ ق)، سهل بن زیاد آدمی (م. ب ۲۵۵ ق)، علی بن مهزیار اهوازی (م. ح ۲۵۵ ق) و عبدالله بن احمد رازی دیده می شوند.

از تألیفات او، کتاب‌های النوادر، درجات الایمان و وجوه الکفر، الاستغفار و الجهاد معرفی شده‌اند.

منابع

الانساب، ج ۴، ص ۱۰، ذیل «صَبَّی» / بصائر الدرجات، ص ۳۱۹، ح ۱۱۲ ص ۳۶۵، ح ۲۲ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۱، ص ۱۷۸، ش ۱۳۹۳ / رجال الطوسی، ص ۳۵۳، ش ۵۲۳۳ ص ۴۱۷، ش ۶۰۳۱ / رجال النجاشی، ص ۱۰۹، ش ۲۷۶ / طوسی، الفهرست، ص ۸۷، ش ۱۲۷ / الکافی، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲ و ص ۱۰۰، ح ۳ و ص ۱۰۶، ح ۶ و ص ۱۰۹، ح ۴؛ ج ۶، ص ۳، ح ۷ و موارد متعدد دیگر / کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ب ۲۸، ح ۱، ص ۳۰۸ / لسان‌المیزان، ج ۲، ص ۵۷، ش ۱۹۸.

جبرئیل بن احمد فاریابی کشنی (؟ - ح ۲۹۵ ق)

ابومحمد، محدّث زبردست شیعی، در منابع حدیثی، از پدرش با نام «محمد» نیز یاد شده است. وی در «فریاب» (به کسر فاء) از نوحی غرب جیحون در نزدیکی بلخ دیده به جهان گشود، ولی زمان آن روشن نیست. همچنین از تاریخ وفات او

نیز اطلاعی نداریم، اما می‌دانیم که وی در اواخر عمر در «کَش» (به فتح کاف و تشدید شین) از شهرهای سمرقند اقامت داشت و در همان‌جا زندگی را به سر آورد. از شاگردان هم‌وطن او، محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی (م. ح ۳۲۸ ق) است که در ۲۶۰ هـ وارد کوفه شد و پس از این تاریخ بود که عیاشی نزد او و معاصرش علی بن حسن بن فضال (م ۲۹۰ ق) شاگردی نمود. بنابراین، وی از طبقه علی بن فضال است و با توجه به اینکه پدر عیاشی نیز از او حدیث نقل کرده، گمان می‌رود که وی سده چهارم را درک نکرده و در اواخر سده سوم زندگی را وداع گفته است.

وی ظاهراً دوران کودکی را در زادگاه خود سپری کرد و بنا به گفته طوسی، مسافرت‌هایی به عراق، قم و خراسان داشت و از علمای آنجا احادیث فراوانی شنید. وی پس از سفرهای علمی خود، به وطن بازگشت و «کَش» را مسکن دائمی خود قرار داد. وی در آنجا حلقه‌ی درسی تشکیل داد و علمای زیادی در درس او شرکت داشتند.

وی روایاتش را از استادانی همچون موسی بن جعفر بن وهب، حسین بن خرزادکشی، محمد بن عبدالله بن مهران، محمد بن عیسی عییدی (شاگرد یونس بن عبدالرحمان م ۲۰۸ ق) و ابوجعفر محمد بن اسحاق، نقل کرده است. از شاگردان او، تنها محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی (م. ح ۳۲۸ ق) و مسعود بن محمد بن عیاش را می‌توان نام برد.

به گفته برخی از صاحب‌نظران، وی به دلیل اینکه مدت زیادی در «کَش» اقامت داشت و از جوامع شیعی دور بود، بسیاری از شاگردانش ناشناخته‌اند. درباره‌ی ارزش روایات او، اگرچه رجال‌شناسان بزرگی همچون نجاشی و طوسی، بر صحت احادیث او تصریح نکرده‌اند، اما با این حال، ذکر نام او در رجال الطوسی، کاشف از آن است که وی بر مذهب امامیه بوده و اعتماد بزرگانی همچون ابوعمرو کتبی و عیاشی بر احادیث او، حاکی از وثاقت و ارزش روایات

او می‌باشد. شاید به همین دلیل، ابن داود نام او را در قسم اول رجال خود، که مخصوص روایان مورد اعتماد است، ذکر نموده.

گفتنی است اینکه در بعضی منابع، ابوعمرو کتبی (م.ج ۳۶۳ق) را از شاگردان وی به شمار آورده‌اند، صحیح نیست؛ زیرا کتبی در زمان او کودکی بیش نبود. شاید این اشتباه از آنجا ناشی شده است که کتبی در رجال خود، به طور مستقیم از او گزارش‌هایی نقل می‌کند، اما این گزارش‌ها به طور شفاهی و حضوری نبوده‌اند، بلکه کتبی کتابی از او در اختیار داشته و تمام گزارش‌های او از طریق این کتاب بوده‌اند؛ چنان‌که خود در مواردی به این مطلب تصریح نموده است. (رجال کتبی، ج ۲، ص ۶۰۵، ش ۵۷۳؛ ص ۶۱۷، ش ۵۸۹) از تألیفات او جز کتابی که کتبی به آن اشاره دارد، اثر دیگری مورد شناسایی قرار نگرفته است.

منابع

اصیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۴، ص ۶۵، ش ۱۵۷ / رجال ابن داود، ص ۶۱، ش ۲۹۳ / رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۴۲ / اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۵، ح ۷ / سماء المقال، ج ۱، ص ۸۲ / لسان المیزان، ج ۲، ص ۹۴، ش ۳۸۰ / معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۲۹، ذیل «فاریاب».

جعفر بن ابراهیم حضرمی (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۶ ق)

جعفر، فقیه و محدث شیعی، تاریخ تولد و وفاتش در دست نیست. وی در عصر امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) دوران جوانی خود را سپری می‌کرد و شیخ طوسی او را از اصحاب آن حضرت به شمار آورده است. از این رو، گمان می‌رود تولد او حدود ۱۸۰ هـ اتفاق افتاده باشد. چنین می‌نماید که وی تا اواسط سده سوم حیات داشته است؛ زیرا شاگرد او، احمد بن محمد بن خالد برقی، تا ۲۷۴ یا

۲۸۰ هـ. حیات داشته است. همچنین وی و معاصرش احمد بن محمد بن عیسی (م ۲۸۰ ق) مشترکاً از استاد خود سعد بن سعد (که از اصحاب امامان رضا و جواد علیهما السلام بود) روایت دارند. بنابراین، احتمالاً وی دست کم تا اواسط سده سوم زنده بوده و ترجیحاً وفات او در ۲۵۶ هـ در نظر گرفته شده است.

از خانواده و دوران تحصیل او اطلاع چندانی نداریم. از لقب «حضرمی» برمی آید که وی اصالتاً اهل «حضر موت» (بر وزن «عنکبوت») ناحیه‌ای دوردست در شرق عدن از بلاد یمن بود که نسب نهایی نیاکان او به عامر بن قحطان حضر موتی یا وائل بن حجر حضر موتی برمی گردد. بسیاری از شاخه‌های این خاندان به دلیل شوم انگاشتن این سرزمین، به کوفه و مناطق دیگر کوچ کردند و گمان می‌رود نیاکان او در کوفه مسکن گزیده باشند و احتمالاً وی خود نیز در کوفه زاده شد و در این شهر پرورش یافت.

سوابق او کاشف از آن هستند که وی با برخی از فقهای قم نیز در ارتباط بود، اما خبری از اقامت او در قم گزارش نشده است. پدرش از راویان حدیث و از اصحاب امام کاظم علیه السلام بود و به طور شفاهی، معارفی از آن امام فراگرفت. برادرش علی بن ابراهیم حضرمی یکی دیگر از محدثان شیعه بود که آموخته‌های پدرش را به دیگران انتقال داد، اما او از پدرش حدیثی نقل نکرد و از ارتباط او با این برادر نیز گزارشی نقل نشده است.

شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) روایات متعددی از طریق او در کتاب کافی آورده است و در تمام این موارد، وی از استادش سعد بن سعد اشعری قمی روایت نموده و نام کسانی که از او نقل حدیث کرده‌اند برده نشده است. از این رو، شناسایی شاگردان و دیگر استادان او ممکن نیست. همچنین در منابع، کتاب یا رساله‌ای از او معرفی نشده است.

منابع

الانساب، ج ۲، ص ۲۳۰، ذیل «حضرمی» / رجال الطوسی، ص ۳۵۴، ش ۵۲۳۹ /

الکافی، ج ۶، ص ۲۲۶، ح ۹؛ ص ۳۱۰، ح ۴؛ ص ۳۷۸، ح ۲ / لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۰۷، ش ۲۳۳ / معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۶۹، ذیل «حضر موت».

جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی (؟ - ح ۲۹۹ ق)

ابوسعید، معروف به «ابن تاجر»، متکلم و محدث امامی بود. کنیه «ابن عاجز» که در بعضی از نسخه‌های رجال النجاشی آمده، صحیح نیست؛ زیرا ابومعروک کسبی (م. ح ۳۶۳ ق)، که از هم‌وطنان اوست و نزدیک به یک سده از نجاشی تقدّم دارد، از او با عنوان «ابن تاجر» یاد کرده است؛ چنان‌که شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) نیز با همین کنیه از او یاد نموده است. از همین روی، می‌توان حدس زد که پدرش تاجری بزرگ و سرشناس بوده و در منابع، برای شناسایی او از شغل پدر استفاده شده است. همچنین نام پدرش «احمد» صحیح است و «محمد» از اشتباهات سخاخ است. تاریخ ولادت و مرگ او در دست نیست.

از استادان و شاگردان او برمی‌آید که وی تا اواخر سده سوم حیات داشته است. در منابع، گزارشی از شرح حال او ذکر نشده، اما چنان‌که از لقب «سمرقندی» پیداست، وی اهل سمرقند بوده و احتمالاً دوران کودکی و جوانی‌اش را در آنجا سپری کرده است. پس از آن، مسافرت‌هایی به نیشابور، قم، ری، کوفه و بغداد داشت و از استادان متعدد بهره‌ها برد و احادیث چندی در زمینه اعتقادات و موضوعات دیگر جمع‌آوری نمود و کتاب‌هایی نیز تألیف کرد. اکنون تنها اثر باقی‌مانده از او ده روایت می‌باشند که در جوامع حدیثی شیعه ذکر شده و چون احادیث مذکور غالباً از استادان غیرمعتبر نقل شده‌اند چندان قابل استناد نیستند.

از استادان او، صالح بن ابی حمّاد رازی (م. ح ۲۶۰ ق)، حمدان بن سلیمان عطار نیشابوری، عبدالله بن فضل، سهل بن زیاد آدمی رازی (م. ب ۲۵۵ ق)، احمد بن حسن میثمی و علی بن شجاع نیشابوری (م. ح ۲۶۰ ق) هستند. از شاگردان او،

محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی (م.ح ۳۲۸ ق)، طاهر بن عیسی وراق کشی و محمد بن اسماعیل برمکی هستند.

شیخ طوسی بدون اینکه از آثار او نام ببرد، وی را نویسنده کتاب‌هایی در علم کلام معرفی کرده، اما نجاشی کتاب الرد علی من زعم أن النبی کان علی دین قومه قبل النبوه را از تألیفات او دانسته است.

منابع

رجال ابن داود، ص ۶۲، ش ۳۰۰ / رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۴۰ / رجال کشی، ج ۱، ص ۲۷۵، ش ۴۱۰۵ ص ۳۸۵، ش ۲۳۰؛ ج ۲، ص ۴۸۲، ش ۳۹۲؛ ص ۶۲۶، ش ۶۱۴ و موارد دیگر / رجال النجاشی، ص ۱۲۱، ش ۳۱۰.

جعفر بن احمد بن وندک رازی (؟ - ح ۲۵۵ ق)

ابو عبدالله متکلم و محدث امامی بود که شیخ طوسی نام او را در زمره اصحاب امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) ذکر کرده، اما برخی از صاحب‌نظران معاصر (مانند سید علی بروجردی و آقابزرگ طهرانی) نام او را در ردیف علمای قرن چهارم قرار داده‌اند. این استظهار از آنجا ناشی می‌شود که ابن داود در رجال خود، وی را از جمله روایانی قرار داده که به طور مستقیم از امامان معصوم علیهم السلام نقل حدیث نکرده‌اند. اما با توجه به ترجیح داشتن گفته شیخ طوسی، وی می‌بایست از اصحاب امام هادی علیه السلام باشد و احتمالاً تا ۲۵۵ هـ زنده بوده است.

در منابع معتبره هیچ گزارشی درباره تحصیلات و سوابق علمی او نیامده است. بنابراین، از استادان، شاگردان و محل تحصیل او اطلاعی نداریم. شاید از لقب «رازی» بتوان استفاده کرد که وی بخش عمده‌ای از حیات علمی خود را در «ری» به سرآورده و بر پایه همین احتمال، باید از معاصران عبدالعظیم بن عبدالله

حسنی (م. ق. ۲۵۰ ق) در ری بوده باشد، اما خبری از ارتباط این دو گزارش نشده است. نجاشی نیز در معرفی او، تنها با این عبارت که وی از جمله متکلمان و محدثان امامیه است، بنسده کرده و گفته: از آثار تألیفی او، کتابی بزرگ در موضوع «امامت» بوده است.

منابع

تفہیم المقال (حجری)، ج ۱، ص ۲۱۳، ش ۱۷۵۶ / خلاصۃ الاقوال، ص ۹۱، ش ۱۹ / رجال ابن داود، ص ۶۲، ش ۳۰۱ / رجال النجاشی، ص ۱۲۳، ش ۳۱۶ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۶۹ / طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۱۸، ش ۱۳۱۱ / ص ۲۸۷، ش ۱۹۶۶ / لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۰۸، ش ۴۴۱.

جعفر بن احمد بن یوسف اودی کوفی (؟ - ح ۲۹۸ ق)

ابو عبد اللہ محدث شیمی بود. از معاصران او، علی بن حسن بن فضال کوفی (م ۲۹۰ ق) و حمید بن زیاد نینوی (م ۳۱۰ ق) هستند که همگی از استادان دانشمند مشهور این عقده کوفی (م ۳۳۲ ق) بودند. بنابراین، وفات او ممکن است در اواخر سده سوم و یا اوایل سده چهارم هجری روی داده باشد. اما با توجه به اینکه شیخ صدوق (ت ۳۰۵ ق) به طور مستقیم از او حدیثی نقل نکرده، بلکه با یک واسطه از او نقل حدیث نموده است، چنین به نظر می‌رسد که وی احتمالاً در اواخر سده سوم زندگی را وداع گفته باشد.

از تاریخ تولد او آگاهی نداریم، ولی ظاهراً محل آن در کوفه بوده است. تبار او اهل کوفه از طایفه بنی اوده از قبیله «مذحج» بودند. «بنی اوده» از نسل اود بن صعصع بن سعد بن مذحج بودند که در کوفه سکونت داشتند و نخستین کسی که مذهب تشیع را در میان آنان رواج داد حارث بن ابی‌رسن اودی بود. وی چنان‌که از لقب «اودی» و «کوفی» پیداست، در کوفه پرورش یافت و در آنجا به استماع حدیث مشغول شد.

او پس از اینکه در علوم حدیث تبخّر یافت، حلقهٔ درسی تشکیل داد و در مجلس درس او شاگردانی همچون احمد بن محمد بن سعید بن عقیله (م ۳۳۳ ق)، محمد بن جعفر ذهلی، علی بن حسین بن شقییر (استاد شیخ صدوق) و دیگران حضور داشتند. از شاگردان کوفی او، می‌توان حدس زد که وی تا آخر عمر در کوفه اقامت داشته و احتمالاً در همین شهر زندگی را به سرآورده است. فرات بن ابراهیم کوفی (م. ب ۳۱۰ ق) از دیگر شاگردان اوست که در تفسیر خود، احادیث متعددی (بیش از بیست حدیث) از او نقل کرده است. در این احادیث، وی از کسانی همچون علی بن بزرج خیاط، محمد بن مروان، محمد بن حسین صائغ و دیگران حدیث نقل کرده است.

بنا به گفتهٔ نجاشی، وی فردی مورد اعتماد و از بزرگان اصحاب امامیه به شمار می‌رفته است. از آثار او، کتاب المناقب در فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام معرفی شده است.

منابع

الانساب، ج ۱، ص ۲۲۶، ذیل کلمهٔ «أودی» / تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۸ و ۱۴۵ و ۲۹۹ و ۳۴۰ / خلاصه الاقوال، ص ۹۱، ش ۱۸ / رجال النجاشی، ص ۱۲۳، ش ۳۱۵ / شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۵۲۵ / المزار، ص ۲۲۲، ح ۳.

جعفر بن سهیل صیقل (۹- ح ۲۷۵ ق)

جعفر، محدّث شیعی و وکیل امام هادی، عسکری و امام عصر علیهما السلام، کنیه‌اش در منابع ذکر نشده و از تاریخ تولّد و وفات او نیز اطلاعی در دست نیست. با توجه به اینکه وی از وکلای امام دوازدهم شیعیان بود، گمان می‌رود وفات او در اواسط نیمهٔ دوم سدهٔ سوم (ح ۲۷۵ هـ) اتفاق افتاده است. از دوران کودکی و محل تحصیل او آگاهی نداریم. پیش از همه، نام او را در کتاب شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)

می‌بینیم که حدیث فضیلت فاطمه زهراء علیها السلام از او نقل شده است. سپس شیخ طوسی (م ۶۴۰ ق) در رجال خود، وی را از وکلای امامان یاد شده معرفی نموده است.

نمایندگی وی از سوی امامان یاد شده علاوه بر اینکه مقام علمی و موقعیت اجتماعی او را می‌رساند، گویای آن است که وی به سامراء و بغداد نیز رفت و آمد می‌کرده و با برخی از وکلای دیگر ارتباط داشته است.

از شاگردان او، سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق) است که احتمالاً در قم احادیث چندی از او فراگرفت. از استادان او محمد بن اسماعیل دارمی را می‌شناسیم که ظاهراً از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده است. از او کتاب یا رساله‌ای معرفی نشده است.

منابع

امیان الشیبه (قطع بزرگ)، ج ۴، ص ۱۱۲، ش ۳۲۶ / خلاصة الاقوال، ص ۸۸، ش ۴ / رجال الطوسی، ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۳ / صلل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۲ / لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۱۶ / مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۵۰۶ و ۵۲۵.

جعفر بن شریف جرجانی (؟ - ح ۲۶۰ ق)

جعفر محدث شیعی در اواسط سده سوم و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود. وی با دیدن معجزه‌ای از آن امام، جزو شیفتگان آن حضرت قرار گرفت و پسرش صلت بن جعفر بن شریف به سبب دعای آن حضرت از اولیاء الله گشت. از تاریخ تولد و وفات او و همچنین دوران تحصیل او هیچ اطلاعی در دست نیست. به دلیل آنکه وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام است، احتمالاً تا ۲۶۰ هـ حیات داشته. قراین حاکی از آنند که وی اصالتاً اهل «جرجان» و از شیعیان با نفوذ

آنجا بود. گمان می‌رود که وی بیشتر تحصیلات خود را در زادگاهش به انجام رسانده و احتمالاً در موطن خود زندگی را به پایان برده باشد.

شرح حال او در هیچ‌یک از منابع معتبر ذکر نشده، اما در گزارشی آمده است که وی در یکی از سفرهایش به زیارت خانه خدا، وارد سامراه شد و با مبالغی پول، که اهل جرجان به او سپرده بودند، خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شد و سلام و درود اهل جرجان را به آن حضرت ابلاغ نمود. آن امام علیه السلام ضمن اینکه با او به نیکی رفتار کرد، از خداوند برای او فرزندی طلب نمود که از دوست‌داران اهل بیت علیهم السلام گردد و سپس دستور داد نام این فرزند را «صلت» بگذارد. در ادامه این گزارش، آمده است که امام به او وعده داد هنگامی که به جرجان بازگشت، امام نیز به جرجان خواهد آمد و به مشکلات شیمیان آنجا رسیدگی خواهد نمود. وی وقتی که از حج به جرجان بازگشت، در روز موعود، مردم را برای حل مشکلاتشان به خانه خود فراخواند و پس از اجتماع مردم، امام علیه السلام را در منزل خویش حاضر دید. در آن مجلس، وی معجزاتی از امام علیه السلام مشاهده نمود که از جمله آن‌ها بینا شدن شخصی کور بود.

این گزارش - که به اختصار بیان شد - نشان می‌دهد که وی نزد امام حسن عسکری علیه السلام از جایگاه بالایی برخوردار بوده است. بنابراین، نمی‌توان صرفاً به دلیل نیامدن شرح حال او در منابع رجالی، شخصیت او را زیر سؤال برد و حتی گزارش مذکور را بی‌اعتبار دانست. بسیاری از صاحب‌نظران همچون ابن حمزه طوسی (م ۵۶۰ ق)، قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق)، علی بن عیسی اربلی (م ۶۹۳ ق) و سیدهاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) گزارش مذکور را در کتاب‌های خود ذکر کرده و واقعه یاد شده را جزو معجزات امام حسن عسکری علیه السلام به شمار آورده‌اند. این گزارش را شاگرد او احمد بن محمد نقل کرده که شرح حال او نیز در منابع نیامده است. از او اثر تألیفی معرفی نشده است.

منابع

الثاقب فی المناقب، ص ۲۱۴، ح ۱۸۹ / الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۴ / کشف الغمّة فی معرفة الائمة، ج ۳، ص ۲۲۳ / مدينة المماجز، ج ۷، ص ۶۱۷، ح ۲۶۰۱ / معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۴۱، ش ۲۱۷۹.

جعفر بن عبدالله رأس مذری علوی محمّدی (ح ۱۹۵ - ح ۲۸۰ ق)

ابوعبدالله فقیه امامی و از چهره‌های برجسته حدیث بود که نجاشی او را مطمئن‌ترین محدث شیعی معرفی کرده است. وی ظاهراً در یکی از روستاهای کوفه دیده به جهان گشود، اما از تاریخ تولّد او گزارشی در دست نیست. کهن‌ترین استاد او در ۲۱۰ هـ وفات یافت. از این‌رو، تولّد او می‌بایست در اواخر سده دوم (ح ۱۹۵ هـ) روی داده باشد. درباره وفات او نیز سخن قاطعی نمی‌توان گفت. بنا به گزارش نجاشی، وی در ۲۶۹ هـ بر جنازه محمّد بن حسین بن سعید در کوفه نماز گزارد. این گزارش بیانگر آن است که وی در آن زمان، از وجاهت و احترام بالایی برخوردار بود و احتمالاً دوران میان‌سالگی را پشت سر گذاشته بود. بدین‌روی، می‌توان وفات او را در دهه‌های آخر سده سوم (ح ۲۸۰ هـ) تخمین زد.

علامه مامقانی درباره ضبط لقب «مذری» احتمالات فراوانی داده که از جمله آنها «مذری، مداری و مذارى» است، اما نزدیک‌ترین احتمال آن است که «مذاری» مخفف «مذری» (به فتح میم و ذال نقطه‌دار) است و او اهل «مذار» روستایی در «ميسان» بین بصره و کوفه بوده که در آنجا مرقد عبدالله بن علی بن ابی طالب علیه السلام قرار دارد و دارای بارگاه باشکوهی است. نسبت «رأس المذری» نیز از آن‌رو به وی داده شده که خود یا پدرش احتمالاً از رؤسای آنجا بوده‌اند. لقب «محمّدی» نیز به این دلیل است که وی از نوادگان محمّد بن حنفیه، فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است.

وی دارای فرزندی بود که در کوفه و بصره اقامت داشتند. مادرش، آمنه کبری، از سادات حسینی و از نوادگان امام سجّاد علیه السلام و پدرش عبدالله بن جعفر ثانی از عالمان حدیث و از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. برادر بزرگ‌ترش محمّد بن عبدالله از استادان وی بود و نوّه پسرش اش، ابوالحسن عبّاس بن صلی بن جعفر، از محدّثان صاحب‌نام و استاد شیخ تلعکبری (م ۳۸۵ ق) بود. موقعیت خانواده، سوابق علمی و همچنین شرافت نسبی او نشان می‌دهند که وی در کوفه و احتمالاً در شهرهای دیگر عراق، از موقعیت ارزشمندی برخوردار بوده است.

به گفته نجاشی، وی از بیشتر شیوخ و بزرگان حدیث، روایت دارد که در این میان، از استادان برجسته و سرشناس کوفه همچون صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق)، محمّد بن ابی‌عمیر (م ۲۱۷ ق)، عبدالله بن جبلة (م ۲۱۹ ق)، حسن بن محبوب (م ۲۲۰ ق) و حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴ ق) حدیث آورده و بزرگانی مانند ابن عقده کوفی (م ۳۳۲ ق) و دیگران از شاگردان او بوده‌اند. همچنین فرات بن ابراهیم کوفی (م.ب ۳۱۰ ق) از شاگردان اوست که در تفسیر خود، در سوره نساء از او بدون واسطه نقل حدیث کرده، هرچند در سوره‌های بقره، اعراف، طه و اسراء با یک واسطه از او روایت نموده است. از آثار او، کتاب *المستمع* (در احکام و مشروعیت ازدواج موقت) معرفی شده است.

منابع

ایمان الشیمة (قطع بزرگ)، ج ۴، ص ۱۲۷ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۱، ص ۲۱۷ و ۲۱۸، ش ۱۷۹۸ / تهذیب المقال، ج ۴، ص ۳۸۷ - ۴۰۱ / خلاصة الاقوال، ص ۹۰، ش ۱۲ / رجال ابن داود، ص ۶۳، ش ۳۱۱ / رجال النجاشی، ص ۱۲۰، ش ۳۰۶ / ستر السلسلة العلویة، ص ۸۵ و ۸۶ / عمدة الطالب، فصل سوم از اصل سوم در معرفی اعقاب محمّد بن حنفیه، ص ۳۵۴.

جعفر بن مازن کاهلی طحان (۹ - ۲۶۴ ق)

ابوعبدالله، از راویان شیعه، تاریخ ولادتش معلوم نیست، ولی وفات او در سال ۲۶۴ هـ در روز سه‌شنبه هفتم ربیع الثانی و احتمالاً در بغداد اتفاق افتاد و پس از اینکه محمد بن ابراهیم بن محمد علوی (استاد شیخ صدوق) بر او نماز گزارد، به خاک سپرده شد. لقب «کاهلی»، که به او نسبت داده شد، نام قبیله «بنی کاهل» از نسل کاهل بن اسد بن خزیمه است که در کوفه سکونت داشتند و مسجد «بنی کاهل» از مساجد معروف کوفه است که حضرت علی و امام صادق علیهما السلام در آنجا نماز می‌خواندند.

وی در کوفه سکونت داشت و در همان‌جا پرورش یافت و پس از سپری کردن تحصیلات مقدماتی، نزد استادان عصر خود، به استماع حدیث پرداخت و در اواسط عمر به بغداد آمد و شاگردان چندی در آنجا تربیت نمود. از لقب «طحان» نیز برمی‌آید که وی در کوفه علاوه بر تحصیل علم و دانش، از طریق آردفروشی کسب درآمد می‌کرد. از محیط خانواده، کیفیت تحصیل و هم‌بختان او اطلاعی در دست نیست؛ چنان‌که از خود وی نیز اطلاع چندانی نداریم؛ زیرا وی در علم رجال فردی «ناشناخته» معرفی شده است. نجاشی بدون اینکه کتابی از وی در رجال خود نام ببرد، می‌گوید: حمید بن زیاد (م ۳۱۰ ق) در «بنی کاهل» نزد او حدیث شنیده است و سپس سال وفات او را ذکر می‌کند.

برخی از گزارش‌ها حاکی از آنند که وی علاوه بر حدیث، در شعر و شاعری نیز دست داشت. علامه حلی وی را روایتگر حدیث و شعر معرفی کرده است. از تعبیر علامه، به دست می‌آید که وی خودش شاعر نبود، بلکه اشعار دیگران را نقل می‌کرد. ابن حجر در لسان المیزان، وی را از رجال شیعه معرفی کرده، می‌گوید: مأمون عباسی (حک ۱۹۸-۲۱۸ ق) وی را به بغداد فراخواند و او را در کارش آزاد گذاشت. این موضوع نشان می‌دهد که وی برای دستگاه حاکم خطری نداشت.

مجموع اطلاعات ما نشان می‌دهند که وی از نظر علمی، آوازه‌بلندی نداشته، حتی در منابع حدیثی نیز روایتی از او دیده نشده است. از این رو، روشن نیست که وی نزد چه کسی تحصیل کرده و شاگردان او چه افرادی بوده‌اند؛ تنها به گفته نجاشی، حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) از شاگردان روایی وی بوده است. ممکن است کسی که بر جنازه او نماز گزارده محمد بن ابراهیم صلوی از دیگر شاگردان او بوده باشد. از او هیچ اثر تألیفی در منابع ذکر نشده است.

منابع

ایمان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۴، ص ۱۳۸ / ایضاح الاشتهار، ص ۱۳۳ / تهذیب المقال، ج ۴، ص ۵۴۵ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۵۵ / رجال ابن داود، ص ۶۴، ش ۳۲۱ / رجال النجاشی، ص ۱۲۵، ش ۳۲۳ / فضل الکوفه و مساجدها، ص ۲۳ / لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۱ / معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۶۲، ش ۲۲۳۴.

جعفر بن مثنیٰ خطیب (؟ - ح ۲۵۵ ق)

جعفر محدث شیعی و از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. در منابع، گزارشی از تاریخ تولد و زمان مرگ وی ذکر نشده است. از شاگردان او احمد بن خالد برقی بود که دهه هشتم سده سوم را درک کرد. بنابراین، وی طبعاً پیش از این شاگرد، وفات یافته و احتمالاً در اواسط سده سوم (ح ۲۵۵ ه) زندگی را وداع گفته است. وی در کوفه پرورش یافت و بیشتر دوران زندگی را در این شهر سپری کرد. ظاهراً در اواخر عمر، به مدینه هجرت کرد و به گفته طوسی و ابن داود، با قبیله «ثقیف»، که در «طائف» سکونت داشتند، هم‌پیمان شد و در آنجا مسکن گزید. از لقب «خطیب» برمی‌آید که وی سخنران مردم کوفه بود و آنان را موعظه می‌کرد. شیخ طوسی با اینکه وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام به شمار آورده، اما او را

«واقفی» (هفت امامی) معرفی کرده است. برخی از احادیث او به طور مستقیم از امام رضا علیه السلام نقل شده و اکنون در جوامع حدیثی موجودند. بنابراین، شاید وی از مذهب خود دست برداشته و به امام هشتم ایمان آورده است.

استادان او اسحاق بن عمار، اسماعیل بن عمار صیرفی، محمد بن فضیل و بشر بن اسماعیل هستند. از میان شاگردان او، تنها احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ یا ۲۷۴ ق) و احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م. ح ۲۸۰ ق) را می‌شناسیم که احادیث چندی از او نقل کرده‌اند. از تألیفات او خبری گزارش نشده، اما نجاشی فردی به نام جعفر بن مثنی بن عبدالسلام بن نعیم را ذکر کرده و گفته است که وی کتابی به نام نوادر (تازه‌های حدیث) داشته که حمید بن زیاد (م ۳۱۰ ق) با یک واسطه از او گزارش کرده است. شاید از اینکه حمید بن زیاد نیز مانند او از مذهب واقفیه پی‌روی می‌کرد، بتوان استفاده نمود که فرد مذکور در رجال نجاشی، همان شخصیت مورد بحث است.

منابع

تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۷۷، ح ۱۸۰۹ ج ۴، ص ۳۱۸، ح ۹۶۹ / خلاصه الاقوال، ص ۳۳۰، ش ۲ / رجال ابن داود، ص ۲۳۵، ش ۲۹۱ / رجال الطوسی، ص ۳۵۳، ش ۵۲۳۶ / رجال النجاشی، ص ۱۲۱، ش ۳۰۹ / الکافی، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۴۱۱، ص ۳۵۰، ح ۱.

جعفر بن محمد بن حسین بن علی

عسکری بن حسین بن عمر اشرف (؟ - ب ۲۵۵ ق)

سید ابوالفضل، معروف به «ثائر بالله»، عالم شیعی و سرکرده جنبش شیعیان «زیدیه» در گیلان، از اعتقاد امام سجاد علیه السلام و از ذریه عمر اشرف، برادر بزرگ‌تر شهید جاوید اسلام زید بن علی علیه السلام بود. وی ادعا داشت که به خدمت حضرت امام مهدی (عج) مشرف

گردیده است. بنابراین، وفات او پس از ۲۵۵ هـ بوده؛ زیرا امام عصر (عج) در این سال به دنیا آمده است. از تاریخ ولادت او و محل آن اطلاعی نداریم.

درباره زندگی و محل پرورش او نیز چیزی در منابع نیامده است؛ تنها در برخی منابع آمده که وی در گیلان قیام نمود و از پیشوایان «زیدیه» بود، سپس مستبصر گشت و به مذهب «امامیه» درآمد. علامه امینی او را راوی احادیث معرفی نموده است. گفتنی است تعداد زیادی از شخصیت‌های تاریخی ملقب به «ثائر بالله» یا «ثائر فی الله» هستند که همین موجب اشتباه و خلط اسامی آنان شده است.

منابع

عمدة الطالب، ص ۳۰۵، مقصد چهارم / اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۴، ص ۵، ش ۲ /
دائرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۵۵.

جعفر بن محمد بن علی بن موسی (۲۲۶ - ۲۷۱ ق)

ابوعبدالله، معروف به «جعفر کذاب» و «زق الخمر»، پس امام هادی علیه السلام و از مدعیان امامت بود. ولادت او در سال ۲۲۶ و وفات او به سال ۲۷۱ هـ در سن ۴۵ سالگی در سامراء اتفاق افتاد. وی دو برادر داشت که یکی امام حسن عسکری علیه السلام بود و دیگری ابوجعفر محمد که فکر نهضت و انقلاب در حجاز را در سر داشت، اما در بین راه، در یکی از روستاهای موصل درگذشت. وی با وجود عمر کوتاهی که داشت، ۱۲۰ فرزند پسر بر جای گذاشت که در شهرهای مدینه، بغداد و جندی شاپور پراکنده شدند و اکنون برخی از اسفاد او فرزندان سید ابراهیم هستند که در کاظمین سکونت دارند. وی به دلیل فرزندان زیاد، ملقب به «اباکرین» یا «بابین» (پدر فرزندان بسیار) شد. نوادگان وی چون نسب آن‌ها به امام رضا علیه السلام می‌رسد، به «رضویان» شهرت دارند.

وی از همان جوانی فردی زیاده‌خواه و جسور بود و معلوم نیست از علم و دانش بهره‌زیادی برده باشد. به نظر می‌رسد بیشتر اوقات او صرف جاه‌طلبی‌ها و نیرنگ‌هایش شده و به دلیل مطرود بودنش نزد اجتماع شیعیان، کسی روایات او را نقل نکرده است. برخی از گزارش‌ها حاکی از آنند که وی ختماری و طنبنوروازی می‌کرد. در ایام جوانی، با پدرش امام هادی علیه السلام مخالفت کرد و نسبت به برادر خود امام حسن عسکری علیه السلام نیز حسادت می‌ورزید. حاکم وقت، معتمد عباسی (۲۵۶-۲۷۹ ق) به دلیل اینکه وی منسوب به خاندان اهل بیت علیهم السلام بود، از فرصت استفاده کرد و پای او را به دربار عباسی باز نمود، اگرچه همیشه وی در دربار، با بی‌احتیایی‌های آنان مواجه می‌شد. وی پس از شهادت برادرش امام حسن عسکری علیه السلام (۲۶۰ ق) دعوی امامت کرد. از این‌رو، به «جعفر کذاب» شهرت یافت. امام سجاد علیه السلام در روایتی از ابوخلد کابلی، خبر از ادعای دروغین وی داد. در بعضی از منابع تاریخی، ادعای امامت از سوی او تشبیه به ادعای قارون، پسر عموی حضرت موسی علیه السلام، شده است؛ زیرا حضرت مهدی (عج) نیز همچون حضرت موسی علیه السلام، گرفتار ادعای عموی خود جعفر شده بود.

هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام وفات کرد، اصحاب آن حضرت برای اقامه نماز، در خانه امام جمع شدند. در این لحظه، جعفر وارد شد تا بر جنازه آن حضرت نماز بگذارد، اما بلافاصله جوانی از راه رسید و پیراهن او را کشید و وی را از جنازه امام علیه السلام دور کرد و خود بر جنازه امام علیه السلام نماز خواند و پس از نماز، از منزل خارج شد. گویند: جعفر برای آنکه وی را به امامت بشناسند حاضر شد هر ساله بیست هزار دینار به یکی از کارگزاران دستگاه خلافت عباسی (عبدالله بن خاقان) رشوه بدهد، اما حیل‌های او کارگر نیفتادند و ادعای باطل او، به ویژه زمانی که در برابر هیأت قمی‌ها قرار گرفت و از ذکر نشانه‌ها عاجز ماند، نزد شیعیان بیشتر آشکار شد.

منابع شیعه دربارهٔ عاقبت اعتقاد جعفر، دو قول مختلف دارند: برخی می‌گویند: وی تا پایان زندگی بر دهنی دروغین خود پای فشرد و همچنان خود را امام می‌دانست. اما برخی دیگر می‌گویند: وی از ادعای خود دست برداشت و توبه کرد و شیعیان نیز نامش را از «جعفر کذاب» به «جعفر نائب» بازگرداندند. کلینی به روایت از محمد بن عثمان عمری می‌گوید: امام دوازدهم (عج) در توقیعی به توبهٔ او تصریح کرده و گفته است که راه جعفر راه برادران حضرت یوسف علیه السلام است که سرانجام، توبه کردند و گناهشان بخشوده شد.

منابع

الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹ / تاریخ قم، ص ۲۰۳ / الخرائج و الجرائع، ج ۱، ص ۲۶۹؛ ج ۲، ص ۹۳۹ و ۱۱۰۳ / دائرة المعارف تشیع، ج ۵، ص ۳۹۳ / ستر السلسله العلویه، ص ۴۰ / عمدة الطالب، ص ۱۹۹ / الفصول الفخریه، ص ۱۳۵ / المجدی فی انساب الطالبیین، ص ۱۳۱ / مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۵۲۴.

جعفر بن محمد بن عمر (ق ۱۷۲-۲۷۲ ق)

ابومعشر بلخی، ستاره‌شناس مشهور و آینده‌نگر معروف، در زمان امام حسن عسکری علیه السلام و چند امام پیش از ایشان زندگی می‌کرد، اما حدیثی از امامان پیشین، از او سراغ نداریم. وفات او روز چهارشنبه ۲۸ رمضان سال ۲۷۲ هـ در سن بیش از صد سالگی اتفاق افتاد. بنابراین، تولد او پیش از ۱۷۲ هـ واقع شده است. او مدتی در بغداد اقامت داشت و سپس در «واسط» (بین کوفه و بصره) وفات یافت. وی اصالتاً ایرانی و اهل بلخ واقع در بلاد خراسان بود، در یک خانوادهٔ تازه‌مسلمان در شهر بلخ به دنیا آمد و مانند همهٔ مردمی که تازه وارد دیانت نوینی می‌شوند، در دین خود تعصب داشت.

وی در آغاز، وارد مدرسه «طاهریه» بلخ شد و پس از طی علوم مقدماتی، در فقه و حدیث شهرت یافت. سپس به علم ریاضیات و نجوم روی آورد و در این مسیر نیز گام‌های بلندی برداشت. او به «علوم غربیه» نیز گرایش پیدا کرد که درباره‌ی انگیزه‌ی گرایش او به این علوم، گفته می‌شود: یکی از استادان مدرسه «طاهریه» به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در بازگشت از مکه، پیرامون شهر بغداد و عظمت آن و همچنین درباره‌ی حوزه‌های علمیه و توسعه‌ی علوم باستانی و دانش‌های گوناگونی که در آنجا رواج داشتند، برای دانشجویان و طلاب خود قصه‌ها می‌گفت و تصریح داشت که مردی زردشتی به نام دهقان فرامرز بهمنش و مردی به نام بیدبخت در بغداد، هیئت و نجوم تدریس می‌کند و هر کدام از آن‌ها بر استرهایبی با یراق زرنگار سوار می‌شوند و وقتی به دربار خلیفه راه می‌یابند، خلیفه آن‌ها را بالاتر از مفتیان و فقیهان مسلمان جای می‌دهد، در حالی که بیدبخت از پیروان بودا می‌باشد و شهر «بامیان» (نزدیک بلخ) را از بت‌پرستی پرکرده است. بیانات و حکایات استاد، که تازه از سفر حجاز برگشته بود، بر طلاب جوان، به ویژه ابومعشر، تأثیر بسزایی گذاشتند و بدین‌روی، وی عازم بغداد شد و به قصد انتقام، در مجلس درس بیدبخت شرکت جست. پس از پایان درس، استاد رو به ابومعشر نمود و گفت: فرزند عزیزم! تو از راه دور آمدی و به سوی ما شتافتی. پس آن چاقو را که همراه خود داری، به دور بینداز و به جای جنایت، به فراگرفتن نجوم و ریاضیات همت گمار. ابومعشر، که بدان صورت حقیقت حال خود را از زبان استاد شنید، مبهوت شد و نزد استاد رفت و دست او را بوسید. پس از این ماجرا، وی به استادش دل‌بستگی پیدا کرد و تحصیلاتش را در نجوم و ریاضیات منحصر ساخت و در بغداد اقامت گزید.

وی همچنین شاگرد فیلسوف عرب، یعقوب بن اسحاق کندی (م ۲۶۰ ق) بود و شواهد موجود نشان می‌دهند که وی فردی شیعی بوده است؛ زیرا استادش

کندی شیعه بود و همچنین هم‌بحثان او مانند ابوزید بلخی، احمد بن طیب سرخسی و ابونصر فارابی نیز همگی شیعه بوده‌اند. همچنین غلام او به نام محمد بن عبدالله بغدادی، معروف به ابن سیمان (م. ح ۳۰۰ ق)، که خود منجمی صاحب‌نام و دارای تألیفات است و در کارهای علمی به او کمک می‌کرد، از شیعیان بود.

وی پس از سن ۲۷ سالگی علم نجوم را فراگرفت و گفته می‌شود: طالع‌بینی او بسیار دقیق و مطابق واقع بود. پادشاهان و امرای وقت، نسبت به نظرها و احکام ابومشعر اعتقاد کامل داشتند. به همین دلیل، مستعین عباسی (حک ۲۴۸-۲۵۲ ق) وی را در یکی از آینده‌نگری‌هایش تازیانه زد؛ زیرا طبق گزارش ابوالقاسم سلیمان بن مخلد، که از دوستان صمیمی ابومشعر در این حادثه، آن بود که مستعین از خلافت برکنار می‌شود و معتز (حک ۲۵۲-۲۵۵ ق) به خلافت می‌رسد. ابومشعر پس از تازیانه، همیشه می‌گفت: چون راست، گفتم توییخ شدم. وی پس از خلافت مستعین، در زمان خلافت معتز عباسی، صلّه فراوانی از معتز دریافت کرد و به مقام «رئیس المنجمین» در دارالخلافة منصوب شد. وی در زمان معتمد (حک ۲۵۶-۲۷۹ ق) نیز منجم فرمانده سپاهش، موفق عباسی، بود.

به نظر می‌رسد شهرت بیش از حد او موهون اصابات و طالع‌بینی‌های دقیق اوست. گفته می‌شود: دختری انگشترش را گم کرده بود و گذرش به ابی‌مشعر افتاد و از او درباره‌ی انگشترش پرسید. ابومشعر گفت: انگشترت را خدا گرفته است. دخترت از این پاسخ تعجب کرد، اما پس از مدتی انگشترش را در صفحات قرآن پیدا کرد. سید بن طاووس اصابات او را در فرج المهموم ذکر کرده است. قطعی در اخبار الحكماء وی را داناترین فرد مسلمان نسبت به احکام نجوم، تاریخ فارس و اخبار سایر امم معرفی کرده است. وی نزد غربی‌ها و مستشرقان نیز از شهرت بالایی برخوردار است و برخی از کتاب‌های او از جمله المدخل الکبیر فی

الزيج و علم النجوم به زبان لاتینی و الالوف فی بیوت العبادات به زبان انگلیسی ترجمه شده‌اند.

وی با فیلسوف بزرگ اسلام، یعقوب بن اسحاق کندی (م.ج ۲۶۰ ق)، که استاد وی در علوم عقلی بود، میانه خوبی نداشت. از این‌رو، عامه مردم را علیه کندی تحریک می‌نمود؛ زیرا او به فلسفه اشتغال داشت و سرّ او از سر کندی قطع نمی‌شد تا اینکه کندی به طور پنهانی، کسی را نزد او فرستاد و او را از رموز فلسفه آگاه ساخت و چون در مسیر فلسفه افتاد، آرام شد. وی پس از این جریان، از کسانی شد که کندی را «مرد بزرگ» خواند و از وی استفاده‌های علمی برد؛ چنان‌که در تألیفات کندی، رساله‌ای می‌بینیم که آن را در جواب مسائلی نوشته که وی در باب نجوم از کندی پرسیده است.

گفته می‌شود: وی در یکی از مسافرت‌ها، عازم حج بود که در نزدیکی بغداد در روستایی به نام «قُصص» (به ضم قاف) کتابخانه عظیمی به نام «خزانة الحکمه» نظرش را جلب کرد. از این‌رو، از سفر به حج منصرف شد و مدت زیادی در این کتابخانه اقامت داشت تا اینکه در علم نجوم استاد شد. این کتابخانه مربوط به علی بن یحیی منجم بود که شخصاً هزینه جاری و مخارج مهمانان را تأمین می‌کرد.

به نظر می‌رسد از جمله استادان ابومعشر، همین شخص (علی بن یحیی منجم) بوده است. از شاگردان او، بوسعید شاذان بن بحر بود که کتاب اسرار النجوم او عمدتاً پاسخ به سؤالات این شاگرد است.

وی دارای تصانیف زیادی است و بعضی از آثار او به زبان فارسی نوشته یا ترجمه شده‌اند؛ مانند: احکام القراءات، برهان الکفایه، مختصرنامه، احکام موالید و المدخل الی علم احکام النجوم که معروف به «شصت باب» است و در قرن دهم هجری ترجمه شده.

منابع

اخبار الحکماء، ص ۱۵۳ و ۱۵۴ / الاعلام، ج ۲، ص ۱۲۷ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۱ و ۳۰۷ و ۳۷۷؛ ج ۳، ص ۱۰۰ و ۲۰، ص ۲۱۴ و ۲۴۶ و ۲۴۸؛ ج ۲۳، ص ۲۳۴؛ ج ۲۲، ص ۷۸ و ۴۳۱ / ریاضی دانان ایران و جهان به نقل از: وفيات الاعیان، ص ۳۵ / فرج المهموم فی معرفة علماء النجوم، ص ۱۵۷ به بعد / فلاسفة شیعه، ص ۳۱۰ و ۴۰۳ و ۴۴۹ / ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۳۴ / كشف الظنون، ج ۱، ص ۸۴ و ۲۴۰؛ ج ۲، ص ۱۳۹۷ و ۱۶۴۳ / الکنی والالقب، ج ۱، ص ۱۵۹ و ۱۶۰ / معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۸۲ / معجم المطبوعات العربیة والمعریة، ج ۱، ص ۳۴۶ / معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۱۴۸؛ ج ۹، ص ۱۵۶ / هدیة العارفین، ج ۲، ص ۲۴.

حسن بن احمد مالکی (؟ - ح ۲۹۰ ق)

حسن، محدث شیعی، کنیه اش در منابع ذکر نشده است. وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) بود و در عصر غیبت صفرا (۲۶۰-۲۳۹ ق) می زیست. درباره تاریخ تولد و زمان مرگ او گزارشی نرسیده، اما با توجه به اینکه وی از استادان علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) بوده است، می توان احتمال داد که وفات او در دهه های آخر سده سوم (ح ۲۹۰ هـ) اتفاق افتاده باشد. از خانواده و محل پرورش او آگاهی نداریم، تنها می دانیم که پدرش اهل حدیث بود و در تربیت علمی او نقش داشت. شاید از لقب «مالکی» بتوان پی برد که وی اهل روستای «مالک آباد» قم بوده است. این احتمال با توجه به شاگردان و استادان قمی او، نزدیک به نظر می رسد.

وی بخشی از روایاتش را از پدرش فراگرفت و به آیندگان انتقال داد. از استادان دیگر او، غیر از پدرش، عبدالله بن طاووس (م. ح ۲۶۰ ق)، محمد بن عیسی بن عبید یقیننی (م ۲۶۰ ق)، منصور بن عباس، احمد بن هلال کرخی (م. ح ۲۶۷ ق) و ابراهیم بن ابی محمود خراسانی هستند. اکنون روایاتی از او در منابع

حدیثی بر جای مانده که در نگاه صاحب نظران، چندان قابل استناد نیستند. از شاگردان مشهور او، عبیدالله بن احمد انباری، علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) - پدر شیخ صدوق - محمد بن حسن بن بندار قمی و محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ ق) هستند. وی ظاهراً دارای اثر تالیفی نبوده است.

منابع

الامامة والتبصرة، ص ۳۵ / رجال الطوسی، ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۸ / رجال کتبی، ج ۲، ص ۸۶۳، ش ۱۱۲۳ / طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۳۲، ش ۱۲۳۶ / طوسی، الفهرست، ص ۴۲، ش ۱۵ / لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۲۶، ش ۱۱۱۲ / معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۲۷۲، ش ۲۷۲۵.

حسن بن جعفر فافانی بغدادی (؟ - ح ۲۵۶ ق)

ابوطالب، محدث شیعی بود، ولی اطلاعات ما درباره او محدود به گزارش کوتاهی است که شیخ طوسی در رجال خود آورده. به گفته طوسی، وی از اصحاب امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) بود و عصر امام حسن عسکری علیه السلام (م ۲۶۰ ق) را نیز درک کرد. بنابراین، وفات او با توجه به اینکه طوسی او را از روایان پس از عصر ائمه اطهار علیهم السلام به شمار نیاورده، می بایست در همین ایام (ح ۲۵۶ ه) یا اندکی پس از این تاریخ روی داده باشد. از نسبت «بغدادی» استفاده می شود که وی دست کم مدت زیادی در بغداد اقامت داشت؛ چنانکه از نسبت «فافانی» نیز برمی آید که وی اصالتاً اهل «فافان» (ناحیه پایین دست «میافارقین» در نزدیکی موصل) بود و احتمالاً در همان جا تولد یافت. اما معاشرت او با امام دهم و یازدهم شیعیان که در سامراء سکونت داشتند، این احتمال را تقویت می کند که وی مسافرت هایی به سامراء و همچنین کوفه انجام داده و نزد امامان و استادان این شهرها استماعات حدیثی داشته است.

از معاصران او، محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق)، سری بن سلامه اصفهانی (استاد احمد بن خالد برقی)، عبدوس عطار و ابوالبختری مؤدب هستند که به گفته ابن شهر آشوب (م ۵۵۸ ق) این‌ها از اصحاب و یاران امام عسکری علیه السلام بودند. اکنون با توجه به اینکه هیچ اثری از احادیث او در جوامع روایی شیعه باقی نمانده، نمی‌توان درباره معرفی استادان و شاگردان او و همچنین درباره محتوای شنیده‌های او سخنی گفت. وی ظاهراً دارای اثر تألیفی نبوده است.

منابع

رجال الطوسی، ص ۳۸۶، ش ۵۶۷۸؛ ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۷ / معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۲، ذیل کلمه وفافان / مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۵۲۵ / نقد الرجال، ج ۲، ص ۱۱، ش ۱۲۴۴.

حسن بن خالد برقی (؟ - ح ۲۵۵ ق)

ابوعلی، از روایان قابل اعتماد شیعه و از اصحاب امام هادی علیه السلام و صاحب کتاب نوادر، ولادتش معلوم نیست، ولی وفات او حدود ۲۵۵ هـ در قم روی داد. از زندگی و چگونگی تحصیلات او اطلاعی در دست نداریم، اما خاندان برقی به دانش و فقاہت مشهورند. برادر بزرگ‌تر او ابوعبدالله محمد بن خالد برقی بود که عصر امام هادی علیه السلام را درک نکرد و در زمان امام جواد علیه السلام وفات یافت. برادر دیگرش، که از وی کوچک‌تر بود، ابوالقاسم فضل بن خالد نام داشت. برادرزاده‌اش احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، از روایان سرشناس شیعه و صاحب کتاب رجال بود.

شواهد موجود نشان می‌دهند که برقی مدت زیادی از عمر خویش را در کنار امامان معصوم علیهم السلام، به ویژه امام هادی علیه السلام، به سر آورد و از تعالیم آن بزرگان بهره

برد. روایاتی که وی نقل می‌کند بیشتر مربوط به تفسیری است که امام هادی علیه السلام در مدت امامت خویش، در ضمن ۱۲۰ جلد، بر او املا کرد که بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از آن، در تفسیر قمی به چشم می‌خورند، گرچه تعداد زیادی از روایات او به طور مستقیم از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده‌اند. بنابراین، از استادان و معلمان او کسی جز امامان مذکور را نمی‌توان نام برد. از شاگردان او، ابراهیم بن هاشم قمی، محمّد بن عیسی و احمد بن ابی عبدالله برقی هستند. از تألیفات او غیر از تفسیر منسوب به او، کتاب النوادر (تازه‌ها) به ثبت رسیده است.

منابع

الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۲۸۳، ش ۱۲۹۴ / رجال النجاشی، ص ۶۱، ش ۱۳۹ / طوسی، الفهرست، ص ۹۹، ش ۱۶۹ / معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۳۰۶، ش ۲۸۰۹.

حسن بن زید بن محمّد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن

حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام (? - ۲۷۰ ق)

حسن بن زید، معروف به «داعی کبیر حسنی»، از سادات علوی و از رجال برجسته شیعه امامیه بود. به اعتقاد برخی، وی شیعه زیدیه بود. القاب او «الداعی الی الحق»، «الداعی الاول» و «الداعی الکبیر» ذکر شده‌اند. لقب «داعی کبیر»، در مقابل حسن بن قاسم (م ۳۱۶ ق)، ملقب به «داعی صغیر» است. وی پایه‌گذار سلسله «هلویان» در طبرستان بود؛ فردی شجاع، کوبنده و در عین حال، متواضع. در مدینه منوره از مادری پارسا به نام آمنه متولد شد و در همان‌جا نشو و نما پیدا کرد و سپس در سال ۲۵۰ هـ در طبرستان آمل ظهور نمود و سلسله «طاهریان» را بیرون راند و جنگ‌هایی نیز در سال ۲۶۰ هـ با یعقوب بن لیث صفار داشت تا اینکه سلطنت او در تمام بلاد طبرستان استقرار یافت.

وی در شرایطی اقدام به فتح طبرستان کرد که عاملان بنی عباس همچون سلیمان بن عبداللہ بن طاہر و محمد بن اوس اہالی آنجا را قتل عام کرده بودند. از این رو، وی در نخستین اقدام خود، وارد شهرهای «آمل» و «سارہ» شد و پس از فتح تمام طبرستان، شهرستان «ری» و بخشی از بلاد «دیللم» را نیز به تصرف خویش درآورد. وی پس از بیست سال حکومت، در روز دوشنبه سوم رجب و یا به گفته افندی در ریاض العلماء، در روز شنبه ۲۳ رجب ۲۷۰ هـ در زمان خلافت معتمد باللہ (۲۵۶-۲۷۹ ق)، در شهرستان آمل (واقع در مازندران) وفات کرد و در مدرسه‌ای که خود در مرکز خلافتش (آمل) بنا کرده بود، دفن شد و قبۃ مزارش تا قرن نهم هجری پابرجا بود. وی در این مدرسه، علاوه بر رهبری سیاسی جامعه، فقه شیعہ را تدریس می‌کرد.

پس از وی، برادرش محمد بن زید حسنی، که در نبردش با محمد بن ہارون سامانی در سال ۲۸۷ هجری کشته شد، جای او بر کرسی خلافت نشست. اکنون نسل «سادات حسنی» از برادرش محمد بن زید حسنی است؛ زیرا داهی کبیر از خود فرزندی به جای نگذاشت، مگر یک دختر به نام کریمہ که پیش از ازدواج از دنیا رفت.

دربارہ رفتار و صفات داعی کبیر گزارش‌های متناقضی به چشم می‌خورند؛ از یک سو، درباره صفات نیک او گفته شده است که یکی از شعرا به نام نصر بن نصر حلوانی در مدح داعی کبیر این قصیدہ را آغاز کرد: «اللہ فرّد و ابن زید فرّد» (خدا یکی است، حسن بن زید ہم یکی)، اما داعی کبیر از این جملہ کفرآمیز برآشفست و خطاب به شاعر گفت: خاک بر دهانت! چرا نگفتی: خدا یکی است و حسن بن زید بندہ او؟ سپس از جایگاه خود برخاست و صورت به خاک نهاد و مکرّر می‌گفت: خدا یکی است و من بندہ او هستم. همچنین گفته شده است: وقتی داعی کبیر هر سال خزائنه بیت‌المال را می‌گشود، آن را ابتدا بین قبایل قریش و

سپس به ترتیب، بین انصار و فقها و اهل قرآن و سایر اقشار مردم تقسیم می‌کرد، به گونه‌ای که حتی یک پول سیاه هم در خزانه باقی نمی‌ماند. اما از سوی دیگر، دربارهٔ صفات زشت او گزارش‌ها حاکی از آنند که وی خون‌ریزی‌های فراوان داشت و انسان‌ها و شهرهای زیادی را به خاک و خون کشید که در این میان، برخی از بزرگان علما و سادات علوی نیز کشته شدند؛ چنان‌که پناه بردن دو تن از شیعیان امامیه به امام حسن عسکری علیه السلام نیز به همین دلیل بوده است.

از استادان و شاگردان او گزارشی در منابع دیده نمی‌شود. از آثار او: *الحجة فی الامامة*، کتاب *البيان والجامع فی الفقه*.

منابع

اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۵، ص ۹۱-۸۰ / تاریخ رویان، صفحات متعدد / تاریخ طبری، حوادث سال ۲۷۰ هجری / الکامل، حوادث سال ۲۷۰ هجری / تنقیح المقال (حجری)، ج ۱، جزء دوم، ص ۲۸۰، ش ۲۵۵۱ / دائرة المعارف شیعی، ج ۷، ص ۴۱۹ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۵، ص ۴۴؛ ج ۶، ص ۲۵۵ / سُر السلسله العلویه، ص ۲۶ / عمدة الطالب، ص ۲۹۷ و ۲۹۸ / المجلی فی انساب الطالبین، ص ۳۴ و ۲۰۵۶ و ۳۴۶ و ۳۲۷.

حسن بن عبید کندی (ق ۲۴۰ - ح ۲۹۰ ق)

حسن بن عمید، محدث شیعی، تاریخ تولد و وفاتش روشن نیست. شاگرد او احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده کوفی در سال ۳۳۲ هـ و استادش حسن بن موسی خنّاب در ۲۶۰ هـ وفات کرده‌اند. بنابراین، تولد او دست‌کم در نیمهٔ نخست سدهٔ سوم (ح ۲۴۰ هـ) یا پیش از آن، و وفات او نیز می‌بایست با توجه به روایت ابن عقده از او، در اواخر سدهٔ سوم (ح ۲۹۰ هـ) اتفاق افتاده باشد؛ زیرا استادان ابن عقده غالباً تا اواخر این سده حیات داشتند. ابن عقده همچنین از

شخصی به نام علی بن حسن بن عید، که احتمالاً پسر صاحب شرح حال باشد، حدیث نقل کرده است و این موضوع تاریخ وفات صاحب ترجمه را در نیمهٔ دوم سدهٔ سوم بیشتر رجحان می‌بخشد.

از خانوادهٔ او کسی را نمی‌شناسیم، اما از نسبت «کندی» برمی‌آید که وی از قبیله «بنی کنده» و نسبت او به اشعث کندی، که از یاران حضرت علی علیه السلام در جنگ «نهروان» بود، می‌رسد. از استادان و شاگردان کوفی او نیز برمی‌آید که وی در کوفه پرورش یافت و اقامتگاه اصلی او نیز همین شهر بوده، هرچند ممکن است مسافرت‌هایی به بغداد یا شهرهای دیگر عراق داشته است. در منابع، گزارشی از شرح حال او ارائه نشده و صاحب‌نظران نیز نسبت به درستی احادیث او سخنی نگفته‌اند. با این حال، از شاگردی ابن صقده کوفی نزد او، می‌توان دریافت که وی از نظر علمی، منزلت بالایی داشته است.

از شاگردان دیگر او اطلاع چندانی نداریم، اما در حدیثی که شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) دربارهٔ مقام والای پیامبر و علی علیه السلام از او آورده، ابوعلی اشعری احمد بن ادریس قمی (م ۳۰۶ ق) از او نقل حدیث کرده و او از حسن بن موسی خشاب کوفی (م. ح ۲۶۰ ق) روایت کرده است. همچنین سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) دربارهٔ تفسیر آیهٔ «وَاُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْهَرَبِيَّةِ» (بینه: ۷) حدیثی از او دربارهٔ فضیلت حضرت علی و اهل‌بیت علیهم السلام نقل نموده که در این حدیث، شخصی به نام احمد بن محمد بن محمود از او روایت کرده و او از محمد بن سلیمان این حدیث را آورده است. وی همچنین روایات متعددی از حسین بن یزید نوفلی کوفی (م. ح ۲۵۵ ق) نقل کرده است. به هر حال، اکنون شاید با بررسی احادیث او، که نشانی برخی از آن‌ها در پاورقی ذکر شده است، بتوان استادان و شاگردان بیشتری برای او معرفی کرد. وی ظاهراً دارای اثر تألیفی نبوده و دست‌کم کتابی از او معرفی نشده است.

منابع

بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۹۰، ذیل حدیث ۱۹۲؛ ج ۷۲، ص ۴۶۱، ح ۱۷؛ ج ۷۳، ص ۵۰، ح ۱۱؛ ص ۶۱، ح ۱۸؛ ج ۳۸، ص ۲۹ / سَمَد السَّعُود، ص ۱۰۸ / الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۴ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۹۱ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۰، ح ۳۸۳۳؛ ج ۸، ص ۴۱۷، ح ۹۸۲۸؛ ج ۱۷، ص ۱۲۳، ح ۲۰۹۴۱.

حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره بجلی کوفی (ح ۲۰۵ - ح ۲۹۰ ق)

ابومحمّد، فقیه و محدّث پرکار و مورد اعتماد شیعی، تاریخ تولّد و وفاتش به درستی روشن نیست، اما با نگاهی به فاصله زمانی استادان و شاگردانش، می‌توان پی برد که وی دست کم تا چند دهه پس از نیمه دوم سده سوم حیات داشته است. برخی از استادان او در ۲۲۴ هـ وفات کردند. بنابراین، وی در آن زمان از سن کافی برخوردار بود و احتمالاً در اوایل سده سوم (ح ۲۰۵ هـ) در کوفه چشم به جهان گشود. وفات او با توجه به اینکه شاگردانش غالباً تا اوایل سده چهارم حیات نداشتند، می‌بایست در اواخر سده سوم (ح ۲۹۰ هـ) اتفاق افتاده باشد. علاوه بر این، وی از هم‌بختان ایوب بن نوح (م. ح ۲۵۵ ق)، قاسم بن حسن بزظلی و حسن بن موسی خنّاب (م. ح ۲۶۰ ق) بود که در کوفه نزد عباس بن عامر قصبانی به استماع حدیث اشتغال داشتند. هرچند نوه‌اش جعفر بن علی بن حسن، که حدود ۳۵۵ هـ وفات یافت، بارها به‌طور مستقیم از او نقل حدیث کرده است، اما چون نوه او از «سال‌خوردگان» بود و حدود ۲۶۰ هـ متولّد شد، از این‌رو، می‌توان باور داشت که وفات خود او حدود ۲۹۰ هـ اتفاق افتاده باشد.

وی در یک خانواده شیعی و خوش‌نام، که در کوفه به علم و دانش شهرت داشتند، دیده به جهان گشود و بیشتر دوران تحصیل و حیات علمی‌اش در این شهر سپری شد. پدرش علی بن عبدالله بن مغیره و جدّش عبدالله بن مغیره از

عالمان سرشناس کوفه بودند که احادیث آنها بخش عمده‌ای از جوامع روایی شیعه را تشکیل داده است، به ویژه جدّش که از اصحاب امام کاظم علیه السلام بود و قریب سی کتاب تصنیف نموده است. نجاشی ضمن اینکه با تکرار کلمه «نقه نقه» وی را کاملاً مورد اعتماد و از عالمان سرشناس کوفه معرفی کرده، اما او را اصالتاً عربی ندانسته و گفته: وی از موالیان و هم‌پیمانان جنذب بن عبدالله بوده است. این مطلب با توجه به ارتباط او با فقها و راویان قم، چندان بعید به نظر نمی‌رسد. به هر حال، وی بخش اعظم زندگی خود را در کوفه گذراند. در آنجا استادان بسیاری دید که از جمله آنها، حسن بن علی بن فضال کوفی (م ۲۲۴ ق)، ابوالفضل عباس بن عامر قصبانی، عبدالله بن مغیره کوفی، عمرو بن عثمان ثقفی، طلحة بن زید، اسماعیل بن ابی‌زید، علی بن مهزیار اهوازی (م.ح ۲۵۵ ق) و عیسی بن هشام اسدی بودند.

وی همچنین شاگردان بسیاری تربیت کرده که در میان آنها، چهره‌های برجسته‌ای همچون ابوعلی احمد بن ادریس اشعری (م ۳۰۶ ق)، سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۰ ق) و محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق) به چشم می‌خورند. از شاگردان دیگر او، حسین بن سیف بن عمیره، حسن بن علی بن محبوب (م.ب ۲۸۰ ق) و جعفر بن علی بن حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره (م.ح ۳۵۵ ق - نوه صاحب ترجمه و استاد شیخ صدوق) هستند.

وی با اینکه جزء راویان پرکار می‌باشد، اما تألیفات چندانی از او سراغ نداریم. نجاشی تنها کتاب نوادر را به او نسبت داده است. طوسی نیز بدون اینکه نامی از کتاب او ببرد، گفته است: وی دارای کتابی بوده.

منابع

تنقیح المقال (حجری)، ج ۱، ص ۲۹۶، ش ۲۶۶۳ / رجال النجاشی، ص ۶۲، ش ۱۴۷ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۴ / الخصال، ص ۱۳، ح ۴۷؛ ص ۲۴۱، ح ۹۲ / طوسی،

الفهرست، ص ۱۰۱، ش ۱۷۷ / کامل الزیارات، ح ۲۳۳ و ۳۲۰ و ۴۸۳ و ۶۰۴ و ۶۳۶
 ۷۵۷ و ۷۹۲ / معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۴۳، ش ۲۹۷۸.

حسن بن علی بن نعمان کوفی (؟ - ح ۲۶۰ ق)

ابرهلی، محدث و راوی مورد اعتماد شیعی، از تاریخ تولد و وفاتش چیزی در دست نیست. وی از اصحاب امام حسن عسکری (شهادت: ۲۶۰ ق) بود و سوابق علمی او نشان می‌دهند که عصر آن امام را به طور کامل درک کرد؛ زیرا برخی از شاگردان او تا اوایل سده چهارم حیات داشتند. بنابراین، بعید نیست که وفات او حدود ۲۶۰ هـ یا اندکی پس از آن روی داده باشد. از لقب «کوفی» نیز برمی‌آید که وی بخش عمده‌ای از حیات علمی خود را در کوفه گذرانده و احتمالاً در همین شهر زندگی را به سر آورده است.

وی اصالتاً ایرانی بود و در یک خانواده علمی و مذهبی پرورش یافت. سپس برای کسب دانش عازم کوفه شد و با طایفه «بنی هاشم» هم‌پیمان گشت. پدرش، علی بن نعمان اعلم، از عالمان عصر خود بود و او بخشی از معارف اسلامی را نزد پدرش آموخت. همچنین برادرش احمد بن علی بن نعمان و عمویش داود بن نعمان از روایان و عالمان حدیث بودند، ولی از ارتباط وی با این دو خبری در منابع گزارش نشده است. قراین حاکی از آنند که وی مدتی در قم نیز اقامت داشت و با عالمان قمی در ارتباط بود. بسیاری از شاگردان و معاصران او اهل قم هستند و هنگامی که وی در کوفه به سر می‌برد، برخی از دانشمندان قمی، که عازم کوفه شده بودند، در آنجا حدیث بسیار از او شنیدند. از جمله معاصران او، احمد بن ابی عبدالله برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) است که هر دو نزد پدر این معاصر، روایاتی شنیده‌اند.

از استادان مشهور او در کوفه، محدثانی همچون احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی (م ۲۲۱ ق)، عباس بن عامر و عبدالله بن مسکان را می‌توان نام برد. از جمله شاگردان او، محمد بن احمد بن یحیی اشعری (م. ق ۲۹۹ ق)، محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق)، سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ ق)، ابومحمد جعفر بن معروف و محمد بن علی بن محبوب هستند. با اینکه وی یکی از محدثان برکار بود، اما بسیاری از استماعات او به آیندگان انتقال نیافته و به گفته برخی از محققان معاصر، اکنون تنها قریب ۲۶ حدیث از او در منابع روایی شیعه به چشم می‌خورند. صاحب‌نظران احادیث او را صحیح و قابل استناد می‌دانند. از آثار تألیفی او، کتابی به نام *نوادیر الحدیث* معرفی شده که در آن، تازه‌های حدیث گردآوری شده‌اند. به گفته طوسی در *الفهرست*، کتاب مذکور از کتاب‌های پرفایده است.

منابع

خلاصه الاقوال، ص ۱۰۴، ش ۱۶ / رجال ابن داود، ص ۷۶، ش ۴۴۴ / رجال الطوسی، ص ۳۹۸، ش ۵۸۴۱ / اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۶۰؛ ص ۲۲۳، ح ۸۹؛ ج ۲، ص ۸۵۳، ح ۱۱۰۰؛ ص ۴۷۳، ح ۳۷۸؛ ص ۸۷۰، گ ۱۱۴۱ / رجال النجاشی، ص ۴۰، ش ۸۱ / طوسی، *الفهرست*، ص ۱۰۶، ش ۲۰۱ / معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۶۱، ش ۳۰۰۳.

حسن بن علی خزرچی انصاری سعیدی (۶-ح ۲۹۵ ق)

ابوعلی محدث شیعی بود که از زمان و محل وفات او هیچ اطلاعی در دست نیست، اما بی‌گمان وی از عالمان و محدثانی بوده که حیات علمی خود را تماماً در سده سوم به سرآورده است. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) با دو واسطه از او نقل

حدیث می‌کند. از این رو، ترجیحاً وفات او در اواخر سده سوم (ح ۲۹۵ هـ) در نظر گرفته می‌شود. نیاکان او از قبیله «خزرج» (تیره‌ای از انصار) بودند. به همین دلیل، وی را «خزرجی انصاری» می‌نامند. لقب «سعدی» نیز برخاسته از نام بزرگ انصار، سعد بن معاذ انصاری، است.

آگاهی ما درباره او بسیار اندک و تنها محدود به حدیث مشهور «سلسله الذهب» است که از وی باقی مانده، اما معلوم نیست وی این حدیث را کجا و چه زمانی از ابوصلت عبدالسلام بن صالح هروی (م ۲۳۶ ق) شنیده است. ظاهراً به دلیل آنکه وی با اهل نیشابور مراد داشته و آنان علاوه بر شهر خود، بیشتر در کوفه اقامت تحصیلی داشتند، چنین می‌نماید که وی حدیث مذکور را در یکی از این دو شهر شنیده است. گفتنی است بجز این هساگر، که در حدیث «سلسله الذهب» نام او را «حمد» ذکر کرده، سایر مورخان و صاحب نظران از او با نام «حسن» یاد کرده‌اند. اما این احتمال نیز وجود دارد که احمد برادر وی بوده باشد که او نیز شاگرد ابوصلت هروی بود و احادیث متعددی از جمله حدیث مزبور را از ابوصلت نقل کرده است. به هر حال، اکنون در منابع شیعی تنها حدیث «سلسله الذهب» (که تمام سلسله سند آن از امامان شیعه علیهم‌السلام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌رسد و به همین دلیل، سند آن را طلایی نامیده‌اند) از او بر جای مانده که وی توسط ابوصلت از امام رضا علیه‌السلام نقل کرده است. در حدیث مزبور، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابي». این حدیث را شاگرد او ابوسعید محمد بن فضل بن اسحاق نیشابوری (استاد شیخ صدوق) از او نقل کرده است. وی ظاهراً دارای اثر تألیفی نبوده است.

منابع

تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۸، ص ۳۶۶ / التوحید، ص ۲۴، ح ۲۲ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۹۳ / عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۱۴۳، ب ۳۷، ح ۱.

حسن بن علی زیتونی اشعری (۹- ۲۹۵ ق)

ابرمحمد، محدث شیعی، تا اواخر سده سوم حیات داشت و ظاهراً سده چهارم را درک نکرد؛ زیرا بیشتر شاگردان او تنها تا آغاز سده چهارم زنده بودند و حتی برخی از شاگردان او در اواخر سده سوم وفات یافتند. بنابراین، می‌توان وفات او را در اواخر سده سوم (ح ۲۹۵ هـ) در نظر گرفت. وی در قم پرورش یافت و احتمالاً زادگاه او نیز در همین شهر بوده است. از لقب «اشعری» استفاده می‌شود که وی با سلسله «اشعریان» قم پیوند خویشی داشته است، اما در منابع، گزارشی از خانواده و معرفی نیاکان او به چشم نمی‌خورد. بیشتر دوران تحصیلی او در قم سپری شد و ظاهراً در کنار تحصیل، به کار «روغن‌فروشی» نیز اشتغال داشت و به همین دلیل، او را «زیتونی» لقب داده‌اند.

وی پس از دانش‌اندوزی بسیار در قم، همچون دیگر عالمان قمی، که با کوفه ارتباط عمیقی داشتند، راهی کوفه شد و در آنجا بیشترین روایاتش را از احمد بن هلال کرخی عبرثانی (م ۲۶۷ ق) فراگرفت. برخی از روایات او نیز از هارون بن مسلم، زهری کوفی و ابراهیم بن مهزیار اهوازی کوفی (م.ج ۲۶۵ ق) نقل شده‌اند. وی به دلیل اینکه در عصر غیبت (۲۵۵-۳۲۹ ق) می‌زیست، مضامین بیشتر احادیث او مربوط به غیبت صفرا و معرفی امام عصر (عج) می‌باشند. از معاصران او، ابوجعفر محمد بن احمد بن ابی‌قتاده قمی را می‌شناسیم که از برجستگان حدیث در قم بود و با هم نزد عبرثانی استماع‌هایی داشتند. وی احتمالاً در اواخر عمر به قم بازگشت و در آنجا اندوخته‌هایش را به شاگردانش انتقال داد.

از شاگردان او، سعد بن عبدالله بن ابی‌خلف اشعری (م ۳۰۰ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق)، محمد بن جعفر بن احمد بن بطه قمی (م.ب ۳۱۷ ق) و محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق) هستند که از چهره‌های برجسته و از

عالمان طراز اول قم به شمار می آیند. در میان شاگردان او، ابن ولید قمی (م ۳۴۳ ق) نیز دیده می شود که بدون واسطه از او روایت نقل کرده است. درباره ارزش روایات او، اگرچه در کتاب های معتبر رجالی (مانند رجال النجاشی) سخنی به میان نیامده و غالباً در این باره سکوت کرده اند، اما سوابق علمی و شاگردانی که او در حلقه درس خود داشته، حکایت از درستی احادیث او دارند و شاید به همین دلیل، ابن داود حلی نام او را در قسم اول رجال خود ذکر کرده است. از تألیفات او کتاب نوادر است که نجاشی آن را معرفی کرده.

منابع

الامامة والتبصرة، ص ۱۱۳، ح ۱۰۱ / رجال ابن داود، ص ۱۷۶، ش ۴۴۰ / رجال النجاشی، ص ۶۲، ش ۱۴۳ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۹۳ / طوسی، الغیبه، ص ۱۶۲، ح ۱۲۲ / کامل الزیارات، ص ۳۰۱، ح ۵۰۴؛ ص ۳۳۳، ح ۵۵۸ / کمال الدین و تمام النعمه، ب ۲۲، ص ۲۳۲، ح ۳۳۶؛ ب ۳۳، ص ۳۳۳، ح ۲.

حسن بن قاسم بن حسین بجلي (۹-ب ۲۹۳ ق)

حسن، محدث شیعی در اواخر سده سوم هجری، کنیه اش در منابع ذکر نشده است. برخی از شاگردان او در ذی حجه ۲۹۳ هـ نزد او درس خواندند. بنابراین، وی تا این تاریخ زنده بوده و احتمالاً تا اواخر سده سوم حیات داشته و به ظن قوی، در کوفه وفات یافته است. از تاریخ تولد او اطلاعی در دست نیست، اما به قرینه اینکه وی از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده، می بایست در دهه های پایانی سده دوم تولد یافته باشد. وی اهل کوفه از قبیله «بجیله» بود. بجیله نام زنی بود که این قبیله از او و خواهرش به نام باهله نشأت گرفت و بسیاری از دودمان این خاندان در کوفه منزل گرفتند.

وی در کوفہ نزد استادانی همچون محمد بن عبداللہ بن صالح خشاب بجلی و علی بن ابراہیم بن معلی تیمی علوم حدیث را فراگرفت و در همان جا شاگردانی نیز تربیت نمود. از جمله شاگردان کوفی او احمد بن سعید بن عقیل (م ۳۳۲ ق) است که به طور خصوصی در ۲۹۳ هـ برخی از دانش حدیث را نزد او آموخت. بعضی از صاحب نظران شاگردی ابن عقیل را نزد او بعید دانسته اند، اما با توجه به گزارش مزبور، وجهی برای این تردید وجود ندارد.

از سفرهای او به دیگر شهرهای عراق گزارشی نرسیده است، اما احتمالاً روایاتی که وی به اتفاق برخی از معاصرانش مانند سهل بن زیاد و احمد بن ابی عبداللہ از ابن شمون بغدادی واقفی (م ۲۵۸ ق) شنیده اند، در بغداد بوده است. کئی پس از اینکه شرح حال مختصری از او به دست داده، گفته است که وی حق را می شناخت و بدان پای بند بود. این جمله حاکی از آن است که وی با اینکه در عصر امامان متأخر می زیست و نیز بخشی از عصر غیبت را درک کرد، هیچ گاه در مسئله «امامت» دچار گمراهی نشد و همواره عقیده استواری داشت. از او اثر تألیفی معرفی نشده است.

منابع

الانساب، ج ۱، ص ۲۸۴، ذیل «بجلی نخست» / رجال الطوسی، ص ۳۵۶، ش ۵۲۷۳ / رجال کئی، ج ۲، ص ۸۷، ش ۱۱۴۳ / رجال النجاشی، ص ۴۶، ش ۹۲ / طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۵۴، ش ۱۶۲۶ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۲۰.

حسن بن محمد بن بابا قمی (۹- ح ۲۵۶ ق)

ابومحمد، معروف به «بن بابا»، عالم شیعی و مدعی باییت بود که مورد لعن امامان عصر خویش قرار گرفت. وی در قم تولد یافت و در عراق درگذشت، اما تاریخ تولد و وفات او روشن نیست. احتمالاً معاشرت او با امام هادی علیه السلام

(شهادت: ۲۵۴ ق) و امام حسن عسکری علیه السلام (۲۶۰ ق) گواه آن است که وی زندگی را در همین ایام به سر آورده است. نام جدّ او «بابا» بود و ظاهراً این نام نشانهٔ احترام و بزرگی شخص در میان ایرانیان، به ویژه اهل قم بوده، اما معلوم نیست چرا ابن داود در رجال خود، نام جد او را «بابا» (با یاء دو نقطه) نوشته است. چگونگی زندگی و شرح حال او در هیچ یک از منابع کهن نیامده؛ تنها کتبی در رجال خود، گزارش مختصری از وضعیت فکری و عقیدتی او ارائه کرده است. به گفتهٔ کتبی، وی از جمله کسانی بود که اعتقاد به الوهیت امام دهم شیعیان پیدا کرد و سپس خود را نبی و فرستادهٔ آن امام علیه السلام معرفی نمود. به دنبال این ادعا، امام هادی علیه السلام توقیمی صادر کرد که در آن وی و هم فکرائش مانند محمد بن نصیر نمیری فهری (م ۲۷۰ ق) و فارس بن حاتم قزوینی (م.ح ۲۵۸ ق) را مورد لعن قرار داد.

از معاصران و هم فکران دیگر او، محمد بن موسی شیرینی (م.ح ۲۶۱ ق) و قاسم شعرانی یقطینی هستند که مشترکاً نزد علی بن حسکه قمی و موسی سواق شاگردی نمودند. علی بن حسکه و موسی سواق افرادی دروغگو و آموزه‌های آن‌ها غالباً افراطی و غلوآمیز معرفی شده‌اند.

نفوذ تعلیمات غلوآمیز آن‌ها تا حدی بود که حتی برخی از علمای شیعه را نیز دچار تردید و تشکیک در مسئلهٔ «امامت» کرده بود و این موضوع نشان می‌دهد که آنان آن قدر توانایی علمی در خود سراغ داشتند که در ترویج این گونه افکار، حتی بر عالمان شیعی مانند محمد بن عیسی بن عبیدی (م ۲۶۰ ق) و سهیل بن محمد نفوذ پیدا کنند.

در عصر او، اگرچه تبلیغ و گسترش این افکار چندان به طول نینجامید، اما تأثیر آن بر جامعهٔ شیعی آن روز بسیار عمیق بود. بسیاری از مردم در امر امامت و نیابت نایبان امامان معصوم علیهم السلام دچار حیرت و سردرگمی شده بودند و یا نامه‌های متعدد به محضر امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام جوایب حقیقت

می‌شوند. در یکی از این نامه‌ها، که توسط عالم برجسته شیعی، محمد بن عیسی بن عیسی (م ۲۶۰ ق)، به امام هادی علیه السلام نوشته شده بود، آن امام در جواب فرمود: من از فهری و ابن بابا تبری می‌جویم. پس تو و همه کسانی که دوستدار ما اهل بیت علیهم السلام هستید نیز از آن دو براثت جویند که لعنت خدا بر آن دو باد. ای محمد! اگر بتوانی سرش (یعنی سر ابن بابا) را با سنگ متلاشی کنی، این کار را انجام بده که او مرا بسیار اذیت کرده و امیدوارم خداوند او را در دنیا و آخرت دچار اذیت گرداند.

همچنین در نامه‌ای دیگر، که توسط سهیل بن محمد ترتیب یافته بود، به امام هادی علیه السلام عرضه شد: مسئله ابن بابا بر ما و بسیاری از دوست‌داران اهل بیت علیهم السلام مشتبه شده، دستور شما در این باره چیست؟ امام علیه السلام در جواب فرمود: او و فارس بن حاتم ملعون هستند، از آنان فاصله بگیرید.

به هر حال، افکار و عقایدی که وی در صدد ترویج و گسترش آن‌ها بود چندان به طول نینجامیدند و با اینکه جامعه شیعی در اثر تبلیغاتی از این دست، به بیش از چهارده فرقه منشعب شده بود، اما به زودی موضوع امامت امام حسن عسکری علیه السلام و همچنین فرزندش امام عصر (عج) بر همگان معلوم گشت و بدین وسیله، مردم شیعه توانستند نفسی آرام بکشند. در این زمینه، نمی‌توان نقش کسانی همچون فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) را در دفاع از حقانیت شیعه و رسوا نمودن افرادی مانند ابن بابا و بطلان عقاید غلوآمیز او نادیده گرفت.

وی با اینکه در زمان خود، از شهرتی تمام برخوردار بود، به دلیل اینکه در جامعه آن روز فردی مطرود و ملعون معرفی شده بود، کسی از شاگردان و مریدانش در منابع معرفی نشده است؛ چنان‌که در منابع حدیثی نیز اکنون روایتی از او به چشم نمی‌خورد تا بدین وسیله، بتوان برخی از شاگردان او را شناسایی نمود. همچنین از آثار و تألیفات او چیزی در منابع گزارش نشده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۵، ش ۱۰۰۴-۹۹۹ / التحریر الطاروسی، ص ۱۳۵،
ش ۱۰۰ / خلاصة الاقوال، ص ۳۳۴، ش ۶ / رجال ابن داود، ص ۲۳۹، ش ۱۳۳ / رجال
الطوسی، ص ۳۸۶، ش ۱۵۶۸۲ ص ۳۹۹، ش ۵۸۴۵.

حسن بن محمد بن سماعه (؟ - ۲۶۳ ق)

ابومحمد کندی کوفی صیرفی حضرمی، از فقهای بزرگ و از رهبران مذهب
«واقفیه»، ولادتش معلوم نیست، ولی در تاریخ پنجم جمادی الاولی شب پنجشنبه
سال ۲۶۳ هـ در کوفه وفات کرد و پس از اینکه ابراهیم بن محمد علوی بر او نماز
گزارد، در محله «جعفی» پشت کوفه به خاک سپرده شد. کنیه او «ابومحمد» و یا به
گفته شیخ طوسی «ابوعلی» بود. نجاشی با هر دو کنیه از او یاد می‌کند. وی از
اصحاب امام کاظم علیه السلام بود و علاوه بر روایت، دارای مقام فتوا و رأی بود و از
فقهای بزرگ مذهب «واقفیه» به شمار می‌آید. («واقفیه» کسانی‌اند که اعتقاد به
زنده بودن امام هفتم شیعیان دارند و او را «مهدی موعود» می‌پندارند).

حیات علمی او در میان خانواده‌اش در کوفه آغاز شد؛ زیرا دانشمندان
سرشناسی از خانواده او ظهور کرده‌اند. جد او، معلی بن موسی کندی، فردی
راستگو در نقل حدیث و از اعیان بود. برادر او ابراهیم بن محمد بن سماعه از امام
صادق علیه السلام روایت می‌کرد. همچنین برادر دیگرش به نام جعفر بن محمد بن
سماعه نیز از راویان معتبر به شمار می‌آمده و به گفته بعضی، وثاقت جعفر از
برادران دیگرش بیشتر بوده است. پدر او محمد فرزند سماعه بود که در تربیت
علمی او نقش بسزایی داشت.

شرایط خانوادگی او نشان می‌دهد که وی در یک محیط علمی و مذهبی
تربیت یافت و تحت تأثیر مذهب «واقفیه» بود. درباره تمصب او نسبت به این

مذهب، گفته شده است: با اینکه وی زمان امام هشتم تا امام یازدهم شیعیان را درک نموده، ولی هیچ حدیثی از آن‌ها نقل نکرده، و این به دلیل تعصب شدید او نسبت به امام هفتم شیعیان است. به نظر می‌رسد وی این تعصب شدید را از استاد خصوصی‌اش علی بن حسن طاطری جرمی (م ۲۶۰ ق) به ارث برده است. طاطری کسی بود که صرفاً اعتقادات مذهب «واقفیه» را به او تعلیم داد. از این رو، حسن بن سماعه هیچ روایتی در موضوع فقه، از این استادش نقل نکرده است. همچنین در گزارش معتبر از رجال نجاشی، که در آن اشاره به فضیلت امام یازدهم شیعیان شده، وی آن را انکار کرده و این حاکی از تعصب شدید او نسبت به امام هفتم است. با این همه، وی از دیدگاه کارشناسان علم رجال، فردی راستگوست و روایات او از اعتبار و ارزش زیادی برخوردارند. شیخ طوسی در فهرست خود، پس از اینکه وی را «هفت امامی» معرفی کرده، او را با اوصاف خوبی ستوده است.

استادان او بسیارند، به گونه‌ای که بعضی از محققان معاصر بیش از هفتاد نفر را ذکر کرده‌اند. وی از استادان خود احادیث فراوانی نقل کرده است. به همین دلیل، او را «کثیر الحدیث» لقب داده‌اند؛ چنان‌که که شیخ طوسی به تنهایی هشتصد حدیث او را نقل کرده است. از این تعداد استادان او، ۴۷ نفرشان از سوی نجاشی، شیخ طوسی و شیخ حرّ عاملی توثیق شده‌اند، ولی به وثاقت بقیه آن‌ها تصریح نشده است. از جمله استادان او، حسین بن ایوب، سلیمان بن صالح جصاص، علی بن شجره بن میمون، عمرو بن حرث، عمر بن ابان کلبی و محمد بن ابی عمیر هستند. در این میان، روایات او از محمد بن ابی عمیر از همه بیشتر است. از شاگردان او، که بیشترین روایت را از او نقل کرده‌اند، می‌توان حمید بن زیاد و محمد بن احمد بن ثابت را نام برد.

وی بالغ بر سی کتاب نوشته که از جمله آن‌ها اینند: کتاب الغیبه، کتاب وفاة

ابو عبدالله علیه السلام، کتاب القبله، کتاب الصلاة، کتاب الصیام و نیز کتاب های دیگری که در ابواب فقهی می باشند.

منابع

اصیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۵، ص ۲۵۳ / تاریخ آل زراره، ج ۲، ص ۷۲ / التحریر الطاوسی، ص ۱۲۵ / تهذیب المقال، ج ۲، ص ۴۶ و ۴۸ و ۵۱ و ۵۳ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۲۵ و ۲۹۷ / خلاصه الاقوال، ص ۲۷۵ و ۳۳۳ و ۳۶۳ / رجال ابن داود، ص ۲۳۹ / رجال الطوسی، ص ۳۳۵، ش ۲۹۹۴ / رجال النجاشی، ص ۴۰ و ۴۱، ش ۸۴ / طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۷۶ / طوسی، الفهرست، ص ۱۰۳، ش ۱۹۳ / کلیات فی علم الرجال، ص ۳۹۸ / مشایخ الثقات، ص ۱۹۰ به بعد / معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۹ / نقد الرجال، ج ۲، ص ۶۱ و ۶۲ و ۸۰ و ۳۶۴ و ۳۸۸؛ ج ۳، ص ۱۶۱ و ۲۰۸ و ۲۱۹ و ۲۴۴ و ۲۴۷ و ۲۷۱ و ۳۲۹ و ۳۴۶ و ۳۸۶؛ ج ۴، ص ۲۴ و ۱۰۵ و ۴۰۳ و ۴۲۱ و ۴۲۷؛ ج ۵، ص ۲۴۱.

حسن بن موسی خشاب کوفی (ح ۱۸۵ - ح ۲۶۰ ق)

ابومحمد، فقیه، متکلم و محدث و الامام شیعی بود. وی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) زنده بوده و از اصحاب سرشناس آن امام به شمار می آمد. بنابراین، ممکن است وفات او در همین دوره (ح ۲۶۰ ه) اتفاق افتاده باشد. درباره تاریخ تولد او آگاهی درستی نداریم، اما با توجه به اینکه تعدادی از استادانش در عصر امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) می زیسته اند، گمان می رود وی در زمان آن امام علیه السلام، دوران جوانی یا نوجوانی خود را سپری می کرده است. بنابراین، می توان حدس زد که تولدش تقریباً در اواخر سده دوم (ح ۱۸۵ ه) اتفاق افتاده باشد. وی ظاهراً در کوفه تولد یافته و در همان جا زندگی را به سر آورده است. از سوابق علمی او، چنین برمی آید که وی بیشتر دوران

علمی خود را در کوفہ گذرانده است، اما با توجه به شاگردان قمی او، می‌توان احتمال داد که وی مسافرت‌هایی به قم داشته و بخشی از حیات تحصیلی خویش را در این شهر سپری کرده است.

در اینکه وی در کنار تحصیل، چگونه هزینه زندگی را تأمین می‌کرده، اطلاع روشنی در دست نیست، اما از لقب «خُثَّاب» استفاده می‌شود که وی ظاهراً در تجارت چوب دست داشته است و چنین می‌نماید که تجارت چوب صرفاً برای امرار معاش صورت می‌گرفته و انگیزه اصلی او کسب دانش بوده و موفقیت‌هایی که در امر تحصیل نصیب او شده در اثر همت بلندش بوده است؛ چندان‌که صاحب‌نظران وی را «کثیر العلم» لقب داده‌اند.

وی در دوران تحصیل، با محمد بن عیسی بن عمید (م ۲۶۰ ق) معاصر بود و مشترکاً در مجلس درس علی بن مهزیار اهوازی (م.ح ۲۵۵ ق) شرکت داشتند. همچنین از دیگر معاصران او ایوب بن نوح بن دراج (م.ح ۲۵۵ ق) و حسن بن عبداللّه بن مغیره هستند که در کوفه از عباس بن عامر حدیث شنیده‌اند. اکنون در منابع شیعه، احادیث فراوانی از او بر جای مانده که تماماً مورد استناد صاحب‌نظران قرار می‌گیرند.

وی استادان بسیاری دید که ذکر همه آنها در این مجال نمی‌گنجد، اما معروف‌ترین آنها ابوالحسن علی بن اسباط کوفی (م.ب ۲۲۰ ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق)، جعفر بن محمد بن حکیم، احمد بن حسن بن اسماعیل واقفی و ابومحمد حکم بن مسکین کوفی هستند. برخی شواهد نشان می‌دهند که وی با سرشناس‌ترین استادش یعنی علی بن اسباط میانه خوبی نداشت و کتابی در رد او نوشت. وی همچنین نزد بعضی از استادان سنی نیز حدیث شنید که از میان آنها می‌توان غیث بن کلوب بن فیہس کوفی را نام برد.

وی پس از شاگردی نزد استادان یاد شده، با اندوخته‌های حدیثی‌اش در فقه و کلام، به مقام استادی نایل آمد و بنا به گفته نجاشی در ردیف استادانی قرار گرفت

که به سبب دانش فراوانش، شهرت بسزایی یافت. وی در کوفه مجلس درسی ترتیب داد و در حلقهٔ درس او، شاگردان ممتازی همچون محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق)، سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری (م ۳۰۱ ق)، حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق)، ابراهیم بن نصیر کُشی (م.ح ۳۳۵ ق)، حمدویه بن نصیر کُشی (م.ح ۳۳۵ ق) و بسیاری دیگر شرکت داشتند.

وی همچنین دارای تألیفاتی بود که به گفتهٔ نجاشی کتاب‌های الزهد علی الواقفه، النوادر، کتاب الصحیح و کتاب الانبیاء از جمله آثار اویند. اما شیخ طوسی در فهرست خود، بدون اینکه نامی از کتاب‌های او ببرد، تنها گفته است که وی دارای اثر تألیفی بوده است.

منابع

خلاصه الاقوال، ص ۱۰۴، ش ۱۹ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۳۵۵؛ ج ۶، ص ۲۵۰؛ ج ۱۰، ص ۲۳۴؛ ج ۲۴، ص ۳۲۸ / رجال ابن داود، ص ۱۷۸، ش ۴۶۵ / رجال الطوسی، ص ۳۹۸ و ۴۲۰، ش ۵۸۴۰ و ۶۰۶۸ / رجال النجاشی، ص ۴۲، ش ۸۵؛ ص ۷۴، ش ۱۷۹ / طوسی، الفهرست، ص ۹۹، ش ۱۷۱ / لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۵۸، ش ۱۰۷۴ / معالم العلماء، ص ۷۰، ش ۱۹۱.

حسن بن نصر ابرش (؟- ح ۲۶۰ ق)

حسن، محدث شیعی، به «برهون ابرش» معروف بود. «ابرش» از ریشهٔ «برش» به خال‌های کوچکی گفته می‌شود که رنگ آن با قسمت‌های دیگر تفاوت دارد و احتمالاً لقب «ابرش» از این رو به وی داده شد که خال‌های ریزی در صورت خود داشت. در برخی از نوشته‌ها، نام او حسین بن نصر ذکر شده است، اما دربارهٔ صحت آن نمی‌توان سخنی گفت. وی در زمان امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) می‌زیست و وفات او در عصر آن امام علیه السلام یا اندکی پس از آن اتفاق افتاد.

تحصیلات او در عراق، به ویژه کوفه و سامراء به انجام رسید، اما جزئیات زندگی تحصیلی و میزان آگاهی‌های حدیثی و فقهی او بر ما پوشیده‌اند.

در منابع، اطلاعات ناچیزی از او یافت می‌شوند که عمدتاً مربوط به گزارشی هستند که نخستین بار کتبی در رجال خود آورده و دلالت بر مذمت وی از سوی امام حسن عسکری علیه السلام دارد. به گفته کتبی، وی در تشییع پیکر پاک امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) در سامراء، چشمش به امام حسن عسکری علیه السلام افتاد که یقه‌های پیراهن آن حضرت باز بود. از این رو، پس از اتمام مراسم، طی نامه‌ای انتقادآمیز به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که چرا این‌گونه در تشییع جنازه پدرش حاضر شده، در حالی که هیچ‌یک از اسامان پیشین پیراهن خود را نمی‌گشودند. امام علیه السلام در جواب او، ضمن اینکه وی را کودن و کم‌خرد خطاب کرد، فرمود: «ما یدریک ما هذا؟ قد شقَّ موسى علی هارون.» (تو چه می‌دانی این‌گونه مصیبت‌ها چقدر سنگین هستند؟ موسی در فقدان هارون پیراهنش را چاک زد) کتبی همچنین در گزارشی مشابه آورده است که امام حسن عسکری علیه السلام در انتهای نامه به او نوشت: وی از جمله کسانی است که کافر و دیوانه از دنیا خواهد رفت. در همین گزارش آمده است که فرزندش در اواخر عمر او، وی را به خاطر اینکه عقلش را از دست داده و وسوسه بیش از حد پیدا کرده بود، در خانه حبس نموده بود و مردم را از دیدار با او منع می‌کرد.

از استادان و شاگردان او کسی قابل شناسایی نیست، اما در یک مورد دیده شده که علی بن حسن بن فضال کوفی (م ۲۹۰ ق) از او نقل حدیث کرده است. وی دارای اثر تألیفی نبود. گفتنی است وی غیر از حسن بن نصر ابرش ارمنی تفلیسی می‌باشد که از امام رضا علیه السلام روایت دارد و به قولی امام دوازدهم علیه السلام را دیده است، گرچه برخی از صاحب‌نظران متأخر مانند عنایت‌الله قهبایی معتقد به اتحاد این دو شخصیت هستند.

منابع

اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ج ۲، ص ۸۴۲، ش ۱۰۸۴ و ۱۰۸۵ / جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۰۸ / رجال الطوسی، ص ۳۹۸، ش ۵۸۴۴ / طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۳۳، ش ۱۴۵۰ و ۱۴۵۱ / معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۱۶۱، ش ۳۱۷۹ و ۳۱۸۰.

حسین بن احمد بن محمد بن زکریا (۹-۲۹۸ ق)

ابو عبدالله شعی، داعی اسماعیلی و پایه گذار خلافت «فاطمیان» در شمال آفریقا، در اواسط سده سوم هجری در کوفه زاده شد. وفات او در نیمه جمادی الثانی سال ۲۹۸ ه به دست خلیفه فاطمی عبیدالله مهدی در «رقاده» (شمال آفریقا) اتفاق افتاد. درباره اصالت خانوادگی او، اگرچه بین مورخان اختلاف شدیدی وجود دارد، اما به گفته قاضی نعمان مصری (م ۳۶۳ ق)، وی اصالتاً از مردم کوفه بود و در همسایگی ابوعلی داعی، که بعدها از داعیان مصر شد، زندگی می کرد. دوران کودکی او در آنجا سپری شد، سپس مدتی در بصره به شغل حسابگری اشتغال داشت و به عنوان «محتسب» شهرت یافت. پس از آن با برادرش ابوالعباس به جنبش «اسماعیلیه» پیوست و از سوی پدر عبیدالله مهدی، نخستین خلیفه فاطمی مصر، به یمن نزد ابن حوشب، از دعوات معروف اسماعیلیه، فرستاده شد. وی یک سال در کنار ابن حوشب تعلیم دید و از رموز دعوت اسماعیلیان آگاه گشت. در ۲۷۹ ه از سوی ابن حوشب به منطقه «کتامه» و قبایل «بربر» واقع در شمال آفریقا مأموریت یافت و توانست در این مأموریت، موفقیت های زیادی کسب کند که شرح آن در کتاب های تاریخی مسطور است. وی پس از تصرف شهرهای بسیار، که در اختیار «اغالبه» بودند، در نهایت توانست شهر «رقاده» را، که مرکز خلافت ابراهیم بن احمد اهللی بود، تسخیر کند و به حکومت اغالبه در شمال آفریقا خاتمه دهد.

درباره تحصیلات او، باید گفت که وی ابتدا در سازمان دعوت اسماعیلی، که در آن برای داعیان، آموزش‌هایی پیش‌بینی شده بود، دوره دید. گفته می‌شود که دانش او بیشتر در زمینه علوم باطن و رموز تأویل بود و در علوم ظاهری، که در حوزه‌های آن زمان رایج بودند، مهارتی نداشت. وی مردی پارسا، جوانمرد و دارای اخلاقی پسندیده بود. برخی منابع آورده‌اند که وی صوفی بود و مذهب تشیع داشت. در منابع دیگر، گزارش‌هایی وجود دارند که امامی بودن او را تأیید می‌کنند.

وی به لقب «معلم» مشهور بود و ابن خلدون دلیل این شهرت را آن می‌داند که وی به تعلیم مذهب امامی اشتغال داشت. قاضی عبدالجبار در کتاب تثبیت دلائل النبوه نیز پس از آنکه وی را شیعه اثناعشری خوانده، گفته است: ابو عبدالله در زمره آن دسته از شیعیان اثناعشری است که پس از غیبت امام دوازدهم علیه السلام، اعتقادشان به سستی گرایید و به دیگر فرق شیعی از جمله اسماعیلیه پیوستند. درباره استادان و شاگردان علمی او غیر از ابن حوشب، که نقش استادی وی را داشت، گزارش دیگری در منابع وجود ندارد. وی هیچ کتاب و اثر تألیفی از خود بر جای نگذاشته است.

منابع

افتتاح الدعوة، ص ۲۰ به بعد / تثبیت دلائل النبوه، ج ۱، ص ۳۸۹ و ۳۹۱ و ۵۹۷ و ۵۹۹ / دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵، ص ۶۸۵ / معجم البلدان، ج ۳، ص ۴۴۵۱ ج ۴، ص ۴۱.

حسین بن اشکیب مروزی (ح ۲۱۰ - ح ۲۸۵ ق)

ابو عبدالله، فقیه، متکلم و محدث خوش‌نام و مورد اعتماد شیعی، از اصحاب امام هادی و عسکری علیه السلام بود. وی در عصر امام جواد علیه السلام (امامت: ۲۰۳-۲۲۰ ق) دوران کودکی خود را سپری می‌کرد. به همین دلیل، نام او در شمار اصحاب آن

امام ذکر نشده است. بنابراین، وی در اوایل سده سوم دیده به جهان گشود و آن‌گونه که از لقب «مروزی» برمی‌آید، محل تولد او مرو بوده است. وفات او در دهه‌های پایانی این سده (ح ۲۸۵ هـ) در سمرقند اتفاق افتاد.

او تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به انجام رساند و سپس از آنجا به عراق آمد و در کوفه حدیث بسیار شنید. *علی بن حسن بن علی بن فضال کوفی* (۲۹۰ ق) از معاصران او بود؛ همچنین از هم‌وطنان معاصر او، *آدم بن محمد قلانسی بلخی* (م. ق. ۳۲۹ ق)، *جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی* (م. ح. ۲۹۹ ق) و *جبرئیل بن احمد فاریابی* (م. ح. ۲۹۵ ق) بودند که همگی در کوفه به تحصیل اشتغال داشتند.

وی ظاهراً مدت زیادی در عراق نماند و پس از کسب مدارج عالی فقه و حدیث، به دیار خود بازگشت و آن‌گونه که از نوشته‌های صاحب‌نظران متقدم برمی‌آید، وی بیشتر در سمرقند و «کش» اقامت داشت. برخی از گزارش‌ها نیز حاکی از آنند که وی پیش از ۲۶۴ هـ در بلخ اقامت داشت و در آنجا با ابوسعید غانم بن سعید هندی (م. اواخر سده ۳ ق)، که در پی یافتن دین اسلام از کشمیر به بلخ آمده بود، مناظراتی داشت و سرانجام، او را به دین مبین اسلام هدایت نمود. همچنین به گفته *ابومرو کتبی* (م. ح. ۳۶۳ ق)، وی مدت زیادی در قم اقامت داشت؛ چنان‌که او را «قمی» و «خادم القبر» لقب داده‌اند، اما معلوم نیست منظور از «قبر»، مزار و بارگاه چه کسی است؟

از شاگردان بلندآوازه او، *محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی* (م. ح. ۳۲۸ ق) بود که حدیث بسیار از او شنیده و در شناسایی شخصیت او به آیندگان، نقش مؤثر داشته است. از جمله استادان او، *عبدالرحمان بن حماد*، *حسین بن یزید نوفلی*، *حسن بن حسین مروزی*، *محسن بن احمد* و *موسی بن قاسم بجلی* بوده‌اند. از تألیفات او، دو کتاب *الردّ علی من زعم انّ التّیّیّ کان علی دین قومه و الردّ علی*

الزیدیه معرفی شده‌اند. این دو کتاب نشان از آن دارند که وی در برابر تفکرات انحرافی عصر خود، موضع می‌گرفت و از اعتقادات شیعه اثناعشری دفاع می‌کرد.

منابع

الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۰۰، ش ۵۲۰ / رجال ابن داود، ص ۷۹، ش ۴۷۳ / رجال الطوسی، ص ۳۸۶، ش ۵۶۷۹؛ ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۶؛ ص ۴۲۰، ش ۶۰۷۲ / رجال النجاشی، ص ۴۴، ش ۸۸ / الکافی، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳ / کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱۲، ص ۴۳۷، ب ۴۳، ح ۶ / مدینه‌المعاجز، ج ۸، ص ۷۳ / معجم احادیث المهدی، ج ۴، ص ۳۹۷ و ۳۹۸.

حسین بن حسن بن ابان قمی (؟ - ح ۲۸۵ ق)

حسین بن حسن کنیه‌اش در منابع ذکر نشده و از تاریخ تولد و وفاتش اطلاعی در دست نیست. وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) بود و این اندازه روشن است که وی تا سال ۲۵۷ هـ زنده بود؛ زیرا حسین بن سعید اهوازی در تاریخ مذکور، هنگامی که در منزل حسن بن ابان (پدر صاحب شرح حال) در بستر مرگ قرار داشت، در مورد کتابش به وی سفارش کرد. این موضوع نشان می‌دهد که وی تا این تاریخ حیات داشته است.

از سوی دیگر، وی در روزگار صفار قمی (م ۲۹۰ ق) و سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق) نیز حیات داشت و یا یکدیگر هم‌بحث بودند و رابطه فامیلی داشتند، اما وی اندکی از آنان متقدم‌تر بوده است؛ زیرا وی از حسین بن سعید اهوازی (م ۲۵۷ ق) حدیث نقل کرده، ولی آن دو از حسین اهوازی روایتی نقل نکرده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که وی تا دهه‌های پایانی سده سوم (ح ۲۸۵ هـ) زنده بوده و احتمالاً در قم زندگی را به سر آورده است.

وی در قم دیده به جهان گشود و در همان‌جا پرورش یافت. پدرش از عالمان

سرشناس و مورد احترام اهالی قم به شمار می‌رفت؛ چنان‌که اقامت حسین بن سعید اهوازی به همراه برادرش حسن بن سعید اهوازی در منزل پدرش، گواه این مطلب است. وی نزد پدرش علوم مقدّماتی را فراگرفت و سپس به علم حدیث روی آورد و نزد استادان چندی در قم شاگردی نمود. اکنون بیشترین روایات بر جای مانده از او، که به ۲۲۶ حدیث می‌رسند، احادیثی هستند که وی از حسین بن سعید اهوازی (م ۲۵۷ ق) شنیده، اما در برخی از موارد، از محمد بن اورمه قمی نیز حدیث نقل کرده است. صاحب‌نظران دربارهٔ درستی احادیث او اتفاق نظر ندارند، اما بیشتر آنان شنیده‌های او را قابل استناد می‌دانند.

از شاگردان او سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق)، محمد بن یحیی عطار قمی (استاد کلینی) و محمد بن حسن بن ولید قمی (م ۳۴۳ ق) را می‌شناسیم که هر یک از این‌ها در قم آوازه بلندی داشت و در شکوفایی علم حدیث نقش بسزایی ایفا کرد. ظاهراً با اینکه وی استماع‌های زیادی نزد استادان خود داشته، اما احادیث او در کتابی گردآوری نشده‌اند. از این‌رو، می‌توان حدس زد که وی دارای اثر تألیفی نبوده است. به همین دلیل، نجاشی و طوسی شرح حال او را در فهرست خود ذکر نکرده‌اند.

منابع

تفیح المقال (حجری)، ج ۱، ص ۲۶۵ / رجال ابن داود، ص ۸۰، ش ۴۷۶ / رجال الطوسی، ص ۳۹۸، ش ۵۸۴۳؛ ص ۴۲۴، ش ۶۱۰۹ / معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۲۳۱، ش ۳۳۵۰.

حسین بن سعید بن حماد بن سعید بن مهران اهوازی کوفی (۱۸۰-؟ ۲۵۷ ق) ابرمحمد، محدث و مفسر شیعی، از اصحاب سه امام شیعیان (رضا، جواد و هادی علیهم‌السلام) بود. از ولادت و وفات او آگاهی نداریم، اما چون از امام رضا علیه‌السلام

(شهادت: ۲۰۳ ق) روایت دارد، طبعاً باید در آن هنگام، از سن کافی (حدود ۲۰ سال) برخوردار بوده باشد. بنابراین، می‌توان ولادت او را ۱۸۰ هـ تعیین کرد. همچنین وی اندکی پس از وفات حضرت هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) حیات داشته است. بنابراین، وفات او را می‌توان حدود ۲۵۷ هـ در نظر گرفت که در قم اتفاق افتاده است.

وی اصالتاً اهل کوفه بود و دوران تحصیل او در همان‌جا سپری شد. سپس وی همراه برادر بزرگ‌ترش حسن به اهواز آمد و پس از مدتی اقامت در آنجا، روانه قم شد و در منزل حسن بن ابان اقامت گزید و در همان‌جا وفات نمود. زندگی و چگونگی تحصیل او نشان می‌دهند که وی در یک خانواده علمی و مذهبی تربیت یافت. جدّ اعلای او از خادمان امام سجّاد علیه السلام بود. برادر بزرگ‌ترش، حسن بن سعید اهوازی، از روایان معتبر شیعه و کسی بود که علی بن مهزیار و اسحاق بن ابراهیم حصینی را به محضر امام رضا علیه السلام معرفی کرد. این دو برادر نزد استادان مشترکی درس خواندند و در بیشتر موارد، گزارش‌های آنان به صورت مشترک از استادانشان نقل می‌شود. اما در برخی موارد، حسین از حسن روایت دارد و این نشان می‌دهد که حسن از او بزرگ‌تر بوده است.

فرزند او، احمد بن حسین بن سعید، ملقب به «دندان» از روایان پرکار و صاحب کتاب الاحتجاج است. دایی او، جعفر بن یحیی بن سعد احول، از یاران امام نهم شیعیان بود. شرایط خانوادگی او نشان می‌دهد که وی در یک محیط علمی و فرهنگی نشو و نما پیدا کرد. بیشتر احادیث او به طور مستقیم از امامان عصر او نقل شده‌اند، ولی گاهی از نصر بن سويد و حماد بن عیسی (م ۲۰۸ ق) نیز روایت کرده است.

وی شاگردان چندی تربیت کرد که از جمله آن‌ها اینند: محمد بن جعفر بن بقره قمی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، احمد بن محمد بن خالد برقی، حسین بن حسن بن ابان، احمد بن محمد بن حسین بن سکن قرشی بردعی و ابوالعبّاس احمد بن محمد دینوری.

به گفته نجاشی، کتاب‌هایی که این دو برادر تألیف کرده‌اند همگی قابل اعتماد و مورد عمل هستند. وی به کمک برادرش حسن، در تصنیف سی کتاب مشارکت داشتند. برخی از آثار آنها عبارتند از: کتاب الوضوء، صلاة و سایر ابواب فقه، کتاب البشارات، کتاب الزهد، کتاب التقیه، کتاب المناقب، کتاب المثالب، کتاب التفسیر، کتاب المؤمن، کتاب الملاحم، کتاب المزار، کتاب الدعاء و الرد علی الغالبه.

منابع

اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۶، ص ۲۷ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۴۱ / خلاصة الاقوال، ص ۱۱۴ / رجال الطوسی، ص ۳۵۵، ش ۵۲۵۷ / رجال النجاشی، ص ۵۸، ش ۱۳۶ و ۱۳۷ / طوسی، الفهرست، ص ۱۰۴، ش ۱۹۷، ص ۱۱۲، ش ۲۳۰ / معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۲۶۵، ش ۳۴۲۴.

حسین (حسن) بن سکن اسدی کوفی قرشی (۹ - ۲۵۸ ق)

این سکن فقیه و محدث شیعی بود که از ولادتش اطلاعی نداریم، اما وفات او بنا به گفته خطیب بغدادی، در سال ۲۵۸ هـ روی داد و احتمالاً در بغداد به خاک سپرده شد. با این حال، معلوم نیست چرا آقا بزرگ طهرانی او را از محدثان سده چهارم قرار داده است. وی تحصیلات خود را در بصره آغاز کرد و مدتی در کوفه به سر برد و سرانجام هازم بغداد شد و در آنجا اقامت دائم گزید.

از معاصران او، علی بن احمد بن حکم تمیمی، جعفر بن محمد بن مالک فزاری (م. ۳۰۰ ق) و علی بن احمد بن حسین عجلی بودند که بخشی از حیات علمی خود را در کوفه سپری کردند و نزد حسین بن سعید اهوازی استماعاتی داشتند. وی همچنین نزد عبّاد بن یعقوب رواجنی (م. ۲۵۰ ق) نیز احادیث فراوانی شنیده که احتمالاً این استماعات در بصره انجام شده‌اند. وی در بغداد به حد کمال رسید

و در آنجا حلقهٔ درسی تشکیل داد که در میان شاگردان او، تنها احمد بن محمد طبری (م.ج ۲۷۵ ق) را می‌شناسیم که اصالتاً اهل آمل بود، ولی در بغداد منزل داشت و در آنجا فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل می‌کرد. از تألیفات او چیزی در منابع نقل نشده است.

منابع

تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۵۰، ش ۴۱۰۹ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۸۷ / نعمانی، الغیبه، ص ۳۹ / الیقین، ص ۳۱۶.

حسین بن یزید بن محمد بن عبدالملک نخعی نوفلی (ح ۱۸۳ - ح ۲۵۵ ق)

ابوعبدالله، ملقب به «نوفلی»، ادیب، شاعر و محدث شیعی، از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. بنابراین، زمان تولد او می‌بایست در دهه‌های آخر سدهٔ دوم (ح ۱۸۳ ق) اتفاق افتاده باشد. وفات او نیز به خوبی معلوم نیست. شیخ صدوق در باب ۱۷۸ از کتاب *علل الشرائع* روایت سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق) را به طور مستقیم از او نقل کرده است. همچنین شاگرد او، ابراهیم بن هاشم قمی (م ۲۷۵ ق)، از او روایت دارد. از این‌رو، با توجه به سوابق علمی‌اش، که حاکی از تقدم وفات او بر این دو شاگرد می‌باشند، می‌توان حدس زد که وی تقریباً در اواسط سدهٔ سوم (ح ۲۵۵ هـ) زندگی را به پایان برده و بنا به گفتهٔ نجاشی و طوسی، محل وفات او در «ری» بوده و در همان‌جا به خاک سپرده شده است. لقب «نوفلی» از آن‌رو به وی منسوب است که نسب نهایی او به نوفل بن عبدمناف، عموی جد رسول الله صلی الله علیه و آله، باز می‌گردد. لقب «نخعی» نیز اشاره به قبیله‌ای از «بنی نوفل» است که در کوفه نزول کردند و چون بزرگ آن‌ها «فتح بن عمرو» از این قبیله کناره گرفت، آن‌ها را «نخعی» (جدا شده) لقب داده‌اند. ابن داود لقب «منتطب» نیز به او

داده است. احتمالاً این لقب از آن‌رو به او داده شد که وی در کمک‌های اولیه پزشکی مهارت داشت.

اطلاعات ما دربارهٔ او محدود به گزارش‌های کوتاهی هستند که نجاشی دربارهٔ او ارائه داده. به گفتهٔ نجاشی، وی اهل کوفه و هم‌پیمان با «بنی نوفل» بود و در شعر و ادب تبخّر داشت و سپس ساکن ری شد و در آنجا وفات یافت. در ادامهٔ این گزارش آمده است: برخی از اهل قم گفته‌اند که وی در اواخر عمرش، دارای عقیده‌ای خلواًمیز شد و در حق امامان معصوم علیهم‌السلام روش افراط‌آمیز پیش گرفت. نجاشی پس از نقل گزارش مذکور، دربارهٔ خالی بودن او اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. وی در کوفه ادبیات و علوم اسلامی را فراگرفت و در آنجا در مجلس درس استادان عصر خود حضور یافت و ظاهراً پیش از آنکه به ری هزیمت کند، به آن حد از مقام علمی رسید که بتواند در کوفه شاگردانی را گرد خود جمع نماید. اکنون در جوامع روایی شیعه، احادیث زیادی از او بر جای مانده‌اند که بسیاری از آن‌ها از شاگردان کوفی او می‌باشند. وی برخی از این احادیث را به طور مستقیم از امام رضا علیه‌السلام نقل کرده است. دربارهٔ ارزش احادیث او، هرچند صاحب‌نظران سکوت اختیار نموده‌اند، اما محتوا و مضامین منقولات او، که بیشتر دربارهٔ مسائل فقهی، آداب، مستحبات و اخلاق می‌باشند، کاملاً مورد قبول به نظر می‌رسند و شاید به همین دلیل، ابن فضالری (م ۴۱۱ م)، که در طعن و تخریب شخصیت‌های حدیثی شهره است، دربارهٔ او سخنی نگفته. وی با اینکه «شاعر» و «ادیب» معرفی شده، اما دربارهٔ فعالیت‌های ادبی و شعری‌اش گزارشی نرسیده است.

از معاصران او، جهم بن حکیم مدائنی است که با هم نزد اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی (معروف به «شعیری»)، که دربارهٔ شیعه بودن او اختلاف است) به فراگیری فقه و حدیث اشتغال داشتند. از استادان او، غیر از اسماعیل بن ابی‌زیاد، کسانی همچون علی بن سالم، علی بن سیف، حریری، اسماعیل بن عبدالله بن

جعفر، یحیی بن عباد مکی و بسیاری دیگرند. از شاگردان او، احمد بن ابی عبداللّه برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، آیوب بن نوح بن درّاج (م. ح ۲۵۵ ق)، موسی بن عمران نخعی (برادرزاده او) و سهل بن زیاد آدمی (م. ب ۲۵۵ ق) هستند.

از تألیفات او، دو کتاب *التقیّه و السنّه* معرفی شده‌اند.

گفتنی است لقب «نوفلی» بین او و حسن بن محمد بن سهل نوفلی، که احادیث او در نگاه صاحب‌نظران بی‌اعتبار معرفی شده، مشترک است. بنابراین، باید بین این دو تفکیک قایل شد.

منابع

الانساب، ج ۵، ص ۴۷۳ ذیل «نخعی»؛ ص ۵۳۶، ذیل «نوفلی» / رجال ابن داود، ص ۸۲، ش ۵۰۰؛ ص ۲۴۱، ش ۱۵۶ / رجال الطوسی، ص ۳۵۵، ش ۵۲۴۵ / الرواشح السماویه، ص ۱۱۳۶ و ۱۱۴ / حلیل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳، ح ۱۰ / طوسی، الفهرست، ص ۱۱۴، ش ۲۳۴ / الکافی، ج ۴، ص ۲، ح ۱۰ ج ۸، ص ۳۰۸، ح ۴۸۰؛ ص ۳۴۹، ح ۵۴۸ / المحاسن، ج ۱، ص ۴۲، ح ۵۶؛ ص ۱۹۴، ح ۱۴؛ ص ۲۲۵، ح ۱۴؛ ص ۲۳۰، ح ۱۷۳.

حکیمه دختر امام جواد (ب ۲۰۳ - ۲۷۴ ق)

حکیمه، خواهر امام هادی علیه السلام و عمّه امام حسن عسکری علیه السلام، معروف به «جده»، زنی عالمه و از روایت برجسته شیعه بود که محضر چهار امام علیهم السلام را درک کرد. نام او با «حکیمه» (م. ب ۱۸۵ ق) دختر امام کاظم علیه السلام مشترک است. از این‌رو، نباید وی را با او اشتباه گرفت. ولادت او معلوم نیست، ولی چون محضر امام رضا علیه السلام را درک نکرده، تولّدش باید پس از سال ۲۰۳ هـ بوده باشد. وفات او نیز به درستی روشن نیست. امین عاملی از تاریخ وفات او اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و در کتب متقدّمان نیز اشاره‌ای به سال درگذشت او نشده است. در برخی از منابع، سال

وفات او ۲۷۴ هـ تعیین شده، اما آنچه مسلم است اینکه وی چند سال پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) حیات داشته؛ زیرا احمد بن ابراهیم در سال ۲۶۲ هـ از او روایت شنیده است.

قبر او در پایین پای امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء قرار دارد، اما امروزه اثری از قبه و بارگاه او به چشم نمی خورد. بدین روی، علامه مجلسی به دلیل جلالت شأن ابن بانو، از نبود بارگاه و زیارت نامه برای آن حضرت اظهار شگفتی می کند و علامه مامقانی نیز ضمن شگفتی از این مطلب، عدم ذکر نام او را به عنوان دختر امام جواد علیه السلام از سوی قدما (مانند شیخ مفید در الارشاد)، شگفت انگیزتر می داند. شاید علامه طبرسی (م ۵۴۸ ق) نخستین کسی باشد که نام او را در حداد دختران امام جواد علیه السلام ذکر کرده. (تاج الموالید، ص ۵۴)، ولی در اینکه وی دختر امام جواد علیه السلام است، تردیدی نیست؛ زیرا او در متن روایات بی شماری به عنوان حکیمه بنت محمد بن علی بن موسی علیه السلام معرفی شده است. وی پرورش یافته خاندان عصمت و طهارت بود. هنگامی که به سن رشد رسید، به عقد ازدواج ابوالحسن محدث بن علی مرعش، از احفاد حسین اصغر، فرزند امام زین العابدین علیه السلام درآمد و از وی دارای دو فرزند به نام های شریف ابوهبدالله الحسین و حمزه گردید. وی در محضر ائمه هدی علیهم السلام کسب فیض نمود و احادیث او در کتب معتبر امامیه از جمله «کتب اربعه» نقل شده اند. به دلیل آنکه وی کفالت مادر امام عصر (عج) را بر عهده داشت و او را با آموزه های اسلام آشنا نمود و در شب ولادت حضرت مهدی علیه السلام نزد نرجس نیز حاضر بود، اخبارش در جوامع روایی شیعیه بیشتر اختصاص به همین موضوع دارند. وی پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق)، واسطه بین مردم و امام عصر (عج) بود و نقش سفیر آن حضرت را داشت.

از کسانی که از ابن بانو روایت دارند احمد بن ابراهیم (م. ب. ۲۶۲ ق)، موسی

بن محمد بن قاسم، محمد بن عثمان بن سعید عمری (م ۳۰۵ ق)، محمد بن عبدالله مطهری / طهری، بشر بن سلیمان نخّاس، ابونصر همدانی و ابوحامد مراغی هستند. (گفتنی است احتمالاً ابوحامد مراغی و احمد بن ابراهیم متحد یک شخصیت هستند.) از ایشان هیچ اثر تألیفی به ثبت نرسیده است.

منابع

اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۰۶ و ۲۱۴ / اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۶، ص ۲۱۷، ش ۶۹۶ / بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۷۹ / تنقیح المقال (حجری)، فضل النساء، ج ۳، ص ۷۶ / جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۵۷ / الفوائد الرجالیه، ج ۲، ص ۳۱۵ / دائرة المعارف تشیع، ج ۶، ص ۴۸۱ / دلائل الامامه، ص ۲۹۶، ش ۴۸۹ به بعد / روضة الواعظین، ص ۲۵۲ به بعد / ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۱۵۰ به بعد / کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۱۴۳ به بعد، ب ۴۲ و ۴۳ و ۴۵، ح ۲۸ و موارد دیگر / المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۳۲ / معجم رجال الحدیث، ج ۲۴، ص ۲۱۵، ش ۱۵۶۶۲ / طوسی، الفیبه، ص ۲۱۴ / الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱.

حمدان بن سلیمان فیشابوری (ح ۱۸۰ - ح ۲۶۰ ق)

ابوسعید / ابوالخیر، معروف به «ناجر»، فقیه و محدث مورد اعتماد شیعی بود. وی عصر امام رضا علیه السلام را درک کرد و به طور مستقیم از آن حضرت روایت دارد. بنابراین، تولّدش می‌بایست در دهه‌های آخر سده دوم (ح ۱۸۰ هـ) روی داده باشد. وفات او نیز با توجه به اینکه وی از اصحاب امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) و مسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) بود، احتمالاً در آغاز عصر غیبت (۲۶۰-۳۲۹ ق) اتفاق افتاده است. از روایات او درباره مهدویت و همچنین از دوره‌ای که استادان و شاگردان او می‌زیسته‌اند نیز استفاده می‌شود که وی تا حدود ۲۶۰ هـ زنده بوده است.

وی در نیشابور پرورش یافت و احتمالاً در همین شهر دیده به جهان گشود. لقب «تاجر» اشاره به موقعیت او در بازار آن روز دارد که احتمالاً در آن زمان، تجارت‌های کلانی انجام می‌داده است. وی علوم مقدّماتی را در نیشابور نزد ابوصلت عبدالسلام بن صالح هروی شیمی (م ۲۳۶ ق) فراگرفت و به فنون ضبط حدیث آشنا گشت. احتمالاً هنگامی که امام رضا علیه السلام در تاریخ ۲۰۰ هـ عازم مرو بود، وی به آن اندازه از مرتبه علمی رسیده بود که توانایی استماع حدیث را از آن امام داشته باشد. از این رو، روایاتی که وی به طور مستقیم از آن امام شنیده، زمانی بوده که امام علیه السلام در مسیر مرو، در نیشابور توقف نموده بود.

وی پس از تحصیلات مقدّماتی، آن‌گونه که از استادان کوفی او برمی‌آید، مسافرت‌هایی به کوفه داشت و در آنجا نزد بزرگانی همچون ابوبن نوح بن دزّاج نخعی (وکیل امام هادی و عسکری علیه السلام) و حسن بن علی بن فضال کوفی (م ۲۲۴ ق) به فراگیری فقه و حدیث اشتغال یافت. وی همچنین نزد استادان دیگری مانند محمد بن اسماعیل بن بزّیع، ابراهیم بن محمد همدانی (وکیل امام رضا علیه السلام)، صقر بن ابی دلف (از اصحاب امام جواد علیه السلام)، نوح بن شعیب، عبدالله بن محمد یمانی (م ۲۳۶ ق)، حسن بن علی بن ولید و احمد بن عبدالله بن جعفر مدائنی همدانی حدیث فراگرفت.

او در مدت اقامتش در عراق، با امامان هادی و عسکری علیه السلام نیز دیدار داشت و بر پایه گزارش شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق)، از سوی آن دو امام درباره ولایت اهل بیت علیهم السلام و پیامدهای انکار آن، سفارش‌هایی به او شدند. سوابق علمی او نشان می‌دهند که وی از کوفه به نیشابور بازگشت و در راه بازگشت، وارد قم شد و برخی از محدثان قم همچون محمد بن یحیی عطّار قمی (استاد کلینی)، علی بن محمد بن سعد اشعری (استاد کلینی) و احمد بن ادریس قمی (م ۳۰۶ ق) از او حدیث شنیدند و او خود نیز در آنجا از سعد بن سعد احوص اشعری (از اصحاب امام رضا علیه السلام) روایاتی شنید.

در میان شاگردان نیشابوری او، افرادی همچون علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری (م.ج ۲۹۵ ق) و عبدالله بن تمیم قرشی حبری به چشم می‌خورند که احتمالاً شاگردی این‌ها نزد او مربوط به اواخر عمرش، زمانی که در نیشابور استقرار یافت، می‌باشد. از معاصران صاحب‌نام او، صمرکی بن علی بوفکی نیشابوری است که مشترکاً از محمد بن عیسی (شاگرد یونس بن عبدالرحمان م ۲۰۸ ق)) احادیثی شنیده‌اند. روایات و گزارش‌هایی که از او در جوامع حدیثی وجود دارند از اعتبار بالایی برخوردارند و همه صاحب‌نظران بر درستی و استواری شخصیت او تصریح دارند. از آثار تألیفی او نامی برده نشده، اما نجاشی و طوسی به نقل از محمد بن یحیی عطار تصریح دارند که وی دارای کتابی بوده است.

منابع

الإمامة والتبصرة، ص ۱۳۹، ح ۱۶۰ / بصائر الدرجات، ص ۹۹، ح ۴۱۰، ص ۴۳۱، ح ۵ / التوحید، ص ۲۴۲، ح ۴ / رجال الطوسی، ص ۳۵۶، ش ۵۲۷۰، ص ۳۸۶، ش ۵۶۸۵ / ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۹، ص ۴۲۶، ش ۶۱۲۳ / رجال کشی، ج ۱، ص ۱۳۸، ش ۵۹ / رجال النجاشی، ص ۱۳۸، ش ۳۵۷ / عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۲۷ / طوسی، الفهرست، ص ۱۱۸، ش ۲۵۰ / الکافی، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۸۱؛ ج ۴، ص ۴۳۳، ح ۹؛ ص ۵۴۴، ح ۲۱ / کامل الزیارات، ص ۲۲۲، ح ۱۳۲۶، ص ۳۱۸، ح ۵۴۰ / کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ب ۴۳، ح ۲۳؛ ب ۳۶، ح ۳ / مدینه المعجز، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۲۸۱ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۸، ح ۲۳۳۱.

حمدان (احمد) بن معافی صبیحی کوفی (؟ - ۲۶۵ ق)

ابوجعفر از روایان راستگو و معتبر شیعه بود. وی از آزادتمندان امام صادق علیه السلام و از اصحاب امام کاظم و رضا علیهما السلام به شمار می‌آمد و از کسانی بود که امام کاظم و رضا علیهما السلام در حق او دعا کردند. از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست، ولی

طبق گزارش ابوالحسین محمد بن علی بن معمر، که از دوستان و شاگردان او بود، وی عمری طولانی کرد و در سال ۲۶۵ هـ، در همان سالی که سربازان صاحب زنج، دهستان «قُتین» (به ضم قاف و تشدید سین) از نواحی کوفه را به آتش کشیدند، وفات نمود. از همین جا می‌توان حدس زد که ولادت او تقریباً در عصر امام صادق علیه السلام (شهادت: ۱۴۸ ق) روی داده است؛ زیرا طولانی شدن عمر او حکایت از آن دارد که وی بیش از یک قرن حیات داشته است. از لقب «کوفی» برمی‌آید که وی ساکن کوفه بود و پرورش‌یافته آنجا؛ چنان‌که از وفات او در کوفه، می‌توان دریافت که وی تا آخر عمر در آنجا ساکن بود و به تحصیل و تدریس مشغول.

از خانواده و چگونگی حیات علمی او اطلاعی در دست نیست، اما احتمالاً وی از فرزندان معافی بن عمران بود که از راویان معروف و خوش‌نام در منابع شیعی و سنی‌اند. وی از جمله راویان حدیث «غدیر» است که ماجرای آن را از امام رضا علیه السلام شنیده بود.

استادان او ابن ابی عمیر، موسی بن سعدان و عبدالرحمان بن ابی نجران بودند. از جمله شاگردان او، ابوالحسین محمد بن علی بن معمر و مسعدة بن صدقه بودند. مسعدة عامی مذهب بود و شاگردی وی نزد او، حاکی از مکانت علمی اوست. از آثار وی، دو کتاب معروف ثبت شده‌اند: یکی *شرائع الایمان حاوی چهارصد حدیث* از امام رضا علیه السلام درباره احکام فقهی و اصول دین؛ و دیگری *کتاب الاهلیجہ* که ظاهراً کتابی در موضوع طب است و روایات آن از امام صادق علیه السلام نقل شده‌اند. «اهلیجہ» عرب «هلیله‌دانه» است و اقسام زرد و سیاه دارد.

منابع

تهذیب المقال، ج ۵، ص ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۳، ش ۱۹۰۰، ج ۱۳، ص ۵۱ / رجال النجاشی، ص ۱۳۸، ش ۳۵۶ / معجم

المؤلفین، ج ۴، ص ۷۵ / معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۶۴، ش ۴۰۱۳؛ ج ۱۸، ص ۳۲، ش ۱۱۳۸۰ / نقد الرجال، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ج ۳، ص ۴۱.

داود بن ابی‌زید نیشابوری (؟ - ح ۲۵۵ ق)

ابوسلیمان، محدث مورد اعتماد شیعی و از اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام، به «زنکار» معروف بود. برخی نیز نام او را «زنکار» (با راه) ثبت نموده‌اند که به گفته کلباسی، در سماء المقال، از اشتباهات نساخ است؛ چنان‌که در برخی از منابع معتبر (رجال ابن داود) کنیه پدرش «ابی‌زید» آمده است. وی ظاهراً در نیشابور تولد یافت و در محله «نجارین» واقع در خیابان «طرخان» در منزل «سختویه» سکونت داشت، اما از تاریخ تولد او گزارشی در دست نیست. وفات او با توجه به اینکه وی عصر امام یازدهم علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) را درک کرده، می‌بایست در اوایل نیمه دوم سده سوم (ح ۲۵۵ هـ) اتفاق افتاده باشد، ولی از محل وفات او خبری نیافتیم.

از یادداشت‌های ابن ندیم و طوسی می‌توان پی برد که وی از نیشابور به عراق آمد و در بغداد و کوفه، به فراگیری علوم حدیث و فقه اشتغال یافت و چون در تلقین آموخته‌هایش دارای لهجه‌ای زیبا و دلنشین بود، وی را «صادق اللهجه» لقب داده‌اند. وی ظاهراً مدت زیادی در عراق به سر برد و شاگردانی تربیت نمود که همین امر سبب شناسایی او به آیندگان گردید، اما معلوم نیست که وی آیا سرانجام، به وطن خود بازگشته یا در عراق زندگی را به سر آورده است؟ طوسی و ابن ندیم، که احتمالاً آوازه او را در بغداد و کوفه از طریق شاگردانش شنیده بودند، وی را از راویان خوش لهجه، مورد اعتماد و راستگو معرفی نموده‌اند.

با توجه به اینکه وی می‌بایست در زمان خود شهرت قابل‌اعتنایی داشته باشد، اما در هیچ‌یک از منابع، سخنی از استادان او به میان نیامده است. تنها از

برخی روایات بر جای مانده از او، می‌توان استادان او را مورد شناسایی قرار داد. در حدیثی که شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) دربارهٔ جواز سجده بر کاغذ آورده، وی به طور مستقیم از ابوالحسن ثالث امام هادی علیه السلام نقل حدیث کرده است؛ چنان‌که نزد عبید بن بشر خثعمی نیز استماعاتی داشته است.

از شاگردان او نیز گزارش دقیقی نیافتیم. در برخی از منابع حدیثی، محمد بن عیسی بن عبید (م ۲۶۰ق) و علی بن اسباط از او روایت نموده‌اند. وی آثاری از خود بر جای گذاشته که نام آن‌ها در منابع ذکر نشده‌اند. ابن ندیم ضمن اینکه او را از عالمان شیعه و از اصحاب امام هادی علیه السلام معرفی کرده، گفته است: وی تألیفاتی داشته که از جمله آن‌ها کتاب الهدی (کتاب هدایت) می‌باشد. طوسی نیز در فهرست خود، تصریح کرده که وی کتاب‌هایی نوشته و گفته است که کتبی نام این کتاب‌ها را در رجال خود آورده است، اما در نسخهٔ برگزیده از رجال کتبی، که توسط خود طوسی تدوین شده، اثری از این مطلب نیست.

منابع

رجال ابن داود، ص ۸۹ ش ۵۸۰ / رجال الطوسی، ص ۳۸۶، ش ۵۶۹۰ ص ۳۹۹، ش ۵۸۴۹ / سماء المقال، ج ۱، ص ۲۸۹ / فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۶ / طوسی، الفهرست، ص ۱۲۵، ش ۲۸۳ / معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۹۳، ش ۴۳۷۴؛ ص ۹۶، ش ۲۳۸۱ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۸۳۴

داود بن سلیمان غازی قزوینی (ح ۱۷۰ - ح ۲۶۱ق)

ابو احمد، ملقب به «غازی»، محدث امامی و از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. از لقب «غازی» برمی‌آید که وی فردی جنگجو بود و در میدان نبرد حضوری مؤثر و چشمگیر داشت. دربارهٔ تاریخ تولد و وفات او گزارش صحیحی در دست نیست.

وی در قزوین دیده به جهان گشود و چون از اصحاب امام هشتم شیعیان بود، می‌بایست تولّد او در دهه‌های آخر سده دوم روی داده باشد، بلکه گفته می‌شود وقتی امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) در سفر مرو در ۲۰۰ هـ وارد قزوین شد، در منزل او نزول نمود. بنابراین، وی در آن تاریخ، فردی جاافتاده و باوجاهت بود. از این‌رو، می‌توان زمان ولادت او را حدود ۱۷۰ هـ تخمین زد که بدین‌روی، وی در آن زمان ۳۰ ساله بوده است. درباره وفات او، تنها این اندازه روشن است که یکی از شاگردان او در ۳۳۵ هـ وفات یافت. بنابراین، با توجه به اینکه غالباً بیشترین فاصله زمانی شاگرد با استادش از ۴۰ تا ۵۰ سال بیشتر نیست و همچنین اگر به دلیل سال‌خوردگی این شاگرد، فاصله زمانی این استاد و شاگرد را تا ۸۰ سال هم در نظر بگیریم، وفات او می‌بایست در اواسط سده سوم (ح ۲۶۰ هـ) یا پس از آن اتفاق افتاده باشد.

درباره زندگی و دوران تحصیل او آگاهی کاملی نداریم. اطلاعات ما بیشتر محدود به گزارش کوتاهی است که عبدالکریم رافعی (م ۶۲۳ ق) در کتاب *التدوین* آورده است. به گفته رافعی، بیشترین شهرت او به خاطر کتابی است که وی سخنان امام رضا علیه السلام را در آن گردآوری نموده و نسخه‌ای از این کتاب را اهل قزوین مانند اسحاق بن محمد و علی بن محمد مهرویه از وی روایت کرده‌اند.

وی برادری به نام ابوحمزة بن سلیمان نیز داشت که در معرفی این کتاب به آیندگان، مؤثر بوده است. وی در اسناد و مدارک تاریخی شیعه، از جمله دانشمندان زاهدی معرفی شده که به امام هشتم ارادت ویژه داشته و جزو محدّثان مورد وثوق امامیه به شمار می‌آید. شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) نخستین مورّخ شیعی است که وی را از اصحاب ویژه آن امام به شمار آورده و او را در فقه و دانش ستوده است. پس از او نجاشی (م ۴۵۰ ق) و طوسی (م ۴۶۰ ق) نیز وی را در شمار راویان امامیه قرار داده‌اند.

با این‌همه، برخی از محققان معاصر (وحید بهبهانی در تعلیقه) صرفاً به خاطر

اینکه سلسله اسناد روایت، در کتاب او از امام رضا علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله ختم می‌شود، وی را سنی معرفی می‌کنند. اما با نگاهی به مضامین مهم‌ترین کتاب باقی‌مانده از او، یعنی کتاب *مسند الرضا علیه السلام* در می‌یابیم که وی از شیعیان مخلص بوده و در فضیلت اهل بیت علیهم السلام روایات قابل قبولی در این کتاب نقل کرده است. از همین روی، مورخان و صاحب‌نظران سنی، به ویژه شمس‌الدین ذهبی (م ۷۴۸ق) و یحیی بن معین از روی تعصب، او را «شیخی دروغگو» و کتابش را «ساختگی» می‌دانند. در میان آن‌ها، تاج‌الدین سبکی (م ۷۷۱ق)، که خود از دانشمندان بزرگ سنی است، روشی منصفانه پیش گرفته و ضمن انتقاد از سخنان ذهبی، او را در این باره متهم به «تعصب شدید» نموده و از خدا خواسته است که ذهبی را در اثر طعنه‌های فراوانش به اهل دین، مؤاخذه نکند. به هر حال، آنچه مسلم است اینکه وی از شخصیت‌های شیعی و سرشناس قزوین بود و در مقام علمی و موقعیت اجتماعی او، همین بس که امام رضا علیه السلام در طول اقامتش در قزوین، در منزل او نزول اجلال نمود.

درباره استادان او و اینکه دوران تحصیل خود را نزد چه کسانی سپری کرده است، گزارشی نیافتیم و از شاگردان او نیز بیشترین روایت را علی بن محمد مهرویه قزوینی (م ۳۳۵ق) از او نقل کرده است. از شاگردان دیگر او، ابراهیم بن هاشم قمی (م.ج ۲۷۵ق)، جعفر بن ادریس قزوینی و برادرش ابوحمزه بن سلیمان هستند. از تألیفات او، تنها کتاب *مسند الرضا علیه السلام* در دست است که توسط «دفتر تبلیغات اسلامی قم» در تاریخ ۱۴۱۸ هـ به چاپ رسیده است. در این کتاب، که با تحقیق دکتر سید جلال‌الدین محدث ارموی به زیور طبع آراسته شده، ۱۱۴ حدیث از امام رضا علیه السلام نقل گردیده است.

منابع

الارشاد، ص ۳۰۴ / احیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۶، ص ۳۷۲، ش ۱۳۲۵ / التذوین فی

ذکر اهل العلم بقرین، ج ۳، ص ۳ و ۴۲۸ / رجال الطوسی، ص ۳۵۷، ش ۵۲۹۲ / رجال النجاشی، ص ۱۶۱، ش ۴۲۶ / مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱ و ۲، صفحات متعدد / مسند الرضا علیه السلام، صفحات متعدد.

داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب (ق ۲۰۰ - ۲۶۱ ق) ابوهاشم، معروف به «ابوهاشم جعفری»، از مشاهیر علویان و از محدثان نامدار شیعه، اهل بغداد بود. پدرش قاسم ولایتدار یمن بود و از امام صادق علیه السلام روایت دارد. مادرش، امّ حکیم، دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر بود. به گفته مسعودی، نسب او با سه واسطه به جعفر طیار می‌رسد و در خاندان ابوطالب، هیچ کس که نسبتی نزدیک‌تر از او داشته باشد، شناخته نبود.

وی از اصحاب امام رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام بوده و به روایت بعضی منابع، امام دوازدهم شیعیان را نیز دیده است. تاریخ ولادت او در دست نیست، ولی می‌توان حدس زد که وی پیش از سال ۲۰۰ هـ و احتمالاً در بغداد به دنیا آمده است. وفات او به گفته خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق)، در سال ۲۶۱ هـ در بغداد اتفاق افتاد و به گفته مسعودی (م ۳۴۵ ق)، قبر او در بغداد معروف است، ولی در برخی منابع آمده است که وی در سامراه کنار مزار امام حسن عسکری علیه السلام به خاک سپرده شد.

وی در بغداد پرورش یافت و در ایام جوانی، نزد امام رضا علیه السلام شاگردی کرد و پس از آن در خدمت امامان دیگر شاگردی نمود و آثار فضل و پرهیزگاری در وی نمایان گشت. وی به اهل بیت علیهم السلام محبت زیادی داشت و گاهی نیز در منتبث آنان، شعر می‌سرود. موقعیت اجتماعی وی چنان بود که نفوذ فراوانی در دستگاه حکومت داشت و در رویارویی با بزرگان حکومت، زبانی قاطع داشت. مسعودی در جریان خروج یحیی بن عمر آورده است: هنگامی که سر یحیی بن عمر بن

یحیی (م ۲۵۰ ق) را در بغداد نزد محمد بن عبدالله بن طاهر (م ۲۵۳ ق)، از کارگزاران مستعین عباسی، آوردند، وی نزد امیر طاهری رفت و به او گفت: ای امیر! مردم درباره قتل کسی به تو تبریک می‌گویند که اگر پیامبر خدا ﷺ زنده بود، قتل او را به پیامبر تسلیم می‌گفتند. پس از آن وی اشعار سوزناکی خواند و امیر طاهری دستور داد سر یحیی را به زیر بکشند.

خطیب بغدادی به نقل از ابن عرفه می‌گوید: ابوهاشم نسبت به دستگاه حاکم، فردی سخنگو و شکایتگر بود. از این‌رو، در سال ۲۵۲ هـ وی را از بغداد به سامراء منتقل کردند و در آنجا زندانی نمودند. وی در زندان (در زمان مهتدی عباسی) با امام حسن عسکری علیه السلام و یاران دیگرش هم‌سلول بود. در یک روز، از خستگی زندان، نزد امام حسن عسکری علیه السلام شکایت کرد و امام در پاسخ به او فرمود: نماز ظهر را در منزلت خواهی خواند. در همان روز، مهتدی کشته شد و وی آزادگشت و نماز ظهر را در منزل خویش خواند.

وی احادیث فراوانی از امام هادی و عسکری علیه السلام روایت کرده و چون پسرخاله امام صادق علیه السلام بود، روابط نزدیکی با امامان شیعه داشت. رابطه او با امامان شیعه سبب شد تا اخبار فراوانی که از او روایت شده‌اند، مورد قبول همگان قرار گیرند. در منابع رجال، بالاتفاق او را فردی مطمئن و جلیل‌القدر معرفی می‌کنند. وی به دلیل اینکه بیشتر تعلیمات خود را به طور مستقیم از امامان عصر خویش فراگرفت، روایاتش (مگر اندکی) بدون هیچ واسطه‌ای از آنان نقل می‌شوند.

برخی از کسانی که از او روایت کرده‌اند احمد بن محمد برقی، حسن بن ابی‌لیبابه، سعد بن عبدالله، احمد بن محمد بن عبدالله، محمد حمیری، اسحاق بن محمد نخعی، حسین بن احمد مالکی اسدی و جعفر بن محمد بن مالک هستند. از جمله تألیفات او، کتابی است که در اخبار و مدایح امامان شیعه نوشته شده.

منابع

اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۶، ص ۳۷۷ / الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۳۵ /
دائرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۴۴۷ / مروج الذهب، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،
ج ۲، ص ۵۵۳ / من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۷، پاورقی.

ریان بن صلعت بغدادی خراسانی اشعری (؟ - ح ۲۶۵ ق)

ابوعلی، فقیه و محدث مورد وثوق امامی، از اصحاب امامان رضا، جواد و هادی علیهم السلام بود. تولدش در دهه‌های آخر سده دوم در یکی از شهرهای خراسان روی داد و وفات او با توجه به اینکه وی مدتی پس از عصر ائمه اطهار علیهم السلام می‌زیست، در اوایل نیمه دوم سده سوم (ح ۲۶۵ هـ) اتفاق افتاده است. وی اصالتاً خراسانی بود و مدتی از حیات علمی خود را در بغداد و کوفه گذراند و سپس به قم آمد و ظاهراً با «اشعریان» قم رابطه نزدیکی یافت و به همین دلیل او، را «اشعری» لقب داده‌اند.

وی دروس مقدماتی را در زادگاهش سپری کرد و هنگامی که امام رضا علیه السلام در مرو اقامت داشت، نزد آن امام احادیث و معارف فراوانی آموخت و با دیدن دلایل و معجزاتی از آن امام، شیفته آن حضرت شد. وی با اینکه دایی معتصم عباسی (حک ۱۸ تا ۲۲۷ ق) بود، اما گزارشی از پیوستگی او به دربار خلیفه در دست نیست. اما در زمان مأمون عباسی (حک ۱۹۸ تا ۲۱۸ ق) در مجالسی که توسط این خلیفه با حضور امام رضا علیه السلام و دانشمندان عراق و خراسان برگزار می‌شوند، حضور داشت و آشنایی او با علمای عراق در اثر همین مجالس بود. بر پایه گزارش شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، وی به تصریح خود، پیش از آنکه به عراق عزیمت کند، نزد امام هشتم حضور یافت و با خاطری غمگین با آن حضرت وداع نمود. این گزارش کاشف از آن است که وی پیش از وفات امام در

۲۰۳ هـ، عازم عراق شده است. در عراق، با امام جواد و هادی علیهما السلام دیدار داشت و مکاتباتی نیز با امام حسن عسکری علیه السلام انجام داد. وی بیشتر در بغداد اقامت داشت؛ چندانکه او را «بغدادی» نیز لقب داده‌اند، هر چند در کوفه نیز اقامت داشت و برخی از محدثان کوفی مانند ابراهیم بن هاشم قمی کوفی (م.ج ۲۷۵ ق) و علی بن حسن بن فضال (م ۲۹۰ ق) نزد او به استماع حدیث اشتغال یافتند و احتمالاً احادیثی که وی از یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) شنیده نیز در کوفه بوده‌اند. از معاصران او در بغداد و کوفه، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق)، محمد بن حکیم، عبدالرحمان بن حجاج و یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) هستند و هنگامی که امام رضا علیه السلام به لقای حق شتافت، این عده با جمعی دیگر از بزرگان شیعه، که تعداد آن‌ها به هشتاد نفر می‌رسید، در منزل عبدالرحمان بن حجاج در بغداد گرد آمدند و دربارهٔ امامت امام جواد علیه السلام، که در آن زمان هفت ساله بود، گفت‌وگو کردند. در آن مجلس، وی در برابر کسانی که کودکی حضرت جواد علیه السلام را دلیل بر عدم صلاحیت منصب امامت می‌دانستند، ایستادگی کرد و به دفاع از آن امام برخاست. به هر حال، وی پس از سال‌ها اقامت در کوفه و بغداد، سرانجام به قم عزیمت نمود و احتمالاً در این شهر از وکلای امام حسن عسکری علیه السلام به شمار آمد و مکاتبات وی با آن امام در این شهر انجام می‌گرفتند.

وجود او در شهرهای مهم اسلامی باعث شد تا آنچه را که از امام رضا علیه السلام در خراسان آموخته بود به دیگران انتقال دهد و بدین‌سان، بخش عمده‌ای از معارف اهل بیت علیهم السلام توسط او گسترش یابد. وی فرزندان نیز به نام‌های علی و محمد داشت که از علمای عصر خود بودند و تألیفات مشترکی داشتند، به ویژه علی که از وکلای امام هادی علیه السلام نیز بود. اما از ارتباط او با فرزندانش گزارشی نیاتیم. وی به دلیل بیشتر معلومات و معارف خود را از امام رضا علیه السلام فرا گرفته، از استادان دیگر او جز یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) کم دیگری را

نمی‌شناسیم. از شاگردان او جز آنچه پیش از این ذکر شد، کسانی همچون سهل بن زیاد آدمی رازی (م.ب ۲۵۵ ق)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م.ح ۲۸۰ ق) و عبدالله بن جعفر حمیری قمی (م.ب ۲۹۷ ق) را می‌توان نام برد.

حمیری در کتاب قرب الاسناد، احادیث فراوانی از او نقل کرده است. همچنین محمد بن زیاد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) نیز با اینکه بر او تقدّم زمانی دارد، اما احادیث متعددی از او نقل کرده است. اکنون بسیاری از اخبار و احادیث او در جوامع حدیثی و تاریخی شیعه بر جای مانده که مقدار قابل اعتنائی از آنها درباره فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. حدیث مشهور «شیعه علی هم الفاترون» (تنها پیروان علی رستگارند) نیز توسط او از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است. از آثار تالیفی او، تنها یک کتاب به نام الفرق بین الّال و الاثمه معرفی شده است.

منابع

صدوق، الامالی، ص ۶۱۵، م ۹۹ / دلائل الامامه، ص ۳۸۸، ح ۳۴۳ / رجال الطوسی، ص ۳۵۷، ش ۵۲۹۳؛ ص ۳۸۶، ش ۴۹۲؛ ص ۴۲۶، ش ۶۱۲۹ / رجال کشی، ج ۲، ص ۸۲۳، ح ۱۰۳۵ / رجال النجاشی، ص ۱۶۵، ش ۴۳۷ / عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۱۰؛ ص ۲۲۹، ۱۷ و صفحات متعدد دیگر / طوسی، الفهرست، ص ۱۲۹، ش ۲۹۵؛ ص ۱۵۴، ش ۳۸۶ / قرب الاسناد، ص ۳۴۲ به بعد.

زبیر بن بکّار بن عبدالله بن مصعب بن

ثابت بن عبدالله بن زبیر بن عوام (۱۷۲ - ۲۵۶ ق)

ابو عبدالله، ولادتش در سال ۱۷۲ ق در مدینه و وفاتش در ۲۱ ذی‌القعده سال ۲۵۶ هـ در سن ۸۴ سالگی در اثر سقوط از بام منزل در مکه روی داد و پس از اینکه فرزندش، مصعب بن زبیر بن بکّار، بر او نماز گزارد به خاک سپرده شد. او

بخشی از تحصیلات ابتدایی اش را در مکه گذراند و سپس برای تکمیل دانش خود، به بغداد آمد و با اسحاق بن ابراهیم موصلی و ابوالعباس صیرفی هم‌بحث شد. پس از سال‌ها اقامت در بغداد و تلمذ نزد استادان زمان خود، دوباره به مکه بازگشت و در زمان خلافت معتصم عباسی (حک: ۲۱۸-۲۲۷ ق)، به بیعت قاضی آن شهر منصوب شد.

زیر بن بکار از نوادگان زیر بن عوام صحابی بود و همانند اجدادش، میانه خوبی با علویان نداشت. برخی از معاصران او همچون هارون بن جعفر (م ۲۴۵ ق) به دلیل مخالفت وی با علویان، در رد او اشعار زیادی سروده‌اند. ابن اثیر در *الکامل* می‌نویسد: زیر بن بکار از علویان شکایت داشت. از این رو، علویان وی را تهدید به قتل کردند و او مجبور شد از آنها بگریزد و نزد عمرویش مصعب بن عبدالله آمد، اما مصعب به او وقتی ننهاده و او را ملامت کرد.

وی با اینکه در علم نسب اطلاعات زیادی داشت و خود صاحب کتاب *أنساب قریش* است، ولی در نگاه متخصصان علم رجال، فردی غیرمعتبر معرفی شده و به احادیث و گزارش‌هایش احتیابی نمی‌شود. شیخ مفید گزارش او درباره تزویج دختر حضرت علی علیه السلام با عمر و همچنین گزارش دیگرش درباره تزویج دو دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زینب و رقیه با عثمان را رد کرده و دلیل رد آن را نقل زیر بن بکار معرفی می‌کند.

از جمله استنادی که وی در جمع‌آوری روایات و اطلاعات نسب‌شناسی از آنها کمک می‌گرفت، سفیان بن عینه، عبدالله بن نافع، عبدالله بن حسن و عمرویش مصعب بن عبدالله بن زیر بودند. از شاگردان معروف او، ابوالعباس احمد بن یحیی معروف به «تعلب نحوی» (م ۲۹۱ ق)، ابویکر بن ابی‌الدنیا و عبدالله بن شیب ریعی بودند.

وی دارای تألیفاتی در زمینه تبارشناسی و علم انساب بود که برخی از تألیفات

او اخبار العرب و ایامها، جمهرة نسب قریش، الاوس و الخزرج، وفود النعمان علی کسری، اخبار ابن میاده، اخبار حسان، اخبار عمر بن ابی ربيعة، اخبار جمیل، اخبار نصیب، اخبار کثیر و اخبار ابن الدینہ می باشند. همچنین وی دارای مجموعه‌ای از اخبار و نوادر تاریخ است که نام آن را الموقفیات گذاشته و این کتاب را برای موفق بن متوکل نوشته که از کودکی تربیت او را بر عهده داشت.

منابع

الاعلام، ج ۳، ص ۴۲؛ ج ۸، ص ۶۰ / الانساب، ج ۳، ص ۱۳۷ / طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۳۷ / عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۳ / الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۵۳۶ / المسائل السرویه، ص ۸۶ / معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۲۲ / مقاتل الطالبیین، ص ۱۳۸.

زکریا مؤمن قمی اشعری (ح ۱۶۷ - ح ۲۵۵ ق)

ابو عبدالله، محدث شیمی، هفت امامی بود که در عصر امام رضا علیه السلام می‌زیست و احتمالاً تا اوایل عصر غیبت (۲۶۰-۳۲۹ ق) زندگی کرد. کهن‌ترین استاد او عبدالله بن مسکان در حدود ۱۸۲ هـ در گذشته است. بنابراین، تولد او می‌بایست دست‌کم حدود ۱۶۷ هـ اتفاق افتاده باشد؛ یعنی در سن پانزده سالگی نزد استاد یاد شده شاگردی می‌کرده است. وفات او تقریباً در ۲۵۵ هـ یا اندکی پس از این تاریخ اتفاق افتاده است؛ زیرا متأخرترین شاگرد او حمید بن زیاد نینوایی در سال ۳۱۰ هـ وفات یافت. از لقب «قمی» برمی‌آید که وی اهل قم و پرورش یافته این شهر بود.

از دوران تحصیل او و محل آن اطلاعی در دست نیست، اما اقامت برخی از استادان و شاگردان او در قم حاکی از آن است که وی مدت زیادی در این شهر اقامت داشته و گمان می‌رود وی علاوه بر قم، در کوفه نیز اقامت تحصیلی داشته

و در آنجا با خاندان ابن فضال کوفی، که از نظر مذهبی با وی هم عقیده بودند، ارتباط یافت و برخی از روایات خود را مشترکاً با ابن فضال، از ابی هراسه نقل کرده است. همچنین مصاحبت او با علی بن عمر اصرح کوفی واقفی و نیز استماعاتی که وی از محمد بن یحیی خثعمی کوفی داشته، نشانگر آن هستند که اقامت او در کوفه نیز کم نبوده است.

وی استادان زیادی دید و از آنها احادیث فراوانی شنید، اما صاحب نظران نسبت به صحت احادیث او تردید دارند و استماعات او را اطمینان بخش نمی دانند. از جمله کسانی که وی از آنها حدیث شنید و نزد برخی از آنها شاگردی نمود، داود بن فرقد، عبدالله بن اسد، ابراهیم بن صالح، شعیب عفرقوفی، ابوسعید مگاری، ابراهیم بن ناجیه، ایوب بن عبدالرحمان، عبدالله بن یحیی کاهلی، یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق)، داود بن ابی سلیمان جصاص و محمد بن ریاح قلاء بودند. از شاگردان معروف او، حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) بود که سخت به مذهب «واقفیه» (هفت امامی) پای بند بود. از شاگردان دیگر او، احمد بن محمد بن عیسی قمی (م ۲۸۰ ق)، احمد بن ابی عبدالله برقی قمی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، حسن بن علی، محمد بن عیسی بن عبید یقطینی (م ۲۶۰ ق) و محمد بن اورمه قمی بودند.

وی ظاهراً دارای تألیفاتی بوده که شیخ طوسی یکی از آنها را بدون ذکر نام، گزارش کرده است.

مضایع

بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۴، ح ۵۶ / تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۱، ح ۱۵۶۷ / رجال الطوسی، ص ۳۵۸، ۵۲۹۶ و ۵۲۹۷ / رجال النجاشی، ص ۲۵۶، ش ۶۷۰ / طوسی، الفهرست، ص ۱۳۲، ش ۳۱۲ / الکافی، ج ۲، ص ۲۲۱، ح ۴۲۱، ج ۴، ص ۲۵۶، ح ۱۸ / کامل الزیارات، ص ۵۷، ح ۳۵، ص ۱۱۵، ح ۱۱۲۵، ص ۱۴۶، ح ۱۷۱.

زینب بنت امام جواد علیه السلام (؟ - ح ۲۶۰ ق)

زینب، از زنان دانشمند و فاضل و اهل زهد و تقوا، تاریخ ولادتش در دست نیست، ولی وفات او حدود سال ۲۶۰ هـ در قم روی داد. وی در خاندان عصمت و طهارت نشو و نما کرد و علوم اسلامی و معارف الهی را در محضر پدر بزرگوارش اخذ نمود، اما حدیثی از او در منابع شیعه به چشم نمی خورد. وی از جمله علویان بود که به ایران هجرت کرد و شهر قم را مسکن دائمی خود قرار داد و آثاری از خود باقی گذاشت. او همچنین نخستین فردی بود که گنبدی بر روی مزار مطهر حضرت معصومه علیها السلام بنا نهاد و خود نیز به همراه سه خواهرش حکیمه، امّ محمد و میمونه در همین بقعه به خاک سپرده شد.

منابع

البدر الممشع فی احوال ذرّیة موسی المبرقع / دائرة المعارف تشیع، ج ۸، ص ۵۹۴ / ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۳۱۶.

زینب بنت موسی میرقع (؟ - ب ۲۵۶ ق)

زینب، نوه امام جواد علیه السلام، از زنان اهل تقوا و عالمه فاضله، ولادتش معلوم نیست، ولی شواهد موجود نشان می دهند که وی هنگام وفات، عمر چندانی نداشت (حدود ۲۵ سال)؛ زیرا وی نوه امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) و نخستین شخص از سادات رضوی بود که در سال ۲۵۶ هـ از کوفه به قم هجرت نمود و اندکی بعد، دو خواهر دیگرش امّ محمد و میمونه نیز از کوفه به قم آمدند. از او آثار یا روایتی در منابع ذکر نشده است.

منابع

اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۷، ص ۱۴۲، ش ۴۸۲ / البدر المشتع فی احوال ذریة
موسی المبرقع / دائرة المعارف تشیع، ج ۸، ص ۵۹۵

سعد بن عبدالله بن ابی‌خلف اشعری (؟ - ۲۹۹ ق)

ابوالقاسم، از پیشوایان فقیه شیعه و از معاصران امام حسن عسکری علیه السلام، مرجع شیعیان قم و شخص اول آنان بود. ولادت او معلوم نیست و در وفات او نیز اختلاف است. مشهور این است که وفات او سال ۳۰۱ هـ بوده است. برخی نیز وفات او را سال ۲۹۹ هـ گفته‌اند. پدرش، عبدالله بن ابی‌خلف، از راویان شیعه و فردی قلیل الحدیث بود، اما نوه دختری‌اش، موسی بن محمد اشعری قمی، از راویان راستگو و ساکن شیراز بود. درباره وثاقت او، بین دانشمندان رجال اتفاق نظر وجود دارد. از این‌رو، گنجاندن او در قسم دوم رجال ابن داود (که مخصوص راویان غیر موثق است) جای بسی تعجب است. شهید ثانی و مامقانی در این باره از ابن داود سخت انتقاد کرده‌اند.

برخی از شاگردان روایی او محمد بن حسن بن ولید، حمزة بن قاسم علوی، حسین بن حسن بُندار، محمد بن قولویه (پدر جعفر بن قولویه) و بسیاری دیگر هستند. روایات وی توسط استادانش محمد بن حسن بن ولید و احمد بن محمد بن یحیی تمیز داده می‌شوند.

همچنین وی روایاتی به طور مستقیم از امام حسن عسکری علیه السلام دارد که این موضوع با آنچه نجاشی از بعضی اصحاب نقل کرده است مبنی بر اینکه او امام حسن عسکری علیه السلام را ملاقات نموده، منافات دارد. از این‌رو، مرحوم مامقانی به طور مفصل، به تحقیق این موضوع پرداخته و سپس نتیجه گرفته است که وی با چند تن از معاصرانش از جمله احمد بن اسحاق به خدمت امام حسن

عسکری علیه السلام رسید و از وی حدیث شنید. در این ملاقات، وی امام عصر (عج) را نیز در کنار امام حسن عسکری علیه السلام دید. شیخ طوسی در فهرست پس از اینکه به وثاقت و عظمت علمی او تصریح کرده، وی را «واسع الاخبار» و «کثیر التصانیف» معرفی کرده و این مطلب با مراجعه به روایات و همچنین با نگاهی به تألیفات زیاد او، کاملاً هماهنگ است. بنابراین، می‌توان گفت: بخش عمده احکام و اعتقادات شیعه در اثر روایات او شکل یافته‌اند. به گفته نجاشی، وی احادیث زیادی از روایات عامه را نیز شنیده و چهره‌های برجسته آنان همچون حسن بن عرفه، محمد بن عبدالملک دیقی و ابوحاتم رازی را دید و سپس به ملاقات امام حسن عسکری علیه السلام نایل آمد.

از تألیفات او به دست می‌آید که تخصص عمده او در فقه، حدیث، رجال و تفسیر بوده است. از جمله آثار او، کتاب الرحمة، جوامع الحج، الضیاء فی الامامة، ناسخ القرآن و منسوخه، فضل قم و الکوفه، بصائر الدرجات، المنتخبات و مناقب الشیعه است.

منابع

تنقیح المقال (حجری): ج ۲، ص ۱۷ - ۲۰ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۵۵ / رجال الطوسی، ص ۴۲۷، ش ۶۱۴۱ / رجال النجاشی، ص ۱۷۷، ش ۴۶۷؛ ص ۴۰۷، ش ۱۰۷۹ / معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۷۷، ش ۵۰۵۸؛ ج ۴، ص ۳۱۶.

سندی بن ربیع کوفی (ح ۱۸۰ - ح ۲۶۰ ق)

سندی فقیه و محدث شیعی بود که کنیه‌اش در منابع ذکر نشده است. وی در کوفه دیده به جهان گشود و با توجه به اینکه از اصحاب امام رضا علیه السلام بود، توکدش می‌بایست پیش از ۲۰۰ هـ و احتمالاً در دهه‌های پایانی سده دوم (ح ۱۸۰ هـ) روی داده باشد. درباره تاریخ مرگ او، این اندازه روشن است که وی عصر امام

حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) را درک کرد و از آن امام نقل حدیث نمود. بنابراین، وی تقریباً عصر غیبت (۲۶۰-۳۲۹ ق) را درک کرده و ظاهراً در اوایل این دوره زندگی را به سر آورده است.

در منابع، گزارشی از شرح حال او نیامده است، تنها از احادیثی که از او باقی مانده می‌توان حدس زد که وی در کوفه و بغداد به فراگیری علوم حدیث اشتغال داشت و نزد استادانی همچون محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق)، حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق)، محمد بن قاسم بن فضیل و عثمان بن عیسی بهره برد. سپس در اواخر عمر، در کوفه استقرار یافت و شاگردانی تربیت نمود که در میان آن‌ها، علی بن حسن بن فضال کوفی (م ۲۹۰ ق) و محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق) دیده می‌شوند.

صاحب‌نظران به دلیل اینکه در منابع معتبر، سخنی از صحّت و درستی استماع‌ات او گزارش نشده، احادیث او را اطمینان‌بخش نمی‌دانند، اما در بعضی از نسخه‌های رجال طوسی در معرفی او کلمه «ثقه» به چشم می‌خورد. بدین‌روی، در صورت صحیح بودن نسخه مذکور، وی باید از راویان مورد اعتماد و راستگو به شمار آید. گفتنی است نام او با سنندی بن ربیع بغدادی از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام و استاد صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) مشترک است و ظاهراً باید به دلیل فاصله زمانی، این‌ها را دو شخصیت جداگانه دانست. اما برخی از محققان معاصر (آیه‌الله خوئی) به اتحاد این دو عقیده دارند و در نتیجه، شخصیت مذکور را از سال‌خوردگان فرض نموده‌اند.

وی دارای کتابی است که احادیث فقهی را در آن جمع‌آوری نموده، اما نام آن در هیچ یک از منابع ذکر نشده است.

منابع

بصائر الدرجات، ص ۳۷۴ / تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۳۶، ح ۱۲۱۰ / رجال الطوسی، ص ۳۸۵، ش ۵۳۰۵؛ ص ۳۹۹، ش ۵۸۵۰؛ ص ۴۲۷، ش ۶۱۴۷ / رجال

النجاشی، ص ۱۸۷، ش ۴۹۶ / طوسی، الفهرست، ص ۱۲۳، ش ۳۴۳ / معجم رجال
الحدیث، ج ۹، ص ۳۳۱، ش ۵۵۹۱.

سهل بن زیاد آدمی رازی (؟ - ب ۲۵۵ ق)

ابوسعید، فقیه و محدث کثیر الحدیث شیعه، محضر امام جواد، هادی و
عسکری علیهم السلام را درک کرد. ولادتش ظاهراً اندکی پیش از ۲۰۰ ه اتفاق افتاده
است؛ زیرا وی از اصحاب امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) بود و در زمان آن
امام، از سن کافی برخوردار بود. وفات او پس از ۲۵۵ ه و احتمالاً در ری روی
داده است؛ زیرا به گفته نجاشی، وی در تاریخ مذکور، با امام حسن عسکری علیه السلام
مکاتبه داشته (و در عراق نبوده) است.

وی در قم اقامت داشت و در آنجا به استماع حدیث مشغول شد تا اینکه به
تدریج، احادیثی جمع آوری نمود و به نقل آنها پرداخت، اما چون فردی «غالی»
و «دروغگو» بود، بزرگ اهل قم یعنی احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م ۲۸۰
ق) او را از قم بیرون راند و به ری تبعید نمود. وی از آن پس در ری زندگی را ادامه
داد و احادیث فراوانی به شاگردانش انتقال داد. اکنون در جوامع روایی شیعه،
۲۳۰۰ حدیث از او روایت شده‌اند، اما صاحب نظران احادیث او را ضعیف و
غیرقابل اعتماد می‌دانند. شیخ طوسی نیز درباره وثاقت او دچار تناقض شده
است؛ زیرا در رجال خود، هنگامی که نام او را در شمار اصحاب امام هادی علیه السلام
یاد کرده، وی را «مورد اعتماد» معرفی نموده، در حالی که در فهرست خود، وی را
تضعیف نموده است.

وی در ری از کسانی همچون عبدالعظیم بن عبدالله حسنی (م. ق ۲۵۰ ق) و
احمد بن عبدالعزیز رازی حدیث شنیده است. استادان دیگر او اسماعیل بن
مهران، محمد بن سنان، حسن بن محبوب، محمد بن ولید صیرفی، جعفر بن عثمان

دارمی، حسن بن حسین لؤلؤی و بسیاری دیگر هستند. از شاگردان او، محمد بن ابی عبدالله کوفی رازی، احمد بن ادریس قمی، محمد بن یحیی عطار و عدة زیادی دیگر هستند.

از نوشته‌های اویند دو کتاب التوحید و النوادر.

منابع

رجال الطوسی، ص ۳۸۷، ش ۵۶۹۹ / رجال النجاشی، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰ / طوسی، الفهرست، ص ۸۰، ش ۳۲۹ / معالم العلماء، ص ۹۲، ش ۳۸۳ / معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۳۵۲-۳۷۰، ش ۵۶۳۹ / نقد الرجال، ج ۲، ص ۳۸۳، ش ۲۴۹۰؛ ص ۳۷۰، ش ۵۶۳۹.

شاهویه بن عبدالله جلاب (؟- ح ۲۶۰ ق)

شاهویه کنیه‌اش در منابع ذکر نشده است. او محدث و عالم شیعی بود که درباره تولد و وفاتش اطلاعی در دست نیست، اما پس از وفات امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) حیات داشت و عصر امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) را نیز درک نمود. بنابراین، وفات او تقریباً حدود ۲۶۰ هـ اتفاق افتاده است. محل ولادت و چگونگی زندگی او بر ما روشن نیست، اما از لقب «جلاب» برمی آید که وی گلاب‌فروشی می‌کرده و از این راه هزینه زندگی را تأمین می‌نموده است. از خانواده او، تنها برادرش صالح بن عبدالله را می‌شناسیم که از محدثان شیعه و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود.

وی مدتی در عراق اقامت داشت و تحصیلات عمده‌اش را در آنجا سپری کرد و مهم‌ترین فعالیت اعتقادی او در آنجا، دفاع از امامت امام جواد علیه السلام بود. اما برخی از گزارش‌ها حاکی از آن هستند که وی پس از وفات امام جواد علیه السلام، در

مورد جانشین آن حضرت دچار تردید و اضطراب شد، اما چون فردی حقیقت‌جو و دارای باطنی پاک بود، امام هادی علیه السلام طی نامه‌ای به او نوشت: می‌خواهم از جانشین ابی‌جعفر (امام جواد علیه السلام) از تو سؤال کنم که گویا در این امر مضطرب شده‌ای، اما خمگین مباش که خداوند قوم هدایت شده را گم‌راه نخواهد کرد. امام علیه السلام با این جمله به او تفهیم نمود که امام شما اکنون من هستم و سپس در ادامه همین نامه فرمود: بدان! امام تو پس از من، فرزندانم ابو محمد (امام حسن عسکری) است و آنچه بدان محتاج خواهید شد، نزد او هست. به درستی که در این نامه بیان قانع‌کننده‌ای برای عاقل بیدار نوشتیم. ظاهراً پس از صدور این نامه، اعتقاد او نسبت به امامان یادشده محکم گشت و از جمله اصحاب امامان دهم و یازدهم شیعیان به شمار آمده است.

از استادان و شاگردان او گزارشی نیافتیم. تنها در یک مورد، اسحاق بن محمد نخعی گزارش مزبور را از او نقل کرده است. به گفته نجاشی، اسحاق بن محمد نخعی از نوادگان برادر مالک اشتر نخعی و فردی نامطمئن در نقل حدیث بود. وی ظاهراً دارای اثر تألیفی نبوده و به همین دلیل، نامش در فهرست طوسی و رجال نجاشی نیامده است.

منابع

رجال النجاشی، ص ۳۹۹، ش ۵۸۵۳ / شرح اصول کافی، ج ۶، ص ۲۲۳، ح ۱۲ / طوسی، الغیبه، ص ۲۰۱، ح ۱۶۸ / الکافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۲.

صالح بن سلمه بن ابی‌حماد رازی (ق ۲۰۰ - ح ۲۶۵ ق)

ابوالخیر، در برخی از منابع، کنیه‌اش «ابوالحسین» ذکر شده است. او محدث شیعی و از اصحاب امام هادی و عسکری علیه السلام بود. تاریخ تولد و زمان سرگش دقیقاً معلوم نیست. شواهد حاکی از آنند که وی اندکی پیش از ۲۰۰ هـ چشم به

جهان گشود؛ زیرا وی در زمان امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) دوران جوانی خود را پشت سر می گذاشت. به همین دلیل، شیخ طوسی نام او را در شمار اصحاب امام جواد علیه السلام نیز ذکر کرده است؛ چنانکه روایت او از یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) نیز گواه بر این است که وی در آن زمان از سن کافی برخوردار بوده و توانایی استماع حدیث داشته است. اما درباره وفات او، در یک گزارش معتبر آمده است: فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق)، که از معاصران اوست، استماعات او را بر معاصر دیگرش سهل بن زیاد آدمی رازی (م. ب. ۲۵۵ ق) ترجیح می داده است. گزارش مذکور نشان می دهد که وی از شخصیت های حدیثی در سده سوم بوده که تا اوایل نیمه دوم این سده حیات داشته است.

از شاگردان او نیز، که بعضاً تا اواخر این سده و حتی برخی از آن ها تا اوایل سده چهارم حیات داشته اند، برمی آید که وی در تاریخ یاد شده زنده بوده است؛ چنانکه مصاحبت و معاصرت او با امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) نیز این مطلب را بیشتر روشن می کند. با این وصف، می توان او را از شخصیت های دوره غیبت صغرا دانست و وفات او را تقریباً در ۲۶۵ ه تخمین زد.

از محیط خانواده و دوران کودکی او هیچ گزارشی دیده نشده است، اما به نظر می رسد وی تحصیلات خود را در کوفه آغاز نمود و در همان دوران جوانی، با بسیاری از استادان بزرگ کوفه همچون حسن بن فضال کوفی (م ۲۲۴ ق)، محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) و یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) ارتباط یافت و برخی از معارف اسلامی را از آنان فراگرفت. وی همچنین از کسانی همچون اسماعیل بن مهران، بکر بن صالح، علی بن مهزیار کوفی اهوازی (م. ح. ۲۵۵ ق) و بسیاری دیگر حدیث شنید و پس از اینکه در فقه و حدیث تبخّر یافت، کوفه را ترک گفت و احتمالاً از آنجا به قم آمد و برخی از محدثان قم مانند احمد بن ابی عبدالله برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، سعد بن عبدالله

اشعری (م ۲۹۹ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م ب ۲۹۷ ق) و احمد بن ادریس قمی (م ۳۰۶ ق) از او حدیث شنیده‌اند.

از اینکه وی چه مدت در قم اقامت داشت، خبری در دست نیست، اما شاید لقب «رازی» مربوط به زمانی باشد که وی پس از قم به ری عزیمت نمود و سال‌های متعددی در آنجا اقامت داشت. اکنون در منابع حدیثی شیعه، قریب ۷۴ روایت از او باقی مانده‌اند که صاحب‌نظران درباره درستی احادیث او تردید نموده و راست‌گویی او را کاملاً مورد تأیید قرار نداده‌اند. نجاشی نخستین کسی است که شخصیت او را مورد مناقشه قرار داده و سپس دیگران نیز از او پی‌روی کرده‌اند. اما ابوعمرو کثی (م ح ۳۶۳ ق)، که قریب یک سده بر نجاشی تقدم زمانی دارد، در گزارش خود، از او ستایش به عمل آورده و همین گزارش سبب جلب اعتماد برخی از محققان به استماع و روایات او شده است.

وی از جمله عالمانی بود که تألیفاتی داشت و از او دو کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام و کتاب النوادر شناسایی شده‌اند.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۷، ش ۱۰۶۸ / خلاصة الاقوال، ص ۳۵۹، ش ۳ / رجال النجاشی، ص ۱۹۸، ش ۵۲۶ / رجال الطوسی، ص ۳۹۹، ش ۵۸۵۴ / طوسی، الفهرست، ص ۸۴، ش ۳۴۹ / معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۵۸، ش ۵۸۰۳ / نقد الرجال، ج ۲، ص ۴۰۳، ش ۲۵۷۳.

ظاهر بن حاتم بن ماهویه قزوینی (ح ۱۶۰ - ح ۲۵۶ ق)

ظاهر، از محدثان منحرف‌شده عصر امام هادی و عسکری علیه السلام بود که تاریخ ولادت و مرگش را نمی‌دانیم، اما چون عصر امام کاظم علیه السلام (شهادت: ۱۸۳ ق) را درک کرد و از آن امام روایت دارد، تولدش می‌بایست اندکی پس از اواسط سده

دوم (ح ۱۶۰ هـ) رخ داده باشد. درباره تاریخ وفات او، این احتمال وجود دارد که وی علاوه بر عصر امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق)، بخشی از زمان امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) را نیز درک کرده باشد و چون در آن زمان دارای عقیده باطلی بود، حدیثی از آن امام نشنیده است. به همین دلیل، شیخ طوسی نام او را در ضمن روایانی که در عصر پس از ائمه اطهار علیهم السلام می زیسته و از امامان به طور مستقیم نقل حدیث نکرده اند، یاد نموده است. با این توضیح، می توان مرگ او را حدود ۲۵۶ هـ در اوایل دوره امام حسن عسکری علیه السلام در نظر گرفت.

از دوران کودکی و جزئیات زندگی او اطلاعی در دست نیست. وی اصالتاً اهل قزوین و از ذریه حاتم بن ماهویه قزوینی شیمی (م.ح ۱۹۵ ق) بود و احتمالاً دوران کودکی خود را در قزوین سپری کرده است. وی سپس به اتفاق برادرش فارس به عراق رفت و در سامراء مسکن گزید. به دلیل آنکه خاندان ابن ماهویه قزوینی به علم و دانش شهرت داشتند، گمان می رود وی نزد پدرش و برخی دیگر از افراد این خاندان مانند سعید بن حاتم (از اصحاب امام رضا علیه السلام) و احمد بن حاتم تحصیلات خود را فراگرفته باشد. وی برادر فارس بن حاتم قزوینی (م ۲۵۸ ق) است که در آغاز، هر دو دارای عقیده ای سالم بودند، اما پس از فوت محمد (فرزند امام هادی علیه السلام)، برادرش فارس ادعای نبایت آن امام را نمود و وی نیز برادر خویش را در این راه حمایت کرد. برادر دیگرش احمد بن حاتم بر خلاف این دو برادر، دارای عقیده ای سالم بود و احادیث زیادی از او در منابع شیعه به چشم می خوردند. وی پیش از آنکه دچار انحراف عقیده شود، روایاتی نقل کرده است که با احکام و معتقدات شیعه کاملاً هماهنگ می باشند.

از استادان و کسانی که او را تحت تعلیم قرار داده اند اطلاعی در دست نیست، اما چنین می نماید که وی در نیمه نخست زندگانی اش، یعنی آن هنگام که هنوز عقیده باطلی پیدا نکرده بود، در اثر روابطش با امامان معصوم علیهم السلام، بیشتر تعلیمات

و معارف خود را از آنان فراگرفت. اکنون بعضی از روایات او در منابع حدیثی باقی مانده‌اند. وی شاگردانی نیز داشت که در زمان سلامت اعتقاد او، از وی نقل حدیث کرده‌اند؛ از جمله می‌توان محمد بن عیسی بن عبید یقطینی (م ۲۶۰ ق)، سهل بن زیاد آدمی (م ب ۲۵۵ ق) و ابوسمینه محمد بن علی طائی را نام برد. از آثار او کتابی است که نام آن در منابع ذکر نشده، اما احتمالاً این کتاب مجموعه احادیثی است که وی از امامان عصر خود شنیده بود.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۷، ش ۱۰۰۶ و احادیث قبل و بعد از آن / التوحید، ص ۲۸۴، ح ۴ / رجال الطوسی، ص ۳۵۹، ش ۵۳۱۴؛ ص ۴۲۸، ش ۶۱۵۶ / رجال النجاشی، ص ۲۰۸ و ۳۱۰، ش ۵۵۱ و ۸۴۸ / طوسی، الفییه، ص ۳۵۲، ش ۳۱۲ / همو، الفهرست، ص ۱۴۹، ش ۳۷۰ / الکافی، ج ۱، ص ۸۶ ح ۲.

عباد بن یعقوب رواجنی عصفری اسدی کوفی (؟ - ۲۵۰ یا ۲۷۱ ق)

ابوسعید، از راویان بزرگ و معتبر امامیه و از معدود راویانی است که هم در بین علمای عامه و هم در میان علمای خاصه از وثاقت بالایی برخوردار می‌باشد. حتی ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه و ابن حجر عسقلانی، که وی را به خاطر تشیعش «رافضی» و متهم در دین معرفی کرده‌اند، از او به عنوان فردی «صدوق و راستگو» یاد نموده‌اند. گفته می‌شود: وی در منزل خود شمشیر عربانی آویخته بود و می‌گفت: این شمشیر را برای جنگیدن در رکاب حضرت مهدی (عج) آماده کرده‌ام. از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست، اما وفات او طبق نظر مشهور، در سال ۲۵۰ هـ و به قول ذهبی، در ۲۷۱ هـ اتفاق افتاده است.

وی روایتگر کتاب ابوزید خالد بن یزید عکلی و ابومحمّد عبید بن محمّد بن قیس بجلي است. عکلی و بجلي از محدّثان معتبر امامیه و از اصحاب امام صادق علیه السلام بودند و این موضوع نشان می‌دهد که وی پس از امام صادق علیه السلام زنده بوده است. علمای عامّه با اینکه وی را به دلیل مثالب و مطاعنی که نسبت به سلف داشته، رافضی و امامی معرفی می‌کنند، اما احادیث او را صحیح و معتبر می‌دانند.

وی دارای کتابی است که در آن نوزده حدیث ذکر شده و سند همه آن‌ها معتبر و متن آن‌ها نیز بر امامی بودن وی دلالت دارد. در میان علمای شیعه و سنی، تنها شیخ طوسی وی را عامی المذاهب معرفی کرده و دلیل آن شاید این بوده که بیشتر شاگردان و استادان او از اهل سنت هستند. بعضی از علمای معاصر احتمال می‌دهند که وی تقیه می‌کرده است و می‌گویند: شیخ طوسی بر باطن او اطلاع نیافته است.

از جمله استادان او، عبدالله بن زبیر زبیری، خالد بن یزید عکلی، عبید بن محمّد بن قیس بجلي، عمرو بن ثابت و عبدالله بن عبدالملک مسعودی هستند. از جمله شاگردان او، محمّد بن قاسم بن زکریّا محاربی، محمّد بن حسین بن حفص خثعمی، علی بن عباس مقانعی و احمد بن عیسی حلوی حسینی (م.ح ۳۱۰ ق) هستند. همچنین از شاگردان معروف و سنی او، محمّد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ ق)، محمّد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹ ق) و ابو عبدالله محمّد بن یزید قزوینی، معروف به «ابن ماجه» (م ۲۷۵ ق) را می‌توان نام برد.

وی دارای آثار متعددی بوده که از جمله آن‌ها اخبار المهدی المنتظر (هج)، کتاب الحدیث و المرفقه فی الصحابه هستند.

منابع

اصحاب الامام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۵۱۶، ش ۱۰۵۸ / الاهلام، ج ۳، ص ۲۵۸ /

الانساب، ج ۳، ص ۹۵ / الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۲۸۲ / بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۴ / تحفة الاحوذی، ج ۳، ص ۲۳ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۲، ص ۱۲۳ و ۱۲۴ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۳۱ / خاتمة المستدرک، ج ۱، ص ۵۳ / خلاصة عباة الانوار، ج ۱، ص ۹۷ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۱۳۵۲ ج ۶، ص ۱۳۴۱ ج ۱۲، ص ۲۴۴ / رجال النجاشی، ص ۲۹۳، ش ۷۹۳ / سؤالات الحاکم النیشابوری، ص ۲۵۳ / شرح الاخبار، ج ۲، ص ۳۴۴ / الفدیر، ج ۶، ص ۶۱ / الفصول العشرة، ص ۱۳ / طوسی، الفهرست، ص ۱۹۲، ش ۵۴۰ / المراجعات، ص ۱۴۲ / المسترشد، ص ۴۵۵ / معالم العلماء، ص ۱۲۳، ش ۶۱۲ / معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۲۳۶، ش ۶۱۵۷ / مقدمة فتح الباری، ص ۴۱۰ / نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۸، ش ۲۷۵۳.

عباس بن موسی وزاق بغدادی (ح ۱۷۵ - ح ۲۶۰ ق)

ابوالفضل، قبیله و محدث مورد اعتماد شیعی، در کوفه زاده شد و در بغداد وفات یافت، اما زمان تولد و مرگ او معلوم نیست. وی از اصحاب امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) بود و به طور مستقیم از آن امام روایت دارد. بنابراین، در آن زمان از سن کافی برخوردار بوده و صلاحیت استماع حدیث داشته است. از این رو، ولادت او در نیمه دوم سده دوم (ح ۱۷۵ هـ) در نظر گرفته شده و احتمالاً او تا اواسط سده سوم حیات داشته است؛ زیرا برخی از شاگردان او تا ۲۸۰ هـ زنده بوده‌اند. بنابراین، با توجه به اینکه غالباً وفات استادان پیش از مرگ شاگردانشان اتفاق می‌افتد، ممکن است وفات او نیز پیش از این بوده و ترجیحاً حدود ۲۶۰ هـ تخمین زده شده است.

وی در کوفه پرورش یافت و به دلیل روایاتی که از پدرش دارد، گمان می‌رود پدرش در تربیت او نقش داشته است. سپس در مجلس درس استادان پرآوازه‌ای همچون یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) و محمد بن ابی حمیر (م ۲۱۷ ق)

حضور یافت و در علوم حدیث به حد کمال رسید. از دیگر استادان او، علی بن هلال احمسی بود که روایات چندی از او در جوامع حدیثی شیعه باقی مانده‌اند. وی بیشترین بهره‌ها را از یونس برد و از شاگردان ویژه او به شمار می‌آید؛ چندانکه او را «یونسی» لقب داده‌اند. همچنین بخشی از احادیث و معارف را از امام رضا علیه السلام فراگرفت و ظاهراً استماع او از آن امام مربوط به زمانی می‌شود که آن حضرت در سال ۲۰۰ هـ از مدینه هازم مرو بود و از راه عراق عبور کرد. از شاگردان او، که بیشتر اهل قم هستند، کسانی مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م.ح ۲۸۰ ق)، محمد بن احمد بن یحیی و محمد بن علی بن محبوب را می‌توان نام برد که این‌ها در کوفه احادیثی از او شنیده‌اند.

اکنون قریب ۲۴ حدیث از او در منابع شیعه باقی مانده‌اند. صاحب‌نظران دربارهٔ صحت و ارزش روایات او اتفاق دارند و به وثاقت و راست‌گویی او تصریح نموده‌اند. به گفتهٔ نجاشی، وی سرانجام وارد بغداد شد و در آنجا منزلی گرفت و به شغل وراقی (تعمیر کتاب) روی آورد و در همان‌جا نیز وفات یافت. از تألیفات او، کتاب *المتعه* دربارهٔ احکام ازدواج موقت است.

گفتنی است نام او در منابع رجالی گاهی «عبّاس بن محمد» ذکر شده است و در رجال ابن داود «عبّاس بن معروف» آمده، اما در منابع حدیثی، تماماً به صورت «عبّاس بن موسی وراق» ذکر شده است. از این‌رو، صاحب‌نظران اسامی مذکور را نام شخصیت واحدی دانسته‌اند.

منابع

خلاصه الاقوال، ص ۲۱۰، ش ۶ / رجال الطوسی، ص ۳۶۱، ش ۵۳۴۶ و ۵۳۴۷ / رجال النجاشی، ص ۲۸۰، ش ۷۴۲ / الکافی، ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۷۷، ج ۶، ص ۴۸۰، ح ۳ / کامل الزیارات، ص ۳۸۵، ح ۶۳۲، ص ۴۶۶، ح ۷۱۰ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۶۴، ش ۶۲۱۲ و ۶۲۱۳ / نقد الرجال، ج ۳، ص ۲۴، ش ۲۷۷۷.

عبّاس نجاشی اسدی کوفی (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)

عبّاس محدّث شیعی بود که کتبه‌اش در منابع ذکر نشده و از تاریخ تولّد و مرگش نیز اطلاعی در دست نیست. از یک سو، وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) به شمار آورده‌اند که این موضوع حاکی از آن است که وی در آن زمان، دست‌کم دوران جوانی خود را می‌گذراند؛ و از سوی دیگر، شاگردش احمد بن محمّد بن عیسی اشعری در حدود ۲۸۰ هـ وفات یافته است. بدین‌روی، احتمال داده می‌شود که وی تا او اسط سده سوم (ح ۲۵۵ هـ) زنده بوده است. وی در کوفه دیده به جهان گشود و در همان‌جا پرورش یافت. احتمالاً دوران کودکی و نوجوانی را نزد معلمان کوفه درس خواند و در ایّام جوانی، توفیق دیدار با امام رضا علیه السلام را پیدا نمود و از آن امام درباره امامتش سؤال کرد. آن حضرت در جواب فرمود: «آری، به خدا قسم! من امام آدمیان و جتیان هستم».

روایت‌گر احادیث او احمد بن محمّد بن عیسی اشعری (م ۲۸۰ ق) است، اما معلوم نیست وی از چه کسی نقل حدیث کرده. به همین دلیل، از استادان او کسی را نمی‌شناسیم. وی با توجه به اینکه شرح حالش در منابع ذکر نشده، هیچ اطلاعی درباره خانواده و چگونگی تحصیلاتش نداریم. احتمال اینکه وی جدّ اعلای ابوالعبّاس نجاشی (م ۴۵۰ ق) بوده باشد، بعید به نظر نمی‌رسد. در این صورت، فرزندش احمد بن عبّاس نجاشی معروف به «بن طیالسی» (م.ب ۳۳۵ ق) است که از دانشمندان زمان خود بود. همچنین نوّه او علی بن احمد بن عبّاس نجاشی (م.ح ۴۱۵ ق) یکی دیگر از محدّثان صاحب‌نام شیعه بود که هم‌زمان با شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در بغداد تحصیل می‌کرد. در این صورت، ابوالعبّاس احمد بن علی بن احمد بن عبّاس نجاشی (م ۴۵۰ ق) فرزند نوّه او بود که خود از ارکان شیعه و از چیره‌دستان علم رجال به شمار می‌آید. درباره آثار تألیفی او، کتاب یا رساله‌ای معرفی نشده است.

منابع

رجال الطوسی، ص ۳۶۲، ش ۵۳۵۹؛ ص ۴۱۲، ش ۵۹۶۴ / عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۱۰ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۷۴، ش ۶۲۲۵.

عبدالرحمان بن ابی‌نجران تمیمی کوفی (ق-ح ۲۵۵)

ابوالفضل، فقیه و محدث مورد وثوق شیعی و از اصحاب امام رضا علیه السلام، نامش عمرو بن مسلم بود، ولی در منابع حدیثی، از او با همان نامی که در عنوان آمده است، یاد کرده‌اند. وی در دهه‌های پایانی سده دوم در کوفه دیده به جهان گشود و در اواسط سده سوم (ح ۲۵۵ هـ) وفات یافت؛ زیرا شاگردش علی بن حسن بن فضال (م ۲۹۰ ق) بدون واسطه از او نقل حدیث کرده؛ چنانکه حمدویه بن نصیر کشی (م-ح ۳۳۵ ق) و سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ ق) با یک واسطه از او حدیث آورده‌اند. بنابراین، وی احتمالاً اواسط سده سوم را درک کرده و ظاهراً در زادگاهش زندگی را به سر آورده است. وی در کوفه پرورش یافت و دوران کودکی و نوجوانی اش را تحت مراقبت و تربیت پدرش به انجام رساند.

پدرش ابونجران از علمای عصر امام صادق علیه السلام بود و در فقه و حدیث شهرت داشت. وی پس از دوران کودکی و نوجوانی، سفرهایی به سامراء داشت و در آنجا از محضر امام جواد علیه السلام بهره‌های فراوان برد و در طول حیات خود، مکاتبات خود را با آن امام قطع نکرد. از معاصران او، حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق) و حسن بن علی بن فضال کوفی (م ۲۲۴ ق) هستند که به اتفاق هم، نقش استادی فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) را بر عهده داشتند. بیشتر احادیثی که فضل بن شاذان از او نقل کرده درباره غیبت امام عصر (عج) است و این موضوع نشان می‌دهد که وی به عصر غیبت (۲۶۰-۳۲۹ ق) نزدیک بوده است. همچنین از معاصران دیگر او، محمد بن عبدالحمید و سندی بن محمد بودند که با هم در کوفه نزد عاصم بن

حمید حنّاط جعفی (شاگرد امام صادق علیه السلام) حدیث شنیده‌اند. او در بصره نیز با حسین بن سعید اهوازی (م. ح ۲۵۷ ق) هم صحبت بود و با هم نزد حمّاد بن عیسی کوفی (م ۲۰۹ ق) به استماع حدیث می‌پرداختند.

سوابق علمی او حاکی از آن هستند که وی بیشتر حیات علمی خود را در کوفه سپری کرد، اما سفرهایی نیز به بصره و بغداد داشت و از استادان آنجا بهره برد. وی در بصره از حمّاد بن عیسی جهنی (م. ق. ۲۲۰ ق) بهره برده و در بغداد نیز با نقیب بلندآوازه علویان، ابروهاسم جعفری بغدادی (م ۲۶۱ ق)، هم عصر بود.

صاحب‌نظران درباره روایات او ابراز اطمینان کرده و از شخصیت او ستایش شایانی به عمل آورده‌اند. در این میان، ابوالعبّاس نجاشی (م ۴۵۰ ق) بیش از همه او را ستوده و باروش تکرار نثقه نثقه از او تجلیل نموده است. ابن روش، که درباره روایان محدودی (قریب ۳۴ نفر) به کار گرفته شده، نشانگر منزلت بالای اوست. وی در کوفه و بغداد با استادان متعددی ملاقات داشت و از محضر درس آن‌ها استفاده کرد. از جمله استادان او داود بن سرحان عطار کوفی، عبدالله بن سنان، حسین بن یسار، هشام بن سالم و حمّاد بن عیسی جهنی (م. ح ۲۰۹ ق) بودند. وی همچنین به اتفاق هم‌بحث خود، محمد بن اسماعیل بن بزیع از صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) حدیث شنید. از شاگردان او، محمد بن خالد طرابلسی، علی بن حسن بن فضال کوفی (م ۲۹۰ ق)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م ۲۸۰ ق)، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق)، محمد بن جمهور عمی و حسن بن موسی خنّساب هستند.

از آثار تألیفی او، آمار دقیقی در دست نیست، اما به گفته نجاشی، وی کتاب‌های زیادی تألیف کرده است. از جمله آثار تألیفی او، کتاب‌های قضایا، المطعم والمشرّب (خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها)، یوم ولیله (وظایف یک شبانه روز) و نوادر (تازه‌های حدیث) هستند. وی همچنین کتابی با عنوان البیع والشراء داشته که نجاشی آن را دیده است.

منابع

دلائل الامامه، ص ۱۳۴، ح ۴۳؛ ص ۴۳۸، ح ۴۱۲ / رجال الطوسی، ص ۳۶۰، ش ۱۵۳۲۳ ص ۳۷۶، ش ۵۵۶۷ / اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۲۸ ح ۱۰۴۴ / رجال النجاشی، ص ۲۳۵، ش ۶۲۲ / طوسی، الغیبه، ص ۱۶۰، ش ۱۱۸؛ ص ۱۶۲، ش ۱۲۱؛ ص ۳۳۵، ش ۲۸۱، ش ۲۸۱؛ ص ۳۳۷، ش ۲۸۵ / قرب الاسناد، ص ۳۰۴، ح ۱۱۹۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۱۰۴، ح ۸۳ / النوادر، ص ۱۰۵، ح ۲۵۵.

عبدالرحمان بن احمد بن جبرویه / خیرویه (۹- ح ۲۸۵ ق)

ابومحمد عسکری، متکلم، فقیه و محدث شیعی در دهه‌های پایانی نیمه دوم سده سوم هجری بود که هیچ منبعی به تاریخ تولد و مرگ او اشاره نکرده؛ چنانکه درباره زادگاه و محل وفات او نیز گزارشی نرسیده است. از لقب «عسکری» برمی آید که احتمالاً از اهالی «عسکر مکرم»، شهری در نزدیکی شوشتر، بوده است که در این صورت، با دانشمند معروف ابوهلال عسکری (م ۳۹۵ ق) هم‌وطن خواهد بود. اما این احتمال نیز وجود دارد که وی منسوب به «عسکر» یعنی شهر سامزاه بوده باشد که در این صورت، باید اذعان کرد که وی یا اهل آنجا بوده و یا دست‌کم مدتی در آنجا اقامت داشته است. از لقب «جبرویه» برمی آید که وی احتمالاً در اثر مناظره‌های متعددش با متکلمان معتزلی، متهم به جبر شده و از این رو، ملقب به «جبرویه» گشته است، هرچند درباره او لقب او «خیرویه» نیز گفته شده است. اما سخن علامه حلّی در اینجا متناقض است؛ زیرا در خلاصه الاقوال آن را به صورت «جبرویه» (جیم و باه) ضبط کرده، ولی در کتاب ایضاح الاشتباه به صورت «جبرویه» (جیم و یا) ضبط نموده است.

از خانواده و محیط زندگی او اطلاع چندانی نداریم، اما احتمالاً برادری داشته به نام ابراهیم بن احمد بن جبرویه که از عالمان و استاد «ابن عقده کوفی» (م ۳۳۲ ق) بوده است.

وی از متکلمان سرشناس شیعی بود که متأسفانه آوازه کمتری یافت و احیاناً در حق او غفلت صورت گرفته است. شیخ طوسی در رجال و فهرست خود، سخنی از او به میان نیاورده است، با اینکه وی دارای تألیفاتی بوده و در زمان خود، مناظره‌های متعددی با مخالفان شیعه انجام داده و همو بود که «ابن مملک اصفهانی» (م. پ ۳۰۳ ق) را از مکتب اعتزال جدا کرد و به مذهب شیعه معتقد ساخت. نجاشی ضمن گزارش این مطلب، او را دانشمندی متکلم و از بزرگان علمای امامیه معرفی کرده و سپس گفته است: وی دارای تصنیفات خوبی بود و در مناظراتش سخنان نیکو داشت و با دانشمندان هم طبقه خود مانند عبّاد بن سلیمان مناظراتی داشت.

مناظره او با عبّاد بن سلیمان بصری، که از استادان و متکلمان بلند آوازه معتزلی بود، گواه آن است که وی در علم کلام تخصص کامل داشت و غالباً در مناظراتش بر آنان پیروز می‌شد. احتمالاً علت اینکه گفته می‌شود عبّاد بن سلیمان در برخی از مسائل کلامی با دیدگاه‌های معتزله مخالفت پیدا کرد، شاید به خاطر مناظره‌های او با وی بوده است؛ چنان‌که شیعه‌شدن ابن مملک معتزلی نیز با راه‌نمایی‌های او صورت گرفت. به هر حال، از سوابق علمی او به دست می‌آید که وی دانشمندی چیره‌دست بود و آن‌گونه که نجاشی گفته، فردی «خوش‌گفتار» بود و سخنان او بر مخاطبانش تأثیر بسزایی می‌گذاشتند.

در زمان او، متکلمان بلند آوازه‌ای مانند ابوعلی جبّای (م ۳۰۳ ق) در بغداد حضور داشتند، اما چون وی بر ابوعلی تقدّم زمانی داشت، گزارشی از مناظره او با ابوعلی در منابع نیامده است و - چنان‌که پیش‌تر گفتیم - وی با عبّاد بن سلیمان مناظره داشت که احتمالاً از استادان ابوعلی بوده است. به همین دلیل، تاریخ وفات شخصیت مورد بحث در اواخر سده سوم (ح ۲۸۵ ه) در نظر گرفته شده است. بنابراین، گنجاندن نام او در شمار متکلمان سده چهارم، که از سوی برخی

از محققان معاصر (تهرانی در طبقات اعلام الشیعه) صورت گرفته است، جای تأمل دارد.

وی تألیفات متعددی داشت که متأسفانه حتی نام آن‌ها در منابع معتبر ذکر نشده است. تنها نجاشی نسخه‌ای از کتاب او با عنوان *الکامل فی الامامه* در اختیار داشته که امروزه از آن نیز اثری نیست. از احادیث و روایات او نیز چیزی بر جای نمانده است. به همین دلیل، شناسایی استادان و شاگردان او برای ما ممکن نیست.

منابع

ایضاح الاشتباه، ص ۲۳۹، ش ۴۷۵ / خلاصه الاقوال، ص ۲۰۵، ش ۹ / دلائل الامامه، ص ۲۱۲، ح ۱۳۵ / رجال النجاشی، ص ۲۳۶، ش ۶۲۵؛ ص ۳۸۱، ش ۱۰۳۳ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۴۷.

عبدالرحمان بن یوسف بن خراش مروزی بغدادی (؟ - ۲۸۳ ق)

ابومحمد، از حافظان بزرگ و از رجالیان برجسته شیعه بود. از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست، اما وفات او در پنجم رمضان سال ۲۸۳ هـ در بغداد واقع شد. وی برای کسب حدیث، بسیاری از سرزمین‌های اسلامی را زیر پا گذاشت. به همین دلیل، به «رحاله» ملقب است. دانشمندان اهل سنت مانند خطیب بغدادی و ذهی با اینکه وی را به این دلیل که مثالب شیخین را استخراج کرده است «رافضی» معرفی می‌کنند، اما از وی با اوصافی همچون «حافظ»، «صاحب معرفت»، «بارع» و «نافذ» تجلیل به عمل آورده و سپس اذعان کرده‌اند که کسی حافظ‌تر از وی نبوده است. وی به اعتقاد همه دانشمندان شیعه و سنی، نه تنها در علم حدیث فردی کاملاً مورد اعتماد است، بلکه جرح و تعدیل‌های او نسبت به راویان دیگر نیز مورد استناد قرار می‌گیرد.

وی نزد استادانی همچون نصر بن علی جهضمی و احمد بن ابراهیم دورقی حدیث شنیده است. از شاگردان معروف او، ابوالعباس احمد بن عقده (۲۴۹-۳۳۳ ق) بود که کتاب رجال ابن عقده بر اساس گفته‌ها و نوشته‌های ابن خراش، شکل یافته است. از شاگردان دیگر او، ابوسهل القطان و بکر بن محمد صیرفی را می‌توان نام برد. از تألیفات او رجال ابن خراش، مثالب الشیخین و الجرح والتعديل است.

منابع

البدایة والنهایة، ج ۱۱، ص ۸۵ / تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۲۷۸، ش ۵۳۹۸ / تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۸۴ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۴ ج ۱۹، ص ۴۷۵ ج ۲۶، ص ۲۵۲ / سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۵۰۸ / الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۳۵۸.

عبدالعزیز بن مهدی اشعری قمی (ح ۱۸۰ - ح ۲۶۰ ق)

عبدالعزیز، فقیه و محدث مورد اعتماد شیعی، کتبه‌اش در منابع ذکر نشده است. تاریخ تولد و وفات او نیز به درستی روشن نیست. وی در قم نماینده و وکیل امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) بود. بنابراین، در آن زمان از وجاهت لازم و از سن کافی برخوردار بود. از این‌رو، تاریخ تولدش را می‌توان در دهه‌های اخیر سده دوم (ح ۱۸۰ ه) تخمین زد. درباره وفات او نیز اگرچه تاریخ مشخصی گزارش نشده، اما از شاگردان او، که غالباً تا دهه‌های پایانی سده سوم حیات داشتند، می‌توان حدس زد که وی دست‌کم تا اواسط این سده زنده بوده است. شیخ طوسی نیز با اینکه وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام معرفی کرده، در جای دیگر، وی را در ردیف محدثانی قرار داده که به طور مستقیم از امامان معصوم علیهم السلام نقل حدیث نکرده‌اند. این گزارش ممکن است حاکی از آن باشد که وی علاوه بر دوره معصومان، آغاز عصر غیبت صغرا (۲۶۰ - ۳۲۹ ق) را نیز درک کرده است.

بدین روی، می توان تاریخ درگذشت او را حدود ۲۶۰ هـ، که اندکی پس از غیبت صغری می باشد، در نظر گرفت.

وی از سلسلهٔ جلیل القدر «اشعریان» بود که در ترویج فرهنگ تشیع در قم نقش اساسی داشتند و ظاهراً زادگاه و محل پرورش او نیز در همین شهر بوده است. از میان افراد خانوادهٔ او، تنها نوه اش محمد بن حسین بن عبدالعزیز بن مہدی را می شناسیم که از چهره های فقه و حدیث در قم به شمار می آمد.

وی پس از دوران کودکی و نوجوانی، به عراق آمد و در کوفه با استادان بزرگی همچون یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق)، سعد بن سعد اشعری قمی و عبدالله بن جندب بجلی (نمایندهٔ امام رضا و جواد علیهما السلام) در اهواز ارتباط یافت و در اثر روابطش با این استادان، به محضر امام رضا علیه السلام راه یافت و ارتباط صمیمانه ای با آن امام پیدا کرد، اما از اینکه وی چگونه و در کجا با آن امام ارتباط یافت، گزارشی به دست نیاوردیم. وی پس از اینکه در علم و دانش به حد کمال رسید به قم بازگشت و ظاهراً در همین فرصت بود که برای نخستین بار از جانب امام رضا علیه السلام به عنوان وکیل آن حضرت در قم منصوب گشت. پس از وفات امام رضا علیه السلام در ۲۰۳ هـ، با امام جواد و هادی علیهما السلام نیز مکاتباتی برقرار کرد و از ناحیهٔ آن دو امام به مقام وکالت رسید. به گفتهٔ شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، وی از وکلای قابل ستایش امامان عصر خود بود و امام جواد علیه السلام نیز طی نامه ای در حق او دعا نموده است. وی در قم ضمن اینکه وظیفهٔ وکالت را بر عهده داشت و به مشکلات اجتماعی و شرعی مردم رسیدگی می کرد. مجلس درسی نیز داشت که در آن دانشمندان بلند آوازه ای مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م ح ۲۸۰ ق)، ابراهیم بن هاشم قمی (م ح ۲۷۵ ق) و احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق) حضور داشتند. از شاگردان دیگر او، نوح بن شعیب نیشابوری، محمد بن عیسی بن عبید یقطینی (م ۲۶۰ ق)، محمد بن اسماعیل رازی و بکر بن زیاد هستند. همچنین

شاگرد دیگر او فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) بود که در ستایش او گفته است: وی وکیل و یثرة امام رضا علیه السلام و بهترین شخصیت قمی است که من دیده‌ام. صاحب نظران به اتفاق آراء، وی را عالمی وارسته و مورد اعتماد معرفی نموده و بر صحت روایات او تصریح کرده‌اند. سوابق علمی او حاکی از آن هستند که وی تا آخر عمر در قم می‌زیسته و زندگی را در همین شهر به پایان برده است. از آثار تألیفی او، کتاب یا رساله‌ای معرفی نشده، اما به گفته نجاشی، وی دارای کتابی بوده است. احتمالاً این کتاب مجموعه اخبار و نامه‌هایی بوده که وی با امام رضا امامان بعدی علیهم السلام داشته است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۷۹، ش ۹۱۰ / تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۸۲ / خلاصة الاقوال، ص ۲۰۸، ش ۳ / رجال الطوسی، ص ۳۶۰، ش ۵۳۲۴؛ ص ۴۳۵، ش ۶۲۲۱ / رجال النجاشی، ص ۲۴۵، ش ۱۴۲؛ ص ۴۴۷، ش ۱۲۰۸ / طوسی، النبی، ص ۳۴۹، ح ۳۰۵ / همو، الفهرست، ص ۱۹۱، ش ۵۳۴ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۲، ح ۴۶۵۰ / موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۴۶۷.

عبدالله بن احمد بن حرب مهزومی عبیدی (ح ۱۷۵ - ۲۵۷ ق)

عبدالله، مشهور به «ابوهفان» (به کنسر هاء و تشدید فاء)، شاعر نوحاسته هجوگوی بود که در بصره از خاندان شیعی مذهب «بنی مهزم» برخاست و چون خاندان «بنی مهزم» از تیره «عبد قیس» هستند، او را «عبیدی» نیز می‌خوانند. به گفته ابن حجر، وی در سال ۲۵۷ هـ و احتمالاً در بغداد چشم از جهان فرو بست. بنابراین، سال ۱۹۵ ق، که یاقوت در معجم الادبیه ذکر می‌کند، بی‌تردید نادرست می‌باشد و ظاهرأ با سال وفات ابونواس خلط شده است. از زمان تولد او اطلاعی

در دست نیست. احتمالاً هنگامی که وی در مجلس درس ابونواس حسن بن هانی (م ۱۹۸ ق) شرکت می‌کرد ادیبی جوان بود و سن او از دو یا سه دهه فراتر نمی‌رفت. از این رو، می‌توان ولادت او را در اواسط نیمهٔ دوم سدهٔ دوم (ح ۱۷۵ هـ) در نظر گرفت.

از خانواده و بستگان او، عموهایش محمد بن حرب و علی بن حرب، و نیز دایی اش مسلمة بن مهدی را می‌شناسیم که از ادیبان و هالمان زمان خود بودند و مسلمة به شاعری نیز شهرت داشت. ظاهراً این افراد در پرورش علمی و ادبی او نقش بسزایی داشتند و از همین رو، وی در بصره از نوجوانی به فراگیری ادبیات و شعر اشتغال یافت. وی پس از مدتی بصره را ترک گفت و در بغداد مسکن گزید و از آن پس، همهٔ اخباری که از او در دست داریم گویا در همین شهر رخ داده‌اند.

ابوهفان را غلام و راوی ابونواس دانسته‌اند و از اینجا پیداست که او پیش از همه، شیفتهٔ این شاعر بزرگ گردیده و به حلقهٔ یاران او پیوسته و شیوهٔ زندگی و شعر سرایی او را پیش گرفته است. با این همه، ابوهفان در وهلهٔ نخست، راوی است و همین امر او را برای روایت شعر و لغت و شاید هم حدیث، نزد ابوسعید عبدالملک اصمعی (م ۲۱۶ ق) کشانده است. وی سرانجام، در شعر و ادب به حد کمال رسید و کسانی همچون ابن طیفور احمد بن ابی طاهر (م ۲۸۰ ق)، جنید بن حکیم دقاق و یحیی بن مزرع او را مرجع خویش قرار داده و از او روایت کرده‌اند. اکنون بسیاری از اشعار و نقل و قول‌های او در لغت، در منابع کهن ادبی به چشم می‌خورند، اما بیشتر گزارش‌هایی که دربارهٔ او نقل شده، مربوط به مجالس میثاشی و همنشینی با یاران هرزه‌در او می‌باشند. حلقهٔ آشنایان وی، حلقه‌ای بس شگفت است؛ زیرا حتی تابناک‌ترین چهره‌های ادب عرب را می‌توان در آن یافت. کسانی همچون جاحظ، بحتری، ابوالعیناء، علی بن یحیی منبجیم، میرد نحوی، ابوعلی بصیر (شاعر شیعی و ایرانی‌الاصل) و بسیاری دیگر که شمار آن‌ها اندک

محرز باهلی، که از او تاوتر تر بود، کسب علم و روایت می‌کند، او را به ناسزا گرفت و وی را «شیطان صفت» و دارای عقل زنانه و کودکانه دانست. گرچه به فهرست شاعرانی که ابوهفان با آنان همنشینی داشته است، باز هم می‌توان افزود، اما وجه مشترک بیشتر آنان همان است که مرزیانی گفته: اینان همه در ظرافت‌گویی و هرزه‌درایی شیاطین العسکرند.

ابوهفان مردی تنگ‌دست بود و گاه برای به دست آوردن یک وعده خوراک، صحنه‌آرایی می‌کرد. یک بار نیز از خیابان‌های بغداد عبور می‌کرد که نگاهش به چند مرد بی‌سواد و سوار بر اسب افتاد و چون از حال آن‌ها باخبر شد، از فقر خود نالید و این بیت را انشا کرد:

«أی ربِّ قد رَكِبَ الارذلونَ و رجلی من رحلتی دامیة»

(خدایا! انسان‌های فرومایه سواره‌اند، در حالی که پاهای من از پیاده‌روی خون‌آلودند.)

وی در چند قطعه از اشعار خود، از زندگی لباس یا از عریانی خویش نیز نالیده است. حتی در یک دو بیتی اشاره می‌کند که برای کسب یک وعده غذا، ناچار شده است لباس‌های خود را نیز بفروشد، اما به گفته خود او، این تنگ‌دستی زایدۀ بخشش‌های بی‌حد و حصر او بوده است؛ چنان‌که شگفتی ابن ثؤابه (م ۲۷۷ ق)، شاعر شیعی و دبیر برجسته عباسیان، در ماجرای که ابوهفان برای استقبال از او سوار الاغ کرایه‌ای شده بود، حکایت از آن دارد که وی فی نفسه مردی فقیر نبوده و به همین دلیل، ابن ثؤابه از الاغ کرایه‌ای او تعجب کرده است. جالب آنکه در این ماجرا، وقتی ابن ثؤابه از او می‌پرسد: چرا سوار خر مکاری (خر کرایه) شده‌ای. وی در جواب او، یک دو بیتی تمکین در باب فقر خود می‌سراید و سپس ابن ثؤابه از او می‌پرسد: آیا این دو بیتی را همین حالا سروده‌ای؟ وی با شوخ‌طبعی تمام می‌گوید: نخیر، فردا سروده‌ام.

ابوهفان به رغم این تنگ دستی و بی بند و باری، از دانش‌های ادبی بهره‌مند بود. نقدهای ادبی و اظهارنظرهای او در معانی لغات و اشعار بلندی که از او بر جای مانده، گواه این مطلب هستند. داستانی که ابوالفرج اصفهانی (م ۴۲۳ ق) از مجلس درس ابن اعرابی (ادیب و لغت‌شناس بزرگ عرب) نقل کرده، حاکی از آن است که ابوهفان در آن مجلس، به کسی گفت: این مرد خودپرست در دو جا شعر را تحریف کرد و تفسیر غلط هم برایش آورد. ابن معتز نیز وی را از مشاهیر شاعران معرفی کرده است. وی همچنین آنجا که دهبل خزاعی در یک دو بیتی با او وداع می‌کند، از شعرش انتقاد می‌کند و آن را برگرفته از شاعران پیشین یعنی قطامی و ابن بجره می‌داند. افزون بر این، موارد دیگری از نقدهای ادبی او وجود دارند که نشان از چیرگی او در این فن دارند و بیشتر آن‌ها در مقدمه کتاب اخبار ابی‌نواس آمده‌اند.

وی با اینکه خود از شاعران است، اما در برخی از منابع، حدیثی را به او نسبت داده‌اند که در آن امرؤ القیس (شاعر بلند آوازه عرب) را نکوهش کرده است. ابوالحسن دارقطنی (م ۳۵۸ ق) در حدیثی از ابوهفان، که سلسله آن از اصمعی می‌گذرد و به ابوهریره می‌رسد، از رسول خدا ﷺ آورده است: امرؤ القیس، سرکرده شاعران، در دوزخ است. خطیب بغدادی (م ۴۶۰ ق) نیز پس از دارقطنی، این روایت را نقل کرده است. اما با توجه به اینکه وی، خود اخبار و اشعار امرؤ القیس را جمع‌آوری کرده است، بعید می‌نماید.

درباره مذهب ابوهفان، هیچ منبعی تا دو سده پس از حیات او، اشاره‌ای نکرده و در میان صاحب‌نظران متقدم شیعه، نخستین بار نجاشی به تشیع او تصریح نموده و گفته است: وی در میان اصحاب ما مشهور است و در مذهب ما شعر سروده. از این گفته نجاشی برمی‌آید که ابوهفان با عالمان و دانشمندان شیعی در ارتباط بوده و به شیعه‌گری شهرت داشته است. نجاشی همچنین

جمع آوری کتاب شعری طالب بن عبدالطلب و اخباره را به او نسبت می دهد و این مطلب با توجه به اینکه نجاشی در معرفی نویسندگان شیعه بسیار دقیق و با احتیاط عمل می کرده است، کاملاً قابل قبول به نظر می رسد. پس از نجاشی، کسی در انتساب این کتاب به او و همچنین در تشیع او تردید نکرده است. شاید از برخی گزارش های او، که ترک فضایل حضرت علی علیه السلام در آن ها نکوهش شده است، نیز بتوان گرایش های شیعی او را به دست آورد. به گفته خود او، محمد بن وهیب حمیری (م ۲۲۲ ق)، که عقیده ای شیعی داشت، به مجلس یزید بن هارون رفت و آمد داشت و از اینکه ابن هارون فضایل خلفای ثلاثه را بازگو می کرد و سخنی از فضیلت حضرت علی علیه السلام به میان نمی آورد، او را به باد انتقاد گرفت و چنین سرود:

«لا يذكرونُ علياً في مشاهدهم و لا بنيه بنى البَيْضِ الميامينِ
اتسى ناعلمُ اتسى لأحبيهم كما هم بيقين لا يحبونى»

(در مجالس خود، سخنی از علی و پسرانش، که سفیدرویان بهشتند، به میان نمی آورند. من حتماً این افراد را دوست ندارم؛ چنانکه آنان نیز یقیناً مرا دوست ندارند.)

افزون بر این ها، به اعتقاد بعضی از صاحب نظران، شاعر بودن او نیز خود دلیل بر تشیع وی می باشد؛ زیرا شاعر غیر شیعی نداریم.

مهم ترین استادان او - چنانکه پیش از این اشاره شد - ابونواس حسن بن هانی (م ۱۹۸ ق) و عبدالملک بن اصفمی (م ۲۱۶ ق) بودند، اما وی از بزرگانی همچون دعبل خزاعی (م ۲۴۶ ق) و ابوتمام طائی (م ۲۳۱ ق) نیز اخبار نقل کرده است. از شاگردان او - غیر از آنچه گذشت - می توان از ابن درید عمانی (م ۳۲۱ ق) و محمد بن جعفر صیدلانی (داماد مبرد نحوی) نام برد.

از آثار و تألیفات او، اخبار ابی نواس، الأربعة فی أخبار الشعراء، أشعار عبد قیس

و اخبارها، شعر ابی طالب بن عبدالمطلب و اخباره و صناعة الشعر معرفی شده‌اند. کتاب‌های اخبار ابی نواس و شعر ابی طالب اکنون در دست می‌باشند و بارها به چاپ رسیده‌اند. از سروده‌های خود او، اکنون کتاب مستغنی در دست نیست، ولی اشعار او را، که از هفتاد بیت فراتر نمی‌روند، می‌توان در کتاب‌های بهجة المجالس ابن عبدالبرّ، تشبیهات ابن ابی عون و حماسه ابن شجری یافت.

منابع

الاعلام، ج ۴، ص ۶۵ / تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۳۷۸، ش ۴۹۴۵ / التشبیهات، ص ۲۸۲ و ۳۳۱ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۲، ص ۱۶۷، ش ۶۷۳۳ / خلاصة الاقوال، ص ۲۰۱، ش ۴۱ / دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۴۰۰ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۰۸، ش ۴۴۳۰؛ ج ۱۴، ص ۱۹۵، ش ۲۱۶۱؛ ج ۱۵، ص ۱۵۰، ش ۹۸۸ / رجال النجاشی، ص ۲۱۸، ش ۵۶۹ / سوالات حمزه، دارقطنی، ص ۱۸۴ / طبقات الشعراء، ص ۴۰۹ / فهرست ابن ندیم، ص ۱۶۱ و ۱۸۲ / لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۵۰، ش ۱۰۹۱ / معجم الادباء، ج ۱۲، ص ۵۴ / معجم الشعراء، ص ۲۷۸ و ۳۸۹ / دائرة المعارف بزرگ اسلامی، به نقل از: مقدمه بر اخبار ابی نواس / هدیة العارفین، ج ۱، ص ۴۴۸ / تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۷، ص ۲۵۲ / اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۹۶، ش ۳۱۷.

عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع بن مالک حمیری (؟ - ب ۲۹۷ ق) ابوالعباس، از راویان راستگوی امامیه و از اصحاب بلندپایه امام هادی و عسکری علیه السلام بود که تاریخ ولادتش معلوم نیست، ولی تاریخ وفات او پس از سال ۲۹۷ هـ بوده است؛ زیرا ابوغالب زراری (م ۳۶۸ ق) در ۲۹۷ هـ در کوفه نزد او درس خوانده است. درباره نام جد او، بین علمای رجال اختلاف است. به عقیده مشهور، نام جدش «حسن» است، ولی در رجال ابن داود، نام جدش «حسین» (به صورت مصغر) ثبت شده است. فرزند او، محمد بن عبدالله بن جعفر (م. ب

۳۰۴ق)، از رجال معتمد شیعہ و کسی بود که با امام عصر (عج) مکاتبه داشت. نجاشی در رجال خود، از ری فرزندان دیگری به نام‌های جعفر، حسین و احمد نام می‌برد که همگی مکاتباتی با حضرت ولی عصر (عج) داشتند. وی از چهره‌های برجسته قم بود که پس از ۲۹۰ هـ وارد کوفه شد و برای اهل آنجا نقل حدیث کرد و کتاب‌های زیادی تصنیف نمود. از تألیفات او به دست می‌آید که تخصص عمده‌اش در علم حدیث، فقه و اعتقادات بود.

وی احادیث و گفته‌های امام رضا و جواد علیهما السلام را در کتاب‌های جداگانه‌ای با عنوان *قرب الاستاد الی الرضا و قرب الاستاد الی ابی جعفر الثانی جمع‌آوری کرد*. همچنین روایات امام حسن عسکری و امام عصر علیهما السلام را نیز جداگانه جمع‌آوری نمود. وی، که در عصر غیبت صغرا می‌زیست، کتابی درباره غیبت امام زمان (عج) تألیف نمود و مکاتباتی نیز با سفیر دوم ایشان، محمد بن عثمان عمری (نیابت: ۲۶۷-۳۰۴ق) داشت.

بیشتر روایات او به طور مستقیم از امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشند و گاهی نیز از استادان خود (که تعداد آن‌ها ۱۲ نفر است، همچون ابراهیم بن مهزیار، آیوب بن نوح، علی بن اسماعیل، محمد بن عیسی و دیگران) نقل حدیث کرده است. از هم‌بحثان او، احمد بن خالد برقی (م ۲۸۰-۲۷۴ق) بود که در قم با یکدیگر ارتباط داشتند. از شاگردان او، محمد بن حسن صفار و محمد بن علی بن محبوب را می‌توان نام برد، ولی معروف‌ترین آن‌ها احمد بن محمد بن یحیی عطار است. از جمله آثار او، کتاب الامامة، کتاب الدلائل، کتاب الغیبه و کتاب الطب می‌باشند که بیشتر این کتاب‌ها از طریق احمد بن محمد بن یحیی عطار نقل شده‌اند.

منابع

تنقیح المقال (حجری)، ج ۲، ص ۱۷۲، ش ۶۷۸۵ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷۸ / رجال النجاشی، ص ۲۱۹، ش ۱۵۷۳ ص ۳۵۴، ش ۹۲۹ / طبقات اعلام الشیعہ، القرن الرابع،

ص ۱۵۳ / فقه الرضا، ص ۳۲ / معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۱۴۸، ش ۶۷۶۶ / وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۴۰۷.

عبدالله بن حمدویه بیهقی (ح ۱۸۳ - ح ۲۷۵ ق)

عبدالله محدث شیعی و از کسانی بود که با امام حسن عسکری علیه السلام رابطه نزدیک داشتند. «بیهق» که به آن «بیهه» نیز گفته شده، منطقه بزرگی از نواحی نیشابور است که روستاها و آبادی‌های زیادی را در خود جای داده است. تاریخ تولد و وفات او در هیچ‌یک از منابع گزارش نشده است. در رجال کتبی، پس از اینکه ستایش بلیغی از او به عمل آمده، گفته شده که وی وکیل امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) بوده است. بنابراین، او می‌بایست در آن تاریخ، از سن کافی (۲۰ ساله) و از وجاهت لازم برخوردار بوده باشد. از معاصران و هم‌وطنان او، ابراهیم بن عبده نیشابوری (م. ح ۲۶۱ ق) بود که از وکلای امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می‌آمد. در توقیعی که امام علیه السلام برای صاحب شرح حال نوشته، آمده است: من ابراهیم بن عبده را برای اخذ حقوق واجب از اهالی آن دیار، منصوب نمودم و او را مورد اعتماد و امین خودم برای اهالی آنجا قرار دادم. از این نامه، که به‌طور مستقیم به او خطاب شده، استفاده می‌شود که وی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) حیات داشته و به بعضی از امور آن حضرت در منطقه بیهق و نیشابور رسیدگی می‌کرده است. بنابراین، وفات او در نیمه دوم سده سوم اتفاق افتاده است.

از سوی دیگر، دو تن از استادان او در ۲۶۰ هـ وفات یافته‌اند. بدین‌روی، طبعاً وفات او پس از این تاریخ بوده است؛ زیرا غالباً مرگ شاگرد پس از وفات استاد واقع می‌شود. علاوه بر این، شاگردی عیاشی سمرقندی (م. ح ۳۲۸ ق) نزد او

نشان می‌دهد که وی تا اواسط نیمه دوم سده سوم زنده بوده است، بنابراین، ترجیحاً وفات او به سال ۲۷۵ هـ تخمین زده می‌شود.

وی در نیشابور پرورش یافت و چنانکه از لقب «بیهقی» پیداست، اهل همان دیار بود. در منابع، گزارشی از شرح حال او ذکر نشده است، اما از نامه‌ای که پیش از این به آن اشاره شد، موقعیت اجتماعی و نفوذ او در بین مردم نیشابور روشن می‌گردد. همچنین وی در نامه‌ای دیگر به امام حسن عسکری علیه السلام از انحرافات اعتقادی مردم نیشابور شکایت کرده و یادآور شده است که مردم در دین خود اختلاف دارند و معتقدند که وحی منقطع نشده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصیت کاملی نیست. نامه‌های مذکور در رجال کُشی آمده و مهم‌ترین گزارشی هستند که می‌توان شخصیت مورد بحث را ردیابی کرد. از طریق توقیعات و نامه‌های یادشده، ثابت می‌شود که وی پس از اینکه بخشی از تحصیلات خود را در نیشابور به انجام رساند، سفرهایی به عراق داشت و در سامراء با امام حسن عسکری علیه السلام ارتباط پیدا کرد و سپس جزو نمایندگان آن حضرت به شمار آمد.

وی در مدت اقامتش در عراق، نزد استادانی همچون محمد بن عیسی بن عبید یقطینی (م ۲۶۰ ق)، فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) و دیگران به استماع حدیث پرداخت و به تدریج، در فقه و حدیث تبخّر یافت. سپس اندوخته‌هایش را به شاگردان خود انتقال داد که در میان آنان، فقها و محدثان بزرگی همچون محمد بن مسعود عیاشی (م. ح ۳۲۸ ق) و احمد بن محمد یعقوب بیهقی به چشم می‌خورند. وی از راویان خوش‌نام و سرشناس شیعه است و استماعات او تماماً مورد استناد صاحب‌نظران می‌باشند.

از او اثر تألیفی معرفی نشده، اما توقیعاتی که وی با امامان عصر خود داشته، در ضمن کتابی جمع‌آوری شده و از جمله کسانی که از کتاب او گزارش کرده علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۴۸ به بعد و نیز ج ۲، ص ۷۴۸، ۷۷۳ و ۸۱۸، ش ۸۵۰، ۹۰۳ و ۱۰۲۶ / الايضاح، مقدمه، ص ۱۷ / رجال الطوسی، ص ۴۰۰، ش ۵۸۶۰ / طوسی، الغیبه، ص ۲۶۸، ش ۲۳۱ / الفصول المهمة، ج ۱، ص ۵۱۵، ش ۷۴۶ / معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۱۷ / وسائل الشیعة (۲۰ جلدی)، ج ۲۰، ص ۲۳۶، ش ۶۷۶.

عبدالله بن صلت قمی (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)

ابوطالب، مفسر و محدث شیعی و از اصحاب امام رضا علیه السلام، تولدش تقریباً در دهه‌های پایانی سده دوم (ح ۱۸۰ هـ) در قم روی داد؛ زیرا وی زمان امام کاظم علیه السلام (شهادت: ۱۸۳ ق) را درک نکرد و احتمالاً در آن هنگام کودکی بیش نبود. وفات او نیز به خوبی روشن نیست، اما با توجه به اینکه برخی از شاگردان او تا اواخر سده سوم حیات داشته‌اند و همچنین با در نظر گرفتن اینکه شیخ تلمعبری (م ۳۸۵ ق) با در واسطه از او نقل حدیث می‌کند، وفاتش می‌بایست در اواسط سده سوم (ح ۲۵۵ هـ) اتفاق افتاده باشد.

از خانواده و چگونگی پرورش او اطلاع چندانی نداریم، اما این اندازه روشن است که وی در قم پرورش یافت و خانواده‌اش در قم از شهرت بسزایی برخوردار بود. چنین می‌نماید که شهرت خاندان او از موفقیت‌ها و پشت‌کار علمی او سرچشمه گرفته است؛ زیرا از اجداد و نیاکان او در منابع معتبر سخنی به میان نیامده است. به هر حال، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) رجال این خانواده را به پارسایی و علم و دانش ستوده و با برخی از بازماندگان این خاندان مانند ابرسعد محمد بن حسن بن صلت قمی (م. ح ۳۸۰ ق) رفاقت و هم‌نشینی داشته است. همچنین برادرزاده‌اش، محمد بن احمد بن علی بن صلت قمی (م. ح ۲۹۵ ق)، از محدثان برومند شیعه و از استادان علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) بوده است. وی

فرزندی نیز به نام علی بن عبدالله بن صلت داشت که روایتگر احادیث پدرش بود و خود از استادان عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق) به شمار می‌آمد.

وی پس از دوران کودکی و نوجوانی، به کوفه آمد و با طایفه بزرگ «بنی تیم الله بن ثعلبه» از تیره «بکر بن وائل» هم‌پیمان شد. تیم‌الله (تیم اللات) از جمله نوایع عرب بود که بیش از دوست سال حیات داشت و شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمة نام او را در زمره سال‌خوردگان آورده است. وی در کوفه با بسیاری از شاگردان امام رضا و امام صادق (علیهم‌السلام)، که از مدینه به کوفه آمده بودند، ارتباط یافت و روایات آن دو امام را از زبان آنان شنید. همچنین وی با امام رضا (علیه‌السلام) (شهادت: ۲۰۳ ق) و امام جواد (علیه‌السلام) (شهادت: ۲۲۰ ق) دیدارهایی داشت و بسیاری از استماعات او به طور مستقیم از آن دو امام می‌باشند. از جمله معاصران او، عباس بن معروف بود که با هم نزد بکر بن محمد ازدی (از شاگردان امام صادق (علیه‌السلام)) احادیثی شنیده‌اند. صاحب‌نظران شخصیت او را ستوده و روایات او را آرام‌بخش و قابل اطمینان معرفی کرده‌اند.

وی در عراق استادان فراوانی دید که بیشتر آنان در کوفه اقامت داشتند. همین امر گویای آن است که وی بخش عمده حیات علمی‌اش را در کوفه به انجام رسانده و ازاینکه با قبیله «تیم اللات» هم‌پیمان گشته بود، چنین برمی‌آید که وی در این شهر اقامت دایم داشته و احتمالاً در همین ناحیه زندگی را به سر آورده است؛ چنانکه شاگردان قمی او نیز به گواه اینکه غالباً در کوفه اقامت داشته و یا مسافرت‌های زیادی به این شهر انجام می‌دادند، احتمالاً شنیده‌هایشان را در کوفه از او فرا گرفته‌اند. از میان استادان فراوان او، معروف‌ترین آنان عبدالله بن مغیره، یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) حماد بن عیسی کوفی (م ۲۰۹ ق)، محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق)، احمد بن ابی نصر بزنطی کوفی (م ۲۲۱ ق)، حسن بن علی بن فضال کوفی (م ۲۲۴ ق) و حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق) هستند. وی

همچنین شاگردان زیادی تربیت نمود که مشهورترین آن‌ها حسین بن سعید اهوازی (م.ج ۲۵۷ ق)، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق)، ابراهیم بن هاشم قمی (م.ج ۲۷۵ ق)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م.ج ۲۸۰ ق) و محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق) هستند.

از آثار تألیفی او، تنها یک کتاب به نام تفسیر معرفی شده است. این کتاب اکنون در دست نیست، اما روایات متعددی از این کتاب در جوامع حدیثی شیعه باقی مانده‌اند.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۸، ش ۱۰۷۴ و ۱۰۷۵ / تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۷۶، ح ۸۰۶ / رجال الطوسی، ص ۳۶۰، ش ۵۳۲۷، ص ۳۷۶، ش ۵۵۶۵ / رجال النجاشی، ص ۲۱۷، ش ۵۶۴ / طوسی، الغیبه، ص ۳۴۸، ح ۳۰۳ / همو، الفهرست، ص ۱۷۰، ش ۴۴۸ / الکافی، ج ۱، ص ۴۶۸، ح ۵؛ ج ۵، ص ۳۹۴، ح ۶؛ ج ۷، ص ۱۶، ح ۱ / کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۳، مقدّمه مؤلف / المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۴۴۳؛ ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۵۰۴ / معانی الاخبار، ص ۳۳، ح ۲؛ ص ۲۹۷، ح ۳.

عبدالله بن طاووس (ح ۱۶۰ - ح ۲۶۰ ق)

عبدالله، محدّث شیعی و از اصحاب امام رضا علیه السلام، کنیه‌اش در منابع ذکر نشده است. همچنین تاریخ ولادت و زمان مرگش نیز روشن نیست. وی در سال ۲۳۸ هـ (و بنا به روایتی در ۲۴۱ هـ) حیات داشته و برای شاگردش نقل حدیث کرده است. در گزارشی از رجال کتبی آمده است که امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) به او فرمود: تو از سال خوردگان خواهی شد. این جمله نشان می‌دهد که وی در عصر امام رضا علیه السلام دوران میان‌سالی خود را سپری می‌کرده و به سن پیری نرسیده بوده است و با توجه به اینکه وی صد سال عمر داشت، گمان می‌رود تا اوایل نیمه دوم

سده سوم (ح ۲۶۰ ق) حیات داشته است. بر پایه همین احتمال، ولادت او می‌بایست در سال ۱۶۰ هـ اتفاق افتاده باشد.

شرح حال او در هیچ‌یک از منابع نیامده است. بنابراین، در اینکه وی از چه خاندانی برخاسته و دوران کودکی و تحصیلاتش را چگونه به انجام رسانده است، چیزی نمی‌دانیم. اکنون در منابع حدیثی نیز تنها دو روایت از او باقی مانده که آن‌ها را از امام رضا علیه السلام شنیده و از او حسن بن احمد مالکی، که احتمالاً از شاگردان او بوده، نقل کرده است. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که وی فردی شیعی بود و مصاحبت او با امام رضا علیه السلام گواه این مطلب است. از او اثر تألیفی معرفی نشده است.

گفتنی است نام او با عبدالله بن طاووس بن کیسان یمانی (م ۱۳۲ ق) از راویان اهل سنت، که در ایام ابوالعباس سفاح وفات یافت، مشترک می‌باشد.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۳، ش ۱۱۲۳ / تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۳۵، ش ۲۵۹ / رجال الطوسی، ص ۳۶۲، ش ۵۳۷۷ / معانی الاخبار، ص ۲۶۳، ح ۱ / معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۲۲۰، ش ۶۹۴۱.

عبدالله بن محمد حجاج اسدی (ح ۱۸۵ - ح ۲۶۰ ق)

ابومحمد، متکلم و محدث امامی، تاریخ تولد و وفاتش در دست نیست. وی عصر امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) را درک کرد و ظاهراً در آن زمان، دوران جوانی خود را می‌گذراند. پس می‌توان تاریخ ولادت او را دهه‌های آخر سده دوم (ح ۱۸۵ هـ) در نظر گرفت و احتمالاً زادگاه او در کوفه بوده است. درباره وفات او نیز سخن قاطعی نمی‌توان گفت. برخی از شاگردان او در سال ۲۸۰ هـ وفات

یافتند. بنابراین، وی طبعاً پیش از این تاریخ، زندگی را به سر آورده است. از این‌رو، وفات او در اواسط سده سوم (ح ۲۶۰ هـ) تخمین زده شده است. در اینکه وی کجا وفات یافته، چیزی در منابع ذکر نشده است، اما با چهره‌های سرشناس قمی در ارتباط بود و عده زیادی از محدثان مشهور قم از او نقل حدیث کرده‌اند. وی در کوفه پرورش یافت و از موالی و هم‌پیمانان قبیله «بنی اسد» بود. به همین دلیل، او را «اسدی» لقب داده‌اند. در بعضی منابع، وی را هم‌پیمان طایفه بزرگ «بنی تیم الله»، که در کوفه سکونت داشتند، دانسته‌اند. لقب «حجّال» (به فتح حاء و تشدید جیم) نیز از آن‌رو به او داده شد که در فروش پارچه‌های روشن و درخشنده، که برای تزئین عروس به کار گرفته می‌شدند، دست داشت. لقب «مزخرف» (به کسر راء) نیز به او داده شده است؛ زیرا «مزخرف» به کسی گفته می‌شود که در تزئین تبخّر داشته باشد.

شرح حال او در منابع نیامده است، تنها از طریق روایات بر جای مانده از او و گفته‌های کوتاهی که در منابع معتبر ذکر شده، می‌توان گوشه‌هایی از زندگی و حیات علمی او را روشن ساخت. برادرش علی بن محمد حجّال از علمای حدیث کوفه و استاد عبدالله بن جعفر حمیری (م. ب ۲۹۷ ق) بود. برخی نیز احتمال داده‌اند احمد بن عبدالله حجّال کوفی (کرخی) از فرزندان اوست که از محدثان کوفه به شمار می‌آمد. همچنین احتمالاً ابومحمد حسن بن علی حجّال برادرزاده اوست که از چهره‌های حدیث قم و شریک تجاری محمد بن حسن بن ولید قمی (م ۳۴۳ ق) بود.

وی در کوفه نزد استادان متعددی حدیث شنید و به زودی جزو چهره‌های موفق کوفه درآمد. برخی از روایات او نیز به طور مستقیم از امام رضا علیه السلام نقل شده‌اند. از استادان مشهور او، حمّاد بن عثمان (م ۲۰۹ ق، شاگرد ابویسیر)، ثعلبه بن میمون، صفوان بن مهران جمّال و احمد بن محمد بن ابن نصر بزنطی (م ۲۲۱ ق)

هستند. وی همچنین با یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) نیز در ارتباط بود و احتمالاً نزد یونس شاگردی کرده است. بر پایه گزارش کُشی در رجال خود، رابطه او با یونس مسالمت آمیز نبود. به گفته کُشی، وی در گزارشی گفته است: من نزد امام رضا علیه السلام بودم و آن حضرت مشغول خواندن کتابی بود که ناگهان آن را بر زمین زد و فرمود: کتاب ولد زنا از آن زانیه است؛ و این کتاب نوشته یونس بوده است. بررسی صحت این گزارش مجال دیگری می طلبد.

صاحب نظران درباره ارزش و درستی احادیث او اتفاق نظر دارند و در این میان، ابوالعباس نجاشی بیش از دیگران او را ستایش نموده؛ زیرا وی از جمله کسانی است که نجاشی بر راست گویی او تأکید نموده و با شیوه تکرار «ثقه ثقه» از او تجلیل کرده است. همچنین درباره روایات او، گفته شده که اگر کسی به روایتش عمل نکند باید خود را معالجه نماید.

وی علاوه بر حدیث، در علم کلام نیز تبحر داشت و در مباحث امامت، مجادلاتی با مخالفان زمان خود داشت. مجادلات او با هم عصرانش همچون حسن بن فضال (م ۲۲۴ ق) و علی بن اسباط چندان بود که وی را «أجدل الناس» (مجادله کننده ترین مردم) به شمار آورده اند. وی در همین فرصت، با توجه به اندوخته های حدیثی و کلامی، که از او سراغ می رفت، به تربیت شاگرد مشغول شد و عالمان برجسته ای در مجلس درس او شرکت داشتند. از جمله شاگردان پر آوازه او، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ یا ۲۷۴ ق)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م. ح ۲۸۰ ق) و علی بن مهزیار اهوازی (م. ح ۲۵۷ ق) هستند. همچنین عبدالله بن عامر، محمد بن عبدالجبار، حسن بن حسین لؤلؤی و محمد بن علی بن محبوب از دیگر شاگردان او به شمار می آیند. از نوشته ها و تألیفات او چیزی در منابع گزارش نشده، اما نجاشی بدون اینکه نامی از کتاب او ببرد، تصریح کرده که وی دارای کتابی بوده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۸۷، ش ۹۴۸؛ ص ۷۸۸، ش ۹۵۳ / بصائر الدرجات، ص ۷۱، ح ۱۱۴؛ ص ۳۱۹، ح ۳ / خلاصة الاقوال، ص ۱۹۳، ش ۱۸ / رجال الطوسی، ص ۳۶۰، ش ۵۳۳۲ / رجال النجاشی، ص ۳۵، ش ۱۷۲، ص ۴۹، ش ۱۰۴ / عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۳، ح ۸ / طوسی، الفهرست، ص ۲۷۴، ش ۸۵۶ / کمال الدین و تمام النعمه، ب ۲۲، ح ۸ / المحاسن، ج ۱، ص ۱۳۸، ح ۲۵ / معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۳۲۲، ش ۷۱۰۷؛ ص ۳۳۷، ش ۷۱۵۱؛ ص ۴۰۹، ش ۲۲۵۰.

عبدالله بن محمد حُصینی (حُصینی) اهوازی (۹- ح ۲۵۵ ق)

عبدالله، محدث مورد اعتماد شیعی، از خدمت‌گزاران امام رضا علیه السلام و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیه السلام، نام جدش حُصین (به ضم حاء و فتح صاد) بود. به همین دلیل، او را «حُصینی» یا «حُصینی» لقب داده‌اند. وی در دهه‌های پایانی سده دوم در اهواز چشم به جهان گشود و تاریخ وفات او احتمالاً به دلیل اینکه محمد بن عیسی بن عید (م ۲۶۰ ق) از شاگردان او بوده، در اواسط سده سوم (ح ۲۵۵ ه) اتفاق افتاده و محل آن احتمالاً اهواز بوده است. از اینکه وی تحصیلات خود را کجا و چگونه فراگرفته، آگاهی چندانی نداریم، اما وی علاوه بر اهواز مدت زیادی در عراق به سر برد و احتمالاً فقه و حدیث را نزد عالمان بصره و کوفه فراگرفت.

از معاصران هم‌وطن او، علی بن محمد حُصینی اهوازی و احمد بن محمد حُصینی اهوازی هستند که از محدثان زمان خود بودند و احتمالاً بین آن‌ها رابطه خویشاوندی برقرار بوده است. همچنین اسحاق بن ابراهیم حُصینی و علی بن مهزیار اهوازی (م ح ۲۵۵ ق) از هم‌بختان او بودند که به اتفاق هم، توسط حسن بن سعید اهوازی (م ق ۲۵۰ ق) به محضر امام رضا علیه السلام معرفی شدند.

برخی از گزارش‌ها حکایت از آن دارند که وی در عصر امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) با آن حضرت ارتباط داشت و جزو اصحاب آن امام علیه السلام به شمار می‌آمد. همچنین در گزارش ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) نیز آمده که وی از اصحاب امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) بود. اکنون با توجه به اینکه هیچ اثری از روایات او در جوامع شیعی باقی نمانده است، نمی‌توان دربارهٔ احادیثی که از امامان عصر خود شنیده، سخن قاطعی گفت، اما ذکر نام او در شمار اصحاب امامان عصرش گواه آن است که وی در ردیف محدثان شناخته‌شده و سرشناس آن زمان بوده که احادیث فراوانی شنیده است. با این حال، معلوم نیست که وی همهٔ احادیثش را به طور مستقیم از امامان عصر خود فراگرفته یا استادان دیگری نیز داشته است.

از شاگردان او نیز تنها / احمد بن عمر حلال و محمد بن عیسی بن عبید (م ۲۶۰ ق) را می‌شناسیم که کتاب او را روایت کرده‌اند. نجاشی پس از اینکه با تکرار کلمهٔ «نقه نقه» ستایش شایسته‌ای از او به عمل آورده، گفته است: کتاب او را عده‌ای از شاگردان او روایت کرده‌اند. گزارش مذکور نشان می‌دهد که وی شاگردان متعددی داشته است. طوسی نیز در فهرست، او را صاحب کتابی دانسته که / احمد بن عمر حلال آن را روایت کرده، اما نام این کتاب را ذکر نکرده است.

منابع

انتخاب معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۲۷، ش ۱۰۴۱ / خلاصة الأقوال، ص ۱۹۸، ش ۳۲ / رجال ابن داود، ص ۱۲۲، ش ۸۹۸ / رجال الطوسی، ص ۳۵۴، ش ۵۲۴۳؛ ص ۳۶۰، ش ۵۳۳۳؛ ص ۳۷۶، ش ۵۵۶۴؛ ص ۳۹۷، ش ۵۸۱۸ / رجال النجاشی، ص ۲۲۷، ش ۵۹۷ / طوسی، الفهرست، ص ۱۶۷، ش ۴۳۶ / معالم العلماء، ص ۱۰۸، ش ۴۹۰ / معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۳۲۳، ش ۷۱۰۹؛ ص ۳۲۶، ش ۷۱۱۸ / المناقب، ج ۳، ص ۲۸۸.

عبدالله بن محمد حنّان جنبلائی (۲۳۵ - ۲۸۷ ق)

ابومحمد از اعظام و رهبران علویان بود که در سال ۲۳۵ هـ متولد شد و به سال ۲۸۷ هـ در «جنبلاء» (حد فاصل بین واسط و کوفه) وفات کرد. شرح حال او و خانواده اش کمتر در کتاب‌های معتبر ذکر شده است. وی مؤسس فرقه «جنبلائی» / «جنبلائی» بود که پیروان آن اکنون به «علویان» معروفند و در مناطق سوریه و بیشتر در «لاذقیه» نزدیکی حلب سکونت دارند. «جنبلائی» شیعه دوازده امامی هستند، اما نیابت نواب اربعه را انکار می‌کنند. آن‌ها معتقدند: چهارده معصوم علیهم‌السلام هر کدام نایبان ویژه‌ای داشتند. از این‌رو، اعتقاد آن‌ها این است که سفیر و «باب» امام حسن عسکری علیه‌السلام ابوشعب محمد بن نصیر نمبری بصری مؤسس فرقه «نصیری» است که توفیق دیدار با امام زمان (عج) را نیز داشته است. پس از او عبدالله بن محمد جنبلائی صاحب شرح حال است که طریقه جنبلائی بدو منسوب است. صاحب الهدایة الکبری سراسر کتابش را به این موضوع اختصاص داده است.

وی پس از تأسیس فرقه «جنبلائی»، در پی نشر طریقه‌اش، به سرزمین‌های اسلامی، از جمله مصر سفر کرد و شاگردان زیادی تربیت نمود و سپس به «جنبلاء» بازگشت و در سن ۵۲ سالگی وفات کرد. پس از او، شاگرد معروفش، حسین بن حمدان خصیبی (۲۶۰-۳۵۸ ق) نویسنده کتاب الهدایة الکبری، که آن را برای حاکم وقت، سیف‌الدوله حمدانی، نوشته بود، راهش را ادامه داد. از جمله استادان او، محمد بن نصیر نمبری بود که از ناحیه امام عصر (عج) درباره او توفیق لعن صادر شد.

منابع

الاعلام، ج ۴، ص ۱۱۸ / الدررمة الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۲۶۸ / الهدایة الکبری، ص ۳۲۵ به بعد.

عبدالله بن محمد بن خالد طرابلسی تمیمی کوفی (؟ - ۲۹۰ ق)

ابوالعباس، محدث شیبی و از اصحاب مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بود که در برخی از منابع، کنیه اش «ابومحمد» ذکر گردیده و در منابع دیگر، کنیه «ابوالعباس» به برادرش حسن نسبت داده شده است. وی در کوفه زاده شد. تاریخ تولد او معلوم نیست. پدرش ابو عبدالله محمد بن خالد بن عمر طرابلسی تمیمی در سال ۲۵۹ هـ وفات یافت. بنابراین، می توان احتمال داد که وی تا آن تاریخ زنده بوده است؛ چنانکه از سوابق علمی او و برخی از شاگردانش، که تا سال ۳۱۳ هـ و بعضاً تا ۳۲۸ هـ حیات داشته اند، استفاده می شود که وی چندین دهه پس از مرگ پدرش حیات داشته و احتمالاً در دهه های پایانی سده سوم (ح ۲۹۰ هـ) و احتمالاً در کوفه زندگی را وداع گفته است. لقب «طرابلسی» از آن رو در سلسله انساب او قرار دارد که یکی از اجداد او در کار تجارت «طیلسان» و کلاه فروشی دست داشت. از لقب «تمیمی» نیز، که به پدرش نسبت می دهند، برمی آید که وی اصالتاً کوفی و از طایفه «بنی تمیم» بود.

وی در کوفه به فراگیری علوم حدیث روی آورد و به اتفاق برادرش، حسن بن محمد بن خالد طرابلسی، نزد پدرش بهره های فراوان برد و بسیاری از روایات پدرش را با همکاری هم حصران قمی اش، که در کوفه سکونت داشتند، همچون عبدالله بن جعفر حمیری (م. ب ۲۹۷ ق - صاحب کتاب قرب الاسناد) و محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق - صاحب کتاب بصائر الدرجات)، به دیگران انتقال داد. وی در فقه و حدیث بدانجا رسید که مانند دیگر معاصر بلند آوازه اش، علی بن حسن بن فضال کوفی (م ۲۹۰ ق)، شاگردان زیادی تربیت نمود و برای خود اصحابی داشت. از همین رو، در برخی از موارد مشاهده شده که عبدالله بن جعفر حمیری با اینکه با او هم درس بود، از او نقل حدیث نموده است.

وی علاوه بر پدرش، از راویانی همچون حسین بن سعید اهوازی (م. ح

۲۵۷ق)، سعید بن جناح، حسن بن علی بن بنت الیاس معروف به «وَسَّاه»، محمد بن اسماعیل بن میمون، محمد بن معروف خزّاز هلالی، و ربیع بن محمد نیز حدیث نقل کرده است. از جمله شاگردان او، جعفر بن محمد بن مالک قزازی (م.ج ۳۰۰ق)، محمد بن جعفر رزّاز (م ۳۱۳ق)، محمد بن مسعود عیاشی (م.ج ۳۲۸ق)، احمد بن محمد و علی بن حاتم بن ابی حاتم هستند. از تألیفات او کتاب نوادر دربارهٔ تازه‌های حدیث معرفی شده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۹۳ و ۳۷۵ و ۳۸۸؛ ج ۲، ص ۸۱۲ / النخصال، ابواب «العشرین و ما فوقها»، ص ۵۱۷، ح ۴، / رجال الطوسی، ص ۴۰۰، ش ۵۸۶۶ / رجال النجاشی، ص ۲۱۹، ش ۵۷۲ / الغیبه، ص ۲۵۲، ح ۹ / کامل الزیارات، ص ۲۸۲، ح ۴۵۰؛ ص ۳۷۴، ح ۶۲۰ / وسائل الشیعیه، ج ۱۱، ص ۵۴۲، ش ۱۵۴۸۹ / رجال کتبی، ج ۱، ص ۲۹۳، ش ۱۳۶ / رجال ابن داود، ص ۷۷، ش ۴۵۸.

عبدالله بن محمد دمشقی شامی (۲۱۰-ح ۲۹۶ق)

ابومحمد، ادیب، لغت‌شناس و محدّث شیمی، از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بود و مدت زیادی از عصر غیبت (۲۶۰-۳۲۹ق) را درک نمود. ولادت او ظاهراً در اوایل سدهٔ سوم (ح ۲۱۰ هـ) اتفاق افتاد و تاریخ وفات او به گواه اینکه برخی از استادان او تا ۲۹۱ هـ حیات داشتند، احتمالاً در اواخر سدهٔ سوم (ح ۲۹۶ هـ) اتفاق افتاده است. وی چنان‌که از نسبت «دمشقی» و «شامی» استفاده می‌شود، در دمشق زاده شد و پس از تحصیلات مقدماتی، راهی بغداد شد و در آنجا با ابوالعبّاس ثعلب نحوی (م ۲۹۱ق)، که در ناحیهٔ غرب بغداد یعنی «دروازهٔ شام» اقامت داشت، ارتباط یافت.

به گفتهٔ ابن ندیم، وی علم لغت و ادبیات عرب را نزد ثعلب نحوی آموخت و

در آراء ادبی از مکتب کوفه پی‌روی می‌کرد. وی در بغداد ضمن ارتباط با بعضی دیگر از استادان ادبی، مسافرت‌هایی به کوفه داشت و با محدثان شیعه در کوفه نیز آشنا گشت. از استادان حدیثی او، می‌توان به احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م. ح ۲۸۰ ق) و حسن بن موسی خثّاب (م. ح ۲۶۰ ق) اشاره کرد که در علم حدیث شهرتی تمام داشتند. ظاهراً مدت اقامت او در کوفه کم نبوده است؛ زیرا برخی از محدثان قمی مانند محمد بن احمد بن یحیی (م. ق ۲۹۹ ق)، که در کوفه رفت و آمد داشت، در اواخر عمرش از او حدیث شنیده است و از همین جا، می‌توان احتمال داد که وی زندگی را در کوفه به سر آورده است. طوسی نیز در رجال خود، او را از شخصیت‌های حدیثی در زمان امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) و عصر غیبت صفرا به شمار آورده و این مطلب حاکی از آن است که وی در علم حدیث به حد کمال رسیده بود، هرچند در صحت و درستی احادیث او گفت‌وگوهایی بین صاحب‌نظران وجود دارند. از استادان و شاگردان او غیر از آنچه که در فوق گذشت، اطلاعی در دست نیست.

از آثار و تألیفات او تنها کتابی به نام مسائل مجموعه (برسش‌های گردآوری شده) معرفی شده است.

گفتنی است وی غیر هم‌نام خود عبدالله بن محمد شامی است که از استادان احمد بن ابی‌نصر بزنطی (م ۲۲۱ ق) بوده. صاحب شرح حال از شاگردان احمد بن محمد بن عیسی (م. ح ۲۸۰ ق) می‌باشد. بنابراین، نمی‌توان گفته‌ی برخی از صاحب‌نظران مبنی بر اتحاد این دو شخصیت را، که قریب یک سده با هم اختلاف زمانی دارند، پذیرفت.

منابع

- اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۱۹، ش ۴۶۳ / الامامة والتبصرة، ص ۷۷، ح ۶۸ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۰۵ / رجال الطوسی، ص ۴۰۱، ش ۵۸۷۶؛ ص ۲۳۳، ش ۶۲۰۱ / صیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۳، ح ۹ / فهرست ابن ندیم، ص ۸۱.

عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (۲۱۳ - ۲۷۶ ق)

ابومحمد، معروف به «ابن قتیبه دینوری»، از دانشمندان نامدار و از ارادتمندان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و از دوست‌داران خاندان اهل بیت علیهم السلام بود که در سال ۲۱۳ هـ در کوفه به دنیا آمد و در ۲۷۶ هـ در اثر سکتی در بغداد وفات کرد. پدرش از عالمان فقه و ادب و اصحاب حدیث بود، اما به ندرت نامی از پدرش در منابع اسلامی برده شده است. فرزند او، احمد بن عبدالله بن مسلم (م ۳۲۲ ق)، ساکن بغداد بود و در سال آخر زندگی، قضاوت مصر را بر عهده داشت و از عالمان ادب و کتابت بود. وی مدت زیادی در «دینور» از شهرک‌های «قرمیسین» (از بلاد «جبل» نزدیک همدان)، از سوی ابوالحسن عبدالله، وزیر متوکل و معتمد، مقام قضاوت داشت.

ابن قتیبه نزد علمای شیعه، از اعتبار و ارزش بالایی برخوردار است. شیخ مفید و دیگران در آثار خود، روایات و گزارش‌های بسیاری از او نقل کرده‌اند. وی دل‌بستگی فراوانی به امیرمؤمنان علیه السلام و خاندان مطهر او داشت و بخصوص در کتاب الامامة والسیاسة، این دل‌بستگی را به وضوح بیان داشته است. به همین دلیل، غالب مورخان سنی در انتساب آن به ابن قتیبه تردید کرده‌اند. اما با این حال، وی در فضای خفقان دوران متوکل عباسی (حک: ۲۳۲-۲۴۷ ق)، جانب احتیاط را از دست نداد و قتل دل‌خراش ابن سگیت (م ۲۴۴ ق) به دست متوکل، به جرم اظهار علاقه به فرزندان حضرت علی علیه السلام برای او درس عبرتی بود. وی در این کتاب، خشم حضرت علی و فاطمه علیهم السلام را از دیدگاه انصار، که بر اثر تهدید عمر، با ابوبکر بیعت کردند، شرح می‌دهد و پاسخ انصار را، که از سر پشیمانی، از آن دو بزرگوار طلب بخشایش کردند بازگو می‌نماید. به دنبال این ماجرا، ابن قتیبه از هجوم اوباش به خانه حضرت فاطمه علیها السلام با تحریک و اغوای عمر، پرده

برمی‌دارد. کوتاه سخن اینکه تتبع در آثار او نشان می‌دهد که وی را از نظر مذهبی، نمی‌توان سنی حنبلی به حساب آورد، و گواه این مطلب تألیف کتاب *تأویل مختلف الحدیث* از سوی اوست که در آن، موضوع «تأویل» را در آیات و احادیث گوناگون، مورد بحث قرار داده و آن را جایز می‌شمارد، در حالی که حنبله بکلی با تأویل مخالفند.

از آثار ابن قتیبه پیداست که وی در فقه، حدیث، لغت، نقدالشعر، تاریخ، تفسیر، زبان و انساب عرب تخصص ویژه داشته. وی نزد سی تن از استادان برجسته تحصیل کرد که مهم‌ترین آن‌ها یعقوب بن سگیت شیعی، ابویعقوب اسحاق بن راهویه، دعبیل خزاعی شاعر اهل بیت و ابوحاتم سجستانی هستند. وی بیشترین تعلیمات ادبی خود را از ابن سگیت (م ۲۴۴ ق) فراگرفت. همچنین از استادان نامدار او، ابوعثمان جاحظ معتزلی (م ۲۵۵ ق) بود که دل‌بستگی زیادی به سرزمین ایران داشت، اما ابن قتیبه با اینکه خود نیز ایرانی بود، کتابی با عنوان *فضل العرب علی العجم* به رشته تحریر درآورد و از این استاد خود بی‌روی نکرد. از شاگردان او، احمد بن مروان، ابوالقاسم ابراهیم بن محمد الصائغ، عبدالله بن عبدالرحمان السکری، عبدالله بن جعفر بن درستویه فارسی و گروهی از عالمان و ادیبان و مورخان دیگر بوده‌اند. همچنین یکی از شاگردان مشهور او فرزندش ابوجعفر احمد بن عبدالله بن مسلم است که کتاب‌های پدر را همانند قرآن، حفظ بود. وی آثار زیادی از خود بر جای گذاشت که مهم‌ترین آن‌ها دو کتاب *المعارف* و *ادب الکاتب* هستند. این دو کتاب به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، گواه بر مقام علمی و ادبی اویند. وی همچنین کتابی با عنوان *عیون اخبار الرضا* علیه السلام دارد.

منابع

الاعلام، ج ۱، ص ۱۵۶؛ ج ۴، ص ۱۳۷ / الانساب، ج ۴، ص ۴۵۲ / *البدایة والنهایة*، ج ۱۱، ص ۵۶ و ۲۰۴ / تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۱۶۸، ش ۵۳۰۹ / *دائرةالمعارف* تشیع، ج

۷، ص ۶۱۸-۶۲۰ / الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۳۳۸ / معجم المطبوعات العربیة و المعریة، ج ۱، ص ۲۱۱.

عبد بن کثیر بن محمد (بن کثیر)

بن عبدالواحد بن عبدالله بن شریک عامری کلابی وحیدی (۹-۲۹۴)

ابوسعید، از راویان شیعه امامیه، ولادتش معلوم نیست، ولی در رمضان سال ۲۹۴ هـ وفات کرد. وی اهل کوفه از قبیله «بنی کلاب» بود. جد بزرگ او، عبدالله بن شریک عامری وحیدی، از راویان راستگوی شیعه و نزد اهل سنت نیز فردی خوش‌نام است که از امام سجاد و باقر علیهما السلام روایت دارد، اما صاحب ترجمه در کتاب‌های رجال فردی مطعون و کذاب معرفی شده است. گفته می‌شود: وی در جعل احادیث بی‌پروا بود و آشکارا دروغ می‌گفت. با اینکه ضعف حال او نزد علمای رجال روشن است، برخی از محققان معاصر اهل سنت وی را بدون هیچ دلیلی، فردی «فاضل» معرفی کرده‌اند.

وی به دلیل اینکه احادیث را جعل می‌کرد، نامی از استادانش در علم رجال، ذکر نشده است. از شاگردان روایی او، ابوالحسین عبدالصمد بن علی بن مکرّم بود که کتاب التجریع را نزد او خواند.

از آثار او، التجریع فی بنی شیبان است که برخی به اشتباه، آن را «بنی شیبان» ثبت کرده‌اند. «شیببان» نام قبیله‌ای از جن و یا به گفته برخی، یکی از نام‌های شیطان است و منظور از این نام در این کتاب، «بنی عبّاس» هستند. بیشتر روایات او در این کتاب، «جعلی» و «مزخرف» معرفی شده‌اند. از آثار دیگر او، المختار، الارح، الانوار، تفسیر غریب الصادقین، کتاب الفضائل و مشامة الاشراف است. گفتنی است یکی از ضعف‌های عمده تفسیر فرات کوفی، تألیف فرات بن ابراهیم کوفی، این است که بیشتر احادیث آن از صاحب شرح حال نقل شده‌اند.

منابع

اصحاب الامام الصادق عليه السلام، ج ۲، ص ۲۸۵، ش ۱۹۴۱ / امل الآمل، ج ۲، ص ۱۶۶، ش ۴۹۲ / ايضاح الاشتباه، ص ۲۳۹ / تنقيح المقال (حجری)، ج ۲، ص ۲۳۷، ش ۷۵۹۶ / الذريعة الي تصانيف الشيعة، ج ۴، ص ۱۳، ج ۲۰، ص ۱۶۶؛ ج ۲۱، ص ۳۸ / رجال التنجاشي، ص ۲۳۴، ش ۶۲۰ / معجم المؤلفين، ج ۶، ص ۲۳۵ / معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۶۳، ش ۷۴۲۵؛ ج ۱۴، ص ۲۷۱، ش ۹۳۲۴.

عبيدالله بن اسحاق بن سلام مكاربي (؟ - ۲۷۱ ق)

عبيدالله، مشهور به «ابوالعباس اخباري»، شاعر، فقيه و آشنا به علوم غريبه بود. وفات او در سال ۲۷۱ هـ در بغداد روی داد، اما از تاريخ تولدش و محل آن اطلاهي در دست نيست. از لقب «مكاربي» نيز نمي توان چيزي به دست آورد، ولي مي توان احتمال داد كه وي از مردم ناحيه‌اي بوده كه در نزديكي جويبارها و دره‌ها زندگي مي‌كردند؛ زيرا «مكارب» به معنای «مقارب» است و «مقارب» به كسي گفته مي‌شود كه در لبة آبشار زندگي داشته باشد. به هر حال، وي بيشتر در بغداد اقامت داشت و در آنجا با شاعران زمان خود، ارتباط يافت و به زودي در شعر و ادب به حد كمال رسيد. لقب «اخباري» نيز از آن‌روي بدو منسوب است كه وي اخبار و آثار زيادي از گذشتگان در خاطر داشت.

با اينكه وي در زمان خود از شهرت قابل توجهي برخوردار بود، اما شرح حال او در هيچ منبعي نيامده است. تنها منبع آگاهي ما از او گزارش كوتاهي است كه ابن نجران بغدادی (م ۶۳۷ ق) در ذيل تاريخ بغداد ارائه كرده است. به گفته ابن نجران، وي از شاعران با مجد و افتخار بود كه تاليفاتي داشت و در سال ۲۷۱ هـ وفات يافت و پس از مرگش، اشعار او را دفن نمودند تا كسي به آن‌ها دست‌رسي پيدا نكند. اما علت اين اقدام بر ما پورشيده است.

درباره تشيع او، اگرچه مدرک صريحي وجود ندارد، اما قصيده‌اي كه وي در

هجو متوکل عباسی (م ۲۴۷ ق) سرود و این عمل منجر به فرمان خلیفه بر قتل او گشت، می‌تواند شاهد خوبی بر تشیع او باشد؛ زیرا متوکل غالباً با اندک بهانه‌ای دستور قتل شیعیان را صادر می‌نمود. همچنین وی در جریان شهادت یحیی بن عمر علوی (م ۲۵۰ ق)، از نوادگان امام سجاد علیه السلام، که در ایام مستعین عباسی (حک ۲۴۸-۲۵۲ ق) به قتل رسید، همگام و هم صدا با اعتراض ابوهاشم جعفری (م ۲۶۱ ق) به این واقعه، مرثیه‌ای در رثای یحیی سرود که می‌تواند شاهد دیگری بر تشیع او باشد. ابن نجار به نقل از محمد بن داود بن جراح مرثیه‌اش را از کتاب الورقة فی اخبار شعراء المحدثین نقل کرده که آغاز آن چنین است:

«الأقل لصلب السیف هل انت نادبٌ هماماً تسبکيه القنا والقواضب
بنی هاشم قد جرب الناس وقمکم و هل حازمٌ من لم تعطه التجارب؟»
(به نیغ شمشیر بگو: آیا بر بلندهمتتی که تیزی نیزه‌ها برای او گریانند، می‌گریی؟ ای بنی هاشم! مردم موقعیت و اعتبار شما را تجربه کردند و آیا تصمیم‌گیرنده‌ای هست که از تجربه اندرز نگیرد؟) این اشعار، که وی آن‌ها را در کوفه سروده، به خوبی نمایانگر اعتقاد و محبت او به بنی هاشم و آل ابی‌طالب علیهم السلام هستند.

وی با اینکه در بغداد می‌بایست نزد شاعران و ادیبان برجسته‌ای همچون ابوترتمام طائی (م ۲۳۱ ق) و ابوعبیده نحوی (م ۲۳۱ ق) شاگردی نموده باشد، اما اثری از پیوستگی او با این شاعران بلندآوازه عرب در دست نیست؛ چنان‌که از شاگردان و معاصرانی که با وی ارتباط علمی داشته باشند، نیز گزارشی نیافتیم. همچنین با اینکه ابن نجار به نقل از منابع متقدم‌تر، وی را صاحب کتب و تألیفات دانسته، اما در معرفی کتاب‌های او هیچ اقدامی نکرده است.

منابع

تاج العروس، ذیل ماده «کرب» / معجم اعلام الشیعہ، ج ۱، ص ۲۵۹، ش ۳۳۸ / ذیل تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۷، ش ۲۸۹.

عثمان بن سعید عمری (؟ - ح ۲۶۷ ق)

ابوعمر و سمان اسدی، از اصحاب بلند پایه امام هادی، عسکری و مهدی علیهما السلام و نخستین سفیر امام مهدی (عج) در عصر غیبت صفرا بود. غیبت صفرا در فاصله سال‌های ۲۶۰-۳۲۹ هـ واقع شد و وی این مسئولیت را به مدت هفت سال عهده‌دار بود. لقب او «سمان» و «زینات» است؛ زیرا به منظور استتار فعالیت‌های سیاسی و مذهبی، روغن فروشی می‌کرد. وی از قبیله «بنی اسد» بود. به همین دلیل، او را «اسدی» نیز می‌نامند. لقب «عمری» نیز یا منسوب به جد مادری اوست و یا به روایتی دیگر، چون کنیه‌اش «ابوعمر و» بود، حضرت عسکری علیه السلام فرمود: جمع بین «عثمان» و «ابوعمر و» تناسب ندارد. به همین دلیل، کنیه او را برید و وی را «عمری» نامید.

وی با اینکه نقش مهمی در تاریخ شیعه داشته، اما از تاریخ ولادت، وفات و خانواده‌اش اطلاع دقیقی در دست نیست و حتی نجاشی و کتبی نام او را در رجال خود ذکر نکرده‌اند، هر چند کتبی در ترجمه ابراهیم بن عبده نیشابوری (م.ح ۲۶۱ ق) مدح بلیغی از وی به عمل آورده است. برخی وفات او را سال ۲۶۵ هـ نوشته‌اند. بعضی نیز گفته‌اند: وفات او پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) و پیش از سال ۲۶۷ هـ بوده است؛ زیرا احمد بن هلال کرخی عبرتائی، که پس از او ادعای نیابت نمود، در سال ۲۶۷ هـ فوت کرد. پس قطعاً وی پیش از این تاریخ درگذشته است. شیخ طوسی بدون اشاره به زمان درگذشت او، می‌نویسد: پس از درگذشت او، فرزندش محمد او را غسل داد و در قسمت غرب «مدینه السلام» در محله معروفی به نام «الدرب» در بغداد دفن نمود و ما آشکارا از هنگام ورود به بغداد در سال ۴۰۸ هـ تا سال پس از ۴۳۰ هـ او را زیارت می‌کردیم.

فرزند او ابو جعفر محمد بن عثمان عصری، از راویان جلیل القدر شیعه بود و پس از وی، به عنوان دومین سفیر حضرت صاحب الامر (عج) تا هنگام وفاتش در سال ۳۰۵ هـ عهده‌دار این مسئولیت بود.

وی از نوجوانی و در سن یازده سالگی، نزد امام هادی علیه السلام مشغول خدمت‌گزاری شد و با او پیمان محکمی داشت. پس از آن، بیشترین خدمت را به امام حسن عسکری علیه السلام نمود. امام هادی و عسکری علیه السلام ضمن تصریح به وثاقت و امانت وی، پرسش‌های مردم و حتی اهل علم را به وی ارجاع می‌دادند، و این موضوع نشان می‌دهد که او از شأن و منزلت رفیعی نزد آن دو امام علیه السلام برخوردار بود. امام حسن عسکری علیه السلام نیابت او را به چهل تن از بزرگان و علما از جمله حسین بن ایوب، علی بن هلال، عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن هلال کرخی ابلاغ فرمود. از این رو، هیچ کس در زمان نیابت او، با وی مخالفت نکرد. شیخ طوسی می‌نویسد: توقیعات حضرت صاحب الامر (عج) توسط او و فرزندش محمد به شیعیان و خواص پدرش می‌رسیدند. این توقیعات شامل اوامر و نواهی امام و پاسخ به مسائل شیعیان بودند. دست‌خط توقیعات عیناً دست‌خط نامه‌های امام حسن عسکری علیه السلام بود و کسی در این مورد تردید نداشت.

وی به دلیل اینکه با امام حسن عسکری و صاحب الامر (عج) ارتباط داشت، بیشتر روایاتش به طور مستقیم از آنان نقل شده و گاهی نیز از طریق ابو شعیب محاملی، محمد بن سلیمان، عبدالکریم همدانی و عبدالحمید بن علی کوفی روایاتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. همچنین بسیاری از راویان شیعه همچون علی بن ابراهیم، محمد بن عیسی، عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن مفصل خزاعی از او نقل حدیث کرده‌اند. از او هیچ اثر تألیفی در منابع دیده نشده است. گفتنی است صاحب نظران معتقدند: برخی نام او را با عنوان حفص بن عمرو عصری نیز ذکر نموده‌اند.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۲ و ۸۴۸ / اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۲، ص ۴۷ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۲، ص ۲۴۳ و ۲۴۴ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۳۳ / خلاصة الاقوال، ص ۲۲۰ و ۲۵۰ / رجال الطوسی، ص ۳۸۹، ش ۵۷۴۱ / طوسی، الغیبه، ص ۳۵۳ به بعد / معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۵۴، ش ۳۸۱۰؛ ج ۱۲، ش ۷۶۰۴ / نقد الرجال، ج ۴، ص ۲۶۳.

علی بن جعفر همانی برمکی (؟- ۲۶۵ ق)

علی وکیل و محدث شیعی بود که کنیه اش در منابع ذکر نشده است. او از اصحاب امام هادی و عسکری علیه السلام و از وکلای مورد اعتماد آن دو امام بود. لقب او از آن رو «برمکی» و «همانی» است که «برمک» نام محله‌ای در بغداد است که وی اهل آنجا بود. بنابراین، نمی‌توان او را منسوب به «برامکه» دانست که اصالتاً ایرانی بودند و بسیاری از آنان در شهرهای عراق، به ویژه بغداد، اقامت داشتند. اما «همانی» (به کسر هاء و تشدید میم) منسوب به «همینا» یا «همیشا» نام روستایی در منطقه «سواد» بغداد است که ظاهراً محل تولد او آنجا بوده است.

درباره تاریخ تولد و وفات او اطلاع روشنی نداریم، اما این اندازه روشن است که وی از نمایندگان امام حسن عسکری علیه السلام و مشغول انجام وظیفه بود و در اواخر زندگی، به دستور آن امام علیه السلام، به مکه مکرمه هجرت نمود و در همانجا اقامت گزید.

در اینکه وی حیات علمی خود را چگونه به سر آورده، چیزی در منابع ذکر نشده است، ولی بیشتر معارف خود را از امام هادی و عسکری علیه السلام فراگرفت و روایات او غالباً به طور مستقیم از این دو امام علیه السلام نقل می‌شوند. به همین دلیل، استادان دیگر او برای ما ناشناخته‌اند. از جمله کسانی که از او نقل حدیث

کرده‌اند، احمد بن معافا ثعلبی و احمد بن محمد طبری هستند که این دو از روایان نه چندان معروف شیعه هستند.

وی با اینکه از عالمان مورد اعتماد امامان عصر خود بود، اما در برخی از منابع کهن، آموخته‌های حدیثی اش به طور کامل تأیید نشده‌اند. نجاشی دربارهٔ احادیث او می‌گوید: شنیده‌های او خوب و بد دارند. علامه حلی و ابن داود نیز نام او را در هر دو بخش رجال خود، یعنی در ردیف روایان خوب و روایان بد قرار داده‌اند. اما در گزارش طوسی آمده است: وی فردی فاضل، مورد رضایت و از نمایندگان نیک امام هادی و عسکری علیهما السلام بود. کُشی نیز در گزارش خود آورده است که مردم قزوین دربارهٔ وکالت او و فارس بن حاتم قزوینی (م ۲۵۸ ق) اختلاف پیدا کردند و طی نامه‌ای به امام حسن عسکری علیه السلام، حقیقت موضوع را خواستار شدند. امام در جواب نوشت: در مانند چنین مسئله‌ای، نباید تردید نمود؛ زیرا خداوند منزلت علی بن جعفر را عظمت بخشیده و هیچ‌گاه با فارس، قیاس نمی‌شود. پس، از فارس پرهیز کنید و او را در امور خود داخل نکنید.

همچنین در گزارش دیگر کُشی آمده است: وی از شیعیان و ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام بود که نزد متوکل عباسی (حک ۲۳۲-۲۴۷ ق) از او سعایت شد و متوکل سوگند یاد کرد که او را از زندان آزاد نکند تا بمیرد و حتی حاضر نشد ضمانت سه‌هزار دیناری وزیرش، عبدالله بن خاقان، را بپذیرد. متوکل در برابر عبدالله بن خاقان گفت: او رافضی است و من تصمیم راسخ بر قتل او دارم. این خیر در زندان به گوش وی رسید و او با اضطراب تمام، نامه‌ای به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت و امام خیر آزادی او را داد. چیزی نگذشت که متوکل دچار مرض سختی شد و دستور آزادی همهٔ زندانیان عموماً و علی بن جعفر را خصوصاً داد و بدین‌وسیله، شرایط آزادی او فراهم گشت. وی پس از رهایی از زندان، به دستور امام علیه السلام، به مکه معظمه عزیمت نمود و مجاور آنجا شد. وی در زمان اقامتش در مکه، همچنان از وکلای محبوب امام حسن عسکری علیه السلام بود و در آنجا با

نفقات و بخشش‌های چشمگیرش به امور شیعیان رسیدگی می‌کرد. ابوطاهر بن بلبل (بلال) می‌گوید: در مراسم حج، شرکت داشتم که وی را دیدم بخشش‌های بزرگی داشت و وقتی بازگشتم، به امام حسن عسکری علیه السلام نامه نوشتم و خبر از ماجرا دادم. امام علیه السلام در جواب نوشت: ما به او دستور دادیم صد هزار دینار انفاق کند. درباره آثار تألیفی او، چیزی در منابع ذکر نشده است، اما در اثر ارتباط و مکاتبات زیادی که با امامان عصر خود داشت، نامه‌ها و گفتارهای آنان را در ضمن کتابی جمع‌آوری نمود که به نام کتاب المسائل شهرت یافت. گفتنی است کتاب مذکور غیر از کتاب مسائل علی بن جعفر است که توسط برادر امام کاظم علیه السلام یعنی علی بن جعفر (م. ح ۲۲۰ ق) نوشته شده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۵ / الانساب، ج ۵، ص ۶۲۷ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۲، ص ۲۷۳ / خلاصة الاقوال، ص ۱۸۵، ش ۱۳۵ ص ۳۶۹، ش ۲۶ / رجال الطوسی، ص ۳۸۸، ش ۵۷۱۷؛ ص ۴۰۰، ش ۵۸۵۶ / رجال النجاشی، ص ۲۸۰، ش ۷۴۰ / طوسی، الغیبه، ص ۲۱۸، ح ۱۸۰؛ ص ۳۵۰، ح ۲۰۸ / کامل الزیارات، ص ۳۴۴، ح ۵۸۲ / معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶۷ / معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۳۱۸، ش ۷۹۸۲.

علی بن جنبد بن عبدالله بن جنبد کوفی (؟ - ۲۶۸ ق)

علی، که کنیه‌اش در منابع ذکر نشده، از راویان فاضل و قابل ستایش شیعه بود. وی تاریخ ولادتش روشن نیست، ولی وفاتش در سال ۲۶۸ هـ اتفاق افتاد و حسن بن احمد کوفی بر او نماز گزارد و در کوفه در محله «بنی رواس» دفن شد. در منابع معتبره، هیچ گزارشی درباره حیات علمی و محل تحصیل او به چشم نمی‌خورد و حسن بن احمد کوفی نیز، که بر او نماز خوانده، فردی ناشناخته است. از این رو،

اطلاعات ما درباره او اندکند. با این حال، می‌توان حدس زد که وی از یک خانواده علمی و فرهنگی ظهور کرده است؛ زیرا جندب بن عبدالله بن جندب پدر او بود که از راویان خوش‌نام می‌باشد. همچنین پدر بزرگ او، عبدالله بن جندب، از راویان راستگو و سرشناس بود که نماینده امام کاظم و رضا علیهما السلام بود؛ چنان‌که جدّ اعلای او جندب نیز روایاتی به طور مستقیم از امام صادق علیه السلام دارد که از طریق ابن ابی عمیر نقل شده‌اند. خود او نیز در منابع رجالی، با اوصافی همچون «فاضل» و «له کتاب النوادر»، مورد تجلیل قرار گرفته است، اما ظاهراً با اینکه وی در عصر امام هادی و عسکری علیهما السلام زندگی می‌کرد، از آن‌ها به‌طور مستقیم روایتی نقل نکرده است؛ چنان‌که استادان و شاگردان روایی او نیز در منابع رجالی معرفی نشده‌اند. از آثار او کتاب النوادر است که حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) روایتگر آن است.

منابع

تهذیب المقال، ج ۲، ص ۲۹۳ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۶۳ / الدرر الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۳۵ / رجال الطوسی، ص ۴۳۰، ش ۶۱۷۴ / طوسی، الفهرست، ص ۱۵۹، ش ۴۰۲ / معجم المؤتلفین، ج ۷، ص ۵۴ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۳۲۳، ش ۷۹۸۳ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۸ / تقد الرجال، ج ۳، ص ۲۳۸.

علی بن حسن بن علی بن فضال (؟ - ۲۹۰ ق)

ابوالحسن، از چهره‌های برجسته حدیث در کوفه و از خواص اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام، برادر احمد بن حسن بن علی بن فضال (م ۲۶۰ ق) و هر دو از اصحاب امام هادی علیه السلام بودند. همچنین پدرش، حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴ ق)، از اصحاب امام رضا علیه السلام بود که به زهد و کثرت عبادت شهرت داشت. همچنین شوهر خاله‌اش، داود بن حصین اسدی از راویان راستگوی شیعه به

شمار می آمد. وی درباره خویش می گوید: هجده ساله بودم که همراه پدرم، کتاب های او را مقابله می نمودم، ولی جرئت نمی کردم روایاتش را نقل کنم. وی (نیز مانند پدرش) قبلاً «فطحی المذهب» بود و سپس به ائمه طاهریین علیهم السلام رجوع کرد و از طریق دو برادرش، احادیث پدرش را روایت نمود. محمد بن مسعود سمرقندی عیاشی مؤلف کتاب تفسیر عیاشی می گوید: در خراسان و عراق، کسی از محدثان را ندیدم که از علی بن حسن در کوفه فقیه تر و داناتر باشد و در حفظ حدیث و قرآن، کسی بر او مقدم نبود.

روایتگر احادیث او احمد بن محمد بن سعید و محمد بن زبیر بودند. خود او از محمد بن عبدالله بن زراره و اسماعیل بن مهران، محمد بن خالد طیالسی، ایوب بن نوح و دیگران نقل حدیث می کند.

تألیفات او بالغ بر سی کتاب می باشند که بعضی از آثار او عبارتند از: فضل الکوفة، کتاب الرجال، کتاب الطب، اصفیاء امیرالمؤمنین علیه السلام و اثبات امامه عبدالله بن جعفر افطح. وی همچنین در بیشتر ابواب فقهی مانند «الوضوء»، «الصلاة»، «الحیض» و «الزکاة» تألیفاتی دارد.

منابع

تنقیح المقال (حجری)، ج ۲، ص ۲۷۸، ش ۸۲۲۶ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۶۹ / خلاصة الاقوال، ص ۱۷۷، ش ۱۵ / دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۵۷ / رجال النجاشی، ص ۱۵۹، ش ۴۲۱؛ ص ۲۵۷، ش ۶۷۶ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۶.

علی بن حسن بن محمد طائی جرمی (۹ - ۲۶۰ ق)

ابوالحسن، معروف به «طاطری»، محدث، فقیه و متمصب در مذهب «واقفیه» (هفت امامی) بود. از منابع کهن، در خصوص تاریخ تولد و زمان مرگ او چیزی به دست نیامد، ولی در بعضی از منابع متأخر، وفات او به سال ۲۶۰ هـ نوشته شده

است. دوران کودکی و نوجوانی را در کوفه به سر آورد و در آنجا با عالمان زمان خود آشنا شد و با اشتیاق تمام، به تحصیل علوم دینی اشتغال یافت. وی در کوفه اقامت دایم داشت و کار اصلی اش آموختن حدیث و فراگیری علوم اسلامی بود، اما برای تأمین هزینه زندگی، مسافرت‌هایی به دمشق داشت و آن‌گونه که از لقب «طاطری» برمی آید، در آنجا در تجارت پارچه، به ویژه «کرباس»، فعالیت می‌کرد. «طاطری» به کسی گفته می‌شود که پارچه‌های کرباس می‌فروشد و ظاهراً شغل مذکور در میان خانواده او رواج داشت.

وی به تدریج، در علوم فقه، کلام و حدیث تبخّر یافت و با نگارش کتاب‌ها و برگزاری مجالس درس، شاگردان و پیروان زیادی اطراف خود گرد آورد. وی در ترویج مذهب «واقفیه» و در معرفی امام هفتم شیعیان به عنوان مهدی موعود، چنان از خود تعصب نشان داد که آیین مذکور به نام فرقه «طاطریه» مشهور گشت که در رد عقاید «شیعیان قطعیه» (کسانی که وفات امام موسی کاظم علیه السلام را باور کردند و به امامت امام رضا علیه السلام شهادت دادند) می‌کوشید. او حق زیادی برگردن هم‌کیشان خود دارد؛ زیرا در اثر تلاش‌ها و کوشش‌های او بود که معتقدان واپس‌مانده این فرقه توانستند جانی بگیرند و در جهت حفظ و گسترش این مکتب، موفقیت‌هایی به دست آورند.

وی استادان زیادی که برخی از آنها محمد بن حمزه، علی بن حمزه و درست بن ابی منصور بودند. از شاگردان او، علی بن حسن بن فضال، (م ۲۹۰ ق)، احمد بن عمر بن کیسه، هیشم بن ابی مسروق نهدی و ابن نهیک را می‌توان نام برد. همچنین یکی دیگر از شاگردان مشهور و بلندآوازه او حسن بن محمد بن سماعه (م ۲۶۳ ق) بود که اعتقادات واقفیه را از او فراگرفت و سپس خود به عنوان یکی از رهبران این مذهب درآمد.

وی در تأیید مذهب واقفی، کتاب‌های زیادی تألیف کرد که تعداد آن‌ها به سی

کتاب می‌رسد؛ از جمله آن‌ها: توحید، وفات، صلاة، مواقیب، قبله، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و کتاب الولایه. وی همچنین کتابی به نام الامامه به رشته تحریر درآورد که بعدها توسط شیخ المتکلمین ابوسهل اسماعیل نویختی (م ۳۱۱ ق) ردّیه‌ای با عنوان الرد علی الطاطری فی الامامه بر آن نوشته شد.

منابع

خاندان نویختی، ص ۱۱۷ / رجال الطوسی، ص ۲۴۱، ش ۵۰۸۵ / رجال النجاشی، ص ۲۵۴، ش ۶۶۷ / فهرست ابن ندیم، ص ۳۳۱ / طوسی، الفهرست، ص ۱۵۶، ش ۳۹۰ / معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۶۷ / المقالات و الفرق، ص ۸۹، فرقه ۱۶۹.

علی بن ریّان بن صلت اشعری قمی (ح ۲۰۰ - ح ۲۷۰ ق)

علی، محدث مورد اعتماد شیعی، از نمایندگان امام هادی علیه السلام و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود که کنیه‌اش در منابع ذکر نشده است. وی ظاهراً در اواخر سده دوم یا در آغاز سده سوم، در یکی از روستاهای خراسان زاده شد و چنان‌که از شاگردان و سوابق علمی او استفاده می‌شود، در نیمه دوم سده سوم (ح ۲۷۰ ه) در قم وفات یافت. وی در خانواده‌ای علمی و مذهبی پرورش یافت و احتمالاً هنگامی که پدرش پیش از وفات امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) از مرو عازم بغداد بود، وی کودکی بیش نبود. پدرش ابوعلی ریّان بن صلت (م.ح ۲۶۵ ق) از راویان بلندپایه شیعه بود که در پی وداع خمگینش با امام رضا علیه السلام عازم بغداد و کوفه شد و پس از آن به قم آمد و با سلسله جلیل‌القدر اشعریان قم رابطه نزدیکی یافت و لقب «اشعری» گرفت. برادرش محمد بن ریّان بن صلت نیز از عالمان زمان خود بود و با هم تألیفات مشترکی داشتند، ولی هیچ‌گاه آوازه برادرش به اندازه وی نبود؛ زیرا وی از وکلای امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) به شمار می‌آمد.

در منابع معتبر، هرچند گزارش دقیقی از دخالت پدرش در تربیت او دیده نمی‌شود، اما در موارد اندکی دیده شده که وی از پدرش نقل حدیث کرده باشد. همچنین به دلیل اینکه برخی از شاگردان پدرش نزد او نیز شاگردی نموده‌اند، گمان می‌رود که عامل اصلی در پرورش او، اشارات و راهنمایی‌های پدرش بوده است. وی بخش عمده‌ای از تحصیلات خود را در بغداد و کوفه گذراند و در فقه و حدیث به حد کمال رسید. با اینکه وی در عصر امام هادی علیه السلام فردی میان‌سال بود، اما موفقیت‌های علمی و صداقت او در گفتار سبب شدند تا مورد توجه آن امام علیه السلام قرار گیرد و به عنوان وکیل آن حضرت برگزیده شود. وی در مسائل فقهی، مکاتبات متعددی با امام هادی علیه السلام انجام داد و گاهی به سبب فشارهای سیاسی، نام آن امام را به صراحت در مکاتباتش ذکر نمی‌کرد و تنها به جمله «کتبتُ الی الماضي الاخیر» اکتفا می‌نمود. ممکن است وی در مدت وکالتش، سفرهایی به سامراء داشته و از نزدیک با امام هادی علیه السلام ملاقات نموده باشد، اما در این باره گزارشی نرسیده است. همچنین از مکاتبه او با امام حسن علیه السلام نیز گزارشی دیده نشد.

وی علاوه بر اینکه بیشتر معارف و آموزش‌های خود را نزد امامان عصر خود فراگرفت، اما از کسانی همچون عیدالله بن عبدالله دهقان، علی بن محمد، معروف به «ابن وهبه» و محمد بن عبدالله بن زراره نیز حدیث نقل کرده است. از شاگردان مشهور او، سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۳۰۱ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق)، محمد بن احمد بن یحیی (م.ق ۲۹۹ ق)، ابراهیم بن هاشم قمی (م.ح ۲۷۵ ق)، محمد بن علی بن محبوب و احمد بن ابی عبدالله برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) بودند.

از جمله تألیفات او، دو کتاب می‌باشند که نجاشی از آن‌ها یاد کرده است: یکی *نسخه‌ای از احادیث امام هادی علیه السلام که مجسوعه روایات آن حضرت در این کتاب گردآوری شده؛ و دیگری کتاب منشور الاحادیث است که روایات پراکنده‌ای دربردارد.*

گفتنی است در برخی از منابع، به اشتباه آمده است که وی توسط حسن بن سعید بن حماد به امام رضا علیه السلام معرفی شده، در حالی که شخص معرفی شده علی بن مهزیار اهوازی است؛ زیرا صاحب شرح حال عصر امام رضا علیه السلام را به درستی درک نکرد.

منابع

الاستبصار، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۹۴۶ / خلاصة الاقوال، ص ۱۸۵، ش ۳۷ / رجال الطوسی، ص ۳۸۹، ش ۱۵۷۲۸ / ص ۴۰۰، ش ۵۸۶۹ / رجال النجاشی، ص ۲۷۸، ش ۷۳۱ / طوسی، الفهرست، ص ۹۰، ش ۳۷۶ / الکافی، ج ۳، ص ۵۶۹، ح ۴؛ ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۱۵ / ص ۴۷۲، ح ۲ / کامل الزیارات، ص ۴۶۹، ح ۷۱۶ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۳۰، ش ۸۱۴۲ / من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۱.

علی بن سلیمان بن داود رازی (؟ - ب ۲۵۹ ق)

علی، محدث شیعی، که کنیه اش در منابع ذکر نشده، از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) بود. بنابراین، حیاتش تا عصر آن امام ادامه داشته است. برخی از شواهد حکایت از آن دارند که وی دستکم تا سال ۲۵۹ هـ زنده بوده است؛ زیرا شاگردش سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق) از او روایت دارد، اما از معاصرش، حسین بن سعید اهوازی (م.ح ۲۵۹ ق) حدیثی نقل نکرده است. همچنین بر پایه برخی از گزارش ها، وی از قبیله «بنی اعین» بود و با امام عصر (هج) ارتباط داشت و از جانب آن امام، توقیعاتی به او رسیدند. بنابراین، می توان حدس زد که وی در عصر غیبت صفرا (۲۶۰-۳۲۹ ق) می زیسته و احتمالاً در قم یا ری زندگی را وداع گفته است؛ چنان که از لقب «رازی» این احتمال نیز به دست می آید که ممکن است تولد او در این شهر اتفاق افتاده باشد. همچنین در برخی منابع، لقب او «رژنیانی» ذکر شده که در این صورت، ممکن

است زادگاه او در «رویان مازندران» اتفاق افتاده باشد. اما شیخ طوسی تنها کسی است که در رجال خود، لقب «رقی» (به فتح راء و تشدید قاف) به او داده که در این صورت، ممکن است بگوییم: وی مدتی در «رقه» واقع در ساحل فرات نزدیک موصل اقامت داشته است.

وی برای کسب دانش مدتی در ایران به سر برد و سپس برای ادامه تحصیل، وارد کوفه شد و از علی بن اسباط کوفی و محمد بن ابی حمیر (م ۲۱۷ ق) حدیث شنید. سپس از آنجا به ایران بازگشت و آموخته‌هایش را در قم یا ری، به شاگردانش انتقال داد. از شاگردان او، سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق) و محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق) هستند که خود در قم آوازه بلندی داشتند. از آثار تألیفی او چیزی در منابع ذکر نشده است.

منابع

الاختصاص، ص ۶۱ / اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۴۰؛ ص ۳۴۸، ح ۲۱۸ / خلاصه الاقوال، ص ۹۶ / رجال الطوسی، ص ۴۰۰، ش ۵۸۶۵.

علی بن عباس بن جویج / جورجیوس (۲۲۱-۲۸۳ ق)

ابوالحسن، معروف به «ابن رومی»، از شاعران کبیر و از فحول هشت‌گانه علم بلاغت بود. وی به علم افلاک نیز آشنایی داشت. تبار او رومی الاصل بودند، ولی وی به سال ۲۲۱ هـ در بغداد متولد شد و در همانجا نشو و نما پیدا کرد. وفات او در روز چهارشنبه ۲۸ جمادی‌الاولی سال ۲۸۳ هـ در بغداد اتفاق افتاد. او بدنی نحیف و بیمارگونه داشت و در همه عمر، از خوش‌بختی نصیبی نبرد. پدرش رومی الاصل و مادرش ایرانی الاصل بود. هنوز کودک بود که پدرش درگذشت. به همین دلیل، در دیوانش، مرثیه مادر و سایر خویشانش هست، اما مرثیه پدر نیست. زن و سه

فرزند او در زمان حیات او درگذشتند. جدّ او از موالیان دربار عبّاسی بود، اما او به خاطر زودرنجی و طبع ظریفش، نسبت به بنی عبّاس ناسزا می‌گفت. وی از اصحاب امام هادی علیه السلام و از شاعران ویژه آن حضرت به شمار می‌آید. او در یکی از اشعارش، خاک قدم امیرالمؤمنین علی علیه السلام را سرمه چشمش معرفی کرده است. در سروده‌هایش، دارای سبک‌های عجیب و در استخراج معانی نادره، صاحب ابتکارات بی‌نظیر بود. مذهب او در شعر، «مذهب شاعران معانی» بود؛ همچون متنبّی (م ۳۵۴ ق) و دیگران که بیشتر به زیبایی معنا توجه داشتند تا به زیبایی شیوه. وی در اشعار خود نسبت به درباریان عبّاسی، طعنه‌های بسیار داشت. از این‌رو، یکی از وزیران معتضد عبّاسی به نام ابوالحسین قاسم بن عبیدالله در مجلسی که ترتیب داده بود، وی را با خوراندن «خشکناجه» (بیسکویت) مسموم کرد و او این مسمومیت را فی‌المجلس احساس کرد. به همین دلیل، از جلسه برخاست و در حال رفتن بود که وزیر به او گفت: کجا می‌روی؟ گفت: همانجا که تو مرا فرستادی. وزیر گفت: پس سلام مرا به پدرم برسان. گفت: مسیر من به سوی جهنم نیست! وی چند روز پس از این ماجرا کشته شد.

سید بن طاووس در *فراج المهموم*، وی را به عنوان یکی از ستاره‌شناسان «بنی نوبخت» معرفی کرده و به او لقب «شیعی» داده است. آقا بزرگ طهرانی در معرفی کتاب *تبذة من دواوین الشیعه*، نام او را به همراه شاعران معروفی همچون حمیری، ابوالعلاء معری، وجیه‌الدوله حمدانی و علی بن بسّام، به عنوان شاعر شیعی ذکر کرده است. از شاگردان معروف و شیعی او، ابوالعبّاس احمد بن عبیدالله *تقفی* (م ۳۱۹ ق) بود که در فضیلت بنی هاشم و نکوهش بنی امیّه، رساله‌ای نگاشت و صاحب کتاب *اخبار ابن الرومی* است. همچنین از جمله معاصران یا شاگردان دیگر او، ابوالعبّاس عبدالله بن محمّد معتزّ (م ۲۹۶ ق) بود که از شاعران مشهور زمان خود و صاحب تصانیف متعدّد است که جز به اندازه یک شبانه‌روز، خلافت

عبّاسی را برعهده نداشت. همچنین یکی دیگر از شاگردان او ابو عثمان سعد بن حسین ناجم (م ۳۱۴ ق) بود که بیشتر اشعار ابن الرومی را نقل کرده است؛ چنان‌که ابوالحسن علی بن عبّاس نویختی (م ۳۲۴ ق)، یکی دیگر از شاگردان او، قطعات زیبایی از اشعار ابوهباده بحتری و ابن رومی را روایت نموده است.

از آثار ابن رومی دیوانی است که به نام *دیوان ابن الرومی* معروف است و در هند و مصر به چاپ رسیده. بسیاری از دانشمندان بزرگ همچون ابن سینا و کامل گیلابی قطعاتی از دیوان او را برگزیده و شرح نموده‌اند. مقام شامخ و بلند ابن رومی باعث شده تا برخی از دانشمندان اسلامی همچون عبّاس محمود عقّاد و نیز بعضی از مستشرقان مانند رفون گست (Ruhon Guest) به نوشته‌های او روی آورده و دربارهٔ حیات علمی‌اش کتاب‌هایی بنگارند.

گفتنی است دربارهٔ ابن رومی با وجود شأن و منزلت علمی‌اش، نکوهش‌هایی نیز به عمل آمده است. مرزبانی با اینکه اشعارش را به خاطر معانی بلندش، درخور فهم همگان نمی‌دانست، اما در نکوهش او می‌گوید: سراغ نداریم که وی یکی از رؤسا یا مرثوسین را مدح کرده باشد. شاید به همین دلیل، قاضی نعمان مصری (م ۳۶۳ ق) صاحب کتاب *دعائم الاسلام*، در ردّ او رساله‌ای نوشته است؛ چنان‌که هجویات مشهور ابن رومی نسبت به ابوالمحاسن اخفش اصغر (م ۳۱۵ ق) نیز دلالت بر همین مطلب دارند.

منابع

الأعلام، ج ۱، ص ۱۱۶۶ ج ۳، ص ۱۸۴ ج ۴، ص ۱۱۸ و ۲۹۱ و ۲۹۷؛ *البدایة والنهایة*، ج ۱۱، ص ۸۶ / *دائرة المعارف تشیع*، ج ۱، ص ۳۲۱ / *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۱، ص ۳۳۱ ج ۹، قسم اول، ص ۲۴ ج ۱۰، ص ۱۷۶ ج ۲۴، ص ۳۷ / *الغدیر*، ج ۳، ص ۵۳ / *فرج الممهور فی معرفة علماء النجوم*، ص ۱۳۲ / *کشف الظنون*، ج ۱، ص ۷۶۶ / *معجم الشعراء*، ص ۲۸۹ و ۴۴۸ / *معجم المطبوعات العربیة و المغربیة*، ج ۱، ص ۱۱۱ و ۵۸۱ / *وفیات الاعیان*، ج ۱، ص ۳۵۱.

علی بن عبدالله بن مروان بغدادی (ق- ۲۸۰ ح)

علی، که کنیه اش در منابع ذکر نشده، فقیه و محدث شیعی بود و شرح حالش در منابع معتبر نیامده است. بنابراین، درباره تاریخ تولد و وفات او و همچنین گوشه‌های دیگر زندگی اش نمی‌توان سخن درستی ارائه نمود. روایاتی که وی درباره فضیلت زیارت قبر امام کاظم و امام هادی علیهما السلام نقل کرده، گواه آن هستند که وی پس از وفات امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۲ ق) حیات داشته است. به همین دلیل، شیخ طوسی وی را از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) به شمار آورده، پس وی تا اوایل نیمه دوم سده سوم (ح ۲۶۰ ه) زنده بوده است. اما ستایشی که کنسی به نقل از محمد بن مسعود عیاشی (م. ح ۳۲۸ ق) از او به عمل آورده، مربوط به پس از این تاریخ می‌شود؛ زیرا عیاشی در ۲۶۰ ه تازه وارد کوفه شده بود. همچنین اگر شاگردی عیاشی نزد او قطعی و یقینی باشد، در آن صورت، وفات او می‌بایست در دهه‌های پایانی سده سوم (ح ۲۸۰ ه) اتفاق افتاده باشد.

از اینکه وی کجا و در چه تاریخی تولد یافت، اطلاعی نداریم، اما از لقب «بغدادی» استفاده می‌شود که وی دست‌کم مدت زیادی در این شهر اقامت داشته و احتمالاً زندگی را در همین شهر به پایان برده است. درباره خانواده او، بررسی‌های انجام شده این احتمال را تقویت می‌کنند که افرادی مانند محمد بن عبدالله بن مروان (شاگردان ابن ابی عمیر، م ۲۱۷ ق) و احمد بن عبدالله بن مروان انباری (از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام) برادران او می‌باشند، اما در این باره نمی‌توان قاطعانه سخن گفت.

وی در منابع کهن رجالی، فردی راستگو و مورد اعتماد معرفی شده است. از احادیث باقی‌مانده از او استفاده می‌شود که استادان او ابراهیم بن عقبه و ایوب بن

نوح بن درّاج (م. ۲۵۵ ق) بوده‌اند. همچنین بر اساس همین روایات، می‌توان شاگردان او را احمد بن حسین و علی بن محمد حاضینی معرفی نمود. وی ظاهراً دارای اثر تألیفی نبوده است.

منابع

تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۱۵، ح ۵۶ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۹۱ / رجال الطوسی، ص ۴۰۰، ش ۵۸۶۸ / اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۲، ش ۱۰۱۴ / الکافی، ج ۴، ص ۵۸۳، ح ۳ / کامل الزیارات، ص ۵۰۰، ش ۷۸۱، ب ۹۹، ح ۱۳ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۸۹، ش ۸۲۹۲.

علی بن علی بن رزین بن عثمان بن عبدالرحمان بن عبدالله

بن بدیل بن ورقاء خزاعی کوفی (۱۷۲ - ۲۸۳ ق)

ابوالحسن، از راویان معتبر شیعه و از اصحاب ویژه امام رضا علیه السلام بود. وی برادر ابوعلی دعبل خزاعی (۱۴۸-۲۴۶ ق) شاعر معروف اهل بیت علیهم السلام بود و تولّدش در سال ۱۷۲ هـ و وفاتش به سال ۲۸۳ هـ در سن ۱۱۱ سالگی اتفاق افتاد. در سال ۱۹۸ هـ در طوس خدمت امام رضا علیه السلام رسید و با برادرش دعبل، تا سال ۲۰۰ هـ نزد آن حضرت تشرّف داشتند. در این مدت، احادیث زیادی از آن حضرت شنید که آنها را در کتابی بزرگ به نام کتاب الحدیث یا مستند الرضا علیه السلام گرد آورد. از او حدیثی از امامان دیگر به طور مستقیم سراغ نداریم؛ زیرا وی به همراه برادرش دعبل، در سال ۲۰۰ هـ، به قم آمد و امامان دیگر را ملاقات نکرد.

وی دارای فرزندی است به نام اسماعیل بن علی خزاعی (م ۳۵۲ ق) که تمام روایات او از طریق پدرش نقل شده‌اند. پدرش صاحب کتاب تاریخ الائمه است و در علم رجال، فردی «مختلط» و «کذاب» معرفی شده است. از این رو، روایات اسماعیل از پدرش، کمتر مورد پذیرش هستند. به گفته ابن ندیم، در فهرست،

خاندان خزاعی همه شاعر بودند. پسر عموی او ابن ابی الشیص و همچنین برادرزاده اش حسین بن دهبیل و نیز جدّ او ابن رزین، هر کدام دارای دیوان اشعار هستند.

منابع

خانامة المستدرک، ج ۱، ص ۲۶۳ / الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۳، ص ۲۱۴؛ ج ۶، ص ۳۵۰؛ ج ۹، قسم اول، ص ۱۷ و ۲۳ / رجال النجاشی، ص ۴۲، ش ۶۹؛ ص ۲۷۶، ش ۷۲۷ / طوسی، الفهرست، ص ۵۰، ش ۳۷ / معالم العلماء، ص ۴۵ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۰۷، ش ۸۳۴۲ / وفيات الاعیان، ج ۱، ص ۱۷۸.

علی بن محمد بن زیاد صیمری (۹- ۲۸۸ ق)

صیمری، از راویان راستگوی شیعه و از اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام، ولادتش در دست نیست، ولی به گواه اینکه وی از اصحاب هادی علیه السلام (۲۱۴-۲۵۴ ق) بود، می توان حدس زد که در نیمه اول قرن سوم هـ متولد شده باشد. وفات او به سال ۲۸۸ هـ (و احتمالاً در روستایش به نام «صیمره» در نزدیکی بصره) اتفاق افتاده است. در گزارشی معتبر آمده است: وی طی نامه ای به امام عصر (عج)، از او تقاضای کفن نمود. امام علیه السلام به واسطه یکی از نایبانش، در جواب او مرقوم فرمود که او در دهه هشتاد (یعنی پس از سال ۲۰۰ هـ) نیازمند کفن خواهد شد، و در همان زمانی که امام مقرر کرده بود، وی دار فانی را وداع گفت و یک ماه پیش از آن، امام برای او کفن فرستادند.

از خانواده او اطلاعی در دست نیست، تنها در گزارشی آمده است: همسرش امّ احمد دختر وزیر جعفر بن محمود بوده است. شیخ طوسی وی را «اسامی» معرفی کرده است. همچنین سید بن طاووس، در مهج الدعوات، او را توثیق نموده و از وجوه شیعه به شمار آورده است. مامقانی در تنقیح المقال، بدون هیچ تردیدی او را از راویان راستگو قرار داده است.

صیمری توقیعات زیادی از امام هادی و عسکری علیهما السلام دریافت کرد و سپس افتخار تشرف به محضر آن دو را پیدا نمود و مدتی نزد آن دو بزرگوار مشغول خدمت بود. وی بیشتر معارف و تعلیماتش را از امام حسن عسکری علیه السلام فرا گرفت و مدتی با آن حضرت در زندان مهندی عباسی هم سلول بود. در منابع شیعه، احادیث زیادی از او نقل شده‌اند و از روایات او درباره معجزات امام حسن عسکری علیه السلام معلوم می‌شود که وی دارای عقیده‌ای سالم و ایمانی پایدار بوده است. صیمری با علی بن مهزیار معاصر بود و روایات بسیاری از او نقل کرده است. وی در دانش کتابت و ادبیات، از پیش‌کسوتان زمان خود بود. از آثار او، کتاب *الاصیاء و ذکر الوصایا* می‌باشد.

گفتنی است در منابع حدیثی، گاهی نام او با علی بن محمد السمري، نایب چهارم امام عصر علیه السلام (از ۳۲۶-۳۲۹ ق)، اشتباه می‌شود؛ زیرا «سمره»، هم از نظر تلفظ نزدیک به «صیمره» است و هم از لحاظ جغرافیایی، هر دو بین بصره و واسط قرار دارند.

منابع

اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۸، ص ۳۰۸ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۲، ص ۳۰۴، ش ۸۴۷۳ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۸ / معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۶۴ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۱۴۱، ش ۸۴۲۰.

علی بن محمد علوی بوذعی عبیدی (؟ - ۲۷۰ ق)

علی، معروف به «صاحب زنج»، از معاصران امام حسن عسکری علیه السلام بود. وی را «برقمی» نیز می‌گویند؛ زیرا همیشه با چهره‌ای نقاب‌زده حرکت می‌کرد. ولادت او در دست نیست، ولی وفاتش در سال ۲۷۰ هـ رخ داد. برخی از علمای بزرگ مانند

ابن میثم بحرانی، شارح نهج البلاغه، وی را با صفاتی همچون «فاضل» و «بارع» ستوده‌اند و بعضی دیگر مانند سید بن طاووس او را عالم به علم نجوم، و در کتاب عمدة الطالب نیز وی را شاعر معرفی کرده و برخی از اشعار او را آورده‌اند. همچنین عده‌ای از تبارشناسان انتساب او به آل علی علیه السلام را صحیح می‌دانند.

اما گزارش‌های دیگر حاکی از آن هستند که وی از شیعیان زشت‌کردار، قسی‌القلب و فردی ماجراجو بود. از این‌رو، روایات اندکی که از طریق او نقل شده، ضعیف و بی‌اعتبارند. حتی استاد او، محمد بن عبدالله جعفری، که از مصنفان امامیه است، به سبب سوء پیشینه او، در منابع رجالی تضعیف شده است. نام صاحب زنج «علی بن محمد» از «بنی عبدالقیس» است. برخی دیگر اسم او را «بهبود» و او را ایرانی و اهل قریه «ورزین» از روستاهای «ری» می‌دانند.

ماجرای قیام و شورش او در تاریخ مشهور است. او برای جلب نظر مردم و تأیید قیام خویش، به دروغ، ادعای انتساب به «علویان» کرد و خود را از نواده‌های شهید جاوید اسلام، زید بن علی بن الحسین علیه السلام معرفی نمود. امام حسن عسکری علیه السلام ادعای علوی بودن او را رد کرد و فرمود: «صاحب الزنج لیس منّا اهل البیت». گفته می‌شود وی در روز جمعه ۱۷ شوال ۲۵۵ یا ۲۵۷ هـ در زمان خلافت مهندی عباسی (حک ۲۵۵-۲۵۶ ق) وارد بصره شد و مردم آن را قتل عام و مسجد جامع شهر را به آتش کشید، به گونه‌ای که خون از کوره‌های بصره روان شد. دامنه این فتنه تا شهرهای «آبادان»، «اهواز»، «آبله»، «دشت میشان»، «واسط»، «رامهرمز» و «ابی‌الخصیب» نیز گسترش پیدا کرد. در این شورش‌ها، فرزندان و حیال او نیز در شورش «آبله» کشته شدند و او از آن پس، مقطوع‌النسل گردید. بر اساس تحقیقات انجام شده، در مدت قیام صاحب زنج، که چهارده سال و چهارماه بود، یک و نیم میلیون نفر کشته و قربانی شدند. وی قریب پانزده سال (۱۴ سال و ۴ ماه) مدام در بین مردم فساد می‌کرد تا در نهایت، در سال ۲۷۰ هـ.

کشته شد. او علاوه بر ادعای انتسابش به «علویان»، مهم‌ترین چیزی که برای تحریک و تشویق بردگان و پیوستن آن‌ها به خویش، بر آن تکیه داشت این بود که خود را رهبر بردگان معرفی می‌کرد و ندای آزادی آن‌ها را سر می‌داد. به همین دلیل، وی را «صاحب زنج» یعنی «رهبر بردگان سیاه» نامیده‌اند.

بعضی از مورخان بر این اعتقادند که عقاید او ریشه در تفکر فرقه «آزارقه» از «خوارج» دارد و بر این اعتقاد خود، شواهد خوبی ارائه می‌دهند. حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه، که پس از جنگ «جمل» در سال ۳۶ ق ایراد کرد، خطاب به اهل بصره، جنایات او را پیش‌بینی نموده است. ظاهراً نخستین کتابی که درباره قیام او نوشته شده مربوط به احمد بن ابراهیم بن معلی شیعی می‌باشد که به نام اخبار صاحب الزنج معروف است.

از آثار خود او، دیوان صاحب الزنج است. همچنین دیوان دیگری وجود دارد به نام دیوان العلوی الحمّانی که شعرهای آن با اشعار صاحب زنج مخلوط شده‌اند. وی سرانجام، در یکی از شورش‌هایش، شکست را پذیرفت و به دست ابوالاحمد الموفق بالله در سال ۲۷۰ هـ در زمان خلافت معتمد بالله (۲۵۶-۲۷۹ ق)، به هلاکت رسید.

منابع

ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۴۳ / تاریخ طبری، حوادث سال ۲۵۵ ق / تاریخ العصر الخلافة العباسیه، ص ۱۲۳ و ۱۲۴ / تاریخ عصر غیبت، ص ۶۷ تا ۶۹ / تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۲، ص ۲۲۰ / خلاصة الاقوال، ص ۴۰۳، ش ۵۴ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۹، «قسم دوم» ص ۵۷۵؛ ج ۹ «قسم سوم»، ص ۷۳۷ / رجال النجاشی، ص ۳۲۴، ش ۸۸۴ / سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۲۹ / شرح مئة کلمه، ص ۲۴۵ / طوائف المقال، ج ۱، ص ۵۷۵، ش ۵۵۲۹ / العصر العباسی الثانی، ص ۳۳ / عمدة الطالب، ص ۲۹۱ و ۲۹۲ / فرج المهموم فی معرفة علماء النجوم، ص ۲۱۴ / الکنی والالقب، ج ۲، ص ۴۰۲ / مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۰۸ و ۱۰۹ / نهج البلاغه، خطبة ۱۰۲، ص ۱۸۸ / خطبة ۱۲۸، ص ۲۲۳ / وسائل الشیعه (چاپ اسلامیة)، ج ۱۷، ص ۱۴۰.

علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری (؟- ح ۲۹۵ ق)

ابوالحسن، متکلم، فقیه و محدث شیمی، از دست‌پروردگان فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) بود. تاریخ تولد او روشن نیست، اما وفات او با توجه به شاگردانش، که تا نزدیک به اواسط سده چهارم هجری حیات داشتند، می‌بایست دست کم در اواخر سده سوم (ح ۲۹۵ ه) روی داده باشد، اما احتمال اینکه مرگ او در اوایل سده چهارم روی داده باشد نیز بعید به نظر نمی‌رسد. وی در نیشابور متولد شد و در همانجا پرورش یافت. از استادان و شاگردان او، که عمدتاً اهل نیشابور هستند، برمی‌آید که وی بیشتر دوران علمی خود را در این شهر گذرانده است. همچنین مسافرت‌هایی به شهرهای کوفه، سامراء و بغداد داشت و در آنجا با برخی از استادان حاضر ارتباط یافت و استماعاتی نزد آنان داشت.

بیشترین آموخته‌های حدیثی و کلامی او نزد فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) صورت گرفته‌اند، به ویژه در شناسایی شخصیت‌های متقدم حدیثی، بیشترین بهره‌ها را از فضل برده، به گونه‌ای که کتبی در معرفی شخصیت‌های رجالی، غالباً گزارش‌های خود را از او نقل می‌کند. وی همچنین در تفسیر آیات قرآنی احادیث متعددی از فضل فراگرفت که از این نظر، می‌توان او را آشنا به تفسیر نیز معرفی کرد. استادان دیگر او حمدان بن سلیمان نیشابوری (م. ح ۲۶۰ ق) و ابو زکریا یحیی بن ابی بکر بودند. وی پس از مسافرتش به شهرهای عراق، به زادگاه خود بازگشت و در آنجا شاگردان زیادی تربیت نمود که در میان آن‌ها، عبدالواحد بن محمد بن عبدوس عطار نیشابوری (م. ب ۳۵۲ ق)، که خود استاد شیخ صدوق بود، بیشترین استفاده را از او برده است. از شاگردان دیگر او، احمد بن ادریس قمی (م ۳۰۶ ق)، شریف ابوعلی محمد بن احمد و حسن بن حمزه علوی طبری (م ۳۵۸ ق) بودند.

اکنون در منابع حدیثی، روایات بی شماری از او نقل شده که در نگاه صاحب نظران، مورد قبول و قابل استناد می باشند. با اینکه در منابع رجالی تصریح به صحت شنیده های او نشده، اما بزرگانی همچون طوسی، علامه حلی و دیگران، او را «فاضل» و نام او را در ردیف محدثان مورد اعتماد ذکر نموده اند. به گفته نجاشی، وی کتاب های متعددی نوشته که از جمله آن ها مجالس الفضل مع اهل الخلاف و مسائل اهل البلدان هستند.

گفتنی است وی غیر از ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ ق)، دانشمند مشهور اسلامی و صاحب کتاب اخبار الطوال، است که در این کتاب، گرایش های شیعی و محبت خود را به اهل بیت علیهم السلام نشان داده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۵۲، ش ۴۹۳ / الاستبصار، ج ۴، ص ۳۴۱ / التوحید، ص ۴۱۶، ب ۶۳، ح ۱۶ / الخصال، ص ۵۸، ح ۷۹ / خلاصة الاقوال، ص ۱۷۷، ش ۱۶ / رجال ابن داود، ص ۱۴۱، ش ۱۰۸۴ / رجال النجاشی، ص ۲۵۹، ش ۶۷۸ / عیون اخبار الرضا علیه السلام، ب ۳۴، ج ۱، ص ۱۰۶، همه احادیث / کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۴۲، ب ۳۳، ح ۲۳؛ ص ۳۷۸، ب ۳۶، ح ۱۳؛ ص ۴۱۱، ب ۳۹، ح ۶.

علی بن مهدی بن صدقه قمی زقی انصاری (ح ۱۸۰ - ح ۲۷۰ ق)

ابوالحسن، محدث شیعی و از اصحاب امام رضا علیه السلام، احتمالاً در قم دیده به جهان گشود، اما تاریخ آن در دست نیست. با توجه به اینکه وی در عصر امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) صلاحیت استماع حدیث از آن امام را داشته، پس در آن هنگام از سن کافی و جاهت لازم برخوردار بوده است. بنابراین، تولدش می بایست در دهه های پایانی سده دوم (ح ۱۸۰ هـ) اتفاق افتاده باشد. از تاریخ

مرگ او نیز اطلاع دقیقی در دست نیست، اما فرزند او ابوعلی احمد، که از دانشمندان علم حدیث و استاد جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۸ ق) بود، در تاریخ ۳۴۰ هـ حیات داشت و شیخ تلعمکبری (م ۳۸۵ ق) در تاریخ یادشده در مصر از این فرزند حدیث شنیده است. بنابراین، وفات او حدود ۲۷۰ هـ در نظر گرفته شده است تا بدین سان، فاصله او با فرزندش از هفتاد سال تجاوز نکند.

از دوران کودکی و نوجوانی او اطلاع صحیحی نداریم. از لقب «زرقی» (به فتح راه و تشدید قاف) برمی آید که نیاکان او در «رقه» واقع در ساحل فرات نزدیک موصل اقامت داشتند. اما با توجه به اینکه در بعضی از منابع، لقب «برقی» (منسوب به روستای «برقه» در قم) به جای «زرقی» درج شده است، نمی توان در این باره سخن قاطعی گفت؛ چنانکه در برخی منابع نسبت «قمی» به او داده شده است که در این صورت، احتمال «برقی» بر «زرقی» ترجیح می یابد. به هر حال، اگر لقب صحیح او «قمی» و «برقی» باشد در آن صورت، می توان گفت که وی در شهر قم پرورش یافته و یا دست کم با این شهر در ارتباط بوده است.

وی برای کسب معارف بیشتر، در بغداد تحصیلات خود را ادامه داد تا اینکه در فقه و حدیث به حد کمال رسید. او بیشتر معارف و احادیث اسلامی را از محضر امام رضا علیه السلام شنید و سپس استماعهاست خود از آن امام را در ضمن نسخه ای گرد آورد و آن ها را برای شاگردان خویش املا می کرد. در میان شاگردان او، فرزندش در احیای نام پدر و انتقال احادیثش به آیندگان، بیشترین سهم را داشت. با اینکه وی در دوره امامان بعد نیز می زیست و حتی عصر غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ ق) را نیز درک کرده، اما از ارتباط او با امامان عصر خود گزارشی دیده نشده است. تنها یک گزارش، که در الفیبه شیخ طوسی آمده، حاکی از آن است که وی با نایب دوم امام عصر (هج)، محمد بن عثمان عمری (نیابت: ۳۰۵-۲۶۷ ق) ارتباط داشته و احتمالاً وی در آن زمان از چهره های سرشناس

بغداد به شمار می‌آمده است. در این گزارش آمده است که روزی نایب دوم بدون هماهنگی قبلی به خانه او آمد تا دربارهٔ کسانی که از نام مبارک امام عصر (عج) کنجکاو می‌کنند، به او هشدار دهد که در این باره یا باید سکوت کرد و بهشت را خرید و یا در صورت افشای نام آن حضرت، آتش جهنم نصیبشان خواهد شد. گزارش مذکور نشان می‌دهد که وی در بغداد از چهره‌های شناخته‌شده و از شخصیت‌های بانفوذ آنجا بوده است؛ زیرا در غیر این صورت، مراجعهٔ نایب دوم به او وجهی نخواهد داشت. از همین گزارش نیز می‌توان استفاده کرد که وی عصر غیبت صغرا را درک کرده و در اواخر عمر در بغداد می‌زیسته و احتمالاً زندگی را در همین شهر وداع گفته است.

از استادان او کسی جز علی بن موسی الرضا علیه السلام شناخته‌شده نیست. در جوامع حدیثی نیز روایات او به‌طور مستقیم از امام رضا علیه السلام نقل شده‌اند. از این‌رو، استادان دیگر او قابل شناسایی نیستند؛ چنان‌که دربارهٔ شاگردان او نیز غیر از پسرش کسی دیگر را نمی‌شناسیم. شاید دلیل این موضوع در اثر کتابی باشد که از وی به یادگار مانده و تنها از طریق فرزندش به آیندگان انتقال یافته است. گفتنی است در بعضی از منابع اهل سنت لقب «قاضی» به او داده شده است. از این‌رو، ممکن است وی مدتی به امر قضاوت اشتغال داشته، اما چگونگی پیوستگی او به دستگاه خلافت و نیز اینکه در کدام شهر مسئولیت این کار را برعهده داشته، برای ما مجهول است.

منابع

طوسی، الامالی، ص ۲۴۸، ح ۱۰۰۱ / همو، الغیبه، ص ۳۶۴، ح ۳۳۱ / خاتمه المستدرک، ج ۱، ص ۲۶۴ / رجال ابن داود، ص ۱۴۲، ش ۱۰۹۲ / رجال الطوسی، ص ۳۶۰، ش ۵۳۲۹، ص ۴۱۰، ش ۵۹۵۲ / رجال النجاشی، ص ۲۷۷، ش ۷۲۸ / کامل الزیارات، ص ۹۲، ح ۹۳ / تهذیب الکمال، ج ۲۱، ص ۱۴۸، ش ۴۱۴۱.

علی بن مهزیار اهوازی (؟ - ۲۵۵ ق)

ابوالحسن، از محدثان بزرگ شیعه و وکیل سه امام شیعیان (امام رضا، جواد و هادی علیهم‌السلام)، ولادتش معلوم نیست، اما چون وی حیات امام رضا علیه‌السلام را درک کرد و روایت‌هایی از آن حضرت دارد، چنین گمان می‌رود که ولادت او چندین سال پس از تولد آن حضرت (ت ۱۴۸ ق) بوده و هنگامی که آن حضرت به مقام امامت (۱۸۳ هجری) رسیده، وی دوران جوانی خود را سپری می‌کرده است. درباره وفات او نیز اختلاف است. زرکلی در الاعلام، وفات او را سال ۲۵۰ هجری تعیین کرده است. آنچه مسلم است اینکه وی در زمان امام هادی علیه‌السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) زندگی می‌کرده و از آن حضرت روایات متعددی نقل کرده است. از این رو، می‌توان حدس زد که وفات او دستکم پس از وفات امام هادی علیه‌السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) رخ داده است. امروزه آرامگاه علی بن مهزیار در شهرستان «جاجرم» از بلاد خوزستان معروف و دارای گنبد و بارگاه است.

وی در اصل، اهل «دورق» (روستایی در خوزستان) بود و در اهواز نشو و نما کرد. در برخی از منابع آمده که وی اهل «هند» (یکی از روستاهای بلاد فارس) بود و نصرانی زاده شد، اما در زمان کودکی اش، پدرش اسلام آورد و وی نیز در همان ایام، به دین اسلام گروید و در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، به ویژه امام جواد علیه‌السلام، زانوی شاگردی بر زمین زد و از نمایندگان ویژه آن حضرت به شمار آمد. جدّ او حماد، که از بردگان امام سجّاد علیه‌السلام بود، وی و دوستش اسحاق بن ابراهیم حضمینی را به محضر امام رضا علیه‌السلام معرفی کرد و از آن پس، آن‌ها ملازمت خویش را با این خاندان قطع نکردند. پس از آن به اهواز آمد و در آنجا رحل اقامت افکند. وی در اهواز پس از اینکه عبدالله بن جندب دار فانی را وداع گفت، به جای او به عنوان وکیل امام جواد و هادی علیهم‌السلام منصوب شد و مکاتبات زیادی با امام جواد علیه‌السلام در بغداد و مدینه داشت.

در احوالات او، آورده‌اند: هنگامی که خورشید طلوع می‌کرد به سجده می‌رفت و سرش را از سجده بر نمی‌داشت تا اینکه در حق هزار نفر از برادران ایمانی‌اش دعا کند، به گونه‌ای که پیشانی‌اش همچون زانوی شتر پینه بسته بود. بسیاری از روایات او به‌طور مستقیم از امام جواد علیه السلام نقل شده‌اند، اما وی روایاتی نیز از دیگران دارد؛ مانند: *فَصَالَةَ بِنِ آيُوبِ اَزْدِي، مُحَمَّدِ بِنِ اسْمَاعِيلِ بِنِ بَزِيعٍ، حَسَنِ بِنِ سَعِيدٍ. اَز شَاكِرْدَانَ اَوْ، مُحَمَّدِ بِنِ عَيْسَى بِنِ عَيْدٍ (م ۲۶۰ ق)*، بنان بن محمد، عبدالله بن عامر، عباس بن معروف و برادرش ابراهیم بن مهزیار و فرزندش حسن بن علی بن مهزیار هستند.

نجاشی و شیخ طوسی پس از اینکه وی را به‌طور کامل توثیق کرده‌اند، فهرستی از کتاب‌های او، که به ۳۳ عنوان می‌رسند، ذکر می‌کنند. وی در تمام ابواب فقهی مانند طهارت، صلاة و مانند آن کتاب نوشته است. همچنین کتاب التفسیر، کتاب الفضائل، کتاب المثالب، کتاب الرّدة علی الفلاة، کتاب الملاحم، کتاب القائم، کتاب الانبیاء، کتاب النوادر و رسائل علی بن اسیباط از دیگر تألیفات اویند. برخی از تألیفات او نشان می‌دهند که وی یکی از مدافعان سیاسی و اعتقادی مذهب شیعه بوده است؛ چنان‌که کتاب‌های او در ردّ غلات و در ردّ علی بن اسیباط (م. ب ۲۲۰ ق)، که در آغاز فردی «فطحی المذهب» بود، گواه بر این مطلب است.

گفتنی است برادرزاده او به نام علی بن ابراهیم بن مهزیار، که با امام زمان (عج) ملاقات داشته که گاهی در روایات شیعه به نام علی بن مهزیار از او یاد می‌شود. از این رو، نباید او را با صاحب شرح حال یکی دانست.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۲۵ و ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ / الاعلام، ج ۵، ص ۲۵ / خلاصة الاقوال، ص ۱۷۵ / الدرعية الى تصانيف الشيعة، ذیل عناوین کتاب‌ها / رجال النجاشی، ص ۲۵۳، ش ۶۶۴ / طوسی، الفهرست، ص ۱۵۲، ش ۳۷۹ / مجمع رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۲۰۶، ش ۸۵۵۳

عمران بن محمد بن عمران بن عبدالله بن سعد اشعری (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)
 عمران، فقیه و محدث مورد اعتماد شیعی، کنیه‌اش در هیچ‌یک از منابع ذکر
 نشده، اما وی در ملاقاتش با امام جواد علیه السلام، از همسرش با کنیه «آم الحسن» یاد
 کرده است. بنابراین، خود او کنیه‌اش «ابوالحسن» خواهد بود. از تاریخ تولد و
 وفات او آگاهی نداریم. وی در سنن جوانی، از امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق)
 به‌طور مستقیم حدیث شنیده؛ بنابراین، تولد او تقریباً در دهه هشتم سده دوم (ح
 ۱۸۰ هـ) اتفاق افتاده است. وفات او نیز با توجه به اینکه وی عصر امامان بعدی را
 درک کرده و همچنین شاگردان او که تا دهه‌های پایانی سده سوم حیات داشته‌اند،
 احتمالاً در اواسط سده سوم (ح ۲۵۵ هـ) اتفاق افتاده است.

اطلاعات ما درباره او، محدود به کلمات قصارگونه‌ای هستند که طوسی و
 نجاشی درباره او اظهار داشته‌اند. بنا به گزارش این دو، وی اهل قم و از سلسله
 «اشعریان» بود که در شکوفایی مذهب تشیع در قم سهم بسزایی داشتند. بر پایه
 گزارش مذکور، می‌توان حدس زد که وی در قم دیده به جهان گشوده و محل
 پرورش او نیز در همین شهر بوده است. وی بیشتر دوران زندگی را در قم سپری
 کرد؛ چندانکه از سفرهای او به شهرهای دیگر خبری گزارش نشده است. وی
 پس از طی دروس مقدماتی، در سنین جوانی و میان‌سالی، ملاقات‌هایی با امام
 رضا و جواد علیه السلام داشت و احادیث چندی به‌طور مستقیم از آنان شنید، اما معلوم
 نیست در کجا با امامان یادشده دیدار داشته است. ممکن است دیدار او با امام
 رضا علیه السلام، در قم یا قزوین اتفاق افتاده باشد؛ زیرا آن امام در سال ۲۰۰ هـ در سفر
 مرو، از این شهرها عبور کرد. همچنین استماع او از امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰
 ق) نیز احتمالاً در بغداد روی داده است؛ زیرا آن حضرت در اواخر عمر، در
 بغداد اقامت داشت. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که وی مدتی در بغداد
 به سر می‌برده و در آنجا حضور تحصیلی داشته است.

ظاهراً وی چنانکه از شاگردان قمی او برمی آید، در اواخر عمر به قم بازگشت و احتمالاً در همین شهر چشم از جهان فرو بست. از استادان او کسی شناخته شده نیست، اما بیشتر آنان از شاگردان امام صادق علیه السلام بودند. وی شاگردان متعددی تربیت کرد که مشهورترین و پرآوازه ترین آنها احمد بن محمد بن عیسی اشمری (م. ح. ۲۸۰ ق)، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ یا ۲۷۴ ق) و محمد بن عیسی بن یقظین (م ۲۶۰ ق) هستند. از آثار تألیفی او، نامی در منابع برده نشده است. شیخ طوسی و نجاشی گفته اند که وی دارای اثر تألیفی بوده، اما نامی از کتاب او ذکر نکرده اند.

منابع

الاستبصار، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۸۱۱؛ ص ۲۳۳، ح ۸۳۲؛ ص ۲۳۶، ح ۸۴۵ / خلاصه الاقوال، ص ۲۱۸، ش ۱ / رجال ابن داود، ص ۱۴۷، ش ۱۱۴۸ / رجال الطوسی، ص ۳۶۰، ش ۵۳۳۵ / رجال النجاشی، ص ۲۹۲، ش ۷۸۹ / طوسی، الفهرست، ص ۱۹۱، ش ۵۳۷ / الکافی، ج ۳، ص ۴۳۸، ش ۱۰.

عمر بن ابی مسلم (؟ - ح ۲۸۰ ق)

ابوعلی، محدث شیعی، از راویان حدیث شیعه در عصر امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) و پس از آن بود که از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست. قرائن نشان می دهند که وی در دهه های نخستین سده سوم دیده به جهان گشود و در دهه های پایانی همین سده (ح ۲۸۰ ه) چشم از جهان فرو بست. از محل تولد او آگاهی نداریم، اما او از زادگاه خود به سامراء آمد و ظاهراً در این شهر اقامت دایم گزید. بنابراین، محل وفات او می بایست شهر سامراء بوده باشد. از زندگی و دوران تحصیل او، گزارشی نیافتیم. تنها طوسی وی را از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام به شمار آورده و درباره صحت و درستی احادیث او سکوت کرده است.

برخی از احادیث و گزارش های باقی مانده از او حاکی از آنند که وی با امام

حسن عسکری علیه السلام رابطه نزدیک داشت و با آن امام مکاتبه می کرد؛ چنانکه ماجرای مرد مصری به نام سیف بن لیث در زمان مهتدی عباسی (حک: ۲۵۵-۲۵۶ ق)، که تازه وارد سامراء شده بود و اموال او توسط شفیع خادم (کارگزار مهتدی عباسی) غصب شده بود، گواه این مطلب است. همچنین وی در اثر مکاتباتش با امام حسن عسکری علیه السلام، بعضی از کرامات آن امام را نیز دیده است. در مکاتبه‌ای که وی از امام حسن عسکری علیه السلام خواست تا اسمی برای فرزند وی که در شکم جاریه‌اش دارد، انتخاب کند، آن حضرت نام فرزندش را «زینب» گذاشت و این پیش‌گویی باعث شگفتی و اعتقاد بیشتر او به حضرت عسکری علیه السلام گردید.

وی با اینکه در زمان امام حسن عسکری علیه السلام از شهرت قابل اعتنایی برخوردار بود، با این حال، بسیاری از گوشه‌های زندگی و سوابق علمی‌اش در پرده‌ای از ابهام قرار دارند، حتی از شاگردان و استادان او اطلاع درستی نداریم؛ چنانکه از تألیفات و آثار فقهی او نیز گزارشی دیده نشده است. اکنون تنها کسی که می‌توان او را شاگرد وی معرفی نمود فردی به نام اسحاق بن محمد می‌باشد که شخصیت او نیز برای ما ناشناخته است.

منابع

الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۳۳ / رجال الطوسی، ص ۴۰۱، ش ۵۸۷۲ / فرج المهموم فی معرفة علماء النجوم فی تاریخ علماء النجوم، ص ۲۳۷ / الکافی، ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۸۱ / کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۱۸ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۱۹، ش ۸۷۱۰

عمر بن فوات بغدادی (ق- ح ۲۵۷ ق)

عمر، کاتب و محدث شیعی، از اصحاب امام رضا علیه السلام بود و برادرش محمد بن فوات از راویان شیعه و نماینده آن امام. در برخی از منابع کهن آمده است که وی امام عصر (عج) را دید. بدین‌روی، وی در عصر غیبت (۲۵۵-۳۲۹ ق) می‌زیسته و احتمالاً وفات او

چند سال پس از تولد امام عصر علیه السلام (ت ۲۵۵ ق) در بغداد اتفاق افتاده است. وی مدت زیادی در بغداد اقامت گزید، اما مسافرت‌هایی به کوفه داشت و تحصیلات خود را در این دو شهر به انجام رساند. در دوران جوانی، موفق به دیدار امام رضا علیه السلام شد و معارفی از آن امام فراگرفت و به زودی در علوم اسلامی به حد کمال رسید و سپس هواخواهانی پیدا کرد. وی در ایام امامت حضرت جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) به عنوان نماینده آن حضرت شناخته شده بود.

درباره اعتقاد او، باید گفت: وی اگرچه شیعه امامی بود، ولی در حق امامان شیعه دچار افراط و زیاده‌روی شد و افکار غلوآمیزی پیدا کرد. شاید افکار او و نیز شاگردانی که زبردست او تربیت یافتند، باعث شدند تا پس از او مایه‌های مذهب «جنبلانیه / جنبلانیه» در کوفه و بغداد پی‌ریزی گردد و پس از مرگ او، عبدالله بن محمد جنبلانی (م ۲۸۷ ق) اقدام به تأسیس این فرقه نماید، هرچند از ارتباط عبدالله با وی گزارشی در منابع به چشم نمی‌خورد، اما شاگرد دیگر وی، ابوشعبیب محمد بن نصیر نمیری (م ۲۷۰ ق - مؤسس فرقه «نصیری» و کسی که مورد لعن امام عصر علیه السلام قرار گرفت) در رأس این مذهب قرار داشت و در تأسیس آن نقش بسزایی ایفا کرد. همچنین از شاگردان با واسطه او حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۴۶ یا ۳۵۸ ق) است که باعث انتقال عقاید فرقه «جنبلانیه» به آیندگان شده و کتابی نیز در معرفی این فرقه به نام *الهدایة الکبری* تألیف نموده است. گفتنی است فرقه «جنبلانیه» شیعه دوازده امامی هستند که نیابت نواب اربعه را انکار می‌کنند. آن‌ها معتقدند: چهارده معصوم علیهم السلام هر کدام نایبان ویژه‌ای داشتند. به هر حال، وی در طول حیات تحصیلی خود، استادان زیادی دید و شاگردان متعددی تربیت نمود، اما اکنون آثار و احادیث اندکی از او بر جای مانده‌اند. از شاگردان او جز آنکه پیش از این گفته شد کسی دیگر شناخته شده نیست. از استادان او نیز تنها ابوجعفر محمد بن مقفل (استاد ابن عقده کوفی - م ۳۳۲ ق) را می‌شناسیم که ظاهراً هم‌کیش او در مذهب و نماینده امام کاظم علیه السلام در بغداد بوده است.

از او اثر تألیفی بر جای نمانده است، در حالی که وی به دلیل مهارتی که در امر نویسندگی داشت، می‌بایست نامه‌های زیادی نگاشته باشد، اما اکنون هیچ‌یک از آن‌ها در دست نیست.

منابع

تاریخ الائمه، ص ۳۳ / رجال الطوسی، ص ۳۶۲، ش ۵۳۶۳ / مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۷۹ / مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۶۹۷۴ / وسائل الشیعه (آل‌البيت)، ج ۲۸، ص ۳۵۰، ح ۳۴۹۴ / الهدایة الكبرى، ص ۳۲۳ و ۳۹۲.

عمرکی بن علی بن محمد خراسانی بوفکی (ح ۱۸۰ - ح ۲۶۵ ق)

ابومحمد، فقیه و محدث خوش‌نام شیعی، به «عمرکی بوفکی» شهرت داشت. «بوفک» یکی از روستاهای نیشابور است که وی احتمالاً در آنجا تولد یافته است. وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود و با آن امام رابطه‌ای نزدیک داشت. گفته می‌شود: وی چند غلام ترک از سمرقند برای آن حضرت خریداری نمود. از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست. برخی از شاگردان او تا سال ۲۹۷ هـ و بعضی دیگر تا ۳۰۶ هـ حیات داشتند. بنابراین، با توجه به اینکه وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) نیز بود، احتمالاً وفات او می‌بایست در نیمه دوم سده سوم (ح ۲۶۵ هـ) اتفاق افتاده باشد. از سوی دیگر، وی از شاگردان علی بن جعفر رضی (م ۲۲۰ هـ - برادر امام کاظم علیه السلام) بود و زمانی که وی از این استاد استماع حدیث می‌کرد، فردی میان‌سال بود؛ زیرا چنین می‌نماید که وی تحصیلات دوران جوانی را در زادگاهش به انجام رساند و زمانی که به عراق آمد و نزد این استادش به استماع حدیث پرداخت، فردی میان‌سال بود. بنابراین، تاریخ تولدش می‌بایست پیش از ۲۰۰ هـ و تقریباً در سال ۱۸۰ هـ اتفاق افتاده باشد.

وی در نیشابور پرورش یافت و علوم مقدماتی را نزد استادان این بخش از سرزمین خراسان فراگرفت. سپس وارد عراق شد و در کوفه، بغداد و سامراء تحصیلات خود را تکمیل نمود و در فقه و حدیث به حد کمال رسید. مهم‌ترین استاد او علی بن جعفر الصادق علیه السلام (م. ب. ۲۲۰ ق) بود که وی نزد این استاد بهره‌های فراوان برد. احتمالاً روابط او با این استاد، مربوط به زمانی می‌شود که علی بن جعفر از مدینه وارد عراق شده و در بغداد و شهرهای دیگر اقامت داشته است. وی همچنین از طریق خادم امام جواد علیه السلام به نام یحیی، احادیثی به نقل از آن امام شنیده است. از استادان دیگر او، حسن بن علی بن فضال کوفی (م. ۲۲۴ ق) است که در فقه و حدیث شهرتی تمام دارد. وی شاگردان زیادی نیز تربیت نمود و در میان آنان، بسیاری از فقهاء و محدثان قم دیده می‌شوند، اما از این موضوع نمی‌توان نتیجه گرفت که وی در زمان کهن سالی، بخشی از حیات علمی خود را در قم به سر آورده است؛ زیرا ممکن است محدثان قمی در عراق نزد او حدیث شنیده باشند؛ چنان‌که مصاحبت و روابط نزدیک او با امام حسن عسکری علیه السلام که در سامراء سکونت داشت، کاشف از آن است که وی در قم نبوده است. به هر حال، شاگردان زیادی نزد او به فراگیری حدیث اشتغال داشتند که مشهورترین آن‌ها محمد بن احمد کوهکی، عبدالله بن جعفر حمیری (م. ب. ۲۹۷ ق)، احمد بن ادریس قمی (م. ۳۰۶ ق)، محمد بن یحیی عطّار قمی (استاد کلینی)، جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی (م. ح. ۲۹۹ ق) معروف به «ابن تاجر» و محمد بن علی بن محیوب هستند.

از آثار تألیفی او دو کتاب به نام‌های ملاحم (حوادث ناگوار آینده) و نوادر (تازه‌های حدیث) معرفی شده‌اند.

منابع

الاستبصار، ج ۴، ص ۱۵۵، ح ۲ / ایضاح الاشتهاء، ص ۲۴۸، ش ۵۰۶ / رجال الطوسی،

ص ۴۰۱، ش ۵۸۶۲ / رجال النجاشی، ص ۳۰۳، ش ۸۲۸ / کامل الزیارات، ص ۱۸۷،
ح ۲۶۳؛ ص ۲۲۳، ح ۳۲۸؛ ص ۲۳۱، ح ۳۴۲ / کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ب ۳۳، ص
۳۵۸، ح ۵۵؛ ب ۵۵، ص ۶۴۴، ح ۱ / مسائل علی بن جعفر، ص ۳۰۶، ش ۷۷۲.

عمرو بن حرث (؟- ۲۶۷ ق)

ابو احمد صیرفی اسدی کوفی، از راویان راستگو و معتبر امامیه بود که از تاریخ
ولادتش اطلاعی در دست نیست، ولی به دلیل آنکه بدون واسطه از امام
صادق علیه السلام روایت کرده، معلوم می‌شود که وی دارای عمر طولانی بوده است؛
زیرا به گفته صاحب‌الذریعه، وفات او در سال ۲۶۷ هـ اتفاق افتاد. به شهادت کثی
در رجال خود، وی برده بود، اما دارای عقیده‌ای صحیح و ایمانی سالم بود. از
این‌رو، نباید او را با عمرو بن حرث صحابی (۸۵۲ ق)، که فردی ملعون و از
اصحاب پیامبر و حضرت علی علیه السلام بود، اشتباه گرفت. اما صاحب شرح حال اهل
کوفه و از اصحاب امام صادق علیه السلام بود که اعتقاد خود را در منزل برادر امام، عبدالله
بن محمد، بر آن حضرت عرضه کرد و امام علیه السلام او را تأیید نمود.

از جمله هم‌بحثان او، حنان بن سدیر بود. روایات او بیشتر به‌طور مستقیم از
امام صادق علیه السلام نقل می‌شوند. از این‌رو، به درستی معلوم نیست که وی غیر از امام
صادق علیه السلام، استاد دیگری را دیده باشد، اما گاهی روایات او از طریق سزاد و ابان
نیز نقل شده‌اند. برخی از شاگردان روایی او، صفوان بن یحیی، حسن بن محمد بن
سماعه، سلیمان بن سفیان و یحیی الحلیمی هستند.

از آثار او، کتاب الحدیث مشتمل بر روایاتی از امام صادق علیه السلام است.

منابع

اصحاب‌الامام‌الصادق علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸۴، ش ۲۴۱۲ / الاعلام، ج ۵، ص ۷۶ / تهذیب
المقال، ج ۴، ص ۱۸۵ / خلاصة الرجال، ص ۲۱۳ / الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۶،

ص ۳۵۳ / رجال ابن داور، ص ۱۴۴، ش ۱۱۱۲ / رجال النجاشی، ص ۲۸۹، ش ۷۷۵ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۹۲ و ۹۴، ش ۸۸۹۱ و ۸۸۹۳ / نقد الرجال، ج ۳، ص ۳۲۹ / ینابیع الموءتة، ج ۱، ص ۲۱۸.

عوانه بن حسین (؟ - ۲۶۴ ق)

ابوالحسین بزّاز کوفی از راویان شیعه بود که تاریخ تولّدش معلوم نیست، اما وفات او در سال ۲۶۴ هـ روی داد و موسی بن زید علوی بر جنازه اش نماز گزارد. از لقب «بزّاز»، که به او نسبت داده شده است، برمی آید که وی پارچه فروشی می کرد. پدرش نیز پارچه فروش بود و برخی از استادان او نیز ملقّب به «بزّاز» هستند. از این رو، می توان گفت که وی در ضمن تحصیل علم، هزینه زندگی را از این راه تأمین می کرده است.

وی ساکن کوفه بود و در خانواده ای پرورش یافت که از نظر اعتقادی بر امامت امام هفتم شیعیان توقف داشتند. پدرش از استادان عصر خود بود و در پرورش علمی او سهم بسزایی داشت. روشن است که اعتقادات و تعلیمات پدر در او بی تأثیر نبوده و وی را بر مسلک «واقیه» (هفت امامی) یا «فطحیه» (شش امامی) سوق داده است. وی محضر هیچ یک از امامان معصوم علیهم السلام را درک نکرد و چون در عصر پس از امام صادق و کاظم علیهم السلام زندگی می کرد، توفیق دیدار آن دو را نیز پیدا نمود. در منابع رجالی، کسی بر اعتبار و ارزش احادیث او صحّح نگذاشته، اما استادان و شاگردان او افرادی معتبر و مورد اعتماد هستند. استاد او، ابراهیم بن عبدالحمید أنماطی، از یاران امام کاظم علیه السلام بود که آن حضرت را «مهدی موعود» می پنداشت. همچنین وی از علی بن خالد عاقولی نیز روایت دارد. از جمله شاگردان او، حمید بن زیاد نینوایی و علی بن محمّد بن ربّاح هستند. گفتنی است در منابع معتبر، هیچ اثر تألیفی از او ذکر نشده است.

منابع

ایضاح الاشتباه، ص ۲۱۲ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۶۴۷؛ ج ۲، ص ۲۱۳ / رجال الطوسی، ص ۴۳۰، ش ۶۱۷۱ / طوسی، الفهرست، ص ۴۰ / نقد الرجال، ج ۳، ص ۳۸۰.

فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی (ح ۱۸۳ - ح ۲۵۸ ق)

فارس از محدثان و از اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام بود، ولی از ولادتش اطلاهی در دست نیست، ولی چون برخی او را از اصحاب امام رضا علیه السلام یاد کرده‌اند، می‌توان حدس زد که ولادت او دستکم در زمان امامت آن حضرت در سال ۱۸۳ هـ بوده باشد. قتل او در زمان امام حسن عسکری علیه السلام (ح سال ۲۵۸ هـ) به دست جنید در محله معروف «عسکر» از محلات «سَرّ من رأی» روی داد. جنید، که در منابع رجالی، به عنوان قاتل فارس بن حاتم مشهور است، با ابزاری به نام «ساطور» وی را هنگامی که از نماز مغرب برمی‌گشت، از پای درآورد و سپس بدون اینکه اثری از خود بر جای گذارد، در میان مردم بر سر جنازه او حاضر شد. وی اصالتاً اهل قزوین و از ذریه حاتم بن ماهویه قزوینی شیعی بود که در اواخر قرن دوم زندگی می‌کرد، اما خود او در سامرا اقامت داشت. از حیات علمی او چیزی نمی‌دانیم، اما چون خاندان او به علم و دانش مشهورند، قویاً محتمل است که وی نزد افراد این خاندان مانند طاهر بن حاتم، (از اصحاب امام کاظم علیه السلام) و سعید بن حاتم (از اصحاب امام رضا علیه السلام) به تحصیل علم پرداخته و پرورش یافته باشد. برادر او، احمد بن حاتم از عالمان معتبر شیعه بود و احادیث زیادی از او در منابع شیعه به چشم می‌خورند، ولی خود او و برادر دیگرش طاهر بن حاتم فردی «فاسد المذهب» و «غالی» معرفی شده‌اند.

به گفته نجاشی، احادیث فارس بن حاتم در منابع شیعه بسیار اندک و متروکند. وی همچون برادرش طاهر، در آغاز، دارای عقیده‌ای سالم بود، اما در زمان امام

هادی علیه السلام منحرف شد و به دلیل اعتقاد فاسدی که پیدا کرد، از سوی امام هادی علیه السلام در سال ۲۵۰ هـ اعلامیه لعن در حق او صادر شد. اعتقاد او بر این بود که وی نماینده ابوجعفر محمد، فرزند امام هادی علیه السلام است و چون ابوجعفر در حیات امام هادی علیه السلام (یعنی چهار سال و ده ماه پیش از وفات آن امام) از دنیا رفت، وی ادعای امامت کرد و در همین فرصت بود که جعفر کذاب، برادر امام حسن عسکری علیه السلام نیز ادعا کرد که وی پس از فارس، نماینده ابوجعفر است. مردم نیز در اثر ادعای آنان، دچار تفرقه شدند و آشفتگی شدیدی در بین شیعیان پدیدار گشت. امام هادی علیه السلام در ضمن نامه‌ای، علی بن عمرو قزوینی را مأمور کرد تا عقاید فاسد او را به همه مردم اعلام کند. در بعضی از منابع آمده است که امام هادی علیه السلام دستور قتل او را به علی بن عمرو قزوینی صادر کرد و فارس در پی این دستور، به همراه جعفر کذاب، به کوفه گریخت و تا زمان وفات امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) در آنجا بود.

کارشناسان علم رجال می‌گویند: «فارس اهل فتنه بود و مردم را فریب می‌داد و آنان را به بدعت دعوت می‌نمود. از این رو، ابوالحسن هادی علیه السلام دستور قتل او را صادر کرد و برای قاتل او بهشت را تضمین نمود.» وی در جهت دعاوی باطل خود، پیروانی پیدا کرد و کسانی همچون عباس بن صدقه، ابوالعباس طرثانی و ابوعبدالله کندی معروف به «شاه رئیس» در جهت اهداف او کار می‌کردند. همچنین در زمان او بود که افرادی مانند حسن بن محمد بن بابا معروف به «ابن بابا قمی» و محمد بن نصیر نمیری (م ۲۷۰ ق) با یکدیگر هم‌داستان شده بودند و عقاید انحرافی خود را ترویج می‌نمودند. اما امام هادی علیه السلام در برابر آن‌ها به مقابله پرداخت و اعلامیه لعن در حق این سه نفر صادر نمود.

از استادان و مصلحان او در منابع چیزی ذکر نشده، اما روایات اندک او بیشتر از امامان عصر خویش بوده است. از کسانی که از او روایت دارند، می‌توان محمد بن

عیسی بن عبید را نام برد. وی تألیفاتی داشت که برخی از آن‌ها *الردّ علی الواقفه*، کتاب *الحرروب*، کتاب *التفضیل*، *الردّ علی الاسماعیلیه* و کتاب *عدد الاثمه من حساب الجمل* هستند. برخی از کتاب‌های او مانند کتاب *التفضیل* و *عدد الاثمه* علیه السلام در زمانی نوشته شدند که وی هنوز منحرف نشده بود. از این رو، در این دو کتاب، اعتقاد به امامت و افضلیت ائمه اطهار علیهم السلام را اثبات کرده و تعداد معصومان علیهم السلام را چهارده نفر معرفی نموده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۷، ش ۱۰۰۶ / *ایضاح المکتون*، ج ۲، ص ۹۶، ۲۸۲ / *التحریر الطاوسی*، ص ۴۷۲، ش ۳۴۱ / *جامع الرواة*، ج ۲، ص ۱ / *خلاصة الاقوال*، ص ۳۸۷ / *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۴، ص ۳۵۵ / *رجال ابن داود*، ص ۲۶۵، ش ۳۸۸ / *رجال الطوسی*، ص ۳۹۰، ش ۵۷۴۲ / *رجال النجاشی*، ص ۲۰۸ و ۳۱۰، ش ۵۵۱ و ۸۴۸ / *شرح اصول کافی*، ج ۳، ص ۹۱ / *طوسی، الغیبه*، ص ۳۵۲، ش ۳۱۲ / *کشف الغمّة*، ج ۳، ص ۲۵۴ / *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۴، ص ۲۵۸، ش ۹۳۱۱ / *الهدایة الکبری*، ص ۳۱۷ و ۳۸۴ و ۳۱۸ / *هدیة العارفین*، ج ۱، ص ۸۱۳.

فضل بن جعفر بن فضل بن یونس انباری کوفی (؟ - ۲۵۸ ق)

ابوعلی بصیر، شاعر غزلسرا و نویسنده چیره دست سده سوم هجری بود که در مثل بردازی و ظریفه گویی نیز دستی توانا داشت. وی در دهه‌های پایانی سده دوم، در کوفه زاده شد و در حدود ۲۵۸ هـ در سامراء دیده از جهان فرو بست. برخی وفات او را در ۲۵۱ هـ معروف به «سال فتنه» نوشته‌اند، اما سروده‌های او در ستایش معتز عبّاسی (حک ۲۵۵-۲۵۲ ق) حاکی از آنند که وی در ایام معتز زنده بوده و پس از ایام فتنه در زمان صلح، زندگی را وداع گفته است. نیاکان او از مردم «انبار» (شمال غربی عراق) و ایرانی الاصل بودند، سپس به کوفه آمدند و با

قبیلهٔ یمنی «نخع» (به فتح نون و خاء) هم‌پیمان شدند. از همین‌رو، او را «انباری» و گاه «کوفی» نسبت می‌دهند. مشهورترین لقب او «بصیر» است، اما گاهی لقب «ضریر» (نابینا) نیز به او داده‌اند؛ زیرا وی در اواسط عمر یا پس از آن نابینا شد و از باب اینکه وی را روشن‌دل می‌دانستند، با لقب «بصیر» از او یاد کرده‌اند.

وی در کوفه پرورش یافت و هنوز کودک بود که پدرش را از دست داد و رنج یتیمی را پذیرفت. معلوم نیست وی در این فرصت نزد چه کسی تربیت یافت، اما این اندازه روشن است که وی در همان کودکی به شعر روی آورد و در محفل ادیبان، نحویان و زبان‌شناسان کوفه راه یافت. در سنین نوجوانی و جوانی اشعار نیکو می‌سرود و پیش از آنکه به سامراء سفر کند، از چهره‌های ادبی کوفه به شمار می‌آمد. در سال ۲۲۱ هـ با بنای شهر سامراء توسط معتصم عباسی (حکومت: ۲۱۸-۲۲۷ ق) و انتقال مرکز خلافت از بغداد به آنجا، وی نیز به سامراء منتقل شد و در آنجا اقامت دایم گزید. در سامراء برای نخستین بار، به دربار خلیفه راه یافت و اشعاری در مدح معتصم سرود. وی علاوه بر معتصم، خلفای پس از او و همچنین صاحب‌منصبان و امیران لشکری را نیز مدح گفت، اما آنچه اکنون از وی باقی مانده تنها یک قصیده در مدح متوکل و دو قطعه در مدح مستعین و معتز می‌باشند.

وی با خاندان «بن خاقان» رابطهٔ نزدیک داشت و در مدایح خود، بزرگان آنان همچون فتح بن خاقان (م.ح ۲۴۷ ق - وزیر متوکل) و به‌ویژه عبیدالله بن یحیی بن خاقان (م ۲۶۳ ق - وزیر متوکل و معتمد) را سخت ستود و احتمالاً به اشارهٔ یکی از این دو تن، به مقام نویسندگی در امور دیوانی و حساب‌رسی منصوب گشت. انتصاب وی به امر نویسندگی حاکی از آن است که وی در آن هنگام هنوز دچار نابینایی نشده بود. از این‌رو، این احتمال تقویت می‌شود که وی در اواخر عمر و با دست‌کم پس از دوران میان‌سالی نابینا شده باشد. وی با شاعران بزرگی همچون

بحتری طائی (م ۲۸۴ ق)، ابوالعیناء (م ۲۸۳ ق) و احمد بن طنبور (م ۲۸۰ ق) معاصر بود و با نویسنده بزرگ، ابوعثمان جاحظ (م ۲۵۵ ق)، نیز ملاقات داشت و جاحظ برخی از سروده‌های او را در رسایل خود آورده است. وی با اینکه از شاعران مدیحه‌سرای عباسیان به شمار می‌آید، اما عضو گروهی از شاعران بود که به هزل‌گویی و هرزه‌درایی شهرت داشتند؛ چندان‌که مرزبانی اعضای این گروه شش نفره را «شیاطین سامراء» خوانده است. هزلیات وی با ابوالعیناء که زمانی از مزاح و بذله‌گویی فراتر نمی‌رفت، اندک اندک به خشونت و درشتی گراییدند و در هجویات خود، از زنده‌ترین تعبیرات استفاده کرد؛ چنان‌که در شأن بحتری طائی نیز به سبب تأخیر در ارسال جبه‌ای (پالتو) که به او وعده کرده بود، هجو گفت.

او در روزگاری می‌زیست که بیشتر ادیبان و شاعران، زندگی را در دربار و مجالس عیش و نوش می‌گذراندند و از بخشش‌های امیران و خلفا بهره‌مند می‌شدند. وی نیز در عیاشی و هرزگی پروا نداشت و بی‌باکانه شادمانی خود را از سپهری شدن ماه رمضان و آغاز دوران هوس‌رانی ابراز می‌کرد و گاه در می‌گساری چندان می‌نوشید که اختیار از کف می‌داد و سخنانی می‌گفت که مایهٔ پشیمانی و شرمندگی او می‌شدند. با این همه، او از برخی صفات پسندیده بی‌بهره نبود؛ زیرا به راست‌گویی شهرت داشت و در ایام تنگ‌دستی، خود و خانواده را به پارسایی فرامی‌خواند و دست‌نیاز به سوی کسی دراز نمی‌کرد. نتیجهٔ این بندلهمتی آن بود که در خانهٔ محقری می‌زیست و از اینکه باران رحمت خدا برایش ویرانی به ارمغان می‌آورد، می‌نالید.

مسعودی او را پس از بحتری، بزرگ‌ترین شاعر زمان خود دانسته است. به گفتهٔ مرزبانی، وی با اینکه به عباسیان وابسته بود، اما گرایش‌های شیعی داشت. برخی دیگر از دانشمندان سنی همچون صفدی و ابی‌حجر نیز از عقاید غلوآمیز شیعی او خبر داده‌اند، ولی در آثار باقی‌مانده از او، اندیشه‌های شیعه‌گری به

چشم نمی خورد، ولی این حقیقت را نباید از نظر دور داشت که وی دست‌پروردهٔ کوفیان بود و با دشمنان بزرگ اهل بیت علیهم‌السلام همانند علی بن جهم (شاعر متوکل) و سعید بن حمید (رئیس دیوان رسائل مستمنین) معارضه می‌کرد و به شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام و اصول تولّاً و تبرّاً ایمان داشت. همچنین برای علویان و طالبیان احترام ویژه‌ای قایل بود و در یک جا، تولّد فرزندی از طالبیان را حضوراً تهنیت گفت و در سرودهٔ خود، از آیهٔ «تطهیر» (احزاب: ۳۳) استفاده کرد. از این رو، می‌توان احتمال داد که این شعر به میمنت تولّد امام مهدی (عج) و خطاب به امام حسن عسکری علیه‌السلام سروده شده است. گویا این شهر آشوب با تکیه بر همین آگاهی‌ها، وی را در ردیف شاعرانی قرار داده که تشییع خود را کتمان می‌کرده و در حال تقیّه به سر می‌برده‌اند. اگر اشعاری که این شهر آشوب در کتاب مناقب به او نسبت داده، درست باشند، محبت او به اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر نمایان خواهد شد؛ زیرا وی در این اشعار دوستی اهل بیت علیهم‌السلام را مایهٔ نجات از آتش و طهارت روح نزد خداوند معرفی کرده است:

«بنفسی و مالی من طریف و تالد و اهلی و اتم یا بنی خاتم الزّسل
بِحَبِّکُم یَسْجُو مِنَ النَّارِ مَنْ نَجَا و یزکو لدی اللّهِ الیسیرُ مِنَ الْحَمْلِ.»

از استادان و شاگردان او اطلاعی در دست نیست، اما محتمل است که وی اندوخته‌های خود را در کوفه نزد شاعران، زبان‌شناسان و نویسندگان پرآوازه‌ای همچون ابوتام طائی (م ۲۳۱ ق)، ابوعثمان جاحظ (م ۲۵۵ ق) و ابن سکّیت شیبی (م ۲۴۳ ق) و حتی ثعلب نحوی (م ۲۹۰ ق)، که از او متأخرتر است، آموخته باشد.

از تألیفات او دیوان شعری است که به گفتهٔ ابن ندیم، پنجاه ورق بوده و اکنون در دست نیست. آنچه امروزه از آثار او باقی مانده، اندکی بیش از ۴۰۰ بیت از سروده‌های اوست که در مجلهٔ عربی المورود در سال ۱۳۹۲ هـ در بغداد به چاپ

رسیده است. گفتنی است نام او با ابوعلی بصیر حسن بن مظفر نیشابوری (م ۴۲۲ ق)، که از جمله شاعران غدیر و مدّاح اهل بیت علیهم السلام در سده پنجم به شمار می‌آید، مشترک است.

منابع

اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۸، ص ۳۹۷، ش ۸۶۸ / الایجاز والاعجاز، ص ۲۶۲ و ۲۶۳ / ثمار القلوب، صفحات متعدد / دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۲۹ / شعراء عباسیون، ج ۲، ص ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۸۲ / الطلیعة من شعراء الشیعه، ج ۲، ص ۱۰۷، ش ۲۱۷ / فهرست ابن ندیم، ص ۱۳۷ / المجدی فی انساب الطالبیین، ص ۱۶۰ و ۳۷۹ و ۳۸۰ / معجم الادباء، ج ۱۳، ص ۱۸۰ / معجم الشعراء، ص ۱۸۵ و ۳۱۴ / نکت الهمیان، ص ۲۲۵.

فضل بن شاذان بن خللیل (ب ۱۷۰ - ۲۶۰ ق)

ابومحمّد ازدی نیشابوری فقیه و متکلم بزرگ امامی و از اصحاب امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام و گفته شده که از امام رضا علیه السلام نیز روایت کرده است. از تاریخ ولادت او و میزان عمرش اطلاعی در دست نیست، ولی به قرینه اینکه از اصحاب رضا علیه السلام نیز بود، می‌توان حدس زد که در نیمه دوم قرن دوم هجری (۱۷۰ هـ بعد) تولّد یافته است. تاریخ وفات او طبق نظر مشهور، به سال ۲۶۰ هـ و در همان زمانی اتفاق افتاد که امام حسن عسکری علیه السلام برای بار دوم بر او درود فرستاد. او در نیشابور مدفون گشت. قبر او اکنون زیارتگاه عاشقان است.

وی از یک خانواده علمی و فرهنگی برخاست و در نیشابور به تحصیل پرداخت. سپس برای تکمیل تحصیلات، رهسپار عراق و حجاز گردید و در این مدت، بارها خدمت سه امام شیعیان (امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام) رسید و

از آن‌ها احادیث زیادی شنید. امام حسن عسکری علیه السلام بارها از او و تألیفاتش تجلیل کرد و در مقاطع گوناگون، مدح بلیغی از او به عمل آورد. وی پس از کسب مدارج علمی، به نیشابور بازگشت و مردم این شهر مقدم او را گرامی داشتند. پدرش شاذان مردی فقیه و از ارادتمندان امام کاظم علیه السلام بود. برادران او علی بن شاذان و محمد بن شاذان و همچنین نوّه برادرش ابو عبدالله شاذانی از شاگردانش بودند. از جمله استادان او، پدرش شاذان از اصحاب یونس بن عبدالرحمان بود. یونس بن عبدالرحمان یکی از چهار نفری بود که علم ائمه اطهار علیهم السلام به او منتقل شد. دیگر استادان وی محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال، محمد بن اسماعیل بن بزیع، محمد بن حسن واسطی، اسماعیل بن سهل و بسیاری دیگر بودند. از شاگردان معروف او (غیر از برادرانش) علی بن محمد قتیبی بود که شیخ طوسی او را مردی فاضل معرفی نموده و ابو عمرو کثّی نیز در تصنیف کتاب رجال خود، تماماً برگفته‌های او اعتماد کرده است.

وی در طول زندگی خود، از مدافعان اصلی مذهب تشیع به شمار می‌رفت. از این‌رو، حکومت وقت وی را تحت فشار قرار می‌داد و بعضاً بازجویی‌هایی نیز از او به عمل می‌آورد. عبدالله بن طاهر (یکی از فرمانداران بنی عباس)، به وی گفت: می‌خواهم اعتقاد تو را درباره سلف بدانم. فضل گفت: ابویکر را دوست دارم و از عمر بیزارم. عبدالله گفت: چرا از عمر بیزاری؟ گفت: به واسطه آنکه عباس را از شورا بیرون کرد. این جواب لطیف، که خوشامد عباسیان بود، باعث شد تا جان‌ش نزد عبدالله در امان بماند.

شیخ طوسی به نقل از ابوعلی بیهقی می‌نویسد: فضل بن شاذان در یکی از روستاهای نیشابور بود که خبر ورود خوارج و خصومت شدید آنان به وی رسید و فضل که جان‌ش در خطر بود، پا به فرار گذاشت و در اثر خستگی راه و خشونت

سفر، مریض شد و از دنیا رفت. وی کتاب‌های زیادی تألیف کرد که نجاشی تعداد تصنیفات وی را ۱۸۰ کتاب و رساله ذکر می‌کند و سپس برخی از آثار او را برمی‌شمارد که از جمله آن‌ها، المعیار والموازنه، الردّ علی الفلاسفه، اثبات الرجعة و الرجعة واحادیثها می‌باشند.

گفتنی است وی هم‌عصر فضل بن شاذان رازی بود که از اهل سنت روایت می‌کرد و ابن ندیم در معرفی آثار آن دو، دچار خلط شده است. همچنین یکی دیگر از معاصران وی سیدالدین فضل بن شاذان بن جبرئیل قمی، صاحب کتاب ازاحة العله، بود که شیخ حرّ عاملی در معرفی کتاب مذکور، دچار اشتباه شده و آن را به صاحب ترجمه نسبت داده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۸؛ ج ۲، ص ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۲۱ / الايضاح، ص ۳ / التحریر الطاوسی، ص ۴۵۳ / تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۴۸ / خلاصة الاقوال، ص ۱۷۷ / دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۳۵ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۵۲۷ / رجال ابن داود، ص ۱۵۱ / رجال الطوسی، ص ۴۲۹ / رجال النجاشی، ص ۲۵۹ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۲۸ / مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۰۶.

قاسم بن هشام لؤلؤی کوفی (ح ۲۰۳- ح ۲۹۰ ق)

قاسم فقیه و محدث راستگوی شیعی و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود که در کوفه چشم به جهان گشود و احتمالاً در همانجا زندگی را به سر آورد. تاریخ ولادت او تقریباً در ۲۰۴ هـ بوده، اما ممکن است وی هنگامی که نزد حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق) مشغول استماع حدیث بوده، سن بیشتری (بیش از ۲۰ سال) داشته است. از تاریخ وفات او نیز اطلاع دقیقی نداریم، ولی می‌توان حدس زد که

وی در اواخر سده سوم (ح ۲۹۰ هـ) وفات یافته باشد؛ زیرا از جمله معاصران او در کوفه، عبدالله بن محمد بن خالد طرابلسی (م ۲۹۰ ق) و علی بن حسن بن فضال (م ۲۹۰ ق) بودند که مشترکاً از جعفر بن محمد بن حکیم استماعاتی داشتند.

از محیط خانواده و چگونگی پرورش او گزارشی نیافتیم. فراین نشان دهند که وی در کوفه پرورش یافت و در آنجا اقامت دایم داشت. وی با محدثان بلندآوازه کوفه ارتباط پیدا کرد و در فقه و حدیث، به حد کمال رسید. شاید از لقب «لؤلؤی» بتوان استفاده کرد که او در تجارت لؤلؤ و سنگ‌های قیمتی دست داشته و با درآمد آن، علاوه بر تأمین هزینه زندگی خود، دیگران را نیز کمک می‌کرده است. به همین دلیل، ابوالنضر عبّاشی (م ۳۲۸ ق) او را فردی «خیر» و نیکوکار معرفی کرده است. وی در کنار تجارت، موضوع تحصیل را با جدّیت تمام دنبال نمود و تلاش علمی و مقبولیت او نزد همگان چندان بود که برخی از محدثان سنی نیز از او نقل حدیث کرده و شنیده‌های او درباره فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام را به دیگران انتقال داده‌اند. صاحب‌نظران احادیث و شنیده‌های او را قابل قبول دانسته و در ابواب گوناگون فقهی به آن‌ها استناد می‌کنند. به گفته شاگرد او، محمد بن مسعود عبّاشی (م ۳۲۸ ق)، وی فردی نیکوکار بود. وی علاوه بر عبّاشی، شاگردان دیگری نیز داشت که از جمله آن‌ها، احمد بن میثم، احمد بن محمد بن یعقوب و محمد بن عمّار هستند. از استادان او، غیر از حسن بن محبوب سراد (م ۲۲۴ ق) و جعفر بن محمد بن حکیم، می‌توان به کسانی همچون هلی بن عبّاش و اسماعیل بن ابان اشاره کرد.

طوسی وی را در شمار اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام یاد کرده، اما از ارتباط او با آن امام گزارشی نقل نکرده است؛ چنان‌که وی با اینکه بخش زیادی از دوره غیبت (۲۶۰-۳۲۹ ق) را درک کرد، اما از فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی او گزارشی دیده نشده است.

از آثار او، دو کتاب نوادر (تازه‌های حدیث) و کتاب النهی (محرمات شرعی) معرفی شده‌اند.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۲، ش ۱۰۱۴ / جامع الرواة، ج ۲، ص ۲۲ / رجال النجاشی، ص ۳۱۶، ش ۸۶۸ / رجال الطوسی، ص ۴۰۱، ش ۵۸۸۲ / شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۴۳۳ / طوسی، الفهرست، ص ۲۰۲، ش ۵۷۹ / کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ب ۵۵، ص ۶۴۵، ح ۷ / معجم رجال‌الحدیث، ج ۱۵، ص ۶۷، ش ۹۵۸۸.

قاسم بن یحیی بن حسن بن راشد کوفی (ح ۱۸۰ - ح ۲۵۵)

قاسم، محدث شیعی، تاریخ تولد و وفاتش در دست طوسی در رجال خود، یک‌بار وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) معرفی کرده است. بنابراین، احتمالاً تولد او در دهه‌های پایانی سده دوم (ح ۱۸۰ ه) اتفاق افتاده است. وی بار دیگر او را از جمله راویانی قرار داده که به‌طور مستقیم از امامان معصوم علیهم السلام نقل حدیث نکرده‌اند. بدین‌سان، می‌توان استظهار نمود که وی عصر امامان بعدی را درک کرده، ولی حدیثی از آنان نشنیده است. از این‌رو، وفات او می‌بایست تقریباً در اواسط سده سوم (ح ۲۵۵ ه) روی داده باشد. از شاگردان او نیز، که بعضاً تا ۲۸۰ ه حیات داشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که وی تا اواسط این سده زنده بوده است.

وی احتمالاً در کوفه پرورش یافت و دوران کودکی و نوجوانی را در آنجا سپری کرد. سپس به بغداد آمد و تحت تعلیم جدش حسن بن راشد (شاگرد امام صادق علیه السلام) و استادان دیگر قرار گرفت و به زودی در فقه و حدیث به حد کمال رسید. جد او، ابومحمد حسن بن راشد، از علما و مؤلفان عصر خود بود و زمانی نیز وزیر مهدی

عباسی گردید و در روزگار امام صادق علیه السلام (شهادت: ۱۴۸ ق)، احادیث فراوانی از آن امام شنید. بسیاری از بزرگان شیعه، به ویژه محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) جزو شاگردان جد او بودند. وی نیز از همین جدش، که نقش استادی او را برعهده داشت، روایات فراوانی شنید و برخی از کتاب‌های او را نیز در اختیار داشت. اما عده‌ای از صاحب‌نظران برآنند که روایات او از اعتبار لازم برخوردار نیستند. در مقابل این عقیده، برخی از محققان معاصر به دلیل اینکه روایت او در کتاب معتبر کامل الزیارات دیده شده، شخصیت او را ستوده و دربارهٔ احادیث او ابراز اطمینان کرده‌اند.

از استادان او غیر از جدش کس دیگری را نمی‌شناسیم، اما سوابق علمی او نشانگر آنند که وی استادان دیگری نیز داشته است. همچنین از اینکه نسیخ طوسی او را در ردیف اصحاب امام رضا علیه السلام قرار داده است، استفاده می‌شود که وی از محضر آن امام نیز بهره‌هایی برده، هرچند اکنون در منابع حدیثی، روایتش از آن امام باقی نمانده است. از شاگردان کوفی او (که بیشتر در قم مسکن گزیدند) برمی‌آید که وی دست‌کم در اواخر عمر، از بغداد به کوفه بازگشت و در آنجا به تربیت شاگرد مشغول شد. از جمله شاگردان مشهور او، احمد بن محمد بن خالد برمکی (م ۲۸۰ یا ۲۷۴ ق)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م. ح ۲۸۰ ق) و ابراهیم بن هاشم (م. ح ۲۷۵ ق) بودند.

به گفتهٔ نجاشی و طوسی، وی دارای کتابی بوده که در آن آداب و رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام گزارش شده است.

منابع

تهذیب المقال، ج ۲، ص ۳۱۵ - ۳۱۸ / خلاصة الاقوال، ص ۳۸۹، ش ۶ / رجال الطوسی، ص ۳۶۳، ش ۵۳۸۷ / رجال النجاشی، ص ۳۱۶، ش ۸۶۶ / کامل الزیارات، ص ۲۸۹، ح ۱۴۶۸، ص ۳۱۸، ح ۵۴۱ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۶۸، ش ۹۵۸۹.

محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی (؟ - ح ۲۸۰ ق)

ابن مهزیار، مشهور به «مهزیاری»، کنیه‌اش در منابع ذکر نشده است. وی محدث مورد اعتماد شیعی و وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بود که در اوایل سده سوم در اهواز چشم به جهان گشود و تاریخ وفاتش حدود ۲۸۰ هـ بوده است؛ زیرا از ظاهر گزارشی که شاگرد او محمد بن حمویه رازی در سال ۲۸۰ هـ مبنی بر اثبات نیابت نایب دوم نقل کرده، برمی آید که وی در این تاریخ، وفات یافته بود.

وی در یک خانواده مذهبی پرورش یافت و بیشتر تحصیلات خود را در اهواز گذراند. خاندان او در علم و دانش، آوازه بلندی داشتند و اهل «دورق» (نزدیک بندر «ماه شهر» از استان خوزستان) بودند. جد او مهزیار در آغاز مسیحی بود، اما به زودی مسلمان شد و عموی او علی بن مهزیار نیز در سنین کودکی به دین مقدس اسلام گرایید، اما به خوبی روشن نیست که پدرش و همچنین عموی دیگرش داود بن مهزیار هم نصرانی بوده‌اند یا اینکه مسلمان‌زاده شده‌اند. وی در اهواز احتمالاً بیشتر آموزش‌های خود را از پدر و عموی خود علی بن مهزیار اهوازی (م. ح ۲۵۵ ق) فراگرفت. سپس مسافرت‌هایی به شهرهای عراق داشت و با استادان کوفه، بصره و به ویژه بغداد آشنا شد و ظاهرأ برای کسب علم و شنیدن روایات معصومان علیهم السلام در آنجا مدتی اقامت تحصیلی داشت.

پدرش ابراهیم بن مهزیار اهوازی (م. ح ۲۶۵ ق) از عالمان بلندآوازه و وکیل امام حسن عسکری و امام هادی علیهم السلام بود. هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) وفات یافت، وی در امر امامت دچار تردید شد و در این فکر بود که با اموالی که پدرش در راه سفر به عراق به او سپرده بود، چه کند. پس از فوت پدرش، که در همین سفر داخل کشتی اتفاق افتاد، به این نتیجه رسید که اموال وصیت‌شده را به عراق ببرد تا در صورت اطمینان به وجود امام بعدی، به

آن امام برساند. به گفته خود او، وی با این تصمیم وارد سواحل فرات شد و در آنجا منزلی اجاره نمود، اما چیزی نگذشت که نامه‌ای به او رسید که خطاب به وی نوشته شده بود: ای محمد، همراه تو اموالی است که داخل فلان کیسه است ... در این نامه، جزئیات اموال شرح داده شده بود و او پس از دریافت این ورقه، همه اموال را به نام‌رسان تحویل داد. در پی این ماجرا، وی مدتی در محل اقامت خود، همچنان حیران و ضمیگین به سر برد تا اینکه رقعته‌ای از سوی امام عصر (عج) به این مضمون صادر شد: «قد اُتِنَاكَ مَكَانَ أَبِيكَ فَاحْمِدِ اللَّهَ!»؛ ما تو را پس از قدرت و کیل خویش نمودیم، پس خدا را شکر کن. به گفته شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) وی از جمله کسانی بود که امام دوازدهم (عج) را دید و با آن حضرت صحبت کرد.

درباره مقام و استواری شخصیت مورد بحث، اگرچه بعضی از محققان معاصر مناقشه کرده‌اند، اما بیشتر صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که وکالت و ثبات او قطعی است.

از استادان او، کسی در منابع ذکر نشده و در جوامع روایی نیز حدیثی از او باقی نمانده است. بنابراین، شناسایی استادان او ناممکن است، اما احتمال اینکه وی نزد پدر و عموی خود استماعات حدیثی داشته، بسیار قوی است؛ چنان‌که روابط او با ابو عمرو عثمان بن سعید عمری (م ۲۶۷ ق - نایب اول) در بغداد، گویای آن است که وی مسائل خود را از ابو عمرو می‌پرسیده است. حتی برخی از گزارش‌ها حاکی از آنند که وی در بغداد با نایب دوم نیز ارتباط داشته و بنا به گفته خود او، پس از وفات نایب اول، توقیعی برای وی از سوی امام عصر (عج) صادر گشت که از پسر نایب اول یعنی محمد بن عثمان بن سعید عمری (م ۳۰۵ ق) بی‌روی و حمایت کند. از شاگردان او نیز کسی را نمی‌شناسیم، اما افرادی مانند محمد بن حمدویه سویداوی (سویفانی)، اسحاق بن محمد بصری و ابراهیم بن

محمد بن فرج رحیمی را می‌شناسیم که گزارش‌هایی از او نقل کرده‌اند. از آثار تألیفی او چیزی در منابع معرفی نشده است.

منابع

الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۵ / اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۶۱ / دلائل الامامه، ص ۵۲۶، ح ۴۹۹ / رجال الطوسی، ص ۴۰۲، ش ۵۸۹۷ / طوسی، الغیبه، ص ۲۸۱، گ ۱۲۳۹ ص ۳۶۲، گ ۳۲۵ / الکافی، ج ۱، ص ۵۱۸، ح ۵ / کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۴۲۲، ب ۴۳، ح ۱۶، ص ۴۸۷، ب ۴۵، ح ۸ / معجم رجال‌الحديث، ج ۱۵، ص ۲۳۲، ش ۹۹۶۶ / نقد الرجال، ج ۴، ص ۹۵، ش ۴۳۷۱.

محمد بن احمد بن جعفر قمی عطار (۹- ح ۲۷۰ ق)

ابوجعفر، محدث شیعی و وکیل امام یازدهم و دوازدهم شیعیان بود. به گفته طوسی، وی زمان امام دهم علیه السلام (۲۲۰-۲۵۴ ق) را نیز درک کرد. بنابراین، تولد او تقریباً در اوایل سده سوم اتفاق افتاده است. تاریخ وفات او با توجه به اینکه وی با امام دوازدهم (عج) مکاتبه نموده است، می‌بایست در عصر غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ ق) روی داده باشد، اما قراین نشان می‌دهند که وی مدت نه چندان زیادی از دوره غیبت را درک نموده و در دهه‌های نخستین این دوره، زندگی را به انجام رسانده است. به این صورت، می‌توان وفات او را حدود ۲۷۰ هـ تخمین زد. وی در قم اقامت دائم داشت و احتمالاً محل تولد و وفات او در قم بوده است. از لقب «عطار» نیز برمی‌آید که وی به کار عطاری اشتغال داشت و از این‌راه، هزینه زندگی را اداره می‌کرد. درباره خانواده و چگونگی پرورش او گزارشی نیافتیم، اما وکالت او از ناحیه امام یازدهم و دوازدهم شیعیان و سوابق درخشان امانت‌داری و راست‌گویی او، بهترین گواه بر بزرگی و عظمت مقام او

هستند. به گفته معاصرش، ابوحامد مراضی (م.ح ۲۹۰ ق)، وی در روابط نزدیکش با امام عصر (عج)، سومین نفر بود. در برخی از گزارش‌ها، کراماتی نیز از او دیده شده‌اند. دیگر معاصرش، محمد بن شاذان، می‌گوید: مبلغ ۴۸۰ درهم نزد من جمع شد و من از پیش خود ۲۰ درهم به آن افزودم و پانصد درهم را کامل نمودم و آن را نزد ابوجعفر قمی آوردم، ولی مقدار آن را ننوشته بودم. وی پس از دریافت پانصد درهم، در ورقه‌ای به من نوشت که مبلغ پانصد درهم به اینجانب واصل شد که بیست درهم آن، مال توست.

وی با اینکه در زمان خود از شهرت بسزایی برخوردار بود، اکنون هیچ اثری از احادیث او و همچنین گزارشی از فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی او در عصر هبیت، دیده نمی‌شود، حتی نام استادان و شاگردانش نیز در منابع ذکر نشده‌اند؛ چنان‌که از آثار قلمی او نیز سخنی به میان نیامده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۵، ش ۱۰۱۹ / رجال ابن داود، ص ۱۶۱، ش ۱۲۸۷ / رجال الطوسی، ص ۴۰۲، ش ۵۸۹۹

محمد بن احمد بن حماد مروزی محمودی (ح ۱۹۵ - ح ۲۶۵ ق)

ابوعلی محدث شیعی و از اصحاب امام جواد، هادی و عسکری علیهم‌السلام بود. وی همان‌گونه که از نسبت «مروزی» برمی‌آید، در «مرو» یا اطراف آن در اواخر سده دوم (ح ۱۹۵ هـ) چشم به جهان گشود؛ زیرا وی در ایام امام جواد علیه‌السلام (۲۰۳-۲۲۰ ق) دوران جوانی را سپری می‌کرد. اما وفات او با توجه به اینکه بعضی از شاگردان او تا ۳۲۸ هـ حیات داشتند، می‌بایست دست‌کم در نیمه دوم سده سوم (ح ۲۶۵ هـ) یا پس از این تاریخ اتفاق افتاده باشد.

وی اوایل زندگی را در زادگاهش سپری کرد و احتمالاً به کمک پدرش، تحصیلات مقدماتی را فراگرفت. پدرش ابوالعباس احمد بن حماد مروزی (م.ح ۲۱۰ ق) در اوایل عمرش بر مذهب عامه بود، اما گرایش شیعی پیدا کرد و از جمله اصحاب امام رضا علیه السلام به شمار آمد که ضمن ملاقات با آن امام در طوس، دربارهٔ جانبداری آن حضرت گفت و گو نمود.

برخی از گزارش‌ها حاکی از آنند که امام جواد علیه السلام (امامت: ۲۰۳-۲۲۰ ق) پس از شهادت پدرش، به وی نامه‌ای بدین مضمون نوشت: «قد مضی ابوک - رضی الله عنه و عنک - و هو عندنا علی حاله محمودیه و لم يتعد من تلك الحال» (پدرت از دنیا رفت و او نزد ما بر حالتی پسندیده بود و از این حالت جدا نشد.)، لقب «محمودی» نیز پس از صدور این نامه، به او نسبت داده شده است.

در اینکه امام جواد علیه السلام نامه مذکور را کجا نوشته و چگونه به دست او رسانده، هیچ منبعی به آن اشاره نکرده است. بنابراین، معلوم نیست وی در زمان صدور این نامه، در زادگاهش به سر می‌برد یا در عراق حضور داشت. اما قدر مسلم آن است که وی با توجه به اینکه سفرهای زیادی به زیارت خانهٔ خدا داشت و در مسیرش از راه عراق می‌گذشت، پس می‌بایست در عصر امام هادی علیه السلام (۲۲۰-۲۵۴ ق) و همچنین در عصر امام حسن عسکری علیه السلام (۲۵۴-۲۶۰ ق) بارها در عراق حضور یافته و بسیاری از شنیده‌ها و استماع‌ها حدیثی‌اش را در آنجا فرا گرفته باشد. حتی احتمال اینکه وی در اواخر عمر در کوفه یا بغداد اقامت داشته و زندگی را در یکی از این دو شهر به سر آورده باشد، بعید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا محمد بن مسعود عیاشی (م.ح ۳۲۸ ق)، که در کوفه و بغداد اقامت داشت، شاگردی‌اش نزد او مربوط به زمانی می‌شود که عیاشی در سنین جوانی در سال ۲۶۰ هـ، تازه وارد کوفه شده بود و پیش از آن نمی‌توانست در حلقهٔ درس او شرکت کند؛ زیرا در آن زمان عیاشی از سن کمی برخوردار بود. بنابراین، وی در زمان شاگردی عیاشی نزدش می‌بایست در کوفه یا بغداد اقامت داشته باشد.

همچنین باید اذعان داشت که وی مدتی در نیشابور به سر می‌برده و در آنجا با وکیل امام حسن عسکری علیه السلام یعنی ابراهیم بن عبده نیشابوری (م.ح ۲۶۱ هـ) هم‌عصر و هم‌بحث بوده است. امام حسن عسکری علیه السلام در توقیعی که برای ابراهیم بن عبده نوشت، فرمود: مضمون این نامه را به اطلاع محمودی برسان که خدا سلامتش بدارد و به خاطر اطاعتش مورد ستایش ماست.

به هر حال، گرچه اقامت تحصیلی او دست کم برای مدتی، در شهرهای عراق و ایران قطعی است، اما در هیچ منبعی به استادان عراقی و ایرانی او اشاره نشده و احادیثی که از او بر جای مانده نیز یا بدون ذکر نام استادش می‌باشند یا اینکه غالباً آن‌ها را از پدرش نقل می‌کند. اما شاگردان او، که بیشتر از هم‌وطنان او بودند، کسانی همچون ابو عبدالله شاذانی (م.ح ۲۹۰ ق)، محمد بن سعید کثی، محمد بن ابی عوف بخاری و محمد بن مسعود عیاشی (م.ح ۳۲۸ ق) هستند. از او اثری تألیفی معرفی نشده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۹۸، ش ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸ و ۱۰۵۷ / التحریر الطائوسی، ص ۵۲۷، ش ۳۸۸ / رجال ابن داود، ص ۱۶۲، ش ۱۲۹۱ / رجال الطوسی، ص ۳۹۲، ش ۵۷۸۳؛ ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۴ / مدینه المعاجز، ج ۷، ص ۲۸۵ / موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۲، ص ۴۹۳، ح ۹۵۸ / وسائل الشیعه (آل‌البيت علیهم السلام)، ج ۲۷، ص ۱۴۹، ح ۳۳۴۵.

محمد بن احمد بن محمد بن حارث (۹-ح ۲۷۵ ق)

ابوالحسن، معروف به «حارثی خطیب»، از چهره‌های اصحاب امامیه و از رابیان راستگوی شیعه بود که ولادتش معلوم نیست، اما وفات او در اواسط نیمه دوم سده سوم هـ (۲۷۵ ق) اتفاق افتاد؛ زیرا وی از طبقه احمد بن ابی عبدالله برقی (م

۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی (م ۲۹۰ ق) و احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (م.ح ۲۸۰ ق) بود و همچنین برخی از شاگردان روایی او مانند ابن بطنه قمی (م.ب ۳۱۷ ق) و دیگران در اوایل سده چهارم می زیستند.

از زندگی و دوران تحصیل او اطلاعی در دست نیست، ولی به گمان قوی، تحصیلاتش را در قم نزد استادان عصر خود سپری کرد و پس از کسب احادیث بسیار، به ویژه در زمینه علوم قرآنی، به ساوه رفت و در آنجا به نقل حدیث پرداخت. از اینکه نجاشی وی را «خطیب ساوه» لقب داده است، به دست می آید که وی در ساوه مجلس درس و وعظ داشت و دارای نطقی گویا بود. نجاشی بدون هیچ تردیدی، او را مورد اعتماد و از چهره های برجسته اصحاب امامیه به شمار آورده است. پس از او دیگر رجال نویسان نیز همگی او را توثیق نموده اند. شیخ طوسی او را از جمله روایانی قرار داده که به طور مستقیم از ائمه اطهار علیهم السلام روایت نکرده اند. از این رو، می توان حدس زد که وی در دوران حیات خود، به عراق (سامراه) سفر نکرد و موفق به دیدار امامان عصر خود نگشت.

در منابع، نامی از استادان او برده نشده است. از شاگردان او، ابو جعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بطنه قمی است که بیشتر احادیث او را نقل کرده. از آثار او می توان نوادر علم القرآن و کتاب الامامة را نام برد.

منابع

جامع الرواة، ج ۲، ص ۶۲ / خلاصة الاقوال، ص ۲۶۷، ش ۱۵۷ / الذریعة الی تصانیف الشیخ، ج ۲، ص ۳۳۳؛ ج ۲۴، ص ۳۴۷ / رجال ابن داود، ص ۱۶۲ و ۱۶۴، ش ۱۲۸۹ و ۱۳۰۳ / رجال الطوسی، ص ۴۴۸، ش ۶۳۶۷ / رجال النجاشی، ص ۳۸۲، ش ۱۰۳۸ / طوسی، الفهرست، ص ۲۲۸، ش ۶۵۱ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۱، ش ۱۰۱۶۰.

محمد بن احمد بن محمد بن رجاء (۹ - ۲۶۶ ق)

ابوجعفر بجلی کوفی، از راویان شیعه و از اصحاب امام هادی علیه السلام، تاریخ ولادتش معلوم نیست، ولی وفات او در سال ۲۶۶ هـ در ماه ذی‌الحجه، پس از انجام مناسک حج در راه برگشت از مکه اتفاق افتاد و در وادی «ذات عرق» بین مکه و مدینه به خاک سپرده شد.

وی ساکن یکی از روستاهای مدینه به نام «صرینه» بود و حیات علمی خود را از همان‌جا آغاز نمود. در جوانی، نسبت به علم طب علاقه نشان داد و در جمع‌آوری احادیث مربوط به آن کوشید. وی این هدف را با جدیت دنبال کرد و بخش عمده‌ای از دوران حیات علمی خود را در جمع‌آوری احادیث مربوط به طب صرف نمود و در نهایت، مجموعه‌ای از تازه‌های حدیث در موضوع پزشکی قدیم تألیف کرد. با این حال، گوشه‌های زیادی از زندگی او برای ما روشن نیستند. از اینکه وی از چه خانواده‌ای برخاسته و در کجا تحصیل کرده و علت گرایش او به دانش پزشکی چه بوده، گزارشی در منابع نیامده است. گرچه در منابع رجالی او را فردی «ناشناخته» توصیف کرده‌اند، اما این مقدار روشن است که وی احادیث و اصول زیادی را جمع‌آوری کرده بود و شاگردش حمید بن زیاد آن‌ها را به دیگران منتقل نمود.

وی توفیق ملاقات با هیچ‌یک از امامان عصر خود را پیدا نکرد و مجموعه احادیث او به‌طور غیر مستقیم از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است. برخی از استادان او محمد بن عمام انماطی و محمد بن بشر بودند. شاگرد او حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) بود که از او احادیث و اصول زیادی روایت کرده است.

تخصص عمده او در طبابت بود. از این‌رو، اثری که از خود بر جای نهاده، در همین موضوع است. از جمله آثار او، کتاب‌های نوادر و طب الائمه می‌باشند.

گفتنی است نام محمد بن رجاء در روایات شیعه مشترکاً بین سه نفر است:
 ۱. محمد بن رجاء الخنطاط (الحنطاط): ۲. محمد بن رجاء أُرْجَانِي؛ ۳. محمد بن رجاء
 بجلي. فرد سوم، که مورد نظر ماست، در منابع معتبر، شخصی «ناشناخته» معرفی شده؛
 چنان‌که به وثاقت افراد پیشین نیز در علم رجال، تصریح نشده است.

منابع

جامع الرواة، ج ۲، ص ۶۱ / الذريعة الي تصانيف الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۳۹؛ ج ۲۴، ص
 ۳۳۸ / رجال النجاشي، ص ۳۴۲، ش ۹۲۰ / معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۱۵ / معجم
 المؤلفين، ج ۸، ص ۲۶۱ / معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۳۴۹، ش ۱۰۱۲۲.

محمد بن احمد بن نعیم بن شاذان نیشابوری (۹- ح ۲۹۰ ق)

ابو عبدالله، مشهور به ابو عبدالله شاذانی، فقیه، محدث و از اصحاب امام حسن
 عسکری علیه السلام، تاریخ تولد و وفاتش معلوم نیست، اما سابقه علمی او گواه آن است
 که وی در دهه‌های پایانی سده سوم زندگی را به انجام رسانده؛ زیرا برخی از
 شاگردان او در تاریخ ۳۲۸ هـ وفات یافتند، و این مطلب با توجه به اینکه شیخ
 کلینی (م ۳۲۹ ق) با یک واسطه از او نقل حدیث می‌کند، نشانگر آن است که وی
 سده چهارم را درک نکرده است. بنابراین، وفات او تقریباً حدود ۲۹۰ هـ اتفاق
 افتاده، ولی محل آن معلوم نیست.

وی در نیشابور از یک محیط علمی و مذهبی برخاست و در همانجا پرورش
 یافت. از خانواده و بستگان او چند تن از عموهای پدرش مانند فضل بن شاذان،
 علی بن شاذان و محمد بن شاذان را می‌شناسیم که همگی از عالمان عصر خود
 بودند. همچنین پسرعموی پدرش قنبر بن علی بن شاذان و عموی او بشر بن بشر
 نیشابوری نیز از عالمان و محدثان شیعه بودند، اما در این میان، گزارشی دربارهٔ

مراتب علمی پدرش نیافتیم. از این رو، این احتمال تقویت می‌شود که پدرش از مردم عادی بوده و بهره‌ای از دانش نداشته است.

وی دوران کودکی و جوانی را در زادگاه خود سپری کرد و سپس برای کسب علم و دانش، به قم، ری و برخی شهرهای عراق مانند کوفه عزیمت نمود و نزد استادان این دیار، بهره‌های فراوان برد. از جمله کسانی که وی نزد او بهره برد، عموی پدرش فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) بود و ظاهراً استماعات او نزد این استاد، در نیشابور انجام گرفته‌اند؛ زیرا فضل بن شاذان بیشتر در نیشابور اقامت داشت. همچنین وی در ری با ابن عون اسدی رازی (م ۳۱۲ ق)، که وکیل امام عصر (هج) در ری بود، ارتباط علمی داشت و گاهی اموال و نفقات مردم را، که نزد او جمع می‌شد، تقدیم ابن عون می‌نمود.

وی ظاهراً در تاریخ ۲۶۰ هـ، که مصادف با وفات فضل بن شاذان نیشابوری است، در عراق به سر می‌برد؛ زیرا وی به همراه چند تن از معاصرانش، که از جمله آن‌ها ابوسعید بن محمود هروی است، در تاریخ یادشده نزد امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء شرفیاب شده بودند که امام حسن عسکری علیه السلام سه مرتبه برای فضل بن شاذان طلب مغفرت نمود و سپس روشن شد که فضل بن شاذان همان روز در نیشابور دارفانی را وداع گفته بود. به هر حال، وی در پی کسب معارف اهل بیت علیهم السلام مسافرت‌های متعددی داشت و در این زمینه، احادیث فراوانی شنید. از جمله استادان او، جعفر بن محمد مدائنی، ریان بن صلت خراسانی بغدادی (م. ح ۲۶۵ ق)، فضل بن هشام هروی، محمد بن احمد بن حماد مروزی محمودی و عاصمی کوفی بودند. وی به تربیت شاگرد اشتغال یافت و محدثان خوش‌نامی مانند محمد بن یحیی عطار قمی (استاد کلینی)، علی بن محمد قیبی و آدم بن محمد قلانسی بلخی (م قبل ۳۲۹ ق) از او بهره بردند.

درباره تألیفات او، اگرچه در منابع معتبر سخنی به میان نیامده، اما بسیاری از

گزارش‌های ابو عمرو کثی (م.ح ۳۶۳ ق) در رجالش، بر اساس کتابی بوده که نوشته اوست و از همین جا می‌توان دریافت که وی علاوه بر فقه و حدیث، در علم رجال و تاریخ نیز تخصص داشته است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۸۲؛ ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۴۱۹؛ ص ۷۱۱، ح ۷۷۵؛ ص ۷۹۶، ح ۹۸۰ / خلاصة الأقوال، ص ۲۵۶، ش ۷۶ / رجال ابن داود، ص ۱۶۴، ش ۱۳۰۷ / رجال الطوسی، ص ۳۸۴، ش ۵۶۵۴؛ ص ۴۰۲، ش ۵۸۹۵ / طوسی، القیبه، ص ۴۱۷، ح ۳۹۴ / کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۵۰۹، ب ۴۵، ح ۳۸.

محقق بن احمد بن یحیی اشعری (۹ ق - ۲۹۹ ق)

ابوجعفر، صاحب کتاب نوادر الحکمه، فقیه و محدث شیعی در اواخر سده سوم ه، نسب او به مالک بن احوص می‌رسد. بنابراین، وی با احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م.ح ۲۸۰ ق) شیخ اهل قم، رابطه فامیلی دارد؛ زیرا نسب او نیز به مالک متصل است. تاریخ ولادت و وفاتش روشن نیست، تنها می‌توان به اعتماد روایت سعد بن عبدالله اشعری از وی، که در سال ۲۹۹ ه فوت کرده است، وفات او را پیش از این تاریخ حدس زد. همچنین از زندگی و چگونگی تحصیل او اطلاعی نداریم، اما تحقیقات نشان می‌دهند که وی اصالتاً اهل قم بود؛ زیرا جدّ اعلای او قمی بود و روستایی به نام خود (مالک آباد) در قم تأسیس کرد. همچنین بیشتر استادان و شاگردان روایی او اهل قم هستند. از این رو، قویاً محتمل است که وی بیشتر دوران تحصیل و حیات علمی‌اش را در قم گذرانده باشد.

نجاشی در وصف او گفته است: وی محدثی ثقه بود، جز اینکه از محدثان ضعیف نیز روایت می‌کرد، و چون خودش سلیم‌النفس بود اهمیت نمی‌داد از چه کسی روایت اخذ می‌کند. ابن ندیم او را از دانشمندان شیعه در روایت و فقه

می‌داند و سه کتاب از وی برمی‌شمارد. استادان او محمد بن خالد برقی، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی و ابراهیم بن هاشم قمی بودند. از جمله شاگردان روایی او، محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن یحیی عطّار، محمد بن جعفر رزّاز (م ۳۱۳ق)، احمد بن ادریس قمی (م ۳۰۶ق) و سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ق) بودند.

از آثار اویند: *الجامع فی الفقه و الآداب، نوادر الحکمه، ما نزل من القرآن فی الحسین* و مناقب الرجال. بعضی احتمال می‌دهند کتاب *الجامع همان کتاب نوادر الحکمه* باشد که معروف به *دبّه شیبب* است؛ کنایه از آنکه هر چه بخواهی در آن موجود است؛ زیرا شیبب فامی خمره‌ای از روغن کره داشت که هر چه مردم می‌خواستند، به آن‌ها از آن می‌داد.

منابع

تفیح المقال (حجری)، ج ۱۲، ش ۱۰۳۵۶ / دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۹۷ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۵، ص ۲۹ / رجال النجاشی، ص ۳۴۸، ش ۹۳۹ / طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۲۴۶ / فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۳ و ۲۷۷.

محمد بن اسحاق بن ابراهیم بن مغیره بن ماهان قاضی کوفی (۲۱۲-۲۷۵ق) ابوالعبّس صیمری، از ادیبان و شاعران مشهور بود که به علم نجوم نیز آشنایی داشت. وی اصالتاً اهل کوفه بود، اما مدتی در «صیمره» واقع در بلاد جبل (بین خوزستان و بروجرد) قاضی بود. از این‌رو، او را «صیمری» لقب داده‌اند. وی معاصر با شاهران معروف ابوعباده بختری و ابوتمام بود و مناظره او با بختری در حضور متوکل (حک ۲۳۲-۲۴۷ق) مشهور است و در این باره، کتابی به نام *مناظره مع البختری* نوشته است. ولادت او در سال ۲۱۲ هـ و وفات او در سال ۲۷۵ هـ در سن ۶۳ سالگی در بغداد روی داد. جنازه او را به کوفه حمل کردند و در همانجا دفن گردید.

درباره عقیده او، در هیچ یک از منابع فریقین، سخنی به میان نیامده، اما چون وی مؤلف کتاب صاحب الزمان (هج) است، چنین گمان می رود که عقاید او به شیعه نزدیک بوده، هر چند یک شیعه درباری بوده است. خطیب بغدادی در حالی که او را یکی از شعرای ملیح می داند، وی را فردی «خیث اللسان» معرفی می کند. وی بیشتر شاعران زمان خود را هجو کرد. از این رو، وی را «هجاء» نیز لقب داده اند.

وی آثار زیاد و هزلیات فراوانی از خود به جای گذاشت. هزلیات او بالغ بر سی کتاب می باشند. از جمله آثار فراوان او، تأخیر المعرفة، هندسة العقل، العاشق و المشوق، الاحادیث الشاذة و الرد علی المنتجمین می باشند.

منابع

الاعلام، ج ۶، ص ۲۸ / تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۳ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۸، ص ۲۰۹؛ ج ۱۱، ص ۳۴ / القدير، ج ۵، ص ۷۰ / الفصول العشرة، ص ۱۶ / فهرست ابن ندیم، ص ۱۶۸ / كشف الغنون، ج ۱، ص ۱۰۷ / معجم البلدان، ج ۳، ص ۴۳۹ / معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۳۸.

محمد بن اسماعیل بن صالح صیمری (؟ - ح ۲۵۵ ق)

محمد، ادیب و شاعر اهل بیت علیهم السلام از اصحاب امام هادی علیه السلام، ولادتش معلوم نیست، اما وفات او حدود سال ۲۵۵ هـ روی داد؛ زیرا وی پس از رحلت امام هادی علیه السلام در سال ۲۵۴ هـ، قصیده‌ای در رثای آن حضرت سرود و در آن، به امام حسن عسکری علیه السلام تعزیت گفت. در کتاب‌های مربوط به زندگی نامه شخصیت‌ها، هیچ اشاره‌ای به زندگی و حیات علمی او نشده است. تنها می توان از لقب «صیمری» پی برد که وی اهل «صیمره» از روستاهای بصره بود. همچنین از ارتباط

او با امام هادی علیه السلام به دست می‌آید که وی مسافرت‌هایی به بغداد و سرّ من رأی داشته و احتمالاً شعر و ادب را نزد استادان بغداد، که این دانش در روزگار او با وجود شاعران بزرگی همچون ابوتمام طائی «م ۲۳۱ ق»، دحیل خزاعی (م ۲۴۶ ق) و دیگران، دارای رونق خاصی بود، فراگرفته است.

نخستین منبع ما در شناسایی او ابن عباس جوهری (م ۴۰۱ ق) است که در کتاب مقتضب الاثر، وی را ستایشگر ابوالحسن ثالث امام هادی علیه السلام معرفی کرده و قطعاتی از شعر او را آورده است. پس از او، ابن شهر آشوب (م ۵۵۸ ق) وی را از جمله شاعران اهل بیت علیهم السلام، که در تقیّه به سر می‌برده، قرار داده است. مرحوم سیّد عاملی قطعاتی از قصیده او را در مرثیه امام هادی علیه السلام آورده که از محتوای این قصیده برمی‌آید وی گرایش شیعی داشته است:

«الارضُ حُزناً زلزلت زلزالها واخرجت من جَزَعِ اَنفَالها»

(زمین محزون گردید و به لرزش افتاد و از بی‌تابی، سنگینی‌های خود را بیرون ریخت). تا به اینجا که به وفات امام هادی علیه السلام اشاره می‌کند:

«عشرَ نجومٍ اُفلت فی فُلکها و یطلعُ اللّهُ لنا اُمثالها
بالحسنِ الهادیِ اُبی محمّد تدرکُ اُشیاعِ الهدیِ اُمالها»

(ده ستاره در گردونه افلاک افول کردند، اما خداوند وجود امثال آن‌ها را برای ما روشن کرده است. به سبب ابومحمّد حسن هادی، پیروان هدایت به آرزوهای خود می‌رسند).

از کتاب‌های او، دیوان شعری به نام دیوان محمّد بن اسماعیل به ثبت رسیده است.

منابع

امیان الشیعه (قطع بزرگ)، ج ۹، ص ۱۲۳، ش ۲۴۳ / بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۱۴ /
الدریمة الی تصانیف الشیعه، ج ۹ (قسم سوم)، ص ۹۸۱، ش ۶۴۲۶ / معالم العلماء، ص
۱۸۶ / مقتضب الاثر، ص ۵۲.

محمد بن بکر بن جناح کوفی از دی (ح ۱۶۳ - ۲۶۳ ق)

ابو عبدالله، از اصحاب امام کاظم علیه السلام و از راویان ممدوح و مورد قبول شیعه، فردی فاضل و دارای احادیث فراوان بود که از تاریخ تولدش اطلاعی در دست نیست، اما چون از اصحاب امام کاظم علیه السلام (۱۲۸-۱۸۳ ق) بود، می توان حدس زد که وی از سال خوردگان بوده و قریب یک سده حیات داشته است. به گفته نجاشی، وی در سال ۲۶۳ هـ وفات کرد و حسن بن سماعه (م ۲۶۳ ق) بر او نماز گزارد. محل وفات او در کوفه بود. علامه حلی به اشتباه، نام وی را محمد بن بکران ثبت کرده، ولی در رجال ابن داود، ضمن انتقاد از این اشتباه، گفته است: نام پدر او «بکر» است، نه «بکران».

وی در کوفه پرورش یافت و از دوران جوانی به استماع حدیث پرداخت و به زودی در علم حدیث متبحر شد و به تدریج، شاگردانی تربیت نمود و اندوخته های خویش را به آنان منتقل کرد. پدرش، ابومحمد بکر بن جناح، از بزرگان حدیث در کوفه بود و در پرورش او نقش قابل توجهی داشت. شواهد موجود نشان می دهند که وی همچون پدرش فردی «واقفی» (هفت امامی) بود؛ زیرا بسیاری از شاگردان او مانند حسن بن سماعه، علی بن حسن بن فضال (م ۲۹۰ ق)، احمد بن عمر بن کیسه (م.ح ۳۰۴ ق) و حمید بن زیاد نینوی (م ۳۱۰ ق) دارای مذهب «واقبیه» بودند؛ یعنی بر امامت امام هفتم شیعیان توقف کردند و او را مهدی موعود پنداشتند. از این رو، شیخ طوسی بدون اینکه از ارزش تعالیم و معلومات او سخنی به میان آورد، او را فردی «واقفی» معرفی می کند، اما علمای زیادی علی رغم اعتقاد فاسدش، وی را فردی مورد اعتماد در نقل حدیث معرفی کرده اند.

استادان او ابوالجارود، صفوان بن خالد، صفوان بن یحیی، اسحاق بن عمار و

پسرش محمد، حفص بن عمر بن سالم، علی بن شجره، زکریا بن محمد، ابوعلی صبیح صانع و پدرش بکر بن جناح می‌باشند. از جمله شاگردان او، محمد بن احمد بن ثابت، حمید بن زیاد نینوایی، اسماعیل بن محمد، و حسن بن محمد بن سماعه هستند.

از آثار او کتاب النوادر (تازه‌ها) در موضوع حدیث است.

منابع

خلاصة الاقوال، ص ۳۹۳، ش ۱۵ / الدررمة الى تصانيف الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۸ / رجال الطوسي، ص ۳۴۴، ش ۵۱۴۴ / رجال النجاشي، ص ۳۲۶، ش ۹۳۴ / طرائف المقال، ج ۱، ص ۳۲۲ / الكافي، ج ۲، ص ۸۲ / معجم المؤلفين، ج ۹، ص ۱۰۷ / معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۱۴۵ / نقد الرجال، ج ۴، ص ۱۵۱ / هدية العارفين، ج ۲، ص ۱۷.

محمد بن حسان رازی زینبی (ق- ح ۲۵۵ ق)

ابو عبدالله محدث و مفسر شیعی و از اصحاب امام هادی علیه السلام بود که از ولادت و وفات او آگاهی نداریم، اما چون از اصحاب امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) بود، وفاتش حدود ۲۵۵ هـ در نظر گرفته شده است. از زندگی او اطلاع کاملی نداریم، ولی از لقب «رازی» و نیز از شاگردان قمی او، چنین به دست می‌آید که وی در «ری» و «قم» پرورش یافته و در همانجا به نقل حدیث پرداخته است. وی در نگاه رجال‌شناسان، به‌طور کامل قابل اعتماد معرفی نشده است. دوره‌ای که وی مشغول نقل حدیث بود پیش از دوره شخصیت‌هایی همچون سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۳۰۱ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری قمی (م. ب ۲۹۷ ق) و احمد بن ادريس قمی (م ۳۰۶ ق) بود. بنابراین، وی را باید از رجال متقدم و کسی که عصر امامان شیعه را درک کرده، به‌شمار آورد.

استادان او محمد بن زید رزازی (خادم امام رضا^{علیه السلام})، ابو عمران موسی بن رنجویه ارمنی (فردی غیر قابل اعتماد)، محمد بن علی صیرفی و فیہس بن فتح بن یزید جرجانی بودند. کسانی که از وی روایت کرده‌اند محمد بن یحیی قمی، احمد بن ادریس قمی، حسن بن متیل و محمد بن حسن صفار هستند.

از تألیفات مهم او، *ثواب القرآن* است که همچون روش مفسران عصر خویش، شیوه‌ی روایی دارد. همچنین تفسیر دیگری به نام *ثواب انا انزلناه* دارد که بر اساس روایاتی از اهل بیت^{علیهم السلام} فضیلت این سوره در آن معرفی شده است. از آثار دیگر او، می‌توان کتاب *العقاب*، *ثواب الاعمال* و *کتاب الشیخ و الشیخه* را نام برد. از کتاب‌های او اکنون هیچ اثری نیست.

منابع

ایضاح الاشتباه، ص ۲۶۳، ش ۵۴۹ / جامع الرواة، ج ۲، ص ۸۸ / خلاصة الاقوال، ص ۴۰۱، ش ۴۳ / رجال ابن داریم، ص ۲۷۱، ش ۴۴۱ / رجال الطوسی، ص ۴۴۵، ش ۶۳۳۴ / رجال النجاشی، ص ۳۳۸، ش ۹۰۳ / طوسی، الفهرست، ص ۲۲۴، ش ۶۲۸ / نقد الرجال، ج ۴، ص ۱۶۸، ش ۴۵۷۳.

محمد بن حسن بن شمون بصری بغدادی (۱۲۴ - ۲۵۸ ق)

ابوجعفر واقفی در سال ۲۵۸ هـ در سن ۱۱۴ سالگی وفات کرد که بدین‌سان، تولّد او در سال ۱۴۴ ق بوده است. از محل ولادت و وفات او اطلاعی در دست نیست. همچنین در منابع معتبره چیزی درباره‌ی حیات علمی او ذکر نشده است، اما با نگاهی به روایات و گزارش‌های او چنین به دست می‌آید که وی از همان دوران جوانی، دارای عقیده‌های ناسالم و غیرمستحکم بود و حیات علمی او در بین افرادی ضعیف و بعضاً سنی مذهب شکل گرفت. وی در آغاز از کسانی بود که بر

امامت امام هفتم شیعیان توقّف کردند و احادیثی را در تأیید مذهب «واقفیه» جعل کرد، و سپس «غالی» و دارای عقیده‌ای فاسد گشت. از این رو، احادیث او نزد علما، ضعیف و بی اعتبار شمرده می شوند.

گفته می شود: وی از هشتاد نفر از نزدیکان امام صادق علیه السلام حدیث نقل کرده، ولی از امام کاظم علیه السلام تنها دو حدیث شنیده است. بنابراین، نمی توان احادیث او در تأیید مذهب «واقفیه» مورد قبول دانست. صدور احادیث دروغین و غیر واقعی علاوه بر اینکه چهره علمی او را مخدوش کرد، بر زندگی مادی او نیز تأثیر گذاشت و در اثر بی توجهی اطرافیان نسبت به وی، دچار ضعف مالی شدیدی گشت. گفته می شود: آل رضا علیهم السلام یعنی امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام، مخارج او و چهل تن از عشیره اش را تأمین می کردند، و این موضوع نشان می دهد که وی به دلیل عقیده فاسدی که اتخاذ کرده، فردی مطرود و منزوی بود؛ چنانکه خود نیز یک بار طی نامه‌ای که به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت، از فقر و تنگ دستی شکایت کرد.

از جمله استادان او، عبدالله بن عبدالرحمان الاصم بود که در ضعف و بی اعتباری او شکی وجود ندارد. از جمله شاگردان او، عبدالله بن علاء مزاری، اسحاق بن محمد و سهل بن زیاد بودند که سهل فردی سنی مذهب بود. بیشتر روایات او در موضوع فقه و اعتقادات هستند. از این رو، می توان گفت که تخصص عمده او در فقه و اعتقادات بوده است.

از تألیفات او، کتاب السنن والآداب و مکارم الاخلاق، کتاب المعرفه، کتاب النوادر (تازه‌ها) و کتاب اسامی امیرالمؤمنین علیه السلام را می توان نام برد.

منابع

خلاصه الرجال، ص ۳۹۶ / رجال النجاشی، ص ۳۳۵ / معالم العلماء، ص ۱۴۵ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

محمد بن حسن بن فروخ صفّار قمی (۹ - ۲۹۰ ق)

ابرجعفر اعرج از فقها و محدثان بزرگ امامیه و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود که ولادتش معلوم نیست، اما وفات او در سال ۲۹۰ هـ در قم اتفاق افتاد. از محیط خانوادگی او در منابع، ذکری به میان نیامده، اما از موالیان و هم‌پیمانان عیسی بن موسی بن طلحه اشعری بود و بیشتر عمر خود را در قم اقامت داشت. (به گفته شیخ طوسی در فهرست، پدر عیسی، موسی بن طلحه، از راویان حدیث و دارای کتاب بوده است.) وی در رأس فقهای قم و از برجستگان راویان حدیث در آنجا به شمار می‌آمد. بسیاری از احکام فقه شیعه بر پایه احادیث او بنا شده‌اند. از نامه‌های متعدد و پرسش‌های فقهی او از امام حسن عسکری علیه السلام، به دست می‌آید که وی در قم، مرجع مردم و پاسنگوی خواسته‌های آنان بود. از این رو، می‌توان حدس زد که وی یکی از نایبان و سفیران امام حسن عسکری علیه السلام در قم به حساب می‌آمد.

گفته می‌شود استادان او در حدیث، بیش از ۱۵۰ نفر بودند که احمد بن محمد بن خالد برقی، احمد بن حسن بن علی بن فضال و احمد بن محمد بن عیسی از جمله آن‌ها به شمار می‌آمدند. از شاگردان روایی او، سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن یحیی و محمد بن حسن بن ولید (استاد شیخ صدوق) بودند.

نوشته‌ها و تألیفات او درباره فقه شیعه‌اند. از این رو، تخصص عمده او در همین موضوع بوده، ولی در علم رجال و ادبیات عرب نیز صاحب‌نام است. وی تألیفات زیادی دارد و در تمام ابواب فقه، کتاب نوشته است. تنها کتابی که اکنون از وی موجود است بصائر الدرجات الکبری و بصائر الدرجات الصغری می‌باشد که موضوع آن فضایل اهل بیت علیهم السلام است. وی به خاطر تألیف این دو کتاب، به «صاحب بصائر» معروف شده است.

منابع

بصائر الدرجات، ص ۵ به بعد / جامع الرواة، ج ۲، ص ۹۳ / خلاصة الاقوال، ص ۲۶۰ / الدررمة الى تصانيف الشيعة، ج ۱، ص ۲۸۱؛ ج ۲، ص ۱۰۶؛ ج ۳، ص ۱۲۴؛ ج ۴، ص ۱۸۴؛ ج ۵، ص ۱۳۹ / رجال النجاشی، ص ۳۵۳، ش ۹۴۸ / طوسی، فهرست، ص ۲۴۴، ش ۷۲۶ / معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۲۶۳، ش ۱۰۵۳۲.

محمد بن حسین بن ابی الخطاب زینات همدانی کوفی (۹۱۷۲-۲۶۲ ق)

ابوجعفر، معروف به «زینات همدانی»، از اعیان و بزرگان شیعه و از اصحاب امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام بود. نام او زید و کنیه اش ابوجعفر و کنیه جدش ابوالخطاب بود. از لقب «زینات» به دست می آید که وی در شهر خود همدان روغن فروشی می کرده و ماندگاری این لقب احتمالاً ناشی از آن است که وی این شغل را در کنار فراگیری دانش، از وقتی که وارد کوفه شد نیز حفظ کرد.

محل ولادت او همدان بود، ولی از تاریخ ولادت او اطلاع دقیقی در دست نیست. از روایات او ظاهر می شود که میزان عمرش بیش از نود سال بوده است. از این رو، با توجه به اینکه وفات او به تصریح نجاشی و دیگران، در سال ۲۶۲ قمری در کوفه اتفاق افتاده است، چنین گمان می رود که تولد او تقریباً در سال ۱۷۲ هـ روی داده باشد. بنابراین، روایت کنسی مبنی بر اینکه وی، ابوحزمه ثمالی (م ۱۵۰ هـ) را ملاقات کرده، خالی از ضعف نیست؛ چنانکه روایت او بدون واسطه از محمد بن مسلم (م ۱۵۰ هـ)، که در تهذیب شیخ طوسی آمده، خالی از اشکال نیست؛ زیرا وی آنها را درک نکرده بود. از بستگان او، خواهرزاده اش، ابوالعباس محمد بن جعفر رزاز (م ۳۱۳ ق)، را می توان نام برد که فردی پرکار و کثیر الحدیث بود. در میان خانواده او، تنها از پدرش می توان در منابع معتبر، ردیابی کرد که ظاهراً در تربیت او و حیات علمی اش نقش بسزایی داشت. نام

پدرش حسین بن ابی‌الخطّاب بود که در سال ۱۴۰ هـ متولد شد و از بزرگان قم به شمار می‌آمد. اهل قم پدرش را با همین اسم می‌خوانند، ولی دیگران او را حسین بن خطّاب (بدون کنیه) ذکر می‌کنند.

گفتنی است این ابوالخطّاب، خیر از ابوالخطّاب محمد بن ابی‌زینب مقلّاص است که مورد نفرین امام صادق علیه السلام قرار گرفت. همچنین پدر بزرگ او، ابوالخطّاب نیز از چهره‌های علمی بود که کثی در کتاب خود، رجال این خانواده را ستوده است. نجاشی دربارهٔ صاحب ترجمه گفته است: زیّات همدانی از راویان مورد اعتمادی است که در روایات او هیچ مناقشه‌ای وجود ندارد و از جایگاه والایی برخوردار بوده و دارای تصنیفات خوبی است.

برخی از استادان او رهیب بن حفص، حمّاد بن عیسی (م ۲۰۸ ق)، حنّان بن سدیر و مسعد بن زیاد بودند. از جمله شاگردان او، عبدالله بن جعفر حمیری، محمد بن علی بن محبوب، احمد بن ادریس، ابوالعبّاس محمد بن جعفر رزّاز و محمد بن یحیی عطار (استاد کلینی) هستند.

از نوشته‌های او، معلوم می‌شود که وی بیشتر در علم کلام و حدیث، تخصص داشته است. نجاشی کتاب‌های التوحید، المعرفة والبداء، الردّ علی اهل القدر، کتاب اللؤلؤ، وصایا الانمة علیه السلام، کتاب النوادر و الامامة من الاخبار والروایات را از او می‌داند. اما سید بن طاووس دربارهٔ انتساب کتاب الامامة به او تردید دارد و مؤلف آن را فردی از علمای شیعی متقدم، و تاریخ کتابت آن را سال ۳۲۹ هـ معرفی می‌کند. از گزارش صاحب ترجمه به محمد بن حسن صفار به دست می‌آید که کتاب‌های او بیش از این‌ها بوده، به گونه‌ای که وی را «حسن التصانیف» معرفی کرده‌اند.

منابع

تاریخ آل زراره، ج ۲، ص ۸۸ / تهذیب الاحکام، ج ۳، ح ۱۰۲۳ / تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، ج ۲، ص ۳۷۵ / نلائیات الکلبینی، ص ۷۸ / جامع الرواة، ج ۲، ص

۹۷ / خلاصة الاقوال، ص ۲۴۱ / الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ۲، ص ۳۳۴ / اختيار معرفة الرجال، ص ۵۰۸، ش ۹۸۰ / رجال النجاشي، ص ۳۳۴، ش ۸۹۷ / طوائف العقال، ج ۱، ص ۲۵۴ / الكليني و الكافي، ص ۵۱۴ / معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۳۰۹ و ۳۱۱ / نقد الرجال، ج ۴، ص ۱۸۳ و ۱۸۴ / هدية العارفين، ج ۲، ص ۱۷.

محمّد بن حسين بن سعيد (؟ - ۲۶۹ ق)

ابوجعفر صائغ از راویان ضعیف و غیر موثق شیعه و از اصحاب رانده شده امام هادی و عسکری علیه السلام بود، ولادتش معلوم نیست، ولی وفات او در تاریخ ۱۸ رجب سال ۲۶۹ هـ در کوفه اتفاق افتاد و پس از اینکه جعفر بن عبدالله محدّث محمدی بر او نماز گزارد، در محله «جعفی» واقع در کوفه به خاک سپرده شد. درباره کیفیت تحصیل و هم‌بحث‌های او چیزی در منابع ذکر نشده است، اما وی اهل کوفه از قبیله «بنی ذهل» بود و احتمالاً در همانجا به جمع‌آوری حدیث پرداخت.

ظاهراً به گواه اینکه روایات او از طریق ابوالفضل شیبانی گزارش شده‌اند، به دست می‌آید که اطرافیان و هم‌بحثان او از وجاهت کافی برخوردار نبودند؛ زیرا ابوالفضل از راویان ضعیف می‌باشد و این مطلب با توجه به تصریح نجاشی مبنی بر ضعیف بودن صاحب شرح حال نیز بیشتر روشن می‌شود؛ چنان‌که برخی نیز او را به غلو متهم کرده‌اند. اما وی از زبان برخی از علمای معاصر اهل سنت (عمر کخّاله) بدون ذکر هیچ مدرکی، فردی «شیعی»، «امامی» و «فاضل» معرفی شده است. گفتنی است مرحوم علامه حلی در خلاصة الرجال، نام پدر او را به اشتباه «حسن» (به صورت مکبّر، نه «حسین» به صورت مصغّر) ثبت کرده، که این اشتباه باعث گفت‌وگوهایی بین علمای رجال شده است.

همچنین باید دانست این اسم مشترک بین دو نفر است، که یکی از آن دو از محمد بن مسلم (م ۱۵۰) روایت می‌کند و چون فرد مورد بحث در سال ۲۶۹ هـ وفات کرده، روایت او از محمد بن مسلم بسیار بعید است. اما فرد دوم از حسن بن

علی بن ابی عثمان ملقب به «سجاده» روایت می‌کند. پس به ناچار باید آن‌ها را دو شخصیت دانست؛ چنان‌که برخی از علمای رجال نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند. همچنین نام «الصائغ» در برخی از منابع با عنوان «الصیغ» ذکر شده است. بنابراین، با نام اخیر نیز می‌توان احادیث او را در منابع ردیابی نمود. وی در منابع شیعه، به‌طور مستقیم حدیثی از ائمه اطهار علیهم‌السلام نقل نکرده است. از این رو، شیخ طوسی در رجال خود، مشخصات او را در «باب کسانی که به‌طور مستقیم از ائمه علیهم‌السلام حدیث ندارند» ذکر کرده است. از جمله شاگردان روایی او، ابوالمفضل شیبانی، احمد بن محمد بن ریاح، حمید بن زیاد نینوی و جعفر بن محمد بن مالک هستند. برخی از استادان او محمد بن حسین زاهری، محمد بن منصور بن یونس بزرج کوفی و حسن بن علی بن ابی عثمان ملقب به «سجاده» می‌باشند. سجاده از اصحاب امام جواد علیه‌السلام بود که در علم رجال فردی خالی، ملمون و ضعیف معرفی شده است.

از آثار معروف او، یکی کتاب التباشیر و دیگری کتاب النوادر (تازه‌های حدیث) می‌باشد.

منابع

ایضاح الاشتباه، ص ۲۶۳ / ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۲۸۰ / بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۸ / تاریخ آل زراره، ج ۲، ص ۷۷ / تفسیر القمی، سوره نور، آیه ۳۳۵؛ سوره تحریم، آیه ۸ / جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۰۸ / رجال ابن داود، ص ۲۷۲، ش ۴۴۵ / رجال النجاشی، ص ۳۳۷، ش ۹۰۰ / معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۲۴۱ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۳۳، ش ۱۰۵۰۶ / ج ۱۷، ص ۱۰، ش ۱۰۵۹۱ / ج ۲۲، ص ۹۹، ش ۱۴۰۶۳.

محمد بن خالد بن عمر طرابلسی تمیمی (۱۶۲ - ۲۵۹ ق)

ابو عبد الله از یاران امام کاظم علیه‌السلام و ساکن کوفه در «صحراء جرم» بود و وفاتش در شب چهارشنبه بیست و هفتم جمادی الثانیه سال ۲۵۹ هـ در سن ۹۷ سالگی

اتفاق افتاد. بنابراین، تولد او در سال ۱۶۲ هـ واقع شده است. محیط خانواده و حیات علمی او در منابع چندان معتبر مذکور نیست. فرزندش ابوالعباس عبدالله بن محمد بن خالد (م.ج ۲۹۰ ق) از افراد راستگو و قابل اعتماد بود، اما کارشناسان علم رجال درباره خود او با اینکه وی را فردی شیعی معرفی کرده‌اند، درباره وثاقتش و ارزش گزارش‌های او سکوت نموده‌اند. وی با اینکه در عصر امامان شیعه می‌زیست، اما حدیثی به‌طور مستقیم از آنان نقل نکرده است.

حمید بن زیاد و محمد بن علی بن محبوب و علی بن حسن بن فضال و سعد بن عبدالله از شاگردان او بودند و از جمله استادان او سیف بن عمیره و صالح بن عقبه. از آثار او کتاب النوادر (تازه‌ها) است.

منابع

الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۷ / التحریر الطاوسی، ص ۴۴۲ / رجال النجاشی، ص ۳۴۰، ش ۹۱۰ / نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۲ / نقد الرجال، ج ۴، ص ۱۹۹.

محمد بن ربیع بن سوید سائی (۹ - ح ۲۶۰ ق)

محمد محدث شیعی بود و ظاهراً چنان‌که از لقب «سائی» برمی‌آید، اهل یکی از روستاهای مدینه به نام «سایه» بود و احتمالاً در همانجا متولد شد. گرچه در برخی از منابع با القاب «شائی»، «نسائی» و «شیبانی» نیز از او یاد شده، اما بیشتر صاحب‌نظران لقب «سائی» را درباره او صحیح می‌دانند. تاریخ تولد و وفات او معلوم نیست، اما وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) بود و با آن امام در سامراء ملاقات داشت. بنابراین، با توجه به اینکه وی از محدثان پس از عصر ائمه اطهار علیهم السلام به شمار نیامده، وفات او می‌بایست تقریباً در ایام آن امام (ح ۲۶۰ هـ) اتفاق افتاده باشد، ولی محل آن روشن نیست. از او اطلاعات اندکی در منابع یافت می‌شوند و شخصیت علمی او کاملاً برای ما مبهم است.

شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) و قطب راوندی (م ۵۷۳ ق) در گزارشی مشابه آورده‌اند که وی مدتی در اهواز بود و در آنجا با مردی از پیروان زرتشت، که معتقد به وجود دو خدا در جهان هستی بود، مناظره داشت که در این مناظره، گفتار آن مرد مجوسی بر دل او نشست و در او تأثیر گذاشت. از این رو، برای دیدار با امام حسن عسکری علیه السلام از اهواز به سامراء آمد و در کنار منزل احمد بن خضیب نشسته بود و هنگامی که آن امام از منزل عمومی اش خارج شد، نظر مبارکش به او افتاد و با انگشت سبابه، اشارهٔ هیبت آمیزی به او نمود و فرمود: «أحدُ أحدِ فردٍ»؛ یعنی خدا یکی است و دو تا نیست. وی با دیدن این صحنه، از حال رفت و بی‌هوش شد.

ماجرای مذکور اگرچه نشان می‌دهد که وی در مباحثه و مناظره با مذاهب دیگر، آمادگی لازم را نداشت و مغلوب آنان می‌شد، اما حاکی از اعتقاد و ایمان او به امام حسن عسکری علیه السلام نیز می‌تواند باشد که همین امر موجب مسافرت او به سامراء گشت و در جست‌وجوی حقیقت برآمد. همچنین ماجرای یادشده نشانگر آن است که وی در سامراء دوستانی داشت و دست‌کم برای مدتی در آنجا اقامت گزید؛ چنان‌که سوابق علمی او گواه آنند که وی در کوفه نیز با استادان و محدثان آنجا ارتباط علمی داشت و برخی از روایات آنان را نقل کرده است.

از استادان او، سیف بن عمیره را می‌شناسیم که از محدثان بلندآوازهٔ کوفه بود. از شاگردان او، علی بن حسن بن فضال کوفی (م ۲۹۰ ق) و اسحاق بن محمد نخعی بودند که برخی از احادیث او را نقل کرده‌اند. اکنون در منابع روایی، احادیث چندی از او باقی مانده که در ابواب فقهی پراکنده‌اند. از او کتاب یا رساله‌ای معرفی نشده است.

منابع

جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۱۳ / الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۲۸ / رجال الطوسی، ص ۴۰۲، ش ۵۹۰۷ / شرح اصول کافی، ج ۷، ص ۳۲۹، ح ۲۰ / الکافی، ج

۱، ص ۵۱۱، ح ۲۰ / مدینه المعجزه، ج ۷، ص ۶۴۶، ح ۲۶۳۴ / مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۵۳۰.

محمّد بن زکریّا بن دینار غلابی جوهری بصری (۹- ۲۹۸ ق)

ابو عبدالله از چهره‌های برجسته اصحاب امامیه در بصره و از موالیان و هم‌پیمانان «بنی غلاب» بود. کلمه «غلاب» بدون تشدید لام است و «بنی غلاب» قبیله‌ای از تیره «بنی نصر بن معاویه» بودند که فقط در بصره سکونت داشتند. از ولادت او اطلاعی در دست نیست، ولی در سال ۲۹۸ هـ در بصره از دنیا رفت. فرزند او، جعفر بن محمد بن زکریّا غلابی، از راویان امامیه بود و شاگرد عباس بن بکّار، وی فردی آشنا به اخبار و از معلومات بالای برخوردار بود و کتاب‌های زیادی تصنیف کرد. بیشتر آثار او در موضوع تاریخ اسلام، جنگ‌ها و سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند. از این رو، وی را «پیشوای سیره‌نویسان» لقب داده‌اند.

وی توفیق دیدار هیچ‌یک از امامان معصوم علیهم‌السلام را نیافت و روایتی از آن‌ها به طور مستقیم نقل نکرده است. ابن داود و علامه حلی نام او را در قسم اول رجال خود ذکر کرده‌اند. (قسم اول رجال علامه و ابن داود مخصوص راویان معتبر و راستگو می‌باشد).

برخی از استادان او جعفر بن محمد بن عمار، شعیب بن واقد، احمد بن عیسی بن زید، عباس بن بکّار ضبی، عبدالله بن ضحاک مرادی و محمد بن عفیر ضبی بودند. از جمله شاگردان او، ابوالاحمد عبدالعزیز بن یحیی جلودی (م ۳۳۲ ق)، ابوالحسن علی بن یحیی بن جعفر، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری صاحب کتاب السقیفه، ابوعلی احمد بن حسین بن اسحاق و عبدالجبار بن شیران بودند.

وی تألیفات زیادی دارد که از جمله آن‌ها *الجمال الکبیر* و *المختصر*، کتاب *صفین الکبیر* و *المختصر*، *مقتل العسین* علیهم‌السلام، *مقتل امیرالمؤمنین* علیهم‌السلام، اخبار فاطمه علیها‌السلام، اخبار زید علیه‌السلام می‌باشند.

منابع

تفحیح المقال (حجری)، ج ۳، ص ۱۱۷، ش ۱۰۷۱۲ / جامع الرواق، ج ۲، ص ۱۱۴ /
الذریعة الی تصانیف الشیخ، ج ۱، ص ۳۳۲ و ۳۴۳؛ ج ۲، ص ۳۳۸؛ ج ۳، ص ۵۱ و
۳۳۵؛ ج ۶، ص ۳۶۲؛ ج ۷، ص ۲۸۷؛ ج ۱۵، ص ۵۲؛ ج ۲۲، ص ۲۸؛ ج ۲۴، ص ۲۲۹ /
رجال النجاشی، ص ۳۴۶، ش ۹۳۶ / کفایة الاثر، ص ۳۳۴ / معجم رجال الحدیث، ج
۱۷، ص ۹۴، ش ۱۰۷۸۶.

محمد بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن

حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام (۹ - ۲۸۷ ق)

محمد، ملقب به «داعی الی الحق»، کنیه اش در منابع ذکر نشده است. او از
سادات علوی و برادر کوچک تر حسن بن زید، ملقب به «داعی کبیر» (م ۲۷۰ ق)
بود که از ولادتش اطلاعی در دست نیست. در زمان فرمانروایی او، به لیل
جنگ هایی که با سردار سپاه سامانی محمد بن هارون داشت، جراحات فراوانی
برداشت که در اثر آنها در سال ۲۸۷ ه در طبرستان وفات کرد.

وی از خانواده ای ظهور کرد که هم چهره سیاسی داشت و هم در عرصه علم
و دانش، از حظی وافر برخوردار بود. برادرش، داعی کبیر، ضمن اینکه
فرمانروای محبوب و پایه گذار سلسله علویان در طبرستان بود، فردی دانشمند و
صاحب تألیفات به شمار می آمد. وی خود نیز فردی عالم و به شعر و ادب و
تاریخ آشنا بود. وی در زمان حکومتش، سخت مدافع علویان بود و به دلیل
عمارت مشاهد مشرفه امام علی و امام حسین علیهما السلام، که به دست متوکل عباسی
(حک ۲۳۲ - ۲۴۷ ق) ویران شده بود، و همچنین به خاطر هدایای سخاوت مندانه اش به
علویان، نزد شیعیان محبوبیت زیادی داشت.

آقا بزرگ در الذریعة، لقب او را به اشتباه «داعی صغیر» گفته است، اما این لقب

مربوط به حسن بن قاسم (م ۳۱۶ ق) آخرین ملوک طبرستان است؛ چنان‌که خود آقا بزرگ در جای دیگر، حسن بن قاسم را به عنوان «داهی صغیر» معرفی کرده است. به هر حال، محمد بن زید در زمان خلافت برادرش حسن، والی گرگان بود و پس از برادرش در سال ۲۷۰ هـ بر کرسی خلافت نشست و طی حکومت هفده ساله‌اش، لشکرکشی‌های فراوان به راه انداخت و سرانجام، در سال ۲۸۷ هـ در گرگان به دست سردار سپاه سامانی، محمد بن هارون در میدان نبرد کشته شد. از او تألیفی در منابع به چشم نمی‌خورد.

منابع

دائرةالمعارف تشییع، ج ۷، ص ۴۱۷ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۵، ص ۴۴؛ ج ۹، قسم سوم، ص ۷۴۰ و ۱۱۳۰ / فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۴.

محمد بن صالح ارمزی (؟ - ح ۲۶۰ ق)

محمد، کنیه‌اش معلوم نیست. وی محدث و مفسر شیعی بود که از تاریخ تولد و وفاتش اطلاعی نداریم، اما وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) بود و احتمالاً مرگ او در عصر آن امام (۲۶۰ هـ) اتفاق افتاده است. از معاصران او، ابوهاشم جعفری (م ۲۶۱ هـ) بود که در موارد متعددی از او نقل حدیث کرده است. از لقب «ارمنی» استفاده می‌شود که وی از مردم ارمنستان کنونی بود و در نزدیکی «تفلیس» می‌زیست، اما معلوم نیست چگونه و در چه سالی وارد عراق شد و با امام حسن عسکری علیه السلام ارتباط پیدا کرد.

وی بارها خدمت آن امام رسید و درباره تفسیر آیات متعددی از قرآن از آن امام پرسش نمود و بسیاری از آموزه‌های قرآنی را از آن حضرت فرا گرفت. در یکی از این مجالس، که معاصرش ابوهاشم جعفری نیز حضور داشت، درباره

آیه: ﴿يَلِّهَ الْأَمْرَ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ﴾ (روم: ۴) از امام حسن عسکری علیه السلام سؤال نمود و امام پس از توضیح آیه، به او فرمود: آری، همان‌گونه که در دل نهان داشتی، تفسیر آیه مذکور مربوط به آیه ﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف: ۵۴) می‌شود. وی با دیدن این صحنه به هیجان آمد و به حقانیت آن امام علیه السلام شهادت داد. ظاهراً وی در موارد فراوانی از امام حسن عسکری علیه السلام پرسش‌های قرآنی داشت، اما امروزه تعداد انگشت‌شماری از پرسش‌های او در منابع باقی مانده‌اند. در اینکه وی چه اندازه در عراق، به ویژه سامرا، اقامت تحصیلی داشت و میزان دانش حدیثی و تفسیری او در چه حدی بود، اطلاعی نداریم، اما همین قدر می‌توان گمان برد که شخصیت علمی او در آن حد بود که بتواند با حضور معاصران و هم‌بختانش در محضر امام حسن عسکری علیه السلام، لب به سخن بگشاید و پیچیدگی‌های مفاهیم قرآنی را با راهنمایی‌های آن امام علیه السلام حل نماید. از استادان و شاگردان او کسی در منابع معرفی نگردیده است. همچنین از آثار قلمی او نیز اثری دیده نشده است.

منابع

الثاقب فی المناقب، ص ۵۶۴، ح ۵۰۲؛ ص ۵۶۶، ح ۵۰۷؛ ص ۵۶۷، ح ۵۰۸ / الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۸۶، ح ۸ / رجال الطوسی، ص ۴۰۲، ش ۵۹۰۶ / طوسی، الغیبه، ص ۴۳۰، ح ۴۲۱ / کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۱۵ و ۲۱۶ / مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۶۱.

محمد بن صالح بن محمد همدانی دهقان (؟ - ب ۲۷۰ ق)

محمد فقیه و محدث مورد اعتماد شیعی و وکیل امام یازدهم و دوازدهم شیعیان، کنیه‌اش در منابع ذکر نشده است، اما لقب او «دهاقان» بود. در نامه‌ای که امام حسن عسکری علیه السلام برای وکلای منطقه نگاشت، به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (حامل نامه) دستور فرمود: وقتی وارد بغداد شدی، آن را برای وکیل مورد اعتماد

ما دهقان قرائت کن. منظور از «دهقان» کسی جز او نمی‌تواند باشد؛ زیرا کسانی که ملقب به «دهقان» هستند، یا اصلاً وکیل نبوده‌اند؛ مانند ابراهیم دهقان و عبیدالله بن عبدالله دهقان و یا مورد اعتماد آن امام نبوده‌اند؛ مانند مروّه بن یحیی دهقان که فردی خبیث و ملعون بود. به هر حال، از لقب «دهقان» استفاده می‌شود که وی به کار باغبانی اشتغال داشت و از این راه، هزینه زندگی را تأمین می‌نمود. وی از شخصیت‌های دوره غیبت صغرا (۲۶۰ - ۳۲۹ ق) بود و دست‌کم تا سال ۲۶۰ هـ زنده بود، بلکه بر اساس سوابق او در سازمان وکالت، احتمال می‌دهیم که بخش زیادی از دوره غیبت را درک کرده باشد. بنابراین، می‌توان گفت: وی دست‌کم تا ۲۷۰ هـ حیات داشت و سپس در بغداد وفات یافت.

وی اصالتاً ایرانی بود و چنان‌که از لقب «همدانی» برمی‌آید، در این شهر متولد شد، اما تاریخ دقیق آن برای ما روشن نیست. او تحصیلات خود را در زادگاهش آغاز کرد. سپس از طریق پدرش با برخی از عالمان قزوین، قم و ری ارتباط یافت و هنگامی که به عراق سفر نمود، دوران میان‌سالی خود را می‌گذراند. پدرش، صالح بن محمد وکیل امامان پیشین بود و پس از مرگ پدرش، مسئولیت وکالت به او سپرده شد. ظاهراً وی پیش از وفات پدرش، سفری به عراق نداشت؛ زیرا گزارشی درباره ارتباط او با امامان پیش از حضرت عسکری علیه السلام دیده نشده است، در حالی که اگر وی به عراق سفر کرده بود، طبعاً به واسطه موقعیت پدرش نزد امامان پیشین، با آنان ارتباط می‌یافت. بنابراین، می‌توان گفت: وی بخش عمده‌ای از حیات علمی خود را در شهرهای ایران به انجام رساند، سپس وارد بغداد شد و تحصیلات فقهی و حدیثی خود را در آنجا تکمیل نمود.

وی فردی خوش‌نام و مورد اعتماد بود و همین امر باعث شد تا امام حسن عسکری علیه السلام او را به عنوان یکی از نمایندگان خود در بغداد منصوب نماید. پس از وفات امام یازدهم علیه السلام نیز همچنان در این مقام باقی ماند و به عنوان وکیل امام عصر (عج) فعالیت می‌نمود. در گزارش شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) آمده است که وی از جمله وکلای

بود که به طور حضوری با امام عصر (عج) ملاقات داشت و با آن حضرت صحبت کرد. ظاهراً فعالیت سیاسی و اجتماعی او در عصر غیبت چندان بود که فرصت رسیدگی به امور خانواده اش را نداشت. به همین دلیل، خانواده اش با دست مایه قرار دادن حدیث «خَدَاثَنَا وَ قُوَامَنَا شَرَاؤُ خَلْقِ اللَّهِ» (خدمت گزاران و نمایندگان ما بدترین مردم هستند)، وی را مورد اذیت و آزار قرار می دادند. اما او طی نامه ای به امام عصر (عج) زبان به گلایه گشود و ماجرا را به آن امام خاطر نشان کرد. امام علیه السلام ضمن انکار حدیث مذکور و با استشهاد به آیه «وَجَعَلْنَا بَيْنَ الْقَرَىٰ اَلَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قَرَىٰ ظَاهِرَةً» (سبأ: ۱۸) از وکلای خویش ستایش به عمل آورد. وی بیشتر تعلیمات و آموخته هایش را به طور مستقیم از امامان عصر خود فراگرفت. به همین دلیل، گزارشی از نام استادان او در منابع یافت نمی شود. تنها در یک مورد سراغ داریم که وی از سلیمان بن احمد حدیث نقل نموده است. از جمله شاگردان او، احمد بن محمد خلیلی و عبدالله بن جعفر حمیری (م. ب. ۲۹۷ ق) بودند. وی ظاهراً دارای اثر تالیفی نبوده است.

منابع

جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۳۱ / خلاصة الاقوال، ص ۲۴۳، ش ۳۰ / رجال الطوسی، ص ۴۰۲، ش ۵۹۰۰ / طوسی، الغیبه، ص ۱۴۷، ح ۱۰۹ / کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۲ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۸۹، ش ۵۸۵۴، و ج ۱۷، ص ۱۹۲، ش ۱۰۹۹۴ / نقد الرجال، ج ۴، ص ۲۳۲، ش ۴۷۸۲.

محمد بن عباس بن عیسیٰ غاضری (؟ - ۲۹۹ ق)

ابو عبدالله، از راویان راستگوی شیعه، کنیه اش ابو عبدالله بود، ولی در فهرست شیخ طوسی، مکرراً از او با کنیه ابو جعفر یاد شده است. از این رو، محتمل است که وی دارای دو کنیه بوده باشد. ولادت و وفات او معلوم نیست، ولی وی از طبقه

سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق) بود. بنابراین، وفات او نیز در همین حدود اتفاق افتاده است.

از زندگی او اطلاعی نداریم، اما می‌دانیم که وی ساکن «غاضریه» از روستاهای کوفه نزدیک کربلا بود و نزد پدرش در کوفه به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از اینکه به رشد کافی رسید، روایتگر احادیث پدر و دیگر استادان عصر خویش شد. پدرش از راویان حدیث بود که در علم رجال فردی «مهمل» (ناشناخته) معرفی شده است. در متون رجالی، تصریح به وثاقت خود او شده است.

استادان او غیر از پدرش، حسن بن علی بن ابی حمزه و عبدالله بن جبلیه بودند. از جمله کسانی که از وی روایت کرد و اخبار او را منتشر ساخت، حمید بن زیاد نینویسی (م ۳۱۰ ق) بود.

نجاشی با سه واسطه، تألیفات او را چنین برمی‌شمارد: زیارة ابی عبدالله علیه السلام، الملاحم، الدعاء، الفرائض، الجنة والنار و کتاب التفسیر.

منابع

جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۳۴ / خلاصة الاقوال، ص ۲۵۸، ش ۹۰ / الدررعة الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۹ و ذیل عناوین کتاب‌ها / رجال ابن داود، ص ۱۷۵، ش ۱۴۱۴ / رجال النجاشی، ص ۳۴۱، ش ۹۱۶ / معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۸۳، ذیل ماده «غاضریه» / معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۱۰، ش ۱۱۰۴۳ / معجم قبائل العرب، ج ۳، ص ۸۷۴

محمد بن عبدالجبار ابی صهبان قمی شیعیانی (ح ۱۹۰ - ح ۲۸۰ ق)

محمد، کنیه‌اش در منابع ذکر نشده، ولی ملقب به «شیعیانی» است. او فقیه، محدث و از اصحاب مورد اعتماد امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بود که از تاریخ تولد و وفاتش اطلاع درستی نداریم. اما شاگردی او نزد صفوان بن یحیی (م

۲۱۰ ق) و مشاهده نام او در شمار اصحاب امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) گواه آن است که وی در اواخر سده دوم (ح ۱۹۰ ه) متولد شد. همچنین وفات او با توجه به برخی از شاگردان او، که تا ۳۰۶ ه حیات داشتند، می بایست در دهه های پایانی سده سوم (ح ۲۸۰ ه) اتفاق افتاده باشد. روایت شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) نیز با یک واسطه از او حاکی از آن است که وی سده چهارم را درک نکرد و در اواخر سده سوم زندگی را به انجام رساند.

وی در قم چشم به جهان گشود و احتمالاً محل وفات او کوفه بود. پدرش عبدالجبار ابي صهبان، در قم شهرتی داشت و شیخ طوسی در معرفی صاحب شرح حال بیشتر بر کتبه پدرش تکیه داشته و او را ابن ابي صهبان معرفی کرده است. وی ظاهراً تحصیلات خود را رد قم آغاز نمود و به اتفاق معاصرش، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق) نزد آدم بن اسحاق اشعری قمی شاگردی نمودند. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به عراق آمد و در کوفه ساکن شد و احتمالاً در آنجا با طائفه «بنی شیبان» هم پیمان شد و از همین رو، به «شیبانی» ملقب گشت.

وی در کوفه نزد استادان بلند آوازه ای همچون صفوان بن یحیی (۲۱۰ ق)، حسن بن علی بن فضال کوفی (م ۲۲۴ ق)، محمد بن اسماعیل بن بزیع، محمد بن ابي عمیر (م ۲۱۷ ق)، محمد بن سنان و علی بن مهزیار اهوازی کوفی (م.ح ۲۵۵ ق) شاگردی کرد و در فقه و حدیث و همچنین در مباحث کلامی به حد کمال رسید. از دیگر استادان او، عبدالرحمان بن ابي نجران (م.ح ۲۵۵ ق) و اسحاق بن جعفر (فرزند امام صادق علیه السلام) بودند. از جمله معاصران کوفی او، فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) بود که با هم نزد صفوان بن یحیی (۲۱۰ ق) استماعاتی داشتند. ظاهراً وی در کوفه اقامت دایم داشت و بسیاری از محدثان قمی در کوفه از او حدیث شنیده اند. از جمله شاگردان او، ابوعلی اشعری، احمد بن ادریس

قمی (م ۳۰۶ ق)، محمد بن یحیی عطار قمی (استاد کلینی)، سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ ق)، محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق) و عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق) بودند.

وی در کوفه مکاتبات متعددی با امام حسن عسکری علیه السلام داشت و به طور مستقیم از آن امام جواب می‌گرفت. مکاتبات او با امام حسن عسکری علیه السلام چندان بودند که برخی (اریلی در کشف الغمّه) احتمال داده‌اند وی زمانی خادم آن حضرت بوده است. صاحب‌نظران روایات و شنیده‌های او را کاملاً صحیح و قابل استناد می‌دانند. از آثار قلمی او، چیزی در منابع گزارش نشده است، اما باید اذعان داشت که وی یکی از فقها و محدثان پرکار بود و اکنون احادیث بسیاری از او در جوامع روایی شیعه بر جای مانده‌اند. شاید به همین دلیل، طوسی در فهرست خود نام او را به‌طور مستقل ذکر نموده، با اینکه کتاب یا رساله‌ای از او نقل نکرده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۰۳ و ۸۳۶ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۳، ص ۱۳۵،
ش ۱۰۹۱۲ / خلاصة الاقوال، ص ۲۴۲، ش ۲۶ / رجال الطوسی، ص ۳۹۱، ش ۵۷۶۵ /
طوسی، الفهرست، ص ۲۲۵، ش ۶۳۰ / معالم العلماء، ص ۱۳۹، ش ۶۹۳ / معجم
رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۷۵، ش ۱۰۰۲۲ / نقد الرجال، ج ۴، ص ۲۳۸، ش ۲۸۱۲.

محمد بن عبدالحمید بن سالم عطار کوفی (ح ۱۸۳ - ب ۲۶۵ ق)

ابوجعفر، فقیه و محدث مورد اعتماد شیعی بود. بر پایه گزارش طوسی در رجال خود، که یک بار او را از اصحاب امام رضا علیه السلام و بار دیگر از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام به شمار آورده است، می‌توان درباره تاریخ ولادت و وفات او چنین

گفت که وی در زمان وفات امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) دستکم بیست ساله بود تا بدین وسیله، امکان نقل حدیث از امام رضا علیه السلام برای او میسر بوده باشد. همچنین مرگ او را نیز باید در ایام امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) و یا پس از وفات آن امام در نظر گرفت. به گفته نجاشی، در مکاتبه‌ای که سهل بن زیاد آدمی (م. ب. ۲۵۵ ق) با امام حسن عسکری علیه السلام در نیمه ربیع الآخر سال ۲۵۵ هـ داشت، وی نگارنده این نامه بود. بنابراین، وی دستکم تا این تاریخ حیات داشته است و حتی بنا بر گزارشی، وی در بغداد خدمت امام عصر (عج) مشرف شد و بخشی از دوره غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ ق) را درک کرد. پس می‌توان وفات او را تقریباً در سال ۲۶۵ هـ تخمین زد که احتمالاً در زادگاهش اتفاق افتاد. وی در کوفه زاده شد و در همانجا در میان خانواده‌ای علمی و مذهبی نشو و نما پیدا کرد.

پدر بزرگش، سالم بن عبدالرحمان به کار کتاب‌فروشی اشتغال داشت و پدرش عبدالحمید بن سالم از اصحاب امام کاظم علیه السلام (شهادت: ۱۸۳ ق) بود و زمانی که به کوفه آمد با قبیله «بجیله» هم‌پیمان شد و از موالی آنان گشت. به همین دلیل، اعضای این خانواده را «بجلی» (به فتح باء و جیم) می‌نامند. پدرش از افراد سرشناس و مورد اطمینان مردم کوفه بود. به همین دلیل، در واقعه مرگ یکی از مردان کوفه، از سوی قاضی این شهر، قیم اطفال و بچه‌های صغیر آن خانواده گشت. عمویش عبدالرحمان بن سالم نیز از علمای عصر خویش و دارای اثر تألیفی بود. وی بخش زیادی از دوران تحصیلی را در کوفه به سر آورد و احتمالاً در کنار درس، به تجارت گیاهان خوش‌بو (عطر فروشی) اشتغال داشت و شاید به همین دلیل، لقب «عطار» گرفته است.

وی در کوفه، که مرکز تشیع بود، نزد استادان بلندآوازه‌ای همچون محمد بن ابی‌عمیر (م ۲۱۷ ق)، سیف بن صمیره و محمد بن سنان احادیث بسیاری شنید؛ چندان‌که او را «کثیر الروایه» لقب داده‌اند. وی همچنین استماعاتی نزد پدرش

داشت و از این رهگذر، می‌توان احتمال داد که پدرش در تربیت او نقش بسزایی داشته است. از معاصران او، حسن بن علی و شَاه و احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م.ح ۲۸۰ ق) بودند که در کوفه با یکدیگر مباحثه می‌کردند و نزد عاصم بن حمید و احمد بن ابی نصر بزنطی (م ۲۲۱ ق) استماعاتی داشته‌اند. وی علاوه بر استادان یاد شده، نزد استادان دیگری مانند محمد بن حفص، یونس بن یعقوب بن قیس (م.ح ۱۹۹ ق)، عاصم بن حمید حنّاط کوفی، منصور بن یونس و ابی جمیله مفضل بن صالح نیز حدیث شنیده است.

وی پس از اینکه در فقه و حدیث به حد کمال رسید، دیدارهایی با امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۱۶۰ ق) در سامرا داشت و از نزدیک با آن امام در ارتباط بود و برخی از مکاتبات و نامه‌های هم‌عصرانش همانند سهل بن زیاد آدمی را به دست آن امام رسانید. از شاگردان و کسانی که در مجلس درس او حدیث شنیده‌اند، احمد بن محمد بن خالد برمکی (م ۲۸۰ ق)، سهل بن زیاد آدمی رازی (م.ب ۲۵۵ ق)، سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۲۹۹ ق)، محمد بن حسن صفّار قمی (م ۲۹۰ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق)، حمدویه بن نصیر کتبی (م.ح ۳۳۵ ق) و بسیاری دیگر هستند. از آثار تألیفی او، کتابی به نام نوادر (تازه‌های حدیث) معرفی شده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۶۱، ح ۳۶۱ / الامامه والتبصرة، ص ۴۵، ش ۲۷ / الانساب، ج ۱، ص ۲۸۴، ذیل «بجلی» / تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۴۰، ح ۹۳۲ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۳۹، ش ۱۸۰۰ / رجال الطوسی، ص ۳۶۲، ش ۵۳۹۷؛ ص ۴۰۲، ۵۸۹۲ / رجال النجاشی، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰؛ ص ۲۳۷، ش ۶۲۹ / رجال طوسی، ص ۳۳۹، ش ۹۰۶ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۳۷، ب ۳۵، ح ۱ / طوسی، الفهرست، ص ۲۳۳، ش ۶۸۹ / الکافی، ج ۲، ص ۵۵۳، ح ۱۲ / کامل الزیارات، ص ۱۲۸، ح ۱۴۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۱۰۷.

محمد بن عبدالله مسلی (؟ - ۲۶۶ ق)

محمد کنیه اش در منابع ذکر نشده است. «مسلیه» قبیله بزرگی از «مذحج» بود که وی منسوب به آن است. ولادت او معلوم نیست، ولی در سال ۲۶۶ هـ در کوفه وفات کرد و پسرش بر او نماز گزارد. در منابع معتبر، اثری از محیط خانواده، دوران تحصیل و هم‌بختان او نیست. از این‌رو، اطلاعات ما درباره او بسیار اندکند. احتمالاً حیات علمی او در کوفه شروع شد و نزد افرادی همچون عبدالله بن عبید و دیگران حدیث شنید و با واسطه، از امام صادق علیه السلام نقل روایت می‌کند.

وی با اینکه در عصر امام حسن عسکری علیه السلام زندگی می‌کرد، اما توفیق دیدار با آن حضرت را پیدا نمود. از این‌رو، شیخ طوسی نام او را در ردیف راویانی که به‌طور مستقیم از امام علیه السلام روایت نکرده‌اند، قرار داده است. شاید یکی از دلایل عدم ملاقات او با امام، بی‌انگیزگی وی در جمع‌آوری احادیث و ضعیف بودن حضور او در اجتماعات بوده است. به همین دلیل، روایات او در منابع شیعه بسیار اندکند. شاهد مطلب این است که پس از مرگ او، فرزندش بر جنازه او نماز خواند، در حالی که در کوفه چهره‌های برجسته‌تری بودند که صلاحیت این کار را داشتند، هرچند موضوع نماز خواندن فرزندش، می‌تواند حاکی از آن باشد که پسر او نیز شخصیتی موجه و احتمالاً از عالمان بوده است. این احتمال نیز وجود دارد که وی در امر امامت پس از امام کاظم علیه السلام متحیر بود. از این‌رو، به ملاقات امام حسن عسکری علیه السلام نرفت و روایتی از ایشان و امامان پیش از ایشان نقل نکرد. شاهد مطلب این است که مهم‌ترین شاگردش حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) بود که خود فردی «واقفی» (هفت امامی) بود. با این حال، در منابع معتبر، وی از رجال راستگوی شیعه معرفی شده است.

برخی نیز احتمال اتحاد وی با ربیع بن محمد مسلی را، که فردی کثیر الحدیث

بود، داده‌اند، ولی از ظاهر فهرست شیخ طوسی به دست می‌آید که آن‌ها دو نفر بودند. گفتنی است برخی نام او را به اشتباه محمد بن عبدالله مسلمی و یا محمد بن عبدالله مکی ثبت کرده‌اند که این اشتباه در بسیاری از منابع رجالی خاطر نشان شده است. استاد او عبدالله بن عبید و شاگردان او ایوب بن نوح و حمید بن زیاد نینوایی بودند.

از آثار او کتاب نوادر (تازه‌ها) است.

منابع

خاتمة المستدرک، ج ۶، ص ۱۴۱ و ۲۸۹ / خلاصة الاقوال، ص ۲۵۸، ش ۹۶ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۳۹ / رجال النجاشی، ص ۳۲۳، ش ۹۲۳ / طوسی، الفهرست، ص ۲۳۱، ش ۶۷۳ / نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۷ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۷۶، ش ۱۱۱۸۲ / وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۴۷۷.

محمد بن علی بن بلال (ح ۱۹۰ - ح ۲۸۰ ق)

ابوطاهر، فقیه، متکلم و محدث شیعی، از اصحاب امام هادی علیه السلام و وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بود که تاریخ تولد و زمان مرگ او دقیقاً معلوم نیست. احتمالاً با توجه به تاریخ وفات بعضی از استادانش، که در سال ۲۰۸ هـ بوده است، تولد او دست کم می‌بایست در اواخر سده دوم (ح ۱۹۰ هـ) اتفاق افتاده باشد. همچنین درباره تاریخ مرگ او، این اندازه می‌دانیم که وی دهه‌های نخستین عصر غیبت (۲۶۰-۳۲۹ ق) را درک کرد و از جمله کسانی بود که امام دوازدهم شیعیان را دید و بر معجزات آن امام آگاه گشت. شواهد موجود نشان می‌دهند که وفات او تقریباً در اواسط نیمه دوم سده سوم (ح ۲۸۰ هـ) اتفاق افتاد؛ زیرا برخی از شاگردان او تا تاریخ ۳۰۸ هـ حیات داشتند. از محل تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست.

وی در یک خانواده علمی و مذهبی دیده به جهان گشود و مدت زیادی در بغداد، سامراء و شهرهای دیگر عراق اقامت تحصیلی داشت. پدرش، علی بن بلال بن راسته، از محدثان شیعه و از اصحاب امام جواد علیه السلام بود. برادرانش، ابوالمطلب یا ابوطیب بن بلال و ابوالحسن بن بلال نیز از عالمان زمان خود بودند. تحقیقات ما حاکی از آن هستند که وی بیشتر تحصیلات و معارف خود را در بغداد و سامراء آموخت.

رابطه نزدیک او با امام دهم و یازدهم و آموزه‌هایش نزد این دو امام و همچنین شاگردی او نزد استادان بزرگی همچون یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ ق) و محمد بن اسماعیل بن بزیع باعث شدند تا در علوم فقه، حدیث و کلام به مراتب بالایی برسد و محل مراجعه استادان دیگر شود. مقام علمی او چندان بود که ابوالقاسم حسین بن روح (م ۳۲۶ ق - سفیر سوم امام عصر علیه السلام) در بعضی از مسائل کلامی به او رجوع می‌کرد و از شاگردان او به شمار می‌آمد؛ چنان‌که یک بار در مسئله «تفویض» به او رجوع نمود و معنای آن را از او خواستار شد. از شاگردان دیگر او، علی بن ابراهیم قمی (م.ب ۳۰۸ ق)، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، علی بن محمد قتیبی و بسیاری دیگر هستند.

وی تا پیش از وفات امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) دارای اعتقادی سالم و از عالمان خوش‌نام و مورد اعتماد همه بود و امام حسن عسکری علیه السلام او را در توفیعات خود با عناوینی همچون «راستگو» و «آگاه به واجبات» ستوده است. وی خود می‌گوید: دو سال پیش از وفات امام حسن عسکری علیه السلام با آن حضرت ملاقات داشتم که امام جانشین خود را به من معرفی کرد و سه روز پیش از وفاتش نیز همین کار را انجام داد. وی درباره اصل ولادت امام دوازدهم علیه السلام نیز هیچ شبهه‌ای نداشت و گزارش آن را از حکیمه، دختر امام جواد علیه السلام، شنیده بود و حتی در زمان نیابت عثمان بن سعید عمری (نایب اول - م

۲۶۷ ق) هیچ‌گونه مخالفتی از او دیده نشده، اما در عصر نایب دوم، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید (م ۳۰۵ ق)، دچار وسوسه‌های شیطانی شد و در اواخر عمرش، هم‌صدا با برخی از معاصرانش مانند احمد بن هلال صیرثانی (م.ح ۲۶۷ ق)، سفارت نایب دوم را انکار نمود و خود مدعی نیابت شد. وی دلیل مخالفتش با نایب دوم را چنین عنوان می‌کند که روزی امام عصر علیه السلام را در خانه ابوجعفر دید و همین امر باعث حسادت وی بر ابوجعفر شد.

طوسی در گزارش خود، به نقل از ابوالغالب زراری (م ۳۶۸ ق) آورده است: «ابوجعفر عمری برای اثبات نیاتش به خانه ابوطاهر آمد و مورد استقبال وی و جماعت حاضر قرار گرفت. ابوجعفر به او گفت: ای ابوطاهر! تو را به خدا قسم می‌دهم آیا امام زمان علیه السلام تو را امر نکرده اموالی را که نزد توست به آن حضرت برسانی؟ گفت: بله. در این لحظه، ابوجعفر بدون هیچ سخنی از مجلس برخاست. حاضران جلسه، که حقیقت موضوع را دریافته بودند، از وی براثت جسته، مورد لعنتش قرار دادند.

برخی از صاحب‌نظران درباره‌ی درستی احادیث او توقّف کرده‌اند، اما بعضی دیگر به دلیل سوابق خوب او، روایات او را قابل استناد دانسته، فساد عقیده را مانع قبول روایت نمی‌دانند. وی ظاهراً دارای اثر تألیفی نبوده؛ زیرا در هیچ‌یک از منابع به آثار او اشاره نشده است.

منابع

- اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۶ گ ۸۳۶ / الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۳، ص ۱۵۳، ش ۱۱۰۹۵ / خلاصة الاقوال، ص ۲۴۲، ش ۲۷؛ ص ۴۰۰، ش ۶۴ / رجال الطوسی، ص ۴۰۱، ش ۵۸۸۶ / طوسی، الغیبه، ص ۲۳۹، ح ۲۰۶؛ ص ۳۵۰، ح ۳۰۸ و ۳۵۳ / ۴۰۰ / الکافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱ / کامل الزیارات، ص ۵۲۹، ح ۸۰۹ / کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۶ / معجم رجال‌الحدیث، ج ۷، ص ۳۳۲، ش ۱۱۳۰۵.

محمد بن عمرو سوسی کوفی (۱۵۹ - ۲۵۹ ق)

ابوجعفر فقیه، مفسر و محدث بود. وی در سال ۲۵۹ هـ در راه بازگشت از زیارت خانه خدا، در منطقه‌ای به نام «مجوس»، یکی از منزلگاه‌های مصر به سوی مکه، درگذشت. ابوعلی بن اشعث، که در این سفر وی را همراهی می‌کرد، می‌گوید: او را، که صد سال از عمرش می‌گذشت، وضو دادم و پس از وضو مشغول نماز مغرب شد، اما سجده‌اش طولانی گشت و در همان حال، دار فانی را وداع گفت. بنابراین، بر پایه همین گزارش، تولد او می‌بایست در سال ۱۵۹ هـ اتفاق افتاده باشد.

وی در کوفه چشم به جهان گشود و در همین شهر، پرورش یافت. بخش عمده‌ای از تحصیلات او نزد استادان کوفه مانند نصر بن مزاحم منفری (م ۲۱۲ ق)، عبدالله بن نمیر همدانی کوفی (م ۱۹۹ ق) و وکیع بن جراح کوفی (م ۱۹۶ ق) انجام گرفت و به زودی در فقه و حدیث به حد کمال رسید. در همان ایام، پیش از آنکه به مصر سفر کند، شاگردان چندی در کوفه تربیت نمود که در میان آنها، محمد بن محمد کوفی را می‌توان نام برد. وی سپس مدتی در «سوسه» از شهرهای بزرگ مغرب (اندلس) اقامت گزید و از همین‌رو، در منابع از او با لقب «سوسی» نیز یاد می‌شود. پس از آن به مصر آمد و در آنجا اقامت دایم گزید.

به گفته ابوجعفر عقیلی مکی (م ۳۲۲ ق)، دانشمند سنی، وی در مصر اقامت گزید و گرایش‌های شیعی داشت و در آنجا احادیث غیرقابل قبولی نقل کرده است. شاید منظور عقیلی از این احادیث، روایاتی باشد که وی در فضیلت حضرت علی علیه السلام نقل کرده که از نظر این دانشمند سنی، غیرقابل قبول به شمار می‌آیند. در روایتی از او درباره آیه «وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ وَاولئك هم المتقون» (زمر: ۲۳) آمده که منظور از «وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ» رسول خداست و مراد از «وَصَدَّقَ بِهِ» امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

وی در زادگاهش کوفه، که مرکز تشیع بود، احادیث فراوانی در این باره شنیده، اما امروزه بخش اندکی از آن‌ها در جوامع روایی اهل سنت برجای مانده است. ابن حجر او را «محدث مكثر» یعنی روایتگر احادیث فراوان معرفی نموده و این موضوع حاکی از آن است که شنیده‌های او غالباً غیر تکراری بوده و برای دیگران تازگی داشته‌اند. وی روایاتش را علاوه بر استادان پیشین، از کسانی همچون ابی معاویه، عیسی بن عیسی رملی، یعلی بن عبید و اسباط بن محمد شنید. شاگردان او صالح بن علی دمشقی، ابوجعفر طحاوی مصری (م ۳۲۱ ق)، محمد بن ربیع جیزی (م ۳۲۴ ق)، ابوالجهم بن طلب، ابوالاحمد الامام، محمد بن جعفر بن ملاس، احمد بن عمیر بن جوصاء و بسیاری دیگر بودند که بیشترشان گرایش‌های شیعی داشتند. از او اثر تألیفی معرفی نشده است.

منابع

الاربعون حديثاً، ص ۲۲، حدیث چهارم / الانساب، ج ۳، ص ۳۳۵، ذیل «سوسی» / تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۵، ص ۳۵، ش ۱۱۵۸۹ و ۱۱۵۹۰ / شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۸۱۱ / الضعفاء الکبیر، ج ۴، ص ۱۱۱، ش ۱۶۶۹؛ ص ۳۰۰، ش ۱۸۹۹ / لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۲۸، ش ۱۰۸۴ / مجمع اعلام الشیعه، ص ۴۱۱، ش ۵۶۳.

محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین بن موسی (ح ۲۲۰ - ۲۶۰ ق)

ابوجعفر یقطینی از راویان معتبر شیعه و از اصحاب امام جواد علیه السلام بود. ولادت او در ابتدای قرن سوم اتفاق افتاد؛ زیرا هنگامی که وی از حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق) روایت می‌کرد، کودکی بیش نبود. از این رو، با توجه به اینکه وفات او در سال ۲۶۰ هـ روی داد، می‌توان حدس زد که وی در حدود چهل سالگی از دنیا رفته است. وی از موالیان و هم‌پیمانان اسد بن خزیمه بود.

خانواده او معروف به «آل یقطین»، از خاندان مبارز شیعه در کوفه و بغداد بودند که در تشکیل هسته اولیه جامعه شیعی در بغداد، نقش اساسی داشتند. بسیاری از رجال این خاندان علاوه بر سابقه مبارزاتی، در علم و دانش نیز دست توانایی داشتند. جدّ اعلای او، یقطین کوفی بغدادی، یکی از رهبران بزرگ شیعه در عصر مروان اموی بود. برادر بزرگ ترش، جعفر بن عیسی بن یقطین، نیز از راویان سرشناس و خوش نام شیعه بود.

بسیاری از دانشمندان، صاحب شرح حال را محدث و فقیهی بزرگ معرفی کرده اند. نجاشی و عده ای از متخصصان علم رجال مدح بلیغی از وی به عمل آورده و با الفاظ تجلیل آمیزی او را ستوده اند. تنها شیخ طوسی در رجال خود، به پیروی از شیخ صدوق، او را تضعیف کرده است، اما علامه مامقانی و مرحوم خوئی در رجال خود، به شدت از وثاقت و جلالت او دفاع کرده و پس از تحقیقی مبسوط، به توجیه نظریه شیخ طوسی و صدوق علیه السلام پرداخته اند. آنچه مسلم است اینکه وی از خاندان معروف «یقطینی» و از رجال مهم دوران غیبت صغرا بود.

وی کتابی در ردّ اهل و قوف دارد که نشانگر سلامت اعتقاد اوست. تألیف این کتاب بیانگر آن است که وی در زمان غیبت صغرا، فعالیت جدی در برابر عقاید انحرافی مخالفان داشته است. از او روایات زیادی در فقه شیعه به چشم می خوردند که می توان کشف کرد تخصص عمده او در فقه و حدیث بوده است.

از معاصران و هم بحثان او، جعفر بن معروف و فضل بن شاذان را می توان نام برد که هر دو به وثاقت یقطینی تصریح نموده اند. از استادان او، ابن فضال، محمد بن ابی حمیر، ابوزکریا اعور، نصر بن سويد، زیاد بن مروان قندی، علی بن حکم و حسن بن علی و ثناء را می توان نام برد. از جمله شاگردان او، سعد بن عبدالله بن ابی خلف، محمد بن جعفر رزّاز و محمد بن حسن صفّار بودند. همچنین دو تن از استادان معروف او حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق) و یونس بن عبدالرحمان بودند که کارشناسان علم رجال، احادیث او از این دو تن را ضعیف می دانند.

گفتنی است بسیاری از روایات او به طور مستقیم از امام هادی و عسکری علیهما السلام نقل شده که این موضوع کاشف از آن است که وی بخشی از تعلیمات خود را نزد امامان عصر خویش فرا گرفته است.

وی تألیفات زیادی داشته که برخی از آنها الواضح المكشوف فی الرد علی اهل الوقوف، کتاب المعرفة، کتاب الوصایا، التمجیل و المروة، کتاب النوادر (تازه‌ها) و کتاب الرجال می‌باشند.

منابع

تنقیح المقال (حجری)، ج ۳، ص ۱۶۷، ش ۱۱۲۱۱ / جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۶۶ / دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۲۹ / رجال النجاشی، ص ۳۳۴، ش ۸۹۶ / فهرست ابن ندیم، ص ۲۷۹ / مجمع رجال الحديث، ج ۵، ص ۵۹، ش ۲۲۲۴؛ ج ۸، ص ۱۱۹، ش ۱۱۵۳۶.

محمد بن فرج رنجبی (؟ - ح ۲۵۵ ق)

رنجبی، فقیه و محدث مورد اعتماد شیعی، تاریخ تولد و زمان مرگش روشن نیست. وی از اصحاب امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) بود. بنابراین، در آن زمان سن کافی داشت. درباره وفات او، به گواه اینکه وی از اصحاب امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) و امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) نیز بود، گمان می‌رود که تا اواسط سده سوم زنده بوده، هرچند برخی از گزارش‌ها حاکی از آن هستند که وی در عصر امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) در سامراء درگذشته است. اما روایت شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) با یک واسطه از او و همچنین معاصر بودن او با احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م. ح ۲۸۰ ق) نشانگر آن است که وی اندکی پس از نیمه سده سوم نیز حیات داشته است. بنابراین، وفات او را می‌توان حدود ۲۵۵ هـ در نظر گرفت. وی از راویان خوش‌نام و مورد اعتماد بود، اما اطلاعات ما درباره او اندکند. از

نسبت «رَحْجی» (به ضم راه و تشدید خاه) برمی آید که وی منسوب به روستایی در یک فرسخی بغداد به نام «رَحْجیه» است که از دهکده های آباد و سرسبز عصر ساسانی بوده و به دلیل اقامت سلمان فارسی در مدائن و نفوذ او در بین ایرانیان این منطقه، همگی آنان به تشبیه گرویده و شخصیت های ممتازی همچون احمد بن حسین رَحْجی (م.ح ۲۴۵ ق - شاگرد سید مرتضی علم الهدی «م ۳۳۶ ق») و ابوعلی حسین بن حسن (م ۴۳۰ ق - وزیر بلند آوازه آل بویه) از این منطقه برخاسته اند. پسرش، ابراهیم رَحْجی، از علمای بغداد و استاد ابن جریر طبری شیعی بود. نوه اش، محمد بن جعفر بن محمد بن فرج، از عالمان حدیث به شمار می آمد و شاگردان متعددی تربیت نمود. برادرش، عمر بن فرج، کارگزار خلیفه متوکل عباسی (حک: ۲۳۲-۲۴۷ ق) بود که به دستور متوکل، مأمور تخریب قبر امام حسین علیه السلام گردید و در این مأموریت، گاو او همه قبور را شخم زد، ولی هنگامی که به قبر مقدس امام حسین علیه السلام رسید، از حرکت امتناع ورزید. در میان بستگان و اعضای خانواده اش تنها همین برادرش بود که نسبت به شیعیان دشمنی سختی داشت و همو بود که امام جواد علیه السلام را در حالی که آن حضرت روزه بود، متهم به شراب خواری نمود. به همین دلیل، هنگامی که محمد بن سنان خبر مرگ عمر بن فرج را به امام هادی علیه السلام داد، آن حضرت به طور مکرر «الحمد لله» می گفت. اما سایر اعضای خانواده و بستگانش از جمله خود وی محبت و دل بستگی زیادی به خاندان اهل بیت علیهم السلام داشتند.

وی در زادگاهش پرورش یافت و سپس به بغداد آمد و تحصیلات خود را در این شهر به انجام رساند و به زودی در علم کلام، فقه و حدیث تبخیر یافت و به حد کمال رسید. وی در بغداد و سامراء اقامت داشت و امامان عصر خود را در این دو شهر ملاقات نمود و مکاتباتی نیز با آنان داشت که بسیاری از این مکاتبات، به ویژه مکاتباتش با امام رضا علیه السلام، در جوامع حدیثی موجودند. سوابق علمی او کاشف از آن هستند که وی از شخصیت های شناخته شده و قابل احترام

بود. به همین دلیل، در زمان وفات امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) علمای شیعه در منزل او در بغداد گرد هم آمدند و دربارهٔ جانشین آن امام گفت‌وگو کردند. وی همچنین در فعالیت‌های سیاسی پیش‌گام بود و در زمان امام هادی علیه السلام مدت هشت سال زندانی شد. پیش از آنکه دستگیر شود، امام هادی علیه السلام خبرش را پیش‌بینی کرده بود و در این مدت، امام علیه السلام مکاتباتی با او انجام می‌داد.

از استادان او کسی شناخته شده نیست، اما این اندازه روشن است که وی بیشتر معارف و شنیده‌هایش را از امامان عصر خود فرا گرفته است. از شاگردان او، علی بن محمد نوفلی و احمد بن هلال کرخی (م.ح ۲۶۷ ق) بودند که احادیث اندکی از او نقل کرده‌اند. از تألیفات او، کتاب یا رساله‌ای نام برده نشده است، اما نجاشی می‌گوید: وی دارای کتابی به نام مسائل بوده که ظاهراً پاسخ به پرسش‌های شرعی مردم بوده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۳، ش ۱۱۲۲ / الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۹ و ۳۰۴ / صدوق، الامالی، ص ۳۵۱، ح ۴۲۴ / طوسی، الامالی، ص ۳۲۵، گ ۶۵۲ / بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۸۸، ح ۳ / رجال الطوسی، ص ۳۶۴، ش ۵۳۹۶ / رجال النجاشی، ص ۳۷۱، ش ۱۰۱۴ / الفصول المهمة، ج ۱، ص ۱۸۷، ش ۱۳۸ / موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۴، ش ۳۷۴.

محمد بن قاسم بن خلاد بن یاسر بن سلیمان (۱۹۱-۲۸۳ ق)

ابوعبدالله، که به «ابوالعیناه» معروف بود، این لقب را از سوی استادش سعید بن اوس انصاری دریافت کرد. او ادیبی فصیح و شاعری نکته‌سنج و حاضر جواب بود و در سال ۱۹۰ هـ در اهواز متولد شد و به سال ۲۸۲ هـ در ماه جمادی الثانیه

در بغداد دعوت حق را لبیک گفت و سپس جنازه‌اش را به سوی بصره منتقل نمودند. برخی نیز وفات او را در بصره می‌دانند؛ زیرا گفته می‌شود که وی در ۲۸۲ هـ، با هشتاد مسافر سوار بر کشتی شده و از بغداد عازم بصره بودند که در بین راه، کشتی با همه مسافران غرق شد، ولی او از این حادثه جان سالم به در برد، اما همین‌که وارد بصره شد، از دنیا رفت.

وی اصالتاً از «یمامه» (یمن)، اما زادگاهش اهواز و محل پرورش او بصره بود. به گفته خطیب بغدادی، وی تحصیلات خود را بیشتر در بصره گذراند، اما پس از اینکه در سن چهل سالگی کور شد، از بصره به بغداد آمد و در آنجا سکونت اختیار نمود. وی از هوش و ظرافت بسیاری برخوردار بود و در بدیهه‌گویی و حاضر جوابی نظیر نداشت، به گونه‌ای که هیچ کس در برابر جواب‌های تند و ساکت‌کننده او تاب مقاومت نداشت. در طنز و لطیفه‌گویی، به قدری مشهور شده بود که وقتی وارد قصر متوکل (حک ۲۳۲-۲۴۷ ق) شد، خلیفه از او سؤال کرد: این خانه را چگونه می‌بینی؟ وی جواب داد: مردم خانه‌هایشان را در دنیا بنا می‌کنند، اما شما دنیا را در خانه‌ات بنا کرده‌ای.

از برخی از شواهد برمی‌آیند که وی تمایلات شیعی داشت و به خاندان اهل بیت علیهم‌السلام محبت می‌ورزید، هرچند وی پیش از نابینا شدن، از کسانی بود که در جریان آزادسازی «ازدواج موقت» از سوی مأمون، با وی مخالفت کرد و توهین مسخره‌آمیزی که مأمون نسبت به خلیفه ثانی (عمر بن خطاب) روا داشت، باعث ناراحتی وی شد، اما گفته می‌شود که روزی میان او و یک مرد علوی مخاصمه در گرفت. علوی گفت: با من مخاصمه می‌کنی، با اینکه هر روز چندین بار «اللهم صل علی محمد و آله» می‌گویی؟! ابوالعیناء گفت: «من الطیبین والظاهرین» را نیز در آخر می‌افزایم (یعنی: صلوات، مخصوص اهل بیت علیهم‌السلام و علویان پاکیزه خصال است و شامل حال تو نیست). وی پس از کورشدن،

اعتقادش به اهل بیت علیهم السلام بیشتر شد؛ زیرا وی کوری خویش را در اثر نفرینی می‌دانست که عبدالله بن حسن نسبت به جدش «خلاد» و نسل او روا داشته بود. استادان او بزرگانی همچون ابو عبیده معمر بن مثنی (م ۲۰۹ ق)، عبدالملک بن قریب اصمعی (م ۲۱۶ ق) و ابوزید سعید بن اوس انصاری (م ۲۱۵ ق) بودند. از شاگردان روایی او، احمد بن محمد بن محمد بن عیسی مکی، ابو عبدالله حکیمی و محمد بن یحیی صولی را می‌توان نام برد. بیشتر روایاتی که منسوب به اویند، حکایات و لطایفند و کمتر حدیث مسند در آنهاست.

از تألیفات او مانند دیوان ابی العیناء و أخبار ابی العیناء هیچ اثری بر جای نمانده است.

منابع

الاعلام، ج ۶، ص ۳۳۴ / تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۸۹، ۱۵۳۱ / دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۷۲ / اسیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۴۲ / اللسان المیزان، ج ۵، ص ۳۴۴، ش ۱۱۳۶.

محمد بن محمد بن عصام (؟ - ۲۶۱ ق)

محمد، کنیه‌اش «ابو عصام» یا «ابن عصام» بود و به دلیل تعدد کنیه، صاحب طرائف العقال، احتمال دو شخصیت با این نام را بعید ندانسته است، اما بعضی از متخصصان علم رجال هرگونه احتمال تعدد درباره این دو را رد کرده‌اند. از تاریخ ولادت و وفات او اطلاع دقیقی در دست نیست؛ چنانکه از خانواده و حیاط علمی او چیزی در منابع در منابع ذکر نشده است. ولی قطعاً وی یکی از رجال حدیث در قرن سوم هجری بوده و چون هم‌عصر با ابوجعفر محمد بن حسین بن خازم (م ۲۶۱ ق) است، چنین به نظر می‌رسد که وفات او در همین حدود یا پیش از آن واقع شده است.

وی از راویان شیعه و صاحب کتاب نوادر (تازه‌ها) در موضوع حدیث بود. این

کتاب را حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) از وی شنیده است. گفتنی است نام او با ابوعصام مزنی و ابوعصام عسقلانی مشترک است که هر دو از صحابه رسول خدا ﷺ و از راویان اهل سنت بودند. از این رو، نباید وی را با آن دو یکی دانست.

منابع

تحفة الاحوذی، ج ۶، ص ۶ / رجال النجاشی، ص ۴۶۰ / السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۲۱۰ / طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۷۰ / معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۲۳۲ / موسوعة مؤلفی الامامیه، ج ۲، ص ۲۲۰.

محدث بن موسی بن حسن فرات (۹- ح ۲۶۵ ق)

ابوجعفر، معروف به «ابن فرات»، محدث شیعی و کارگزار دولت عباسی بود. «ابن فرات» عنوان چند تن از دیوانسالاران و وزیران پرآوازه شیعی مذهب عراق و مصر در سده های

سوم و چهارم هجری است که در علم و دانش نیز بعضاً صاحب نام بودند. «بنی فرات» اصالتاً اهل بابل از منطقه نهروان بین بغداد و واسط بودند. از زندگی ابوجعفر اطلاع کاملی در دست نیست. زندگی او بیشتر در عصر امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام سپری شد. وی در بغداد پرورش یافت و از دوستان صمیمی محمد بن نصیر نمیری (م ۲۷۰ ق) بود و اندکی پیش از وفات او درگذشت. نمیری به الوهیت امام دهم شیعیان قایل شد و خود را رسول او خواند. ابوجعفر نیز در این عقیده با نمیری همکاری کرد و تفکرات افراط آمیزی نسبت به امامان شیعه و احکام دین پیدا نمود. وی به بی روی از نمیری، ازدواج با محارم را جایز شمرد و نکاح مردان با یکدیگر را مباح دانست. از معاصران او، که با وی هم عقیده بودند، ابن بابا قمی و فارس بن حاتم قزوینی (م ۲۵۸ ق) هستند. وی با حسن بن مخلد

بن جرّاح (م ۲۶۳ ق)، وزیر معتمد (حک: ۲۵۶-۲۷۹ ق)، نیز دوستی داشت و به واسطه او، در دستگاه دولت مشاغلای یافت و ظاهراً فرماندار نهارند گشت. وی پسرانی داشت که چند تن از آنها به مقام دیوان‌سالاری و وزارت رسیدند، اما ابوعیسی، فرزند دیگر او، از پرهیزگاران روزگار بود و مجاورت مکه اختیار کرد و در دوره وزارت برادرش ابوالحسن هلی درگذشت.

وی در نگاه صاحب‌نظران، فردی غیرقابل اعتماد است و در منابع روایی شیعه، احادیث او از اعتبار لازم برخوردار نیستند. از او تنها یک حدیث در جوامع روایی شیعه باقی مانده که دربارهٔ وظایف مسلمان در روز جمعه است. وی این حدیث را از علی بن مطر نقل کرده و از او ابوجعفر احمد بن ابی عبداللّه برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) روایت نموده است. وی دارای اثر تألیفی نبود.

منابع

تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۵ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۳، ص ۱۹۳، ش ۱۱۴۱۸ / الخصال، ص ۳۹۲، ح ۹۱ / دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۳۸۳ / رجال الطوسی، ص ۳۹۲، ش ۵۷۹۱؛ ص ۴۰۲، ش ۵۹۰۸ / اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۵، ش ۱۰۰۰ / فرق الشیعه، ص ۸۷ / الکافی، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۱۰.

محمد بن یحیی معاذی نیشابوری (ق- ح ۲۸۰ ق)

محمد بن یحیی، که کیهان‌اش در منابع ذکر نشده، محدث شیعی و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود. آگاهی ما دربارهٔ او، محدود به گفته‌های کوتاه شیخ طوسی و نجاشی می‌باشد. همچنین از روایات باقی‌مانده از او نیز می‌توان اطلاعات بیشتری به دست آورد. طوسی نام او را در شمار اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و عصر پس از آن یاد کرده است. بنابراین، وی دوره غیبت صغرا

(۲۶۰-۳۲۹ ق) را درک کرده و احتمالاً با توجه به معاصران او همچون محمد بن علی بن محبوب (م. ب. ۲۸۰ ق) و احمد بن محمد بن عیسی (م. ح. ۲۸۰ ق)، تاریخ وفات او می‌بایست در حدود ۲۸۰ هـ روی داده باشد.

وی اهل نیشابور بود و احتمالاً در همان‌جا دیده به جهان گشود. سپس در اوایل عصر امام هادی علیه السلام (۲۲۰-۲۵۴ ق) در ایام واثق بالله (۲۲۷-۲۳۲ ق) به کوفه آمد و سال‌های زیادی در آنجا اقامت داشت و حتی اینکه وی در همان‌جا زندگی را به سر آورده باشد، بعید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در باره بازگشت او به نیشابور گزارشی نرسیده است؛ چنان‌که اقامت فرزند و نوه او در کوفه و شهرهای دیگر عراق، می‌تواند گواه دیگری بر اقامت دایم او در کوفه بوده باشد. فرزند او ابوالحسن محمد معاذی، از محدثان خوش‌نام شیعه بود که در عصر غیبت صغرا به وجود امام زمان (عج) اذعان داشت و گزارش مردی را که از نماینده دروغین امام عصر - یعنی ابوطاهر بن بلال - فاصله گرفت، نقل کرده است. نوه او نیز از عالمان شیعه بود که احادیث متعددی از خود باقی گذاشت.

وی در کوفه نزد عبّاد بن یعقوب رواجی کوفی (م ۲۵۰ ق)، محمد بن خالد طبالسی (م ۲۵۹ ق) و حسن بن موسی اصم حدیث شنید. درباره ارزش شنیده‌های او، باید گفت که صاحب‌نظران نسبت به استماعات او بی‌اهمیت‌اند و احادیثش را قابل قبول نمی‌دانند، در حالی که نام او در سلسله اسناد کامل الزیارات آمده و ذکر نام او در این کتاب گواه آن است که وی فردی مورد اعتماد بوده. از شاگردان او، می‌توان به کسانی همچون محمد بن احمد بن یحیی (م. ق. ۲۹۹ ق) و سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ ق) اشاره نمود. همچنین در برخی از منابع تاریخی اهل سنت، فردی به نام حسین بن مروان انباری گزارش پرسش واثق بالله (۲۲۷-۲۳۲ ق) از امام هادی علیه السلام درباره تراشیدن موی سر حضرت آدم علیه السلام را از او نقل کرده است. درباره آثار تألیفی او، خبری گزارش نشده است.

منابع

تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۶، ش ۶۴۴۰ / خلاصة الاقوال، ص ۳۹۹، ش ۳۲ / رجال ابن داود، ص ۲۷۷، ش ۴۹۲ / رجال الطوسی، ص ۴۰۲، ش ۱۵۸۹۳ / ص ۴۳۸، ش ۶۲۶۳ / رجال النجاشی، ص ۳۴۸، ش ۹۳۹ / طوسی، الفهرست، ص ۲۲۲، ش ۶۲۲ / کامل الزیارات، ب ۲۹، ج ۹ / معجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۴۷، ش ۱۲۰۳۹.

محدث بن یزید رازی بخاری (۹- ح ۲۸۵ ق)

ابوجعفر، محدث شیعی، اگرچه تاریخ ولادت و وفاتش به درستی روشن نیست، اما با نگاهی به استادان و شاگردان او، به دست می آید که وی در اوایل سده سوم در ری زاده شد و در اواخر این سده، زندگی را وداع گفت و احتمالاً محل وفات او در زادگاهش بوده است. وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) بود و بخشی از دوره غیبت صفرا (۲۶۰ تا ۳۲۹ ق) را نیز درک نمود و حتی در پی فوت خواهرش، با امام عصر (عج) مکاتبه کرد و در این مکاتبه از امام علیه السلام التماس دعا داشت که امام برای او و والدینش و خواهر مرحومه اش دعا فرمود. همچنین بعضی از شاگردان او تا ۳۲۸ هـ حیات داشتند. بنابراین، وی دستکم تا دهه های پایانی سده سوم (ح ۲۸۵ هـ) زنده بوده است.

وی اصالتاً اهل بخارا بود، اما نیاکان او در ری اقامت داشتند و ملقب به «رازی» بودند. دوران کودکی و جوانی او در ری سپری شدند. او بخشی از روایات را نزد محدثان ری مانند ابوزکریا یحیی بن محمد رازی، محمد بن حسن رازی و دیگران آموخت، سپس برای تکمیل دانش حدیث، به شهرهای کوفه، بغداد و سامراء سفر کرد و در آنجا با استادانی همانند عبدالله بن احمد بن محمد کوفی، نصر بن سيار بن داود، محمد بن علی حداد، حسن بن موسی خشاب (م.ج ۲۶۰ ق) و معاویه بن حکیم ارتباط یافت و مشغول دانش اندوزی گردید. وی

همچنین در کوفه نزد متکلم و محدث بلند آوازه، محمد بن حسین بن ابی الخطاب (م ۲۶۲ ق)، استماعی داشت و به تدریج، در فقه و حدیث به حد کمال رسید. درباره ارزش احادیث او، اگرچه صاحب نظران نظر قاطعی ابراز نکرده‌اند، اما بنا به گزارش کتبی از عیاشی، استناد به احادیث او بی اشکال معرفی شده است. وی با اندوخته‌هایی که حاصل عمرش محسوب می‌شدند، به تربیت شاگرد پرداخت و برخی از شاگردان او در ردیف عالمان طراز اول شیعه قرار دارند. از جمله شاگردان او، حسن بن حمزة بن علی علوی (م ۳۵۸ ق)، محمد بن عباس بن بسام، محمد بن حسن برای کتبی، عثمان بن حامد کتبی و محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۸ ق) بودند. از او کتاب یا رساله‌ای معرفی نشده است.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۱۲۷ و ۲۱۸، ص ۳۴۰، ح ۱۹۸ و ۱۹۹، ج ۲، ص ۷۱۲، ح ۷۷۷، ص ۸۱۲، ش ۱۰۱۴ / الخصال، ص ۵۳۲، ب ۳۰ به بعد، ح ۱۰ / رجال ابن داود، ص ۱۸۷، ش ۱۵۳۷ / رجال الطوسی، ص ۴۰۲، ش ۵۸۹۴، ص ۴۴۷، ش ۶۳۴۸ / کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۰.

محمد بن یزید بن عبدالاکبر بن عمیر ثمالی از دی بصری (۲۱۰-۲۸۵ ق)

ابوالعباس، معروف به «مبّرّد نحوی»، از ائمه علوم عربیت و از لغت‌شناسان مشهور شیعه بوده که در سال ۲۱۰ هـ در بصره متولد شد، ولی در بغداد سکونت داشت و در آنجا از ابو عثمان مازنی و ابوحاتم سجستانی روایت کرد و به سال ۲۸۵ هـ در بغداد وفات نمود و در مقابر «باب الکوفه» دفن شد. پدرش، حیّان سورحی، از جاروگشان خیابان‌های بصره بود، اما اصالتاً اهل یمن بود. از این‌رو، برای فرزندش مبّرّد، دختر حفصی را، که از خانواده شریف یمن بودند،

خواستگاری کرد. داماد میرد، یعنی شوهر دخترش، محمد بن جعفر صیدلانی از شاعران و ادیبان بود.

از استادان مهم او، ابو عمر جریمی، ابو عثمان مازنی شیعی و ابو حاتم سجستانی را می‌توان نام برد. ابن ندیم در فهرست خود، دربارهٔ مقام علمی او می‌نویسد: علم نحو پس از طبقهٔ جریمی و مازنی، به ابوالعباس میرد منتهی شد. وی اوایل کتاب سیبویه را نزد جریمی، و اواخر آن را نزد مازنی آموخت. از جمله شاگردان او، محمد بن ولاد تمیمی، ابن کیسان نحوی، ابواسحاق الزجاج نحوی حنبلی، ابن سراج نحوی، ابو محمد درستویه و ابوبکر محمد بن علی المرمان بودند.

پس از وفات میرد، نحویان بزرگی همچون حسین بن احمد بن خالویه (م ۳۷۰ هـ)، ابوعلی فارسی (م ۳۷۷ هـ)، ابوالفتح عثمان بن جنی (م ۳۹۲ هـ) و یوسف بن عبدالله الزجاجی (م ۴۱۵ هـ) همگی از دانش او ارتزاق می‌کردند. با اینکه وی فردی بسیار متواضع و فروتن بود، اما روحیه‌ای مناظره‌طلب داشت و با هم‌بحث خود ابوالعباس ثعلب کوفی (م ۲۹۱ هـ) مناظرات بسیاری انجام داد. وی در مناظراتش، نهایت انصاف را به خرج می‌داد. رابطهٔ او و ثعلب همچون نقیضین بود. از این رو، ثعلب در مناظره با او کمتر تمایل نشان می‌داد، اما پس از وفات میرد، ثعلب در مدح او اشعاری سرود. گفته می‌شود: تاریخ ادبا پس از مناظرات این دو، خاتمه یافته است.

مکانت علمی میرد بسیاری از شاعران را نیز به مدح و ستایش وی واداشته که در این، میان سروده‌های احمد بن عبدالسلام دربارهٔ او معروفند.

وی تألیفات زیادی دارد که ابن ندیم، قریب پنجاه کتاب را فهرست کرده است؛ از جمله آن‌ها *الکامل فی اللغة، المقتضب فی الخطب، طبقات النحاة، ادب الجلیس* و معانی القرآن می‌باشند. از نوشته‌های او، به دست می‌آید که تخصص عمده‌اش در علم نحو، لغت و بلاغت بوده، اما در شعر و شاعری و همچنین معانی قرآن و علوم تفسیری نیز دست داشته است.

منابع

الاحلام، ج ۷، ص ۱۴۴ / تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۵۱؛ ج ۲، ص ۱۳۰ و ۳۶۵؛ ج ۷، ص ۹۶ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۰۰؛ ج ۴، ص ۲۰۵؛ ج ۱۷، ص ۱۹۷؛ ج ۱۹، ص ۱۳ / الفوائد الرجالیه، ج ۲، ص ۶ / فهرست ابن ندیم، ص ۶۴ / کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۱۰۷ / الکنی واللقاب، ج ۳، ص ۱۳۵ و ۱۳۹ / مستدرک سفینة البحار، ج ۵، ص ۲۳۲ / هدیة العارفین، ج ۲، ص ۲۰.

محمد بن یوسف بن ابراهیم وردانی (ح ۲۰۰ - ح ۲۹۵ ق)

وردانی، فقیه و محدث شیعی بود که کنیه اش در منابع ذکر نشده است. لقب «وردانی» یا بدین سبب به او داده شده که یکی از اجداد او «وردان» نام داشته است و یا اینکه نیاکان او در روستایی نزدیک بخارا به نام «وردانه» می زیسته اند. اما وی در کوفه زاده شد و در ۲۱۷ هـ. صلاحیت نقل حدیث را داشت. بنابراین، زمان ولادت او را می توان حدود ۲۰۰ هـ یا اندکی پیش از آن تخمین زد. همچنین از تاریخ وفات او اطلاع دقیقی نداریم، اما شاگردی ابن عمده کوفی (۲۴۹-۳۳۲ ق) نزد او، کاشف از آن است که وفات او در اوایل سده چهارم و یا در اواخر سده سوم اتفاق افتاده است. با توجه به وفات یکی از استادان در ۲۱۷ هـ، احتمال اینکه وی در اواخر سده سوم وفات یافته باشد، نزدیک تر به واقع است.

وی در کوفه پرورش یافت و در آنجا نزد استادان وقت، شاگردی نمود و به تدریج، در فقه و حدیث تبخر یافت. پدرش از راویان حدیث و شاگرد وهیب بن حفص بود و او بخشی از روایاتش را از پدرش نقل کرده است. سپس برای ادامه تحصیل، عازم بغداد شد و در آنجا نزد دانشمند پرآوازه شیعی، محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق)، بهره برد. وی در کوفه و بغداد استادان زیادی دید که برخی از آنها محمود بن میمون، محمد بن زیاد بن عیسی معروف به «ابن ابی عمیر»،

بکیر بن سالم، محمد بن سگین بن سرحال و محمد بن ابی حمزه ثمالی بودند. از شاگردان او، تنها ابن عقده را می‌شناسیم که در شناسایی او به آیندگان، نقش اساسی داشته است. از او احادیث و گزارش‌های متعددی باقی مانده که تماماً از همین شاگردش نقل شده‌اند. درباره آثار تألیفی او، چیزی در منابع به چشم نمی‌خورد.

منابع

اکمال الکمال، ج ۷، ص ۳۹۹ / طوسی، الامالی، ص ۱۴۹، ح ۲۴۵؛ ص ۱۶۵، ح ۲۷۶ / الانساب، ج ۵، ص ۵۸۸، ذیل «وردانی» / ایضاح الاشباه، ص ۲۷۱، ش ۵۸۹ / رجال النجاشی، ص ۱۵۴، ش ۴۰۷؛ ص ۱۶۹، ش ۴۴۷؛ ص ۱۸۱، ش ۴۷۸؛ ص ۱۹۰، ش ۵۰۵ / معجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۷۱، ش ۱۲۰۷۳.

معلی بن محمد بصری (؟ - ح ۲۵۵ ق)

ابوالحسن، از راویان و مفسران شیعه بود. از ولادت و وفات او اطلاعی در دست نیست، اما به گواه اینکه برخی از روایتگران او مانند حسین بن محمد بن عامر اشعری (استاد کلینی) در اواخر سده سوم از او روایت دارند و همچنین وی خود نیز از حسن بن علی و ثناء در اوایل سده سوم روایت دارد، چنین گمان می‌رود که وی در اواسط سده سوم وفات کرده است؛ زیرا از کتاب *سیره القائم* (هج)، که به او منسوب است، استفاده می‌شود که وی زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام (۲۵۵ هـ) را درک کرده است. بنابراین، می‌توان حدس زد که وفات او در همین حدود بوده است.

از زندگی و حیات علمی او اطلاع چندانی نداریم. از لقب «بصری» برمی‌آید که وی در بصره سکونت داشته و بسیاری از احادیث اهل بیت علیهم السلام را در آنجا شنیده است. همچنین بسیاری از شاگردان او اهل قم هستند. از این‌رو، این احتمال تقویت می‌شود که وی مسافرت‌هایی به قم داشته و مدتی در آنجا مشغول تدریس و تعلیم بوده است. وی با اینکه در عصر سه امام شیعیان (امام

جواد، هادی و عسکری (علیهم‌السلام) زندگی می‌کرد، اما حدیثی به‌طور مستقیم از آنها ندارد. نجاشی او را «مضطرب‌الحديث و المذهب» معرفی کرده، اما کتاب‌های او را تأیید نموده است. علامه محلّی به نقل از فضائری گفته است: روایات او خوب و بد دارد و از افراد ضعیف حدیث می‌کند، اما می‌توان از روایات او به‌عنوان شاهد، (نه دلیل) استفاده کرد. بسیاری از فقهای متأخر روایات او را به‌دیده قبول می‌نگرند و گفته‌اند نجاشی (مضطرب‌الحديث و المذهب) را مانع وثاقت وی نمی‌داند؛ زیرا وی دارای مقام «اجازة حدیث» به دیگران و صاحب کتاب‌های معتبری بود. همچنین وی در سلسله اسناد کامل الزیارات قرار دارد که این خود شاهد دیگری بر اعتبار اوست.

استادان او بسیارند، اما برخی از آنها احمد بن محمد بن ابی‌نصر (۲۲۱ ق)، حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴ ق)، حسن بن علی و ثناء، علی بن اسباط (م.ب ۲۲۰ ق)، عبدالله بن ادریس، بسطام بن مژه و محمد بن جمهور عمی (استاد نعمانی) بودند. از شاگردان معروف او، حسین بن محمد بن عامر اشعری بود که بیشتر احادیث او از طریق این شاگرد، روایت شده‌اند. همچنین افرادی مانند ابوعلی اشعری، ابوعبدالله اشعری، علی بن اسماعیل و محمد بن حسن بن ولید از او حدیث نقل کرده‌اند.

وی تألیفاتی در زمینه فقه، تاریخ و اعتقادات داشت که به‌قرار ذیل می‌باشند: *الایمان و درجاته و زیادته و نقصانه، الدلائل، الکفر و وجوهه، شرح المودة فی الدین، کتاب التفسیر، کتاب الامامة، فضائل امیرالمؤمنین علی، قضایا علی، و سیرة القائم (هج)*. از آثار او به‌خوبی پیداست که وی در موضوعات فقه، حدیث و اعتقادات، تبصر و تخصص داشته است.

منابع

جامع الرواة، ج ۲، ص ۲۵۱ / خلاصة الاقوال، ص ۴۰۹ / الذریعة الی تصانیف الشیمة، ذیل عناوین کتاب‌ها / رجال ابن داود، ص ۲۷۹، ش ۵۰۷ / رجال النجاشی، ص ۴۱۸،

ش ۱۱۱۷ / طوسی، الفهرست، ص ۲۴۷، ش ۷۳۴ / کامل‌الزیارات، صفحات متعدد /
مجموع رجال‌الحديث، ج ۱۹، ص ۲۷۲ و ۲۷۹، ش ۱۲۵۳۵ و ۱۲۵۳۶.

موسی بن‌الامام ابوجعفر محمد الجواد النقی علیه السلام (؟ - ۲۹۶ ق)

ابوجعفر، معروف به «موسی سمرق»، از رجال عالی‌نسب شیعه و از بزرگان سادات رضوی، فرزند امام جواد علیه السلام و برادر امام هادی علیه السلام از طرف پدر و مادر بود. مادرش ام ولد (کنیز) بود و سمانه مغربیه نام داشت. وی همیشه بر چهره خود نقاب داشت. از این‌رو، او را «سمرق» لقب داده‌اند. ولادت او معلوم نیست، اما به سال ۲۹۶ هـ در قم وفات کرد. درباره میزان علم و دانایی او چیزی در منابع نیامده، اما از پرسش‌هایی که یحیی بن اکثم قاضی مأمون از وی داشته است، به دست می‌آید که وی به احکام دین و فقه آشنا بوده است. وی در زمان متوکل عباسی (حک ۲۳۲-۲۴۷ ق) زندگی می‌کرد و متوکل سعی داشت برادرش امام هادی علیه السلام را به دربار خود بکشاند، اما موفق نشد. از این‌رو، به پیشنهاد بعضی از درباریان، او را، که همچون برادرش امام هادی علیه السلام معروف به «ابن‌الرضا» بود، به دربار فراخواند. هدف متوکل در این کار، تخریب چهره خاندان امام رضا علیه السلام بود. امام هادی علیه السلام، که از این موضوع مطلع شد، وی را از رفتن منع کرد، اما او نپذیرفت و (بر اساس سیاست متوکل عباسی) سه سال در خدمت متوکل بود و از ندیمان وی به شمار می‌آمد.

پس از آن در سال ۲۵۶ هـ از کوفه وارد قم شد، اما اهل قم یعنی طائفه جلیل‌القدر «اشعریه» وی را نشناختند و او را بیرون کردند و او به ناچار به کاشان منتقل شد و در آنجا مورد تکریم احمد بن عبدالعزیز بن دلف العجلی (م ۲۸۰ ق) قرار گرفت. پس از چندی اهل قم قدر او را دانستند و وی را به قم بازگرداندند و از اموالشان، برای او خانه خریدند و بخشی از سهم باغات و مزارع خویش را به وی اختصاص

دادند. سپس خواهران او زینب (م.ج ۲۶۰ ق)، امّ محمد و میمونه (از دختران امام جواد علیه السلام) نزد وی به قم آمدند و پس درگذشت آنان، در کنار مرقد مطهر فاطمه معصومه علیها السلام، دختر امام موسی کاظم علیه السلام مدفون شدند. وی تا آخر عمر در قم اقامت داشت تا اینکه در شب چهارشنبه هشتم ربیع الثانی سال ۲۹۶ هـ وفات کرد و فرماندار قم، عباس بن عمرو الغنوی، بر او نماز گزارد و سپس در منزل خودش و به قولی در منزل محمد بن ابی خالد اشعری، ملقب به «شتیوله»، دفن شد. پس از مرگ او، همسرش بر بیه وفات کرد و در کنار شوهرش مدفون گشت.

از فرزندان او احمد بن موسی شاه چراغ و محمد بن موسی (م ۳۱۵ ق) بودند که سادات رضوی از نسل احمد می باشند و هم اکنون ملقبان به نام «برقی» که در اطراف قم و ری پراکنده اند، منسوب به اویند و بسیاری از احفاد او در محله «چهل اختران» قم مدفون می باشند.

علامه نوری طبرسی (م ۱۳۲۰ ق) درباره احوال وی و همچنین ذریه اش، کتاب جامعی با عنوان *الهدى المشعشع فى احوال ذریة موسى المبرقع* نوشته است که شرح حال کامل او در آنجا آمده است. همچنین کتاب دیگری به زبان فارسی با نام *ترجمه موسى المبرقع*، تألیف شیخ محمد کجوری طهرانی (م ۱۳۵۳ ق) به توصیف وی پرداخته است که حجم آن بیش از کتاب سابق است.

گفتنی است لقب او با ابو حرب یمانی مبرقع مشترک است. از این رو، نباید وی را با او یکی دانست. ابو حرب یکی از اصلاح طلبانی بود که بر پادشاه فلسطین خروج کرد و مردم را به امر به معروف و نهی از منکر دعوت نمود و سرانجام، در سال ۲۷۷ هکشته شد.

منابع

- الاعلام، ج ۲، ص ۱۷۳؛ ج ۷، ص ۳۲۷ / *اعیان الشیعه* (قطع بزرگ)، ج ۱۰، ص ۱۹۴ /
 بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۵۸ / *الدریمة الی تصانیف الشیعه*، ج ۴، ص ۱۶۶ / *سّر السلسله الملویه*، ص ۳۹ / *شرح اصول کافی*، ج ۷، ص ۳۱۰ / *عمدة الطالب*، ص ۲۰۱ / *معجم رجال الحدیث*، ج ۲۰، ص ۸۸، ش ۱۲۸۹۸.

ولید بن عبید بن یحییٰ (۲۰۶ - ۲۸۴ ق)

ابو عباده، معروف به «بحتری طائی»، از شاعران برجسته و کم‌نظیر امامیہ، کنیہ اش «ابوالحسن» بود، ولی متوکّل عبّاسی کنیہ او را «ابو عباده» قرار داد. او در سال ۲۰۶ هـ در «منبج» از بلاد شام متولد شد، مدت زیادی در عراق اقامت داشت و سپس به موطن خود (که املاک زیادی در آنجا داشت) بازگشت و در سال ۲۸۴ هـ در اثر سکتہ وفات کرد.

وی در یک خانواده فرهنگی و ادبی، نشو و نما کرد. پس از آن به عراق سفر نمود و در آهاز، بخشی از اشعار جدّش را در آنجا روایت کرد و سپس با شاعر معروف، ابوتمام حبیب بن اوس طائی (م ۲۳۱ ق)، که نقش استادی وی را داشت، مجالست نمود و اشعار خویش را بر او عرضه داشت. اشعار او، ابوتمام را به وجد آورد. از این رو، چهار هزار درهم مستمری، برای او جایزه تعیین نمود و وی را به «امیرالشعراء» ملقب ساخت.

بحتری مدت زیادی در بغداد و سرّ من رأی (سامراء)، اقامت داشت. نخستین سفر وی به بغداد همراه ابوتمام بود که او را با اعیان و رجال پایتخت عبّاسی آشنا نمود و فرصت داد تا با علمای مشهور زمان، بخصوص ابن الاحرابی مرآده پیدا کند. وی نزد متوکّل عبّاسی از منزلت بالایی برخوردار بود و هیچ‌گاه نیکی و احسان متوکّل و خلفای پس از او را در حق خود فراموش نکرد. از این رو، نخست در مدح متوکّل و سپس در مدح خلفا و وزرای دیگر، اشعار بسیاری سرود تا جایی که ملقب به «مدّاح الخلفاء» گردید. با این همه، در دیوان اشعار او، که به سلاسل الذهب مشهور است، موارد زیادی به چشم می‌خورند که دلالت کامل بر تشبّع وی دارند؛ چنان‌که در زمان منتصر بالله (حک ۲۴۷-۲۴۸ ق)، وقتی باغ فدک به آل ابی طالب برگشت و اجازه زیارت تربیت پاک امام حسین علیه السلام داده شد، بحتری در مدح امام علی علیه السلام در بخشی از قصیده رائیه اش، به فضیلت و برتری حضرت علی علیه السلام نسبت به خلیفه ثانی تصریح نمود و این‌گونه سرود:

«وَأَنَّ عَلِيًّا لَأَوْلَىٰ بَكُم وَأَزْكَىٰ يَدَا عُنْدِكُمْ مِنْ عُمَرَ»

همچنین در همین زمان (ح ۲۴۸ ق) بود که فرصت یافت در دو قصیده‌اش علی بن جهم شاعر را، که حضرت علی علیه السلام را در اشعار خود ناسزا گفته و عباس را به خلافت از او شایسته‌تر دانسته بود، به سختی هجو کند و تشییع خود را، که در عهد متوکل بنیان می‌داشت، آشکار سازد.

این موضوع نشان می‌دهد که وی گرایش شیعی داشته است. در این باره، علامه سید محسن امین در *اهیان الشیعه*، تحقیق جامعی به عمل آورده است. همچنین سید بن طاووس در *فرج المهموم* و شوشتری در *مجالس المؤمنین* و بسیاری از بزرگان دیگر وی را از جمله شعرای بزرگ شیعه معرفی کرده‌اند. تخصص عمده او در شعر و شاعری بود، اما نسبت به علم نجوم نیز آشنایی داشت. به همین دلیل، سید بن طاووس نام او را در *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم* ذکر کرده است.

وی با شاعران معروفی همچون ابن الرومی (۲۲۱-۲۸۳ ق)، ابوالعباس صیمری (۲۱۲-۲۷۵ ق) و دعبیل خزاعی (۱۴۸-۲۴۶ ق) هم‌بحث بود. دعبیل از دوستان صمیمی بحتری بود و شاید بتوان گفت دعبیل استادی وی را نیز بر عهده داشته است. درباره قدرت شاعری بحتری در مقایسه با ابوتمام و منتبئ، از *ابوالعلاء المعمری* (م ۴۴۹ ق) سؤال شد، در جواب گفت: ابوتمام و منتبئ حکیم هستند و شاعر در میان آن‌ها، بحتری است.

از استادان او، ابوتمام حبیب بن اوس طائی را می‌توان نام برد. از شاگردان او، فرزندش ابوالغوث یحیی بن ابی‌عباده البحتری بود که در انتشار اشعار پدرش، نقش بسزایی داشت، اما بر خلاف شیوه پدر (که پیوسته خلفای عباسی را مدح می‌کرد)، هیچ‌گاه خلفا را مدح نکرد، بلکه مدایح او تماماً در خصوص آل محمد صلی الله علیه و آله بودند. همچنین بحتری دارای دو نوه از فرزندان همین ابوالغوث به نام ابوعباده بن یحیی و عبیدالله بن یحیی بود که منتبئ در مدح آن دو اشعاری سروده.

شاگردان دیگرش ابوالعباس میرد نحوی (م ۲۸۵ ق) و محمد بن یحیی صولی و ابوعثمان ناجم بودند. در واقع، ابوعثمان ناجم نیز مانند دعبل خزاعی، از دوستان نزدیک بحتری بود و رفاقتش با او تا آخر عمر برقرار بود، و ابن رومی در منزل ناجم، با بحتری آشنا شد.

از آثار او، دیوان الشعر، دیوان الحماسه و معانی الشعر می‌باشند.

منابع

الاعلام، ج ۸، ص ۱۲۱ / اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۴ / امل الأمل، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱ / الانساب، ج ۱، ص ۲۸۹ / تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۴۵۱؛ ج ۱۴، ص ۲۳۱ / دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۹۹ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۷، ص ۸۹؛ ج ۱۰، ص ۶۵؛ ج ۱۷، ص ۱۱۴ / ذیل تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۱۵ / سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۴۳؛ ج ۱۳، ص ۴۸۶ / الغدیر، ج ۱۲، ص ۳۳۴؛ ج ۳، ص ۵۲ / فرج المهموم فی معرفة علماء النجوم، ص ۱۵۸ / الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۶۴ / معجم المطبوعات العربیة والمعرّبة، ج ۱، ص ۵۲۹.

هارون بن مسلم بن سعدان کوفی (؟ - ح ۲۷۵ ق)

ابوالقاسم متکلم و محدث مورد اعتماد شیعی بود که به تاریخ جنگ‌ها نیز آشنایی داشت. وی اصالتاً اهل «انبار» (یکی از استان‌های شمالی عراق) بود، اما پدرش در کوفه اقامت داشتند. از همین‌رو، شیخ طوسی او را کوفی الاصل دانسته است. وی در کوفه دیده به جهان گشود و در سامراه زندگی را به انجام رساند، ولی تاریخ ولادت و وفات او دقیقاً معلوم نیست. وی از اصحاب امام هادی علیه السلام (شهادت: ۲۵۴ ق) و امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) بود و با آن دو امام دیدار داشت. همچنین بخشی از دوران فیت صفر (۲۵۵-۳۲۹ ق) را درک کرد و دربارهٔ علایم ظهور امام مهدی (حج) روایاتی نقل نموده است. بنابراین، وی

می‌بایست دست‌کم تا نیمهٔ دوم سدهٔ سوم زنده بوده باشد؛ چنان‌که از برخی از شاگردان او، که تا اوایل سدهٔ چهارم حیات داشته‌اند، برمی‌آید که وفات او احتمالاً در اواسط نیمهٔ دوم سدهٔ سوم (ح ۲۷۵ هـ) اتفاق افتاده است. دربارهٔ تولد او نیز نمی‌توان سخن قاطعی گفت، اما روایات او، که بیشتر با یک واسطه از امام صادق علیه السلام (شهادت: ۱۴۸ ق) نقل می‌شوند، گواه آنند که وی عمری نسبتاً طولانی داشت و احتمالاً در دهه‌های پایانی سدهٔ دوم چشم به جهان گشود.

وی اصالتاً اهل کوفه بود و تحصیلات خود را در این شهر آغاز نمود. پس از فراگیری فقه و حدیث، به بصره عزیمت نمود و پس از مدتی اقامت، راهی بغداد گردید و با برخی از مکاتب کلامی بغداد آشنا شد. گفته می‌شود که وی به مذهب «جبر» و «تشبیه‌گرایی» داشت و با مسلک «اهل حدیث» هم‌عقیده بود. معلوم نیست مدت اقامت او در بغداد چه اندازه بوده، اما این اندازه روشن است که وی در بغداد نماند و از آنجا به «سرّ من رأی» مهاجرت نمود و تا پایان زندگی در آنجا ماندگار شد.

وی در سامراء با ابوالحسن ثالث امام هادی علیه السلام مکاتباتی داشت و توقیعات آن امام را در ضمن کتابی جمع‌آوری نمود. همچنین وی در سامراء نزد برخی از استادان سنی همچون مسعدة بن صدقة عبیدی (م. ب ۲۰۳ ق) نیز شاگردی نمود و از این استاد دربارهٔ آداب زیارت امام حسین علیه السلام و موضوعات دیگری در زمینه فقه و اعتقادات، حدیث بسیار شنید. این احادیث اکنون در جوامع روایی شیعه موجودند. شاید اقامت و پایان زندگی او در سامراء باعث شده است تا خطیب بغدادی به اشتباه، او را اهل سامراء معرفی کند. با این حال، طوسی در گزارش خود، محل وفات او را شهر بغداد دانسته است.

وی در مدت حیات علمی خود، استادان متعددی دید که از جمله آنها عبدالرحمان بن اشعث و محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) بودند. همچنین نزد برخی از استادان سنی، که خود از شاگردان امام صادق علیه السلام بودند، مانند حسین بن هلوان کلبی و ضحاک بن محمد بن شیبان شاگردی نمود. سپس با اندوخته‌هایی که نزد استادان یادشده

داشت، به تربیت شاگرد اشتغال یافت و در طول مسافرتش به شهرهای عراق، آموخته‌هایش را به نسل بعد انتقال داد که در این میان، محدثان بلندآوازه‌ای همچون سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م.ب ۲۹۷ ق)، سهل بن زیاد آدمی (م.ب ۲۵۵ ق)، محمد بن علی بن محبوب، علی بن حسن بن فضال کوفی (م ۲۹۰ ق)، علی بن ابراهیم بن هاشم (م.ب ۳۰۷ ق) و علی بن یعقوب هاشمی، از معارف حدیثی و فقهی او بهره بردند.

از تألیفات او، کتاب التوحید، کتاب الفضائل، کتاب الخطب، کتاب الصغایر، کتاب الدعاء و مسائل لایب الحسن الثالث علیه السلام معرفی شده‌اند.

منابع

الاستبصار، ج ۲، ص ۱۳۴، ح ۲۳۷ / تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۳، ش ۷۳۵۴ / الخصال، ص ۳۵۱، باب السیعة، ح ۲۷ و موارد دیگر / خلاصة الاقوال، ص ۲۹۱، ش ۵ / رجال الطوسی، ص ۴۰۳، ش ۵۹۱۲ / رجال النجاشی، ص ۴۳۸، ش ۱۱۸۰ / نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹، ح ۱۱۳ ص ۲۶۳، ح ۲۵ / طوسی، الفهرست، ص ۲۵۹، ش ۷۸۵ / کامل الزیارات، ص ۴۵۷، ح ۶۹۵؛ ص ۴۹۸، ح ۷۷۳ و موارد دیگر / من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۶، ح ۵۴۲۷.

یحیی بن حسن بن جعفر الحجة بن عبیدالله الاعرج بن حسین

الاصغر بن الامام السجّاد علیه السلام (۲۱۴ - ۲۷۷ ق)

ابوالحسین، ملقب به «شیخ الشرف» و معروف به «عقیقی عیّلی»، از شیعیان و علویان مشهور و از معاصران امام هادی و عسکری علیه السلام بود. وی اهل مدینه و ولادتش در همان‌جا به سال ۲۱۴ هـ روی داد و وفات او در مکه به سال ۲۷۷ هـ واقع شد. گفتنی است وی غیر از عبیدلی شیخ الشرف می‌باشد که ولادتش در سال ۳۳۸ و وفاتش در سال ۴۵۳ هـ در دمشق اتفاق افتاد. عقیقی‌ها و عبیدلی‌ها

نسبشان به امام سجّاد علیه السلام برمی‌گردد و عالمان زیادی از این خاندان برخاسته‌اند. «حقیقی» بین چند نفر مشترک است:

۱. ابوالحسین حقیقی مورد بحث، متوفای ۲۷۷ هـ، صاحب کتاب انساب آل ابی طالب، اخبار الزینبات و اخبار المدینه؛ وی نخستین کسی بود که در موضوع تبارشناسی آل ابی طالب کتاب نوشت و تخصص عمده‌اش در علم انساب و تاریخ بود.
۲. احمد بن علی حقیقی متوفای ۲۸۰ هـ و صاحب کتاب تاریخ الرجال؛
۳. علی بن احمد حقیقی، فرزند احمد مذکور، صاحب کتاب الانساب و رجال العقیقی و معروف به «عقیقی مطلق»؛ زیرا هرگاه در کتب رجالی، «عقیقی» به صورت مطلق با رمز «عق» ذکر شود، منظور اوست.

حقیقی مورد بحث دارای دو فرزند به نام‌های محمدالاکبر و ابوالقاسم طاهر بود و روایات او را یکی از نوادگانش مشهور به ابومحمّد دندانی، فرزند محمدالاکبر، روایت می‌کند. ابومحمّد دندانی به «برادرزاده طاهر» نیز معروف است؛ زیرا عموی او ابوالقاسم طاهر از منزلت بالایی برخوردار بود.

منابع

الاعلام، ج ۸، ص ۱۴۰ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۳۳۲؛ ج ۲، ص ۳۷۳؛ ج ۲، ص ۳۷۸ / المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۰ / معجم المؤلفین، ج ۱۳، ص ۱۹۰.

یحیی بن حسین بن قاسم الرئسی بن ابراهیم ابن طباطبا

«الهادی الی الحق» (۲۲۰-۲۹۸ ق)

ابوالحسن، معروف به «ابن طباطبا» و ملقب به «هادی الی الحق»، فقیه، متکلم، شاعر، نویسنده و نخستین پیشوای شیعی زیدی در یمن بود که ولادتش در سال ۲۲۰ هـ (و به گفته برخی ۲۲۵ هـ) در مدینه روی داد و به سال ۲۹۸ هـ در «صعده»

از شهرهای یمن درگذشت. جدّ اعلای او ابراهیم بن اسماعیل به «طباطبایا» ملقب بود. لقب «طباطبایا» از این رو به وی نسبت داده شد که زیانش می‌گرفت و به جای «قبایا»، «طباطبایا» می‌گفت.

سلسله طباطبائیان از نسل حسن مثنی، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام، هستند. دودمان طباطبائیان به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شوند که هر یک از این شاخه‌ها انشعابات زیادی دارند:

الف. طباطبائیان یمنی رسی؛

ب. طباطبائیان مصری شمراخی؛

ج. طباطبائیان ایرانی ادیب که ساکن اصفهان بودند.

اما صاحب ترجمه، از شاخه طباطبائیان یمنی است که نام سه تن از آنان در رأس همه قرار دارد و وی فرد دوم آنان است.

وی در مدینه زاده شد و در همان شهر نشو و نما پیدا کرد و نزد پدر و دیگر عالمان خاندانش، علوم روزگارش را فراگرفت. او در دانش و قضاوت شهره بود و او را به شجاعت، پارسایی و عدالت ستوده‌اند. برخی از فرمانروایان و عالمان دینی یمن برای تصدّی امر امامت زیدیان و جلوگیری از پراکندگی این فرقه، او را به یمن خواندند و او در سال ۲۸۰ هـ به آنجا سفر کرد، اما در یمن یاوران راست‌گفتار و استواری نیافت و به مدینه بازگشت. بار دیگر نمایندگانی از سوی بزرگان یمن نزد او آمدند و از وی خواستند که به یمن بازگردد و متعهد گشتند که فرمان وی را به جد گردن نهند و با دشمنان و مخالفان او بجنگند. بدین روی، در سال ۲۸۴ هجری برای بار دوم به یمن رفت و در «صعده» اقامت گزید. در سال ۲۸۶ هـ به «صنعا» کوچ کرد و آنجا را مقرّ فرمانروایی خود ساخت. زیدیان یمن به یاری او برخاستند، شورش او در روزگار معتضد عباسی (حک ۲۷۹-۲۸۹ ق) آغاز شد و پس از اندک زمانی، کارش بالا گرفت. پس از استقرار حکومت او، عملاً بخش عمده‌ای از سرزمین یمن از قلمرو خلافت عباسیان خارج گشت.

نفوذ او تا آنجا گسترش یافت که حاکم مکه از او فرمان می‌برد و هفت سال در این شهر به نام او خطبه خواندند و سرانجام، در سال ۲۹۸ هـ در «صعده» وفات کرد. آراء فقهی و کلامی او در شکل‌گیری و نفوذ مذهب شیعی زیدی، نقش بسیاری داشتند. فقه او به فقه حنفی نزدیک است. از فتاوی مشهور او این بود که اهل ذمه (ترسایان و یهودیان) در حوزه اقتدار سیاسی و حکومتی اسلام فقط می‌توانند مالک زمین‌های به ارث رسیده از نیاکان خود باشند و حق ندارند از مسلمانان زمین بخرند، و اگر پس از فتح اسلام زمینی خریده باشند، باید به صاحبان مسلمانان بازگردانند. همچنین از برخی آراء او برمی‌آید که وی اعتقادی به امام غایب، که باور همه مؤمنان شیعی است، نداشته. اندیشه‌های سیاسی و فقهی او به وسیله نوه‌اش، یحیی بن محمد بن هادی، در شمال ایران و دیلمان رسوخ یافت و با مذهب «زیدی ناصری» منسوب به ناصر کبیر اطروش (م ۳۰۴ ق) درهم آمیخت.

وی دارای تألیفات بزرگی در فقه، حدیث، تفسیر و کلام بود که برخی از آنها عبارتند از: *تفسیر القرآن* (از *سوره منافقون* تا *نبا*)، *الرد علی من زعم أن القرآن قد ذهب بفضله*، *تشییت امامة امیر المؤمنین علی*، *جامع الاحکام فی الحلال والحرام، الرضا علی المنتخب من الفقه، الفنون، المسترشد فی التوحید، المنزلة بین المنزلتین، الرد علی المجترة والقدریه، الرد علی اهل الزيغ من المشبهین و وصیت‌نامه منظوم* او (در ۵۴ بیت). تمام این‌ها در کتابخانه‌های بریتانیا، ایتالیا، آلمان و کتابخانه «جامع الکبیر» صنعا نگه‌داری می‌شوند.

منابع

الاعلام، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ج ۳، ص ۸۲؛ ج ۵، ص ۱۷۱ و ۲۹۳؛ ج ۸، ص ۱۶۴ / تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۴۲؛ ج ۴، ص ۱۱۱ / تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۱۷ / دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۵۹ / دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۴۱؛ ج ۸

ص ۲۴۲ / الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۷۶؛ ج ۴، ص ۳۸۷ و ۵۱۱؛ ج ۹، قسم اول، ص ۲۶ / عمدة الطالب، ص ۱۷۷ به بعد / الکنی والالقب، ج ۲، ص ۲۲۱ / مقاتل الطالبیین، ص ۳۴۳.

یعقوب بن اسحاق بن صبیح بن عمران بن اسماعیل بن محمّد

بن اشعث بن قیس کندی (ق ۱۸۵ - ۲۶۰ ق)

ابویوسف، فیلسوف، پزشک، ریاضیدان، اخترشناس و موسیقیدان مشهور اسلام بود. وی با اینکه از شهرت فراوانی برخوردار بود، اما اطلاعات اندکی درباره زندگی و کیفیت تحصیل او در منابع به چشم می خوردند. درباره تاریخ ولادت او، سخن قاطعی نمی توان گفت، اما هنگامی که شخصیت فلسفی او کامل شد، در دربار مأمون عباسی (حک ۱۹۸-۲۱۸ ق) موقعیت ممتازی یافت. از این رو، کارشناسان و زندگی نامه نویسان ولادت او را حدود سال ۱۸۵ ه نوشته اند تا بدین وسیله، فرصت کافی برای رشد و شکل گیری شخصیت فلسفی اش در نظر گرفته باشند. تاریخ وفات او بر اساس نظر مشهور، این است که وی در سال ۲۶۰ ه و ظاهراً در بغداد از دنیا رفت.

نسب او به اشعث کندی (که به دست رسول خدا ﷺ مسلمان شد و سپس در صف یاران علی رضی الله عنه قرار گرفت که البته مزاحمت هایی نیز ایجاد کرد) متصل می شود. پدرش، اسحاق بن صبیح، که با تألیف کتابی به نام تناقض های قرآن شهرت تمام دارد، از طرف مهدی عباسی (۱۵۸ تا ۱۶۹ ق) و هارون الرشید (۱۷۰ تا ۱۹۳ ق)، امیر کوفه بود، و جدش نیز از طرف بنی هاشم، حکومت را در دست داشت.

وی با اینکه در کوفه به دنیا آمد، اما اصالتاً اهل بصره بود. از این رو، پس از اینکه در دوران کودکی، پدرش را در کوفه از دست داد، روانه بصره شد و با

املاکی که در آنجا به وی ارث رسیده بود، نشو و نما کرد و القباوی تحصیلاتش را در شهر بصره گذراند. سپس وارد بغداد شد و در مراکز علمی آنجا، به همراه هم‌پنحان و عم عصمان خود، قسطا بن لوقا بعلبکی (زنده ب ۲۶۰ ق)، حنین بن اسحاق عبادی (م ۲۶۰ ق)، علی بن جهم (م.ب ۲۴۸ ق) و عبدالملیح بن اسحاق کندی (م قرن سوم ه) به تحصیل علوم فلسفه، منطق، پزشکی، حساب، هندسه، آهنگ‌سازی و نجوم پرداخت. هوش سرشار و انگیزه فراوانش باعث شد تا در مدت اندکی، همه این علوم را فرا گرفته، شخصیت ممتازی از خود بسازد. شکل‌گیری صحیح شخصیت او، نظر خلفای عباسی را به خود جلب کرد و در همان ایام جوانی، به دربار عباسی راه یافت.

قطعی درباره او می‌نویسد: در فنون حکمت متبحر، و در حکمت یونان، فارس و هند بسیار ماهر، و در احکام نجوم و علوم دیگر متخصص بود. با این وصف، وی به زبان‌های یونانی، فارسی و هندی معرفتی تمام داشت و علت اصلی تقرب او به دربار عباسی (مأمون، معتصم و متوکل) نیز همین امر بود؛ زیرا خلفای عباسی علاقه فراوانی نسبت به ترجمه آثار یونان از خود نشان می‌دادند و دانشمندان را در این راه به خدمت می‌گرفتند. با تأسیس «بیت الحکمه» از سوی خلفای عباسی (که در رأس آن، حنین بن اسحاق قرار داشت)، یکی از وظایف مهم او در «بیت الحکمه»، ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی بود. علاوه بر این، او مسئولیت تصحیح ترجمه‌های دیگران را نیز بر عهده داشت.

با بالا گرفتن کار او و آوازه بلندی که در اواخر عمرش پیدا کرده بود، برخی از هم‌دوره‌های او، یعنی محمد بن موسی بن شاکر و برادرش احمد (که خود از دانشمندان عصر خویش بودند) بر وی حسد بردند و نزد متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ ق) علیه او دسیسه کردند و در نتیجه، متوکل وی را کتک زد و کتاب‌های او را مصادره نمود تا به بصره انتقال دهند.

ابن ابی‌اصیبه دلیل غضب متوکل بر او را تمایل وی به مکتب «اعتزال» و

تضمیف سنت‌گرایی معرفی می‌کند. این مطلب با توجه به اینکه افکار اعتزال در آن دوره، بر جامعه اسلامی سایه افکننده بودند و مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ق) و برادرش معتصم (۲۱۸-۲۲۷ ق) نیز آن را به اجبار پذیرفته بود، کاملاً هماهنگ و قابل باور به نظر می‌رسد، اما هیچ بعید نیست که بگوییم وی عقاید شیعی‌اش را در قالب اعتزال بیان می‌کرد تا زمینه را برای اظهار تشیع، در اواخر عمرش هموار سازد و آنگاه سخن‌چینی‌های پسران موسی بن شاکر را، که به نحوی با روح تشیع وی گره خورده بودند، عامل اصلی خشم متوکل بر وی معرفی کنیم؛ زیرا متوکل (بر خلاف مأمون و معتصم)، از دشمنان سرسخت شیعه بود و در همان ایام بود که ابن سکیت شیعی (م ۲۴۳ ق) زبانش توسط متوکل بریده شده و به قتل رسیده بود.

شیعه بودن‌کنندی، با توجه به اینکه وی در مرکز تشیع یعنی کوفه به دنیا آمده و همچنین با نگاهی به عبارات وی در انتهای کتاب‌هایش، که به روش شیعه، آن‌ها را ختم می‌کند و نامی از صحابه به میان نمی‌آورد، به آسانی قابل باور است، به ویژه اینکه اجداد او همگی مشرب شیعی داشته و برخی از بستگان او نیز مانند عقیق بن قیس‌کنندی از منجمان شیعه و از اصحاب امام علی علیه السلام در جنگ نهروان بوده‌اند و جدّ اعلای او اشمث‌کنندی (م ۴۰ ق) نیز هنگامی که ابوبکر به خلافت رسید، به مخالفت برخاست و قوم خود را از دادن زکات منع کرد. از این‌رو، بسیاری از شرح حال نویسان، همچون سید بن طاووس و علامه تهرانی، وی را در عداد دانشمندان شیعه قرار می‌دهند.

وی با آنکه از شهرتی تمام برخوردار بود، اما در هیچ‌یک از منابع معتبر، سخنی از نام استادانش به میان نیامده است، اما از آنجا که در زمان او، علوم عقلی به تازگی از یونان وارد سرزمین اسلامی می‌شدند، و اصحاب ترجمه عموماً آموزش زبان یونانی را از دانشمندان مسیحی می‌آموختند، می‌توان حدس زد که بیشتر استادان او، از علمای نصرانی بوده‌اند. وی همچنین شاگردان بسیاری داشت که نزد او درس خواندند و زیر دست او فارغ‌التحصیل شدند؛ مانند محمد

بن یزید، معروف به «دبیس»، که علاوه بر فلسفه، در کیمیاگری و لعاب‌کاری نیز دست داشت و کتاب‌های الجامع و اعمال الاصبغ را که در زمینه کارهای رنگی و ساخت مرکب و مداد هستند، تألیف نمود. شاگرد دیگر او زرنب بود که وی رساله‌ای برای این شاگردش در بیان اسرار ستارگان نوشته است. شاگردان دیگر او احمد بن طیب سرخسی، ابوزید احمد بن سهل بلخی و ابومعشر جعفر بن محمد بلخی بودند.

رابطه ابومعشر با وی ابتدا خوب نبود، ولی بعدها روابط خوبی با یکدیگر پیدا کردند. هدف او در مطالبی که برای شاگردانش القامی کرد، اگرچه این بوده که بین آراء ارسطو و افکار افلاطون نوعی رابطه و اتحاد ایجاد کند، اما در آثار و تألیفات خود، هیچ‌گاه به این امر ملتزم نبود و در بیشتر تألیفاتش، تفکر ارسطویی به چشم می‌خورد. وی آثار زیادی در زمینه‌های گوناگون علوم از خود بر جای گذاشته که زرکلی در الاعلام، تعداد آنها را بیش از سیصد کتاب و رساله معرفی کرده که بیشتر آنها در دست نیست، اما برخی از آثار او در ضمن رسائل فلسفی کندی (چهارده رساله) به کوشش استاد ابورید به چاپ رسیده و برخی دیگر نیز به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های جهان نگه‌داری می‌شوند. تألیفات او درباره موضوعاتی همچون فلسفه، منطق، اخلاق، جزر و مد آب‌ها، کروی بودن دریاها، رنگ‌ها، خواب‌گزاری، سعد و نحس ایام، ریاضیات، فلکیات، هندسه، اصطرلاب، ابطال صنعت کیمیا و پزشکی می‌باشند.

منابع

اخبار الحکماء، ص ۲۴۰ به بعد / الاعلام، ج ۱، ص ۳۳۲؛ ج ۸، ص ۱۹۵ / تاریخ الفلسفه فی الاسلام، ص ۱۷۷ / رسائل کندی، مقدمه / تاریخ تمدن، ج ۱۱، ص ۱۴۸ و ۲۱۵ / تمهید لتاریخ الفلسفه الاسلامیه، ص ۳۱ / الذریعة الی تصانیف الشیخه، ج ۱، ص ۳۷۷؛ ج ۳، ص ۳۷۹ و ۳۸۲ / ۳۹۱ / عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۱۶۰ به بعد / فرج المهموم فی معرفة علماء النجوم، ص ۱۲۸ و ۱۴۴ / فلاسفة الشیخه، ص

۴۴۷-۴۷۶ / الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۱۶۰ / معجم الادباء، ج ۳، ص ۶۲ و ۶۳ / معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۱۷۴.

یعقوب بن منقوش (ح ۱۹۵ - ح ۲۴۵ ق)

یعقوب، که کنیه اش در منابع ذکر نشده، محدث شیعی بود. تاریخ تولد و وفات او در دست نیست. شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام (۲۲۰-۲۵۴ ق) به شمار آورده است. بنابراین، ولادت او می بایست در اواخر سده دوم یا آغاز سده سوم روی داده باشد. همچنین درباره وفات او، شاید از گزارشی که شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) ارائه داده است، بتوان سال آن را حدس زد. در گزارش صدوق آمده است که وی می گفت: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و از آن امام درباره صاحب الامر (عج) سؤال نمودم، فرمود: «پرده را بالا بزن.» وقتی پرده را کشیدم، پسری بیرون آمد که طول قد او پنج وجب و حدود ده یا هشت ساله و یا کمتر بود که در گونه سمت راست او، خالی داشت و روی ران امام حسن عسکری علیه السلام نشست. سپس امام علیه السلام فرمود: این صاحب امر شماست. گزارش مذکور نشان می دهد که وی چندین سال پس از ولادت امام دوازدهم (ت ۲۵۵ ق) زنده بوده و احتمالاً بخشی از غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ ق) را درک کرده است.

درباره زندگی و چگونگی تحصیلات او، با توجه به اینکه شرح حال او در هیچ یک از منابع معتبر نیامده است، نمی توان سخن قاطعی گفت. تنها آگاهی ما از او گزارشی است که در بالا نقل شد و از آن می توان استفاده نمود که وی شیعه امامی بود و در جست و جوی امامش می گشت. همچنین می توان گفت: وی دست کم مدتی در عراق، به ویژه کوفه و سامرا، به سر برد و رابطه اش با امام حسن عسکری علیه السلام نزدیک بود؛ زیرا امام در گزارش یاد شده، او را به اسم خودش خطاب نمود. وی این گزارش را برای جعفر بن محمد بن عبدالله نخعی، که از

نوادگان مالک اشتر نخعی بود، نقل کرد و از همین جا می‌توان احتمال داد که وی اهل کوفه بود و در این شهر پرورش یافت. اکنون در منابع حدیثی، روایتی از او به چشم نمی‌خورد. به همین دلیل، استادان و شاگردان او برای ما ناشناخته‌اند؛ چنان‌که از تألیفات او نیز خبری گزارش نشده است.

منابع

الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۵۸ / رجال الطوسی، ص ۳۹۲، ش ۵۸۰۰، ص ۴۰۳، ش ۵۹۱۳ / کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۲۰۷، انتهای ب ۳۸، ح ۲.

یوسف بن ابراهیم بن دایه بغدادی مصری (۱۸۰- ۲۶۵ ق)

ابوالحسن یا ابویعقوب، معروف به «ابن دایه» و مشهور به «کاتب» و «حاسب»، نویسنده و ادیب بود. وی در بغداد دیده به جهان گشود و در برخی از منابع متأخر، تاریخ تولدش سال ۱۸۰ هـ ذکر شده است. وفات او در سال ۲۶۵ هـ در مصر اتفاق افتاد. مادر او دایه خلیفه ابواسحاق ابراهیم بن مهدی (حک: ۲۰۱-۲۰۳ ق) بود و به همین سبب، او و فرزندش ابوجعفر احمد بن یوسف را «ابن دایه» خوانده‌اند. پسرش احمد بن یوسف، (م ۳۳۴ ق) از دانشمندان بزرگ و کاتب دستگاه «طولونیان» بود.

وی در بغداد پرورش یافت و چون برادر رضای خلیفه ابراهیم بن مهدی عباسی (م ۲۲۴ ق) بود، از ندیمان خلیفه گشت و ظاهراً از کارمندان دیوانی او بود. وی با دانشمندان و پزشکان مشهوری همچون جبرائیل بن بختیشوع و احمد بن هارون شرابی، که در دستگاه خلیفه رفت و آمد داشتند، رابطه داشت. پس از مرگ خلیفه، در سال ۲۲۵ هـ، وی بغداد را به قصد دمشق ترک گفت و در آنجا ظاهراً با عیسی بن حکم پزشک رابطه یافت، اما در دمشق نماند و راهی مصر شد

و در قاهره اقامت گزید. آن‌گاه به دربار احمد بن طولون (م ۲۷۰ ق) پیوست و در آنجا ضمن دبیری، وظیفه اداره امور مالی را برعهده گرفت.

از شواهد موجود برمی آید که وی فردی شیعی بود؛ زیرا وی از شاگردان اسماعیل بن ابوسهل بن نویخت (از استادان و رهبران امامیه و متوفای ۳۱۱ ق) بود. شیعه بودن دو فرزند وی قاسم و احمد نیز حاکی از گرایش شیعی اوست. همچنین داستانی که یاقوت درباره یاری او به یکی از بزرگان «طالبیان» مصر ذکر کرده است نیز می‌تواند گواه تشیع او باشد.

وی مردی نیکوکار و خیرات او به مستمندان زبانزد همگان بود. گفته می‌شود حسنت و عطایای پنهانی او به دیگران چندان بود که کسی همانند او را ندیده است. به همین سبب، وی نزد اطرافیان خود محبوبیت زیاد داشت و هنگامی که احمد بن طولون (فرمانروای مصر) نسبت به او بدگمان شد و او را به زندان افکند، هواخواهان او به یاری اش برآمدند و از این طولون خواستند که اگر قصد کشتن او را دارد، اینان را نیز با او بکشد تا اینکه سرانجام، این طولون وی را آزاد نمود.

از استادان و شاگردان او اطلاعی در دست نیست، اما محتمل است که وی در ایام جوانی، نزد ابونواس حسن بن هانی (م ۱۹۸ ق) شاگردی کرده باشد؛ چنان‌که احتمال شاگردی او نزد جبرائیل بن بختیشوع (م. ح ۲۱۳ ق) نیز وجود دارد.

چند اثر تألیفی به او نسبت داده‌اند که اکنون هیچ‌یک از آنها در دست نیست؛ از جمله آنها اخبار ابراهیم بن مهدی، اخبار ابی‌نواس و المختار من شعره و اخبار الاطباء مع الملوک هستند.

منابع

الاعلام، ج ۱، ص ۲۱۲ / دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۸۶ / عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۱۶۷، ذیل «جبرائیل بن بختیشوع» / معجم المؤلفین، ج ۱۳، ص ۲۶۶ / هدیه العارفین، ج ۲، ص ۵۴۹.

یوسف بن سخت بصری (ق ۹ - ح ۲۷۵ ق)

ابو یعقوب، محدث شیعی و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود که پدرش «سخت» (به ضم سین و سکون تاء) نام داشت. اما علت این نام‌گذاری برای ما روشن نیست. درباره تولد و وفات او، قراین نشان می‌دهند که وی در اواخر سده دوم یا اوایل سده سوم، در بصره دیده به جهان گشود و تا نیمه دوم سده سوم حیات داشت. احتمالاً با توجه به اینکه برخی از شاگردان او در ۳۲۸ هـ وفات یافته‌اند، وی می‌بایست تا اواسط نیمه دوم سده سوم (ح ۲۷۵ هـ) زنده بوده باشد، اما معلوم نیست محل وفات او در چه شهری بوده است.

وی در بصره پرورش یافت و پس از تحصیلات مقدماتی، مسافرت‌هایی به شهرهای کوفه، بغداد و سامرا داشت و نزد استادان متعددی به فراگیری علوم حدیث و فقه اشتغال یافت. وی در کنار تحصیل، برنج‌فروشی می‌کرد و از این راه هزینه زندگی را تأمین می‌نمود. از شرح حال او، جز موارد اندک و پراکنده‌ای که در لابه‌لای منابع کهن یافت می‌شوند، گزارش دیگری وجود ندارد. آنچه می‌توان درباره او گفت این است که وی در علوم حدیث و فقه به حد کمال رسید و اندوخته‌های قابل توجهی داشت که همین امر باعث شد تا صاحب‌نظران درباره استواری و درستی استماعات او، به بحث و بررسی بپردازند. با تحقیق و بررسی در منابع معتبر، شاید به این نتیجه برسیم که وی در نگاه صاحب‌نظران متقدم، چندان مورد اعتماد معرفی نشده و شنیده‌های و از استحکام کافی برخوردار نیستند، اما باید توجه داشت نخستین کسی که او را متهم به انحراف در عقیده نمود و شنیده‌های را بی‌اعتبار دانست، ابن فضالری (م ۴۱۱ ق) بود که در تضعیف و تخریب شخصیت‌های حدیثی، بی‌پروا بود. بنابراین، نمی‌توان گفته‌های ابن فضالری را درباره او کافی دانست. شاید به همین دلیل، برخی از محققان معاصر (وحید بهبهانی، مامقانی و دیگران) سخنان ابن فضالری را نادیده گرفته و شخصیت مورد بحث را با استناد به برخی از شواهد تاریخی، مورد اعتماد معرفی کرده‌اند.

وی از معاصران و دوستان علی بن عبدالغفار، نماینده امام هادی علیه السلام، بود و مشترکاً در برابر فارس بن حاتم قزوینی (م ۲۵۸ ق)، که به دروغ ادعای نیابت می‌کرد، فعالیت داشتند. روابط نزدیک او با نماینده امام هادی علیه السلام گواه آن است که وی دارای اعتقاد سالمی بود. در ماجرای که علی بن عبدالغفار از جانب امام هادی علیه السلام مأمور شده بود تا کسی در پی فردی به نام علی بن عمرو عطار (کسی که تازه از قزوین آمده بود) بفرستد، هنگامی که علی بن عبدالغفار با صاحب شرح حال رویه‌رو شد، به او گفت: کسی مطمئن‌تر از تو نیافتم تا به دنبال این شخص روانه کنم. علی بن عمرو عطار کسی بود که تازه از قزوین وارد سامرا شده بود و اموالی با خود داشت تا به نماینده واقعی امام علیه السلام برساند. این گزارش گواه آن است که وی از شیعیان مخلص و مورد اعتماد وکیل امام هادی علیه السلام بوده است.

وی در دوران تحصیلی خود، استادان متعددی دید که از جمله آن‌ها، محمد بن جمهور عمی، حمدان بن نصر، علی بن محمد بن سلیمان و علی بن قاسم رضی حسینی بودند. وی همچنین از برخی محدثان سنی همچون سفیان ثوری روایتی درباره فضیلت حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام نقل نموده است. وی شاگردان متعددی تربیت نمود که مشهورترین آن‌ها احمد بن محمد بن خالد برقی (م. ق. ۲۸۰ ق)، ابو عبدالله سیاری بصری (م. ب. ۲۸۰ ق)، سهل بن زیاد آدمی (م. ب. ۲۵۵ ق)، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی (م. ب. ۲۹۳ ق)، محمد بن احمد بن یحیی اشعری و محمد بن مسعود عیاشی (م. ح. ۳۲۸ ق) بودند. وی ظاهراً دارای اثر تألیفی نبوده است. به همین دلیل، نجاشی و طوسی نام او را در فهرست خود ذکر نکرده‌اند.

منابع

اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۹، گ ۱۰۰۸ / تنقیح المقال (حجری)، ج ۳، ص ۳۳۵، ش ۱۳۳۲۳ / جامع الرواة، ج ۲، ص ۳۵۲ / خلاصة الاقوال، ص ۴۱۸، ش ۵ / رجال الطوسی، ص ۴۰۳، ش ۵۸۹۱۴، ص ۴۵۰، ش ۶۳۹۲ / الکافی، ج ۴، ص ۱۴۹، ح ۴ / کفایة الاثر، ص ۱۱۳ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۲، ح ۵۱۵.

فهرست اسامی شخصیت‌ها
(به ترتیب سال وفات / ۲۵۵ - ۳۰۰ ق)

۱۷۸	۲۵۵ ق: زکریا مؤمن قمی اشعری (ع ۱۶۷ - ح ۲۵۵ ق)
۱۰۸	۲۵۵ ق: بکر بن صالح ضبی رازی (ع ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)
۱۹۴	۲۵۵ ق: عباس نجاشی اسدی کوفی (ع ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)
۲۱۲	۲۵۵ ق: عبدالله بن صلت قمی (ع ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)
۲۵۵	۲۵۵ ق: عمران بن محمد بن عمران بن عبدالله بن سعد اشعری (ع ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)
۲۷۳	۲۵۵ ق: قاسم بن یحیی بن حسن بن راشد کوفی (ع ۱۸۰ - ح ۲۵۵ ق)
۱۰۶	۲۵۵ ق: ایوب بن نوح بن دزّج (ب ۱۸۳ - ح ۲۵۵ ق)
۱۶۰	۲۵۵ ق: حسین بن یزید بن محمد بن عبدالملک نغمی نولنی (ع ۱۸۳ - ح ۲۵۵ ق)
۴۳	۲۵۵ ق: احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن داود بن حمدون بغدادی (ع ۱۸۵ - ح ۲۵۵ ق)
۲۹	۲۵۵ ق: ابراهیم بن داود هاشمی یعقوبی (ع ۱۹۰ - ح ۲۵۵ ق)
۹۱	۲۵۵ ق: احمد بن هشام طبری (؟ - ح ۲۵۵ ق)
۱۱۴	۲۵۵ ق: جعفر بن احمد بن وندک رازی (؟ - ح ۲۵۵ ق)
۱۳۲	۲۵۵ ق: جعفر بن مثنیٰ خطیب (؟ - ح ۲۵۵ ق)
۱۳۳	۲۵۵ ق: جعفر بن محمد بن حسین بن علی عسگری بن حسین بن عمر اشرف (؟ - ب ۲۵۵ ق)
۱۳۲	۲۵۵ ق: حسن بن خالد برفی (؟ - ح ۲۵۵ ق)
۱۶۸	۲۵۵ ق: داود بن ابی‌زید نیشابوری (؟ - ح ۲۵۵ ق)
۱۸۴	۲۵۵ ق: سهل بن زیاد ادمی رازی (؟ - ب ۲۵۵ ق)
۱۹۵	۲۵۵ ق: عبدالرحمان بن ابی‌نجران تمیمی کوفی (؟ - ح ۲۵۵ ق)
۲۱۸	۲۵۵ ق: عبدالله بن محمد خُصینی (خُصینی) اهوازی (؟ - ح ۲۵۵ ق)
۲۵۳	۲۵۵ ق: علی بن مهزیار اهوازی (؟ - ۲۵۵ ق؟)
۲۸۷	۲۵۵ ق: محمد بن اسماعیل بن صالح صیمری (؟ - ح ۲۵۵ ق)

- ۲۹۰ . ۲۵۵ ق: محمد بن حسان رازی زینبی (? - ح ۲۵۵ ق)
- ۳۱۸ ۲۵۵ ق: محمد بن قرظ رَجَبي (? - ح ۲۵۵ ق)
- ۳۳۰ ۲۵۵ ق: محمّد بن محمد بصری (? - ح ۲۵۵ ق)
- ۱۸۸ ۲۵۶ ق: طاهر بن حاتم بن ماهویه قزوینی (ع ۱۶۰ - ح ۲۵۶ ق)
- ۱۷۶ ۲۵۶ ق: زبیر بن بکار بن عبدالله بن مصعب بن لایت بن عبدالله بن زبیر بن عوام (۱۷۲ - ۲۵۶ ق)
- ۱۱۱ ۲۵۶ ق: جعفر بن ابراهیم حضرمی (ع ۱۸۰ - ح ۲۵۶ ق)
- ۱۳۱ ۲۵۶ ق: حسن بن جعفر قافانی بغدادی (? - ح ۲۵۶ ق)
- ۱۴۴ ۲۵۶ ق: حسن بن محمد بن بابا قمی (? - ح ۲۵۶ ق)
- ۱۸۰ ۲۵۶ ق: زینب بنت موسیٰ میرقیع (? - ب ۲۵۶ ق)
- ۲۰۲ ۲۵۷ ق: عبدالله بن احمد بن حرب مهزمی عبیدی (ع ۱۷۵ - ۲۵۷ ق)
- ۱۵۷ ۲۵۷ ق: حسین بن سعید بن حنّاد بن سعید بن مهران اهوازی کوفی (۹۱۸۰ - ؟ ۲۵۷ ق)
- ۲۵۷ ۲۵۷ ق: عمر بن فرات بغدادی (? - ح ۲۵۷ ق)
- ۲۹۱ ۲۵۸ ق: محمد بن حسن بن شمعون بصری بغدادی (۱۴۳ - ۲۵۸ ق)
- ۲۶۳ ۲۵۸ ق: فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی (ع ۱۸۳ - ح ۲۵۸ ق)
- ۷۶ ۲۵۸ ق: احمد بن فرات بن خالد بن سعید اصطهبانی رازی (? - ۲۵۸ ق)
- ۱۵۹ ۲۵۸ ق: حسین (حسن) بن سکن اسدی کوفی قرشی (? - ۲۵۸ ق)
- ۲۶۵ ۲۵۸ ق: فضل بن جعفر بن فضل بن یونس اُتباری کوفی (? - ۲۵۸ ق)
- ۳۱۵ ۲۵۹ ق: محمد بن عمرو سوسی کوفی (۱۵۹ - ۲۵۹ ق)
- ۳۹۷ ۲۵۹ ق: محمد بن خالد بن عمر طرابلسی تمیمی (۱۶۲ - ۲۵۹ ق)
- ۳۳۹ ۲۵۹ ق: علی بن سلیمان بن داود رازی (ب ۲۵۹ ق)
- ۱۸۰ ۲۶۰ ق: زینب بنت امام جواد علیه السلام (? - ح ۲۶۰ ق)
- ۶۸ ۲۶۰ ق: احمد بن عامر بن سلیمان بن صالح بن وهب طائی (ب ۱۵۷ - ح ۲۶۰ ق)
- ۳۱۴ ۲۶۰ ق: عبدالله بن طاووس (ع ۱۶۰ - ح ۲۶۰ ق)
- ۱۶۹ ۳۶۰ ق: داود بن سلیمان غازی قزوینی (ع ۱۷۰ - ح ۲۶۰ ق)
- ۲۶۹ ۳۶۰ ق: فضل بن شاذان بن خلیل (ب ۱۷۰ - ۳۶۰ ق)
- ۱۹۲ ۳۶۰ ق: عباس بن موسیٰ وزّاق بغدادی (ع ۱۷۵ - ح ۳۶۰ ق)
- ۱۶۴ ۳۶۰ ق: حمدان بن سلیمان نیشابوری (ع ۱۸۰ - ح ۳۶۰ ق)
- ۱۸۲ ۳۶۰ ق: سندی بن ربیع کوفی (ع ۱۸۰ - ح ۳۶۰ ق)

- ۲۶۰ ق: عبدالعزیز بن مهدی اشعری قمی (ح ۱۸۰ - ح ۲۶۰ ق) ۲۰۰
- ۲۶۰ ق: حسن بن موسیٰ ششاپ کوفی (ح ۱۸۵ - ح ۲۶۰ ق) ۱۴۹
- ۲۶۰ ق: عبدالله بن محمد حجاج اسدی (ح ۱۸۵ - ح ۲۶۰ ق) ۲۱۵
- ۲۶۰ ق: یعقوب بن اسحاق بن صباح بن عمران ... بن اشعث بن قیس کندی (ق ۱۸۵ - ۲۶۰ ق) ۳۴۲
- ۲۶۰ ق: محمد بن عیسیٰ بن عبید بن یطین بن موسیٰ (ح ۲۲۰ - ۲۶۰ ق) ۳۱۶
- ۲۶۰ ق: ابوغنم قزوینی (? - ۲۶۰ ق) ۴۲
- ۲۶۰ ق: احمد (محمد) بن ابونعمان دقیقی کوفی (? - ۲۶۰ ق) ۴۹
- ۲۶۰ ق: احمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن فضل (? - ۲۶۰ ق) ۵۶
- ۲۶۰ ق: اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (? - ح ۲۶۰ ق) ۱۰۰
- ۲۶۰ ق: اسحاق بن محمد نخعی بصری (? - ح ۲۶۰ ق) ۱۰۲
- ۲۶۰ ق: جعفر بن شریف جرجانی (? - ح ۲۶۰ ق) ۱۱۷
- ۲۶۰ ق: حسن بن علی بن نعمان کوفی (? - ح ۲۶۰ ق) ۱۳۹
- ۲۶۰ ق: حسن بن نصر ابرش (? - ح ۲۶۰ ق) ۱۵۱
- ۲۶۰ ق: شاهویه بن عبدالله جلاب (? - ح ۲۶۰ ق) ۱۸۵
- ۲۶۰ ق: علی بن حسن بن محمد طائی جرمی (? - ۲۶۰ ق) ۲۳۵
- ۲۶۰ ق: محمد بن ربیع بن سوید سانی (? - ح ۲۶۰ ق) ۲۹۸
- ۲۶۰ ق: محمد بن صالح ارمزی (? - ح ۲۶۰ ق) ۳۰۲
- ۲۶۱ ق: داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب (ق ۲۰۰ - ۲۶۱ ق) ۱۷۲
- ۲۶۱ ق: ابراهیم بن عبده نیشابوری (? - ح ۲۶۱ ق) ۳۱
- ۲۶۱ ق: احمد بن اسحاق قمی (? - ح ۲۶۱ ق) ۵۴
- ۲۶۱ ق: احمد بن حسین بن قزاز بصری بن ربیع بن ابی نصر سکونی (? - ۲۶۱ ق) ۶۲
- ۲۶۱ ق: محمد بن محمد بن عصام (? - ۲۶۱ ق) ۳۲۲
- ۲۶۲ ق: محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب زینت همدانی کوفی (? - ۲۶۲ ق) ۲۹۴
- ۲۶۲ ق: احمد بن محمد بن زید خزاعی (? - ۲۶۲ ق) ۷۹
- ۲۶۳ ق: محمد بن بکر بن جناح کوفی لزدی (ح ۱۶۳ - ۲۶۳ ق) ۲۸۹
- ۲۶۳ ق: حسن بن محمد بن سماعه (? - ۲۶۳ ق) ۱۴۷
- ۲۶۴ ق: جعفر بن مازن کاهلی طحان (? - ۲۶۴ ق) ۱۲۱
- ۲۶۴ ق: عوانه بن حسین (? - ۲۶۴ ق) ۲۶۲

- ۲۶۵ ق: عمرکی بن علی بن محمد خراسانی بوفکی (ع ۱۸۰ - ح ۲۶۵ ق) ۲۵۹
- ۲۶۵ ق: یوسف بن ابراهیم بن دایه بغدادی مصری (۱۸۰ - ۳۶۵ ق) ۳۳۷
- ۲۶۵ ق: محمد بن عبدالحمید بن سالم عطّار کوفی (ع ۱۸۳ - ب ۲۶۵ ق) ۳۰۸
- ۲۶۵ ق: ابراهیم بن مهزیار (؟ - ۲۶۵ ق) ۳۸
- ۲۶۵ ق: محمد بن محمد بن حمّاد مروزی محمودی (ع ۱۹۵ - ح ۲۶۵ ق) ۲۷۸
- ۲۶۵ ق: یعقوب بن منقوش (ع ۱۹۵ - ح ۲۶۵ ق) ۳۴۶
- ۲۶۵ ق: صالح بن سلمه بن ابی حمّاد رازی (ق ۲۰۰ - ح ۲۶۵ ق) ۱۸۶
- ۲۶۵ ق: ابراهیم بن محمد همدانی (؟ - ح ۲۶۵ ق) ۳۶
- ۲۶۵ ق: احمد بن یوسف بن یعقوب جعفی (؟ - ح ۲۶۵ ق) ۹۹
- ۲۶۵ ق: حمدان (احمد) بن معافی صبیعی کوفی (؟ - ۲۶۵ ق) ۱۶۶
- ۲۶۵ ق: ریّان بن صلت بغدادی خراسانی اشعری (؟ - ح ۲۶۵ ق) ۱۷۲
- ۲۶۵ ق: علی بن جعفر هفائی برمکی (؟ - ۲۶۵ ق) ۲۳۱
- ۲۶۵ ق: محمد بن موسی بن حسن فرات (؟ - ح ۲۶۵ ق) ۳۲۳
- ۲۶۶ ق: محمد بن احمد بن محمد بن رجاه (؟ - ۲۶۶ ق) ۲۸۲
- ۲۶۶ ق: محمد بن عبدالله مسلمی (؟ - ۲۶۶ ق) ۳۱۱
- ۲۶۷ ق: احمد بن هلال کرخی عبرتانی (۱۸۰ - ۲۶۷ ق) ۹۲
- ۲۶۷ ق: عثمان بن سعید عمری (؟ - ح ۲۶۷ ق) ۲۲۹
- ۲۶۷ ق: عمرو بن حرب (؟ - ۲۶۷ ق) ۲۶۱
- ۲۶۸ ق: علی بن جندب بن عبدالله بن جندب کوفی (؟ - ۲۶۸ ق) ۲۳۳
- ۲۶۹ ق: محمد بن حسین بن سعید (؟ - ۲۶۹ ق) ۲۹۶
- ۲۷۰ ق: حسن بن زید بن محمد ... حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام (؟ - ۲۷۰ ق) ۱۳۳
- ۲۷۰ ق: علی بن مهدی بن صدقه قمی زرقی آنصاری (ع ۱۸۰ - ح ۲۷۰ ق) ۲۵۰
- ۲۷۰ ق: علی بن ریّان بن صلت اشعری قمی (ع ۲۰۰ - ح ۲۷۰ ق) ۲۳۷
- ۲۷۰ ق: علی بن محمد حلوی برخفی عجبندی (؟ - ۲۷۰ ق) ۲۴۶
- ۲۷۰ ق: محمد بن احمد بن جعفر قمی عطّار (؟ - ح ۲۷۰ ق) ۲۷۷
- ۲۷۰ ق: محمد بن صالح بن محمد همدانی دهقان (؟ - ب ۲۷۰ ق) ۳۰۳
- ۲۷۱ ق: جعفر بن محمد بن علی بن موسی (۲۲۶ - ۲۷۱ ق) ۱۲۳
- ۲۷۱ ق: عبّاد بن یعقوب رواجش عسقلری اسدی کوفی (؟ - ۲۵۰ یا ۲۷۱ ق) ۱۹۰

- ۲۷۱ ق: عبیداللہ بن اسحاق بن سلام مکاری (ق ۲۷۱ - ۱) ۲۷۷
- ۲۷۲ ق: جعفر بن محمد بن عمر (ق ۱۷۲-۲۷۲) ۱۲۶
- ۲۷۳ ق: ابراہیم بن صالح نخعی (ح ۱۸۸ - ح ۲۷۳) ۳۱
- ۲۷۳ ق: احمد بن عبیداللہ بن ناصح بن ہنجر نحوی کوفی (ق ۲۷۳ - ۱) ۷۱
- ۲۷۴ ق: احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی کوفی (ح ۱۹۶ - ۲۷۴) ۷۷
- ۲۷۴ ق: حکیمہ دختر امام جواد علیہ السلام (ب ۲۰۳ - ۲۷۴) ۱۶۲
- ۲۷۵ ق: عبداللہ بن حمدویہ بیهقی (ح ۱۸۳ - ح ۲۷۵) ۲۱۰
- ۲۷۵ ق: ابراہیم بن ہاشم قمی (ح ۱۹۰ - ح ۲۷۵) ۶۰
- ۲۷۵ ق: احمد بن داود بن سعید فزاری جرجانی (ح ۱۹۵ - ح ۲۷۵) ۶۶
- ۲۷۵ ق: محمد بن اسحاق بن ابراہیم بن مغیرہ بن ماہان قاضی کوفی (۲۱۲ - ۲۷۵) ۲۸۶
- ۲۷۵ ق: احمد بن محمد طبری املی (ق ۲۷۵ - ۱) ۸۶
- ۲۷۵ ق: احمد بن یوسف بن حمزہ بن زیاد جعفی (ق ۲۷۵ - ۱) ۹۸
- ۲۷۵ ق: جعفر بن سہیل صیقل (ق ۲۷۵ - ۱) ۱۱۶
- ۲۷۵ ق: محمد بن احمد بن محمد بن حارث (ق ۲۷۵ - ۱) ۲۸۰
- ۲۷۵ ق: ہارون بن مسلم بن سعدان کوفی (ق ۲۷۵ - ۱) ۳۳۶
- ۲۷۵ ق: یوسف بن سخت بصری (ق ۲۷۵ - ۱) ۳۳۹
- ۲۷۶ ق: عبداللہ بن مسلم بن قتیبہ دینوری (۲۱۳ - ۲۷۶) ۲۲۲
- ۲۷۶ ق: احمد بن حسن مادرانی (ق ۲۷۶ - ۱) ۵۷
- ۲۷۷ ق: یحییٰ بن حسن بن جعفر الحجۃ... الاصفہر بن الامام السجاد علیہ السلام (۲۱۴ - ۲۷۷) ۳۳۸
- ۲۸۰ ق: محمد بن عبدالجبار ابی سہبان قمی شیبانی (ح ۱۹۰ - ح ۲۸۰) ۳۰۶
- ۲۸۰ ق: محمد بن علی بن بلال (ح ۱۹۰ - ح ۲۸۰) ۳۱۲
- ۲۸۰ ق: جعفر بن عبداللہ رأس مغربی علوی محمدی (ح ۱۹۵ - ح ۲۸۰) ۱۱۹
- ۲۸۰ ق: احمد بن محمد بن ستاری (۲۲۰ - ب ۲۸۰) ۸۰
- ۲۸۰ ق: ابراہیم بن محمد بن فارس نیشاپوری (ح ۲۰۱ - ح ۲۸۰) ۳۴
- ۲۸۰ ق: احمد بن ابی طاہر طیفور مروزی خراسانی بغدادی (۲۰۴ - ۲۸۰) ۵۰
- ۲۸۰ ق: احمد بن محمد بن عیسیٰ اشعری قمی (ق ۲۱۷ - ح ۲۸۰) ۸۳
- ۲۸۰ ق: احمد بن عبدالعزیز بن ابی ذلف عجلی کرجی (ق ۲۸۰ - ۱) ۷۰
- ۲۸۰ ق: احمد بن علی بن محمد بن جعفر علوی عقیلی (ق ۲۸۰ - ۱) ۷۳

- ۲۸۰ ق: علی بن عبدالله بن مروان بغدادی (؟ - ۲۸۰ ق) ۲۳۳
- ۲۸۰ ق: عمر بن ابی‌مسلم (؟ - ۲۸۰ ق) ۲۵۶
- ۲۸۰ ق: محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی (؟ - ۲۸۰ ق) ۲۷۵
- ۲۸۰ ق: محمد بن یحیی معاذی نیشابوری (؟ - ۲۸۰ ق) ۲۲۴
- ۲۸۲ ق: علی بن عباس بن جریج / جورجیوس (۲۲۱-۲۸۲ ق) ۲۳۰
- ۲۸۳ ق: علی بن علی بن رزین بن ... عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی کوفی (۱۷۲ - ۲۸۳ ق) ۲۴۴
- ۲۸۳ ق: محمد بن قاسم بن خالد بن یاسر بن سلیمان (۱۹۱ - ۲۸۳ ق) ۳۲۰
- ۲۸۳ ق: ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعید بن مسعود (؟ - ۲۸۳ ق) ۳۳
- ۲۸۳ ق: عبدالرحمان بن یوسف بن خراش مروزی بغدادی (؟ - ۲۸۳ ق) ۱۹۹
- ۲۸۴ ق: ولید بن عبید بن یحیی (۲۰۶ - ۲۸۴ ق) ۲۳۴
- ۲۸۴ ق: احمد بن ابی‌یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح (؟ - ۲۷۸ یا ۱۲۸۲ ق) ۵۳
- ۲۸۵ ق: عبدالرحمان بن احمد بن جبرویه / خیرویه (؟ - ۲۸۵ ق) ۱۹۷
- ۲۸۵ ق: حسین بن اشکیب مروزی (ع ۲۱۰ - ۲۸۵ ق) ۱۵۶
- ۲۸۵ ق: محمد بن یزید بن عبدالاکبر بن عمیر ثمالی ازدی بصری (۲۱۰ - ۲۸۵ ق) ۳۲۷
- ۲۸۵ ق: حسین بن حسن بن ابان قمی (؟ - ۲۸۵ ق) ۱۵۶
- ۲۸۵ ق: محمد بن یزاد رازی بخاری (؟ - ۲۸۵ ق) ۲۳۶
- ۲۸۶ ق: احمد بن محمد بن مروان بن طیب سرخسی (ق ۲۲۵ - ۲۸۶ ق) ۸۴
- ۲۸۷ ق: محمد بن زید بن محمد ... بن زید بن حسن بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام (؟ - ۲۸۷ ق) ۳۰۱
- ۲۸۷ ق: عبدالله بن محمد حنّان جبلائی (۲۳۵ - ۲۸۷ ق) ۲۲۰
- ۲۸۸ ق: علی بن محمد بن زیاد صومری (؟ - ۲۸۸ ق) ۲۴۵
- ۲۹۰ ق: احمد بن میثم بن ابی‌نعیم فضل بن فکون (ع ۲۰۰ - ۲۹۰ ق) ۸۸
- ۲۹۰ ق: قاسم بن هشام لؤلؤی کوفی (ع ۲۰۴ - ۲۹۰ ق) ۲۷۱
- ۲۹۰ ق: حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره بجلی کوفی (ع ۲۰۵ - ۲۹۰ ق) ۱۳۷
- ۲۹۰ ق: احمد بن داود بن وندت نحوی لغوی مهندس (؟ - ۲۸۲ یا ۲۹۰ ق) ۶۷
- ۲۹۰ ق: حسن بن عبید کندی (ق ۲۲۰ - ۲۹۰ ق) ۱۳۵
- ۲۹۰ ق: احمد بن ابراهیم مروانئ (؟ - ۲۹۰ ق) ۴۶
- ۲۹۰ ق: حسن بن احمد مالکی (؟ - ۲۹۰ ق) ۱۳۰
- ۲۹۰ ق: عبدالله بن محمد بن خالد طرابلسی تمیمی کوفی (؟ - ۲۹۰ ق) ۲۲۱
- ۲۹۰ ق: علی بن حسن بن علی بن فضال (؟ - ۲۹۰ ق) ۲۳۳

- ۲۹۰ ق: محمد بن احمد بن نعیم بن شاذان نیشابوری (ق- ح ۲۹۰ ق) ۲۸۳
- ۲۹۰ ق: محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی (ق- ۲۹۰ ق) ۲۹۳
- ۲۹۱ ق: احمد بن یحیی بن سيار کوفی شیبانی (۲۰۰- ۲۹۱ ق) ۹۷
- ۲۹۳ ق: ابراهیم بن اسحاق بن ابی‌بشر احمري نهاوندی (ق- ب ۲۹۳ ق) ۲۷
- ۲۹۳ ق: حسن بن قاسم بن حسین بجلی (ق- ب ۲۹۳ ق) ۱۳۳
- ۲۹۴ ق: عبید بن کثیر بن محمد (بن کثیر) ... بن شریک عامری کلایب وحیدی (ق- ۲۹۴) ۲۲۶
- ۲۹۵ ق: احمد بن حسین بن عبدالملک (ح ۱۹۷- ح ۲۹۵ ق) ۶۱
- ۲۹۵ ق: محمد بن یوسف بن ابراهیم وردانی (ح ۲۰۰- ح ۲۹۵ ق) ۳۲۹
- ۲۹۵ ق: احمد بن علی انصاری (ب ۲۰۳- ۲۹۵ ق) ۷۲
- ۲۹۵ ق: احمد بن علی بن نعمان (ق- ح ۲۹۵ ق) ۷۴
- ۲۹۵ ق: اسحاق بن یعقوب کلینی (ق- ح ۲۹۵ ق) ۱۰۴
- ۲۹۵ ق: جبرئیل بن احمد غاریابی کشی (ق- ح ۲۹۵ ق) ۱۰۹
- ۲۹۵ ق: حسن بن علی خزرجی انصاری سعدی (ق- ح ۲۹۵ ق) ۱۲۰
- ۲۹۵ ق: حسن بن علی زیتونی اشعری (ق- ۲۹۵ ق) ۱۴۲
- ۲۹۵ ق: علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری (ق- ح ۲۹۵ ق) ۲۴۹
- ۲۹۶ ق: موسی بن الامام ابوجعفر محمد الجواد التقی علیه السلام (ق- ۲۹۶ ق) ۳۳۲
- ۲۹۶ ق: عبدالله بن محمد دمشقی شامی (ق- ۲۱۰- ح ۲۹۶ ق) ۳۲۲
- ۲۹۷ ق: عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع بن مالک حمیری (ق- ب ۲۹۷ ق) ۲۰۸
- ۲۹۸ ق: احمد بن یحیی بن اسحاق راوندی بغدادی (ق- ۲۰۵- ۲۹۸ ق) ۹۵
- ۲۹۸ ق: یحیی بن حسین بن قاسم ... ابن طباطبا «الهادی الی الحق» (ق- ۲۲۰- ۲۹۸ ق) ۳۳۹
- ۲۹۸ ق: احمد بن عیسی وشاء بغدادی (ق- ۲۹۸ ق) ۷۵
- ۲۹۸ ق: جعفر بن احمد بن یوسف اودی کوفی (ق- ح ۲۹۸ ق) ۱۱۵
- ۲۹۸ ق: حسین بن احمد بن محمد بن زکریا (ق- ۲۹۸ ق) ۱۵۳
- ۲۹۸ ق: محمد بن زکریا بن دینار غلابی جوهری بصری (ق- ۲۹۸ ق) ۳۰۰
- ۲۹۹ ق: اسماعیل بن عبدالله قمی (ق- ح ۲۹۹ ق) ۱۰۵
- ۲۹۹ ق: جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی (ق- ح ۲۹۹ ق) ۱۱۳
- ۲۹۹ ق: سعد بن عبدالله بن ابی‌خلف اشعری (ق- ۲۹۹ ق) ۱۸۱
- ۲۹۹ ق: محمد بن احمد بن یحیی اشعری (ق- ۲۹۹ ق) ۲۸۵
- ۲۹۹ ق: محمد بن عباس بن عیسی غاضری (ق- ۲۲۹۹ ق) ۳۰۵



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نمایه اشخاص و اعلام

.....	آدم، ۵۶
..... ۳۰۷	آدم بن اسحاق الشعری قمی، ۳۰۷
..... ۳۴۷، ۳۳۹	آدم بن متوکل، ۸۰
..... ۱۳۰، ۴۱	آدم بن محمد قلانسی بلخی، ۲۸۴، ۱۵۵
..... ۱۵۳	آدمی، ۳۰، ۳۸، ۴۱، ۸۲، ۱۰۹، ۱۶۲، ۱۹۰، ۳۰۹
..... ۱۹۷	آدمی، ۳۰، ۳۳۸، ۳۱۰
.....	آدمی زازی، ۱۱۳، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۷، ۳۱۰
..... ۳۵۰، ۲۸۶، ۸۲	آقا بزرگ، ۱۵، ۱۶، ۷۶، ۸۲، ۱۵۹، ۲۴۱، ۳۰۲
..... ۳۳۰، ۴۴، ۳۳	آل سیار، ۸۱
..... ۸۲	آل طاهر، ۸۰، ۸۱
.....	آل طلحه، ۸۸
..... ۷۰	آل یقین، ۳۱۷
..... ۱۷۹، ۶۵، ۳۱	آملی، ۸۶، ۹۲، ۹۷
.....	آمنه، ۱۳۳
..... ۲۶۲	آمنه کبری، ۱۲۰
..... ۲۸۰، ۲۲۹، ۳۱۰، ۱۰۹	ا
..... ۲۳۳	ابانین، ۱۲۴
..... ۲۲۵	اباهباده، ۳۳۴
.....	اباکرین، ۱۲۴
..... ۱۴۷	ابان، ۷۷، ۱۶۸، ۱۵۶، ۱۵۸، ۲۶۱، ۲۷۲
..... ۲۷۶	ابراهیم، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۱
..... ۱۴۷، ۱۲۱	ابراهیم بن محمد بن فرج رنجبی، ۲۷۶
..... ۱۴۰، ۱۱۶، ۱۱۳، ۱۱۱، ۷۹، ۷۴، ۷۳، ۶۲، ۵۶	ابراهیم بن محمد علوی، ۱۴۷، ۱۲۱

ابراهیم بن محمد وکیل همدانی، ۴۱	ابن تاجر، ۱۱۳، ۲۶۰.....
ابراهیم بن محمد همدانی، ۱۶۵	ابن ثوابه، ۲۰۵.....
ابراهیم بن مهدی، ۳۴۷، ۳۴۸.....	ابن جراح، ۵۲.....
ابراهیم بن مهدی عباسی، ۳۳۷.....	ابن جریر طبری شیعی، ۳۱۹.....
ابراهیم بن مهزیار، ۳۹، ۱۰۳، ۲۰۹، ۲۵۴.....	ابن حجر، ۸۱، ۸۵، ۱۲۱، ۱۹۰، ۲۰۲، ۳۱۶.....
ابراهیم بن مهزیار اهوازی، ۸۴، ۱۴۲، ۲۷۵.....	ابن حمزه طوسی، ۱۱۸، ۳۷.....
ابراهیم بن ناجیه، ۱۷۹.....	ابن هوشب، ۱۵۳، ۱۵۴.....
ابراهیم بن نخعی، ۱۰۶.....	ابن خالقان، ۲۶۶.....
ابراهیم بن نصیر کشی، ۱۰۷، ۱۵۱.....	ابن خلدون، ۱۵۴، ۳۴۱.....
ابراهیم بن هاشم، ۳۷، ۶۱، ۶۹، ۱۰۹، ۱۳۳، ۱۶۰.....	ابن داود، ۳۳، ۳۵، ۴۰، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۷، ۶۴، ۶۴، ۸۰.....
۱۷۱، ۱۷۵، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۳۸، ۲۷۴، ۳۳۸.....	۸۶، ۹۱، ۹۴، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۰.....
ابراهیم بن هلال لقی، ۴۰.....	۱۲۲، ۱۲۳، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱.....
ابراهیم بن یوسف کندی، ۹۱.....	۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۸۱، ۱۹۳.....
ابراهیم دهقان، ۳۰۴.....	۲۰۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۳۳، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۶.....
ابراهیم رخصی، ۳۱۹.....	۳۶۵، ۳۷۱، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۹، ۳۹۱.....
ابراهیم عجمی، ۲۷.....	۳۹۷، ۴۰۰، ۴۰۶، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۳۱.....
ابن ابی اسبغ، ۸۵.....	ابن داود حلی، ۱۴۳.....
ابن ابی الشیخ، ۲۳۵.....	ابن درید عثانی، ۲۰۷.....
ابن ابی صهبان، ۳۰۷.....	ابن دزین، ۲۴۵.....
ابن ابی طاهر، ۵۰.....	ابن الرضا، ۳۳۲.....
ابن ابی عمیر، ۳۹، ۵۷، ۸۳، ۹۴، ۱۰۷، ۱۶۷، ۲۳۴.....	ابن الرومی، ۲۴۱، ۲۴۲، ۳۳۵.....
۲۳۳، ۲۳۹.....	ابن رومی، ۵۱، ۲۴۰، ۲۴۲، ۳۳۶.....
ابن ابی عون، ۲۰۸.....	ابن زبیر، ۹۸.....
ابن ابی هراسه، ۲۸، ۳۷.....	ابن سعد، ۷۷.....
ابن اثیر، ۱۷۷.....	ابن سکن، ۱۵۹.....
ابن اثناری، ۹۸.....	ابن سکنیت، ۴۵، ۶۷، ۷۱، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۶۸، ۳۳۴.....
ابن بابا، ۱۴۴، ۱۶۶، ۲۶۶، ۳۳۳.....	ابن سمعان، ۱۲۸.....
ابن بجره، ۲۰۶.....	ابن سینا، ۲۴۲.....

ابن شجرى، ۲۰۸.....	ابن ملك اسفهانى، ۹۵.....
ابن شمون، ۱۴۴.....	ابن ملك معتزلى، ۱۹۸.....
ابن شهر آشوب، ۶۴، ۷۷، ۱۳۲، ۲۱۹، ۲۶۸، ۲۸۸.....	ابن منجم، ۲۰۴.....
ابن طباطبا، ۳۳۹.....	ابن مهزيار، ۲۷۵.....
ابن طولون، ۳۲۸.....	ابن ميشم بهراني، ۲۳۷.....
ابن طيالىسى، ۱۹۴.....	ابن نجار، ۲۲۷، ۲۲۸.....
ابن طيغور، ۵۰، ۲۰۳، ۲۰۴.....	ابن نديم، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۷۲، ۸۶، ۹۵.....
ابن ظافر، ۲۰۴.....	۹۷، ۱۳۰، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۰۸، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۷.....
ابن عاجز، ۱۱۳.....	۲۴۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۰۲.....
ابن عباس، ۹۶.....	۳۱۸، ۳۲۸، ۳۲۹.....
ابن عباس جوهرى، ۲۸۸.....	ابن نهيك، ۲۳۶.....
ابن عبدالبزر، ۲۰۸.....	ابن ولید قمى، ۸۱، ۱۴۳.....
ابن عرفه، ۱۷۳.....	ابن وهبه، ۲۳۸.....
ابن عساکر، ۱۴۱.....	ابن هارون، ۲۰۷.....
ابن عماد، ۳۲۲.....	ابن هلال لطفى، ۳۳.....
ابن عتده، ۶۲، ۶۹، ۹۱، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۲۰.....	ابو احمد، ۱۰۰، ۱۶۹، ۲۳۸، ۳۱۶.....
۱۲۵، ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۵۸، ۳۲۹، ۳۳۰.....	ابو احمد صيرفى، ۲۶۱.....
ابن علويه اسفهانى، ۷۱.....	ابو احمد عبدالعزيز بن يحيى جلوى، ۳۰۰.....
ابن عون اسدى رازى، ۲۸۴.....	ابو احمد قاسم بن محمد همدانى وكيل، ۲۸.....
ابن غفارى، ۸۱، ۸۷، ۹۴، ۱۶۱، ۳۴۹.....	ابو اسحاق، ۲۷، ۳۳، ۴۰، ۹۶.....
ابن فرات، ۳۲۳، ۳۶.....	ابو اسحاق ابراهيم بن مهدى، ۳۲۷.....
ابن فثال، ۱۵، ۵۷، ۱۷۹، ۳۱۷.....	ابو اسحاق ابراهيم بن مهزيار اهوازى، ۸۴.....
ابن قتيبه، ۸۹، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۰.....	ابو اسحاق اهوازى، ۳۸.....
ابن قولويه، ۳۹.....	ابو اسحاق بن عباس، ۹۵.....
ابن كيسان نحوى، ۳۲۸.....	ابو اسحاق الزجاج نحوى حنبلى، ۳۲۸.....
ابن ماجه، ۱۹۱.....	ابوالبختري مؤذنب، ۱۳۲.....
ابن ماهويه قزوینى، ۱۸۹.....	ابوبشر سندی بن محمد بزّاز كوفى، ۷۴.....
ابن معتز، ۵۰، ۲۰۶.....	ابو بصير، ۱۰۹، ۲۱۶.....

ابوبکر، ۱۷۲، ۲۲۴، ۲۷۰، ۳۴۴	ابوالحسن عبیداللہ، ۲۲۴
ابوبکر احمد بن بطنہ، ۷۷	ابوالحسن علی، ۳۲۴
ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوہری، ۳۰۰	ابوالحسن علی بن اسباط کوفی، ۹۹، ۱۵۰
ابوبکر بن ابی الدنیا، ۱۷۷	ابوالحسن علی بن حسن بن علی بن فضال، ۵۶
ابوبکر جمالی بغدادی، ۶۹	ابوالحسن علی بن عباس نوبختی، ۲۴۲
ابوبکر محمد بن ابی زہر بوشنجی، ۸۵	ابوالحسن علی بن قادم خزاعی کوفی، ۷۶
ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمہ، ۱۹۰	ابوالحسن علی بن محمد بن عبید، ۹۸
ابوبکر محمد بن علی المبرمان، ۳۲۸	ابوالحسن علی بن یحییٰ بن جعفر، ۳۰۰
ابوتمام، ۴۱، ۴۵، ۵۱، ۲۰۷، ۲۲۸، ۲۵۸، ۲۸۶	ابوالحسن محدث بن علی مرعش، ۱۶۳
۲۸۸، ۳۳۴، ۳۳۵	ابوالحسن محمد معاذی، ۳۲۵
ابوالجارود، ۲۸۹	ابوالحسین، ۵۶، ۸۸، ۱۸۶، ۳۳۸
ابوجعفر، ۱۵، ۳۲، ۳۹، ۶۱، ۷۱، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۸۸، ۹۲	ابوالحسین یزید کوفی، ۲۶۲
۱۱۰، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۳۰، ۲۵۸، ۲۶۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۱	ابوالحسین عبدالصمد بن علی بن مکرم، ۲۲۶
۲۸۵، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶	ابوالحسین عقیقی، ۳۳۹
۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۷	ابوالحسین قاسم بن عبیداللہ، ۲۴۱
ابوجعفر بعلی، ۲۸۲	ابوالحسین محمد بن علی بن محتر، ۱۶۷
ابوجعفر صانع، ۲۹۶	ابوالحسین نخمی کوفی، ۱۰۶
ابوجعفر محمد، ۱۵، ۱۴۴، ۲۶۴، ۳۳۲	ابوحرب، ۳۳۳
ابوجعفر یقطینی، ۳۱۶	ابوحزمہ بن سلیمان، ۱۷۰، ۱۷۱
ابوالجهم بن طللاب، ۳۱۶	ابوحنیفہ دینوری، ۶۷
ابوہامد، ۴۶، ۴۸، ۱۶۶، ۲۷۸	ابوخالد کابلی، ۱۲۵
ابوالحسن، ۳۶، ۳۷، ۵۷، ۸۸، ۹۵، ۹۹، ۱۶۹، ۲۳۶	ابوالخطاب، ۲۹۵، ۲۹۶
۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۶۴	ابوالخطاب محمد بن ابی زینب مقلاس، ۲۹۵
۲۸۰، ۲۸۸، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۷	ابوالخیر، ۱۶۴، ۱۸۶
ابوالحسن اسدی رازی، ۵۸	ابوداؤد، ۷۷
ابوالحسن بن بلال، ۳۱۴	ابوداؤد طرابلسی، ۷۷، ۷۶
ابوالحسن فارقطنی، ۲۰۶	ابودلف، ۷۰
ابوالحسن عباس بن علی بن جعفر، ۱۲۰	ابورید، ۳۴۵

ابوظاهر بن بلال، ۳۲۵	ابوزکریا اعور، ۳۱۷
ابوظاهر بن بلبل (بلال)، ۲۳۳	ابوزکریا یحیی بن ابی بکر، ۲۶۹
ابوظاهر محمّد بن نسیم قرشی، ۹۲	ابوزکریا یحیی بن محمّد رازی، ۳۳۶
ابوطیب بن بلال، ۳۱۲	ابوزید احمد بن سهل بلخی، ۳۴۵
ابوعباد، ۳۳۵، ۳۳۴	ابوزید بلخی، ۱۷۸
ابوعباده بختری، ۲۸۶، ۲۴۲	ابوزید خالد بن یزید عکلی، ۱۹۱
ابوالعبّاس، ۴۵، ۷۰، ۷۵، ۸۴، ۹۷، ۱۵۳، ۲۰۸، ۲۲۱	ابوزید سعید بن اوس انصاری، ۳۲۲
..... ۳۲۷، ۳۴۱	ابوسعید، ۱۱۳، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۸۴، ۱۹۰، ۲۲۶
ابوالعبّاس احمد بن حسین نجاشی، ۱۵	ابوسعید بن محمود هروی، ۲۸۴
ابوالعبّاس احمد بن حنّاه مروزی، ۲۷۹	ابوسعید سهل بن زیاد اسی، ۳۰
ابوالعبّاس احمد بن عقده، ۲۰۰	ابوسعید عبدالملک اصمعی، ۲۰۳
ابوالعبّاس احمد بن علی بن احمد بن عبّاس نجاشی، ۱۹۴	ابوسعید محمّد بن حسن بن صلت قمی، ۲۱۲
ابوالعبّاس احمد بن محمّد دینوری، ۱۵۸	ابوسعید محمّد بن فضل بن اسحاق نیشابوری، ۱۴۱
ابوالعبّاس احمد بن یحیی، ۱۷۷	ابوسعید مکاری، ۱۷۹
ابوالعبّاس اشباری، ۲۲۷	ابوسلیمان، ۱۶۸
ابوالعبّاس بن عقده، ۶۱	ابوسلیمان احمد بن نصر بن سعید باهلی، ۲۸
ابوالعبّاس ثعلب، ۴۵، ۵۱، ۲۲۲، ۳۲۸	ابوسمینه محمّد بن علی طائی، ۱۹۰
ابوالعبّاس سفّاح، ۲۱۵	ابوسهل اسماعیل نوبختی، ۲۳۷
ابوالعبّاس صیرفی، ۱۷۷	ابوسهل القحطان، ۲۰۰
ابوالعبّاس طرنازی، ۲۶۴	ابوشعیب صالح بن خالد محاملی، ۶۳
ابوالعبّاس عبدالله بن محمّد بن خالد، ۲۹۸	ابوشعیب محمّد بن نصیر نمیری، ۲۲۰، ۲۵۸
ابوالعبّاس عبدالله بن محمّد معتز، ۲۴۱	ابوصقتر، ۵۱
ابوالعبّاس میزد، ۵۱، ۹۷، ۲۰۴، ۳۲۸، ۳۳۶	ابوصلت، ۱۳۱، ۱۴۱
ابوالعبّاس محمّد بن جعفر رزازی، ۲۹۴، ۲۹۵	ابوصلت عبدالسلام بن صالح هروی، ۷۲
ابوالعبّاس نجاشی، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۱۷	ابوصلت عبدالسلام بن صالح هروی، ۱۴۱، ۱۶۵
ابوسعبدالله، ۴۳، ۵۶، ۶۴، ۸۶، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۹	ابوصلت هروی سنّی، ۱۰۹
۱۲۱، ۱۲۴، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۷۶، ۱۷۸، ۲۸۳	ابوطالب، ۷۳، ۱۳۱، ۱۷۲، ۲۱۲
۳۸۹، ۲۹۰، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۲۰	ابوظاهر، ۵۰، ۳۱۲، ۳۱۴

ابوعبدالله اشعری، ۳۳۱.....	ابوعلی احمد بن مفضل کوفی، ۶۲.....
ابوعبدالله برقی، ۲۸.....	ابوعلی اشعری، ۱۳۶، ۳۰۷، ۳۳۱.....
ابوعبدالله بصری اصفہانی کاتب، ۸۰.....	ابوعلی بصیر، ۵۱، ۲۰۳، ۲۶۵.....
ابوعبدالله جعفر بن محمد کوفی دلال، ۸۷.....	ابوعلی بصیر حسن بن مظفر نیشاپوری، ۲۶۹.....
ابوعبدالله حسن بن موسیٰ بن جعفر <small>رضی اللہ عنہما</small> ، ۱۰۳.....	ابوعلی بصیر فضل بن جعفر، ۲۰۴.....
ابوعبدالله حکیمی، ۳۲۲.....	ابوعلی بن اسعد، ۳۱۵.....
ابوعبدالله سیاری بصری، ۳۵۰.....	ابوعلی بیہقی، ۲۷۰.....
ابوعبدالله شاذلی، ۲۸۰، ۲۸۳.....	ابوعلی جنابی، ۱۹۸.....
ابوعبدالله شیخی، ۱۵۳.....	ابوعلی حسن بن محبوب زراد، ۱۵.....
ابوعبدالله کندی، ۲۶۴.....	ابوعلی حسین بن حسن، ۳۱۹.....
ابوعبدالله محمد بن ابراہیم، ۳۵.....	ابوعلی داعی، ۱۵۳.....
ابوعبدالله محمد بن ابی القاسم عبیداللہ، ۷۷.....	ابوعلی دعبل خزاعی، ۲۴۴.....
ابوعبدالله محمد بن خالد برقی، ۱۳۲.....	ابوعلی ریان بن حلتہ، ۲۳۷.....
ابوعبدالله محمد بن خالد بن عمر طائسی تمیمی، ۲۲۱.....	ابوعلی صبیح صانغ، ۲۹۰.....
ابوعبدالله محمد بن یزید قزوینی، ۱۹۱.....	ابوعلی فارسی، ۳۲۸.....
ابوعبیدہ معمر بن منہ، ۳۲۲.....	ابوعلی محمد بن ہمام اسکافی، ۴۲، ۴۱.....
ابوعبیدہ نحوی، ۲۲۸.....	ابوعمران موسیٰ بن نجویہ ارمی، ۲۹۱.....
ابوعثمان جاحظ، ۲۰۴، ۲۲۵، ۲۶۷، ۲۶۸.....	ابوعمر جریمی، ۳۲۸.....
ابوعثمان سعد بن حسین ناچم، ۲۴۲.....	ابوعمر، ۲۲۹، ۲۷۶.....
ابوعثمان مازنی، ۳۲۷، ۳۲۸.....	ابوعمر و زاہد مطرز، ۹۸.....
ابوعثمان ناچم، ۳۳۶.....	ابوعمر و سمان اسدی، ۲۲۹.....
ابوعصام عسقلانی، ۳۲۳.....	ابوعمر و عثمان بن سعید عمری، ۲۷۶.....
ابوعصام مزنی، ۳۲۳.....	ابوعمر و کثنی، ۳۷، ۳۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۵۵.....
ابوعصیدہ، ۷۱.....	ابوعمر و، ۲۷۰، ۲۸۵.....
ابوعصیدہ نحوی دیلمی الاصل، ۷۱.....	ابوالعنابس صیمری، ۲۸۶، ۳۳۵.....
ابوعلی، ۹۵، ۱۴۷، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۴۹، ۲۵۱.....	ابوعون ابرش، ۱۵۱.....
ابوعلی احمد بن ادریس اشعری، ۱۳۸.....	ابوعیسیٰ، ۹۶، ۳۲۴.....
ابوعلی احمد بن حسین بن اسحاق، ۳۰۰.....	ابوعیسیٰ عبدللہ بن فضل بن ہلال طائی، ۷۵.....

ابومحمد حسن بن راشد، ۲۷۳	ابوعیسی وزاقی، ۹۵
ابومحمد حسن بن علی حبال، ۲۱۶	ابوعیسی یهودی اهوازی، ۹۶، ۹۵
ابومحمد حسن هادی، ۲۸۸	ابوالعیناء، ۵۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۶۷، ۳۲۰، ۳۲۱
ابومحمد حکم بن مسکین کوفی، ۱۵۰	ابوغالب زراری، ۲۰۸، ۳۱۴
ابومحمد درسته، ۳۲۸	ابوغانم، ۴۲
ابومحمد دنقانی، ۳۳۹	ابوالقوث، ۳۳۵
ابومحمد شریعی، ۹۲	ابوالقوث یحیی بن ابیعباده البهتری، ۳۳۵
ابومحمد عبید بن محمد بن قیس بجلي، ۱۹۱	ابوالفتح عثمان بن جنی، ۳۲۸
ابومحمد عسگری، ۱۹۷	ابوالفرج اصفهانی، ۸۶، ۲۰۶
ابومحمد کندی کوفی صیرفی حصرمی، ۱۴۷	ابوالفضل، ۵۰، ۱۲۳، ۱۹۲، ۱۹۵
ابومخنف، ۳۴	ابوالفضل بن عمید، ۱۰۵
ابومسعود، ۷۶	ابوالفضل عباس بن عامر قمیانی، ۱۴۸
ابومششر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۳۳۵	ابوقاسم، ۱۶، ۱۸۱، ۳۳۶
ابومطیب، ۳۱۳	ابوقاسم ابراهیم بن محمد الصانع، ۲۲۵
ابوالفضل شیبانی، ۲۹۶، ۲۹۷	ابوقاسم بلخی، ۹۵
ابوموسی عیسی بن هشام، ۹۶	ابوقاسم حسین بن روح، ۳۱۳
ابونجران، ۱۹۵	ابوقاسم سلیمان بن مخلد، ۱۲۸
ابونصر سکونی، ۶۳	ابوقاسم طاهر، ۳۳۹
ابونصر قارایی، ۱۲۸	ابوقاسم عبدالله بن احمد بن عامر، ۶۹
ابونصر همدانی، ۱۶۴	ابوقاسم عبدالله بن احمد کعبی، ۹۵
ابوالنضر عیاشی، ۲۷۲	ابوقاسم علی بن احمد خدیجی کوفی، ۶۲
ابونعیم، ۸۸، ۸۹	ابوقاسم فضل بن خالد، ۱۳۲
ابونواس، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۷، ۳۳۸	ابوالصالحین الخلیف اصر، ۲۲۲
ابوهاشم، ۱۷۲، ۱۷۳	ابومحمد، ۳۳، ۱۰۹، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۷
ابوهاشم جیبانی، ۹۵	۱۸۶، ۱۹۹، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۵۹
ابوهاشم جعفری، ۵۵، ۱۷۳، ۱۹۶، ۲۲۸، ۳۰۲	ابومحمد ازدی، ۲۶۹
ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، ۱۰۳، ۴۱	ابومحمد یکر بن جناح، ۲۸۹
ابوهزیر، ۲۰۶	ابومحمد جعفر بن معروف، ۱۴۰

ابوهفان، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶.....	احمد بن ابراهیم مراغی ← ابوحامد.....
ابوهلال عسکری، ۱۹۷.....	احمد بن ابی طاهر، ۲۰۳.....
ابویحیی، ۶۴.....	احمد بن ابی طاهر طیغور مروزی خراسانی بغدادی ← ابن طیغور.....
ابویعقوب، ۱۰۲، ۱۳۷، ۳۲۹.....	احمد بن ابی عبدالله، ۱۰۵، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۶۲، ۱۷۹، ۱۸۷، ۲۳۸، ۲۸۰، ۳۲۴.....
ابویوسف، ۳۲۲.....	احمد بن ابی نصر بزنطی، ۹۰، ۲۱۳، ۲۲۳، ۳۱۰.....
ابی جمیل مفضل بن صالح، ۳۱۰.....	احمد بن ادريس، ۲۹۵.....
ابی حجر، ۲۶۷.....	احمد بن ادريس اشعری، ۱۳۸.....
ابی صهبان، ۹۰، ۳۰۶، ۳۰۷.....	احمد بن ادريس قمی، ۸۴، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۷، ۲۳۸، ۲۸۰، ۳۲۴.....
ابی عبدالله برقی، ۱۰۵، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۶۲، ۱۷۹.....	احمد بن اسحاق، ۱۲۶، ۱۸۱.....
ابی معاویه، ۳۱۶.....	احمد بن اسماعیل بن عبدالله، ۱۰۵.....
ابی معشر، ۱۲۸.....	احمد بن بطنه، ۷۷، ۱۳۲، ۲۸۱.....
ابی نصر سکونی، ۶۲.....	احمد بن حاتم، ۸۷، ۱۸۹، ۲۶۳.....
ابی هراسه، ۲۷، ۲۸، ۱۷۹.....	احمد بن حسن، ۳۶، ۶۲.....
اجازة حدیث، ۳۳۱.....	احمد بن حسن بن اسماعیل واقفی، ۱۵۰.....
احمد، ۱۵، ۲۰، ۲۸، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۸.....	احمد بن حسن بن علی بن فضال، ۲۳۳، ۲۹۳.....
۶۲، ۶۳، ۶۹، ۷۲، ۷۵، ۸۵، ۸۸، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۷.....	احمد بن حسن میثمی، ۱۱۳.....
۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۰.....	احمد بن حسین، ۶۲، ۱۵۹، ۲۴۴.....
۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۶، ۱۷۳.....	احمد بن حسین بن اسحاق، ۳۰۰.....
۱۷۷، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۴.....	احمد بن حسین بن سعید، ۱۵۸.....
۲۱۷، ۲۲۳، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۶۰.....	احمد بن حسین رُحَیجی، ۳۱۹.....
۲۷۳، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۳، ۳۰۵، ۳۰۷.....	احمد بن حسین نجاشی، ۱۵.....
۳۱۰، ۳۱۳، ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۴۳.....	احمد بن حماد مروزی، ۸۲، ۱۰۱، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۴.....
احمد برقی، ۵۸، ۸۳.....	احمد بن حمزة بن یسع، ۳۶.....
احمد بن ابراهیم، ۱۶۳، ۱۶۴.....	احمد بن حنبل، ۷۶.....
احمد بن ابراهیم بن معنی شیخی، ۲۴۸.....	احمد بن خالد، ۳۳، ۴۱، ۷۷، ۷۸، ۱۲۲، ۱۳۳، ۲۰۹.....
احمد بن ابراهیم دورقی، ۲۰۰.....	

- احمد بن خضیب، ۲۹۹ احمد بن علی، ۷۴، ۲۱۲
- احمد بن داود بن سعید انزلی جرجانی ← ابویحیی احمد بن علی بن احمد بن عباس نجاشی، ۱۹۴ .
- احمد بن داود بن ویند نحوی لغوی مهندس ← احمد بن علی بن کلثوم سرخسی، ۱۰۳
- ابوهنیفه دینوری احمد بن علی بن محمد عقیقی، ۱۵
- احمد بن زکریا سیدلانی، ۸۲ احمد بن علی بن نعمان، ۱۳۹
- احمد بن سعید بن عقده، ۱۴۴ احمد بن علی تفلیسی، ۳۸
- احمد بن سهل بلخی، ۳۴۵ احمد بن علی عقیقی، ۳۳۹
- احمد بن صدقه کاتب انباری، ۱۰۳ احمد بن عمر بن کسبه، ۲۸۹، ۲۳۶
- احمد بن طاهر قمی، ۷۵ احمد بن عمر حلال، ۲۱۹
- احمد بن طولون، ۳۴۸ احمد بن عمیر بن جوصاء، ۳۱۶
- احمد بن طیب سرخسی، ۱۲۸، ۳۳۵ احمد بن عیسی بن زید، ۳۰۰
- احمد بن عامر بن سلیمان بن صالح بن وهب طائی احمد بن عیسی علوی حسینی، ۱۹۱
- ← ابوجهم احمد بن فوات بن خالد بن مسعود بن اصلهانی رازی
- احمد بن عباس نجاشی، ۱۹۴ ← ابومسعود
- احمد بن عبدالسلام، ۳۲۸ احمد بن فضال، ۵۷
- احمد بن عبدالعزیز بن دلف العجلی، ۳۲۲ احمد بن فضل کناسی، ۸۲
- احمد بن عبدالعزیز جوهری، ۳۰۰ احمد بن محمد، ۹۲، ۱۱۸، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۰، ۲۲۲
- احمد بن عبدالعزیز رازی، ۱۸۴ ۲۳۲، ۲۸۲، ۳۲۶
- احمد بن عبدالله بن مروان انباری، ۲۲۳ احمد بن محمد برقی، ۱۷۳
- احمد بن عبدالله بن مسلم، ۲۲۴، ۲۲۵ احمد بن محمد بن ابی نصر، ۱۴۰، ۲۱۶، ۳۳۱
- احمد بن عبدالله حمال کوفی (کرخی)، ۲۱۶ احمد بن محمد بن نبوی، ۶۵
- احمد بن عبدالله کوفی، ۲۷ احمد بن محمد بن حسین بن سکن، ۱۵۸
- احمد بن عبدون، ۷۴ احمد بن محمد بن خالد برقی کوفی ← خالد برقی
- احمد بن عبدالله بن ناصح بن یزید نحوی کوفی ← احمد بن محمد بن ریاح، ۲۹۷
- ابوعصیده احمد بن محمد بن سعید، ۹۹، ۱۱۶، ۱۳۵، ۲۳۵
- احمد بن عبدالله لقی، ۲۴۱ احمد بن محمد بن سیاری ← سیاری
- احمد بن عقده، ۲۰۰ احمد بن محمد بن عبدالله، ۱۷۳
- احمد بن علویه اصلهانی، ۳۲ احمد بن محمد بن عیسی، ۳۷، ۳۸، ۴۱، ۷۸، ۱۰۹

۱۱۲، ۱۲۳، ۱۵۸، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۹۳، ۱۹۴، احمد دینوری سراج، ۵۸	
۱۹۶، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۵۶، ۲۷۴، ۲۸۱، احمدی نھاوندی، ۲۸، ۲۷	
۲۸۵، ۲۹۳، ۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۵، احمدی، ۱۹۳	
احمد بن محمد بن محمود، ۱۳۶	احوص اشعری، ۱۶۵
احمد بن محمد بن مروان بن طیب سرخسی کے سرخسی	احول، ۱۵۸
احمد بن محمد بن یحییٰ، ۱۸۱، ۲۰۹	انصاری، ۲۲۷، ۳۰۳
احمد بن محمد بن یعقوب، ۳۷۲	انفث اصغر، ۲۴۲
احمد بن محمد حسینی اہوازی، ۲۱۸	انفث صغیر، ۹۸
احمد بن محمد خلیلی، ۳۰۵	اذکوئین، ۵۷، ۵۹، ۶۰
احمد بن محمد طبری املی کے خلیلی	ارسطو، ۳۴۵
احمد بن محمد یعقوب بیہقی، ۲۱۱	ارمنی، ۳۰۲
احمد بن مروان، ۲۲۵	ازرقہ، ۲۴۸
احمد بن مہمان ثعلبی، ۲۳۲	ازدواج مولتہ، ۱۲۰، ۱۹۳، ۳۲۱
احمد بن مفضل خزاعی، ۲۳۰	ازدی، ۵۵، ۲۱۳، ۲۵۴، ۲۶۹، ۲۸۹، ۳۲۷
احمد بن مفضل کوفی، ۶۲	اسباط بن محمد، ۳۱۶
احمد بن موسیٰ شامہراج، ۳۳۳	اسحاق، ۲۷، ۵۱، ۷۳، ۸۲، ۹۵، ۱۱۰، ۱۲۷، ۱۲۹،
احمد بن میثم، ۸۸، ۲۷۲	۱۴۱، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۹۰، ۲۲۷، ۲۸۶، ۳۰۰، ۳۰۷،
احمد بن نصر بن سعید باہلی، ۲۸	۳۳۳، ۳۵۰
احمد بن ہارون شراہی، ۳۴۷	اسحاق بن ابراہیم، ۴۱، ۲۱۸، ۲۵۳، ۲۸۶
احمد بن ہشام طبری، ۸۷	اسحاق بن ابراہیم حسینی، ۱۵۸
احمد بن ہلال، ۳۷، ۹۶، ۹۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۲۲۹	اسحاق بن ابراہیم موصلی، ۱۷۷
۲۳۰، ۳۱۴، ۳۲۰	اسحاق بن اسماعیل نیشابوری، ۳۰۳
احمد بن ہلال کرخی عبرتائی کے عبرتائی	اسحاق بن جعفر، ۵۳، ۳۰۷
احمد بن ہشام ساسی، ۵۱	اسحاق بن حنظل، ۷۳
احمد بن یحییٰ بن اسحاق راوندی یغدائی کے	اسحاق بن راہویہ، ۲۲۵
راوندی یغدائی	اسحاق بن صبیح، ۳۴۴
احمد بن یحییٰ بن سیار کوفی شیبانی کے لعلب نحوی	اسحاق بن عبداللہ قمی، ۵۴
احمد بن یوسف، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۵، ۳۲۷	اسحاق بن عمار، ۱۲۳، ۲۸۹

اسحاق بن محمد، ۱۷۰، ۲۵۷، ۲۹۲.....	اسماعیل بن مهران کوفی، ۱۰۰.....
اسحاق بن محمد بصری، ۲۷۶.....	اسماعیل بن همام، ۵۷.....
اسحاق بن محمد نخعی، ۱۷۳، ۱۸۶، ۲۹۹.....	اسماعیلیه، ۱۹، ۱۵۳، ۱۵۴.....
اسحاق بن یزید، ۶۲.....	اشعث کندی، ۱۳۶، ۳۳۲، ۳۴۴.....
اسحاق بن یعقوب کلینی ← کلینی.....	اشعری، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۸، ۵۵، ۶۲، ۷۳، ۸۴، ۱۰۴.....
اسحاق قمی، ۵۴، ۸۰.....	۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰.....
اسد بن خزیمه، ۱۲۱، ۳۱۶.....	۱۲۲، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۴.....
اسدی، ۲۸، ۱۳۸، ۱۵۹، ۱۷۳، ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۱۵.....	۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵.....
۲۱۶، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۶۱، ۲۸۲.....	۱۹۶، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰.....
اسکافی، ۳۱، ۱۳۱.....	۲۵۵، ۲۵۶، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۱۸، ۳۱۹.....
اسماعیل، ۴۳، ۴۴، ۶۵، ۶۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۵.....	۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۵۰.....
۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۵۰، ۱۶۵، ۱۹۱، ۱۹۶.....	اشعریان، ۸۳، ۱۲۲، ۱۲۴، ۲۰۱، ۲۱۷، ۲۵۵.....
۲۰۱، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۷۰، ۲۸۷.....	اشعری قمی، ۸۳، ۱۱۲، ۱۸۱، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۳۷.....
۲۸۸، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۳۱، ۳۳۰.....	۳۳۸، ۳۸۱، ۳۹۰، ۳۰۷، ۳۱۰.....
اسماعیل بن ابان، ۲۷۲.....	اشعریه، ۳۳۲.....
اسماعیل بن ایوسهل بن نویخت، ۳۳۸.....	اصفهانی، ۳۴، ۷۱، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۶، ۱۳۲، ۱۹۸، ۲۰۶.....
اسماعیل بن ابی زیاد، ۱۳۸، ۱۶۱.....	الاصم، ۲۹۲.....
اسماعیل بن ابی زیاد سکونی، ۱۶۱.....	اصمی، ۷۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۷.....
اسماعیل بن جعفر، ۱۹.....	اصول چهار صد گانه شیعه، ۶۹.....
اسماعیل بن سهل، ۲۷۰.....	اطروش، ۳۴۱.....
اسماعیل بن عامر، ۶۲.....	اعتزال، ۳۳۳، ۳۴۴.....
اسماعیل بن عباد لثری، ۱۰۹.....	اعرج، ۲۹۳.....
اسماعیل بن عبدالله بن جعفر، ۱۶۱.....	اعور، ۳۱۷.....
اسماعیل بن عبدالله کوفی، ۱۰۵.....	اغالبه، ۱۵۳.....
اسماعیل بن علی خزاعی، ۲۴۴.....	افلاطون، ۳۴۵.....
اسماعیل بن عمار صیرفی، ۱۲۳.....	افندی، ۱۳۴.....
اسماعیل بن محمد، ۲۹۰، ۳۳۲.....	افز احمد، ۳۴۵.....
اسماعیل بن مهران، ۷۹، ۹۹، ۱۸۴، ۱۸۷، ۲۳۵.....	امامیه، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۹۰، ۹۳، ۹۴.....

۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۷۰، ۱۹۰، ۱۹۱	ا
۱۹۸، ۲۰۸، ۲۲۶، ۲۳۷، ۲۶۱، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۹۳	آبناه الدوله، ۵۰
۳۰۰، ۳۳۴، ۳۴۸	أجدل الناس، ۲۱۷
۲۵۵	أزجانی، ۲۸۳
۱۷۲	أنماض، ۳۱، ۲۶۲
۲۰۶	أود بن صعب بن سعد بن منبج، ۶۱، ۱۱۵
۹۰	أودی، ۶۱، ۶۲، ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۱۶
۱۸۰، ۳۳۳	أهلبلجه، ۱۶۷
۳۳۲	ب
۸۶، ۳۱۷	بابا، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۲۶۴، ۳۳۳
۳۳۴	بابیت، ۹۳، ۱۴۴
۶۶، ۱۷۳	بارع، ۱۹۹، ۲۴۷
۱۶۲	باهله، ۱۳۳
۹۸، ۷۲، ۱۰۳، ۲۴۳، ۲۶۵، ۳۳۵	باهلی، ۲۷، ۲۸، ۲۰۵
۷۳، ۷۸، ۱۲۶، ۱۳۵، ۱۶۴، ۱۷۷، ۲۲۱	بجلی، ۱۳۷، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۸۲
۲۳۹، ۲۶۹، ۲۲۵	۲۸۳، ۳۰۹، ۳۱۰
۲۸، ۷۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۲۵۰، ۳۲۲	بجوله، ۱۳۳، ۳۰۹
۷۴، ۱۵۷، ۱۷۹	بختری طائی، ۵۱، ۲۰۴، ۲۶۷، ۳۳۴
۵۰	بضاری، ۱۹۱، ۲۸۰، ۳۳۶
۱۳۰، ۳۳۲	بندر، ۸۵
۳۷، ۳۸، ۸۴، ۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۹، ۱۳۸	برائی، ۳۶، ۳۲۷
۱۵۰، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۱۴	برادرزاده طاهر، ۳۳۹
۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۷۵	براه بن محمّد کوفی، ۱۰۷
۱۴۲، ۱۵۷، ۳۰۷	بربر، ۱۵۳
۱۷۹	برقمی، ۲۴۶، ۳۳۳
۳۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۶۲	برقه، ۷۸، ۷۹، ۲۵۱
۱۶۵، ۲۰۹، ۲۳۵، ۲۴۳، ۳۱۴	برقی، ۱۵، ۲۸، ۳۳، ۴۱، ۴۲، ۵۸، ۷۳، ۸۳، ۱۰۵
	۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۴۹

بکر بن صالح، ۱۸۷	۲۱۶، ۲۰۹، ۲۰۱، ۱۹۶، ۱۸۷، ۱۷۳، ۱۶۲، ۱۵۸
بکر بن محمد ازدي، ۲۱۳	۲۹۳، ۲۸۶، ۲۸۰، ۲۷۴، ۲۵۶، ۲۵۱، ۲۳۸، ۲۱۷
بکر بن محمد صيرفي، ۲۰۰	۳۵۰، ۳۴۴، ۳۱۰، ۳۰۷
بکر بن وائل، ۲۱۳	برقي کبير، ۷۸، ۷۹
بکیر بن سالم، ۳۳۰	برمک، ۲۴۱
بلخي، ۹۵، ۱۰۳، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۵۵، ۲۸۶، ۳۳۵	برمکی، ۱۱۴، ۲۳۱
بَنْشَجْر، ۷۱	بريهه، ۳۳۳
بنان بن محمد، ۸۳، ۲۵۴	بزاز، ۶۱، ۲۶۲
بَنْدَار، ۲۸، ۷۷، ۷۹، ۱۳۱، ۱۸۱	بزاز کوفي، ۲۶۲، ۷۴
بنی اسد، ۲۱۶، ۲۲۹	بزرج کوفي، ۲۹۷
بنی اعين، ۲۳۹	بزلفي، ۹۰، ۱۰۷، ۱۳۷، ۱۴۰، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۳۳، ۳۱۰
بنی اود، ۶۱، ۱۱۵	بسطام بن مزه، ۳۳۱
بنی تميم، ۲۲۱	بشر بن اسماعيل، ۱۲۳
بنی تيم الله، ۲۱۶	بشر بن بشار نيشابوري، ۲۸۳
بنی تيم الله بن ثعلبه، ۲۱۳	بشر بن سلیمان نضاس، ۱۶۴
بنی جنيد، ۹۲	بصري، ۶۲، ۷۲، ۱۰۲، ۱۹۸، ۲۳۰، ۳۰۰، ۳۲۷
بنی حمدون، ۴۴	۳۳۰، ۳۲۹، ۳۵۰
بنی فهل، ۲۹۶	بصري اصفهانی کاتب، ۸۰
بنی شيبان، ۲۲۶، ۳۰۷	بصير، ۵۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۹
بنی ضبه، ۱۰۸	بعليکی، ۳۳۳
بنی عباس، ۱۳۴، ۲۲۶، ۲۴۱، ۲۷۰	بفدادي، ۴۳، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۶۸، ۶۹، ۷۵، ۸۷، ۸۸
بنی عبدالقيس، ۲۷۷	۹۵، ۱۰۳، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴
بنی غلاب، ۳۰۰	۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۶، ۳۳۳، ۳۵۷
بنی فرات، ۳۲۳	۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۱، ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۳۷، ۳۴۷
بنی فضال، ۵۷	بکر، ۵۵، ۲۸۹
بنی کاهل، ۱۶۱	بکوان، ۲۸۹
بنی کلاب، ۲۲۶	بکر بن جناح، ۲۸۹، ۲۹۰
بنی کنده، ۱۳۶	بکر بن زياد، ۲۰۱

.....	بنی مہزم، ۲۰۲	ثائر فی اللہ، ۱۲۴
.....	بنی نصر بن معاویہ، ۳۰۰	ثابت بن قزہ جزائسی، ۸۶
.....	بنی نوبخت، ۲۴۱	ثعلب، ۳۲۸
.....	بنی نوفل، ۱۶۱، ۱۶۰	ثعلب نحوی، ۴۵، ۵۱، ۹۷، ۱۷۷، ۲۲۲، ۲۶۸
.....	بنی ہاشم، ۲۹، ۵۲، ۷۱، ۱۳۹، ۲۲۸، ۲۴۱، ۳۲۲	ثعلبی، ۹۰، ۲۳۲
.....	بوئسکی نیشاپوری، ۱۶۶	ثقفی، ۳۳، ۴۰، ۱۳۸، ۲۴۱
.....	بہبود، ۲۴۷	ثقف، ۱۸۳، ۲۸۵
.....	بیہقی، ۳۲، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۷۰	ثقفہ، ۱۳۸، ۱۹۶، ۲۱۷، ۲۱۹
.....	پ	ثعالی، ۲۹۶، ۳۲۷، ۳۳۰
.....	پایہ گزار مذہب شیعہ در ری، ۶۰	ج
.....	پزشک، ۳۶۲، ۳۶۷	جاحظ، ۴۲، ۲۰۴، ۲۶۷، ۲۶۸
.....	پیشواوی سیرہ نویسان، ۳۰۰	جہانی، ۹۵
.....	ت	جبر، ۱۹۷، ۳۳۷
.....	تاج الدین سبکی، ۱۷۱	جبرئیل بن احمد فارابی کنسی ← فارابی
.....	تاجر، ۱۶۴، ۱۶۵	جبرائیل بن بختیشوع، ۳۳۷، ۳۳۸
.....	تجسیم، ۶۷	جبرویہ، ۱۹۷
.....	ترمذی، ۷۷، ۱۹۱	جذہ، ۱۶۲
.....	تشبیہ، ۶۷، ۱۲۵، ۳۳۷	جرجانی، ۶۴، ۱۱۷، ۲۹۱
.....	تفلیسی، ۳۸، ۱۵۲	جرمی، ۱۶۸، ۲۳۵، ۳۲۸
.....	تلمکبری، ۲۷، ۱۲۰، ۲۱۲، ۲۵۱	جصاص، ۱۶۸، ۱۷۹
.....	تیمی، ۸۷، ۱۵۹، ۱۹۵، ۲۲۱، ۲۹۷، ۳۲۸	جعابی، ۶۹
.....	تناسخ، ۸۱	جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی ← ابن تاجر
.....	توحیدی، ۶۸	جعفر بن احمد بن یوسف اوسی، ۱۰۰
.....	تیم اللات، ۳۱۳	جعفر بن اندریس قزوینی، ۱۷۱
.....	تیم اللہ، ۲۱۴	جعفر بن حمدان، ۵۱
.....	تیمی، ۱۴۴	جعفر بن عبداللہ رأس منبری علوی محمّدی ← رأس منبری
.....	ث	جعفر بن عبداللہ محدث محمّدی، ۲۹۶
.....	ثائر باللہ، ۱۲۳، ۱۲۴	

جغلاب، ۱۸۵.....	جعفر بن عثمان دارمی، ۱۸۴.....
جلودی، ۳۰۰.....	جعفر بن علی بن حسن، ۱۳۷.....
جمال بن فزاج، ۱۰۷.....	جعفر بن علی بن حسن بن علی بن عبداللّه بن
جن، ۲۲۶.....	مفیر، ۱۳۸.....
جنبلاتی، ۲۵۸، ۲۲۰.....	جعفر بن عیسی بن یقظین، ۳۱۷.....
جنبلاتی، ۲۵۸، ۲۲۰.....	جعفر بن قولویه، ۱۸۱.....
جندب، ۱۲۸، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۵۳.....	جعفر بن مالک فزازی، ۸۷.....
جنید، ۲۰۳، ۲۶۳.....	جعفر بن مثنی بن عبدالسلام بن نهم، ۱۲۳.....
جوهری، ۲۸۸، ۳۰۰.....	جعفر بن محمد بن حکیم، ۱۵۰، ۲۷۲.....
جهشمی، ۲۰۰.....	جعفر بن محمد بن زکریّا غلابی، ۳۰۰.....
جهیم بن حکیم مدائنی، ۱۶۱.....	جعفر بن محمد بن سماعه، ۱۴۷.....
جهنی، ۱۹۶.....	جعفر بن محمد بن عبداللّه نهمی، ۳۴۶.....
جیزی، ۳۱۶.....	جعفر بن محمد بن علی بن موسی ← جعفر کذاب.....
ح	جعفر بن محمد بن عمار، ۳۰۰.....
حاتم بن ماهویه قزوینی شیعی، ۱۸۹، ۲۶۳.....	جعفر بن محمد بن عمر ← ابومعشر.....
حارث بن ابی رمن اودی، ۶۱، ۱۱۵.....	جعفر بن محمد بن عیسی، ۸۳.....
حارثی خطیب، ۲۸۰.....	جعفر بن محمد بن قولویه، ۲۵۱.....
حاسبه، ۳۴۷.....	جعفر بن محمد بن مالک، ۸۹، ۱۵۹، ۱۷۳، ۲۲۲، ۲۹۷.....
حافظ، ۱۹۹، ۷۶.....	جعفر بن محمد مدائنی، ۲۸۴.....
حبیب بن اوس، ۴۱، ۵۱، ۳۳۴، ۳۳۵.....	جعفر بن محمود، ۲۴۵.....
حجّال، ۲۱۶، ۲۱۵.....	جعفر بن معروف، ۱۴۰، ۳۱۷.....
حدیث «غدیر»، ۱۶۷.....	جعفر بن یحیی بن سعد اهلول، ۱۵۸.....
هریری، ۱۶۱.....	جعفر ثائب، ۱۲۶.....
حسن بن ابان، ۱۵۶، ۱۵۸.....	جعفر طیار، ۱۷۲.....
حسن بن ابی لیباه، ۱۷۳.....	جعفر کذاب، ۵۵، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۲۶۴.....
حسن بن احمد کوفی، ۲۳۳.....	جعفری، ۴۱، ۷۴، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۰۹، ۲۲۸، ۲۴۷، ۳۰۲.....
حسن بن احمد مالکی، ۲۱۵.....	جعفری بغدادی، ۵۵، ۱۹۶.....
حسن بن جعفر لافانی بغدادی ← لافانی.....	جعفی، ۷۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۳۷، ۱۹۶، ۲۹۶.....

حسن بن جہم، ۷۲	حسن بن عمید، ۱۳۵
حسن بن حسین لؤلؤ، ۱۸۵، ۲۱۷	حسن بن فضال، ۴۱، ۷۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰
حسن بن حسین مروزی، ۱۵۵	۱۱۰، ۱۱۵، ۱۵۲، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۶
حسن بن حمزہ بن علی علوی، ۳۲۷	۲۱۷، ۲۲۱، ۲۳۶، ۲۷۲، ۲۸۹، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۳۸
حسن بن حمزہ علوی طبری، ۲۴۹	حسن بن قاسم، ۱۳۳، ۳۰۲
حسن بن خالد، ۷۷، ۱۳۲	حسن بن متیل، ۲۹۱
حسن بن راشد، ۲۷۳	حسن بن محبوب، ۴۱، ۶۱، ۶۲، ۸۴، ۸۴، ۱۲۰
حسن بن زید، ۵۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۳۰۱	۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۵، ۲۱۳، ۲۷۰، ۲۷۱، ۳۱۶، ۳۱۷
حسن بن سعید، ۱۰۹	حسن بن محبوب زرقاد، ۱۵
حسن بن سعید اہوازی، ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۱۸	حسن بن محبوب سزاد، ۲۷۲
حسن بن سعید بن حماد، ۲۳۹	حسن بن محمد اموی، ۸۶
حسن بن سماعہ، ۷۹، ۱۴۸، ۲۸۹	حسن بن محمد بن بابا قمی ← ابن بابا
حسن بن عبداللہ بن مغیرہ، ۱۰۷، ۱۵۰	حسن بن محمد بن خالد طرابلسی، ۲۲۱
حسن بن عرفہ، ۱۸۲	حسن بن محمد بن سماعہ، ۶۳، ۲۳۶، ۲۶۱، ۲۹۰
حسن بن علی، ۱۵، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۷۹، ۳۰۱	حسن بن محمد بن سماعہ صیرفی، ۷۹
حسن بن علی بن ابی حمزہ، ۹۱، ۳۰۶	حسن بن محمد بن سہل نوفلی، ۱۶۲
حسن بن علی بن ابی عثمان، ۲۹۶، ۲۹۷	حسن بن مظفر نیشاپوری، ۲۶۹
حسن بن علی بن بنت الیاس، ۲۲۲	حسن بن موسیٰ اصم، ۳۲۵
حسن بن علی بن فضال، ۵۶، ۱۲۰، ۱۳۸، ۱۵۵، ۱۶۵	حسن بن موسیٰ بن جعفر، ۷، ۱۰۳
۱۹۵، ۲۱۳، ۲۳۴، ۲۶۰، ۲۷۰، ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۳۱	حسن بن موسیٰ غنصاب، ۱۰۷، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷
حسن بن علی بن محبوب، ۱۳۸	۱۹۶، ۲۷۲، ۳۲۶
حسن بن علی بن مہزیار، ۲۵۴	حسن بن نصر ابرش ← ابرش
حسن بن علی بن ولید، ۱۶۵	حسن بن ہانی، ۲۰۳، ۲۰۷، ۳۲۸
حسن بن علی بن یقطین، ۱۰۳	حسن التمانیہ، ۲۹۵
حسن بن علی حقیق، ۲۱۶	حسن مثنی، ۳۴۰
حسن بن علی زعفرانی اصفہانی، ۳۳	حسن ہادی، ۲۸۸
حسن بن علی وثاب، ۳۱۰، ۳۱۷، ۳۳۰، ۳۳۱	حسین اصغر، ۱۶۳
حسن بن عمرو بن منہال کوفی، ۹۱	حسین اہوازی، ۱۵۶

حشویه، ۶۶، ۶۷.....	حسین بن ابی الخطاب، ۳۶، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۲۷.....
حسین، ۲۱۸.....	حسین بن احمد بن خالویه، ۳۲۸.....
حسینی، ۱۵۸، ۲۱۸.....	حسین بن احمد بن محمد بن زکریا <small>رحم</small> ابو عبدالله
حضر موتی، ۱۱۲.....	شعی.....
حفری، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۳۷.....	حسین بن احمد مالکی، ۱۷۳، ۹۴.....
حسینی، ۲۱۸، ۲۴۴، ۲۵۳.....	حسین بن ازیب، ۱۴۸، ۲۳۰.....
حفص بن عمر بن سالم، ۲۹۰.....	حسین بن بشار، ۱۹۶.....
حفص بن عمرو عمری، ۲۴۰.....	حسین بن حسن، ۱۵۶، ۳۱۹.....
حفصی، ۳۲۷.....	حسین بن حسن بن ابان، ۱۵۸.....
حکم بن مسکین کوفی، ۱۵۰.....	حسین بن حسن بندار، ۱۸۱.....
حکیمه، ۳۷، ۴۸، ۱۶۲، ۱۸۰، ۳۱۳.....	حسین بن همدان خصیبی، ۴۶، ۲۲۰، ۲۵۸.....
حکیمه بنت محمد بن علی بن موسی <small>رضی</small> ^{عنه} ^{علیه} السلام، ۱۶۳.....	حسین بن خرزاد کنزی، ۱۱۰.....
حکیمی، ۳۲۲.....	حسین بن خطاب، ۲۹۵.....
حلال، ۲۱۹.....	حسین بن دعبل، ۲۴۵.....
حلوانی، ۱۳۴.....	حسین بن روح، ۵۲، ۳۱۳.....
حذاء، ۷۳، ۸۲، ۱۰۱، ۱۵۵، ۱۵۷، ۲۵۳، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۲.....	حسین بن سعید، ۱۱۹، ۱۵۸، ۲۵۴، ۲۹۶.....
حذاء بن اسحاق موصلی، ۵۱.....	حسین بن سعید اهوازی، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۹۶.....
حذاء بن عثمان، ۲۱۶.....	۲۳۹، ۲۲۱، ۲۱۴.....
حذاء بن عیسی، ۱۵۸، ۲۹۵.....	حسین بن سیف بن عمیره، ۱۳۸.....
حذاء بن عیسی جهتی، ۱۹۶.....	حسین بن علوان کلی، ۳۲۷.....
حذاء بن عیسی کوفی، ۴۱، ۱۹۶، ۲۱۳.....	حسین بن علی بن احمد صانغ، ۸۸.....
حمدان بن احمد قلاسی، ۱۰۷.....	حسین بن علی بن بلال، ۳۹.....
حمدان بن سلیمان عطار نیشابوری، ۱۱۳.....	حسین بن علی جعفی، ۷۶.....
حمدان بن سلیمان نیشابوری \leftarrow تاجر	حسین بن محمد، ۱۰۰.....
حمدان بن نصر، ۳۵۰.....	حسین بن محمد بن عامر اشعری، ۳۳۰، ۳۳۱.....
حمدانی، ۲۴۱.....	حسین بن مروان، ۳۲۵.....
حمدون، ۴۴.....	حسین بن نصر، ۱۵۱.....
حمدویه بن نصیر کنزی، ۱۰۷، ۱۰۱، ۱۹۵، ۳۱۰.....	حسین بن یزید نوفلی، ۱۳۶، ۱۵۵.....

..... خزرچ، ۱۶۱ حمزه، ۳۷، ۹۸، ۱۱۸، ۲۰۸، ۲۳۶
..... خزرچی انصاری، ۱۶۰، ۱۶۱ حمید، ۶۳، ۸۰، ۱۹۵، ۲۶۸، ۳۱۰
..... خشاب، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۶، ۳۲۶ حمید بن زیاد، ۶۳، ۷۹، ۸۰، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۱۱۵، ۱۲۱
..... خشکناجه، ۲۴۱ ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۵۱، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۳۲، ۲۶۲، ۲۸۲
..... خصیبی، ۳۶، ۲۵۸، ۲۳۰ ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۷، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۲۳
..... خطیب، ۱۲۲ حسینی، ۳۹، ۴۲، ۵۶، ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۱۰۷، ۱۷۳، ۱۷۶
..... خطیب بغدادی، ۵۰، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۸۷، ۸۸، ۱۵۹ ۱۸۸، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۱، ۲۳۸، ۲۴۱
..... ۱۷۲، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۸۷، ۳۳۱، ۳۳۷ ۲۶۰، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۳۸
..... خطیب ساوه، ۲۸۱ الحنّاط بن الحنّاط
..... خلّاد، ۳۲۰، ۳۲۲ حنّاط کوفی، ۳۱۰
..... خلیل، ۴۳، ۸۶، ۲۶۹ حنّان بن سدید، ۴۱، ۱۰۷، ۲۶۱، ۲۹۵
..... خلیلی، ۸۶، ۳۰۵ حنین بن اسحاق، ۳۴۳
..... خوارج، ۶۶، ۲۴۸، ۲۷۰ حیّان سورجی، ۲۲۷
..... خوش‌گفتار، ۱۹۸ خ
..... الخیاط، ۲۸۳ خادم القبر، ۱۵۵
..... خنّز، ۱۳۶، ۲۷۲ خازم، ۳۲۲
..... خیرویه، ۱۹۷ خالد، ۶۳، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۲۸۹، ۲۹۷
..... د ۲۹۸
..... دارقطنی، ۶۲، ۲۰۸، ۲۰۶ خالد برفی، ۱۵، ۲۸، ۳۳، ۴۱، ۴۲، ۵۸، ۷۳، ۷۷، ۸۲
..... داعی، ۱۱۷، ۱۸۴ ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۵۸، ۱۹۶
..... داعی، ۱۵۳ ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۵۶، ۲۷۴، ۲۸۶، ۲۹۳
..... الداعی الی الحق، ۱۳۳ ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۵۰
..... الداعی الاول، ۱۳۳ خالد بن یزید عکلی، ۱۹۱
..... الداعی الکبیر، ۱۳۳ خشمی، ۸۷، ۱۶۹، ۱۹۱
..... داعی کبیر، ۱۳۳، ۱۳۴، ۳۰۱ خشمی کوفی، ۱۷۹
..... داود بن ابی سلیمان جصاص، ۱۷۹ خراسانی بغدادی، ۵۰، ۲۸۶
..... داود بن حسین اسدی، ۲۳۴ خرزاز هلالی، ۲۲۲
..... داود بن سرحان عطّار کوفی، ۱۹۶ خراسی کوفی، ۷۷، ۲۴۴

داود بن سلیمان غازی قزوینی ← غازی	ذبیان بن حکیم، ۶۲.....
داود بن فرقد، ۱۷۹.....		ذہبی، ۷۷، ۸۹، ۱۷۱، ۱۹۰، ۱۹۹.....
داود بن قاسم بن اسحاق بن جعفر بن ابی طالب ←		ذہلی، ۱۱۶.....
ابوہاشم جعفری	ذ
داود بن قاسم جعفری، ۴۱، ۱۰۳.....		رئیس المنجین، ۱۲۸.....
داود بن کوره قمی، ۸۶.....		رازی، ۴۸، ۵۸، ۶۰، ۶۵، ۷۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴.....
داود بن مهزیار، ۲۷۵.....		۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۰۱، ۲۳۹.....
داود بن نعمان، ۱۳۹.....		۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۶، ۲۹۰، ۳۱۰، ۳۲۶.....
دبیس، ۳۳۵.....		رازی بخاری، ۳۳۶.....
الدرب، ۴۲۹.....		رازی زینبی، ۲۹۰.....
درست بن ابی منصور، ۲۲۶.....		رافعی، ۴۲، ۴۹، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۲۲.....
درستویه، ۲۲۸، ۲۲۵.....		رافعی، ۱۷۰.....
دروغکو، ۱۴۵، ۱۸۴.....		راوندی، ۲۹۹.....
دعبل، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۵.....		راوندی بغدادی، ۹۵.....
دقاق، ۲۰۳.....		راهویه، ۲۲۵.....
دکین، ۸۸، ۸۹.....		رأس مئری، ۱۱۹.....
دجشقی، ۲۲۲، ۳۱۶.....		ریاح بن ابی نصر، ۶۲، ۶۳.....
دندان، ۱۵۸.....		ریاح قلا، ۱۷۹.....
دندان جهان بختان، ۷۱.....		ربعی، ۱۷۷.....
دندان، ۳۲۹.....		ربیع بن سعید، ۲۲۲، ۳۱۱.....
دورقی، ۲۰۰.....		رجاء بن ابی شحاک، ۷۳.....
دعقان، ۹۸، ۱۰۱، ۲۳۸، ۳۰۳، ۳۰۴.....		رخاله، ۱۹۹.....
دعقان فرامرز بهمنش، ۱۲۷.....		رخشی، ۲۷۷، ۳۱۸، ۳۱۹.....
دیلمی الاصل، ۷۱.....		رزاز، ۵۷، ۲۲۲، ۲۸۶، ۲۹۶، ۳۱۷.....
دینار غلابی، ۳۰۰.....		رضویان، ۱۲۴.....
دینوری، ۵۸، ۶۷، ۶۸، ۲۲۴، ۲۵۰.....		رطال، ۳۳.....
ذ		رفون گستا، ۲۴۲.....
ذات عرق، ۲۸۲.....		رقاده، ۱۵۳.....

رقه، ۲۶۰، ۲۵۱.....	زهری کوفی، ۱۴۲ ..
رقی، ۲۴۰، ۲۵۱.....	زینات، ۲۲۹، ۲۹۶.....
رقیه، ۱۷۷.....	زینات همدانی، ۲۹۶، ۲۹۵.....
رمله، ۹۵.....	زیاد بن مروان فندی، ۳۱۷.....
رنجویه، ۲۹۱.....	زیتونی، ۱۴۲.....
روجنی، ۱۵۹، ۱۹۰، ۳۲۵.....	زید، ۵۹، ۷۹، ۹۷، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸، ۲۹۱، ۲۹۶.....
رهبیب بن حفص، ۳۹۵.....	۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲.....
ریان، ۲۳۷.....	زید بن علی، ۱۹، ۱۲۳.....
ریان بن شیبیب، ۱۰۹.....	زید بن علی بن الحسین <small>علیه السلام</small> ، ۷۸، ۲۳۷.....
ریان بن صلت خراسانی بغدادی، ۲۸۴.....	زیدی ناصری، ۳۴۱.....
روانی، ۲۳۹.....	زیدیه، ۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۳.....
ز	زینب، ۱۷۷، ۲۵۷.....
زاهد مطرز، ۹۸.....	لس
زاهری، ۲۹۷.....	سانی، ۸۰، ۲۹۸.....
زبیر بن بکار، ۹۸، ۱۷۶، ۱۷۷.....	سایاطی، ۵۷.....
زبیر بن عوام صحابی، ۱۷۷.....	سادات حسنی، ۱۴۴.....
زبیری، ۱۹۱.....	سادات رضوی، ۱۸۰، ۳۲۲، ۳۳۳.....
الزجاج، ۳۲۸.....	سسال‌خوردگان، ۶۱، ۸۳، ۸۹، ۱۲۷، ۱۸۳، ۲۱۳.....
الزجاجی، ۳۲۸.....	۲۱۴، ۲۸۹.....
زوری، ۳۰۸، ۳۱۴.....	سال فتنه، ۲۶۵.....
زردکی، ۲۵۳، ۳۳۵.....	سالم بن عبدالرحمان، ۳۰۹.....
زعفرانی، ۳۴.....	سامانی، ۱۳۴، ۳۰۲.....
زق الحمر، ۱۲۴.....	سجاده، ۲۹۷.....
زکریا بن ادم قمی، ۵۴.....	سجاولندی حنفی، ۵۰.....
زکریا بن محمد، ۲۹۰.....	سجستانی، ۲۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸.....
زکریا بن محمد مؤمن قمی، ۵۴.....	سُخت، ۳۳، ۹۶، ۱۷۹، ۱۸۱، ۲۰۴، ۲۶۶، ۳۰۱.....
زندقی، ۹۶.....	۳۳۹.....
زنگار، ۱۶۸.....	سختویه، ۱۶۸.....

سدیدالدین فضل بن شاذان بن جبرئیل قمی، ۴۷۱	سفیان ثوری، ۳۵۰
سراج‌الدین عبدالرشید بن طیفور سجاوندی حنفی، ۵۰	السكری، ۲۲۵
سزاه، ۲۶۱	سکونی، ۶۲، ۶۳، ۱۶۱
سرچشمه احادیث بی‌اعتبار، ۱۰۳	سلامه بن محمد بن حسین، ۸۲
سرخسی، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۱۲۸، ۳۴۵	سلسله «طاهریان»، ۱۳۳
سری بن سلامه اصفهانی، ۱۳۲	سلسله «علویان»، ۱۳۳
سعدآبادی، ۷۹	سلسله الذهب، ۱۶۱
سعدان بن اسحاق بن سمید، ۶۲	سلطان فارسی، ۳۱۹
سعدان بن مسلم عامری، ۵۵	سلیمان بن احمد، ۳۰۵
سعد بن حسین ناظم، ۲۲۲	سلیمان بن جعفر بصری، ۷۲
سعد بن سعد، ۱۱۲	سلیمان بن جعفر جعفری، ۱۰۹
سعد بن سعد لهوصی اشعری، ۱۶۵	سلیمان بن فاود یعقوبی، ۳۰
سعد بن سعد اشعری قمی، ۱۱۲، ۲۰۱	سلیمان بن سفیان، ۲۶۱
سعد بن عبدالله، ۳۹، ۴۲، ۴۸، ۵۵، ۷۴، ۱۰۴، ۱۰۵	سلیمان بن صالح جصاص، ۱۴۸
۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۰	سلیمان بن عبدالله بن طاهر، ۱۳۴
۱۷۳، ۱۸۷، ۱۹۵، ۲۳۹، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۳، ۲۹۸	سلیمان بن محمد، ۱۲۸
۳۰۶، ۳۰۸، ۳۲۵، ۳۳۸	سماعه، ۶۲، ۷۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۶، ۲۶۱، ۲۸۱، ۲۹۰
سعد بن عبدالله اشعری قمی، ۳۳۸، ۳۹۰، ۳۱۰	سمان، ۲۲۹
سعد بن عبدالله بن ابن خلف، ۸۴، ۱۲۲، ۱۵۱، ۲۴۰، ۴۱۷	سمانه مغربیه، ۳۲۲
سعد بن مسعود لقی، ۳۳	سمرقندی، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۵۵، ۲۱۰، ۲۳۵، ۲۶۰
سعد بن معاذ انصاری، ۱۶۱	سمره، ۲۴۶
سعدی، ۱۶۰، ۱۶۱	السمری، ۲۴۶
سعد بن اوس انصاری، ۳۲۰، ۳۲۲	سمکه، ۱۰۵
سعید بن جناح، ۲۲۲	سندی، ۳۰، ۳۹
سعید بن حاتم، ۱۸۹، ۲۶۳	سندی بن ربیع بغدادی، ۱۸۳
سعید بن حمید، ۲۶۸	سندی بن ربیع کوفی، ۳۰
سقاخ، ۲۱۵	سندی بن محمد، ۱۹۵
سفیان بن عیینه، ۱۷۷	سندی بن محمد بزاز کوفی، ۷۴

..... ۲۲۳، ۲۲۲	شامی، ۲۲۵	سنی حنبلی،
..... ۲۶۴	شاه رئیس، ۲۳۱	سواد،
..... ۲۸۶	شیبیا لاسی، ۱۴۵	سوزانی،
..... ۳۳۷	شرابی، ۳۱۶، ۳۱۵	سومسی،
..... ۱۴۵، ۹۲	شریعی، ۲۷۶	سویداوی (سویقانی)،
..... ۱۶۳	شریف ابوعبدالله الحسین، ۱۰۹، ۸۳، ۸۲، ۷۹، ۴۱، ۳۸، ۳۰	سهل بن زیاد،
..... ۲۴۹	شریف ابوعلی محمد بن احمد، ۳۰۹، ۲۹۲، ۱۹۰، ۱۸۷، ۱۷۶، ۱۶۲، ۱۴۴، ۱۱۳	سهل بن زیاد،
..... ۲۶۲	شش امامی، ۳۵۰، ۳۳۸، ۳۱۰	سهل بن زیاد،
..... ۳۰۰	شعیب بن خالد، ۷۳	سهو النبی،
..... ۱۷۹	شعیب عرقوفی، ۱۴۶، ۱۴۵	سهیل بن محمد،
..... ۱۶۱، ۸۸	شعیری، ۲۲۶، ۹۷، ۸۰	سزار،
..... ۲۵۷	شقیع خادم، ۸۱، ۸۰	سیاری،
..... ۹۲	شلغانی، ۳۵۰	سیاری بصری،
..... ۸۵	شمر بن محمد ناقد، ۳۲۸	سیبویه،
..... ۳۳۳	شنیوله، ۱۲۴	سید ابراهیم،
..... ۵۹	شهرزوری، ۱۲۳	سید ابوالفضل،
..... ۲۴۷، ۱۸۱، ۱۳۳، ۷۶، ۶۷، ۱۳	شهید، ۲۴۷، ۲۴۵، ۱۳۶، ۱۲۸، ۹۲، ۸۸	سید بن طاووس،
..... ۲۶۷	شیاطین سامره، ۳۴۴، ۳۳۵، ۲۹۵	سید بن طاووس،
..... ۳۰۷، ۳۰۶، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۹۷	شیبانی، ۲۲۰	سیدالدوله حمدانی،
..... ۲۸۵، ۸۳، ۵۵	شیخ اهل قم، ۳۰۹، ۲۹۹، ۲۹۸، ۱۳۸	سید بن عمیره،
..... ۳۳۸	شیخ الشرف، ۲۵۷	سید بن ایوب،
..... ۲۲۶	شیبیان، ۲۹۸	شس
..... ۴۲	شیطان، ۲۹۸	شانی،
..... ۴۲	شیعی امامی، ۲۰۲، ۱۹۵، ۱۸۷، ۱۶۶، ۱۰۲، ۶۶، ۴۸	شاذلان،
..... ۶۵، ۶۳، ۵۹، ۵۰، ۴۴، ۴۳، ۴۱، ۳۷، ۳۳	صاحب، ۲۸۶، ۲۸۳، ۲۷۸، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۴۹، ۲۳۱	ص
..... ۱۳۸، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۰۱، ۸۶، ۷۷، ۷۳، ۷۰، ۶۸، ۶۷	صاحب، ۳۱۷، ۳۰۷	شاذلان بن بحر،
..... ۲۳۳، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۰، ۱۷۷، ۱۵۸، ۱۵۶	صاحب، ۲۸۳، ۲۷۰	شاذلانی،

صلت، ۱۱۸، ۴۱۲، ۴۱۳، ۲۸۴، ۲۲۷، ۲۶۱، ۲۵۶، ۲۴۸، ۲۴۴، ۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۲۶	صلت بن جعفر بن شریف، ۱۱۷، ۳۱۷، ۳۰۷، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۵، ۲۸۷، ۲۸۵، ۲۷۱
صولی، ۳۲۲، ۳۲۶، صاحب بصره، ۲۹۳، ۳۵۰، ۳۴۶، ۳۴۰، ۳۳۹، ۳۳۱، ۳۲۲	صیدلانی، ۸۲، ۲۰۷، ۳۲۸، صاحب التصانیف، ۷۷، صاحب زنج، ۱۶۷، ۲۴۶، ۲۳۷، ۲۴۸، ۲۴۸، ۲۳۷، ۲۴۶، ۱۶۷، صاحب معرفت، ۱۹۹، صادق الهجه، ۱۶۸، صالح بن ابی صفاد رازی، ۱۱۳، ۲۰۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ضحاک بن محمد بن شبیان، ۳۳۷، ضریب، ۲۶۶، ضعیف الحدیث، ۸۲، ط
طاسی، ۴۱، ۴۵، ۵۱، ۶۸، ۷۵، ۱۹۰، ۲۰۴، ۲۰۷، ۳۳۵، ۳۳۴، ۲۸۸، ۲۶۸، ۳۶۷	طاطری، ۶۳، ۱۴۸، ۳۲۵، ۳۲۶، طاطریه، ۲۳۶، طالبیان، ۲۶۸، ۲۴۸، طالقانی، ۷۳، ۳۳۹، ۳۲۷، ۲۶۳، ۱۷۳، ۱۴۴، ۸۱، ۷۵، ۶۵، ۱۵۶، ۳۱۰، ۳۰۸، ۲۹۳، ۲۸۱، ۲۷۱، ۲۶۱، صفاری، ۶۶، صفدی، ۲۶۷، صفوان بن خالد، ۲۸۹، صفوان بن مهران جلال، ۲۱۶، صفوان بن یحیی، ۴۱، ۹۰، ۷۰، ۱۲۰، ۱۵۰، ۱۷۵، ۳۰۷، ۳۰۶، ۲۸۹، ۲۷۰، ۲۶۱، ۱۹۶، ۱۸۷، ۱۸۳
طاهریه، ۸۰، ۱۲۷، طباطبایه، ۳۳۹، ۳۴۰، طباطبائیان، ۳۴۰، طبری، ۴۵، ۵۷، ۶۰، ۸۷، ۹۱، ۱۳۵، ۱۶۰، ۳۳۳، ۱۶۵	

عاصم بن حمید، ۶۳، ۳۱۰	۳۴۱، ۳۱۹، ۲۴۸
عاصم بن حمید حنظل جعفی، ۱۹۵	طغان، ۸۸، ۱۲۱
عاصم کوفی، ۲۸۴	طحاوی، ۳۱۶
عاقول، ۲۶۲	طرنانی، ۲۶۴
عامر بن قحطان حضرموتی، ۱۱۲	طلحه بن زید، ۱۳۸
عامری، ۵۵، ۲۲۶	طلحی، ۸۸
عامری وحیدی، ۲۴۶	طوسی، ۱۵، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۲، ۴۳
عباد بن سلیمان، ۱۹۸	۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲
عباد بن سلیمان بصری، ۱۹۸	۹۱، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳
عباد بن یعقوب رواجی عسکری اسدی کوفی ← رواجی	۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۶۸، ۱۵۱، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰
عباس، ۹۵، ۹۶، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۴۰	۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹
۲۴۱، ۲۷۰، ۲۷۰، ۳۰۵، ۳۲۷، ۳۳۵	۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۲
عباس بن ابی العباس، ۱۰۲	۲۱۴، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴
عباس بن یقار، ۳۴، ۳۰۰	۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶
عباس بن صفه، ۲۶۴	۲۶۲، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۹
عباس بن عامر، ۱۰۷، ۱۴۰، ۱۵۰	۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰
عباس بن عامر قصیانی، ۱۳۷، ۱۳۸	۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸
عباس بن علی بن جعفر، ۱۲۰	۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۶، ۳۵۰
عباس بن عمرو القنوی، ۳۳۳	طولونیان، ۳۴۷
عباس بن محمد، ۱۹۳	طی، ۳۷، ۴۶، ۵۵، ۶۸، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۸۶، ۲۰۱
عباس بن معروف، ۱۹۳، ۲۱۳، ۲۵۴	۲۳۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۳۰۲، ۳۰۵
عباس بن موسی وزاق، ۱۹۳	طیالسی، ۷۲، ۷۶، ۱۹۶، ۲۲۱، ۲۳۵، ۲۷۲، ۲۹۷، ۳۳۵
عباس محمود عقاد، ۲۴۲	طیلسان، ۲۲۱
عبدالجبار ابی سهبان، ۳۰۶، ۳۰۷	ظ
عبدالجبار بن شوبران، ۳۰۰	ظاهریه، ۶۷
عبدالحمید بن سالم، ۳۰۸، ۳۰۹	ع
عبدالحمید بن علی کوفی، ۲۳۰	عاشوراء، ۶۸

عبدالرحمان، ۴۰، ۴۱، ۵۵، ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۱۰۹،	عبدالله بن احمد کعبی، ۹۵
۱۱۰، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۵،	عبدالله بن ادريس، ۳۳۱
۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۴۴، ۲۷۰، ۲۹۲،	عبدالله بن اسد، ۱۷۹
۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۷	عبدالله بن الطلع، ۵۶
عبدالرحمان بن ابی حاتم رازی، ۶۰	عبدالله بن تمیم قرشي، ۱۶۶، ۷۳
عبدالرحمان بن ابی نجران تحيبي كوفي ← ابن	عبدالله بن جبلة، ۱۲۰، ۳۰۶
ابی نجران	عبدالله بن جبلة كنانی، ۹۰، ۹۱
عبدالرحمان بن احمد بن جبرويه / شيرويه ←	عبدالله بن جعفر بن عسین بن سالک حميری ←
ابومحمد عسکری	حميری
عبدالرحمان بن اشعث، ۳۳۷	عبدالله بن جعفر بن درمستويه فارسى، ۲۲۵
عبدالرحمان بن حجاج، ۱۷۵	عبدالله بن جعفر لائى، ۱۲۰
عبدالرحمان بن حنّاد، ۱۵۵	عبدالله بن جعفر حميری قمى، ۱۷۶، ۲۹۰
عبدالرحمان بن سالم، ۱۰۹، ۳۰۹	عبدالله بن جندب، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۵۳
عبدالرحمن بن يوسف بن خراش ← ابن خراش مروزی	عبدالله بن حسن، ۱۷۷، ۳۲۲
عبدالسلام بن حرب، ۸۸	عبدالله بن حنّاد انصارى، ۲۸
عبدالسلام بن صالح هروى، ۷۲، ۱۶۱، ۱۶۵	عبدالله بن حمدويه بيهقى ← بيهقى
عبدالصمد بن علی بن مكرم، ۲۲۶	عبدالله بن خاقان، ۱۲۵، ۲۲۲
عبدالمعز بن يحيى جلوى، ۳۰۰	عبدالله بن زبير زبيرى، ۱۹۱
عبد ليس، ۲۰۲، ۲۰۷	عبدالله بن سنان، ۱۹۶
عبدالكريم والعى، ۱۷۰	عبدالله بن شبيب رهمى، ۱۷۷
عبدالكريم همدانى، ۲۳۰	عبدالله بن شريك عامرى وهيدى، ۲۲۶
عبدالله بن ابی خلف، ۸۴، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۸۱، ۲۴۰، ۳۱۷	عبدالله بن شحّاک مراهى، ۳۰۰
عبدالله بن ابی سعید وراق، ۵۱	عبدالله بن طاووس، ۱۳۰، ۲۱۵
عبدالله بن ابی غانم، ۳۶، ۴۲	عبدالله بن طاهر، ۱۳۴، ۱۷۳، ۲۷۰
عبدالله بن احمد بن عامر، ۶۹	عبدالله بن عامر، ۲۱۷، ۲۵۴
عبدالله بن احمد بن محمد كوفى، ۳۲۶	عبدالله بن عبدالرحمان الاصم، ۲۹۲
عبدالله بن احمد رازی، ۱۰۹	عبدالله بن عبدالملك سمهودى، ۱۹۱
	عبدالله بن عبید، ۳۱۱، ۳۱۲

عبدالله بن العلاء المذاری، ۹۴	عیدوس عطار، ۱۳۲
عبدالله بن علی بن ابی طالب <small>علیہ السلام</small> ، ۱۱۹	عیدی، ۲۰۲، ۳۳۷
عبدالله بن فضل، ۱۱۳	عبر تاتی، ۹۲، ۱۲۲، ۲۲۹، ۳۱۴
عبدالله بن فضل بن ہلال طائی، ۷۵	عبداللہ، ۵۲، ۷۱، ۷۷، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۴۱، ۳۳۸
عبدالله بن قاسم، ۸۵	عبداللہ بن ابی رافع، ۱۵
عبدالله بن محمد، ۲۱۸، ۲۶۱	عبداللہ بن احمد اتباری، ۱۳۱
عبدالله بن محمد بن خالد، ۲۹۸	عبداللہ بن احمد بن طیلور، ۵۰، ۵۲
عبدالله بن محمد بن خالد طرابلسی، ۲۷۲	عبداللہ بن اسحاق بن سلام مکاری بن ابوالعباس اخباری
عبدالله بن محمد بن عیسیٰ، ۸۳	عبداللہ بن عبدالرحمان السکری، ۲۲۵
عبدالله بن محمد جنبلائی، ۲۵۸، ۲۲۰	عبداللہ بن عبداللہ دھقان، ۲۳۸، ۳۰۴
عبدالله بن محمد حنینی احمینی اہوازی ← حنینی	عبداللہ بن یحییٰ، ۳۲۵
عبدالله بن محمد حنان جنبلائی ← جنبلائی	عبداللہ بن یحییٰ بن خاقان، ۲۶۶
عبدالله بن محمد شامی، ۲۲۳	عبداللہ مہدی، ۱۵۳
عبدالله بن محمد معتز، ۲۴۱	عید بن بشر خثعمی، ۱۶۹
عبدالله بن محمد ہمانی، ۱۶۵	عید بن محمد بن قیس بجلي، ۱۹۱
عبدالله بن مسکان، ۱۴۰، ۱۷۸	عیدلی شیخ الشرف، ۳۳۸
عبدالله بن مسلم بن قتیبہ دینوری کوفی، ۶۷	عیدی، ۱۱۰، ۱۴۵، ۱۶۶، ۲۴۶
عبدالله بن معتز، ۲۰۴	عیس بن ہشام اسدی، ۱۳۸
عبدالله بن مغیرہ، ۱۰۷، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۵۰، ۲۱۳	عثمان، ۳۴، ۳۹، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۶۲
عبدالله بن میمون، ۵۱، ۵۵	عثمان، ۱۷۷، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۲، ۲۵۱
عبدالله بن نافع، ۱۷۷	عبداللہ بن نمیر ہمدانی کوفی، ۳۱۴، ۲۷۶
عبدالله بن نعیم ہمدانی کوفی، ۳۱۵	عثمان بن جنی، ۳۳۸
عبدالله بن ولید منقری، ۸۰	عثمان بن حامد کشی، ۳۲۷
عبدالله بن یحییٰ کاہلی، ۱۷۹	عثمان بن سعید عمری ← ابو عمرو
عبدالمسیح بن اسحاق کنڈی، ۳۳۳	عثمان بن عیسیٰ، ۱۸۳
عبدالملک اصمعی، ۲۰۳	عجلی، ۷۰، ۱۵۹
عبدالملک بن قریب اصمعی، ۳۲۲	عجلان کرچی، ۷۰
عبدالواحد بن مدحت بن عیدوس عطار نیشاپوری، ۲۴۹	

عجمی، ۶۳، ۲۷	علی بن ابراهیم بن معنی تمیمی، ۱۴۴
عروة بن یحییٰ دهقان، ۳۰۴	علی بن ابراهیم بن مهزیار، ۲۵۴
عریضی، ۲۵۹	علی بن ابراهیم بن هاشم، ۳۳۸، ۴۱
عریضی حسینی، ۳۵۰	علی بن ابراهیم حضرمی، ۱۱۲
عزینہ، ۷۸۲	علی بن ابراهیم لذکی، ۶۲
عقلانی، ۳۲۳، ۱۹۰	علی بن ابراهیم قمی، ۵۶، ۳۱۳
عسگر، ۲۶۳، ۱۹۷	علی بن احمد بن حاتم تمیمی، ۸۷
عسکری، ۳۱، ۴۴، ۸۳، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۹۷	علی بن احمد بن حسین عجلی، ۱۵۹
۲۴۰، ۲۲۹، ۲۰۹	علی بن احمد بن حکم تمیمی، ۱۵۹
عطار، ۱۳۲، ۱۶۶، ۱۸۵، ۱۹۶، ۲۰۹، ۲۷۷، ۲۹۵	علی بن احمد بن عباس نجاشی، ۱۹۴
۳۵۰، ۳۰۹، ۳۰۸	علی بن احمد خدیجی کوفی، ۶۲
عطار قمی، ۱۵۷، ۱۶۵، ۲۶۰، ۲۸۶، ۳۰۸	علی بن احمد عقیقی، ۷۳، ۷۲، ۳۳۹
عطار نیشابوری، ۱۱۳، ۲۴۹	علی بن اسباط، ۹۹، ۱۰۹، ۱۵۰، ۱۶۹، ۲۱۷، ۲۴۰
عظیم الشان، ۳۷	۳۳۱، ۳۵۴
عقیق بن قیس کندی، ۳۲۴	علی بن اسماعیل، ۱۰۳، ۲۰۹، ۳۳۱
عقیقی، ۱۵، ۷۳، ۷۲، ۳۳۹	علی بن بابویه قمی، ۴۲، ۱۳۱، ۲۱۲
عقیقی عبیدلی، ۳۳۸، ۷۳	علی بن بزرج خیاط، ۱۱۶
عقیقی مطلق، ۷۳، ۳۳۹	علی بن یسار، ۲۴۱
عقیلی مکی، ۳۱۵	علی بن بلال بن راسنه، ۳۱۳
عکلی، ۱۹۱	علی بن جعفر، ۱۲۰، ۱۲۲، ۲۳۳، ۲۶۰، ۲۶۱
علم نسب، ۱۷۷	علی بن جعفر الصادق <small>علیه السلام</small> ، ۲۶۰
علوم غریبه، ۳۳، ۱۲۷، ۲۲۷	علی بن جعفر عریضی، ۲۵۹
علوی، ۳۳، ۷۳، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۵	علی بن جهم، ۲۰۴، ۲۶۸، ۳۳۵، ۳۴۳
۱۳۷، ۱۸۱، ۱۹۱، ۳۲۸، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۶۲	علی بن حاتم، ۲۸، ۷۵، ۲۲۲
۳۰۱، ۳۲۱، ۳۲۷	علی بن حرب، ۲۰۳
علویان، ۵۹، ۶۰، ۱۳۳، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۹۶	علی بن حسکه، ۱۴۵
۲۲۰، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۶۸، ۳۰۱، ۳۲۱، ۳۳۸	علی بن حسن بن عبید، ۱۳۶
علی بن ابراهیم، ۳۷، ۳۸، ۷۹، ۲۳۰	علی بن حسن بن علی بن فضال، ۵۶، ۱۵۵

علی بن حسن بن فضال کوفی، ۱۱۵، ۱۵۲، ۱۸۳،	علی بن عیاش، ۲۷۲.....
علی بن حسن طاطری، ۶۳.....	علی بن عیسی اربلی، ۱۱۸.....
علی بن حسن طاطری هرمی، ۱۴۸.....	علی بن فضال، ۵۶، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۳۸، ۱۵۵، ۱۶۵.....
علی بن حسین بن حسین، ۹۹.....	علی بن قادم خزاعی کوفی، ۷۶.....
علی بن حسین بن شقیق، ۱۱۶.....	علی بن قاسم عربی حسینی، ۳۵۰.....
علی بن حسین سعدآبادی، ۷۹.....	علی بن محمد، ۱۵، ۲۸، ۵۶، ۷۳، ۱۰۲، ۱۷۰، ۲۳۸.....
علی بن حکم، ۸۴، ۳۱۷.....	علی بن محمد، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۹.....
علی بن حمزه، ۲۳۶.....	علی بن محمد بن احمد مادرانی، ۵۸.....
علی بن خالد عاقولی، ۲۶۲.....	علی بن محمد بن بندار، ۷۹.....
علی بن سالم، ۱۶۱.....	علی بن محمد بن ربیع، ۲۶۲.....
علی بن سلیمان، ۹۸، ۲۳۹.....	علی بن محمد بن زبیر قرشی، ۶۲.....
علی بن سوید سانی، ۸۰.....	علی بن محمد بن سعد اشعری، ۱۶۵.....
علی بن سیف، ۱۶۱.....	علی بن محمد بن سعید ثقفی، ۳۳.....
علی بن شاذان، ۲۷۰، ۲۸۳.....	علی بن محمد بن سلیمان، ۳۵۰.....
علی بن شبل بن اسد، ۲۸.....	علی بن محمد بن عبید، ۹۸.....
علی بن شجاع نیشابوری، ۱۱۳.....	علی بن محمد بن قتیبه، ۴۸، ۱۶۶، ۲۱۱.....
علی بن شجره، ۲۹۰.....	علی بن محمد بن یزید قمی، ۸۴.....
علی بن شجره بن میمون، ۱۶۸.....	علی بن محمد چبایی، ۸۲.....
علی بن عیاس بن جریج / جورجیوس ← ابن رومی	علی بن محمد حنّال، ۲۱۶.....
علی بن عیاس مقانسی، ۱۹۱.....	علی بن محمد حضمینی اهوازی، ۲۱۸.....
علی بن عیاس نوبختی، ۲۲۲.....	علی بن محمد علوی برقمی عبیدی ← صاحب زنج
علی بن عبدالفقار، ۳۵۰.....	علی بن محمد قتیبی، ۲۷۰، ۲۸۴، ۳۱۳.....
علی بن عبداللّه بن صلت، ۲۱۳.....	علی بن محمد مصری، ۷۲.....
علی بن عبداللّه بن مغیره، ۱۳۷، ۱۳۸.....	علی بن محمد مهرویه قزوینی، ۱۷۱.....
علی بن عمر امروغ کوفی واقفی، ۱۷۹.....	علی بن محمد نوفلی، ۳۲۰.....
علی بن عمرو عطار، ۳۵۰.....	علی بن مطر، ۳۲۴.....
علی بن عمرو قزوینی، ۲۶۴.....	علی بن معلی، ۳۴.....

علی بن سهیلار، ۳۷، ۳۹، ۹۹، ۱۰۹، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۵۰	عمرو بن حرث صحابی، ۲۶۱
۱۵۸، ۱۸۷، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۳۹، ۲۴۶، ۲۵۳، ۲۵۴	عمرو بن حرث بن ابواحمد صیرفی
۳۰۷، ۳۷۵	عمرو بن سعید ساباطی، ۵۷
علی بن نعمان اعلام، ۱۳۹	عمرو بن سعید مدائنی، ۱۰۶
علی بن هلال، ۱۹۳، ۲۴۰	عمرو بن عثمان لقی، ۱۴۸
علی بن یحیی بن جعفر، ۳۰۰	عمرو بن لیث صفاری، ۶۶
علی بن یحیی منجم، ۴۴، ۱۲۹، ۲۰۳، ۲۰۴	عمرو بن مسلم، ۱۹۵
علی بن یعقوب هاشمی، ۵۷، ۳۳۸	عمرو بن یسع، ۸۰
علی بن یقطین، ۸۳، ۱۰۳	عمری، ۳۳، ۳۹، ۴۶، ۹۴، ۱۶۴، ۱۶۷، ۲۰۹، ۲۲۹
عمر، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۵۸، ۶۱، ۶۶، ۶۹، ۷۸، ۸۷، ۹۳	۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹
۹۵، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶	عسی، ۱۰۳، ۱۹۶، ۳۳۱، ۳۵۰
۱۲۳، ۱۲۴، ۱۵۲، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹	عیاضی، ۳۶، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۵۵، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۲
۱۸۰، ۱۸۲، ۲۰۲، ۲۱۴، ۲۲۴، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۵۲	۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰
۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۹، ۲۸۹، ۲۹۰	عیسی بن حکم پزشکی، ۳۴۷
۲۹۳، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۶	عیسی بن عیسی رملی، ۳۱۶
عمر اشرف، ۱۲۳	عیسی بن موسی بن طلحه اشعری، ۲۹۳
عمران، ۳۱، ۳۷، ۱۶۲، ۱۶۷، ۲۵۵، ۳۱۳، ۳۴۲	عیسی بن مهران، ۲۳
عمر بن ابان کلی، ۱۴۸	عیسی بن هشام، ۹۶
عمر بن ابی نصر، ۶۳	غ
عمر بن خطاب، ۶۵، ۶۶، ۳۲۱	غازی، ۱۶۹
عمر بن شاکر، ۶۶	غاضری، ۳۰۵
عمر بن شیبہ، ۵۱	غالی، ۹۴، ۱۸۶، ۲۴۳، ۲۹۲، ۲۹۷
عمر بن علی بن عمر، ۳۷	غزنوی سجاوندی، ۵۰
عمر بن فرج، ۳۱۹	غضائری، ۸۱، ۸۷، ۹۴، ۱۶۱، ۳۳۱، ۳۳۹
عمرکی بن علی بن مسعود خراسانی بوفکی ←	غلاب، ۳۰۰
عمرکی بوفکی	غلام تغلب، ۹۸
عمرو بن ثابت، ۱۹۱	الغزوی، ۳۳۳
عمرو بن حرث، ۱۴۸	غیاث بن کلوب بن فیہس کوفی، ۱۵۰

..... ۳۱۷، ۳۰۷، ۲۸۶، ۲۸۳، ۲۷۰، ۲۴۹، ۲۱۱	ف
..... ۲۷۱	فاریابی، ۱۲۸ ...
..... ۲۴۳، ۲۳۲، ۱۸۹، ۱۴۶، ۱۴۵، ۳۰	فارس بن حاتم، ۳۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۹، ۲۳۲، ۲۴۳ ...
..... ۲۷۱	فضل بن شافان رازی، ۲۷۱ ...
..... ۲۸۴	فضل بن هشام ہروی، ۲۸۴ ...
..... ۲۵۴، ۲۳۵، ۹۹	فطحی المذهب، ۹۹، ۲۳۵، ۲۵۴ ...
..... ۲۶۲، ۵۶	فطحیہ، ۵۶، ۲۶۲ ...
..... ۱۰۶، ۸۸، ۸۷، ۸۰، ۶۶، ۶۱، ۵۴، ۴۰، ۳۶	فاضل، ۲۰، ۱۸۰، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۷ ...
..... ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۷۲ ۲۹۶، ۲۸۹، ۲۷۰، ۲۵۰ ...
..... ۲۲۷، ۲۰۰، ۱۹۷، ۱۹۵، ۱۹۲، ۱۸۴، ۱۸۲، ۱۸۱	فاطمیان، ۱۵۳ ...
..... ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۵۹، ۲۵۵، ۲۴۹، ۲۴۳، ۲۳۵	فاقانی، ۱۳۱ ...
..... ۳۱۸، ۳۱۵، ۳۱۲، ۳۰۸، ۳۰۶، ۳۰۳، ۲۸۵، ۲۸۳	فتح بن خاقان، ۲۶۶ ...
..... ۳۳۹، ۳۲۹	فتح بن عمرو، ۱۶۰ ...
..... ۱۴۶، ۱۴۵	فدکی، ۶۲ ...
..... ۱۲۷، ۸۵	فورات بن ابراہیم کوفی، ۱۱۶، ۱۲۰، ۲۲۶ ...
..... ۲۹۱	فورات بن خالد رازی، ۷۶ ...
..... ۱۲۵	فزیاب، ۱۰۹ ...
..... ۱۳۷، ۱۰۷	فزارہ، ۶۵ ...
..... ۸۲	فزاری، ۶۴، ۶۷، ۸۷، ۸۹، ۱۵۹، ۲۲۲ ...
..... ۲۴۱	فضال کوفی، ۱۱۵، ۱۲۸، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۵، ۱۷۹ ...
..... ۷۲	فضال کوفی، ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۶۰، ۲۹۹ ...
..... ۱۷۲	قاسم بن محمد انباری، ۷۲ ...
..... ۲۸، ۲۷	قاسم بن ابوبکر، ۱۷۲ ...
..... ۲۸	قاسم بن محمد ہمدانی، ۲۸ ...
..... ۱۳۲	قاسم بن محمد ہمدانی وکیل، ۲۸ ...
..... ۱۴۵	قاسم بن خالد، ۱۰۳ ...
..... ۳۰۹، ۲۸۶، ۲۵۲، ۱۷۷، ۱۰۷، ۶۷	قاسم بن ہشام لؤلؤی کے ابن ہشام لؤلؤی ...
..... ۲۰۲، ۱۹۵، ۱۸۷، ۱۶۶، ۱۰۲، ۶۶	قاسم شعرانی یقطینی، ۱۴۵ ...
..... ۲۰۲، ۱۹۵، ۱۸۷، ۱۶۶، ۱۰۲، ۶۶	فضل بن شافان، ۶۶، ۱۰۲، ۱۶۶، ۱۸۷، ۱۹۵، ۲۰۲ ...

۲۲۱، ۲۲۲، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۶	قاضی عبدالجبار، ۱۵۴
۲۶۰، ۲۷۱، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۰	قاضی نعمان مصری، ۱۵۳، ۲۴۲
۲۹۱، ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۲۲	قاضی نورالله شوشتری، ۱۶
قنبر بن علی بن شاقان، ۲۸۳	قذاح، ۳۱
قندی، ۳۱۷	قدریه، ۶۶
ک	قرشی بردعی، ۱۵۸
کابل، ۱۲۵	قرشی هیری، ۱۶۶
کاتب، ۱۵، ۴۳، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۸۰، ۸۱، ۲۵۷، ۳۳۷	قرمیسین، ۲۲۴، ۲۶۷
کاتب وزان، ۵۰	قزاز، ۶۲، ۶۳
کامل کیلاتی، ۲۲۲	قزازی، ۶۳
کاهل بن اسد بن خزیمه، ۱۲۱	قسزونی، ۳۶، ۴۲، ۹۸، ۱۴۵، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۸۸
کاهلی، ۱۲۱، ۱۷۹	۱۸۹، ۱۹۱، ۲۳۲، ۲۶۴، ۳۲۳، ۳۵۰
کتامه، ۱۵۳	کسلا بن لوقا بعلبکی، ۳۴۳
کثیر التصانیف، ۱۸۲	کُسنین، ۱۶۷
کثیر الحدیث، ۱۰۸، ۱۴۸، ۱۸۴، ۲۹۴، ۳۱۱	کعبانی، ۱۳۷
کثیر الروایه، ۳۰۹	قطامی، ۲۰۶
کثیر العلم، ۱۵۰	القطان، ۲۰۰
کذاب، ۲۴۴، ۲۴۴، ۲۶۴	قطب‌الدین راوندی، ۱۱۸
کرخی، ۳۷، ۹۸، ۹۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳	قطوانی، ۶۲
کریمه، ۱۳۴	کعب بن محرز باهلی، ۲۰۴
کشکی، ۳۲، ۳۷، ۳۸، ۵۴، ۸۱، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۰۹	قفلی، ۱۲۸، ۱۵۵
۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۲	قلاتسی، ۱۰۷، ۱۵۵، ۲۸۴
۱۵۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۸۸، ۱۹۵، ۲۱۰، ۲۱۴	قمی، ۳۶، ۴۰، ۴۸، ۵۴، ۵۶، ۵۹، ۷۴، ۷۵، ۸۰
۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۶۱، ۲۷۰	۸۱، ۸۳، ۸۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۲۰
۲۸۰، ۲۸۵، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۰، ۳۲۷	۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳
کعبی، ۹۵	۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸
کلباسی، ۱۶۸	۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۵
کلبی نسابه، ۳۴	۱۸۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶

..... ۳۱۵، ۱۳۰، ۹۶، مالک،	کلیسی، ۴۱، ۴۸، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۶۵،
..... ۱۷۳، مالک اسدی، ۲۸۳، ۲۹۹، ۳۰۷، ۳۱۸،
..... ۲۴۵، ۱۸۱، ۱۶۳، ۱۱۹، ۹۸، ۷۸، ۴۵، ۲۸، مامقانی، ۸۲، کٹاسی،
..... ۳۳۹، ۳۱۷ ۹۰، ۱۵، کٹاسی،
..... ۳۴۴، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۱، ۱۲۱، ۹۷، ۷۲، ۵۰، مامون، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۲۹، ۱۲۷، ۹۱، ۸۵، کندی،
..... ۳۲۸، ۳۲۷، ۲۰۴، ۵۱، ۴۵، میرزہ، ۲۶۵، ۳۴۴، ۳۳۳، ۳۴۲، ۲۶۴،
..... ۳۳۶، ۳۳۷، ۲۰۷، ۲۰۳، ۱۷، ۴۵، میرزہ نحوی، ۷۷، ۷۴، ۷۱، ۶۹، ۶۷، ۶۲، ۴۹، ۴۱، ۳۰، ۲۷، کوفی،
..... ۳۳۳، ۳۳۲، ۱۸۰، ۷۰، مہر قح، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۱، ۹۰، ۸۸، ۸۷، ۸۴،
..... ۳۲۸، المیرمان، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۲۰، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۷،
..... ۱۶۰، منتظیہ، ۱۵۵، ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۷، ۱۴۴، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۳۹،
..... ۳۳۵، ۲۴۱، منتظی، ۱۷۹، ۱۷۵، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۱، ۱۵۹، ۱۵۷،
..... ۲۲۴، ۲۰۴، ۱۷۸، ۸۰، ۷۱، ۴۹، ۴۴، ۴۳، مستوکل، ۲۱۳، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۰، ۱۸۷، ۱۸۳، ۱۸۲،
..... ۳۳۲، ۳۲۱، ۳۱۹، ۳۰۱، ۲۸۶، ۲۶۶، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۵۸، ۲۴۴، ۲۴۰، ۲۳۳، ۲۳۰، ۲۲۶، ۲۲۱، ۲۱۶،
..... ۲۴۴، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۱، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰،
..... ۳۴۰، ۳۳۲، ۱۲۳، ۱۲۲، مشی، ۳۰۸، ۳۰۷، ۲۹۹، ۲۹۷، ۲۹۴، ۲۸۶، ۲۸۴، ۲۸۲،
..... ۳۱۵، مجوس، ۳۲۸، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۱۵، ۳۱۰،
..... ۱۹۱، محاری، ۱۸۷، کوفی اہوازی،
..... ۲۳۰، محاملی، ۶۱، کوفی اودی،
..... ۱۵۳، محتسب،
..... ۱۶۳، محدث بن علی مرعشی، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۱۷، لؤلؤی،
..... ۳۱۶، محدث مکر،
..... ۱۵۵، محسن بن احمد، ۲۸۶، ماجیلویہ،
..... ۵۴، ۴۹، ۴۸، ۴۱، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۲۸، ۲۰، ۱۵، محض، ۵۸، ۵۷، مادرائی،
..... ۸۵، ۸۲، ۸۰، ۷۹، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۶۳، ۵۸، ۵۶، ۵۵، ۵۸، مافرای،
..... ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۷، ۹۲، ۸۹، ۸۷، ۸۶، ۳۲۸، ۳۲۷، مازنی،
..... ۱۲۱، ۱۱۸، ۱۱۶، ۱۱۳، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۴، ۲۸۵، مالک آباد،
..... ۱۴۰، ۱۳۸، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۲۳، ۳۳۷، ۱۸۶، مالک اشتر نخعی،
..... ۱۵۵، ۱۵۳، ۱۵۱، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۲، ۲۸۵، ۸۲، مالک بن اھوص،

..... ۲۸۰	محمد بن ابی عوف بخاری، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۲، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸
..... ۷۷	محمد بن ابی القاسم عبیدالله، ۱۸۹، ۱۸۶، ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۵، ۱۷۳، ۱۷۲
..... ۲۱۶، ۱۴۰	محمد بن ابی نصر یزیدتی، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۸، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۱، ۲۰۹، ۱۹۱
..... ۱۴۲	محمد بن احمد بن ابی قتاده قسبی، ۲۳۵، ۲۳۲، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۳، ۲۲۲
..... ۲۹۰، ۱۴۸، ۶۳	محمد بن احمد بن ثابت، ۲۴۹، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۸، ۲۳۶
.....	محمد بن احمد بن جعفر قسبی عطار ← عطار قسبی
..... ۶۲	محمد بن احمد بن حسن قطوانی، ۲۷۹، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲
..... ۲۸۲، ۱۰۱	محمد بن احمد بن حماد مروزی محمودی، ۳۱۰، ۳۰۸، ۳۰۴، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۷، ۲۹۵
..... ۲۱۲	محمد بن احمد بن علی بن صلت قسبی، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲
.....	محمد بن احمد بن محمد بن حارث ← حارثی خلیب
.....	محمد بن احمد بن محمد بن رجا، ← ابو جعفر بجلی
.....	محمد بن احمد بن شاذان نیشابوری، ۳۴۱، ۳۳۲، ۳۴۵، ۳۵۰
.....	محمد بن ابراهیم، ۳۵۰
.....	محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی، ۷۳
..... ۱۹۳، ۱۴۰، ۴۹، ۲۸	محمد بن احمد بن یحیی، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳
..... ۳۵۰، ۳۲۵، ۳۱۲، ۲۳۸، ۲۲۳	محمد بن ابراهیم بن مهزیار، ۱۰۳، ۴۹
..... ۴۳	محمد بن ابراهیم جعفری، ۷۴
..... ۲۶۰	محمد بن ابراهیم علوی، ۱۲۲
..... ۴۳	محمد بن ابراهیم یعقوبی، ۳۰
..... ۱۱۰	محمد بن ابی ازهر بوشتنجی، ۸۵
.....	محمد بن ابی حمزه، ۹، ۱-۹
.....	محمد بن ابی حمزه ثمالی، ۳۳۰
..... ۱۹۰	محمد بن ابی خالد اشعری، ۳۳۳
..... ۱۹۱	محمد بن ابی زینب مقلاسی، ۲۹۵
..... ۱۱۴	محمد بن ابی صهبان، ۹۰
..... ۲۵۲، ۱۹۶، ۱۶۵	محمد بن ابی عبدالله کوفی رازی، ۱۸۵
..... ۳۱۲، ۳۰۷، ۲۷۰	محمد بن ابی عمیر، ۳۵، ۴۱، ۸۴، ۹۰، ۹۴، ۱۰۸
..... ۲۲۲	محمد بن اسماعیل بن یزید، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴
..... ۱۱۷	محمد بن اسماعیل دارمی، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۷، ۳۲۹، ۳۳۷

محمد بن اسماعیل رازی، ۲۰۱.....	محمد بن حسن واسطی، ۲۷۰.....
محمد بن اسماعیل نیشابوری، ۶۶، ۶۵.....	محمد بن حسین بن ابی الخطاب زیات ہمدانی کوفی کے زیات ہمدانی.....
محمد بن اورمہ قمی، ۱۷۹، ۱۵۷، ۷۶.....	محمد بن حسین بن حفص خثعمی، ۸۷، ۱۹۱.....
محمد بن اوس، ۱۳۴.....	محمد بن حسین بن خازم، ۳۲۲.....
محمد بن ایوب بن نوح، ۱۰۷.....	محمد بن حسین بن سعید کے ابو جعفر صالح.....
محمد بن ایوب دھقان، ۹۸.....	محمد بن حسین بن عبدالعزیز بن مہندی، ۲۰۱.....
محمد بن ابی عمیر، ۲۷۰.....	محمد بن حسین فندان جہان بختان، ۷۱.....
محمد بن بشر، ۲۸۲.....	محمد بن حسین زامری، ۲۹۷.....
محمد بن بکران، ۲۸۹.....	محمد بن حسین صالح، ۱۱۶.....
محمد بن جریر طبری، ۴۵.....	محمد بن حفص، ۳۱۰.....
محمد بن جعفر اسدی رازی، ۴۸.....	محمد بن حکیم، ۱۵۰، ۱۷۵، ۲۷۲.....
محمد بن جعفر بن احمد بن بطہ قمی، ۱۴۲، ۲۸۱.....	محمد بن حمدویہ سویداوی (سویقاتی)، ۲۷۶.....
محمد بن جعفر بن محمد بن فرج، ۳۱۹.....	محمد بن حمزہ، ۲۳۶.....
محمد بن جعفر بن ملاس، ۳۱۶.....	محمد بن حمویہ رازی، ۲۷۵.....
محمد بن جعفر ڈھلی، ۱۱۶.....	محمد بن حنفیہ، ۱۱۹، ۱۲۰.....
محمد بن جعفر رزاز، ۵۷، ۲۲۲، ۲۸۶، ۲۹۶، ۲۹۵، ۴۱۷.....	محمد بن خالد، ۷۷، ۷۹، ۲۹۸.....
محمد بن جعفر صیدلانی، ۷-۲۸، ۳۲۸.....	محمد بن خالد برقی، ۱۵، ۲۸، ۴۲، ۵۸، ۷۲، ۸۳، ۱۰۷.....
محمد بن جمہور عمی، ۱۰۳، ۱۹۶، ۳۳۱، ۳۵۰.....	۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۵۸، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۱۶، ۲۱۷.....
محمد بن حرب، ۲۰۳.....	۲۵۶، ۲۷۴، ۲۸۶، ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۵۰.....
محمد بن حسان رازی زینبی کے رازی زینبی.....	محمد بن خالد بن عمر طرابلسی تمیمی، ۲۲۱.....
محمد بن حسن برالی کشی، ۳۲۷.....	محمد بن خالد طرابلسی، ۱۹۶، ۲۷۱، ۲۷۲، ۳۲۵.....
محمد بن حسن بن بندار قمی، ۱۳۱.....	محمد بن خلف بن مرزبان، ۵۲.....
محمد بن حسن بن شمون بصری بغدادی، ۱۰۳.....	محمد بن رباح قلا، ۱۷۹.....
محمد بن حسن بن شمون بصری بغدادی کے ابن شمون.....	محمد بن ربیع چیزی، ۳۱۶.....
محمد بن حسن بن صلت قمی، ۲۱۲.....	محمد بن رجاہ، ۲۸۲، ۲۸۳.....
محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی کے صفار قمی.....	محمد بن رجاہ أرجانی، ۲۸۴.....
محمد بن حسن بن ولید، ۱۵۷، ۱۸۱، ۲۱۶، ۲۹۳، ۳۳۱.....	محمد بن رجاہ بجلي، ۲۸۳.....
محمد بن حسن رازی، ۲۲۶.....	

.....	محمد بن ریان بن صلت، ۲۲۷.....
.....	محمد بن زبیر، ۵۲، ۲۳۵.....
.....	محمد بن زکریا بن دینار غلابی جوهری بصری ←
.....	دینار غلابی.....
.....	محمد بن زیاد بن ابی عمیر، ۱۷۶.....
.....	محمد بن زیاد بن عیسی، ۲۲۹.....
.....	محمد بن زید، ۵۹، ۷۹، ۳۰۲.....
.....	محمد بن زید حسنی، ۱۳۲.....
.....	محمد بن زید رزاسی، ۲۹۱.....
.....	محمد بن زید رطال، ۳۴.....
.....	محمد بن سعید کشی، ۲۸۰.....
.....	محمد بن سگین بن سرحال، ۳۳۰.....
.....	محمد بن سلیمان، ۱۷، ۱۰۹، ۱۴۶، ۲۳۰، ۳۵۰.....
.....	محمد بن سنان، ۹، ۱۰۹، ۱۸۴، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۹.....
.....	محمد بن شاذان، ۲۷۰، ۳۷۸، ۲۸۳.....
.....	محمد بن شاذان بن نمیه، ۳۸.....
.....	محمد بن صالح بن محمد همدانی دهقان ← دهقان
.....	محمد بن ظاهر، ۶۵.....
.....	محمد بن طیفور غزلوی سجاولدی، ۵۰.....
.....	محمد بن عاصم، ۷۶، ۹۱.....
.....	محمد بن عباس بن بنام، ۲۲۷.....
.....	محمد بن عباس بن عیسی غاضری ← غاضری.....
.....	محمد بن عبدالجبار، ۲۱۷.....
.....	محمد بن عبدالحمید، ۱۹۵.....
.....	محمد بن عبدالله، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۷۳، ۳۴۶.....
.....	محمد بن عبدالله بغدادی، ۱۲۸.....
.....	محمد بن عبدالله بن ابی غانم، ۳۶، ۳۲.....
.....	محمد بن عبدالله بن جعفر، ۲۰۸.....
.....	محمد بن عبدالله بن زراره، ۲۳۵، ۲۳۸.....
.....	محمد بن عبدالله بن صالح خشاب بجلی، ۱۴۴.....
.....	محمد بن عبدالله بن طاهر، ۱۷۲.....
.....	محمد بن عبدالله بن مروان، ۲۲۳.....
.....	محمد بن عبدالله جمفری، ۲۴۷.....
.....	محمد بن عبدالله مسلمی، ۳۱۲.....
.....	محمد بن عبدالله مطهری / طهری، ۱۶۴.....
.....	محمد بن عبدالله مکی، ۳۱۲.....
.....	محمد بن عبدالملک دقیقی، ۱۸۲.....
.....	محمد بن عبیده، ۳۷.....
.....	محمد بن عثمان، ۹۳.....
.....	محمد بن عثمان بن سعید، ۸۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۶۴، ۲۷۶، ۳۱۴.....
.....	محمد بن عثمان عمری، ۱۲۶، ۹۰، ۲۳۰، ۲۵۱.....
.....	محمد بن عصام أنماطی، ۲۸۲.....
.....	محمد بن عفیر خبی، ۳۰۰.....
.....	محمد بن علی، ۱۳، ۷۸، ۷۷، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۶۳.....
.....	محمد بن علی بن ابراهیم، ۳۷، ۳۸.....
.....	محمد بن علی بن ابی بکر فقیه، ۸۷.....
.....	محمد بن علی بن بلال ← ابوطاهر
.....	محمد بن علی بن حاتم نوفلی کرمانی، ۷۵.....
.....	محمد بن علی بن محبوب، ۲۸، ۳۹، ۴۲، ۸۱، ۱۰۷.....
.....	محمد بن علی بن مسلمانی، ۹۲.....
.....	محمد بن علی صیرفی، ۸۳، ۲۹۱.....
.....	محمد بن علی طاتی، ۱۹۰.....

.....	محمد بن علی ماجیلویہ، ۲۸۶	محمد بن مروان، ۸۳، ۱۱۶
.....	محمد بن علی المیرمان، ۳۲۸	محمد بن مسعود سمرقندی عیاشی، ۲۲۵
.....	محمد بن عفار، ۲۷۲، ۹۰، ۳۰۰	محمد بن مسلم، ۲۹۴، ۲۹۶
.....	محمد بن عمران، ۲۵۵، ۳۱	محمد بن معروف خزاز ہلالی، ۲۲۲
.....	محمد بن عوف، ۳۵	محمد بن مفضل، ۲۵۸
.....	محمد بن عیسیٰ، ۳۷، ۳۸، ۴۱، ۷۸، ۸۳، ۱۰۹	محمد بن مفضل بن ابراہیم اشعری، ۶۲
.....	۱۱۲، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۶	محمد بن منصور بن یونس بزرج کوفی، ۲۹۷
.....	۱۶۹، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۱	محمد بن موسیٰ، ۱۴۵، ۳۳۳
.....	۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۵۴	محمد بن موسیٰ بن شاکر، ۳۳۳
.....	۲۵۶، ۲۶۴، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۹۳، ۳۱۰، ۳۱۸	محمد بن موسیٰ ثریعی ← ثریعی
.....	۳۲۲، ۳۲۵	محمد بن نسیم قرشی، ۹۲
.....	محمد بن عیسیٰ بن عبید یقطینی، ۲۸، ۱۳۰، ۱۷۹	محمد بن نصیر نیری، ۱۲۵، ۲۲۰، ۲۵۸، ۲۶۴، ۳۲۳
.....	۱۹۰، ۲۰۱، ۲۱۱	محمد بن ولاد تمیمی، ۳۲۸
.....	محمد بن عیسیٰ بن یقظین ابن موسیٰ ← ابو جعفر یقطینی	محمد بن ولید صوفی، ۱۸۴
.....	محمد بن عیسیٰ ترمذی، ۱۹۱	محمد بن وہیب صوفی، ۲۰۷
.....	محمد بن عیسیٰ عیبندی، ۱۱۰	محمد بن ہارون، ۹۶، ۱۳۳، ۳۰۱، ۳۰۲
.....	محمد بن قرات، ۲۵۷	محمد بن ہارون طخکان، ۸۸
.....	محمد بن فضل بن اسحاق نیشاپوری، ۱۴۱	محمد بن ہشام، ۹۱
.....	محمد بن فضل، ۱۲۳	محمد بن ہشام اسکافی، ۳۱، ۳۲، ۱۳۱
.....	محمد بن قاسم بن خالد بن یاسر بن سلیمان ← ابوالعیناء	محمد بن یحییٰ، ۱۸۱، ۲۹۳، ۳۲۴
.....	محمد بن قاسم بن زکریا محاری، ۱۹۱	محمد بن یحییٰ شمس کوفی، ۱۷۹
.....	محمد بن قاسم بن فضیل، ۱۸۳	محمد بن یحییٰ رازی، ۶۵
.....	محمد بن قاسم علوی، ۷۳	محمد بن یحییٰ صولی، ۳۲۲، ۳۳۶
.....	محمد بن قولویہ، ۱۸۱، ۲۵۱	محمد بن یحییٰ عطار، ۱۵۷، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۸۵
.....	محمد بن محمد بن عمام ← ابن عمام	۲۰۹، ۲۶۰، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۵، ۳۰۸
.....	محمد بن محمد کوفی، ۳۱۵	محمد بن یحییٰ قمی، ۸۲، ۲۹۱
.....		محمد بن یحییٰ معاذی، ۸۲
.....		محمد بن یحییٰ نیشاپوری رازی، ۶۵

..... مسعدة بن زیاد، ۲۹۵ محمد بن یزید، ۲۳۴، ۸۴
..... مسعود بن محمد بن عائش، ۱۱۰ محمد بن یزید بن عبدالاکبر بن عمیر لثمی ازدی
..... مسعودی، ۱۷۲، ۱۹۱ مصری ← میرز نحوی
..... مسلم بن حجاج نیشابوری، ۶۵، ۶۶ محمد بن یزید جعفی، ۱۰۰
..... مسلمة، ۲۰۳ محمد بن یزید قزوینی، ۱۹۱
..... مسلمة بن مهدی، ۲۰۳ محمد همیری، ۱۷۳
..... مسلمی، ۳۱۱ محمود بن میمون، ۳۲۹
..... مصری، ۱۰۹، ۷۲، ۲۴۲، ۳۱۶، ۳۴۰، ۳۴۷ محمودی، ۱۰۱، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۲
..... مصعب، ۱۷۶، ۱۷۷ مختار بن ابی عبیده ثقفی، ۳۳
..... مصعب بن زبیر بن بکّار، ۱۷۶ مختلط، ۲۴۴
..... مصعب بن عبدالله، ۱۷۷ مدائنی، ۳۳، ۱۰۶، ۱۶۱
..... مصعب بن عبدالله بن زبیر، ۱۷۷ مدائنی همدانی، ۱۶۵
..... مضطرب الحدیث و المذهب، ۳۳۱ مذاح الخلفاء، ۳۳۲
..... مطرز، ۹۸ مفاری، ۱۱۹، ۲۹۲
..... معاذ بن موسی، ۶۲ منبج، ۶۱، ۱۰۷، ۱۱۵، ۳۱۱
..... معاذی، ۸۲، ۳۲۴، ۳۲۵ منبری، ۱۱۹
..... معالی بن عمران، ۱۶۷ مذهب شاعران معانی، ۲۴۱
..... معاویه، ۳۳، ۸۵ مرادی، ۳۰۰
..... معاویه بن حکیم، ۳۲۶ مرافعی، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۱۶۴، ۲۷۸
..... معتز، ۵۰، ۱۲۸، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۴۱، ۲۶۵، ۲۶۶ مرچنه، ۶۶
..... معتزلی، ۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۲۵ مرزبان، ۴۹، ۲۰۵، ۲۴۲، ۲۶۷
..... معتصم، ۱۷۴، ۱۷۷، ۲۶۶، ۳۳۳، ۳۴۴ مروان اموی، ۳۱۷
..... معتضد، ۵۲، ۸۵، ۲۴۱، ۳۳۰ مروزی، ۵۰، ۸۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۷۸، ۲۷۹
..... معدن تخلیط، ۱۰۳ مزخرف، ۲۱۶، ۲۲۶
..... معلم، ۱۳، ۷۱، ۱۵۴ مستعین، ۴۴، ۴۵، ۱۲۸، ۱۷۳، ۲۲۸
..... معنی، ۳۴، ۱۴۴، ۲۴۸ مسعدة، ۱۶۷
..... معنی بن ایوب، ۲۰۴ مسعدة بن صدقه، ۱۶۷
..... معنی بن موسی کندی، ۱۴۷	

۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۳۳، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۷۵	معفر، ۱۶۷
۲۸۱، ۲۸۹، ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۳	معتزان، ۸۳
۳۱۸، ۳۲۵، ۳۳۶، ۳۴۹، ۳۵۰	معفر بن سنان، ۳۲۲
موسیٰ بن بشار، ۴۹	مفضل، ۶۲، ۲۳۰، ۲۵۸
موسیٰ بن جعفر بن وہب، ۱۱۰	مفضل بن صالح، ۳۱۰
موسیٰ بن نجیبہ ارضی، ۲۹۱	مفضل بن عمر، ۳۱
موسیٰ بن زید علوی، ۲۶۲	مفلح، ۴۹
موسیٰ بن سعدان، ۱۶۷	مقارب، ۲۲۷
موسیٰ بن شاکر، ۳۳۳، ۳۳۴	مقتدر، ۵۲
موسیٰ بن طلحہ، ۲۹۳	مقلاص، ۲۹۵
موسیٰ بن عمران نخعی، ۱۶۲	مکارب، ۲۲۷
موسیٰ بن قاسم بجلي، ۱۵۵	مکاری، ۱۷۹، ۲۰۵
موسیٰ بن محمد اشعری قمی، ۱۸۱	مکتب اعتزال، ۱۹۸
موسیٰ بن محمد بن قاسم، ۱۶۳	مکتب بصرہ، ۶۷
موسیٰ سواق، ۱۴۵	مکتب کوفہ، ۶۷، ۲۲۲
موسیٰ مبرقع، ۷۰، ۱۸۰، ۳۳۳	مکتفی، ۵۲، ۹۷
موسلی، ۵۱، ۱۷۷	مکی، ۱۶۲، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۲۲
مولا، ۶۳	مدوح، ۱۴، ۴۷، ۲۸۹
مہندی، ۵۲، ۱۷۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۶۶، ۲۳۷، ۲۵۷	منتصر، ۷۱، ۳۳۴
مہدی عباسی، ۳۳۷، ۳۳۲، ۳۳۳	منظوم، ۲۰۴، ۲۰۳، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۴۴
مہران بن ابی نصر، ۶۳	منصور بن ابی نویر، ۶۲
مہرویہ، ۱۷۰	منصور بن عباس، ۱۳۰
مسہزیار، ۳۸، ۳۹، ۱۰۳، ۱۴۲، ۱۵۸، ۱۸۷، ۲۰۹	منصور بن یونس، ۲۹۷، ۳۱۰
۲۳۹، ۲۴۶، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۷۵، ۳۰۷	منقری، ۲۴، ۸۰، ۳۱۵
مہزیاری، ۲۷۵	منہال بن خلیل، ۳۳
مہمل، ۳۰۶	مورد اعتماد، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۵۷، ۶۷، ۷۶، ۱۰۰، ۱۱۱
میشی، ۸۸، ۹۱	۱۱۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۸۳
میمونہ، ۱۸۰، ۳۳۳	۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۲۱

مؤدب، ۱۳۲	نرجس، ۱۶۳
مؤدب الاطفال، ۵۰	نسانی، ۲۹۸
ن		نصر بن سیار بن داود، ۳۲۶
نابینا، ۳۲۶، ۳۲۱	نصر بن صباح بلخی، ۱۰۳
ناجم، ۳۲۴، ۳۲۶	نصر بن علی جهشمی، ۲۰۰
ناشناخته، ۷۳، ۸۰، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۲۱، ۲۳۱، ۲۳۳	نصر بن مزاحم منقری، ۳۴
۲۵۷، ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۰۶، ۳۲۷	نصر بن نصر حلوانی، ۱۳۳
ناصر کبیر اطروش، ۳۴۱	نصیرید، ۲۵۸، ۲۲۰
ناقد، ۱۹۹	نضر بن سوید، ۱۵۸، ۳۱۷
ناقد، ۸۵	نضر بن مزاحم منقری، ۳۱۵
نحاشی، ۲۷، ۲۸، ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۵۵، ۶۳، ۶۸	نعمانی، ۴۲، ۶۲، ۸۱، ۱۰۰، ۱۶۰، ۳۱۲، ۳۳۸
۷۳، ۷۷، ۸۲، ۸۸، ۹۴، ۹۹، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴	نمیری، ۱۴۵، ۲۲۰، ۲۵۸، ۲۶۴، ۳۲۳
۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۳	نویختی، ۲۳۷، ۲۴۲
۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۶	نوح بن دراج، ۳۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۵۰، ۱۶۲، ۱۶۵، ۲۴۴
۱۷۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۴	نوح بن شعیب، ۱۶۵
۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۷	نوح بن شعیب نیشابوری، ۲۰۱
۲۱۹، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۳	نوفلی، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۲، ۳۲۰
۲۷۱، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۹، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۹	نوفلی کرمانی، ۷۵
۳۲۰، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۵۰	نهبانندی، ۲۷، ۲۸، ۸۲، ۲۸۶، ۳۵۰
نحوی، ۳۴، ۴۵، ۵۱، ۶۷، ۷۱، ۹۷، ۱۰۳، ۲۰۲	نهدی، ۳۳۶
۲۲۲، ۲۲۸، ۲۶۸، ۳۳۸، ۳۳۶، ۳۴۴	نهران، ۱۵، ۱۲۶، ۳۳۳، ۳۴۴
نخاس، ۱۶۴	نیشابوری، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۵، ۴۶، ۱۰۰، ۱۰۱
نضج، ۱۰۶، ۲۶۶	۱۰۲، ۱۱۳، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۸۷
نضی، ۳۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۳	۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۹، ۲۳۹، ۲۶۹
۱۸۶، ۲۹۹، ۳۲۶، ۳۲۷	۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۴، ۳۲۶
ندیم، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۷۲، ۸۶، ۹۵	نیوائی، ۶۳، ۸۰، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۵۱
۹۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۰۸، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۷، ۲۶۸	۱۷۸، ۱۷۹، ۲۳۴، ۲۶۲، ۲۸۲، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۷
۳۷۱، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۰۲، ۳۱۸، ۳۲۸، ۳۲۹	۳۰۶، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۲۳

..... ۱۲۲، ۹۹	ہارون بن مسلمہ	۵
..... ۳۲۲	ہارون الرشید، ۳۲۲	وائیل بن حجر حضرموتی، ۱۱۲
..... ۳۳۸، ۸۲، ۵۷، ۲۹	ہائسی، ۳۳۸، ۸۲، ۵۷، ۲۹ ۳۲۵
..... ۲۹	ہائسی یعقوبی، ۲۹ واسع الاخبار، ۱۸۲
..... ۲۸۷، ۵۱	ہجاء، ۲۸۷، ۵۱ ولقد القمیین، ۵۵
..... ۲۸۴، ۱۶۵، ۱۶۱، ۱۰۹، ۷۳	ہروی، ۲۸۴، ۱۶۵، ۱۶۱، ۱۰۹، ۷۳ ولقدی، ۷۲
..... ۱۹۶	ہشام بن سالم، ۱۹۶ والسفی، ۶۳، ۸۰، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۵۰، ۱۷۹، ۲۳۶
..... ۱۷۸، ۱۴۸، ۱۲۳، ۹۹، ۹۰، ۸۰، ۶۳	ہفت اصاصی، ۱۷۸، ۱۴۸، ۱۲۳، ۹۹، ۹۰، ۸۰، ۶۳ ۲۸۹، ۲۹۱، ۳۱۱
..... ۳۱۱، ۲۸۹، ۲۶۲، ۲۳۵، ۱۷۹ ۳۱۱، ۲۸۹، ۲۶۲، ۲۳۵، ۱۷۹ واقفیہ، ۶۲، ۶۳، ۹۰، ۱۲۳، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۷۹، ۲۳۵
..... ۵۷، ۶۶، ۴۲	ہفام، ۵۷، ۶۶، ۴۲ ۲۳۶، ۲۶۲، ۲۸۹، ۲۹۲
..... ۲۳۱	ہفانی، ۲۳۱ وجہہ الدولہ حمدانی، ۲۴۱
..... ۱۶۵، ۱۶۲، ۱۰۱، ۸۷، ۳۷، ۳۶، ۲۸، ۲۷	ہمدانی، ۱۶۵، ۱۶۲، ۱۰۱، ۸۷، ۳۷، ۳۶، ۲۸، ۲۷ وزلقی، ۵۰، ۵۱، ۹۵، ۹۶، ۱۱۴
..... ۳۰۶، ۳۰۳، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۳۰ ۳۰۶، ۳۰۳، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۳۰ وزلقی، ۳۵، ۱۹۲
..... ۲۳۱	ہمیشا، ۲۳۱ وردان، ۳۲۹
..... ۲۳۱	ہمینا، ۲۳۱ وردانی، ۳۲۹، ۳۳۰
..... ۲۳۶	ہرم بن ابی مسروق نهدی، ۲۳۶ وثناء، ۲۲۲، ۳۱۰، ۳۱۷، ۳۳۱
..... ۹۴	ی وقف، ۹۴
..... ۱۱۶، ۸۶، ۵۸، ۵۵، ۵۴، ۴۸، ۴۱، ۳۹، ۳۲، ۳۱، ۲۸، ۲۸	یاسر خادم، ۱۱۶، ۸۶، ۵۸، ۵۵، ۵۴، ۴۸، ۴۱، ۳۹، ۳۲، ۳۱، ۲۸، ۲۸ وکیل، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۹، ۴۱، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۸۶، ۱۱۶
..... ۳۴۸، ۲۰۲، ۴۴، ۴۳	یاقوت، ۳۴۸، ۲۰۲، ۴۴، ۴۳ ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۰، ۲۳۱، ۲۳۸، ۲۵۳، ۲۷۵، ۲۷۶
..... ۱۴۵	یایا، ۱۴۵ ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۴، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۵۰
..... ۹۷، ۹۵، ۹۰، ۸۲، ۶۵، ۴۱، ۳۹، ۳۷، ۲۸	یحییٰ، ۹۷، ۹۵، ۹۰، ۸۲، ۶۵، ۴۱، ۳۹، ۳۷، ۲۸ ولایت فقیہ، ۱۰۴
..... ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۶۵، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۰، ۱۲۹، ۱۲۰ ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۶۵، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۰، ۱۲۹، ۱۲۰ ولید بن ابان اصفہانی، ۷۷
..... ۱۹۶، ۱۹۳، ۱۸۷، ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۷۵ ۱۹۶، ۱۹۳، ۱۸۷، ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۷۵ ولید بن عبید بن یحییٰ بن ابوعبادہ
..... ۲۸۴، ۲۷۳، ۲۷۰، ۲۶۶، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۳۸، ۲۲۸ ۲۸۴، ۲۷۳، ۲۷۰، ۲۶۶، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۳۸، ۲۲۸ وھب بن عامر، ۶۸
..... ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۰، ۲۹۳، ۲۹۱، ۲۸۹، ۲۸۶ ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۰، ۲۹۳، ۲۹۱، ۲۸۹، ۲۸۶ وھیب بن حفص، ۳۳۹
..... ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۲۵، ۳۲۴ ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۲۵، ۳۲۴ ھ
..... ۲۴۹	یحییٰ بن ابی بکر، ۲۴۹ ہادی ابی الحق، ۳۳۹
..... ۳۲۲	یحییٰ بن اکثم، ۳۲۲ ہارون بن جعفر، ۱۷۷

یحیی بن حبیب، ۸۴	یعقوب، ۲۹، ۳۰، ۵۳
یحیی بن حسین بن قاسم الرسی بن ابراهیم ابن طباطبای ابن طباطبای	یعلی بن عبید، ۳۱۶
یحیی بن عباد مکی، ۱۶۲	یقظین کوفی بغدادی، ۳۱۷
یحیی بن عمر، ۱۷۲	یقظینی، ۲۸، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۷۹، ۱۹۰، ۲۰۱، ۳۱۶، ۳۱۷
یحیی بن عمران، ۳۱۳، ۳۷	یمانی، ۱۶۵، ۲۱۵
یحیی بن عمر علوی، ۲۲۸	یمانی میرقع، ۳۳۳
یحیی بن محمد بن هادی، ۳۴۱	یحوت بن مزوع، ۲۰۳
یحیی بن محمد رازی، ۳۲۶	یوسف بن ابراهیم بن دایه بغدادی مصری بن ابن دایه بغدادی
یحیی بن معین، ۱۷۱	یوسف بن عبدالله الزجاجی، ۳۲۸
یحیی الخلیفی، ۲۶۱	یوسف بن عمر، ۷۸
یزید بن عبدالله، ۵۹	یونس، ۱۹۳، ۲۱۷، ۲۹۷
یزید بن هارون، ۲۰۷	یونس بن عبدالرحمان، ۴۰، ۴۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۰۱، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۷۰
یعقوب، ۳۴، ۹۹، ۱۲۷، ۱۲۹، ۲۷۲، ۳۱۰	یعقوب بن اسحاق بن صباح بن عمران بن اشعث
یعقوب بن اسحاق بن صباح بن عمران بن اشعث	یونس بن یعقوب بن لیس، ۳۱۰
یعقوب بن سگهت، ۷۲، ۲۲۵	یونسی، ۱۹۳
یعقوب بن لیث صفار، ۱۳۳	یهودی، ۹۵
یعقوب بن یزید، ۳۶، ۳۸	



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نمایه اماکن

برق رود، ۷۸	اباطن، ۲۲۷
بصره، ۵۸، ۶۷، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۷، ۱۰۲، ۱۰۳،	آبله، ۲۲۷
۱۲۰، ۱۵۹، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۸، ۲۴۶، ۲۴۷،	المریقا، ۱۵۳
۲۴۸، ۲۷۵، ۲۸۷، ۳۰۰، ۳۲۱، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۷،	المان، ۳۳۱
۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۹	امل، ۸۶، ۸۷، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۶۰
بغداد، ۲۷، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۵،	ابن‌الخصیب، ۲۲۷
۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۹، ۷۰، ۷۶، ۷۷، ۸۱، ۸۵، ۸۶،	اردن، ۴۷
۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۴،	ارمنستان، ۳۰۲
۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹،	ارمنیه، ۵۳
۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳،	اسکاف، ۹۲
۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۶،	اصفهان، ۳۳، ۷۰، ۷۶، ۸۲، ۳۴۰
۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۲۲،	انبار، ۲۶۵، ۳۳۶
۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۷،	انلس، ۳۶۵
۲۳۸، ۲۴۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۰،	اهواز، ۳۹، ۱۵۸، ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۵۲، ۲۷۵، ۲۹۹،
۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۶، ۲۸۷،	۳۲۰، ۳۲۱
۲۸۸، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰،	ایتالیا، ۳۳۱
۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۳۶،	ایران، ۱۸، ۳۷، ۴۴، ۴۶، ۷۱، ۱۳۰، ۱۸۰، ۲۲۵،
۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۷، ۳۴۹	۲۴۰، ۲۸۰، ۳۰۴، ۳۴۱
بلادجیل، ۲۸۶	باب الشام، ۵۰
بلخ، ۱۰۹، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۵۵	باب الکوفه، ۳۲۷
بنی‌رواس، ۲۳۳	بابل، ۳۲۲
بوفکه، ۲۵۹	بامیان، ۱۲۷
بیت‌الحکمه، ۳۳۳	بخارا، ۳۳۶، ۳۳۹

..... ۲۱۰	بیہق، ۲۱۰
..... ۹۵	بیہق، ۲۱۰
..... ۳۱۹	تفلیس، ۳۰۲
..... ۲۴۰	تکریت، ۴۴
..... ۱۱۳، ۱۰۸، ۱۰۴، ۸۷، ۸۶، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۴۷	جاجرم، ۲۵۳
..... ۲۳۹، ۱۸۸، ۱۸۴، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۳۴، ۱۱۵، ۱۱۴	جبال، ۵۸، ۶۷، ۷۰
..... ۳۳۳، ۳۲۶، ۳۰۴، ۲۹۰، ۲۸۴، ۲۴۷، ۲۲۰	جرجان، ۱۱۸، ۱۱۷
..... ۳۳	جزیرہ (موصل)، ۷۶
..... ۱۳۴	جنبلاد، ۲۲۰
..... ۶۸، ۵۵، ۴۷، ۴۳، ۳۹، ۳۶، ۳۵، ۳۲، ۲۹	جندی شاپور، ۱۲۴
..... ۱۶۳، ۱۵۲، ۱۳۱، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۰۷، ۱۰۱، ۶۹	جیحون، ۱۰۹
..... ۲۶۰، ۲۵۶، ۲۴۹، ۲۳۸، ۲۱۱، ۱۹۷، ۱۹۵، ۱۷۳	چہل اختران، ۳۳۳
..... ۳۰۳، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۸۶، ۲۸۱، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۳	حجاز، ۲۶۹، ۱۲۷، ۱۲۴، ۷۶
..... ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۲۶، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۳، ۳۱۰	حضر موت، ۱۱۳، ۱۱۲
..... ۳۵۰، ۳۳۹، ۳۳۶	حلب، ۲۲۰
..... ۳۲۴، ۲۹۸	حلوان، ۵۴
..... ۵۴	خراسان، ۱۲۶، ۱۱۰، ۱۰۳، ۹۷، ۸۹، ۸۰، ۶۵، ۵۰
..... ۳۳۷، ۳۸۸، ۲۶۳، ۶۹، ۴۹	۱۷۴، ۱۷۵، ۳۳۵، ۳۳۷
..... ۲۵۹، ۱۵۵، ۱۱۳	خزائنہ الحکمہ، ۱۲۹
..... ۲۲۰	خوزستان، ۲۸۶، ۲۵۳، ۳۹
..... ۳۱۵	دروازہ شام، ۲۲۲
..... ۷۵	دشت میشان، ۲۴۷
..... ۳۳۴، ۸۹، ۷۶	دمشق، ۳۵، ۶۲، ۱۴۱، ۲۰۸، ۲۲۲، ۲۳۶، ۲۳۸
..... ۱۹۷	۳۳۷، ۳۳۸
..... ۵۹	دورق، ۳۹، ۲۵۳، ۲۷۵
..... ۱۸۱	دیلم، ۱۳۴
..... ۳۹۷	دیلمان، ۳۴۱
..... ۳۰۳، ۵۹، ۵۸	دینور، ۲۲۶، ۶۷، ۵۸

۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۳، ۲۰۰،	صعده، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۴،	صلح، ۵۸
۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۲،	صنعا، ۳۳۱، ۳۴۰
۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۲۲، ۳۲۳،	صیبره، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۹۵
کاشان، ۷۰، ۵۸، ۹۵، ۳۳۲	طائف، ۱۲۲
کاشمیر، ۱۲۴	طبرستان، ۵۹، ۶۰، ۸۶، ۹۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۳۰۱، ۳۰۲
کربلا، ۳۰۶	طرخان، ۱۶۸
کرخ، ۹۲	طوس، ۲۴۴، ۲۷۹
کرمانشاه، ۵۸	عبرتاء، ۹۲
کنس، ۱۱۰، ۱۵۵	علن، ۱۱۲
کشمیر، ۱۵۵	عراق، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۳۳، ۵۵، ۵۹، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۹
کلین، ۱۰۴	۸۷، ۹۲، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۳۶، ۱۳۶، ۱۵۲، ۱۵۵
کوفه، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۴۰، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۵،	۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۰۱
۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۹، ۸۰،	۲۶۰، ۲۵۹، ۲۶۹، ۲۳۵، ۲۳۱، ۲۱۸، ۲۱۳، ۲۱۱
۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳،	۲۶۹، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۰۲، ۳۰۳
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹،	۲۰۴، ۲۱۳، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۸، ۲۳۶
۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸،	عسکر مکره، ۱۹۷
۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹،	غافریه، ۳۰۶
۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰،	فارس، ۳۴، ۱۲۸، ۱۸۹، ۲۳۲، ۲۶۴، ۳۳۳
۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۹،	لالان، ۱۳۱، ۱۳۲
۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵،	قاهره، ۸۸، ۳۳۸
۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸،	قزوين، ۴۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۹، ۲۳۲، ۲۵۵، ۲۶۲
۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۴، ۲۲۴، ۲۲۴، ۲۲۸،	۳۵۰، ۳۰۴
۲۲۷، ۲۳۸، ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲،	قفص، ۱۲۹
۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵،	قهر، ۱۳، ۱۷، ۲۲، ۲۹، ۳۱، ۳۷، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۰
۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۸۹، ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۹،	۷۰، ۷۵، ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۲
۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۶،	۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴
۳۱۷، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۷،	۱۶۵، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۴

مغرب، ۱۶، ۵۳، ۲۶۲، ۳۱۵.....	۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۳۲
مگھ، ۳۵، ۷۳، ۱۲۷، ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۸۲.....	گروگان، ۶۶، ۶۵، ۲۰۲
۳۳۱، ۳۳۸، ۳۳۴، ۳۳۱.....	لاذقیہ، ۲۲۰
منیچ، ۳۳۶.....	مادران، ۵۸
موصل، ۷۶، ۱۲۴، ۲۴۰، ۲۵۱.....	ماذراہا، ۵۸
موافقین، ۱۳۱.....	مازندران، ۲۰
میسان، ۱۱۹.....	ماہشہر، ۲۷۵
نخارین، ۱۶۸.....	مدائن، ۳۳، ۳۱۹
نہاوند، ۲۷، ۵۸، ۳۲۴.....	مدینہ، ۷۳، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۳، ۱۲۳، ۱۲۳، ۱۹۳، ۲۱۳
نیشاپور، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۶۵، ۶۶، ۸۱، ۱۰۱، ۱۰۲.....	۲۴۰، ۲۶۰، ۲۸۲، ۲۹۸، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰
۱۱۳، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۴۹.....	مدینۃ السلام، ۲۲۹
۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۶، ۳۲۵.....	منار، ۱۱۹
واسط، ۵۸، ۹۲، ۱۲۶، ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۳۷، ۳۳۳.....	مراغہ، ۴۷
وردانہ، ۳۲۹.....	مسروہ، ۷۲، ۱۵۵، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۹۳، ۳۲۷
ہمدان، ۳۶، ۳۷، ۵۸، ۲۹۶، ۲۹۶.....	۲۷۸، ۲۵۵
ہند، ۵۳، ۲۲۲، ۲۵۳، ۳۳۳.....	مرو رود، ۵۰
یمامہ، ۳۳۱.....	مسجد امام، ۵۵
یمن، ۷۶، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۵۳، ۱۷۲، ۳۳۱، ۳۳۷.....	مسلیہ، ۳۱۱
۳۴۰، ۳۳۹.....	مصر، ۳۵، ۵۳، ۷۶، ۱۵۳، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۵۱، ۳۱۵
یونان، ۳۴۳، ۳۴۴.....	۳۴۸، ۳۳۷، ۳۳۲

نمايه كتب

..... ٢٢٥	البات امامة عبدالله بن جعفر افطع، ٢٢٥
..... ٩٦	اجتهاد الرأي، ٩٦
..... ٧٧	اجزاء في الحديث، ٧٧
..... ٢٨٧	الاحاديث الساذه، ٢٨٧
..... ١٢٩	احكام القراءات، ١٢٩
..... ١٢٩	احكام مواليد، ١٢٩
..... ٢٠٨، ٢٠٦	اخبار ابي نواس، ٢٠٨، ٢٠٦
..... ٣٢٨	اخبار ابي نواس و المخارق من شعره، ٣٢٨
..... ٣٢٨	اخبار الاطباء مع الملوك، ٣٢٨
..... ٥٣	اخبار الامم السالفه، ٥٣
..... ٥٢	اخبار بغداد، ٥٢
..... ٣٢٥، ١٣٠، ١٢٨، ٨٦	اخبار الحكماء، ٣٢٥، ١٣٠، ١٢٨، ٨٦
..... ٣٠٠	اخبار زيد بن عليؑ، ٣٠٠
..... ٣٣٩	اخبار الزيتيات، ٣٣٩
..... ١٠٣	اخبار السيد، ١٠٣
..... ٢٥٠، ١٦٨	اخبار الطوال، ٢٥٠، ١٦٨
..... ٣٠٠	اخبار فاطمهؑ، ٣٠٠
..... ٣٣٩	اخبار المدينه، ٣٣٩
..... ١٩١	اخبار المهدي المنتظر(عج)، ١٩١
..... ٨٦	اختصار كتاب قاطيغورياس، ٨٦
..... ٤٨، ٣٨، ٣٦، ٣٢، ٣٠، ١٥	اختيار معرفة الرجال، ٤٨، ٣٨، ٣٦، ٣٢، ٣٠، ١٥
..... ١٣٧، ١٤٠، ١١١، ١٠٧، ١٠٣، ١٠٢، ٨٢، ٨٢، ٥٧ ١٣٧، ١٤٠، ١١١، ١٠٧، ١٠٣، ١٠٢، ٨٢، ٨٢، ٥٧
..... ١٥٣، ١٨٨، ١٦٠، ١٩٧، ٥٠٢، ٢١٢، ٢١٤، ٢١٥ ١٥٣، ١٨٨، ١٦٠، ١٩٧، ٥٠٢، ٢١٢، ٢١٤، ٢١٥
..... ٢١٨، ٢١٩، ٢٢٢، ٢٢٣، ٢٣١، ٢٣٣، ٢٤٠، ٢٤٢ ٢١٨، ٢١٩، ٢٢٢، ٢٢٣، ٢٣١، ٢٣٣، ٢٤٠، ٢٤٢
..... ٢٥٠، ٢٥٦، ٢٦٥، ٢٧١، ٢٧٣، ٢٧٨، ٢٨٠، ٢٨٥ ٢٥٠، ٢٥٦، ٢٦٥، ٢٧١، ٢٧٣، ٢٧٨، ٢٨٠، ٢٨٥
..... ٢٩٦، ٣٠٨، ٣١٠، ٣١٤، ٣٢٠، ٣٢٢، ٣٢٧، ٣٥٠ ٢٩٦، ٣٠٨، ٣١٠، ٣١٤، ٣٢٠، ٣٢٢، ٣٢٧، ٣٥٠
..... ٣٢٨	ادب الجليس، ٣٢٨
..... ٢٢٥، ٦٧	ادب الكاتب، ٢٢٥، ٦٧
..... ٣١٦	الاربعون حديثاً، ٣١٦
..... ٢٢٦	الاربع، ٢٢٦
..... ٢٧١	ازاحة العله، ٢٧١
..... ٢٨، ٢٥٠	الاستبصار، ٢٨، ٢٥٠
..... ١٢٩	اسرار النجوم، ١٢٩
..... ٥٢	اسماء الشعراء الاوائل، ٥٢
..... ٢٦١، ٢٢٧، ١٩١	اصحاب الامام الصادقؑ، ٢٦١، ٢٢٧، ١٩١
..... ٢٣٥	اصفياء امير المؤمنينؑ، ٢٣٥
..... ٦٨	اصلاح المنطق، ٦٨
..... ٨٤	الايظله، ٨٤
..... ١٣٠، ١٩١، ٢٥٢، ٢٥٢، ٢٦١، ٢٣٥ ١٣٠، ١٩١، ٢٥٢، ٢٥٢، ٢٦١، ٢٣٥
..... ٢٧٧، ١٦٦، ١٠٥	علام الوري بأعلام الهدى، ٢٧٧، ١٦٦، ١٠٥
..... ٣٣٥	اعمال الاصباغ، ٣٣٥
..... ٩١، ٨٦، ٨٢، ٧٢، ٦٦، ٣٤، ٣٤، ٣٤	اعيان الشيعة، ٩١، ٨٦، ٨٢، ٧٢، ٦٦، ٣٤، ٣٤، ٣٤
..... ٩٦، ١١١، ١١٧، ١٢٠، ١٢٢، ١٢٤، ١٣٥، ١٣٩ ٩٦، ١١١، ١١٧، ١٢٠، ١٢٢، ١٢٤، ١٣٥، ١٣٩
..... ١٥٩، ١٦٢، ١٧١، ١٧٣، ١٨١، ٢٠٨، ٢٣١، ٢٤٢ ١٥٩، ١٦٢، ١٧١، ١٧٣، ١٨١، ٢٠٨، ٢٣١، ٢٤٢
..... ٢٦٩، ٢٨٨، ٢٣٣، ٢٣٥، ٢٣٦ ٢٦٩، ٢٨٨، ٢٣٣، ٢٣٥، ٢٣٦
..... ١٥٣، ١٨٨، ١٦٠، ١٩٧، ٥٠٢، ٢١٢، ٢١٤، ٢١٥ ١٥٣، ١٨٨، ١٦٠، ١٩٧، ٥٠٢، ٢١٢، ٢١٤، ٢١٥

..... ١٧٧	أنسَاب قريش، ٣٣٠	اكمال الكمال،
..... ١٩٢، ١٧٩، ١٦٤، ١٣٧، ١٠٠، ٩٧، ٩٢	بحار الانوار، ٥٢	القباب الشعراء،
..... ٣٣٣، ٣٢٠، ٢٩٧، ٢٨٨ ١٢٩	الاولاف في بيوت العيادات،
..... ٦٨	البحث في حساب الهند، ٢٩٥	الامامة من الاخبار والروايات،
.....	البدر المشعشع في احوال خزينة موسى المبرقع، ٣٦	الامامة والتبصرة،
..... ٣٣٣، ١٨١، ١٨٠ ٦٧	الامامة والسياسة،
..... ١٢٩	برهان الكفاية، ٣٣٦، ٣٢٧	امل امل،
..... ١٥٩	البشارات، ٢٢٥، ١٩١، ١٧٨، ٩١، ٧٣، ٧٢، ٦٧، ٦٠، ٦٠	الانساب،
..... ٢١٨، ١٨٣، ١٨٢، ١٦٦، ١٠٩، ١٠٩	بصائر الدرجات، ٣٣٩، ٣١٦، ٣١٠
..... ٣٠٣، ٢٩٤، ٢٩٣، ٢٥٩، ٢٣١ ٢٢٦، ١٩٢	الانوار،
..... ٢٩٣	بصائر الدرجات الكبرى و بصائر الدرجات الصغرى، ١٨، ١٤، ٥	او چه کسی است؟،
..... ٩٦	بحث الحكمة، ١٧٨	الاولس و الخرزج،
..... ٥٢	بلاغات النساء، ٢٧١، ٢١٢	الايضاح،
..... ١٥٤، ١٣٢، ١٣٠، ١١١، ٧٩، ٦٨، ٥٣	اليسلطان، ١٩٧، ١٢٢، ١٠٧، ٨٤، ٧٠، ٦٤	ايضاح الاستبصار،
..... ٣٠٦، ٢٨٧، ٢٨٢، ٢٥٠، ٢٤٦، ٢٣٣، ٢١٢ ٣٣٠، ٢٩٧، ٢٩١، ٢٤٣، ٢٦٠، ٢٢٧، ١٩٩
..... ٢٠٨	بهجة المجالس، ٣٩٧، ٣٦٥، ٣٢٨، ٢٤٣، ٢٣١	ايضاح الصكون،
..... ١٩٦	البيع و الشراء، ٣٣١	الايضاح و درجاته و زيادته و نقصانه،
..... ٣٣	بيعة امير المؤمنين، ١٧٨	أخبار ابن الدمينة،
..... ٩٦	التاج، ١٧٨	أخبار ابن ميادة،
..... ٢٢٨	تاج المروس، ٣٢٢	أخبار ابي العيناء،
..... ١٦٣	تاج الموالي، ١٧٨	أخبار العرب و اتمامها،
..... ٥٣	تاريخ آتاب اللغة العربية، ٢٠٧	أخبار ابي نواس،
..... ٢٩٧، ٢٩٥، ١٤٩	تاريخ آل زراره، ١٧٨	أخبار جميل،
..... ٢٥٩	تاريخ الاتقه، ١٧٨	أخبار حسان،
..... ١٦٠، ٩١، ٨٨، ٧٧، ٧٠، ٦٩، ٥٢	تاريخ بغداد، ١٧٨	أخبار كثير،
..... ٣٢٦، ٣٢٢، ٢٨٧، ٢٢٨، ٢٢٧، ٢٢٥، ٢٠٨، ٢٠٠ ١٧٨	أخبار نصيب،
..... ٣٣٨، ٣٣٦، ٣٢٩ ٢٠٧	الأربعة في أخبار الشعراء،
..... ٣٣٥	تاريخ تمغن، ٢٦	اسماء الجبال و المياه و الأودية،

تاريخ الحكماء، ۸۵	التشبيهات، ۲۰۸
تاريخ الرجال، ۱۵، ۷۶، ۳۳۹	تشبيهات، ۲۰۸
تاريخ رويان، ۱۳۵	تفسير العسكري <small>عليه السلام</small> ، ۷۷
تاريخ طبرستان، ۶۰	تفسير القرآن، ۶۸، ۷۷
تاريخ العصر الخلافة العباسيه، ۲۴۸	تفسير القرآن (از سورة منافقون تا نبا)، ۳۴۱
تاريخ عصر غيبت، ۲۴۸	تفسير القصي، ۲۹۷
تاريخ الفلسفه في الاسلام، ۳۳۵	تفسير جوامع الجامع، ۷۹
تاريخ قم، ۶۰، ۱۲۶	تفسير غريب الصادقين، ۲۲۶
التاريخ الكبير، ۵۳	تفسير فرائد الكوفي، ۹۱، ۱۱۶
تاريخ مدينة دمشق، ۲۶، ۶۲، ۱۶۱، ۲۰۸، ۲۴۸، ۳۱۶	تفسير قمی، ۱۳۳
تأخير المعرفه، ۲۸۷	تقريب التهذيب، ۷۲
تاويل مختلف الحديث، ۲۲۵	التقيّه، ۱۵۹، ۱۶۲
تثبيت امامه اميرالمؤمنين <small>عليه السلام</small> ، ۳۴۱	نمام الفصيح، ۹۸
تثبيت دلائل النبوه، ۱۵۴	تمهيد لتاريخ الفلسفه الاسلاميه، ۳۲۵
تجارب الامم، ۳۲۴	تناقض های قرآن، ۳۳۲
التجريح، ۲۲۶	تنقيح المقال، ۲۹، ۴۶، ۷۸، ۷۹، ۹۸، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۸۲
التجفل و العروه، ۳۱۸	۱۰۹، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۸۲
التحرير الطاوسي، ۳۲، ۵۷، ۸۲، ۱۴۷، ۱۴۹، ۲۶۵	۱۹۲، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۴۶
۲۷۱، ۲۸۰، ۲۹۸	۲۸۶، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۵۰
تحف العقول، ۱۰۲	التوحيد، ۸۴، ۱۴۱، ۱۸۵، ۱۹۰، ۲۵۰، ۲۹۵، ۳۳۱
تحفة الاحقاف، ۱۹۲، ۳۲۲	توحيد، ۲۳۷
التدوين في ذكر اهل العلم بقروين، ۱۷۱	تهذيب الاحكام، ۳۰، ۶۲، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۷۹، ۱۸۳
تذکره الحفاظ، ۷۷، ۲۰۰	۲۰۲، ۲۱۴، ۲۷۱، ۲۹۵، ۳۱۰
تربيه هرمز بن كسرى انوشروان، ۵۲	تهذيب التهذيب، ۲۱۵
ترجمه موسى المبرقع، ۳۳۳	تهذيب الكمال، ۲۵۲
تسمية من شهد فتح اميرالمؤمنين <small>عليه السلام</small> في الجفل و	تهذيب المقال، ۴۲، ۸۲، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۶۹، ۱۶۷
الصفيين و الثوران من الصحابه، ۱۵	۲۳۳، ۲۶۱، ۲۷۴
التسويه، ۶۳، ۶۴، ۶۶	تهذيب المقال في تنقيح كتاب الرجال، ۲۹۵

ديوان الشعر، ٣٣٦.....	الرّد على الطاطرى فى الامامة، ٢٣٧.....
ديوان العلوى الحفانى، ٢٣٨.....	الرّد على اغتاليه، ١٥٩.....
ذكر لشبار اصبهان، ٣٤.....	الرّد على الفلاسفه، ٢٧١.....
ذيل تاريخ بدهله، ٢٢٧، ٢٢٨، ٣٣٦.....	الرّد على المجيزه والقديره، ٣٣١.....
ذيل كشف الظنون، ٥٣.....	الرّد على الحنفيين، ٢٨٧.....
الرجال، ١٥، ٣٠، ٣٢، ٣٦، ٣٨، ٤٠، ٤٨، ٥٦، ٥٧.....	الرّد على الواقفه، ١٥١، ٢٦٥.....
٤٤، ٤٧، ٧٦، ٨٠، ٨٢، ٨٤، ٩٩، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٧.....	الرّد على من زعم أن القرآن قد ذهب بعضه، ٣٣١.....
١١١، ١٣٢، ١٤٠، ١٤٧، ١٤٩، ١٥٣، ١٨٥، ١٨٨.....	الرّد على من زعم أن النبي ﷺ كان على دين قومه، ١٥٥.....
١٩٠، ١٩٢، ١٩٣، ١٩٧، ٢٠٢، ٢١٢، ٢١٤، ٢١٥.....	الرّد على من زعم أن النبي ﷺ كان على دين قومه قبل النبوه، ١١٤.....
٢١٨، ٢١٩، ٢٢٢، ٢٢٣، ٢٣١، ٢٣٣، ٢٣٤.....	الرّد على من يحتج بصحة النبوه بالمعجزات، ٩٦.....
٢٤٠، ٢٤٤، ٢٥٠، ٢٥٤، ٢٦١، ٢٦٢، ٢٦٣، ٢٦٥.....	الرّد، ٣٣.....
٢٧١، ٢٧٢، ٢٧٧، ٢٧٨، ٢٨٠، ٢٨٥، ٢٨٦، ٢٩٠.....	الرضا ﷺ، ٣٨، ٧٠، ٧٣، ١٤١، ١٦٦، ١٧١، ١٧٢، ١٧٦.....
٢٩١، ٢٩٢، ٢٩٦، ٢٩٨، ٣٠٥، ٣٠٨، ٣١٠، ٣١٤.....	رجال ابن خراش، ٢٠٠.....
٣١٨، ٣٢٠، ٣٢٤، ٣٢٧، ٣٥٠.....	رجال البرقى، ٧٨.....
رجال ابن خراش، ٢٠٠.....	روضات الجنات، ٣٣، ٣٦، ٧٢، ٩٧، ٩٨.....
رجال البرقى، ٧٨.....	روضه الواعظين، ١٦٤.....
رجال الشيعة فى اسانيد السنه، ٦٢.....	رياحين الشريعه، ١٦٤، ١٨٠.....
رجال العقيقى، ٧٣، ٣٣٩.....	رياحى العلماء، ١٣٣.....
رجال كنى، ١٤٤، ١٥٣، ٢١١.....	ريحانه الادب، ٩٧.....
الرجعة واحاديثها، ٢٧١.....	الزمره، ٩٦.....
الرّد على الاخبار الكاذبه، ٦٦.....	الزيادات فى معانى الشعر، ٧١.....
الرّد على الاسماعيليه، ٢٦٥.....	زيارة ابي عبدالله ﷺ، ٣-٦.....
الرّد على اهل الزيغ من المشبهين، ٣٣١.....	سز السلسله العلويه، ١٢٦.....
الرّد على اهل القدر، ٢٩٥.....	سرقاات الباحثرى من ابي تمام، ٥٢.....
الرّد على الحنبلئ، ٦٦.....	سرقاات الشعراء، ٥٢.....
الرّد على الزيديه، ١٥٥.....	سعد السعود، ١٣٧.....
الرّد على الشجرى، ٦٦.....	

.....	السلفية، ٣٤، ٩٦، ٣٠٠	صاحب الهداية الكبرى، ٢٢٠
.....	سلاسل الذهب، ٢٣٣	صحيح مسلم، ٦٥
.....	سماه المقال، ١١١، ١٦٨، ١٦٩	صحيفة الرضا <small>عليه السلام</small> ، ٧٠
.....	السنن الكبرى، ٢٢٣	الصفة في مذهب الواقفة، ٦٣
.....	السنن، ١٦٢	صلاة، ١٥٩، ٢٣٧، ٢٥٤
.....	سه حكيم مسلمان، ١٧	صناعة الشعر، ٢٠٨
.....	السياسة الصغير، ٨٦	الضعفاء الكبير، ٣١٦
.....	سير اعلام النبلاء، ٨٨، ١٧، ٢٠٠، ٢٤٨، ٣٢٢، ٣٣٦	الضياء في الامامة، ١٨٢
.....	سيرة القائم (عج)، ٣٣٠، ٣٣١	الطب، ٨٢، ٢٠٩، ٢٣٥
.....	سؤالات الحاكم النيشابوري، ١٩٢	الطبائع، ٩٦
.....	الشافعي في الامامة، ٩٦	طب الائمة، ٢٨٢
.....	شرائع الايمان، ١٦٧	طبقات اعلام الشيعة، ١٦، ٧٣، ٧٤، ٧٥، ٧٦، ٨٢
.....	الشراء والبيع، ٩١	٨٨، ٩٢، ٩٩، ١٠٥، ١٠٦، ١١٥، ١٢٧، ١٤١، ١٤٣
.....	شرح الاخبار، ٩٢، ١٩٢	١٦٠، ١٩٩، ٢٨٦
.....	شرح اصول كافي، ١٨٦، ٢٦٥، ٢٩٩، ٣٣٣	طبقات اعلام الشيعة، القرن الرابع، ٢٠٩
.....	شرح المودة في الدين، ٣٣١	طبقات الرجال، ١٥
.....	شرح منة كلمه، ٢٤٨	طبقات الشعراء، ٢٠٨
.....	شخصت باب، ١٢٩	طبقات المحذنين باصبيهان، ٧٧
.....	شعر ابي طالب، ٢٠٨	طبقات النحاة، ٣٣٨
.....	شعر ابي طالب بن عبدالمطلب و اخباره، ٢٠٧، ٢٠٨	طوائف الصقال، ٨٠، ١١٥، ١٢١، ١٢٢، ١٤٩، ١٥٢
.....	شعره عباسيون، ٢٦٩	١٧٨، ٣٢٨، ٢٩٠، ٢٩٦، ٣٢٢، ٣٣٣
.....	شعر ثابت بن قطنه، ٤٦	طلاق المتعمه، ٦٦
.....	شعر عجير سلولى، ٤٦	طلاق المجنون، ٦٦
.....	الشعر و الشعراء، ٦٨	الطليعة من شعراء الشيعة، ٢٦٩
.....	شواهد التنزيل، ٨٨، ٩١، ١١٦، ٢٧٣، ٣١٦	الماتسق و المعشوق، ٢٨٧
.....	الشيخ و الشيخه، ٢٩١	علمان شيعه، ١٧، ١٨، ١٩، ٢١، ٢٢، ٢٣، ٢٤، ١٦٩، ٣٣٥
.....	شيعيان بغداد، ٨٦، ٩٤	عدد الائمة، ٢٦٥
.....	صاحب الزمان (عج)، ٢٨٧	العدد القوية، ١٠٨

العروس، ٢٢٨	المصيح، ٩٨
العصر العباسي الثاني، ٢٢٨	فضائل العرب، ٨٤
علل الشرائع، ٣٨، ١٠٢، ١١٧، ١٣٨، ١٦٠، ١٦٢، ٣١٠	فضائل امير المؤمنين <small>عليه السلام</small> ، ٨٨، ٢٣٧، ٣٣١
علل الصلاة، ٥٦	فضائل بغداد و اخبارها، ٨٤
علل الصوم، ٥٦	فضل العرب على المعجم، ٢٢٥
عمدة الطالب، ١٢٠، ١٢٤، ١٢٦، ١٣٥، ٢٤٧، ٢٤٨	فضل الكوفة، ١٢٢، ٢٢٥
٣٣٣، ٣٣٢	فضل المؤمن، ٧٤
عيون اخبار الرضا <small>عليه السلام</small> ، ٣٨، ٧٠، ٧٣، ١٤١، ١٦٦	فضل النبي <small>صلى الله عليه وآله</small> ، ٨٤
١٧٦، ١٧٨، ١٩٥، ٢١٨، ٢٢٣، ٢٢٥، ٢٥٠	فضل النساء، ١٦٤
عيون الاخبار و الاسمار، ٧١	فضل قم و الكوفة، ١٨٢
عيون الاكباء في طبقات الاطباء، ٨٤، ٣٣٥، ٣٣٨	فضيحة المعتزله، ٩٦
عيون المعجزات، ٦٠	فقه الرضا <small>عليه السلام</small> ، ٢١٠
الفارات، ٣٣، ٣٤، ٣٢، ٨٢	الفوائد الرجالية، ٥٧، ٧٩، ١٦٤، ٢٢٩
الغدير، ١٩٢، ٢٤٢، ٢٨٧، ٣٣٦	الفهرست، ١٥، ٣٤، ٤٦، ٤٧، ٤٧، ٩١، ٩٦
الفرعاء من اصناف الائمة، ٤٦	١٠٦، ١٠٩، ١٣٠، ١٣١، ١٣٣، ١٣٨، ١٤٠، ١٤٩
لغيبه، ٣٢، ٣٨، ٣٢، ٣٣، ٣٩، ٤٢، ٤٨، ١٠٠، ١٠٥	١٥١، ١٥٩، ١٦٢، ١٦٦، ١٦٩، ١٧٦، ١٨٤
١٤٣، ١٦٠، ١٦٤، ١٩٠، ١٩٧، ٢٠٢، ٢٠٩، ٢١٢، ٢١٣	١٨٥، ١٨٨، ١٩٠، ١٩٢، ٢١٤، ٢١٨، ٢٣٤، ٢٣٧
٢١٢، ٢٢٢، ٢٣١، ٢٣٣، ٢٥١، ٢٥٢، ٢٦٥، ٢٧٧	٢٥٤، ٢٥٦، ٢٦٣، ٢٧٣، ٢٨١، ٢٩١، ٣١٠، ٣١٢
٢٨٥، ٢٩٨، ٣٠٣، ٣٠٥، ٣١٢، ٣١٤، ٣٣٨	٣٣٦، ٣٣٣، ٣٣٨
فائق المصيح، ٩٨	فهرست مصنفات شيعة، ١٥
فارابي مؤسس فلسفة اسلامي، ١٧	قبيله، ٢٠، ٢٣٧
الفراتن، ٣٠٦	قرب الاسناد، ١٧٦، ١٩٧، ٢٢١
الفرق بين آل و الائمة، ١٧٦	قرب الاسناد الى ابي جعفر الثاني، ٢٠٩
فرق الشيعة، ٣٢٤	قرب الاسناد الى الرضا، ٢٠٩
الفريد، ٩٦	قصص العلماء، ١٧
الفصول العشرة، ١٩٢، ٢٨٧	قضايا، ١٩٦
الفصول المخبريه، ١٢٦	قضايا امير المؤمنين <small>عليه السلام</small> ، ٢٢٠
الفصول المهشه، ٢٢٠	قضايا علي <small>عليه السلام</small> ، ٣٣١

کتاب التفهیم، ۲۶۵.....	کامل، ۶۱، ۱۳۵، ۱۷۷.....
کتاب التطویض، ۶۶.....	کامل الزیارات، ۳۹، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۹۳.....
کتاب التقیه، ۱۵۹، ۱۶۲.....	۲۲۲، ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۷۴، ۳۱۰.....
کتاب التوحید، ۳۳۸، ۱۸۵.....	۳۱۶، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۸.....
کتاب الجمل، ۳۴.....	کامل فی الامامه، ۱۹۹.....
کتاب الحج، ۱۵۱.....	کامل فی التاریخ، ۱۷۸.....
کتاب الحدیث، ۱۹۱، ۲۴۴، ۲۶۱.....	کامل فی الفقه، ۳۲۸.....
کتاب الحروب، ۲۶۵.....	کتاب ابی الجعد الطائی، ۷۰.....
کتاب الخطب، ۳۳۸.....	کتاب اسامی امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> ، ۲۹۲.....
کتاب الدعاء، ۱۵۹.....	کتاب الامامه، ۹۶، ۲۰۹، ۲۲۴، ۲۸۱، ۲۹۵، ۳۳۱.....
کتاب الدعاء و مسائل لابی الحسن الثالث <small>علیه السلام</small> ، ۳۳۸.....	کتاب الانبیاء، ۱۵۱، ۲۵۴.....
کتاب الدلائل، ۲۰۹.....	کتاب الاتواء، ۶۸.....
کتاب الدولین، ۲۸.....	کتاب الاوائل، ۶۶.....
کتاب الرجال، ۱۵، ۲۳۵، ۲۹۵، ۳۱۸.....	کتاب الاوصیاء و ذکر الوصایا، ۲۴۶.....
کتاب الرحمه، ۱۸۲.....	کتاب الاهلیجه، ۱۶۷.....
کتاب الردّ علی الفلأه، ۲۵۴.....	کتاب الیاهر، ۵۱.....
کتاب الرؤیا، ۳۴.....	کتاب الیشارات، ۳۹، ۱۵۹.....
کتاب الزهد، ۱۵۹.....	کتاب البلدان، ۵۳، ۶۸.....
کتاب السقیفه، ۹۶، ۳۰۰.....	کتاب بنی عبدالله بن غطفان، ۴۶.....
کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ۷۹.....	کتاب بنی عقیل، ۴۶.....
کتاب السنن و الآداب و مکارم الاخلاق، ۲۹۲.....	کتاب بنی کلب بن یربوع، ۴۶.....
کتاب صغیر، ۳۴.....	کتاب بنی مرّه بن عوف، ۴۶.....
کتاب صغیر الکبیر و المختصر، ۳۰۰.....	کتاب بنی نمر بن قاسط، ۴۶.....
کتاب الصلاة، ۵۷، ۱۴۹.....	کتاب البیان، ۱۳۵.....
کتاب الصناعین، ۵۳.....	کتاب البیع، ۱۰۵.....
کتاب الصهاکی فی فوائده الحشویه، ۶۶.....	کتاب التیاسیر، ۲۹۷.....
کتاب الصیام، ۲۸، ۱۴۹.....	کتاب التسویه، ۶۴، ۶۶.....
کتاب الطب، ۲۰۹، ۲۳۵.....	کتاب التفسیر، ۳۴، ۱۵۹، ۲۵۴، ۳۰۶، ۳۳۱.....

مختصرنامه، ١٢٩	مشايخ الثقات، ١٢٩، ٧٩
المدخل الى صناعة الطب، ٨٦	مشتريات كاظن، ٧٢
المدخل الى علم احكام النجوم، ١٢٩	المشيخة، ١٥، ٦٢
المدخل الى علم الموسيقى، ٨٦	مصباح المتهجد، ٤٢
المدخل الكبير في الزيج و علم النجوم، ١٢٨	المصون، ٩٨
مدينة المعاجز، ١٠٣، ١١٩، ١٥٦، ١٦٦، ٢٨٠، ٣٠٠	المطعم و المشرب، ١٩٦
المذكر و المؤنث، ٧١	المعارف، ٦٧، ٩١، ٢٢٥
مرآة الجنان، ٧٧	معالم العلماء، ٢٩، ٢٦، ٧٩، ١٥١، ١٨٥، ١٩٢
مرآة الكتب، ٧٢	٢١٩، ٢٤٥، ٢٨٨، ٢٩٢، ٣٠٨
المرجمات، ١٩٢، ٧٧	معاني الاخبار، ٢١٤، ٢١٥
مروج الذهب، ٨٦، ١٧٢، ٢٢٨	معاني الشعر، ٧١، ٩٨، ٣٣٦
المزار، ١١٦	معاني القرآن، ٩٨، ٣٢٨
مسائل، ١٨، ٣٧، ٤٥، ١٦١، ١٩٨، ٢٢٠، ٢٣٣، ٢٣٨	معجزات الائمه، ٩٦
٢٦١، ٢٧٦، ٣١٣، ٣٢٠، ٣٣٨	معجم احاديث المهدي (عج)، ٧٦، ١٥٦
مسائل اهل الببلان، ٢٥٠	معجم اعلام الشيعه، ٢٢٨، ٣١٦
مسائل الرجال، ٥٦	معجم الادياء، ٤٦، ٥٣، ٦١، ٦٨، ٧٢، ٨٦، ٢٠٢
مسائل عن ابي الحسن، ٧-١٠	٣٠٨، ٢٦٩، ٣٢٦
مسائل فراء، ٩٧	معجم الببلان، ٧٩، ٩٤، ١١١، ١١٣، ١٣٢
مسائل مجموعه، ٢٢٣	١٥٢، ٢١٢، ٢٣٣، ٢٦٦، ٢٨٣، ٢٨٧، ٣٠٦
المسالك و الممالك، ٨٦	معجم رجال الحديث، ١٦، ٢٩، ٣٠، ٣٤، ٤٠، ٥٦
مستدرک الوسائل، ٣٦، ٨٢، ١٣٧، ٢٥٩، ٢٧١	٥٧، ٦٤، ٧٥، ٧٩، ٨٠، ٨٢، ٨٨، ٩٤، ١٠٢، ١٠٦
مستدرک سفينة البحار، ٣٢٩	١١٩، ١٢٢، ١٣١، ١٣٣، ١٣٩، ١٤٠، ١٤٣
المستترشد في التوحيد، ٣٢١	١٥٧، ١٥٩، ١٦٤، ١٦٨، ١٦٩، ١٧٨، ١٨٢، ١٨٤
مسند الامام الرضا عليه السلام، ١٧٢	١٨٥، ١٨٨، ١٩٢، ١٩٣، ١٩٥، ٢١٠، ٢١٥، ٢١٨
مسند الرضا عليه السلام، ١٧١، ١٧٢، ٢٢٦	٢١٩، ٢٢٧، ٢٣١، ٢٣٢، ٢٣٣، ٢٣٩، ٢٤٢
المسند المعلل في الحديث، ٧٧	٢٤٦، ٢٥٤، ٢٥٦، ٢٦٢، ٢٦٥
مشاهدة الاشراف، ٢٢٦	٢٨٣، ٢٨٥، ٢٨٧، ٢٧٧، ٢٧٢، ٢٧٣، ٢٧٤
مشاهدة الناس لزمانهم، ٥٣	٢٨٣، ٢٩٠، ٢٩٢، ٢٩٤، ٢٩٦، ٣٠١، ٣٠٥
	٣٠٦، ٣٠٨، ٣١٢، ٣١٤، ٣١٨، ٣٢٢، ٣٢٦

..... مناقب، ۳۳، ۷۶، ۲۶۸ ۳۳۲، ۳۳۳
..... مناقب آل ابي طالب، ۵۷، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۳۲، ۳۰۰ معجم الشعراء، ۲۰۸، ۲۴۲، ۲۶۹
..... مناقب الرجال، ۲۸۶ معجم المطبوعات العربية و المعربة، ۲۲۶، ۲۴۲
..... مناقب الشيعه، ۱۸۲ معجم المؤلفين، ۳۴، ۵۳، ۶۴، ۶۸، ۷۲، ۷۷، ۹۴
..... مناقب اميرالمؤمنين <small>عليه السلام</small> ، ۷۷، ۸۷، ۹۲ ۱۳۰، ۱۶۷، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۸۲، ۲۹۰
..... المنتخبات، ۱۸۲ ۲۹۷، ۳۳۹، ۳۴۶، ۳۴۸
..... المنتخب من الفقه، ۳۴۱ معجم قبائل العرب، ۴۹، ۳۰۶
..... منثور الاحاديث، ۲۴۸ المعرفه، ۳۳، ۷۴، ۲۸۷، ۲۹۲، ۳۱۸
..... المنثور و المنظوم، ۵۲ معرفة راوه الاخبار، ۱۵
..... المنزلة بين المنزلتين، ۳۴۱ المعرفة في الصحابه، ۱۹۱
..... من لا يحضره الفقيه، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۴، ۲۰۲، ۲۳۳ المعرفين من الانبياء، ۵۲
..... ۲۳۸، ۲۴۹ المغازي، ۳۳، ۳۳۸
..... مواليق، ۲۳۷ مفاخره البكرية و المصريه، ۶۶
..... الموده في ذوى القربى، ۳۴ مقاتل الشعراء، ۵۲
..... المورد، ۲۶۸ مقاتل الطالبين، ۳۲۲
..... موسوعة الامام الجواد <small>عليه السلام</small> ، ۱۰۳، ۲۰۲، ۲۸۰، ۳۲۰ المقالات و الفرق، ۲۳۷
..... موسوعة مؤلفى الاماميه، ۳۳۳ مقاله فى مناقب اميرالمؤمنين <small>عليه السلام</small> ، ۷۷
..... الموشح، ۵۳ مقتضب الامر، ۲۸۸
..... الموقفيات، ۱۷۸ المقتضب فى الخطب، ۳۲۸
..... مهج الدعوات، ۲۴۵ مقتل اميرالمؤمنين <small>عليه السلام</small> ، ۳۰۰
..... ميزان الاعتدال، ۹۱ مقتل الحسين <small>عليه السلام</small> ، ۲۸، ۳۰۰
..... ناسخ القران و منسوخه، ۱۸۲ مقدمه فتح البارى، ۱۹۲
..... الناسخ و المنسوخ، ۸۴ المقصور و الممدود، ۷۱
..... نشر اللثالي، ۷۰ الملاحم، ۱۵۹، ۲۵۴، ۳۰۶
..... الندماء و الجلساء، ۴۶ ملاحم، ۲۶۰
..... نسخه‌اى از احاديث امام هادى <small>عليه السلام</small> ، ۲۳۸ الملاحم و الدلاله، ۹۱
..... نفى ابي فر، ۲۸ مناظره مع البحرى، ۲۸۶
..... نقد الرجال، ۲۹، ۳۰، ۵۷، ۶۴، ۸۰، ۹۱، ۹۹، ۱۰۲ المناقب، ۳۸، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۵۹، ۲۱۹، ۳۰۳

.....٢٢٨	الورقة في اخبار شعراء المحذلين،	١٩٣، ١٩٢، ١٨٨، ١٨٥، ١٦٨، ١٤٩، ١٣٢، ١٠٣
.....٢٣٨، ٢٣٢، ٢١٠، ٩٩، ٧٩، ٢٩	ومسائل الشيعة، ٢٩، ٧٩، ٩٩، ٢١٠، ٢٣٢، ٢٣٨	٢٩٦، ٢٩١، ٢٩٠، ٢٧٧، ٢٦٢، ٢٤٢، ٢٣٦
.....٣١٢، ٢٨٠، ٢٥٩	وصايا الاصفهاني، ٢٩٥ ٣٠٨، ٣٠٥، ٢٩٨
..... ٨٨	الوصول الى معرفة الاصول، ٨٨ ٦٦
..... ٣٣١	وصيتنامه منظوم، ٣٣١ ١٥١، ١٣٣، ١٠٩، ١٠٧، ٩٤، ٩١، ٨٤، ٨٢
..... ١٧٨	وفود النعمان على كسرى، ١٧٨ ١٨٥، ١٨٨، ١٩٧، ٢٣٤، ٢٥٤، ٢٩٠، ٢٩٢، ٢٩٥
..... ٢٤٥، ٢٣٢، ١٣٠، ٩٧	وفيات الاعيان، ٩٧، ١٣٠، ٢٣٢، ٢٤٥ ٣١٨، ٢٩٨، ٢٩٧
..... ٩٨	الوجهاء، ٩٨ ١٩٦، ١٧٨، ١٤٣، ١٣٨، ١٣٢، ١٢٢، ٩٠، ٨٤
..... ٢٦٥، ٢٥٩، ٢٥٨، ٢٢٠، ٢٩، ٤٩	الهداية الكبرى، ٢٩، ٤٩، ٢٢٠، ٢٥٨، ٢٥٩، ٢٦٥ ٣٢٢، ٣١٢، ٣١٠، ٢٨٢، ٢٧٣، ٢٦٠، ٢٢٢
..... ٢٨٨، ٢٧٧، ١٦٩، ١٦٦، ١٠٥	الهدى، ١٠٥، ١٦٦، ١٦٩، ٢٧٧، ٢٨٨ ٤٦
..... ٢٠٨، ١٣٠، ٧٧، ٧٢، ٥٧، ٥٢، ٤٦	هدية العارفين، ٤٦، ٥٢، ٥٧، ٧٢، ٧٧، ١٣٠، ٢٠٨ ١٤٠
..... ٣٤٨، ٣٢٩، ٢٩٦، ٢٩٠، ٢٦٥ ٢٦٥، ٢٩٠، ٢٩٦، ٣٢٩، ٣٤٨ ٢٨٦، ٢٨٥، ٨١
..... ٢٨٧	هندسة العقل، ٢٨٧ ٢٨١
..... ١٦٠، ٩٢، ٨٨	اليقين، ٨٨، ٩٢، ١٦٠ ٢٢٨، ٢٢٧، ١٢
..... ٢٦٢	ينابيع العوذة، ٢٦٢ ٥٢
..... ١٩٦، ٩٤	يوم وليله، ٩٤، ١٩٦ ٣١٨
..... ٧٢	الوفى بالوفيات، ٧٢ ٧٢

فهرست منابع

۱. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، تحقیق سیدمحمدباقر خراسان، نجف اشرف، دارالانعمان للطباعة والنشر، ۱۹۶۶ م / مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق؛ —
۲. اخبار الحکماء علی بن یوسف (ابن قفطی)، به کوشش بهین دارایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ ش؛ —
۳. الاختصاص، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین؛ —
۴. اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق محمدباقر حسینی میرداماد و سیدمهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ ق؛ —
۵. الاربعون حدیثاً، منتجب الدین (ابن بابویه رازی)، قم، مؤسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۸ ق؛ —
۶. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (۲ جلدی)، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، قم، دارالمفید؛ —
۷. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ —
۸. الاستبصار، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق سیدحسن خراسان، قم، ج چهارم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳؛ —
۹. اصحاب الامام الصادق / الفائق فی رواة واصحاب الامام الصادق علیهم السلام، عبدالحسین شبستری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق؛ —
۱۰. الاعلام: قاموس تراجم لاشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین،

- خيرالدين زركلي، ج پنجم، بيروت، دارالعلم للملایین، ١٤١٠ ق؛
١١. اعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، نجف اشرف، دارالکتب الاسلامیه، ١٣٩٠ ق / تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارمعرفة، ١٣٩٩ ق؛
١٢. اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، سیدمحسن امین عاملی، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٦ ق؛
١٣. افتتاح الدعوه، قاضی نعمان مصری، به کوشش فرحات دشرابی، تونس، ١٩٧٥ م؛
١٤. اكمال الکمال فی رفع الاریاتب عن المؤلف والمختلف فی السماء والکئی والانساب، الامیر ابونصر علی بن هبة الله بن علی (ابن ماکولا)، قاهره، دارالکتب الاسلامی؛
١٥. الامالی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، قم، دارالثقافه، ١٤١٤ ق؛
١٦. الامالی (فهرست احادیث اهل بیت)، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)؛
١٧. الامالی، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین؛
١٨. الامامة والتبصرة من الغیره، ابوالحسن علی بن الحسین بن بابویه القمی، مدرسه الامام المهدي (عج)؛
١٩. اهل الآمل، محمد بن حسن حرّ عاملی، تحقیق سیداحمد حسینی، بغداد، مکتبه الاندلس، نجف، مطبعة الآداب، ١٤٠٤ ق؛
٢٠. الانساب، ابوسعید عبدالکریم بن محمد سمعانی، تقدیم و تعلیق عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالجنان، ١٤٠٨ ق؛
٢١. الایجاز و الاحجاز، حسین بن محمد ثمالی مرغینی، بیروت، المکتب العالمی، ١٩٩٢ م؛
٢٢. الايضاح، فضل بن شاذان، تحقیق سیدجلالالدین حسینی ارموی محدث، تهران؛
٢٣. الايضاح الاشتباه، ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر (علامة حلّی)، تحقیق محمد حسون، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١١ ق؛
٢٤. ايضاح المکتون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، اسماعیل پاشا بن محمد امین بن میرسلیم بغدادی، تصحیح محمد شرفالدین بالتقایا، بیروت،

- داراحیاء التراث العربی؛
۲۵. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق؛
۲۶. البداية والنهاية، ابو الفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق؛
۲۷. البدر المشرع فی احوال فترية موسى المبرقع، میرزا حسین نوری طبرسی؛
۲۸. بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد عليهم السلام، محمد بن الحسن بن فروخ الصفار، الاحلی؛
۲۹. بلاغات النساء، ابو الفضل بن ابی طاهر (ابن طیفور)، قم، منشورات مکتبه بصیرتی؛
۳۰. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی زبیدی حنفی، بیروت، مکتبه الحیاء؛
۳۱. تاریخ الآداب اللغة العربیة، جرجی زیدان، بیروت، دار مکتبه الحیاء، ۱۹۸۳ م؛
۳۲. تاریخ ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد بن خلدون مغربی، ج چهارم، بیروت، داراحیاء التراث العربی؛
۳۳. تاریخ الامم والملوک معروف (تاریخ طبری)، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، بیروت، مؤسسة الاحلی؛
۳۴. تاریخ الائمة (المجموعه)، ابن ابی الثلج، تدوین و تحقیق عدده من علماء الشیعه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۶ ق؛
۳۵. تاریخ بغداد، ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷؛
۳۶. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش؛
۳۷. تاریخ رؤیان، اولیاء الله آملی، به کوشش منوچهر ستوده، ویرایش دوم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸؛
۳۸. تاریخ طبرستان، محمد بن حسن بن اسفندیار، تصحیح عباس اقبال، به اهتمام محمد رمضان، تهران، پدیده، ۱۳۶۶؛
۳۹. تاریخ العصر الخلافة العباسیه، یوسف العث، بیروت، دارالفکر المعاصر؛ و دمشق،

- دارالفکر، ۲۰۰۰ م؛
۴۰. تاریخ عصر غیبت، مسعود پورسید آقایی و دیگران، قم، حضور، ۱۳۷۹؛
۴۱. تاریخ الفلک فی الاسلام، آدم منز، ترجمه محمد عبدالهادی ابوریثه؛
۴۲. تاریخ قم، حسن بن حسن قمی، ترجمه حسن بن علی، تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱؛
۴۳. تاریخ مدینه دمشق، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله (ابن عساکر شافعی)، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق؛
۴۴. تبیین دلائل النبوة، قاضی عبدالجبار، به کوشش عبدالکریم عثمان، بیروت، ۱۹۶۶ م؛
۴۵. تجارب الامم و تعاقب المهتم، ابوعلی احمد بن محمد (ابن مسکویه)، قاهره، ۱۹۱۴ م؛
۴۶. التحرير الطاوسي المستخرج من كتاب حل الاشكال، احمد بن طاووس، تحقیق و تعلیق حسن بن زین‌الدین (الشهید الثاني)، تحقیق فاضل جواهری، قم، مکتبه العظمی مرعشی نجفی؛
۴۷. تحف العقول، ابو محمد حسن بن علی بن حسین (ابن شعبه حرّانی)، ۲ ج دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق؛
۴۸. تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ابو العلاء محمد عبدالرحمان بن عبدالرحیم مبارکفوری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق؛
۴۹. التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین، عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی، تحقیق عزیز اسد عطاردی، تهران، عطارد، ۱۳۷۶ ش؛
۵۰. تذکرة الحفاظ، شمس‌الدین محمد ذهبی، بیروت، داراحیاء التراث العربی؛
۵۱. التشیبهات، ابراهیم بن ابی عون، به کوشش محمد عبدالمعید خان، کمبریج، ۱۳۶۹ ق؛
۵۲. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق؛
۵۳. تفسیر عتاشی، محمد بن مسد عتاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران،

- المكتبة العلمية الإسلامية؛
۵۴. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم فرات کوفی، تحقیق محمد الکاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق؛
۵۵. تفسیر القمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، تصحیح سیدطیب جزائری، چ سوم، قم، مؤسسة دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق؛
۵۶. تقریب التهذیب، احمد بن علی (ابن حجر عسقلانی)، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛
۵۷. تمهید لتاریخ الفلسفة الاسلامیه، مصطفی عبدالرزاق، قاهره، المكتبة الثقافية الدينية؛
۵۸. تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، چ سنگی (سه مجلد)، خط احمد زنجانی، تاریخ کتابت: ۱۳۴۸ ق؛
۵۹. التوحید، شیخ صدوق، تحقیق سیدهاشم حسینی طهرانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۷ ق؛
۶۰. تهذیب الاحکام فی شرح المقننه، محمد بن حسن طوسی، تحقیق سیدحسن خراسان، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵؛
۶۱. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق؛
۶۲. تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، سیدمحمدعلی موحد ابطحی، قم، ناشر: فرزند مؤلف، ۱۴۱۲ ق؛
۶۳. الثاقب فی المناقب، عمادالدین ابوجعفر محمد بن علی الطوسی (ابن حمزه طوسی)، تحقیق نبیل رضا علوان، چ دوم، قم، انصاریان، ۱۴۱۲ ق؛
۶۴. ثلاثیات کلینی، شیخ امین ترمس العاملی، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۷ ق؛
۶۵. ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب، عبدالملک بن محمد ثعالبی، ترجمه رضا انزایی نژاد، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶؛
۶۶. ثواب الاعمال، محمد بن علی بن بابویه قمی (ابن بابویه)، چ دوم، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸؛
۶۷. جامع الرواة وازاحة الاشتباهات عن الطرق والاسناد، محمد بن علی غروی حائری اردبیلی، قم، مکتبه آیهالله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق؛

۶۸. الجرح والتعديل، شیخ الاسلام عبدالرحمان بن ابی حاتم رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۱ ق؛
۶۹. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمدحسن نجفی، تحقیق عباس قوجانی، تهران، ج سوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ق؛
۷۰. خاتمة المستدرک، میرزا حسین نوری طبرسی، قم، مؤسسة آل البيت علیہ السلام، ۱۴۱۶ ق؛
۷۱. خاندان نوبختی، عباس اقبال آشتیانی، تهران، کتابخانه طهروری، ۱۳۴۵ ق؛
۷۲. الخرائج والجرائع، ابوالحسن قطب‌الدین سعید بن هبة الله راوندی، قم، تحقیق و نشر مؤسسة الامام المهدي علیہ السلام، ۱۴۰۹ ق؛
۷۳. خصائص الوحي المبين، ابن بطریق، تحقیق شیخ مالک محمودی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۷ ق؛
۷۴. الخصال، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، مکتبة الصدوق؛
۷۵. خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، ابو منصور حسن بن یوسف (علامة حلّی)، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق؛
۷۶. خلاصة عقبات الانوار، سید حامد حسینی نقوی، تلخیص علی حسینی میلانی، قم، مؤسسة البعثة للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۵ ق؛
۷۷. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ ق؛
۷۸. دائرة المعارف تشیع، احمد صدر حاج سید جواد، تهران، نشر شهید سعید محتبی، ۱۳۸۰ ق؛
۷۹. دلائل الامامة، ابو جعفر محمد بن جریر طبری شیعی، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ ق؛
۸۰. الدرر الی تصانیف الشیعه، شیخ محسن آقا بزرگ طهرانی، ج سوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق؛
۸۱. ذکر اخبار اصهبان، ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، لیدن، مطبعة بریل، ۱۹۳۴ م؛
۸۲. ذیل تاریخ بغداد، ابو عبدالله محمد بن محمود (ابن نجار بغدادی)، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق؛

۸۳. ذیل کشف الظنون، شیخ محسن آقا بزرگ طهرانی، تحقیق و اضافات سیدحسن خراسان، نجف اشرف؛
۸۴. رجال ابن داود، تقی‌الدین بن داود حلّی، نجف اشرف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۹۲ ق؛-
۸۵. رجال الخاقانی، شیخ علی خاقانی، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، ج دوم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی (دفتر تبلیغات اسلامی) ۱۴۰۴ ق؛
۸۶. رجال الشیعة فی اسانید السنّه، محمد جعفر طبسی، قم، مؤسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۲۰ ق؛
۸۷. رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق؛
۸۸. رجال النجاشی، ابوالعبّاس احمد بن علی نجاشی، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق؛
۸۹. رسائل کندی، محمد عبدالهادی ابوریثه؛
۹۰. الروايع السماويه، میرمحمدباقر حسینی مرعشی داماد (محقق داماد)، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۵ ق؛
۹۱. روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، میرزا محمدباقر موسوی خوانساری، قم، اسماعیلیان؛
۹۲. روضة الواعظین، محمدفتال نیشابوری، تحقیق سیدحسن خراسان، قم، منشورات الرضی؛
۹۳. ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، ذبیح‌الله محلاتی، ج چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴؛
۹۴. ریاض دانات ایران و جهان، ابو معشر بلخی، ترجمه اکبر مرتضی‌پور، تهران، عطّار، ۱۳۸۰؛
۹۵. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب (۸ جلد در چهار مجلد)، میرزا محمدعلی آقا بالا خیابانی (مدرّس تبریزی)، ج دوم، تهران، ۱۳۶۴؛
۹۶. زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، سیدحسن موسی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱؛
۹۷. سز السلسله الطویه، ابونصر سهل بن عبدالله بخاری، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۳ ق؛-

٩٨. سعد السعوي، سيد بن طاووس حسني، نجف، المكتبة الحيدرية، ١٣٦٩ ق؛

٩٩. سماء المقال في علم الرجال، ابوالهذي كلباسي، تحقيق سيدمحمد حسيني قزويني،

قم، مؤسسة ولي عصر عليه السلام للدراسات الاسلاميه، ١٣١٩ ق؛

١٠٠. سنن دارقطني، علي بن عمر دارقطني، تحقيق مجدي بن منصور، بيروت، دارالكتب

العلميه، ١٤١٧ ق؛

١٠١. السنن الكبرى، ابوبكر احمد بن حسين بيهقي، بيروت، دارالفكر، بي تا؛

١٠٢. سير أعلام النبلاء، شمس الدين محمد ذهبي، تحقيق شعيب الارنؤوط، ج نهم،

بيروت، مؤسسة الرساله، ١٤١٣ ق؛

١٠٣. سؤالات الحاكم النيشابوري للدارقطني في الجرح والتعديل، دارقطني، تحقيق موقن بن

عبدالله بن عبدالقادر، رياض، مكتبة المعارف، ١٤٠٤ ق؛

١٠٤. سؤالات حمزة بن يوسف السهمي، علي بن عمر، تحقيق موقن بن عبدالله بن

عبدالقادر، رياض، مكتبة المعارف، ١٤٠٣ ق؛

١٠٥. شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، نعمان بن محمد (قاضي نعمان مغربي)،

تحقيق سيدمحمد حسيني جلالى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى؛

١٠٦. شرح اصول الكافي (١٢ جلدى)، محمد ملاً صالح مازندراني، تعليقات ميرزا

ابوالحسن شعراني؛

١٠٧. شرح مئة كلمه، كمال الدين ميشم بن علي بن ميشم بحراني، تحقيق ميرجلال الدين

حسينى ارموى محدث، قم، مؤسسة النشر الاسلامى؛

١٠٨. شعراء عباسيون، يونس احمد السامرائى، بيروت، ١٢٠٧ ق؛

١٠٩. شواهد التنزيل، عبيدالله بن احمد حاكم جسكاني، تحقيق شيخ محمدباقر

محمودى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١١ ق؛

١١٠. الضعفاء الصغير، عبدالله بن معتز، به كوشش عبدالستار احمد فراج، قاهره، ١٣٧٥ ق؛

١١١. طبقات اعلام الشيعة (نوايخ الرواة في رابعة المثات)، شيخ محسن آقابزرگ طهراني، ج

دوم، قم، اسماعيليان؛

١١٢. طبقات الشعراء؛

١١٣. طبقات المحدثين باصبيان والواردين عليها، ابو عبدالله بن محمد (ابن حبان)، معروف

- به «ابو الشیخ انصاری»، تحقیق عبدالغفور عبدالحق حسین البلوشی، ج دوم، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ ق؛
۱۱۴. طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، سیدعلی اصغر بروجردی جابلقی، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی، ۱۴۱۰ ق؛
۱۱۵. الطلیعة من شعراء الشیعة، محمد السماوی، تحقیق کامل سلیمان الجبوری، بیروت، دارالمورخ العربی، بی تا؛
۱۱۶. العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، علی بن یوسف مطهر (علامة حلّی)، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی، ۱۴۰۸ ق؛
۱۱۷. العصر العباسی الثانی، شوقی ضعیف، مصر، دارالمعارف، ۱۹۷۵ م؛
۱۱۸. حللی الشرائع، محمد بن علی بن بابویه قمی (ابن بابویه)، نجف اشرف، المکتبة الحیدریه، ۱۳۸۶ ق؛
۱۱۹. عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، جمال الدین احمد بن علی حسینی (ابن عنیه)، تحقیق محمدحسن آل طالقانی، ج سوم، نجف اشرف، المکتبة الحیدریه، ۱۳۸۰ ق؛
۱۲۰. هیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه قمی (ابن بابویه)، تحقیق شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق؛
۱۲۱. هیون الانباء فی طبقات الاطباء، ابوالعباس احمد بنق اسم (ابن ابی اصیبه)، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۸ م؛
۱۲۲. هیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، ناشر محمدکاظم کتبی، منشورات مطبعة الحیدریه، نجف ۱۳۶۹ ق؛
۱۲۳. الغارات، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (ابن هلال ثقفی)، تحقیق سیدجلال الدین ارموی محدث، قم، چاپخانه بهمن، ۱۳۵۵؛
۱۲۴. الفدیر فی الکتاب و السنّة والادب، عبدالحسین احمد امینی، ج چهارم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۷ ق؛
۱۲۵. الفییه، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم نعمانی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبة الصدوق؛
۱۲۶. الفییه، محمد بن حسن طوسی، تحقیق عبادالله تهرانی و شیخ علی احمد ناصح، قم،

- مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق؛
۱۲۷. فرج المہوم فی تاریخ علماء النجوم، سیدعلی بن موسی (ابن طاوس)، دارالذخائر للمطبوعات، ۱۳۶۸ ق؛
۱۲۸. فرق الشیعہ، حسن بن موسی نوبختی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۲ ق؛
۱۲۹. الفصول المشرفہ، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق فارس حسون، ج دوم، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق؛
۱۳۰. الفصول الفخریہ، سیدجمال‌الدین بن احمد حسینی (ابن عنبہ)، تحقیق سیدجمال‌الدین ارموی محدث، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳؛
۱۳۱. الفصول المہمہ فی اصول الائمہ، شیخ حرّ عاملی، تحقیق محمد قائینی، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضاؑ، ۱۴۱۸ ق؛
۱۳۲. فضل الکوفۃ و مساجدہا، محمد بن جعفر مشہدی حائری، تحقیق محمدسعید طریحی، بیروت، دارالمرتضیٰ؛
۱۳۳. لفقہ الرضاؑ، محمد بن علی بن بابویہ قمی (ابن بابویہ)، قم، تحقیق مؤسسه آل‌البتیۃ، قم، کنگرہٴ جهانی امام رضاؑ، ۱۴۰۶ ق؛
۱۳۴. فلاسفۃ شیعہ، شیخ عبداللہ نعمہ، ترجمہ سیدجعفر غضبان، ویراستہ پرویز اتابکی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷؛
۱۳۵. الفوائد الرجالیہ، سیدمحمدمہدی بحرالعلوم، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، تهران، مکتبۃ الصادق، ۱۳۶۳ ق؛
۱۳۶. الفہرست، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاہ، ۱۴۱۷ ق؛
۱۳۷. فہرست ابن ندیم، محمد بن اسحاق (ابن ندیم بغدادی)، ترجمہ رضا تجدد، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۰؛
۱۳۸. قرب الامتاد، عبداللہ بن جعفر حمیری قمی، قم، مؤسسه آل‌البتیۃ، ۱۴۱۳ ق؛
۱۳۹. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفّاری، ج دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیہ (آخوندی)، ۱۳۴۸؛

۱۴۰. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مقدمه جواد قتیومی، قم، مؤسسه نشر الفقه، ۱۴۱۷ ق؛
۱۴۱. الكامل فی التاریخ، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم (ابن اثیر)، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۲ ق؛
۱۴۲. کتاب البیع، امام خمینی، ج چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق؛
۱۴۳. کتاب سلیم بن قیس الهمالی، سلیم بن قیس هلالی
۱۴۴. کتاب الصناعین، ابوهلال عسکری، بیروت، ۱۴۰۶ ق؛
۱۴۵. کشف الحجب والاسرار عن اسماء الکتب والمنقار، اعجاز حسین نیشابوری کنتوری، ج دوم، قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق؛
۱۴۶. کشف الفنون عن اسامی الکتب والفنون، حاجی خلیفه، بیروت، داراحیاء التراث الاسلامی؛
۱۴۷. کشف الغمّة فی معرفة الائمة عليهم السلام، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی، ج دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق؛
۱۴۸. کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، ابوالقاسم علی بن محمد خزّاز قمی رازی، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمره ای، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق؛
۱۴۹. کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی تبریزی، ج سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق؛
۱۵۰. الکلبینی والکافی، عبدالرسول عبدالحسن غفّار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق؛
۱۵۱. کمال الدین وتمام النعمه (تک جلدی)، محمد بن علی بن بابویه قمی (ابن بابویه)، تحقیق علی اکبر غفّاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق؛
۱۵۲. کمال الدین وتمام النعمه (۲ مجلد)، محمد بن علی بن بابویه قمی (ابن بابویه)، ترجمه منصور پهلوان، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰؛
۱۵۳. الکتبی واللقاب (۳ مجلد)، شیخ عباس قمی، ج پنجم، تهران، ۱۳۶۸؛
۱۵۴. لسان المیزان، احمد بن علی (ابن حجر عسقلانی)، ج دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق؛

۱۵۵. المجدی فی انساب الطالبین، علی بن محمد علوی عمری نسابه، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم، کتابخانه آیه‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق؛
۱۵۶. مجمع الرجال، مولا عنایت‌الله قهپایی، تحقیق علامه سیدضیاء‌الدین اصفهانی، قم، اسماعیلیان.
۱۵۷. المعاسن، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق سیدجلال‌الدین حسینی ازروی محدث، تهران، دارالکتب الاسلامیه؛
۱۵۸. مختصر بصائر الدرجات، عزالدین حسن بن سلیمان حلّی نجف اشرف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۰ ق؛
۱۵۹. مدینة المعاجز، سیدهاشم بحرانی، تحقیق عزت‌الله مولایی همدانی، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ ق؛
۱۶۰. مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، عبدالله بن اسعد یافعی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق؛
۱۶۱. مرآة الکتب، علی بن موسی بن محمد شفیع تبریزی، تحقیق محمدعلی حائری، قم، مکتبه آیه‌الله العظمیٰ المرعشی، ۱۴۱۴ ق؛
۱۶۲. المراجعات، سید عبدالحسین موسوی شرف‌الدین، تحقیق حسین الرضایی، ج دوم، جمعیه الاسلامیه، ۱۹۸۲ م؛
۱۶۳. مروج الذهب و معادن الجوهر، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پابنده، ج سوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵؛
۱۶۴. المزار، محمد بن مکی عاملی شهید اول، مدرسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۱۰ ق؛
۱۶۵. المسائل السرویة، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تهران، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید؛
۱۶۶. مسائل علی بن جعفر، علی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، کنگره بین‌المللی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۹ ق؛
۱۶۷. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، ج دوم، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق؛
۱۶۸. المسترشد فی امامة امیرالمؤمنین علیه السلام، محمد بن جریر بن رستم (طبری شیعی)،

- تحقیق شیخ احمد محمودی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور؛
۱۶۹. مسند الامام الرضا علیه السلام، تحقیق عزیزالله عطاردی خبوشانی، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق؛
۱۷۰. مشایخ النقات، میرزا غلامرضا عرفانیان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق؛
۱۷۱. مصباح المنتهجد و سلاح المتعبد، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق؛
۱۷۲. المعارف، ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ ق؛
۱۷۳. معالم العلماء، ابن شهر آشوب مازندرانی، چاپخانه قم؛
۱۷۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ش؛
۱۷۵. معجم احادیث الامام المهدي، علی کورانی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ ق؛
۱۷۶. معجم الادباء (ارشاد الاریب الی معرفة الادیب)، یاقوت حموی، قاهره، مرجلیوٹ، ۱۹۳۶ م؛
۱۷۷. معجم البلدان، یاقوت بن عبدالله رومی بغدادی، (یاقوت حموی)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۹ م؛
۱۷۸. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، سید ابو القاسم موسوی خوئی، ج پنجم، قم، ۱۴۱۳ ق / قم، مدینه العلم، ۱۴۰۳ ق؛
۱۷۹. معجم الشعراء (تک جلدی)، ابو عبیدالله محمد بن عمران مرزبانی، تحقیق عبدالستار احمد فرج، قاهره، ۱۳۵۲ ق؛
۱۸۰. معجم قبائل العرب القديمة والحديثة، عمر رضا کخاله، ج دوم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۸۸ ق؛
۱۸۱. معجم المطبوعات العربیة والمعریة، یوسف الیان سرکیس، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ ق؛
۱۸۲. معجم المؤلفین تراجم مصنفی الکتب العربیة، عمر رضا کخاله، بیروت، مکتبه المشتی و داراحیاء التراث العربی؛
۱۸۳. مقاتل الطالبیین، ابو الفرج اصفهانی، تحقیق کاظم المظفر، ج دوم، قم، مؤسسه

- دارالکتاب، ۱۳۵۸ ق؛
۱۸۴. المقالات والفرق، سعد بن عبدالله اشعری، تحقیق محمدجواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش؛
۱۸۵. مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، احمد بن محمد بن عبدالله بن عیاش جوهری، قم، مکتبة الطباطبائی؛
۱۸۶. مقدمه فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، چ دوم، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر؛
۱۸۷. مناقب آل امی طالب، ابو عبدالله محمد بن علی (ابن شهر آشوب مازندرانی)، تحقیق گروهی از استادان نجف اشرف، نجف، چاپخانه حمیدیه، ۱۳۷۶ ق / بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق / قم، علامه؛
۱۸۸. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه قمی (ابن بابویه)، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق؛
۱۸۹. موسوعة الامام الجواد علیه السلام، تحقیق گروه علمی مؤسسه ولی عصر (عج) زیر نظر ابوالقاسم خزعلی، به کوشش حسینی قزوینی، قم، مؤسسه ولی عصر (عج)، ۱۴۱۹ ق؛
۱۹۰. موسوعة مؤلفی الامامیه، مجمع الفکر الاسلامی، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق؛
۱۹۱. الموضح فیما انکره العلماء علی بعض الشعراء (تک جلدی)، ابو عبدالله محمد بن عمران مرزبانی، قاهره، ۱۳۸۵ ق؛
۱۹۲. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، تحقیق علی محمد البجاری، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر.
۱۹۳. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۲ ق؛
۱۹۴. نقد الرجال، سیدمصطفی بن الحسین تفرشی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق؛
۱۹۵. نکت الهمیان فی نکت العمیان، خلیل بن ابیک صفدی، قاهره، ۱۳۲۹ ق، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۲؛

۱۹۶. النوادر، احمد بن عيسى اشعري، تحقيق مؤسسه امام مهدي (عج)، قم، مؤسسه امام مهدي (عج)، ۱۴۱۸ ق؛
۱۹۷. نهج البلاغه، علي بن ابي طالب عليه السلام، ترجمه محمد دشتي، قم، پارسايان، ۱۳۷۹ ق؛
۱۹۸. الوافي بالوفيات، صلاح الدين خليل بن ابيك صفدي، دارالنشر فرانتز شناير بقيبادان، ۱۹۶۱ م؛
۱۹۹. وسائل الشيعة، محمد بن حسن حرّ عاملي، تحقيق عبدالرحيم رتّاني شيرازي، بيروت، داراحياء التراث العربي؛
۲۰۰. وفيات الاعيان وانباء الزمان، احمد بن محمد بن ابي بكر (ابن خلكان)، احساس عيّاس، بيروت، دار صادر، ۱۳۹۸ ق؛
۲۰۱. الهداية الكبرى، ابو عبدالله حسين بن حمدان خصيبي، ج چهارم، بيروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۱ ق؛
۲۰۲. هدية العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنّفين، اسماعيل پاشا بغدادي، بيروت، داراحياء التراث العربي؛
۲۰۳. اليقين في امرة امير المؤمنين عليه السلام، سيد علي بن موسى بن طاووس حسيني، تحقيق محمد باقر انصاري و محمد صادق انصاري، قم، مؤسسه دارالكتاب، ۱۴۱۳ ق؛
۲۰۴. ينابيع المودة لذوي القربى، سليمان بن ابراهيم قندوزي حنفي، تحقيق سيد علي جمال اشرف الحسيني، قم، دارالاسوة، ۱۴۱۶ ق؛